دانشکده علوم اجتماعی وتعاون
ازانتشارات مؤسسه مطالعات وتحقیقات اجتماعی

۸٤

مونوگرافی ده

طالب آباد

از :

جواد صفی‌نژاد

دیماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

چاپ وصحافی دوهزار نسخه ازاین کتاب بتاریخ دیماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی درچاپخانه کیهانك
خاتمه پذیرفت

حق طبع مخصوص دانشکده علوم اجتماعی وتعاون دانشگاه تهران است

« چاپ دوم »

بها ۵۰۰ ریال

دیباچه

اجتماعات انسانی همواره در معرض تغییر و تطور بوده است. لکن در گذشته تغییرات اجتماعی غالباً بکندی و درطی زمانی دراز در اجتماعات پراکنده عالم صورت میگرفته است. اما پیشرفت عظیم علم وصنعت درقرن بیستم وبخصوص بعداز جنگ جهانی دوم تقریباً تمام اجتماعات بشری را بیکدیگر نزدیک کرده و همه را با هم کم وبیش دستخوش تطوراتی سریع و حیرت‌آور ساخته است.

بدین نحو در عصر حاضر تنها چگونگی رابطهٔ دو دولت وحتی دوملت ومبادلات تجاری و احیاناً فرهنگی بصورت قدیم مطرح نیست بلکه رابطهٔ علم وصنعت باسنتهای کهن، رابطهٔ کارخانه‌های عظیم خود کار باصنایع ظریف دستی، رابطهٔ طب جدید با سحر وجادو و دواهای بومی، رابطهٔ کشاورزی ماشینی باخیش چوبی و گاوآهن اجدادی، رابطهٔ تعلیمات جدیدآموزشگاهی باطرز تعلیم قدیم نیز مورد تحقیق ومطالعه قرارمیگیرد. درمقابل این تطورات دیگرنمیتوان منحصراً باتجربیات گذشته وبا رسوم وقواعد باستانی جریان زندگی ایلیاتی وروستائی راتنظیم نمود. این وضع بی‌سابقه اقتضاء میکند که ارزشها وملاکهای تازه‌ای نیز درنظر گرفته شود.

بدیهی است که اگر اجتماعی چشم بسته، یعنی بدون مطالعات قبلی ونقشه وبرنامه، تسلیم این تطورات سریع گردد جز نابسامانی بهره‌ای نخواهد برد. تصمیمات بدون تأمل وتعمق ممکن است بظاهر درحل مسأله‌ای مؤثر افتد لکن مآلاً مشکلات اجتماعی بسیاری را ایجاد خواهد کرد که نتایج اسف‌انگیز آن دامنگیر نسلهای آینده خواهد گردید.

دراینجااست که ملل مختلف حتی مبشران این ترقیات شگرف علمی وصنعتی ازتحقیقات و تجربیات علوم انسانی کمک میگیرند تا تغییرات را درجهت مطلوب سوق دهند، چه دراین میان مطلوب آنست که زندگانی اجتماعی انسان از شرایطی هرچه بهتر و مساعدتر برخوردار گردد. اصولاً تهیه کنندگان هر برنامه‌ایکه موجب تغییری در حیات اجتماعی و اقتصادی مردم است باید بدانند که از کجامیخواهند شروع کنند، درطلب چه نوع تغییراتی هستند، بکجامیخواهند برسند، وبالاخره درعمل بکجامیتوانند رسید. برای جوابگوئی باین پرسش ها درمرحلهٔ اول باید جنبه های مختلف

یک

زندگی اجتماعی واقتصادی جامعه آنطوریکه هست مطالعه شود. چنین مطالعه‌ای ممکن است در تنظیم برنامه وتعیین تقدم وتأخر نیازمندیها مورداستفاده قرارگیرد وسپس براین اساس و با توجه بهدفهای موردنظر میتوان ازانحرافات احتمالی جلوگیری کرد وبالاخره درپایان کار مشخص ساخت که آیا تغییرات موردنظر صورت گرفته است یانه وچنانچه جواب مثبت باشد تأثیر این تغییرات را در حیات اقتصادی و اجتماعی مردم باید معین نمود. تنها باین طریق است که میتوان رابطهٔ سرمایه گذاری را بانتیجه آن سنجید وازتکرار اشتباه احتراز کرد.

چنین بررسی و تحقیق و بالاخره ارزش یابی تحولات اجتماعی و اقتصادی کار علماء و محققان علوم اجتماعی است ویکی از روشهائی که در علوم مزبور بطور روزافزون طرفدار پیدا کرده وبکار میرود تهیه وتدوین مونوگرافی است.

مونوگرافی عبارتست از مطالعهٔ جامع یک اجتماع ویایک امر اجتماعی نظیر خانواده، طبقه وغیره. چون تحقیق جامع و کامل دریک اجتماع بزرگ عملاً غیرممکن است محققان ترجیح میدهند که یک اجتماع کوچک مثلاً اجتماع یک ده ویا یک واحد اجتماعی نظیر ایلی را مورد بررسی قرار دهند و کلیهٔ جنبه های معنوی و مادی و اجتماعی و اقتصادی آنرا مطالعه کنند. ولی باید توجه داشت که مونوگرافی تنها یک توصیف انتزاعی نیست، زیرا تمام شؤون یک اجتماع وروابط واقعی آنهارا بایکدیگر درنظر میگیرد. اگرهم برای سهولت مطالعه اجزاء جداجدا مورد ملاحظه ورسیدگی قرارمیگیرد ومثلاً ساختمان اجتماعی مجزا ازسازمان اقتصادی بررسی میشود نباید روابط وهمبستگیهای آنهارا مورد غفلت قرار داد، چه اجتماع از کنارهم قرارگرفتن اجزاء مختلف تشکیل نمیشود. دراجتماع باید نظام خاصی که روابط اجزاء ونسبت فعل وانفعال آنهارا بایکدیگر معین میکند درنظر گرفته شود.

محقق همیشه بایدتوجه داشته باشد که ذکرچند ترانه وچند ضرب المثل ویاچندلالائی نمیتواند معرّف یک اجتماع باشد مگراینکه روابط آنها باروحیات وتمایلات وآرزوهای افراد آن اجتماع نشان داده شود.

همچنین هنگامیکه اقتصاد جامعه موردبحث میباشد خطا است اگر بذکر میزان محصول گندم وجو درهکتار یاتعداد مرغ ودام اکتفا کنیم چون بخصوص درایلات و روستا که تخصص وتقسیم کار بدان صورت که در شهر دیده میشود وجود ندارد سازمان اقتصادی براساس همکاری ومعاضدت و پیوندهای ایلی و خویشاوندی استوار است و آنچه درخور تفحص وبررسی است همان روابطی میباشد که درسلسله تولید ـ توزیع ومصرف بین افراد موجود است.

بدیهی است که محقق نه تنها باید با روشهای تحقیق بلکه با اصول نظری و حوزه های مختلف در علوم اجتماعی آشنائی کامل داشته باشد تا بتواند پس از صرف اوقات فراوان دست به تهیهٔ مونوگرافی بزند. ازاینرو گذشته از روش علمی، مدتی طولانی لازم است تا بتوان اجتماع معینی را در موقعیتها و فصول مختلف مورد مطالعه قرار داد و از نتیجه گیریهای شتابزده اجتناب نمود.

در مونوگرافی حاضر قسمت عمده‌ای از شرایط مذکور رعایت شده است، بدین معنی که آقای جواد صفی نژاد که مدت دو سال در مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی بتحصیل اشتغال داشته اند با آشنائی به اصول و قواعد علمی و روشهای تحقیق در علوم اجتماعی این مطالعه را انجام داده اند. خاصه اینکه استاد ارجمند آقای دکتر راسخ شخصاً ایشان را در کار تهیه برنامه تحقیق و طرق تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری در طی پنجسالی که مطالعهٔ مونوگرافی بطول انجامیده است قدم بقدم راهنمائی کرده اند، بطوریکه محقق موفق گردیده است از حدود سنّت توصیف گام فراتر نهاده و بتحلیل روابط اجتماعی که غایت تحقیق علمی است نیز بپردازند.

همچنین همکار گرامی آقای دکتر کاظم ودیعی که سرپرستی گروه مطالعات روستائی را برعهده دارند در بخش مربوط به جغرافیای انسانی یعنی شناسائی رابطه انسان با محیط طبیعی آقای صفی نژاد را با راهنمائی های با ارزش خود یاری کرده اند.

این مونوگرافی بدون شک سرآمد کارهای مشابه است که از طرف مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی عرضه میگردد و جای خوشوقتی است که در این طریق پیشرفتی محسوس ملاحظه میشود. شایسته است که تحقیق حاضر سرمشق بررسیهای بعدی دانشجویان و علاقمندان و همچنین مورد عنایت و توجه طراحان و تنظیم کنندگان برنامه های عمرانی قرار گیرد.

تیرماه ۱۳۴۵

احسان نراقی

مقدمه

لفظ «مونوگرافی» بمعنای یکتانگاری است وچنان که در مقدمه کتاب «خارک»[1] آمده برتوصیفی جامع ونکته‌بین که باروش علمی دربارهٔ واحدی اجتماعی صورت گیرد اطلاق می‌شود. گرچه واضع نام وپایه گذار این شیوهٔ تحقیق دانشمند فرانسوی لوپله LePlay بوده که‌ازنیمه قرن نوزدهم باین گونه تصویرسازی از واقعیت‌های اجتماعی روی آورد اما مونوگرافی روستائی بالنسبه تازه‌تراست وهرچند تحقیقات منظم‌درباب جامعه‌های دهقانی ازهمان اواسط قرن‌نوزدهم آغازشده اما بررسی‌های موضعی‌ومحلی دربارهٔ ده یادهکده خاص وبیان‌اوصاف واحوال‌آن بوجهٔ کامل‌ودقیق تنهادرقرن بیستم‌نشئت یافته ورونق گرفته‌است.

ظاهراً علت عمده توجه بمطالعه ده وپژوهش درباب زندگی روستانشینان تحول سریع وشگرفی‌بود که براثر ارتباط باحیات شهری وورود تمدن ماشینی در دیه‌ها پدیدار شده ودنیای ساکنان روستارا بکلی دگرگون کرده بود. این تحول عظیم غیرمنتظر مشکلات بسیار بارآورد ومسائلی گران برخاطراندیشمندان همه‌جهان مطرح کرد وازجمله درآمریکا سبب شد که‌دربیست سال‌نخستین قرن‌حاضر، تحقیقات روستائی رواج و اهمیت یابد و دامنه‌اش وسعت گیرد و مباحث آن تعدد وتنوع پذیرد. چنانکه درسال ۱۹۳۷ جامعه‌شناسی روستائی امریکا حدود یازده مبحث عمده‌را شامل‌می‌شد واین‌شماره درسال ۱۹۵۰ به ۳۱ بالغ گردید وپیوسته‌این‌درخت‌رویان شاخه‌ها وجوانه‌های تازه برآورد.

مونوگرافی‌های‌اولیه بیشترجنبه‌تاریخی‌داشت‌چنانکه هم‌درپایان‌قرن‌پیش، آدامز Adams مطالعاتی‌تاریخی درباره دهات نیواینگلند انجام‌داده وتحقیقات مشابه درسالهای۱۹۰۶ و۱۹۰۷ باهتمام‌دومحقق دیگربنام‌ویلیامز وویلسن Wilson – Williams تحقق‌پذیرفته‌بود. اما‌مطالعات تجربی‌درباب دهات معاصرآمریکا ازحدود سال ۱۹۱۰ آغازشد و پژوهشگران فراوان بتصویری همه‌سوی‌نگرازدهات‌ووصف‌زندگی‌مردم وتشریح مؤسسات اجتماعی‌چون مدرسه وکلیسا‌پرداختند

۱- جزیرهٔ خارک دردورهٔ استیلای‌نفت - ازانتشارات مؤسسه مطالعات وتحقیقات‌اجتماعی- ۱۳۴۲.

ودانشمندانی چون گالپین Galpin روش های بدیعی در این عرصه بکار بردند وبدیگران تعلیم کردند.

ازجامعه‌شناسان آمریکائی که نخستین مونوگرافی های روستائی را در دهه دوم قرن بیستم منتشر کردند یکی مردی روحانی بنام ویلسن W.H. Wilson است که ۱۶ بررسی درباره جوامع محلی روستائی ومؤسسات مذهبی آنها بانجام رساند. روحانی دیگر بنام گیل C.O. Gill تحقیقی درباره انحطاط و کاهش نفوذ کلیساهای روستائی نشر کرد وتدابیری درحل این مشکل پیشنهاد نمود. ازاین توضیح می توان استنباط کرد که ازجمله عوامل رشد جامعه‌شناسی روستائی درآمریکا، علاقه به‌احیاء وتقویت مؤسسات مذهبی دردهات ونوعی انسان دوستی ودلسوزی درمورد سرنوشت مجهول روستا درقبال تهاجم تمدن صنعتی جدید بوده‌است. دراواسط دهۀ سوم قرن حاضر، برونر Brunner مدیرمؤسسه تحقیقات اجتماعی ومذهبی، براساس مطالعات مقدماتی که پیش ازآن بهمت «نهضت جهانی ارتباط کلیساها» صورت گرفته بود پژوهشی تازه درباره صدوچهل دهکدۀ کشاورز آمریکا انجام داد وهمان تحقیق را چندسال بعد درهمان دهات تکرار کرد. این مطالعه درشمار کاملترین بررسی ها که درباره تغیّرات جامعه روستائی امریکا بانجام رسیده محسوب است. درزمرۀ مطالعات ژرفانگر جامعه شناسی که درباره دهات امریکا منتشرشد ذکر رسالۀ دکتری ل. نلسون Nelson درباب یک دۀ منطقه یوتا بایسته‌است (۱۹۲۴). این رساله تحقیقات متعدد دیگری را ازهمان محقق ودیگران بدنبال داشت وبازارمونوگرافی روستائی را گرم کرد. ازحدودسال ۱۹۳۰ باین سوی، جمعی ازجامعه‌شناسان روستائی آمریکا تحقیقات خودرا به‌ممالک اروپائی وآمریکای جنوبی گسترش دادند (مانند برنسون Branson – ترپنینگ Terpenning – زیمرمن Zimmerman – اسمیت Smith – تیلور Taylor – وتن Whetten و نلسون Nelson) ودر ترویج روش های تحقیق امریکا درماوراء بحار مؤثر گردیدند.

دراروپا وازجمله درفرانسه نیز نخست پژوهش های تاریخی روستائی مورد عنایت بود وبعنوان نمونه می توان ازدو کتاب «ده درنظام قدیم» اثر بابو Babeau (۱۸۸۲) و «دهقانان وکارگران ازهفتصدسال قبل تاکنون» نوشته آونل Avenel (۱۸۸۹) یاد کرد. پس ازجنگ جهانی دوم به تأثیرجامعه‌شناسی آمریکا وروش های بررسی که درآن سرزمین متداول بود جامعه‌شناسان اروپائی وازجمله فرانسویان به‌پژوهش دربارۀ وضع کنونی دهات خود پرداختند. مندراس Mendras تحت‌عنوان «مطالعات درجامعه‌شناسی روستائی» به‌مقایسه یک ده امریکائی ویک ده فرانسوی اهتمام نمود (۱۹۵۳). برنو و بلانکار Bernot–Blancard مونوگرافی کاملی دربارۀ یک ده فرانسوی

منطقه نرماند عرضه داشتند (۱۹۵۳) ودرآن ازتاریخ ـ جغرافیا ـ جمعیت ـ اقتصاد ـ مراحل اساسی زندگی مردم ازگهواره تا گور ـ ونیزاز اندیشه ها ـ پندارهای جمعی ـ ارزش ها و اصول و قواعد اجتماعی بدقت وتفصیل سخن راندند.

روستانگاری درممالک دیگراروپائی بعدازربع اول قرن بیستم رواج واشاعه یافت. در آلمان درسال ۱۹۲۷ تحقیقاتی درباره ۱۲ ده پیرامون رود رَن صورت گرفت. درروسانی بهمت گوستی Gusti وشاگردان او ۶۲۸ مونوگرافی روستائی تنظیم شد.

درمیان کشورهای آسیائی باید ازهندوستان که درسال های اخیردرکار تحقیقات روستائی پیشرفتی نمایان حاصل کرده است یادآورد. سرینیواس Srinivas باهمکاری جمعی ازدانشمندان کتاب «دهات هند» را درسال ۱۹۶۰ تألیف کرد. دوب Dube کتاب «ده هندی» را درسال ۱۹۶۱ انتشارداد وبدین ترتیب کارصورتگری دهات رونق تام پیدا کرد.

درباب روش مونوگرافی ذکراین نکته خالی ازفائده نیست که لوبره Lebret فرانسوی درسال ۱۹۵۱ راهنمائی مفصل منتشر کرده ودرآن ازیکایک موضوعاتی که درجامعه دهقانی باید پژوهش وبررسی شود یاد کرده است. عنوان این کتاب «تحقیق روستائی» است وجامع ترین اثری است که محتوی مونوگرافی روستائی را روشن می کند ورجحان این روش را بر روش های پهنانگر چون آمار که بیشتربکار شناخت جامعه کلی می آید معلوم می دارد.

درتحقیق روستائی، بعقیده لوبره، باید از مطالعه موقع و مقرّده ابتدا کرد و پس ازآن به جمعیت و احوال آن اعم از ترکیبات و حرکات جمعیت پرداخت. همین که محقق از بحث مرفولوژی اجتماعی فارغ شد باید بمطالعه درباب تاروپود زندگی داخلی جامعه روی آورد وازجمله ساختمان شغلی ـ سازمان اقتصادی ـ حیات خانوادگی ـ وضع معیشت و مسکن ـ کیفیت وسائل وتجهیزات بهداشتی، فرهنگی ومانند آن را بررسی کند.

امروزه روش مونوگرافی درهمه جامعه ها مقبول افتاده. چنانکه مجله «جامعه شناسی معاصر» که ازچند سال قبل باهتمام یونسکو منتشر می شود وفهرستی از منابع وماخذ تازه درمورد هریک از ابواب و فصول و شعب جامعه شناسی بدست می دهد بر رواج مطالعات روستائی و مونوگرافی های ده شاهدی صادق است (از جمله رجوع شود به جزوه شماره ۱ ـ سال ۱۹۵۷ مجلهٔ فوق الذکر).

***

تحقیق علمی دربارهٔ جامعه روستائی کاری است که درایران دیرتر ازممالک امریکائی و اروپائی آغازشده. روستاشناسی ایران نخست جنبهٔ ادبی داشت وبیشتر برتحقیق درباب عقائد وآداب و رسوم وفرهنگ عامه مبتنی بود و کمتر درباره احوال وخصوصیات جامعه ـ گروهها ـ طبقات ـ نهادهای اجتماعی ومانندآن سخن می گفت. آثار آقای جلال آل احمد نویسنده ظریف طبع وواقع دوست نمودار این مرحله ازتکامل روستاشناسی ایران است[1].

ازدوسال پیش مؤسسه مطالعات وتحقیقات اجتماعی که درتوسعه پژوهش های جامعه‌شناسی سهمی بسزا دارد بخشی را به‌بررسی های روستائی اختصاص داده واین بخش که تحت نظر دانشمند جغرافی‌شناس آقای دکتر کاظم ودیعی اداره می‌شود نوید آن می دهد که مرحله‌ای تازه درسیرجامعه شناسی روستائی ایران گشوده شود. جزوهٔ «بررسی اقتصادی واجتماعی روستاهای ایلام» که اخیراً (مهرماه ۱۳٤٤) باهتمام آقای دکتر ودیعی و همکاران انتشار یافته ـ گرچه جنبه جغرافیائی آشکارا برآن غلبه دارد ـ طلایهٔ تحقیقات جامعه شناسی روستائی است. کتاب حاضر که آقای جواد صفی‌نژاد ازسالهاقبل به‌تنظیم آن همت گماشتند نشانه دیگری ازپیشرفت مطالعات جامعه‌شناسی درمحیط ده وزندگی دهقانی است. آقای صفی‌نژاد گرچه تحصیلات لیسانس خودرا درجغرافیا و تاریخ بپایان رسانیده و مطالعاتی که تاکنون منتشر کرده و از جمله فهرست کتب و رسالات ومقالات جغرافیائی که فراهم آورده حاکی از دلبستگی خاص او بعلم اخیراست اما دراین تحقیق بتاریخ وجغرافیای روستائی خرسند نگردیده وبسنده نکرده ودامنهٔ پژوهش را به‌مشخصات جامعه روستا و ازجمله ساختمان و حرکات جمعیت ـ ترکیب جامعه ازجهت گروهها وقشرها ـ ارتباطات ومناسبات اجتماعی ـ وضع مالکیت ـ روابط تولید وتأسیسات یانهادهای اجتماعی گسترش داده ودرعین حال ازتحقیق درفرهنگ معنوی ومادی ـ آداب ورسوم و عقائد وقصص وبازی‌ها و ابزارهای روستائی غفلت ننموده‌است.

درکتاب آقای صفی‌نژاد بسیار مطالب نو می‌توان جست که درآثار مشابه یافت نمی‌شود. چاپ بنچاق کهنه طالب‌آباد کاری بجا بوده همچنان که تنظیم نمودار آیش دراراضی ده اطلاعی سودمند اضافه کرده‌است. درتحقیق راجع به‌مشاغل ده نکته های تازه‌ای عرضه‌شده وفی‌المثل انواع

۱ـ رك. اورازان ۱۳۳۳ وتات نشین های بلوك زهرا ۱۳۳۷ و نیزنگاه کنید به مونوگرافی‌های دیگری که همکاران آقای آل‌احمد ـ درمؤسسه مطالعات وتحقیقات اجتماعی ـ بطبع رسانیده‌اند: فشندك از هوشنگ پورکریم ـ یوش ازسیروس طاهباز ـ ایلخچی ازغلامحسین ساعدی و خیاو یاسشکین‌شهر ازهمین نویسنده اخیر.

دهقانان وزارعان ازهم تفکیک یافته و گروه‌های شغلی نامأنوسی معرفی گردیده‌است. جمع‌آوری اصطلاحات روستائی درمورد آبیاری، چارپاداری یا زراعت، کاری پسندیده بوده که گرچه سابقه دارد اما آقای صفی‌نژاد از متقدمان پیشتر رفته‌است. اطلاعات مربوط به‌طرز تقسیم محصولات و درآمد روستائیان بسیار مفید می‌افتد وواه را برپژوهش های سودمند دیگری باز می کند. بسیاری از مطالبی که آقای صفی‌نژاد جمع آورده است معروف و مأنوس اذهان است فی‌المثل باید گفت که قسمت مهمی از اعتقادات وآداب ورسوم ده طالب‌آباد در طهران ونقاط دیگر کشور شناخته است وبهیچ روی تازگی ندارد اماضبط منظم آنها اگر فایده‌ای نرساند ضرری برنمی‌انگیزد و خصوصاً که گاه درخلال امور معهود و معلوم ، مطالب جدیدی چون «صورت جهیزیه یک عروس بالنسبه متعین روستائی» مکشوف می‌شود . تصاویر ، جداول و نمودارهائی که براین کتاب اضافه شده فوائد آن را فزونتر می کند وذوق ادامه مطالعه این کتاب را که به‌پشتکاری کم‌نظیر فراهم آمده است‌قوت‌می دهد .طرح وفهرست‌مطالب‌این کتاب‌حجیم گرچه درسواردی آشفته‌شده‌است امامحققانی را که درهمین راه قدم بگذارند الگوئی نیکو بدست می‌دهد .

گرچه این تحقیق بروصف جامعه دهقانی تکیه دارد اما زمینه را برکسانی که جویای تجزیه وتحلیل وشناخت همبستگی ها وقوانین اجتماع روستائی هستند هموار می کند .

دکتر شاپور راسخ

فروردین ۱۳۴۰

پیشگفتار نگارنده

کتاب حاضر که بصورت «مونوگرافی ده طالب‌آباد» تهیه و بچاپ رسیده است حاصل شش‌سال تحقیق نگارنده‌است زیرا ازسال ۱۳۳۸ که بعضویت گروه تحقیق جامعه شناسی‌شهری پذیرفته شده و همانند محققین دیگر مؤسسه مطالعات وتحقیقات اجتماعی‌دانشگاه تهران بتحقیق پرداختم. پس‌از یکسال‌مطالعه درامور روستائی از آغاز سال ۱۳۳۹ مأموریت یافتم که زیرنظر استاد ارجمند جناب آقای «دکتر شاپور راسخ» به تحقیق روستائی پرداخته ومونوگرافی جامعی دراین‌مورد تهیه‌نمایم.

برای‌این‌مطالعه ده طالب‌آباد انتخاب، طرح‌مقدماتی کارتهیه، جمع‌آوری وتهیه‌مطالب آغاز گردید، این‌تهیه وجمع‌آوری‌تاپایان سال ۱۳۴۳ ادامه یافت وراهنمائیهای لازم بمرورانجام میگرفت، درفروردین‌سال ۱۳۴۴ چاپ کتاب آغاز ودرفروردین ۱۳۴۵ پایان پذیرفت که بصورت کنونی منتشر میگردد ولی باز درطول مدتی که کتاب حاضر زیر چاپ بود مطالب تازه‌ای که بدست میآمد به‌فصول‌مربوط افزوده‌میگردید، روش کاردراین‌مدت‌براساس «مشاهده»، «مصاحبه»، «اسناد» و«منابع» استواربود.

درمورد‌مشاهده بایستی یادآور شد که نگارنده بارها درمحل‌حاضر شده وبادرنظرداشتن مسائل مورد‌تحقیق‌خودجریانات‌را شاهد وناظربوده‌است. درضمن، چندین‌بارمصاحبه‌هائی باافراد مختلف ساکن‌ده بعمل‌میآورد که‌نتایج‌حاصله درفصول‌مربوطه مندرج گردیده‌است، اسناد محلی و غیرمحلی زیادی نیز بدست آمد که بااتکاء به‌تجزیه‌وتحلیل آنهامطالبی‌استخراج ویا دربارهٔ آنها اظهارنظر گردید ویا عیناً در جای مربوط منتشر شد. منابعی که مورد استفاده قرار گرفت بیشتر جنبهٔ تاریخی‌داشت چه‌بیان وقایع تاریخی درطول زمان احتیاج به‌منابعی دارد که ناچار بایستی آنها را بهرطریق که ممکن‌است جستجو نمود که آنهم بیشتر درکتب‌تاریخی بدست میآیند ولی علاوه برکتاب‌های تاریخی منابع محدود دیگری هم بدست آمد که تا حدودی مورد استفاده

قرار گرفت و در جای مربوط نام آنها ذکر شده است.

تاآنجا که امکان داشت سعی گردید تا کلیهٔ مطالب مربوط جمع‌آوری و دراین مجموعه منعکس گردد واین خود آغازمرحله تحقیق میباشد که بایستی وضع موجود را مطالعه وازمطالب جمع‌آوری شده تجزیه تحلیل ونتیجه گیری بعمل آید، درواقع کتاب حاضر همان جمع‌آوری مطالب موجود در ده است و بجز چند مورد که از مشاهدات عینی نتیجه گیری شده است بقیه بصورت اصلی خود باقیمانده‌است و جادارد که ازمطالب موجوددرکتاب تجزیه وتحلیل وسپس استنتاج بعمل آید.

سعی نگارنده برآن بود تا آنچه درحال ازبین رفتن است جمع آوری کند زیرا مطالب بسیاری هستند که بمرور بدست فراموشی سپرده میشوند و حتی اثری از خود بجای نمیگذارند ازاینرو برای لغات، اصطلاحات، خاطره‌ها، تعاریف، مسائل گوناگون وکارهای روستائیان درگذشته اهمیت خاصی قائل شد و درهر موضوعی که امکان داشت لغات و اصطلاحات را متذکر گردید.

تهیه فهرست لغات واصطلاحات کشاورزی وروستائی درپایان کتاب بخاطر آن صورت گرفت که شاید برای تحقیق لغت‌شناسانی که ببررسی لغات فارسی اشتغال دارند مفید واقع شده احتمالاً به‌واژه‌های جدیدی دست یابند وبامعانی دیگر لغات نیزآشنا شوند.

نقشه منطقه‌ای آغازکتاب اقتباسی‌است ازنقشه منطقه‌ای تهران بمقیاس ۱:۲۵۳۴۴۰ چاپ ستادارتش منتهی این‌نقشه فارسی و نسخه‌انگلیسی آن با نقشه منطقه‌ای تهران چاپ آمریکا بمقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰ منطبق واطلاعات محلی نگارنده برآن افزوده گردیده وتوسط آقای نورالدین شهابی کارمند سازمان نقشه‌برداری کشور بدقت تهیه وبشکل حاضر بچاپ رسید.

نقشه تاریخی کتاب ازروی نقشه رنگی منحصربفرد آقای حاج نعمت‌الله فلاح مالک ده بچاپ رسیده‌است زیرا این‌ده قبلاً متعلق بشاهزادگان قاجار بوده ودرسال ۱۳۲۶ قمری بواسطه نفوذ شاهزادگان نقشه رنگی بزرگی بابعاداصلی ۱۰۵ × ۷۰ سانتیمتر وبمقیاس ۱:۴۰۰۰ توسط عبدالرزاق مهندس‌ازده تهیه شده‌است، هنگامیکه نقشه مذکور در اختیار نگارنده قرار گرفت بمناسبت ارزش فراوانی که از لحاظ تاریخ تحول نقشه کشی درایران داشت بلافاصله به استاد بزرگوار جناب آقای «دکتر محمد حسن گنجی» استاد جغرافیای دانشکده ادبیات ارائه داده شد، نامبرده با کوشش و علاقه خاصی وسائل چاپ آنرا در اداره آمار عمومی فراهم نموده نقشه

بصورت موجود در قسمت تاریخ ده بابعاد اصلی ۳۱٫۵ × ۴۴٫۵ سانتیمتر بمقیاس ۱:۹۰۰۰ عکسبرداری، کوچک و بچاپ رسیده سپس براساس این نقشه ، نقشه دیگری دو برابر کوچکتر و بمقیاس ۱:۱۹۰۰۰ توسط آقای «شعبانعلی نوریان» در سازمان نقشه برداری کوچک گشت که براساس آن نقشه های متعدد کشاورزی تهیه ومنتشر گردید. ولی بمناسبت کافی نبودن نقشه های چاپ آمارعمومی نیمی ازنقشه های تاریخی کتاب مجدداً درچاپخانه دانشگاه بطبع رسید. نقشه های چاپ دانشگاه بمناسبت اشکالات فنی چاپخانه کمی کوچکتر ازنقشه های چاپ آمار عمومی بابعاد اصلی ۲۸ × ۴۱ سانتیمتر بمقیاس ۱:۱۰۰۰۰ میباشد.

اسنادفراوانی توسط مالکین ده مذکورآقای حاج نعمت‌الله فلاح، آقای حاج اسماعیل فلاح وآقای عبدالله فلاح دراختیارنگارنده قرارگرفت که بااتکاء بدانها مطالبی استخراج ویا اظهارنظر گردید وياعيناً درجای مربوط منتشر شد و دراینجا لازم است که از بزرگواری نامبردگان کمال سپاسگزاری و امتنان را ابراز دارد.

آنچه بیش از هرچیز نیروبخش نگارنده جهت جمع‌آوری مطالب این مجموعه گردید تشویق پیاپی بود که ازطرف استاد ارجمند آقای دکتر راسخ دراین باره مبذول میگردید چه علاقه بی پایان ایشان بجامعه شناسی ، بخصوص جامعه شناسی ایران ، مرا برآن داشت که بسرپرستی ایشان یک جامعه روستائی محدودی را انتخاب و از نظر جامعه شناسی روستائی مورد مطالعه قراردهد ، ازکوششی که شخص ایشان برای چاپ این کتاب بعمل آوردند و همچنین از جناب آقای دکتر احسان نراقی استاد و مدیر محترم مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی که اجازه فرمودند این کتاب جزء سلسله انتشارات آن مؤسسه منتشر گردد نهایت تشکر و قدردانی را دارد .

استادمحترم آقای دکتر کاظم ودیعی، درمواردی چند تذکرات مفید وسودمندی به نگارنده دادند که براساس تذکرات ایشان قسمت جغرافیای کتاب تاآنجا که امکان داشت بتفضیل نگاشته گردید، وظیفه خود میداند نهایت سپاس را ابراز دارد.

بیشتر عکس هائی که در این کتاب بچاپ رسیده است توسط آقای شوکو اوکازاکی Shoko Okazaki محقق عالیقدر و فعال ژاپنی تهیه گردیده است ، نیمی از عکس های فصل دوم «شکل سکونت» کتاب وهمچنین نقشهٔ قلعه طالب‌آباد توسط آقایان ایرج صفائی وداریوش صفائی فارغ التحصیلان رشته معماری دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران تهیه شده که کلیهٔ آنها ازروی لطف دراختیار نگارنده قرارگرفت ، همچنین از آقای غلامرضا انصافپور که بامطالعه بعضی ازفصول ازنظرروانی مطلب اینجانب را یاری نموده‌اند سپاسگزار است.

کلیهٔ نمودارهای کتاب توسط آقای بیژن افسر کشمیری تکنسین گروه جامعه شناسی شهری تهیه و مشخصات کلیهٔ نقشه های کشاورزی نیز به‌ابتکار ایشان ترسیم گردید ، همچنین آقای عیسی هیبتی متصدی شعبه حروفچینی چاپخانه دانشگاه و آقای ابراهیم شهبازی که درچیدن حروف و انجام کارهای مربوط بآن نهایت دقت و همکاری را انجام داده‌اند بدینوسیله نهایت سپاسگزای را مینماید.

جواد صفی‌نژاد

فروردین ۱۳٤٥

فصل اول

جغرافیا و تاریخ

مشخصات جغرافیائی

ازنظر تقسیمات کشوری ده طالب‌آباد جزء دهستان غار(غارشرقی)، شهرستان ری، استان مرکزی است که درجنوب تهران، جنوب‌شرقی شهرستان ری درشمال جلگه‌ورامین در "۳۰ ' ۳۱ °۱ه (پنجاه ویک درجه وسی ویک دقیقه وسی‌ثانیه) طول شرقی و "۳۶ ' ۳۰ °۳۵ (سی‌وپنج درجه و سی‌دقیقه وسی‌وشش ثانیه) عرض شمالی درارتفاع ۹۷۰متری ازسطح دریا قرارگرفته است.

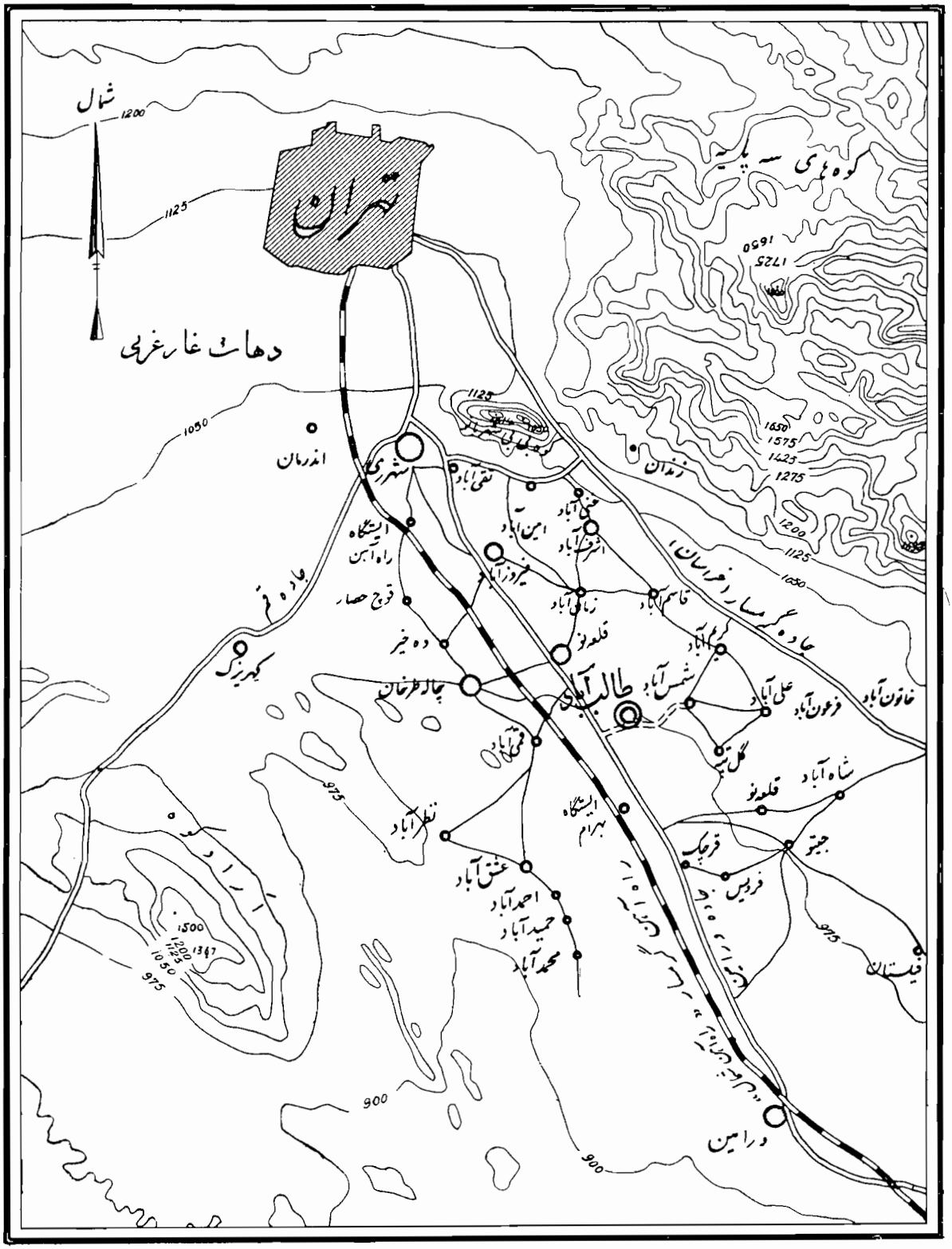
*
**

حدود ووسعت

منطقهٔ طالب آباد بشکل مثلثی است که ۵,۰۳۱,۸۴۳ متر مربع وسعت دارد، مرزهای شمالی آنرا تپه‌های کم‌ارتفاعی بطور طبیعی و حدود دیگر آنرا جویهائی مشخص میسازند که حد فاصل زمینهای این ده با دهات مجاور است. دهاتی که دراطراف این‌منطقه واقع شده‌اند عبارتند از:

قلعه نو درشمال، شمس‌آباد درمشرق، قمی‌آباد درمغرب، جنوب آن باریکه جائی‌است بشکل رأس مثلث که کمی دورتر ازآن ده قرچک واقع شده‌است.

جاده اسفالتهٔ تهران ورامین زمینهای غربی این ده را طوری قطع مینماید که درغرب جاده تنها باریکه‌زمین‌طویلی‌متعلق باین‌ده باقی‌میماند، درمنتهی‌الیه جنوب‌غربی همین‌زمینها ایستگاه راه‌آهن درجه سوم و کم‌اهمیتی بنام ایستگاه بهرام سرراه راه‌آهن تهران به‌بندرشاه واقع شده‌است که تا ایستگاه راه‌آهن شهر ری ۱۶ کیلومتر و تا ایستگاه راه‌آهن تهران ۲۰ کیلومتر وتاایستگاه راه‌آهن ورامین ۱۷ کیلومتر فاصله دارد.



مقیاس ۱:۲۵۳۰۰۰

M. 5000. 0 5 10 15 Km.

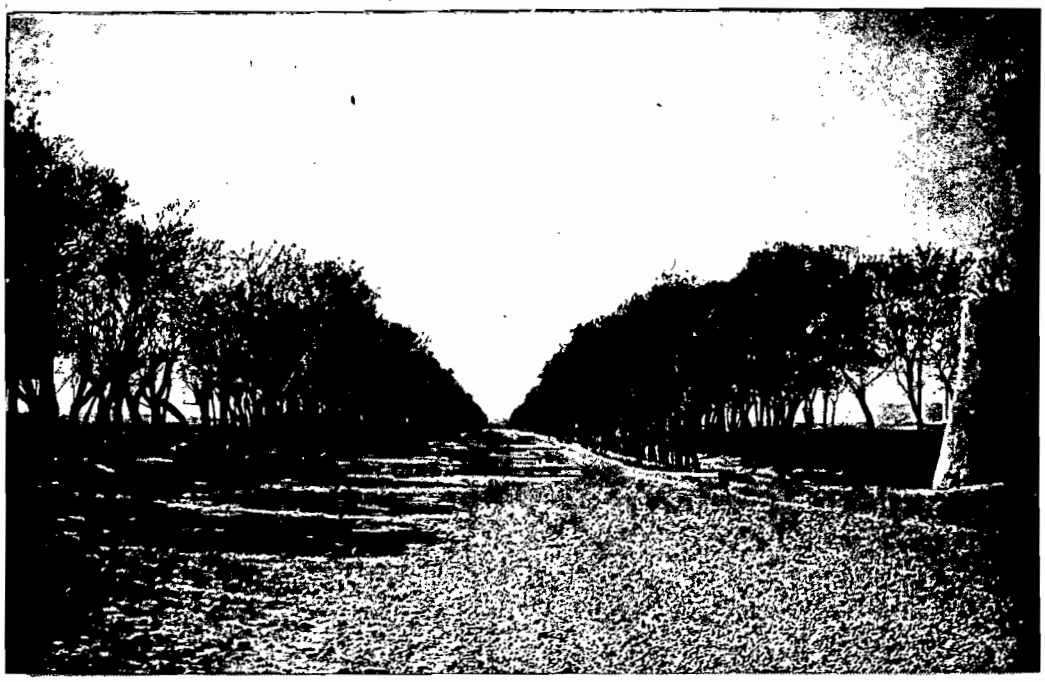
نقشه منطقه‌ای طالب آباد و موقعیت آن نسبت بدهات اطراف و شهرهائی که به آن نزدیک است.

شناسائی اجمالی

راه عمومی طالب‌آباد جادهٔ اسفالته‌ای است که درهفت کیلومتری جنوب تهران از محلی بنام سه راه ورامین درشمال شهر ری بسمت شرق منحرف میگردد.

درچهارده کیلومتری طول راه از سه راه فوق‌الذکر یعنی در فاصله بیست ویک کیلومتری تهران پس‌از ده قلعه‌نو در سراشیبی جاده از دور خیابان مشجر ده طالب آباد مشاهده میگردد که ازجاده اسفالته ورامین جدا گردیده‌است.

جادهٔ مذکورکه با ریگهای بستر رودخانه مفروش شده است ما را بسمت ده راهنمائی میکند، دردوطرف این خیابان دو پیاده‌رو بعرض حدود سه‌متر کشیده شده و دردوطرف هرپیاده‌رو دو ردیف درخت مشاهده میشود یعنی طول خیابان دارای چهار ردیف درخت کاری است که جوئی درامتداد هرردیف کشیده شده‌است، هرچند که این درختان جوان‌هستند وبیش‌از ۱۷ سال



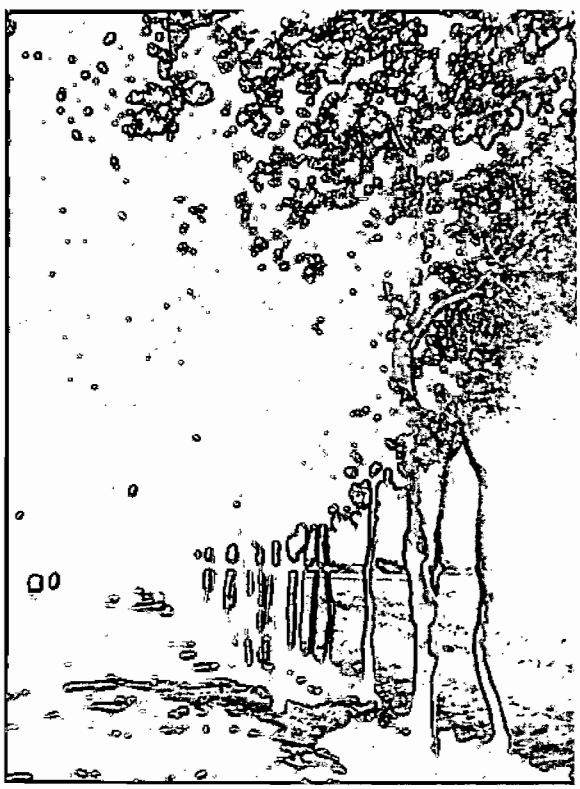
منظره‌ای از خیابان اصلی طالب‌آباد که‌ازجادهٔ اسفالتهٔ ورامین منشعب میگردد

ازعمر آنها نمیگذردولی بقدری نزدیک‌بهم کاشته شده که درتابستان وزمستان چون چترحافظی، عابرین‌را پناه‌میدهد زیرا درتابستان جلوی تابش مستقیم نورآفتاب‌را گرفته و در زمستان‌هم‌چون پوششی جلوی ریزش باران‌را میگیرد.

طول این‌جاده تا جلوی در قلعه حدود ۶۰۰ متراست، در برابر قلعه درختان این خیابان دریک طرف قطع شده وخیابان عریض‌تر گشته، جاده ریگی به‌خاکی مبدل گشته و دنبالهٔ آن از جلوی قلعه گذشته وبطرف ده مجاور یعنی شمس‌آباد ادامه می‌یابد.

قلعهٔ مذکور همان ده مورد نظر ما است که طالب آباد نام دارد و با دیوارهای بلند و چهارگوش خود دراولین دیدار نظر عابرین را بخود جلب مینماید.

دراین مجموعه سعی‌شده‌است کلیه قسمت‌های‌این ده مورد بررسی قرارگرفته وشرح هریک جداگانه داده شود.



منظره یکی از پیاده‌روهای خیابان اصلی طالب آباد

ناهمواری

طالب‌آباد درمنطقه‌ای قرار داد که شمالش را جلگه غار شرقی وجنوب آنرا جلگه ورامین فراگرفته‌است، این دوناحیه بیش‌از ۶ کیلومتر طول وحدود ۱۰ تا ۴۰ کیلومتر پهنا دارد.

کوهها

جهت جلگه شمال‌غربی‌جنوب شرقی‌است که حد شمالی آن‌درجنوب‌تهران پیچی زده به جلگه غار غربی و شهریار متصل میگردد ولی جنوب آنرا سیاه کوه ومناطق کویری‌در بر میگیرد، سمت‌مشرق‌جلگه‌را کوههای‌سه‌پایه (۲۲۳۷متر) و قره‌آغاج (۲۶۲۱متر) فراگرفته‌است که هردو ازشعب رشته کوههای البرزبشمار میروند ومنتهی‌الیه گوشه جنوب شرقی انرا کوه سورك فراگرفته‌است.

درسمت مغرب، این‌جلگه بکوههای آراد Arad (۱۵۰۰متر) و مره Marre (۱۴۰۷متر)

منتهی میگردد درحقیقت این جلگه ناودیسی‌است بین دوطاقدیس کوههای سه پایه و قره آغاج ازطرفی و کوههای سره و اراد کوه ازطرف دیگر که هردو کوهستان‌دارای جهتی موازی باجهت جلگه موردنظر ماميباشند. طاقدیس شمالی که خودامتدادی از کوههای البرز است تقریباً بطول



منظره‌ای‌از درختکاری شمال شرقی طالب‌آباد که استراحتگاه اطرافیان و تفرجگاه اهالی ده مذکور میباشد

حدود ۵ کیلومتر دیواره شمالی وشمال‌شرقی‌جلگه‌را تشکیل میدهد وتنها دره جاجرودداست که این‌دیواره‌را شکافته وبدوقسمت مجزا ازهم‌تقسیم‌میکند که قسمت غربی‌آن بنام کوههای‌سه‌پایه وقسمت شرقی آن بنام کوههای قره‌آغاج شهرت دارند.

درقسمت جنوب غربی ابتدا کوههای اراد وسپس کوه سره با وسعت زیاد خود دیواره این قسمت‌را تشکیل‌داده اند وحد جنوبی‌این کوههارا دریاچه نمک قم فرا میگیرد.

رودها

رودخانه جاجرود که درکوههای شرقی تهران جریان دارد ودارای‌جهتی تقریباً شمالی‌جنوبی‌است ازمشرق پارچین گذشته وارد این‌جلگه میگردد، بستر آن ابتدا در دره‌های کوهستانی‌تنگ‌است ولی‌بمجرد واردشدن‌بجلگه شعبات متعددی ازآن منشعب شده بنقاط مختلف منطقه سرازیر شده آنرا مشروب میسازد.

علاوه برجاجرود رودخانه های‌دیگری که دراین‌جلگه‌دیده میشوند یکی‌رود شورودیگری سام‌رود است که اولی درقسمت شمالی وشرقی کوه سره و دومی درکوه سورك جریان دارند، رود شور سرانجام‌بدریاچه نمک قم‌وسام‌رود به کویرنمک اطراف سیاه کوه واردمیشود. هردورودخانه فصلی و دارای اهمیت چندانی نیستند.

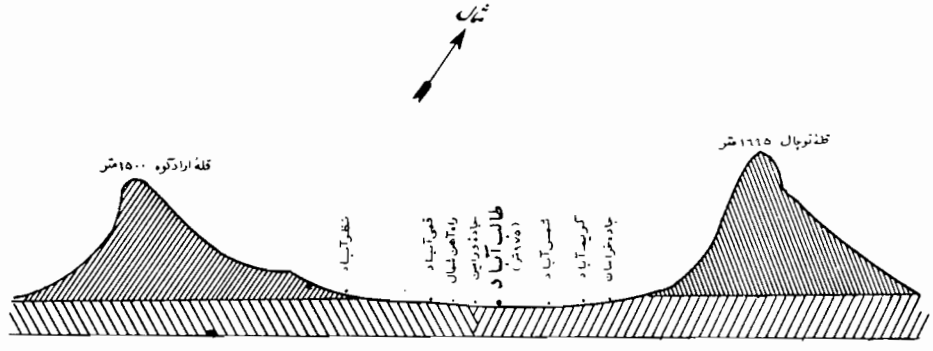
سطح عمومی جلگه دارای‌فرازونشیبی است که اگرتغییرات ارتفاع سطح آنرااندازه‌گیری کنیم مطالب زیر بدست میآید:

درشمال ده غنی‌آباد و کارخانه سیمان تهران پس از جاده عمومی خراسان

چهرهٔ زمین تپه ماهورهائی دیده میشود که آغاز پیشکوههای البرز را بشکل تپه کوه اعلام میدارند ، درحدود پنج کیلومتری بخط مستقیم ازمحل غنی‌آباد در میان تپه کوهها محلی‌است بنام زندان‌هارون، در ۱ تا ۱۲ کیلومتری مشرق‌این محل بزرگترین قله جنوبی کوههای‌سه‌پایه درسه کیلومتری جنوب غربی ده توچال[1] وبفاصله‌حدود ۹ کیلومتری شمال‌غربی پارچین قرارگرفته است که دارای ارتفاعی برابر با ۶۹۵۱ متراست ، ازاین نقطه اگر بخط مستقیم بطرف طالب‌آباد حرکت کنیم فاصله‌ای بیش‌از ۱۵ کیلومتر درپیش‌نیست، باتوجه باینکه ارتفاع طالب‌آباد ۹۷۵ متر ازسطح دریا است پس‌فاصله مذکور اختلاف سطحی درحدود ۷۲۰ مترارا دارا است یعنی‌بطور متوسط دارای‌شیبی درحدود ۵٪ است ولی هرچه‌بکوه نزدیکتر شویم براین شیب متوسط افزوده میگردد و هرچه بطرف ده مذکورگام برداریم از این میزان شیب بمراتب کاسته میگردد .

از ده موردنظر بسمت اراد کوه با وجودی که دارای طول بیشتری است و این طول بخط مستقیم به ۲۰ کیلومتر میرسد اختلاف ارتفاعی بیش‌از ۵۲۰ متر وجود ندارد چه بزرگترین قله اراد کوه درحاشیه شرقی بیش‌از ۱۵۰۰ متر ازسطح دریا ارتفاع ندارد بنابراین مغرب طالب‌آباد دارای شیبی‌است برابر با نصف شیب شرقی (حدود ۲٫۶٪) .

حال‌اگر مقطع این ناهمواری‌را رسم کنیم چنین‌شکلی بدست میآید :



مقطع نا همواری منطقه طالب‌آباد بین دو طاقدیس توچال و اراد کوه در جهت ۵۲ درجه انحراف شرقی از سمت شمال

منظرهٔ کلی اگر در روی تپه طالب‌آباد ایستاده باطراف بنگریم در شمال ده‌تپه‌های کوتاهی‌را مشاهده‌میکنیم که مرزهای‌شمالی‌ده مذکور را تشکیل‌میدهند، این تپه‌ها کاملاً بهم چسبیده است، بطوریکه بشکل یک اختلاف سطح

۱– این توچال‌را نبایستی با قله مشهور توچال که درشمال تجریش‌درارتفاع ۳۹۰۴ متری‌ازسطح دریا قرار دارد اشتباه نمود .

دو سه متری زمینهای این ده را از زمینهای قلعه نو خالصه جدا میسازد ، ارتفاع این تپه‌ها یا زمین های بلند ازشمال قلعه‌نو تا ابتدای زمینهای طالب‌آباد ۱۰ متراست چه قناتی که‌درنزدیکی پست ژاندارمری قلعه‌نو بصورت مادرچاه حفر شده‌است پانزده متر طناب خور دارد و آب همین قنات در ابتدای زمینهای طالب‌آباد رو میآید درصورتیکه اختلاف ارتفاع در جنوب شهر ری تا طالب‌آباد بیش‌از ۲۰ متر نیست چه قنات دیگر طالب‌آباد که در زمینهای جنوب شرقی شهر ری واقع شده‌است مادرچاهش فقط ۲۰ متر طناب خور دارد .

درقسمت شرقی این تپه‌ها بطور مستقیم ولی‌درقسمت‌غربی این‌تپه‌ها بشکل زبانه‌باریکی مشاهده میشوند که دربعضی نقاط جلوی دید چشم ما را میگیرند واین زبانه‌ها از قسمت شمالی درحدود قمی‌آباد بسمت جنوب غربی منحرف شده وسرانجام به پیشکوههای ارادکوه در اطراف دوتوئه doutoua می‌پیوندد .

جنوب منطقه مذکور کاملاً بازاست وتا ورامین و بعداز آنهم ناهمواری مشاهده نمیشود ولی شیب عمومی زمین ازشمال این‌ده تاچند کیلومتری جنوب ورامین بیش‌از ۷۰متر نیست یعنی زمین باشیب‌ملایمی بطرف ورامین امتدادمی‌یابد و بواسطهٔ همین‌شیب‌ملایم‌است که‌چاههای‌زیادی دراین‌منطقه حفرشده وسلسله توالی‌آنها رشته قنات‌هائی‌را بوجودآورده که درنقاط مختلف‌درسطح زمین آشکارشده ومنطقه‌ای‌را آبیاری کرده و واحدهای‌مسکونی‌را بوجود آورده‌است .

تشکیلات آبرفتی

برای شناسائی طبقات زمین و رسوبات روئین آبرفتی منطقه طالب آباد بایستی تشکیلات آبرفتی تهران واطراف‌را مورد مطالعه قرارداد ، این تشکیلات رسوبی را ریبن H. Rieben مورد مطالعه قرارداده وبراساس‌قدمت‌تشکیلات رسوبی آنهارا درکتاب خود بچهاردسته تقسیم میکند، این چهاردسته عبارتنداز :

دستهٔ اول دسته اول آبرفتهائی هستند که ضخامت آنهاازصفر تا بیست‌متر تغییرمیکند، اینها آبرفتهائی‌هستند که بتازگی احداث شده‌اند ودربستر کلیهٔ سیلاب‌ها وبسترهای‌کوهستانی دیده‌میشوند، رنگشان خاکستری‌متمایل‌به‌آبی‌است و این‌خود نشان میدهد که رویه آنها ریگزار است و تقریباً فاقدگیاهان مختلف‌اند .

دستهٔ دوم دستهٔ دوم‌آبرفت‌هائی‌هستند که ضخامت‌آنها بین‌صفر تا ۵۰متر تغییرمیکند ونسبت بدسته‌اول‌قدیمی‌ترند و«تشکیلات طبقات‌الارضی تهران» راتشکیل میدهند ، این‌رسوبات که قرنها درمعرض تغییر وتحول جوی واقلیمی قرار

گرفته‌اند اغلب بارویه قرمزرنگشان تمیزداده میشوند، این رسوبات که بین‌شهر تهران وپایهٔ البرز واقع شده‌اند عبارت‌از سنگریزه‌هائی میباشند که باریگ‌های درشت وشن وخاك رس توأم باشن یا با گل خشکیده که رنگ سرخ دارد دیده میشوند.

درمرکزشهررسوبات خاکی به توده‌های سنگریزه غلبه دارد ولی درجنوب تهران این رسوبات سرخ رنگ وخاکی تبدیل به خاکهای رسی میگردد که مورد استفاده آجرسازی قرار گرفته وفراوان استخراج میشود واغلب درحفره‌های ایجاد شده شهر تهران نیز دیده میشود زیرا رسوبات دستهٔ اول قشر روئین آنهارا درشهرپوشانیده‌است ولی ناگهان درجنوب تهران یک خط شرقی غربی‌در نزدیکی کارخانه سیمان ری‌ازضخامت‌آن میکاهد، زیرا بین کارخانه سیلو درجنوب تهران‌وجلگه ری یک اختلاف سطح ده‌متری دیده میشود که اندك اندك ازضخامت این خاکها کاسته وازتپه سفید در راه شهریار ببعد دیگر مشاهده نمیشود.

دستهٔ سوم آبرفت‌های این‌قسمت که قطر ضخامتشان‌بین‌صفر تا یکصدمتر تغییرمیکند ازرسوبات ناهمگن ومختلف‌الجنس هستند که‌بنام «تشکیلات طبقات‌الارضی کهریزك» خوانده میشوند و دارای حجمی بیش‌از دو قسمت فوق‌الذکر میباشند.

ازمشخصات‌این‌آبرفت‌ها اینکه‌دربین‌طبقات شنی‌آنهاپودنگ وکنگلومرا[1] « Conglomerat » بطور پراکنده دیده میشود.

طبقات خاکی این‌قسمت دارای گل‌ولای نرم و بدون فسیل است که در اصطلاح «لوس Loess » نامیده میشود. گاهی درشکافها ورخنه‌های این‌رسوبات‌صفحات گچ متبلور بچشم‌میخورد و درضمن دارای دانه‌های مدور یا توده‌های نامنظم آهکی نیز هست تا آنجا که دربعضی جاها ضخامتش بیک متر میرسد وبهم‌جوش خورده تشکیل پودنگ و کنگلومرا را میدهد.

رنگ این آبرفت ها بیشتر قهوه‌ای یا قرمز رنگ بوده و مواد سخت آهکی بهمراه دارند، نمونهٔ آشکار این‌قشر بواسطه یک شیب که حدود بیست متر اختلاف سطح دارد در کهریزك بواسطهٔ راه قم قطع‌شده بطور ناگهانی پایان می‌پذیرد.

این‌نوع شیب ها بطرف شهریار ادامه می‌یابد، هرچند که این‌شیب کاهش‌یافته ومعلوم نیست ولی باز درنیمه‌راه رباط‌کریم تشخیص داده میشود.

۱- جوش‌سنگ، قلوه سنگهائی که بوسیله سنگهای‌ریزه‌تر و مواد شنی بهم چسبیده وبسختی جوش خورده باشد.

بطرف مشرق نزدیک تپه میل شاخه‌ای از این سراشیبی بوسیلهٔ راه آهن ورامین نزدیک طالب آباد قطع میگردد ولی دنبالهٔ آن بطرف شمال شرقی منحرف شده ازشمال طالب آباد گذشته سپس دراراضی زراعتی بکلی محو میشود.

یک شاخه دیگر که اختلاف سطح نمایان و بیشتری دارد درجهت جنوب شرقی پیش رفته از پائین راه‌آهن نزدیک ایستگاه بهرام گذشته تاجاجرود[1] نزدیک باقرآباد ادامه می‌یابد.

دستهٔ چهارم

لایه های آبرفتی این‌طبقه را بنام «آبرفت‌های قدیمی تشکیلات هزار دره» مینامند چون بیشتر درمحل هزاردره واقع‌در شرق‌شهرتهران‌دیده میشوند، این رسوبات برخلاف سه‌قسمت دیگر بقدر کافی هم‌جنس ویکدست هستند و این‌امر هم درلایه‌های افقی وهم درلایه‌های قائم صدق میکند.

لایه‌های این‌قسمت ازشرق جلگه تهران تا گردنهٔ کوئین در مغرب قزوین دیده میشوند همینکه ازدامنهٔ البرز دورشویم خرده سنگ‌های این‌طبقه منظرهٔ زاویه‌دار خود را از دست داده بصورت سنگریزه‌ها یا قلوه سنگهای صیقلی بیضی‌شکل درمیآیند وتامنتهی‌الیه پوشش های آبرفتی درجنوب تهران اندازه ثابتی برای خود نگهمیدارند.

تشکیلات کنگلومرائی بندرت دراین لایه‌ها دیده‌میشودولی آنچه رنگ لایه های این‌قسمت را مشخص مینماید برتری وغلبه سنگهای صیقلی واصیل لایه های سبز البرز میباشد.

مشخصات خاك

درمورد خاکشناسی منطقه طالب آباد بایستی تحقیقات زیبن را مورد مطالعه قرار داده و وضع آبرفتهای‌منطقه‌طالب‌آبادرا درآن‌میان‌جستجوکنیم، بسهولت درمی‌یابیم که پوشش‌ساختمانی زمینهای منطقه طالب‌آباد درقسمت سوم تقسیم‌بندی فوق که بنام «آبرفتها و رسوبات تشکیلات کهریزك» نام‌گذاری شده‌است قراردارد چه اختلاف ارتفاعی که زیبن از آن نام میبرد خط هم ارتفاع ۹۷۰ متراست که مرزهای شمالی وشمال غربی ده طالب آباد را تشکیل میدهد و دنباله آن بطرف مغرب بسمت تپه میل وزمینهای چاله طرخان ازطرفی وبسمت شمس‌آباد ازطرف دیگر ادامه می‌یابد.

تپه ماهورهائی که‌بسمت تپه‌میل وچاله طرخان کشیده شده بسمت جنوب درکنارایستگاه فیروز بهرام ازنظر ناپدید میگردد ولی‌ادامه آن بسمت جنوب پس‌از ده قرچك بین ده مذکور و باقرآباد مجدداً هویدا شده بسمت جنوب امتداد می‌یابد.

۱- منظور ده جاجرود است که در ۱۲٫۵ کیلومتری شمال غربی شهر ورامین واقع شده است.

رنگ خاك در این نواحی قرمز کم رنگ متمایل بسفید است ، دراطراف تپه طالب آباد ونقاط کویری که کشت و زرع نمیشود خاکها براثر تابش آفتاب کاملاً خشک و نرم میباشند تنها درقشر روئین اینگونه خاك ها پوسته نازکی چسبیده بهم مشاهده میشود که براثر شبنم و یا باران ایجاد شده‌است که ضخامت آن هیچگاه ازیک سانتیمتر تجاوز نمیکند .

درتابستان وزمانی که هواخشک وبدون باران‌است اگر پای‌خودرا اندکی دراین خاکها فشار دهیم در پوسته روئین خاك فرو میرود و دانه‌های ریز و نرم خاك در زیر پا لغزیده و جابجا شده چاله‌ای در زیر پا ایجاد میشود زیرا دراصطلاح این خاك هارا «خاك پوك» مینامند، درسطح روئین اینگونه خاك ها که درآن‌زراعت نمیشود دانه های ریزسفید رنگ مشاهده میشود که کمی شورمزه است، خود اهالی این زمین هارا «زمینهای شور» مینامند ودرآن جز تیغ وچمن چیز دیگری نمیروید .

خاکهای زمینهای زراعتی چیزی جزخاکهای رسوبی و رسی نیست چه هنگامیکه زمین را آماده کشت نموده‌واولین آب‌را بدان‌میگیرند پس‌ازخشک شدن‌زمین‌درسطح زمینهای آب‌خورده درجهت طولی و عرضی شکافهای فراوانی بطور نامنظم‌پدید میآید وهرچه زمین خشک‌تر شود ومقدارآب موجود درسطح روئین توسط تابش آفتاب‌بخارگردد شکافها بیشتر وفراخترشده ودهانه آنها بازمیگردد تاآنجا که عمق‌آنها تابیش‌ازپنج سانتیمتر درجهت عمودی مشاهده میشود منتها پس‌از رشد محصول این‌شکافها بصورت ظاهر نمایان نمیشوند .

اینگونه خاك هاجهت کشت‌محصول مناسب‌نیست واگرتوسط آبش وکود دستی‌وشیمیایی و زیروروکردن قشر روئین خاك، خاك آن تقویت نشود محصول خوبی بدست نداده و ازفرآورده آن بمراتب کاسته میگردد .

هنگامیکه این‌خاکها توسط باران و یا آبیاری خیس گردید چسبندگی فراوانی در خود ایجاد کرده تاآنجا که درزمستانها عبور ازاینگونه اماکن بسختی صورت می‌پذیرد .

در نقاط پراکنده زمینهای زراعتی‌چه درمحل کشت شده و چه درمرزها وکناره‌های زمین پوسته‌نازکی‌شوره مشاهده میشود که رنگ سفیدآن‌از دورجلب‌نظرمینماید ولی‌اگرکمی‌باانگشت این‌پوسته سفیدرنگ‌راکنار زنیم دیگر اثری ازسفیدی در زیر آن مشاهده نمیشود، دراطراف تپه این‌نوع شوره فراوان دیده‌میشود، بطوریکه‌اهالی یادآور میشوند درسالهای‌قبل افرادی درکنار تپه بوسائلی شوره‌را ازخاك جداکرده باخود میبردند .

وضع خاك ورنگ خاك درتمام‌زمینهای زراعتی‌یکسان است، دردهانه‌قنات‌ها و نقاطی که

زمین را بمناسبتی کنده‌اند تغییری در رنگ خاك ها دیده نمیشود ولی رسوباتی که ازمجرای قنات های لاروبی کرده بیرون میآورند ودر کنار حلقه چاههای گنبدی‌شکل میریزند رنگشان کمی روشن‌تر و پس‌ازچندی چنان بهم فشرده وسخت میشود که چون خشت نیم‌پخته‌ای بنظر میرسد.

قشر زیرین خاکهای این‌منطقه هم چون‌قشر روئین آن‌شوراست چه چاهی که درمرغدانی ده زده‌اند درعمق سه‌متری به‌آب رسیده ودارای آب شورمزه‌ای است که نسبت نمك محلول در آب آن بسیارکم‌است واین‌خود دلیل آن‌است که آبهای سطح روئین زیرزمین اززمینهای شوری عبور مینمایند واملاح نمکی خاکها درآبها اثرگذارده تاجائی که مزه وطعم آبرابرگردانیده آنرا کمی تلخ وشور مینماید.

آب و هوا

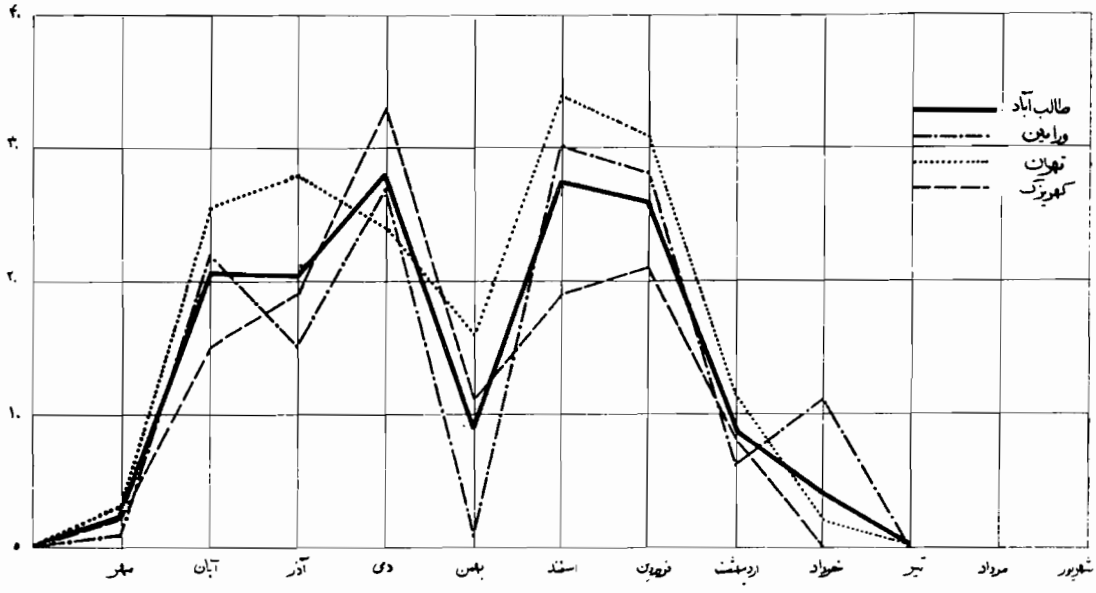
در مورد آب و هوای ده طالب‌آباد بایستی یادآور شد که مقدار باران و درجهٔ‌حرارات وروزهای‌یخ‌بندان و ابر وآفتابی بودن هوا وسایرمشخصات آب وهوائی آن‌تاکنون اندازه‌گیری‌نشده‌است تابتوان دراین‌باره اظهارنظر نمود ولی چون این دهکده نیمه‌راه تهران‌ورامین واقع شده وباکهریزك هم بیش‌از ۱۰ کیلومتر فاصله ندارد میتوان میانگین ارقام‌آب وهوائی‌نقاط مذکور را برای این‌ده بکاربرد، بااین‌ترتیب آمار موجود سالنامه‌های هواشناسی‌را استخراج‌وباگرفتن‌معدل ارقام‌سالهای‌اخیر، حدود آب‌وهوای طالب‌آباد نتیجه میشود.

مشخصات آب وهوای ده طالب آباد در سالهای ۳۹ـ۱۳۳۶

نام محل	ارتفاع‌از سطح‌دریا	حداکثر درجهٔ‌حرارت	حداقل درجهٔ‌حرارت	معدل درجهٔ‌حرارت	حداکثر بارندگی‌در ۲۴ساعت به‌میلیمتر	بارندگی‌سالیانه به‌میلیمتر	روزهای یخ‌بندان
تهران	۱۱۲۵	۴۲	۹٫۲−	۱۷	۵۴٫۲	۱۲۳−۲۳۵	۳۷−۶۲
ورامین	۹۰۰	۴۳٫۵	۱۱−	۱۵٫۲	۲۶	۱۰۴٫۵−۱۳۱٫۵	۴۹−۹۹
کهریزك	۱۰۵۰	۴۳٫۵	۹٫۵−	۱۶٫۶۵	۲۱	۱۲۵−۱۲۸	۴۱−۷۵
طالب‌آباد	۹۷۵	۴۳	۹٫۹−	۱۶٫۲۸	۳۳٫۷	۱۱۷٫۵−۱۶۵٫۵	۴۲−۷۸

بدینطریق بحدودآب‌وهوای ده‌طالب‌آباد پی‌میبریم وبا درنظر داشتن آمار فوق دراین باره چنین اظهارنظر میکنیم :

ده طالب‌آباد حداکثر درجهٔ حرارتی که درگرمترین روزهای تابستان میتواند بخودبگیرد بیش‌از ۴۳ درجهٔ سانتیگراد نیست وسردترین درجهٔ حرارتی که در روزهای سرد زمستان بخود میگیرد تا حدود ۱ درجه زیرصفرمیرسد ولی باوجود این‌معدل درجهٔ حرارت سالیانهٔ آن‌را بایستی حدود ۱۶ درجه یادآور شد.



نوسان ریزش باران طالب‌آباد در ماههای مختلف سالهای ۳۹ - ۱۳۳۶

باران

مقدار باران‌سالیانه‌دراین‌نواحی‌بسیارکم‌است، روزهای‌بارانی ازآبان‌ماه‌آغاز و در اواخر اردیبهشت‌ماه پایان می‌پذیرد، اسفند وفروردین‌از پرباران‌ترین ماههای سال‌بشمار میروند ، درخرداد اندك بارانی‌مشاهده میشود ولی در سه‌ماه تابستان اصولاً دراین‌نواحی بارندگی وجود ندارد.

حداکثر بارندگی در پرباران‌ترین روزهای سال به ۳۰ میلیمتر نمیرسد چه درچنین روزی ورامین ۲۶ وکهریزك ۲۱ میلیمتر باران‌دریافت میدارد، روزهای‌پربارانی که مقدار بارندگی‌روزانه آن از ده میلیمتر بیشتر باشد بیش‌از ۸ روز درسال نیست چه‌این مدت برای کهریزك ۷ و برای ورامین ۵ وبرای تهران ۸روزاست وبقیه روزهای بارانی، مقدار بارش ازده میلیمتر در روزکمتر است ولی باوجود این بادرنظر داشتن حداقل وحداکثر باران سالیانه مناطقی که درنزدیکی این ده اندازه‌گیری شده‌است نوسان آنرا میتوان بین ۱۱۷٫۵ تا ۱۶۵٫۵ میلیمتر تخمین زد.

معدل مقدار بارندگی درسالهای ۳۹ـ۱۳۳۶

(واحد میلیمتر)

نام ماه	کهریزك	ورامین	نهر ن	طالب آباد
مهر	۲	۱	۳	۲
آبان	۱۵	۲۲	۲۵٫۷	۲۰٫۹
آذر	۱۹	۱۵	۲۸	۲۰٫۶
دی	۳۳	۲۸	۲۴	۲۸٫۳
بهمن	۱۱	۰٫۶	۱۶٫۳	۹٫۳
اسفند	۱۹	۳۰	۳۴	۲۷٫۶
فروردین	۲۱	۲۸	۳۰٫۷	۲۶
اردیبهشت	۸	۶	۱۱٫۶	۸٫۶
خرداد	۰	۱۱	۲٫۲	۴٫۴
تیر	۰	۰	۰	۰
مرداد	۰	۰	۰	۰
شهریور	۰	۰	۰	۰
جمع سالانه	۱۲۸	۱۴۱٫۶	۱۷۵٫۵	۱۴۷٫۷

یخ بندان

اگر روزهائی‌را که بواسطه سرمای‌زیرصفر آب‌منجمد میگردد محاسبه کنیم نوسان روزهای یخ بندان بخوبی آشکار میگردد ، با درنظر گرفتن حداقل و حداکثر روزهای‌یخ بندان‌نقاط مجاور که‌آمار آنها دردست است‌روزهای یخ بندان این ده‌را میتوان بین ۳۷ تا ۹۹ روز متذکرشد، حداقل این یخ بندان‌ها بستن پوسته‌نازك یخی درکناره یا سطح آبهای راکد بوده‌است و حداکثرآن مربوط به‌زمستان ۱۳۴۲ است که‌قطر یخ در سطح آبهای روان جوی به‌هفت سانتیمتر رسید و آب در زیر آن حرکت میکرد و حداقل درجهٔ حرارت هوا از ۲۰ــ درجه هم گذشت.

سرمای زمستان، گاه باد سرد توأم باسوز فراوانی را نیز همراه دارد ، جهت باد این باد تقریباً غربی شرقی است که با وزش خود دهقانان را از فعالیت باز میدارد .

درتابستان وزش بادهای ملایمی ازچهار طرف احساس میگردد که جهت آنها برای عابر کمتر تشخیص داده میشود، مشهورترین این بادها بنام «باد شهریار» معروف است ، جهت وزش این باد تقریباً غربی شرقی است واز منطقه شهریار بدین سمت میوزد، همین باد است که دهقانان دراواخر بهار واوایل تابستان مدتها منتظر آن میمانند تاباوزش آن گندم را از کاه که قبلاً کوبیده شده جدا سازند وباوزش آن نیز بسیار خوشحال میشوند .

باد دیگری از ورامین بدین سمت میوزد که بنام «باد خوشو Khosho» (خوش خوش) مشهوراست، این باد بسیار گرم وداری وزش بسیار ملایمی است .

بندرت اتفاق میافتد که بادی ازسمت کوههای شرق بوزد، درصورت وزش،این باد بنام «باد روبه کوه» نامیده میشود ، وزش این باد بسیار ملایم است و با وزش آن دهقانان دست از باد دادن خرمن میکشند چون این باد کاه‌هائی را که براثر وزش باد شهریار از گندم جدا شده مجدداً با گندم ها مخلوط مینماید . علاوه براین بادها ، باد دیگری بنام «باد قبله» ازسمت قبله دراین نواحی میوزد که اهمیت چندانی ندارد .

*
**

یخ بندان برای دهقانان این نواحی اضطراب وتشویش بسیار میآورد و میترسند براثر یخ بستن قشرروئین زمین ریشه محصول یخ زده وخراب گردد، ناراحتی سبزیکاران دراین مورد بیش ازناراحتی دیگران است زیرا ریشه اکثر سبزیهای آنها سطحی است وبا یخ زدن قشری ازخاك ریشه سبزیها ازطرفی و ساقهای هوائی آنها ازطرف دیگر یخ بسته و ازبین میرود چون نمیتواند درمقابل سرما مقاومت کند .

سرمای اوایل بهار برای باغهای میوه نگرانی فراوانی همراه دارد چه گلهای شکوفان درختان میوه ومیوه‌های ریز را ازبین برده وازمحصول آن بمیزان قابل توجهی میکاهد .

باریدن برف دهقانان را بسیارخوشحال میکند زیرا برف را لحاف گندم میدانند و معتقدند که محصول زیر برف بحال اولیه خود باقی میماند و قشر برف چون پوششی محصول زیرین را از گزند وحوادث محفوظ میدارد .

باریدن باران در زمستان خوشحالی فراوانی را برای دهقانان دربر دارد و درصورت بارش

پیاپی و کافی دهقانان سال خوشی را پیش‌بینی میکنند چون گشایشی در کار تمام روستانشینان آغاز میگردد واعتبار بیشتری بخاطر بهترشدن محصول دراختیارشان میگذارند.

بارش تا اوایل بهار برای دهقانان باارزش است ولی ازآن پس که غلات رفته‌رفته روبه خشک شدن میگذارد دیگر از باریدن باران خوشحال نشده بلکه درمواردی هم نگران میشوند.

باریدن تگرگ دهقانان را دچار وحشت میکند چه کلیه محصول آنها را خراب کرده، برگهای محصول را سوراخ سوراخ نموده ودرصورت کوتاه بودن، ساقه‌ها را خم و میشکند و به‌درخت‌های میوه آسیب میرساند وگاه اتفاق می‌افتد که پس از باریدن تگرگ دهقانان مجبور میشوند بجای بوته‌های ازبین‌رفته صیفی بوته‌های جدیدرا نشاء بزنند.

نباتات

نباتاتی که دراین حوالی مشاهده میشود برخی بطورطبیعی وخودرو وبعضی بطور زراعی و دستی کشت میگردند. نباتات طبیعی دارای اسامی‌محلی بترتیب ذیل‌است:

۱- آبیارسلام [1] (سوتی souti)

۲- تلخک (talkhak)

۳- تیغ شتری (tigh Shotori)

٤- پیچک (pichak)

٥- چال طاق

٦- چمن

۷- دم روباهی (بمناسبت شبیه بودن گل گیاه بدم روباه)

۸- شور (shour)

۹- ماسونک (massounak) (بمناسبت چسبندگی گل گیاه)

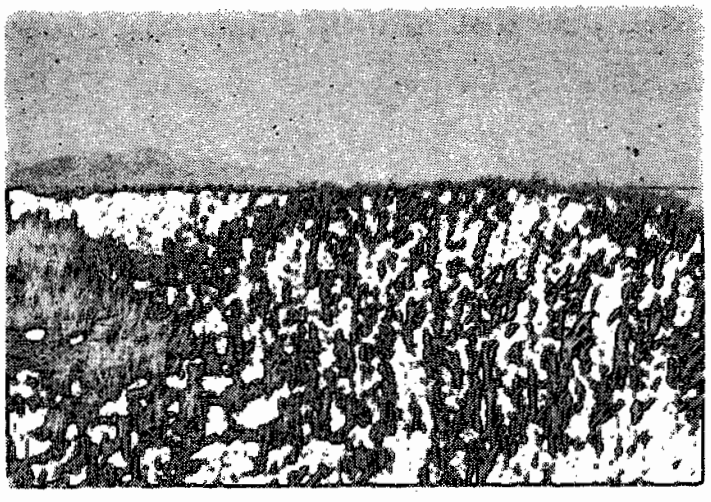
گیاهان فوق تقریباً درتمام‌قسمت‌های‌مزروعی این‌ده میرویند، پیچک، شور وآبیارسلام فراوان‌تر از دیگر نباتات میرویند، گاهی که بموقع برای‌وجین شور اقدام نکنند بلندیش به‌حدود یک متر رسیده و تمام محصول اطراف خودرا ازبین میبرد، معمولاً در کنار جویبارها این گیاه برشد طبیعی خودرسیده، وسپس‌خشک شده دانه‌های‌فراوانی برای‌تکثیرمجدد ازآن‌بزمین‌میریزد.

۱- نام آبیارسلام‌را بدانجهت بدین گیاه داده‌اند که هردفعه که ساق آنرا از زیر خاك قطع میکنند هنوزیکی دوروز ازآن نگذشته سر تازه خودرا ازخاك بیرون‌آورده و به‌آبیار سلام میکند.

آبیارسلام گیاهی است که دهقانان را بستوه میاورد زیرا هرچه ساقهای آنرا از زیرخاك قطع کنند چندروز بعد مجدداً سبزمیشود ودر اصطلاح محل به‌آبیاری که به‌صحرا میاید سلام میکند.

تیغ شتری درنقاط خشك وکم‌آب میروید وبیشتر بمصرف سوخت میرسد.

چمن بیشتر درکناره‌های جویهامیروید ودربعضی جاها عمداً کاشته میشود تاازسستی‌زمین توسط ریشه آن جلوگیری شود.



در منتهاالیه زمینهای جنوبی طالب آباد دره‌ای وجود دارد که سراسر آن نیزار است عکس فوق قطعه‌ای‌از نیزار را نشان میدهد که بین‌طالب‌آباد وقرچك مشترك است

تلخك، ماسونك و دم روباهی درجداره جویها و کیل (Kill)ها فراوان‌تراز نقاط دیگر میروید، علاوه برنباتات فوق گاهی درصیفی گل جالیز نیز مشاهده میشود.

*
**

نباتاتی که بطور زراعی ودستی کشت میگردند عبارتنداز:

گندم، جو، صیفی، پنبه، چغندر، ینجه، حبوبات وانواع سبزی‌ها که درفصل کشاورزی مورد بررسی قرارگرفته‌است.

جانوران اماکن مسکونی

حیواناتی که دراماکن مسکونی بطوراهلی زندگی میکنند عبارتنداز:

۱- سگ

۲- گربه

سگ‌را اهالی بخاطر پاسبانی نگهداری‌میکنند وبرای‌هارتر[۱] شدن‌آن درطولگی گوش ودم

۱- هارتر شدن یعنی گیرنده شدن.

آنرا میبرند تا در بزرگی بمراتب برچالاکی آن افزوده شود .

گربه تقریباً درتمام‌منازل‌دیده میشود وکودکان بدان‌علاقه فراوان‌نشان میدهند، علاوه براینها بایستی از (گوسفند ، الاغ ، اسب وگاو) بعنوان دام اهلی نام برد . بجز حیوانات‌اهلی فوق دسته‌ای ازحیوانات موذی نیز دراماکن مسکونی این منطقه زندگی میکنند که عبارتنداز :

۱- مار ۲- موش

۳- عقرب ٤- رطیل

مار بیشتر در دیوار وسقف مخروبه خشتی اماکن زندگی میکند ، عقرب و رطیل هم‌چون مار درگوشه وکنار دیوارهای مخروبه زندگی کرده وبمحض‌مشاهده شدن کشته و نابودمیشوند مارمولک درحدود اماکن مسکونی‌درشکافها و سوراخهای مخروبه نیز دیده میشود .

پستانداران پستاندارانی‌که دراین منطقه زیست میکنند همان حیوانات اهلی هستند که در اماکن مسکونی از آنها نگهداری میشود ، این دسته از حیوانات عبارتنداز :

گاو ، گوسفند ، الاغ ، سگ ، مادیان وشتر .

حیوانات آب زی

حیوانات آب‌زی این‌منطقه منحصراست وعبارتنداز :

۱- مار آبی ۲- ماهی

۳- قورباغه ٤- خرچنگ (خرچنگال)

٥- موش آبی

در بین حیوانات آب زی فوق ماهی از متداول‌ترین آنهااست که در آبهای روان بصورت سیاه‌رنگ و دربرخی‌از منازل حوض‌دار بصورت قرمزرنگ بمقدار خیلی کم مشاهده میشود .

مار آبی بندرت در جویهای دائمی آب دیده میشود ، ازآن فراوان‌تر خرچنگ است که در سوراخهای کنار آبها و نقاط نمناك زندگی میکند .

یکنوع موش‌آبی هم‌دراین‌حوالی‌درکنار جویبارهای آب‌دار دیده‌میشود که بمحض‌نزدیک شدن خطر وارد آب میگردد .

قورباغه از فراوان‌ترین‌حیوانات‌آب‌زی‌است که بیشتر درآبهای راکد ، نی‌زارها و برکه‌ها

و ته مانده‌های آب دیده میشوند و درهمین محل ها نیز تخم گذاری میکنند .

پرندگان

پرندگان این نواحی هم بطوراهلی وهم بطور وحشی مشاهده میشوند .

پرندگان اهلی اغلب درمنازل تربیت میشوند وفرآورده‌های مختلف آن مورد استفاده‌قرار میگیرد این پرندگان عبارتند از :

۱- اردك ۲- بوقلمون

۳- غاز ٤- کبوتر

٥- مرغابی ٦- مرغ و خروس

تقریباً تمام منازل دارای مرغ وخروس هستند وکم‌وبیش به‌تکثیر ونگهداری آن‌علاقه نشان میدهند ، دربین پرندگان نامبرده کبوتر دارای انواع مختلفی بترتیب ذیل‌است :

۱- کبوتر معمولی ۲- کبوتر چاهی

۳- کبوتر یاهو ٤- کبوتر یاکریم

کبوتر چاهی‌بطووحشی‌دردیواره قناتها ومجراهای‌زیرزمینی‌آن زندگی میکند، کبوتر یاهو و یاکریم‌را درمنازل نگهمیدارند ومعتقدندکه نگهداریش‌ثواب دارد ولی کبوتر معمولی‌را تنها کبوتر بازان به‌نگهداریش علاقه نشان میدهند .

پرندگان وحشی که دراین‌منطقه مشاهده میشوند عبارتنداز :

۱- باقرقره (bagherghere) ۲- جغد (خاله کوکومه ، مرغ حق)

۳- چلچله ٤- چرخیسك (charkhisak)

٥- حواصیل (havasil) ٦- درخت سوراخ کونك (دارکوب)

۷- درنا (dorna) ۸- سار

۹- سره (sere) ۱۰- سبزقبا (قبا سبزك) (sabze ghaba)

۱۱- سسك (sesk) ۱۲- شب کور (shab kour)

۱۳- شانه‌سرك (هدهد) (shane sarak) ۱٤- قرقی (gherghi)

۱٥- قناری (ghanari) ۱٦- قمری (ghomri)

۱۷- قوش ، بیقوش (beyghoush) ۱۸- طرقه ، طوقی (torghe)

۱۹- کلاغ ، کلاغ زاغی، کلاغ سیاه ۲۰- کبوتر چاهی

۲۱- لکلک ، حاجی‌لکلک ۲۲- کبک

۲۳- گنجشک ، گنجشک کوهی ، گنجشک کاکل‌دار «کاکولی»

۲۴- کرک (karrak) ۲۵- لاشخور (lashkhour).

پرندگان فوق بدو دسته پرندگان بومی ومهاجرتقسیم‌میشوند، پرندگان بومی عبارتنداز: کلاغ ، گنجشک، کبوترچاهی، لاشخور.

بقیه پرندگان فصلی هستند یعنی در اوایل بهار در این نواحی پیدا شده دراواخر پائیز رفته‌رفته مهاجرت‌میکنند .پرندگان‌مهاجر دراین نواحی دربهاربه‌تخم گذاری وپرورش جوجه‌های خود اشتغال میورزند ودر پائیز باتفاق جوجگان خود مهاجرت میکنند .

حشرات

حشراتی که دراین‌منطقه زیست میکنند عبارتند از :

۱- آب دزدک ۲- آسیاب بونک

۳- آخوندک ۴- پروانه ، شاپرک (shāparak)

۵- پشه ۶- پینه‌دوز (کفشدوز)

۷- حیره (hire) ۸- جیرجیرک

۹- خرچسونه (خرک خدا) ۱۰- خرخاکی

۱۱- رطیل ۱۲- زنبور ، کنکونک(kankunak) ، زنبورتخمی‌و زنبور عسلی

۱۳- ساس ۱۴- سن

۱۵- سوسک ۱۶- سنجاقک

۱۷- شپش ۱۸- ششپا

۱۹- شته (shette) ۲۰- شیطونک

۲۱- عقرب ۲۲- کارتونک

۲۳- کرم ۲۴- ککک

۲۵- کنه ۲۶- مگس، مگس‌خری ومگس سگی

۲۷- ملخ ۲۸- مورچه

***

پس از بررسی جغرافیای منطقه‌ای طالب‌آباد به‌بحث در اطراف مطالب تاریخی آن پرداخته و بررسی آنرا از پیدایش نام ده و سپس تاریخ منطقه آغاز میکنیم .

پیدایش نام

طالب‌آباد نام مرکبی است که ازدو کلمه «طالب» و«آباد» تشکیل یافته‌است، کلمه‌طالب صفت فاعلی‌است ازمصدر طلبیدن بمعنی طلب کننده و کلمه‌آباد بمعنی آباد شده و آبادان است . دهات فراوانی درایران وجوددارند که درقسمت‌دوم نام خود دارای کلمه‌آباد میباشند ومعمولاً کلمه اول اینگونه دهات بنام سازنده و آباد کننده نام گذاری شده‌است .

درمورد طالب‌آباد بطوریکه درمحل معروف است نام قدیمی‌آن «اسماعیل‌آباد» بوده‌است، بااین‌ترتیب روشن است که اسماعیل‌نامی در آبادانی ده کوشیده و یا اصولاً قلعه مذکور را بنا کرده‌است ولی چگونگی تغییر نام آن بخوبی روشن نیست .

نخستین آگاهی نگارنده ازنام‌این‌ده مربوط بسال ۱۲۹۷ قمری‌است زیرادراین‌سال‌شخصی بنام محمدعلی‌خان نائینی مسافرتی بورامین نموده ومشاهدات خودرا در جزوه‌ای بنام «کتابچه خوار و ورامین» مینگارد وچون‌ده مذکور سرراه این‌شخص بوده‌است درجزوه‌اش مینویسد که‌امروز ازاین دهات دیدن کردیم، ناسبرده ضمن بیان نام چند ده نام طالب‌آبادرا هم ذکر میکند .

از سال ۱۳۱۱ قمری سند دیگری دردست است که درآن نام ده «طالم‌آباد» ذکر شده‌است وهم‌اکنون هم‌بطور کلی درگفتگوهای‌شفاهی‌نام‌ده «طالم‌آباد» و«طالم‌باد» ذکرمیشود واین‌بدان علت است که دراین‌مورد تلفظ حرف میم‌بمراتب ازحرف ب‌آسانتراست و اشتباه نویسنده سندسال ۱۳۱۱ ازهمینجاسرچشمه‌میگیرد که‌درنوشته خود تلفظ عامیانه‌راضبط کرده‌است نه‌اسم‌واقعی‌ده‌را .

دراسناد بعدی‌هم همه‌جا نام ده، طالب‌آباد ذکر شده‌است‌ازاینرومیتوان‌حدس‌زد که شاید ابوطالب‌نامی درآبادانی ده کوشیده ویاچنانکه تصور میرود ناسبرده مالک ده بوده است و نام ده بنام‌او تغییر داده شده است ولی چون تلفظ ابوطالب‌آباد درگفتگو مشکل بوده است کلمه «ابو» ازآن حذف و «طالب‌آباد» متداول شده‌است .

بهرصورت آنچه برای ما مسلم‌است اینکه امروزه ده مذکور را طالب‌آباد مینامند واطراف آن اماکن تاریخی چندی مشاهده میشود که برای بررسی وضع تاریخی و روشن شدن تاریخ ده ببررسی آنهامیپردازیم، ولی قبل‌ازاینکه به‌بحث دراطراف ده بپردازیم لازم‌است مختصری دربارهٔ تاریخ شهر ری و ورامین دراینجا نگاشته گردد زیرا این ده در طول تاریخ خود رابطهٔ مستقیم با تحولات و نوسانات این دوشهر داشته است .

تاریخ شهری

شهری که امروز درهفت کیلومتری جنوب‌تهران واقع شده‌است وبیشتر بنام‌شاه عبدالعظیم شهرت دارد، شهر تازه‌ای است که برروی خرابه‌های شهر کهن وباستانی ری بنا گردیده است. ری‌یکی‌از بزرگترین وقدیمی‌ترین شهرهای ایرانی‌قبل‌از اسلام‌بشمارمیرود و نام آن‌درقدیمی‌ترین سنگنبشته‌ها واسنادتاریخی‌دیده میشود. راجع‌به‌بنای شهر در زوایای تاریخ مطالبی یافت میشود که قدمت و کهنگی آنرا تا مرز تاریخ مدون مسلم‌میدارد وجلوتر ازآنهم باستان‌شناسان معتقدند که قدمت تمدن چشمه‌علی ری به . . . ۵ سال قبل‌از میلاد مسیح میرسد.

بنای شهر ری‌را درطول تاریخ آنقدر بجلو برده‌اند که اظهار میدارند :

شهر ری را شیت‌بن آدم ساخت وهوشنک پیشدادی در عمارت آن افزود وشهری بزرگ شد بعدازخرابی، منوچهربن ایرج‌بن فریدون تجدید عمارتش کرد.

درقرن ششم قبل‌ازمیلاد داریوش‌شاه بزرگ درکتیبه‌ای که ازخود بیادگارگذاشته است ازاین‌شهر بنام راگا یادکرده‌است، دراوستا کتاب بزرگ زرتشت پیغمبر چندین‌بار بنام این شهر برمیخوریم که‌از آبادانی آن ستایش‌شده‌است.

از دورهٔ ساسانیان‌آثاری هنوز درشهر ری برجااست زیرا درشمال‌شرقی درکوههای کارخانه سیمان شهرری سنگ حجاری‌شده سوارساسانی اززمان ساسانیان وجود داشته که فتحعلیشاه قاجار روی‌آنرا تراشیده ونقش خودرادرحال‌حمله بشیر بجای آن حجاری کرده واین‌نقش تاسال ۱۳۴ شمسی وجود داشت ولی اکنون‌بواسطه مصرف سنگ کوه جهت کارخانه‌سیمان‌ری نقش مذکور ویران شده است.

درجنوب شرقی شهرری تپه‌ای بنام تپه میل واقع است که تا شهر ری حدود دو فرسنگ فاصله دارد و برروی این تپه قصر ساسانی بنا شده‌است که هم‌اکنون ازطرف موزه ایران باستان تعمیر شده وگچ بریهای آن‌را درموزه محلی وموزه ایران‌باستان میتوان مشاهده کرد.

دراطراف چاله طرخان گچ بریهای دیگری متعلق بدوران ساسانیان پیدا شده است که در موزه ایران‌باستان ازآنها نگهداری میشود، تپه‌ها وآثار فراوان دیگری‌متعلق‌بدوران قبل‌ازاسلام و اوایل اسلام دراطراف شهر ری‌مشاهده میشود که تا امروز باقی مانده‌است وازمشهورترین‌آنها قلعهٔ گبری ، تپه فیروزآباد ، تپه طالب‌آباد و تپه چشمه‌علی‌را میتوان نام برد.

جهانگردی که در اوایل قرن چهارم هجری از ری دیدن کرده است مینویسد :

«در نزدیکی این شهر کوهی بنام طبرك واقع است که در آن ساختمانهای قدیم ایرانی و تابوت‌های سنگی موجود است». هنگام حمله اعراب ری ازشهرهای بزرگ بود که درسال ۲۳ هجری هنگام خلافت عمربدست اعراب فتح شد و ازآن‌پس حکومت‌خلفا توجه مخصوصی به‌ری مبذول میداشت. درقرن دوم هجری مهدی‌فرزند وولیعهد منصور هنگامی که عازم جنگ خراسان بود در ری فرود آمد وآن‌را ساخت ورشید فرزندش همانجا متولد شد چه مهدی چندین سال در ری اقامت گزید و درآن ساختمان عجیبی بنا نهاد و زنان اشراف ری رشیدرا شیر دادند.

درهمین‌زمان است که مورخین نوشته‌اند: مهدی در دورهٔ خلافت پدرش منصور شهری ساخته و بدان‌محمدیه نام‌نهاده ومسجد جامع بزرگی درآن نیز بنانهاده است، این اسم در روی سکه‌هائی که مهدی در دوره ولیعهدی‌خود ضرب زده‌است غالباً دیده میشود، مهدی‌دراین‌زمان بقدری درآبادانی ری کوشید که پس‌از او هارون‌الرشید فرزندش گفته است.

دنیارا چهار منزل است: دمشق، رَقّه، ری و سمرقند.

مأمون پسر هارون‌الرشید که از مادر ایرانی‌نسب‌بود (دراوایل قرن سوم هجری) هنگامی که ازسفر خراسان بازمیگشت بدیدن ری ابراز علاقه کرد، وی هنگامی که به‌ری آمد مردم ری درحضور مأمون از زیادی مالیات شهرکه ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ درهم بود به‌مأمون شکایت کردند و مأمون‌دومیلیون درهم‌آنرابخشید ومالیات جدیدرابرایشان تثبیت کرد واین‌مبلغ تثبیت شده سالها پس از مأمون نیز بقوت خود باقی‌بود زیرا مبلغ خراج ری‌رابعدهانیز ده‌میلیون درهم‌نوشته‌اند.

ازحکام محلی قرن چهارم هیچ یک باندازه آل‌بویه وسلاجقه درآبادانی ری کوشش نکردند چه‌دراین زمان این‌شهرپایتخت خاندان ایرانی‌آل‌بویه بود ودرتمام قلمرو دیلمیان شهری‌آبادتر و بزرگتراز ری وجود نداشت ومردمان آن زندگی نسبتاً مرفهی داشتند.

سلاجقه درآبادانی ری‌بسیار کوشیدندومدارس فراوانی در ری ساختند تاآنجا که نوشته‌اند ری درآن‌زمان ۶۷۸ مدرسه داشته و درهریک عده زیادی درس میخواندند مثلاً درمدرسه‌ای که ملکشاه سلجوقی ساخت وپسرش آنرا تمام کرد همیشه ۴۰ نفر ازعلماء مشغول درس‌وبحث بوده‌اند ودرمدرسه خواجه‌امام رشید رازی که در دروازه جاروب‌بندان قرار داشت در تمام اوقات ۲۰۰ نفرازعلماء بتحقیق وتدریس‌علوم‌میپرداختند وتنهادرمدرسه دروازه‌آهنین که منسوب به‌سید زاهد ابوالفتوح‌است سلاطین‌چندی ازجمله سلطان محمد خدابنده وسلطان ملکشاه وطغرل بزرگ بناهای عالیه افراشتند، علاوه برمدارس فوق درزمان سلجوقیان ری دارای‌مساجد عالیه وخانقاه و بقاع زیادی نیزبوده‌است.

***

اطلاعاتی که جغرافی‌نویسان اسلامی درمورد شهرری بدست میدهند حاکی از آن‌است که شهرری از قرون اولیه تا قرن هفتم هجری سخت آبادان بوده‌است چه ازطرفی مورد توجه خلفا و ازطرف دیگر مدتها پایتخت دیلمیان وسلاجقه بوده‌است تا آنجا که بواسطه وسعت زیاد شهر نام «ام‌البلاد» و «شیخ البلاد» و «عروس دنیا» بدان داده شده بود. درقرن چهارم هجری در مورد ری مینویسند :

بعداز بغداد شهری به‌آبادانی‌ری نیست هرچند که نیشابوراز ری بزرگتراست ولی‌ازلحاظ کثرت ساختمانها و وفور نعمت وعمرانی بدان‌نمیرسد.

درهمین زمان‌است که وسعت ری‌را یک فرسنگ ونیم دریک فرسنگ ونیم نوشته‌اند یعنی شهر مورد گفتگوی ما مساحتی برابر ۸۱ کیلومتر مربع‌را دارا بوده‌است، برگرداگرد این وسعت حصاری زیبا کشیده بودند که درآن روزگاران شهرت بسزائی داشت، حصار دارای دروازه‌های متعدد بوده‌است که مشهورترین آنها عبارتنداز :

۱- دروازهٔ باب‌طاق که سوی جبال وعراق باز میشد.
۲- دروازهٔ بلیسان که بطرف قزوین میرفته‌است.
۳- دروازه کوهک که بسمت طبرستان میرفته‌است.
٤- دروازهٔ باب‌سین که راه قم بدان منتهی میگردید.
٥- دروازهٔ هشام که برسرراه قومس وخراسان قرارگرفته بود.
٦- دروازهٔ جاروب بندان که بسوی ورامین میرفته‌است.
۷- دروازهٔ آهنین که در جنوب غربی شهر واقع شده بود.

شهردارای بازارهای معمور وآبادان‌نیزبوده‌است ومشهورترین‌این بازارهاعبارت بوده‌انداز:

۱- بازار روده (واقع در شمال‌شهر)
۲- بازار بلیسان (« شمال‌غربی)
۳- بازار دهک نو (« مغرب)
٤- بازار نصرآباد (« مغرب)
٥- بازار ساربانان (« شمال‌شرقی)
٦- بازارباب‌الجبل یا کوهک (« مشرق)
۷- بازار باب هشام (« «)
۸- بازار باب سین (« جنوب)
۹- بازار دروازه آهنین (« جنوب‌غربی)

در این بازارها، سراها و کاروانسراها و مهمانسراها و دکانهای فراوان جهت آمد وشد و استراحت و داد و ستد مسافرین و قافله ها و کاروانها و تجار و مال‌التجاره‌ها و امثال آن بنا نهاده بودند.

مهمترین این بازارها بازار روده بود که اطراف آن بناهای زیادی ساخته شده بود، این بازار شارع عمومی بوده است و دو طرف آنرا بناهای انبوه و دکانها و خانه‌ها و کاروانسراهای فراوان فرا گرفته بود و سخت عریض بوده است. در شارستان (شهر مرکزی، شهر داخلی) شهرمسجد آدینه‌ای‌وجود داشت و گرداگرد شارستان را نیز دیواری فرا گرفته بود ولی شارستان بیشتر خراب و رهض (خانه های‌اطراف شهر) آبادان بوده‌است.

علاوه برمساجد وبازارها و دروازه‌ها در داخل‌شهر، شهرچه مستقل دیگری وجود داشته است چه‌سیاحی که درقرن چهارم از ری دیدن کرده است درسفرنامه خود مینویسد:

«در وسط ری نیز شهر عجیبی با دروازه‌های آهنین و باروی عظیم وجود دارد که دارای یک شهر ویک مسجد جامع است ونیز دروسط آن کوه بلندی است که برفراز آن دژ محکمی‌برپا میباشد که رافع‌بن هرثمه[1] آنرا بنا نموده واکنون ویران شده‌است».

یاقوت حموی سیاح بزرگ قرن هفتم هجری نیز از ری دیدن کرده و شرح مفصلی از ری درکتاب خود آورده‌است، نامبرده در مورد شهر مینویسد:

«اول شهر داخلی‌است که مسجد و دارالاماره درآنجا واقع است و خندقی آنرا احاطه کرده و معمولاً آنرا المدینه «شهر» میگویند، دوم شهر خارجی که موسوم است به محمدیه و قبلاً محله مستحکمی درخارج شهر بوده وبرقله کوهی‌مشرف برشهر داخلی یا پائین قرار داشته‌است» درهمین‌قرن‌است که‌درباره ری‌نوشته‌اند برج وباروی‌ری... ۱۲ گام‌است وشهردارای... ۳۰ مسجد و ۲۷۰ مناره است.

قدما وجغرافی‌دانان اسلامی ضمن بیان جغرافیای تاریخی شهر ری به‌آب

آب شهر آن نیز اشاره‌ای نموده‌اند و دراین باره مینویسند:

«ری ولایتی‌است‌پاکیزه وپرآب ودارای اراضی وسیعه، دورودخانه به‌شهر ری وارد میشده است که یکی‌را سورقنی میگفتند و ازمحله روده میگذشت و دیگری جیلانی نام داشت که ازمحله ساربانان عبور میکرده است.»

علاوه برآب رودخانه، شهر دارای آب کاریز نیزبوده‌است، مشهورترین کاریزهای شهررا

۱- رافع‌بن هرثمه یکی‌از سرداران بزرگ خراسان درقرن سوم هجری بود که مدتها با یعقوب لیث زد وخورد داشت وسپس از در صلح درآمد و چندی نیز درخدمت عمرولیث بود.

کاریز شاهی میدانستند که ازمحل ساربانان میگذشته‌است، کاریز دیگری نیز از محل ساربانان میگذشته که نامش کاریز گیلانی بوده و بیشتر آب آن مورد استفاده عموم قرار میگرفته است ، علاوه‌براینهاشهردارای کاریزهای‌فراوان‌دیگری‌بوده که درکشاورزی ازآنهااستفاده میشده‌است .

بغیراز رودها و کاریزها شهر دارای قنوات فراوانی بوده است، در داخل شهرنهرهای فراوانی نیزجاری بوده‌است، این رودها ونهرها تا قرن هفتم‌هجری‌هنگام ویرانی‌ری وجودداشته است چه یاقوت حموی سیاح از رودخانه موسی که از کوههای دیلم سرازیر میشده و بشهر ری وارد میگردیده یاد کرده‌است که میتوان آنرا با رود گیلان یا جیلان یکی‌دانست وی‌دراین باره میگوید: «آب آشامیدنی اهل‌ری ازچشمه‌های‌بسیار ورودخانه‌های‌بزرگ‌است ودرآن‌رودخانه‌ای است که ازبلاد دیلم میآید وبآن نهر موسی گفته میشود .»

محصولات

قدما و جغرافی نویسان ضمن بیان مطالبی در بارهٔ ری گاهی از محصولات آن نیز سخن بمیان میآورند و مختصر یادآوری نیز دراین باره مینمایند و اظهار میدارند :

ری دارای دهات بزرگ وباغهای فراوان ومیوه‌های بسیاراست که درآن میوه‌های خوب ولذیذ فراوان بدست میآید و ازآن‌میان : زردآلو، انار ، گلابی ، شفتالو ، عباسی ، انگور وگوجه آن‌مشهورتر وزیادتر ازدیگر میوه‌های شهر میباشد .

ازمنطقه ری کرباس ، بُرد (نوعی پارچه) ، غله ، پنبه ، عصاره (شیره) ، روغن و نبیذ (شراب) بدست میآمده وپنبهٔ آن بقدری بوده که به‌بغداد وآذربایجان صادرمیشده است . غله‌اش بسیار نیکو وفراوان بوده وازآنجا غلات‌را به‌ولایات دیگر میبرده‌اند؛ از فراوانی وارزانی‌ارزاق‌هم در ری یادشده وپیدایش تنگدستی وقحطی‌را از اتفاقات‌آن شمرده‌اند .

ری تاقبل‌از حملهٔ‌مغول بمرور برعظمت وبزرگی‌اش‌افزوده میگردید تااینکه این‌شهرعظیم بدست دو سردار بزرگ مغول فتح وبا خاك یکسان گردید ودیگر بحال اولیه‌اش برنگشت .

گلاویخو سیاح اسپانیائی که در دوران فرمانروائی مغولان ازشهر ری دیدن کرده است دربارهٔ ری مینویسد :

«پس‌از پیمودن دوفرسخ ازتهران درجانب راست بناهای شهری عظیم‌را دیدم که‌متروك مانده و ویران گشته بود اما بسیاری ازبرجهای آن هنوزهم برپا بود و خرابه‌های چند مسجد را دیدم، این آثار همان شهر ری است که درگذشته بزرگترین شهرهای آن‌منطقه بوده اما اکنون این‌شهر بکلی خالی‌ازسکنه است» .

پس از سه‌قرن که از ویرانی ری گذشت در زمان صفویان مجدداً بدان توجه شد زیرا در قبرستان ری حمزة بن موسی بن الکاظم فرزند امام هفتم شیعیان وحضرت عبدالعظیم ازفرزندان امام حسن امام دوم شیعیان وامامزاده طاهر مدفون بودند.

درآنزمان تهران قریه‌ای بیش نبود که در حدود یک فرسنگی شمال ری واقع شده بود و چون مکان خوش آب وهوائی بود شاه طهماسب دراوایل قرن دهم هجری دستور داد تا برج و باروئی بدور آن کشیدند و گاه گاهی که بدین نواحی میآمد مدتی درتهران توقف مینمود و چون خودرا ازنسل حمزه فرزند موسی کاظم میدانست هنگام توقف در تهران بزیارت جد خود میآمد ازاینرو دستور داد تا بقعه وبارگاه وصحنی برای امامزادگان فوق ترتیب دادند که آثاری‌ازآن تاکنون باقی‌است.

پس ازآن شاه‌عباس بزرگ صفوی نیز توجهی بدان مبذول داشت وحتی کتابخانه‌ای‌برای آستانهٔ مقدس حضرت عبدالعظیم ترتیب داد که مقداری ازکتابهای وقفی شاه‌عباس با مهرخود او تابه‌امروز درکتابخانه کنونی آستانه حضرت عبدالعظیم دیده میشود.

ازآن‌پس بمناسبت توجه شاهان صفویه، ری بصورت‌قصبه‌ای درآمد که اصولاً جنبهٔ‌مذهبی داشت وتا آنجاکه نام اصلی‌اش بدست فراموشی سپرده شد وبنام «شاه عبدالعظیم» نامیده شد.

از حکمرانان پس‌از صفویه شاهان قاجارکه پایتخت خود را تهران انتخاب نموده بودند اهمیت فراوانی برای شاه عبدالعظیم قائل شدند. فتحعلیشاه و بخصوص ناصرالدین‌شاه قاجار در تزیین اماکن مقدس‌آن بسیارکوشیدند و تمام‌ایوانهای آئینه وگنبدوبارگاه وصحن درزمان آنها تزیین گردید وگنبدطلا وگلدسته‌های مرتفعی نیز بنا گردید.

ولی باوجود تمام اینها شاه عبدالعظیم تازمان سلطنت رضا شاه پهلوی قصبه‌ای بیش‌نبود و در تمام اسناد رسمی از آن بنام«قصبه» و «زاویهٔ حضرت عبدالعظیم» یاد شده است ، وسعت شاه‌عبدالعظیم دراین‌زمان بیش‌از ۳۰۰۰۰۰ مترمربع نبود ولی‌ازسال۱۳۱۳ شمسی ببعد که در شمال‌شرقی‌شهر کارخانه سیمان وسپس درسال۱۳۱۸ شمسی کارخانه گلسیرین دائرگردید محلات چهارگانه شهر توسعه یافت تا آنجاکه امروزه این‌وسعت به‌حدود ۲٫۵ کیلومتر مربع رسیده‌است وچندین ده‌را بشکل‌اقماری دربرگرفته است ودراطراف کارخانه‌های نامبرده شهرچه جداگانه‌ای ایجاد شده‌است.

جمعیت شهرکه دراوایل‌سلطنت محمدرضا شاه پهلوی کمی بیش‌از ۱۰۰۰۰ نفر ذکرشده است درسال۱۳۳۵ حدود ۲۹۰۰۰ ودرسال۱۳۳۹ این‌جمعیت از ۴۲۰۰۰ نفرهم متجاوزگردید.

درسال ۱۳۱۷ فرهنگستان ایران نام شاه عبدالعظیم‌را به‌شهر ری (نام قدیمی آن) تغییر داد[1] وازآن‌پس درمکاتبات رسمی‌شهر بدین‌نام نامیده میگردد هرچند که هنوزهم درافواه همان شاه عبدالعظیم نامیده میشود.

اکنون طالب‌آباد جزء حوبهٔ شهر ری محسوب میگردد و اززمانی که ما اطلاع داریم ده نامبرده جزء ری بوده است، زیرا درحال حاضر چه از نظر سیاسی وچه از نظر اقتصادی مستقیماً بشهر ری وابسته‌است و تحت تأثیر مستقیم آن قرار میگیرد

ورامین

در زمان آبادانی ری که تا قرن هفتم هجری ادامه داشت قراء و قصبات آباد فراوانی در اطراف آن موجود بود، برخی از این دهات شهرت فراوانی داشته‌اند تا آنجا که در قرن چهارم هجری دراین مورد نوشته‌اند: ری دارای توابع بزرگی است که هریک ازآنها خود ازشهری بزرگتر و ازمیان‌ساکنین این‌توابع درحدود ده هزارمرد[2] برمیخیزد وهمچنین ازقریه‌های‌دیگری نام میبرند که هرکدام خود شهرچه‌ای بوده‌اند باجمعیتی بیش‌از ده هزار مرد.

ورامین که درآنزمان از توابع‌ری بود دارای چنین موقعیتی‌بوده‌است‌زیرا ازدهات مشهور ری بشمار میرفته‌است، درقرن هفتم هجری دربارهٔ ری مینویسند که ری دارای ۳۶پارچه دیه است که از معروفترین آنها:

دولاب، قوسین، قصران، ورزنین، فیروز رام، ورامین، قوهه، شندر، طهران و فیروزان است.

بااین‌ترتیب مسلم میگردد که هنگام آبادانی ری ورامین از نواحی مشهور و آبادان ری محسوب میشده‌است. هنگامیکه درقرن‌هفتم‌ری رو بویرانی رفت غازان‌خان مغول برای‌آبادانی ری عماراتی درآن ساخت وجمعی‌را نیز درآن ساکن گردانید ولی‌بازهم ری آباد نشد زیرااهالی ری به‌دو شهر ورامین وتهران که نزدیک ری بودند، مخصوصاً بورامین نقل‌مکان کردند و در همین زمان است که حمدالله مستوفی درنزهةالقلوب مینویسد:

«ورامین درماقبل دیهی بوده است واکنون قصبه شده و دارالملک آن تومان گشته[3] و

۱- فرهنگستان‌ایران، واژه‌های‌نو که‌تاپایان‌سال ۱۳۱۹ درفرهنگستان‌ایران‌پذیرفته‌شده‌است، ص ۵۷.

۲- منظور ده هزار مرد جنگجو است زیرا درآن‌زمان اهمیت شهرها ونواحی‌مختلف‌را برحسب‌تعداد مردان جنگی که درمواقع لزوم بسیج میشدند می‌سنجیدند.

۳- دارالملک آن تومان گشته یعنی مرکزیت بخود گرفته ومرکز نقاط مسکونی‌اطراف گردیده‌است.

محصول پنبه ، غله ومیوه دارد ، درآب وهوا خوشتر از ری است، اکنون که ری خراب گشته ورامین شهر آنجاست .

ورامین هنگام آبادانی و شهرتش دارای مسجد جامعی نیز بوده که از بناهای اولجایتو و پسرش ابوسعید است که ازحکمرانان اوایل قرن هشتم هجری بشمار میروند، بنای اصلی این مسجد از دورهٔ سلجوقیان وتاریخ آغاز بنای آن قرن ششم هجری است وقسمتی ازآن نیز متعلق بدوره غزنویان نیز میباشد و این خود میرساند که شهر از زمان غزنویان مورد توجه بوده است زیرا ورامین خود از قراء کهن ایران و بجز مسجد جامع دارای آثار تاریخی دیگری چون مقبرهٔ علاءالدوله متعلق به نیمهٔ دوم قرن هفتم، امامزاده یحیی که دارای کاشی های درخشان و مشهوری است، قلعه ایرج که بزرگی ووسعت وزیادی برجهای آن سبب اعجاب بیننده است نیز میباشد .

درآغاز قرن هشتم هجری ورامین آبادترین شهرهای آن نواحی گردید و جمعیتش نسبت بنواحی اطراف بمراتب فزونی یافت ولی درآغاز قرن نهم هجری رو بخرابی رفت وبعدها تهران که درقرن هفتم فقط دهکده بزرگی ازدهکده های ری بود جای ورامین را گرفت .

ورامین پس از قرن هشتم بتدریج اهمیت خودرا ازدست داد و بمرور آثار تاریخی آن نیز روبویرانی رفت تا آنجا که درزمان قاجار سیاحان ازآن بنام دهکده‌ای یاد نموده‌اند که حتی دارای کاروانسرائی جهت سکنی گزیدن نبوده‌است و خرابی آثار تاریخی آنرا یادآور میشوند .

ورامین تازمان سلطنت رضا شاه پهلوی کم‌وبیش بهمان‌وضع باقی بود ولی درسال ۱۳۱۷ بواسطه ایجاد کارخانه قند و سپس کارخانه تصفیهٔ روغن و ایجاد مزارع نمونه ازطرف وزارت کشاورزی رونقی گرفت تاآنجا که جمعیت شهر ازحدود ۴۰۰ نفر درسال ۱۳۲۸ به‌بیش‌از ۵۰۰۰ نفر درسال ۱۳۳۵ رسید .

درحال حاضر ورامین دارای چهاردهستان و ۲۰۰ دهکده است، غلات وصیفی آن‌دراستان تهران شهرت فراوانی‌دارد .

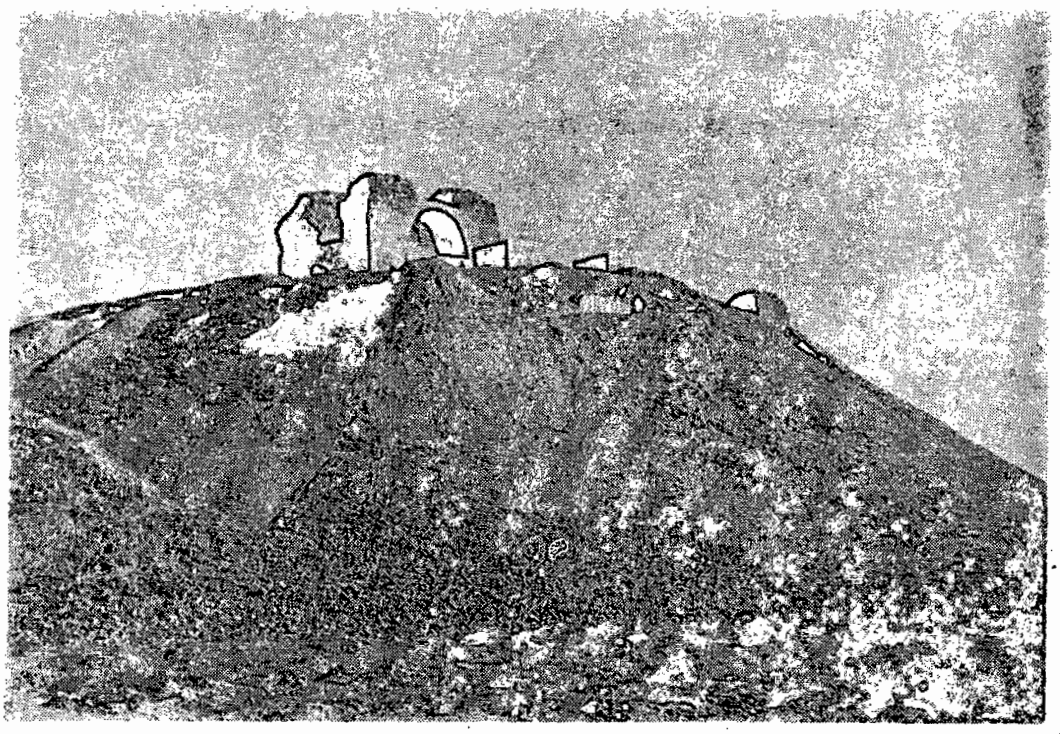
هرچند که طالب‌آباد از دهات ورامین نیست ولی از دهات سرحدی ناحیهٔ غار و ورامین بشمار میرود و دربسیاری موارد اقتصاد کشاورزی آن وابسته به‌اقتصاد کشاورزی ورامین است واصولاً اهالی اراضی مزروعی‌ده را در ردیف اراضی مزروعی خوار و ورامین بشمارمیآورند .

تاریخ طالب آباد

جغرافی‌نویسان و مورخین اسلامی در بسیاری موارد از حاصلخیزی مناطق ری مطالبی نگاشته و در بعضی موارد صریحاً از حاصلخیزی ورامین و منطقه‌ای که توسط جاجرود مشروب میگردیده است سخن گفته‌اند، بنابراین میتوان اطمینان داشت که منطقه طالب آباد هم باتفاق دهات همسایه جزء همین مناطق حاصلخیز بوده‌است که حاصلخیزی آن تا به‌امروز نیز شهرت دارد.

***

تپه‌های تاریخی فراوانی دراین منطقه وجوددارد که بزرگترین ومشهورترین آنها تپه‌میل است، این تپه درنزدیکی چاله‌طرخان حدود ٤ — ٣ کیلومتری شمال غربی طالب‌آباد واقع شده‌است که بر روی آن تپه بقایای قصری ازدورهٔ ساسانی کشف شده است و آثار و گچ بریهای آن نیمی درموزهٔ ایران باستان ونیم دیگر در موزهٔ محلی که در کنار تپه فوق‌الذکر ساخته‌اند نگهداری میشود



دورنمائی از تپه‌میل

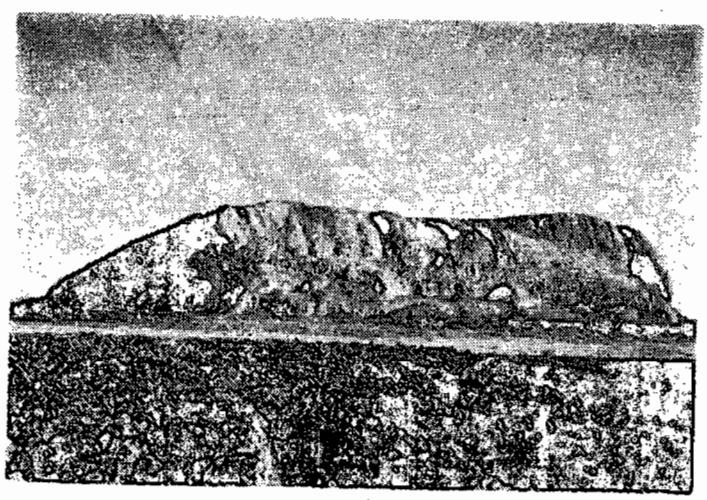
تپه میل ازبناهای دورهٔ ساسانی است که توسط موزهٔ ایران‌باستان تعمیر شده ودرمحل نیز موزهٔ کوچکی برای آن ترتیب داده شده است که بعضی اشیاء پیدا شده در محل را درآن نگهداری میکنند، باستان شناسان این بنارا یکی ازقصرهای دوطبقهٔ مهم عهدساسانی میدانند که درآن گچ بریها وراهروهای سنگی زیرزمینی و اشیاء تزیینی گچی و آثار جالب دیگر از زیرخاك بیرون آورده شده است.

علاوه براین مقداری گچ بری متعلق بزمان ساسانی از تپهٔ دیگری درکنار چاله طرخان پیدا شده که درجایگاه آثار وصنایع دورهٔ ساسانیان درموزهٔ مذکوربمعرض نمایش گذارده شده‌است.

تپه‌های دیگر چون تپه فیروز آباد ، ده خیر ، اسماعیل‌آباد ، قلعه گبری وامثال آن‌دراین نواحی دیده میشود که سفالهای فراوانی از آنها بدست آمده و میآید. نمونهٔ سفالهائی که در اعماق‌این تپه‌ها یافت میگردد خودمؤیدوجود قلعه های‌تاریخی‌این نواحی‌وزندگی‌مردم روستانشین وکشت وزرع دراین مناطق بوده‌است.

گچ بریهای زمان ساسانی درزمینهای چاله طرخان همسایه غربی طالب‌آباد ووجود قصر ساسانی بر روی‌تپه میل درمنتهی‌الیه‌زمینهای‌ده‌خیر (deh kheir) میرساند که در مغرب طالب‌آباد علاوه برتپه میل بناهای دیگری ازعهد ساسانیان نیزوجود داشته‌است.

درکنار ده طالب‌آباد هم چون بیشتر دهات این نواحی تپه‌ای مشاهده میشود که به‌تپه طالب‌آباد شهرت دارد وچون ازنظر روشن شدن تاریخ ده طالب‌آباد بررسی و تعمق در این تپه کمال‌اهمیت‌را دارد به‌جستجو دراین‌تپه‌پرداخته وسطالب زیررا نگاشته میگردد :



دورنمائی از تپهٔ طالب‌آباد که قدمت تاریخی ده را برای ما روشن میسازد

تپه طالب‌آباد

بزرگترین‌سند مادرمورد تاریخ ده‌طالب‌آباد تپه‌ای‌است بنام«تپه‌طالب‌آباد» درکنارجادهٔ‌اسفالته تهران وراسین که بامحل قلعه طالب‌آباد حدود ۶۰۰ متر فاصله دارد ، نقشه‌ای که در سال ۱۳۲۶ قمری ازاین ده تهیه شده ۷۶۸۰ مترمربع (۶۴×۱۲۰ متر) زمین رازیرتپه‌فوق‌الذکر نشان‌میدهد ولی‌اکنون بمراتب ازاین وسعت کاسته شده‌است زیرا خاك آنراکه دارای شوره است بمرور بجای کود مورد استفاده قرار

میدهند وحتی خاك تپه‌را مدتی بعنوان کود جهت‌استفاده درسبزیکاریها بشهر ری حمل میکردند ولی بلندی تپه که حدود ۱۰ متر تخمین زده میشود تقریباً ثابت و آثارساختمانها کم‌وبیش مشخص است.

بدنه های اطراف‌تپه دارای‌آجر وخشت‌های فراوانی‌است که جرزها وستونهای دیواره‌های مخروبه‌را نشان میدهد، آجرها وخشت‌ها بسیار قطور وبابعاد ۱۰×۴۳×۴۳ سانتیمتر است که باستان‌شناسان آنهارا متعلق بزمان ساسانیان میدانند.



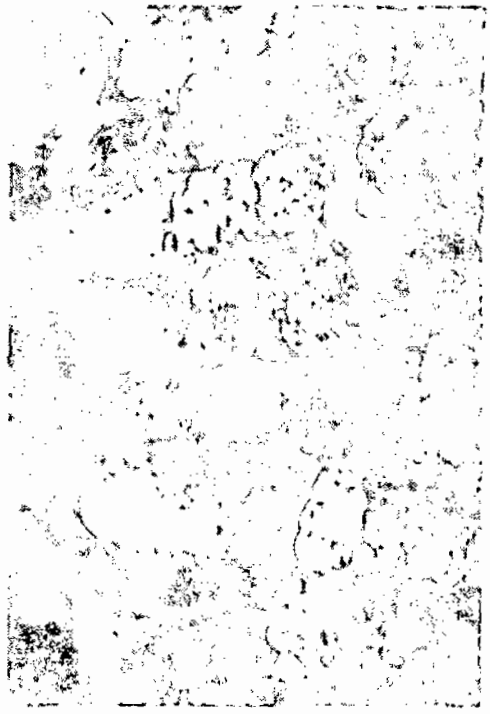
نمائی از دیوار غربی فراز تپه طالب‌آباد

دیوارهای مخروبه این تپه وخشت‌های خام داخل این‌دیوارها وسفالهای شکسته فراوان حاکی‌از اینست‌که روزی این تپه محل قلعه‌ای بوده وساکنینی داشته‌است

درقسمت‌شرقی‌تپه آجرها و خشت های‌سوخته‌شده ونیم‌پخته همراه باخاکستر فراوان،قشری ازسطح درونی تپه‌را تشکیل داده‌است‌که درلابلای آن‌استخوانهای‌نیم‌سوخته و پوسیده‌فراوانی دیده میشود.

تکه های شکسته‌سفال درهمه‌جای تپه‌فراوان دیده میشود که قدمت و کهنگی تکه‌سفالها ازشکل وساختمان آنها پیداست، تاکنون‌ظروف سفالی‌فراوانی ازاین‌تپه بدست ساکنین ده افتاده است‌که بسیاری‌ازآنهارا ندانسته شکسته‌اند ولی‌دوظرف سفالی سالم متعلق باین تپه‌بنظرنگارنده رسیده‌است‌که اولی دیزی گلی با شکل ساده و دومی خمرهٔ بزرگی‌است‌که دارای ارتفاعی‌برابر ۰٫۴۵ متراست‌که هم‌اکنون‌درمسجد ده طالب‌آباد ازآن نگهداری میشود. شکل ظاهری‌حاکی ازآن‌است‌که خمرهٔ‌مذکور جایگاه گندم بوده‌است‌زیرا هنوزهم دربعضی دهات نگهداری گندم در خمره متداول است.

با ارائه نمونه‌هائی ازتکه سفالهای متعلق به‌تپه فوق به‌دکتر عیسی بهنام استاد کرسی باستان‌شناسی دانشگاه تهران، زمانی‌را که‌تپه‌آبادان وقلعه فراز آن‌محل سکونت بوده‌است مشخص گردید چه‌نقوش‌سفالها وشکل ورنگ‌لعاب وخطوط هندسی آنها حدود تاریخی آنها را مشخص میسازد.



درشکافها وقسمت‌هائی ازتپه طالب‌آباد که ازاثرباد وباران مصون‌مانده‌است، خشت‌های خام سالمی یافت میشود که به خشت های ساسانی شهرت دارند، این خشت‌ها دارای ابعادی‌برابر با ۱۰×۴۳×۴۳ سانتیمتر میباشد

کهنه‌ترین سفالها متعلق به‌اواخر عهد ساسانی و اوائل اسلامی وجدیدترین آنها متعلق بزمان‌سلجوقیان وقرن‌ششم هجری‌تشخیص داده‌شد، چیزی که‌مطالعه نمونه‌ها تأیید میکند دوعدد سکه طلااست که هنگام خاك‌برداری درتپه کوچکتری که نزدیک‌این تپه است توسط اهالی‌یافته شده‌است، نگارنده خوداین دوسکه طلارا مشاهده وعکس‌های گرفته‌شده ازآن‌عیناً منتشرمیکردد.

طلای سکه‌ها کاملاً زرد وقدری از دوریالی معمولی کوچکتر ولی ضخیم‌تر و روی هردو طرف سکه‌ها بخط کوفی مطالبی‌ضرب زده‌شده است که توسط یکی از استادان محترم دانشگاه مطالبش بشرح ذیل خوانده شد[۱]:

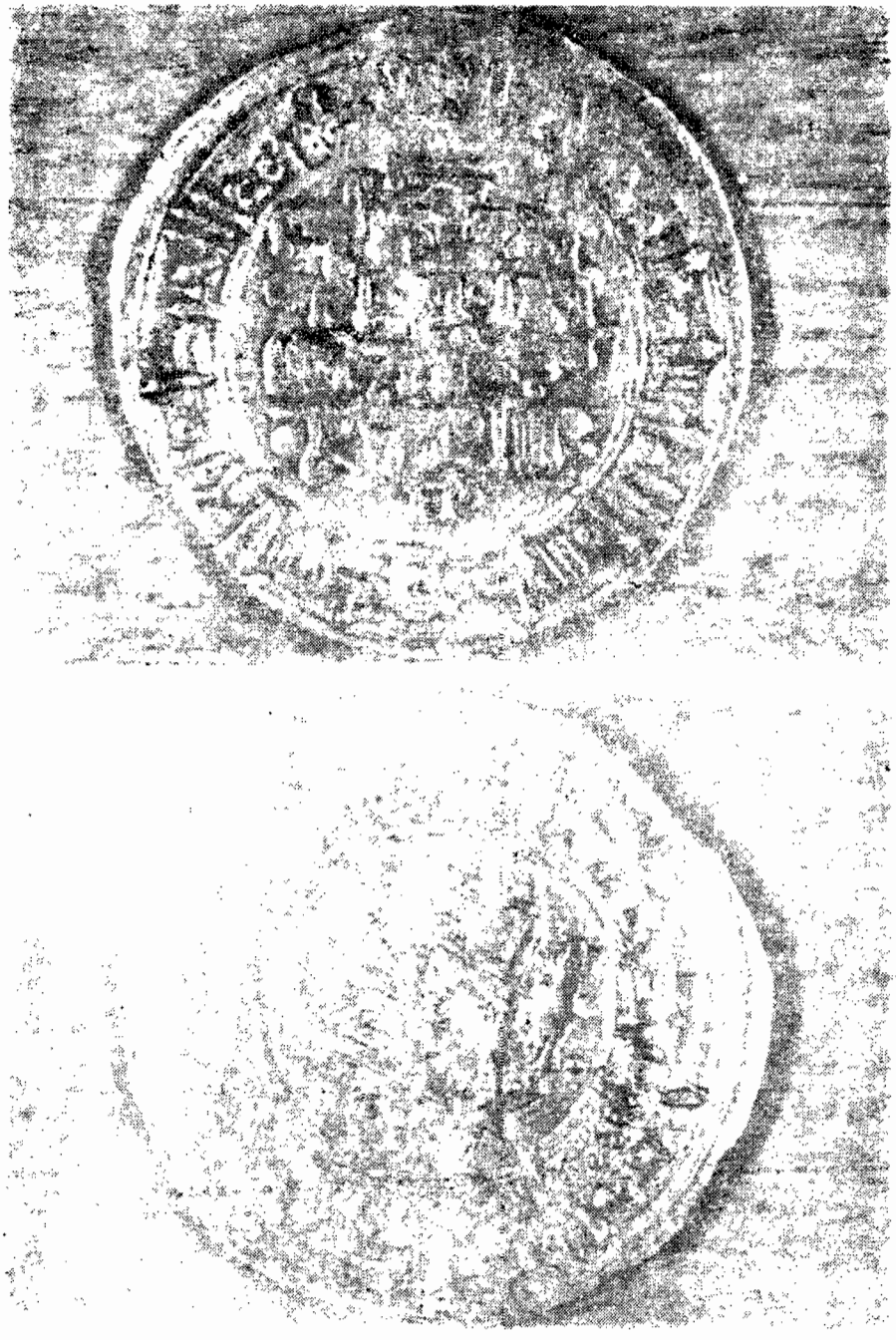
«لااله الّا اللّه وحده لاشریك له»

«محمّد رسول‌اللّه، ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدّین کلّه ولو کره المشرکون»

۱- نیمی ازسکه نامبرده توسط دکتر جعفر شهیدی معاون لغت‌نامهٔ دهخدا ونیم دیگر توسط دکتر ملکه بیانی استاد سکه شناسی دانشکدهٔ ادبیات تهران خوانده شد.

« الله ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ‌الله ، اَلسُّلطان المُعَظَّم ، رکن الدنیا والدین فخر الدوله . . . یه »

البته این نکته مسلم است که فخرالدوله . . . یه ، همان فخرالدوله بویه میباشد که کلمهٔ «بو» از سکه سائیده شده وناخوانا گردیده است.



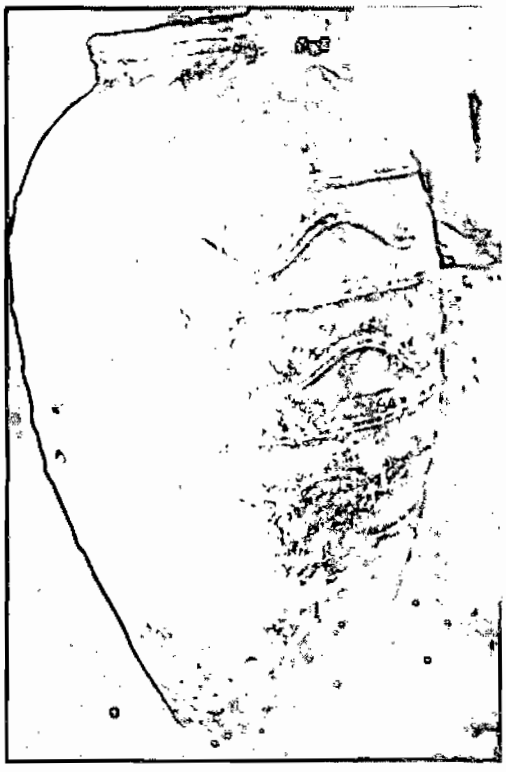
پشت و روی یک سکه طلا متعلق به‌قرن ششم هجری که در تپهٔ طالب‌آباد پیدا شده و نام فخرالدوله دیلمی در روی آن ضرب شده‌است

آنچه در این سکّه قدمت تاریخی را مشخص میدارد نام «فخرالدوله» دیلمی است که بنام سلطان معظم، رکن دنیا ودین فخرالدولهٔ بویه در روی سکه ضرب شده است.

فخرالدولهٔ دیلمی از حکمرانان آل بویه است که مدت ۱۰ سال درسالهای ۳۸۷-۳۹۶ قمری حکمران نواحی ری بوده است، وزیر مشهور، صاحب بن عباد ایرانی وزارت اورا بعهده داشته است، پس از مرگ فخرالدوله که در قلعه طبرك ری صورت گرفت زوجه اش سیده خاتون بحل و فصل امور مملکتی پرداخت، زیرا سالیان متمادی شعبه های متعدد دیالمه برسراسر ایران حکومت میکردند و شعبهٔ دیالمه ایران مرکزی نزدیک به یک قرن در این منطقه حکومت کردند.

این خود میرساند که در قرن چهارم قلعهٔ فراز تپه طالب آباد دوران آبادانی خودرا میگذرانیده و حتی این آبادانی تا قرن پنجم وششم قمری نیز ادامه داشته است زیرا سفالهای موجود در تپه متعلق بدوران سلاجقه است که ازاوایل قرن پنجم تااوایل قرن ششم درایران حکومت میکردند.

بادرنظر گرفتن آجرها وخشت ها وسفالها و سکه های یافته شده در تپه و وجود دیوارهای پهن ومستحکم وبلند وبقایای دیوارهای مخروبه وشکل اماکن مسکونی موجود ازطرفی ووجود قشر قابل توجهی ازتپه که بصورت پخته و سوخته شده مشاهده میگردد و از روی بقایای تقریباً پوسیده آن میتوان حدس زد که این قلعه آبادانیش دستخوش یک حریق گردیده و همه چیز آن سوخته وازآن پس ساکنین خودرا ازدست داده است وبعید بنظرنمیرسد اگر این سوختگی وخرابی را



تصویر خمره‌ای که درتپهٔ طالب آباد پیدا شده و هم اکنون در یکی از اطاقهای مسجد ده نگهداری میشود

ارتفاع خمره	۱۴۵	سانتیمتر
محیط بدنه	۲۵۰	»
دهانه	۴۵	»
ضخامت لبه	۸	»

بدوران مغولان نسبت دهیم زیرا شواهد وآثار زندگی تا پایان قرن ششم درآن بخوبی مشخص است ومغولان درقرن هفتم قتل وغارت و خرابی خودرا آغاز کردند وبدنبال خرابی شهر بزرگ ری دهات اطراف آنرا نیز بخاك کشیدند وسکنهٔ آنرا نابود کردند.

***

درمورد تاریخ بناء قلعهٔ طالب‌آباد اطلاعی دردست‌نیست همینقدر میدانیم که نام این‌ده قبل ازاینکه‌طالب‌آبادباشد به«اسماعیل‌آباد»شهرت داشته‌است ولی علت تغییر نام آنرانمیدانیم.

نخستین‌سندی که از ده‌طالب‌آباد دردست است حاکی‌ازاین‌است که درسال۱۲۹۷قمری یعنی درزمان سلطنت‌ناصرالدین‌شاه قاجار محمدعلی‌خان‌نائینی ازتهران به‌خوار و ورامین مسافرت کرده وسفرنامه‌ای‌بنام «کتابچه خوار ازبلوکات‌معتبرهٔ تهران» دربارهٔ‌مشاهدات خود درطول‌راه نگاشته است، نامبرده دربارهٔ این‌ده درسفرنامه خود چنین مینویسد :

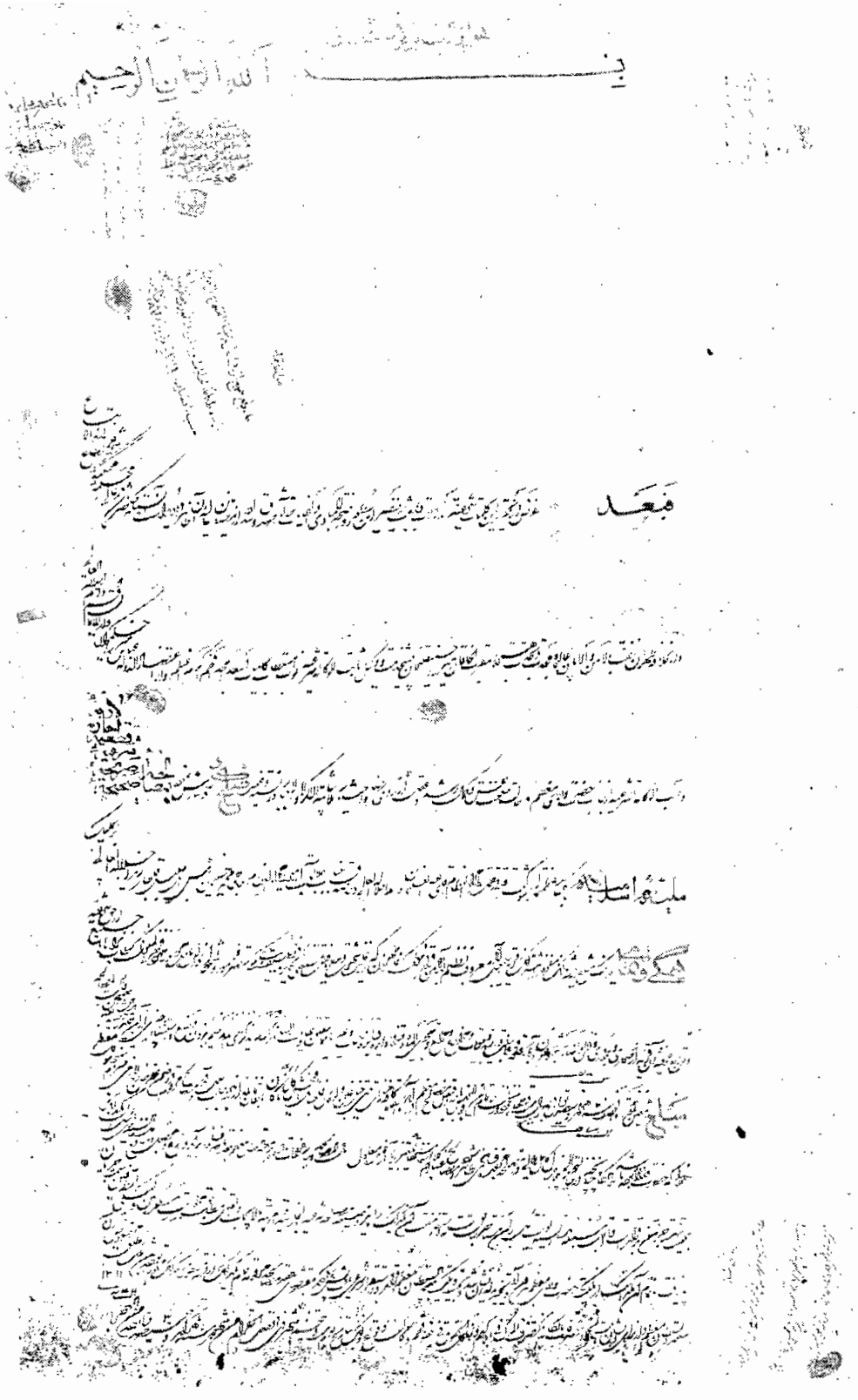
«دهاتی که امروزدیده شد ازاینقراراست...فردیس‌اربابی، قرچك اربابی، گل‌تپه‌اربابی، قمی‌آباد اربابی، شمس‌آباد اربابی، **طالب‌آباد اربابی**، قلعه نو خالصه، فیروزآباد خالصه و تقی‌آباد اربابی».

سپس ازخوبی وآفت‌نداشتن زراعت گندم وصیفی این‌نواحی نام برده واز فراوانی آب‌بهمهٔ نهرها دردهات خالصه وارباب‌یرا یادآورمیشود.

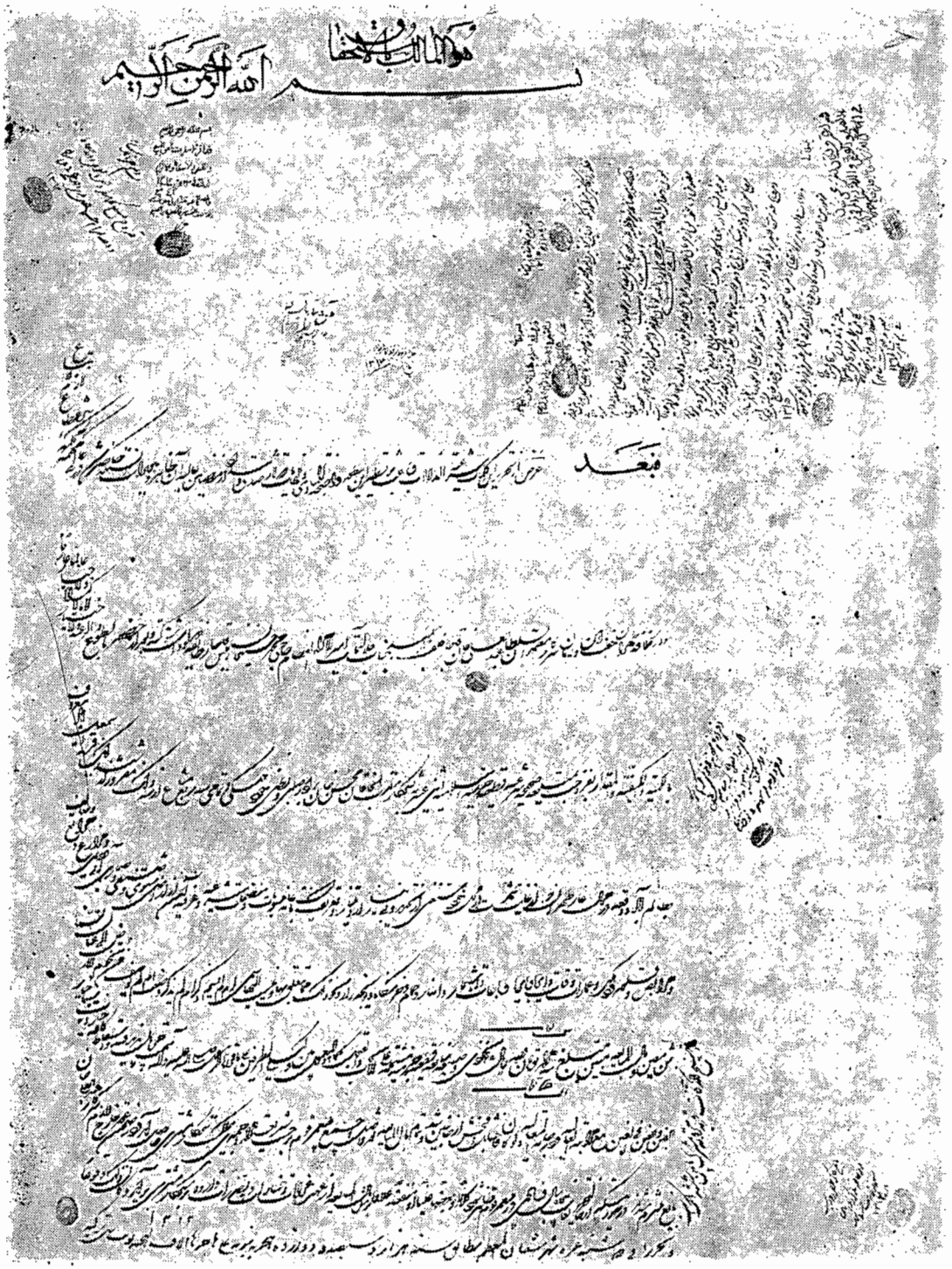
درهمان زمان یا کمی بعدتر طایفه‌ای درحدود ۲۰۰تا۳۰۰خانوار از اطراف شیراز بدین ناحیه مهاجرت‌میکنند ودرگل‌تپه وشمس‌آباد وقلعه‌نو وطالب‌آباد ساکن‌میشوند، یکی‌ازبزرگان این‌مهاجرین که‌فرزند حاج‌نبی‌نامی‌بوده قلعهٔ شمس‌آباد کنونی‌را میسازد که اکنون این قلعه در همسایگی‌طالب‌آبادواقع شده است زیرا قلعهٔ‌قبلی مخروبه شده بود وقلعه تازه‌ای بجای آن توسط شخص مذکور بنا میگردد.

طبق‌اسناد ومدارك وبنچاقهائی که دراختیار مالك ومتولی کنونی ده طالب‌آباد آقای‌حاج نعمت‌الله فلاح شیرازی میباشد وتمام آنها دراختیار نگارنده قرارگرفت تاریخ ده تازمان سلطنت ناصرالدین‌شاه روشن میگردد زیرا نخستین سند مربوط بسال۱۳۱۱قمری‌است.

دراین زمان طالب‌آباد متعلق به‌فخرالملوك نامی ازشاهزاده خانم‌های قاجاریه بوده‌که پس‌ازسرگشی ده مذکوربه‌شاهزاده اعتضادالدوله‌عباس‌میرزا حکمران قم میرسد وی‌میرزاحسین‌قلیخان پیشخدمت ووکیل ثابت خود را مأمور کرده واین وکیل قسمتی از ده طالب‌آباد را به عبدالعلیخان‌معتمدالسلطان فرزند امیرالامراءالعظام حاجی محمد حسینخان رئیس قاجار طایفهٔ



تصویری ازقدیمی‌ترین سند مربوط بده طالب‌آباد که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه درسال ۱۳۱۱ قمری نوشته شده‌است. سند فوق بنچاق فروش قسمتی از ده طالب‌آباد درسال مذکور میباشد



سند دیگری ازینچاقهای قدیمی ده طالب‌آباد که درسال ۱۳۱۲ قمری نوشته شده‌است

دولو فروخته و در سال بعد او هم سهم خودرا به برادرش مقرب‌الخاقان محسن خان میفروشد . بااین‌ترتیب مشخص میگردد که ده طالب‌آباد درآغاز متعلق بشاهزادگان قاجاریه بوده‌است.

پانزده سال بعد یعنی درسال ۱۳۲۶ قمری مالکیت ده بین شاهزاده اعظم‌سلطان حسین میرزا نیرالدوله[1] وبهاءالسلطنه وحاج‌صدرالاشراف وفخرالحاج معتمدین حاج‌میرزاحسن لاریجانی مشترک بوده‌است، درهمین زمان‌است که‌بواسطهٔ نفوذ شاهزاده‌نیرالدوله‌قاجار نقشهٔ‌دقیقی‌توسط عبدالرزاق مهندس از ده طالب‌آباد تهیه میگردد وجزئیات زمین‌ها وضع مالکیت در روی آن ثبت میگردد بدین‌ترتیب که سه دانگ شرقی ده متعلق به شاهزادهٔ نیرالدوله و سه‌دانگ بقیهٔ بطور مشاع متعلق‌بسه‌نفر دیگر بوده‌است که اساسی آنها دربالا یادآور شد.

تقریباً درهمین‌سالها ازطایفه شیرازی مهاجرکه در ده طالب‌آباد ساکن شده بودندفرزند کربلائی‌محمداسماعیل‌طالب‌آبادی‌بنام‌احمدفلاح‌شیرازی‌بمقام کدخدائی‌میرسدوبنام کدخدااحمد مشهور میگردد، کدخدا احمد که از نظر مادی وضع بهتری از دیگران بهم میزند در فکر خرید قسمتهائی از سهام ده افتاده ابتدا بمرور سهم شرکاء جزء و سپس سهم شاهزاده نیرالدوله را خریداری مینماید بدین‌ترتیب که سهم سلطان حسین میرزا نیرالدوله را از فرزندش شاهزاده سلطانعلی‌میرزا نیرالدوله‌طی‌سه فقره‌معامله که درفاصلهٔ‌سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶ قمری‌انجام میشود تمامی سه‌دانگ را بمبلغ ۱۵۰۰ تومان خریداری مینماید.

کدخدا احمد قبل‌ازاینکه سهام‌نیرالدوله‌را خریداری‌نماید درسال ۱۳۳۹ قمری سهم‌میرزا حسن‌لاریجانی (یکربع ازیکدانگ) را ازدخترش بیگم‌خانم بمبلغ ۲۰۰۰ تومان خریداری کرده ازمقام کدخدائی به‌مقام مالکی‌میرسد.

درسمیزی که بسال ۱۳۰۷ شمسی‌توسط وزارت دارائی ازاین ده‌بعمل آمده‌است ازسه‌مالک بنامهای شاهزاده سلطانعلی میرزا نیرالدوله، کدخدا احمد ومعتمدالاشراف نام برده میشود ولی یکسال‌بعددرسال ۱۳۰۸ که‌سند مالکیت ده‌بشمارهٔ ۱۵۴ ثبت‌املاک‌غار وفشاپویه صادر میگردد فقط حاج معتمد سهم کمی‌ازده را دارابوده‌است‌وبقیهٔ آن بنام‌احمد فلاح وفرزندش میرزاعزیزالله به‌ثبت رسیده‌است و دربرگهٔ ثبتی سهم ارباب احمد وفرزندش بارزش ۵۲۲۴ تومان وسهم حاج معتمد بارزش ۱۰۰۰ تومان‌تخمین شده‌است یعنی‌ارزش ششدانگ ده‌طالب‌آبادرا درسال ۱۳۰۸ برابر با ۶۲۲۴ تومان برآورد نموده‌اند.

۱ـ شاهزاده سلطان‌حسین میرزا نیرالدوله ازپیشخدمتان خاصه دربار ناصرالدین شاه بوده وچندین بار بحکمرانی ایالت خراسان منصوب شده‌است.

اندکی پس‌ازاین‌تاریخ سهم حاج معتمد توسط ارباب احمد خریداری شده وارباب‌احمد به‌مکه رفته و ازآن‌پس به حاج ارباب احمد شهرت می‌یابد و مالکین کنونی ده فرزندان همین شخص‌اند که دراین نواحی به حاج ارباب بزرگ شهرت دارد چون فرزند بزرگتر او آقای حاج نعمت‌الله‌فلاح هم دراین‌نواحی به‌حاج‌ارباب مشهوراست[1].

***

نگارنده ازوسعت قلعهٔ طالب‌آباد قبل‌ازسال ۱۳۲۶ قمری اطلاعی دردست ندارد ، اطلاع ما دراین‌سال ازروی نقشه‌ای است که بدست عبدالرزاق مهندس تهیه شده است ، دراین نقشه قلعه ابعادی برابر باحدود ۱۶۰×۱۶۰ مترراً دارا است، بنابراین ۲۵۶۰۰ مترمربع زمین‌زیر قلعه طالب‌آباد قرارداشته واین‌وسعت تازمان‌حال هیچگونه تغییری نیافته‌است ولی باافزایش‌جمعیت ده مالکین تصمیم گرفتند به‌اطاقهای مسکونی ده بیفزایند بنابراین درسال ۱۳۲۲ شمسی تعداد بیست اطاق و درسال ۱۳۳۲ تعداد ده اطاق به‌اطاقهای مسکونی‌قبلی‌افزوده گشت واکنون بازهم سکنه‌ازتنگی‌جا شکایت دارند وصحبت‌وسیع‌ترکردن قلعه وساختن‌خانه‌های جدیدی‌مطرح است.

۱- برای اطلاع بیشتر به‌قسمت مالکیت رجوع شود.

منابع تاریخ ری

که مورد استفاده نگارنده قرار گرفته است

مسالک‌وممالک : ترجمه فارسی مسالک‌الممالک، ابواسحق ابراهیم اصطخری ، باهتمام ایرج افشار، تهران ، ۱۳٤۰ ، (نوشته شده درقرن چهارم هجری) .

البلدان : احمدبن ابی یعقوب یعقوبی : ترجمهٔ محمدابراهیم آیتی ، تهران ۱۳٤۳ .

حدودالعالم من‌المشرق‌الی‌المغرب : بکوشش دکتر منوچهرستوده، دانشگاه‌تهران، ۱۳٤۰ شمسی، (نوشته شده درسال ۳۷۲ هجری) .

سفرنامه‌ابودلف درایران: ترجمهٔ ابوالفضل طباطبائی،تهران، ۱۳٤۲ شمسی،(نوشته شده درسال ۳٤۱ هجری) .

نزهة‌القلوب : حمدالله مستوفی، تهران، ۱۳۳٦ شمسی، (نوشته شده درسال ۷٤۰ هجری) .

معجم‌البلدان : شهاب‌الدین یاقوت حموی،مصر، ۱۹۰٦ م (نوشته‌شده درقرن هفتم هجری) .

سفرنامه‌گلاویخو : ترجمه مسعود رجب‌نیا ، تهران، ۱۳۳۷ شمسی ، (نوشته شده بین سالهای ۱٤۰٦-۱٤۰۳ میلادی) .

مرآت‌البلدان : جلد چهارم، تألیف صنیع‌الدوله محمد حسنخان ، ۱۲۹٦ قمری ، (نوشته شده درزمان ناصرالدین شاه قاجار) .

جغرافیای‌تاریخی‌سرزمینهای خلافت‌شرقی: لسترنج، ترجمه محمودعرفان ، تهران، ۱۳۳۷ شمسی .

شرح احوال‌حجة‌الحق‌ابوعلی‌سینا : سید صادق گوهرین ، تهران، ۱۳۳۰ شمسی .

جغرافیای‌تاریخی‌ایران : و. بارتولد ، ترجمهٔ حمزه سردادور (طالب‌زاده) ، تهران ۱۳۰۸ شمسی .

طبرسی ومجمع‌البیان : دکترحسین کریمان،دومجلد ، دانشگاه‌تهران، ۱۳٤۰ و ۱۳٤۱ .

اماکن تاریخی ری : جواد صفی‌نژاد ، خطی ، ۱۳۳۵ شمسی .

اطلاعات‌ماهانه: سال‌اول، شمارهٔ ۵ ، تهران، ۱۳۲۷ شمسی .

«کتابچه‌خوارازبلوکات معتبره‌تهران»: نسخهٔ خطی کتابخانه‌سلطنتی‌جزء مجموعه م، صفحه ۱۵۳-۱۸۱، نوشتهٔ محمدعلی‌خان نائینی درسال ۱۲۹۷ قمری .

فصل دوم

شکل سکونت

درناحیهٔ وسیع موردبحث ما که شامل دهات فراوانی‌میشود، ده بمنطقه‌ای اطلاق‌میگردد که دارای قلعه وزمینهای مزروعی باشد.

زمینهای هرده معمولا به‌زمینهای قابل کشت و غیرقابل کشت تقسیم میشود که مجموعاً با دهات اطراف توسط مرزهای طبیعی و یا مصنوعی مشخص میشوند، مناطق مزروعی هر ده توسط عده‌ای کشت‌میشود که اکثریت‌آنها درقلعه‌ای زندگی میکنند که درداخل‌مناطق‌مزروعی قرارگرفته‌است ومعمولا نقاط مزروعی در اطراف قلعه پراکنده است و دارای قنات آبی نیزمیباشد که بهمان نام عمومی ده نامیده میشود.

بنابراین دراین‌منطقه ده عبارتست‌از قطعات کشت شده با آب مخصوص بخود که دارای قلعه‌ای درمیان زمینهای مزروعی بوده وافراد وابسته درآن سکونت دارند. معمولاً نام قلعه‌بنام عمومی ده وگاهی نام ده به‌محل قلعه نیز اطلاق میگردد.

باتوجه بمسائل فوق دوموضوع دراینجا مطرح میگردد، یکی مسئلهٔ کشت و زرع و وضع‌زمینها وآبیاری وروابط متقابل آنها که مبحث کشاورزی کتاب‌را شامل میشود، موضوع دوم مسئلهٔ مناطق مسکونی‌است که تحت عنوان شکل‌سکونت مورد بررسی قرار میگیرد.

***

منطقهٔ مسکونی روستائی دراین‌نواحی معمولاً بصورت قلعه‌ای‌است چهارگوش که کلیهٔ اماکن مسکونی درداخل دیوارهای‌بلندآن جای دارند ولی‌خارج‌از قلعه هم‌گاه اماکنی‌مشاهده میشود که نسبت به‌اماکن داخلی قلعه تعدادشان کمتراست ولی قلعه‌هائی‌هم دیده میشود که اصولاً کسی خارج‌از دیوارهایش مسکن ندارد.

هنگامیکه جمعیت داخلی قلعه رو به ازدیاد میگذارد دراطراف دیوارهای قلعه هم اماکنی بوجود میآید که درصورت توسعهٔ بیشتر رفته رفته ارزش دیوار حفاظ قلعه ازبین میرود.

بر اساس همین مسئله اماکن قلعهٔ طالب آباد را دردوقسمت مورد بررسی قرارمیدهیم:

۱- اماکن بیرونی قلعه ۲- اماکن درونی قلعه

اماکن بیرونی

اماکنی که خارج ازدیوارهای قلعهٔ طالب آباد واقع شده برحسب سادگی وپیچیدگی ساختمانی که درآن مشاهده میشود عبارتنداز:

آلونک آلونک ساده‌ترین واحد مسکونی موقتی است که درخارج ازمحل قلعه جهت استراحت وپاسداری دهقانان ازمزارع صیفی بنا میگردد. شکل آن بیشتر مدور است و شعاع آن ازحدود ۱٫۵ متر تجاوز نمیکند، ساختمان آن از گل وضخامت دیوار آن بسیارنازك است وسقف آن با شاخ وبرگ درختان پوشانیده میشود. اطراف آلونک سوراخهائی تعبیه میشود که هم محل ورود هوا وهم سوراخ دیده‌بانی است. پهنای در ورودی آن درحدود نیم‌متر و همیشه باز و ازجهت ورودی هیچ مانعی وجود ندارد.

باغ پس از آلونک ساده‌ترین شکل ساختمانی در ده طالب آباد باغهای آنجا است که جز دیوارهای گلی بنام چینه (chine) چیز دیگری ندارد، فقط در وسط یکی ازآنها چالهٔ سرپوشیدهٔ کوچکی است که آب‌انبار نام دارد واطاق کوچکی درکنار آن مشاهده میشود.

گاراژ پس ازباغ گاراژده ساده‌ترین شکل ساختمانی رادارا است وآن عبارتست ازیک در بزرگ و چهار دیوار بلند گلی ویک ستونی که پایهٔ سقف تیری برروی آن نهاده شده، چیز دیگری ندارد، این محل با مشخصات فوق که به گاراژ شهرت دارد جایگاه تراکتورهای ده طالب آباد است.

غسالخانه غسالخانه نیز مکان دیگری است درکنارقبرستان ده با چهار دیوارخشتی وکف آجری و سقف ضربی که توسط درکوتاهی بخارج مربوط میگردد و حوضی درمیان آن دیده میشود.

کوره کول(kaval) درشمال قلعهٔ ساختمان چهارگوش کوچکی قرار دارد که کوره کول‌پزی نامیده میشود وازسال ۱۳۳۰ شمسی آغازبکار نموده‌است، این جایگاه‌دارای دوقسمت است که جایگاه زیرین آن‌محل کوره و سوزاندن بوته و جایگاه

برین محل قراردادن کول‌ها جهت پختن وسفال‌شدن است، این کولها پس‌ازپخته وسفال شدن منحصراً درمجرای زیرزمینی قنات‌ها وبدنه چاهها بکار برده میشوند تااز ریزش دیواره‌ها بداخل آب جلوگیری شود.

مرغدانی

محل مرغدانی ده طالب‌آباد خارج‌از قلعه و درکنار باغ پائین قرار دارد که درسال۱۳۳۹ بنا شده، زیرا در این‌سال یکی از مالکین ده علاقمند به پرورش مرغ گردیدو ساختمانی بدین‌منظور درمحل کنونی‌آن بنانمود. ساختمان‌مذکور درسه ردیف چهاراطاقی است که درحال حاضر برای نگهداری‌مرغ مورد استفاده قرارمیگیرد. هرساختمان دارای ایوانی‌است دربدنه‌های ساختمان‌درزیر هرایوان‌پنجره‌های‌طوری برای تابش نوربداخل‌اطاق‌ها نصب شده است. پشت‌بام آن شیب‌دار و سقف آن تیر وتخته‌ای است. حیاط مرغدانی دارای چاه آب شوری است که ازاین چاه بداخل اطاق مرغها لوله‌کشی شده وتوسط تلمبه به اطاق‌ها فرستاده میشود. منطقهٔ مرغدانی برق‌کشی ودرحیاط آن یونجه و سبزه‌هائی جهت چریدن مرغها و تفریح آنها کشت شده، طول هر قسمت که مخصوص یکدسته مرغ است از قسمتهای‌دیگر باسیم‌های طوری جدا میگردد. دریک‌گوشهٔ‌این‌محل اطاق کوچکی است که محل استراحت کارگران مرغدانی میباشد وتخم‌مرغهای جمع‌شده دراین‌محل‌انباشته و بسته‌بندی میگردد.

دبستان

ده طالب‌آباد تاسال ۱۳۴۰ دارای یک دبستان ملی کهنه ساز بود، بنای این دبستان در خارج از قلعه بنا شده بود وبیش‌از دو اطاق نداشت که یکی دفتر ومحل کلاسهای‌اکابر «اسمی» برای‌بزرگسالان و دیگری‌اطاق نسبتاً بزرگی بود که کلیهٔ دانش‌آموزان کلاسهای مختلف درآن درس میخواندند.

سقف ساختمان تیری، کف آنها آجری، اطراف اطاق‌بزرگ میزونیمکت و در وسط آن‌منبع آبخوری کودکان قرارگرفته بود.

درسال ۱۳۴۰ مدرسهٔ فوق‌خراب و دبستان نوساز تازه‌ای بجای آن بنا گردید. مدرسهٔ تازه دارای‌شش کلاس‌تمیز با پنجره‌هائی برای عبور نور و یک دفترکار برای کارکنان مدرسه‌است، اسکلت ساختمان مدرسه قزاقی، نمای کارآجر بهمنی وباسقف تیرآهنی مجهز به‌برق وبنای‌اطاقها

۱- برای اطلاعات بیشتر دراین‌باره به‌قسمت آبیاری مراجعه شود.

کمی بالاتر از سطح عمومی زمین واقع شده ، دبستان فوق درحال حاضر از بهترین و زیباترین ساختمانهای موجوددر ده است که درعکس زیر نمای خارجی وداخلی آن مشاهده میشود .



منظره‌ای از
نمای خارجی دبستان طالب‌آباد



منظره‌ای ازنمای داخلی دبستان
طالب‌آباد که درسال تحصیلی
۱۳٤۱-٤۲ افتتاح گردید

علاوه بر اماکن فوق که خارج ازمحل قلعهٔ طالب‌آباد واقع شده‌است بجز دو واحدمسکونی که هریک دارای صحن و حیاط مستقلی میباشد وجایگاه دیگری دیده نمیشود ولی چون اماکن مسکونی شبیه اماکن مسکونی داخل قلعه است از بیان آن دراینجا خودداری میشود وبه‌بحث دربارهٔ اماکن درونی قلعه میپردازیم .

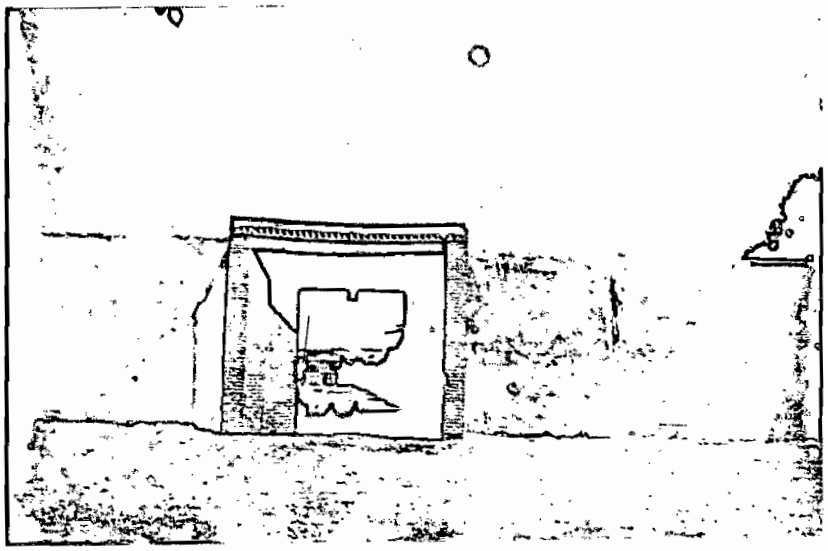


دوتصویر از دورنمای قلعهٔ طالب‌آباد که‌وضع کلی بناهارا نشان میدهد

اماکن درونی

توصیف قلعهٔ طالب آباد

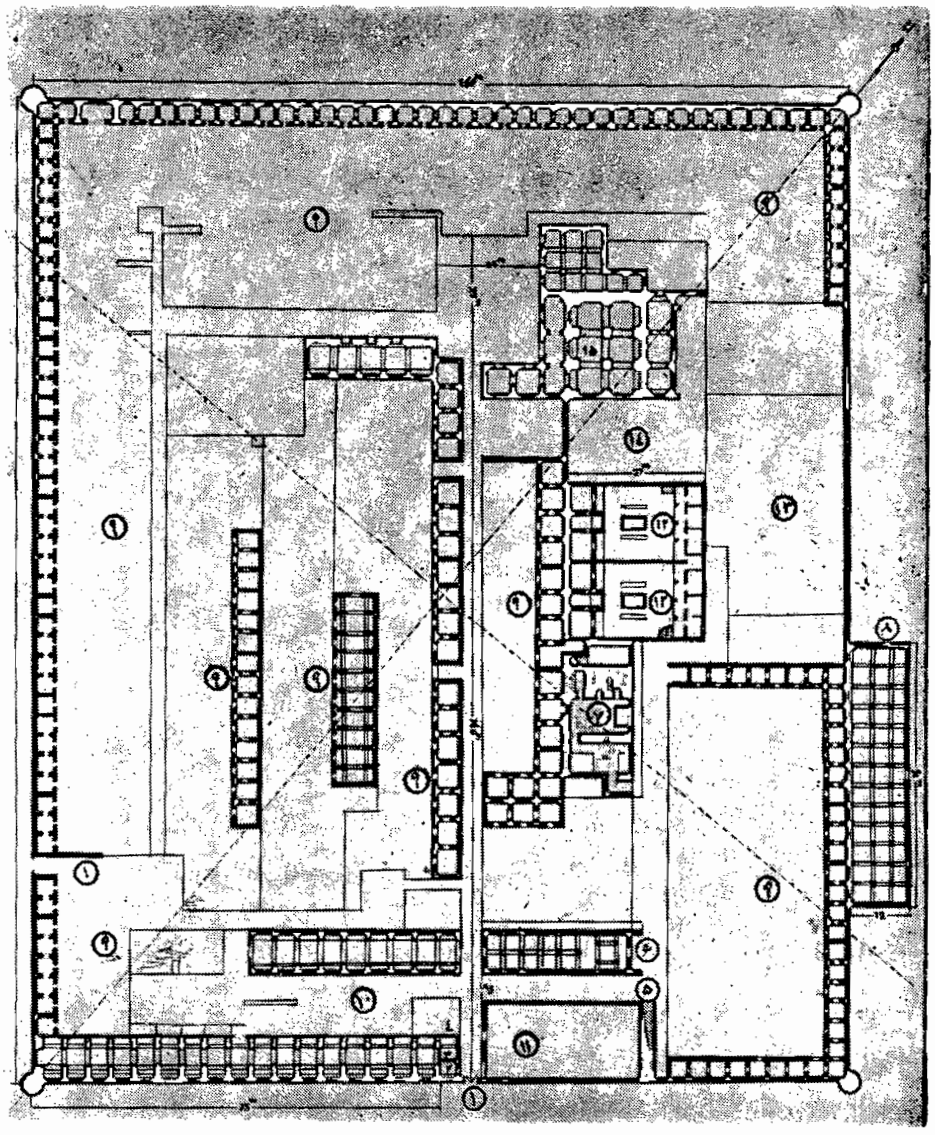
مرکز سکونت طالب آباد قلعه‌ای مستطیل شکل است که اطراف آنرا دیوارهای بلند و ضخیم گلی فرا گرفته ، مساحت این قلعه بیش از ۲۵۶۰۰ مترمربع نیست چه اضلاع آن برابر و تقریباً مربع شکل است و هر ضلع آن حدود ۱۶۰ مترطول دارد، جهت اضلاع قلعه شمالی جنوبی ویا شرقی غربی نیست بلکه باآن زاویه‌ای میسازد . درچهار گوشه اضلاع قلعه چهار دماغهٔ برجی شکل وجود دارد که ازامتداد عمومی دیوارها کمی جلوتر است و در اصطلاح محلی برج نامیده میشوند که داخل آن پر و در گذشته محل دیده بانی بوده است . چهرهٔ خارجی دیوارهای مذکور یکسره با کاه گل پوشانیده شده‌است . اگر در اطراف قلعه گردش کنیم تنها در بزرگی درضلع جنوبی قلعه مشاهده میکنیم که دارای



در ورودی عمومی قلعهٔ طالب‌آباد که قبلاً بجای آن در ورودی کوتاه با سردر هلالی وجود داشته است. برخی میگویند در اوایلی که مالک ده ماشین خریده بود بزحمت از در قبلی داخل میشد وتعویض در قلعه و وسعت دادن آن بی‌رابطه با ورود ماشین بده نبوده است.

سردر ساده‌آجری است و در آن نیز ازچوب ضخیم وساده سازی که با کلون بزرگی بسته میشود، علاوه براین در، درقسمت غربی هم بتازگی دربزرگ دیگری ساخته شده که بیش از یک سال ازعمر آن نمیگذرد واین در بیشتر مخصوص حمل کود های داخل قلعه بخارج میباشد . درضلع شرقی هم چند در کوچک مشاهده میشود که به‌انبار بزرگ کاه ده منتهی میشود وآنهارا بداخل قلعه راهی نیست ولی درسمت چپ دربزرگ ورودی ده درضلع جنوبی چند پنجره دردیوار بتازگی نصب شده‌است

شکل قلعهٔ طالب‌آباد [1]



اماکن مختلف قلعه که با شماره مشخص‌شده عبارتنداز:

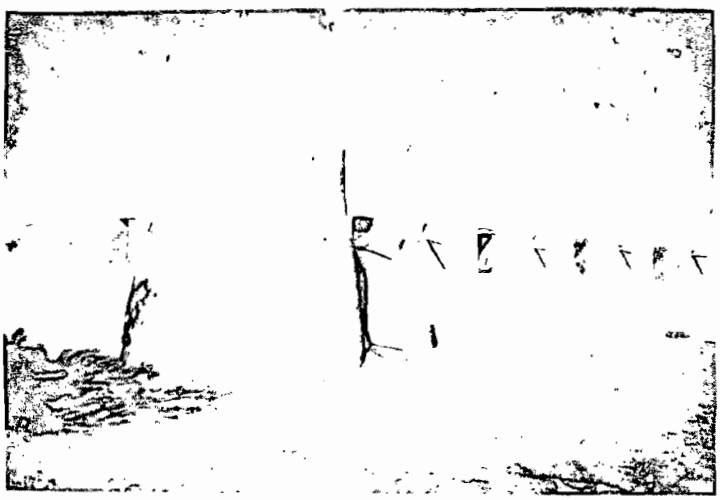
۱- درورودی ۲و۳- محل سکونت دروازه‌بان ٤- بقالی ٥- آب‌انبار ٦- انبارگندم ۷- حمام ۸- انبارکاه ۹- خانه‌های‌روستائی[2] ۱۰- گاودانی ۱۱- مسجد ۱۲و۱۳- خانه‌مالک ۱٤- انبار وطویله متعلق بمالک ۱٥- طویله و آغل‌و انبارهای کاه روستائیان

۱- نقشهٔ‌مهندسی ده‌طالب‌آباد را آقایان‌ایرج‌صفائی وداریوش‌صفائی فارغ‌التحصیلان رشته معماری دانشکدهٔ‌هنرهای زیبا تهیه نموده و ازنظر ساختمانی درمجلهٔ «معماری‌نوین» شمارهٔ۲ ، آذر۱۳٤۳ ، صفحهٔ ۱۸-۱۰ منتشر ساختند.

۲- خانه‌های روستائی چسبیده بدیوار قلعه ودرمحوطهٔ جلوی‌آن تنور، آغل‌سرباز ، آغل‌سرپوشیده، انبار، حیاط ، مستراح، طویله و امثال آن مشاهده میشود که بطور نامنظم ساخته شده و توسط دیوارهای گلی بی‌قاعده‌ای‌ازهم جدا گردیده‌است.

تا بداخله طویله گاودانی نوربدهد ازاینجا که بگذریم دیگر روزنه‌ای راطراف دیوارها مشاهده نمیگردد وسراسر مسدود است.

درپشت در بزرگ وعمومی قلعه از ابتدا تاچند قدمی مسقف است، درزیر این سقف بلند یکطرفش اطاق کوچکی‌است با درکوتاه که منزل‌مسکونی دروازه‌بان قلعه است و هنگام عبور باید خمیده از در آن گذشت و الا امکان تصادم میرود، سطح عمومی کف اطاق ازسطح عمومی کف راهروی قلعه گودتر است و جز این درخروجی دارای در یا پنجره دیگری نمیباشد.



نمائی از دیوار و برج جنوب غربی قلعهٔ طالب‌آباد

روبروی اطاق دروازه‌بان در زیر همان‌سقف طاقنمائی‌است که بدیوار اطراف آن‌چند کفش کهنه آویخته است چهارپایه وظرف آبی‌نیز درآنجا مشاهده میشود، اینجا دکان تعمیرات کفش ده است که در آن‌همان در قلعه وسقفش همان سقف پشت در قلعه وحدود آنهم همانجائی‌است که چهارپایه وظرف آب و کفش کهنه‌ها اشغال نموده‌اند ازاین محل که بگذریم محوطه قلعهٔ طالب‌آباد آغاز میگردد که بشرح جداگانهٔ هریک میپردازیم :

وضع خانه‌ها قلعهٔ طالب‌آباد دارای یک کوچه وسیع اصلی‌است و کوچه های‌فرعی‌متعددی ازآن منشعب میشود، منازل روستائی بدنبال‌هم بصورت خط زنجیری در سه‌ضلع قلعه، متصل بدیوارهای اصلی ده واقع شده‌است ، خانه ها سراسر یک طبقه ، گنبدی شکل و کاه گلی‌است. بدنهٔ اصلی و اسکلت اطاقها اکثراً خشتی‌است وبندرت خانه هائی یافت میشود که بدنهٔ اصلی‌آن گلی باشد. طاقهای گنبدی خانه ها خشتی ضربی‌است با سقف کوتاه عرقچینی‌شکل.

برفراز هرگنبد سوراخی وجود دارد که قطر دهانهٔ آن از ۱ تا ۲سانتیمتر تجاوز نمیکند ، واین سوراخ ها بیشتر برای هواکشی تعبیه شده است ومعمولاً طنابی ازآن میآویزند ، انتهای طناب به‌تخته یا جعبه‌ای چوبین بسته شده و هرخانوار خوراکیهای خود را از ترس گربه و دور بودن ازدسترس کودکان خود درآن قرارمیدهند .

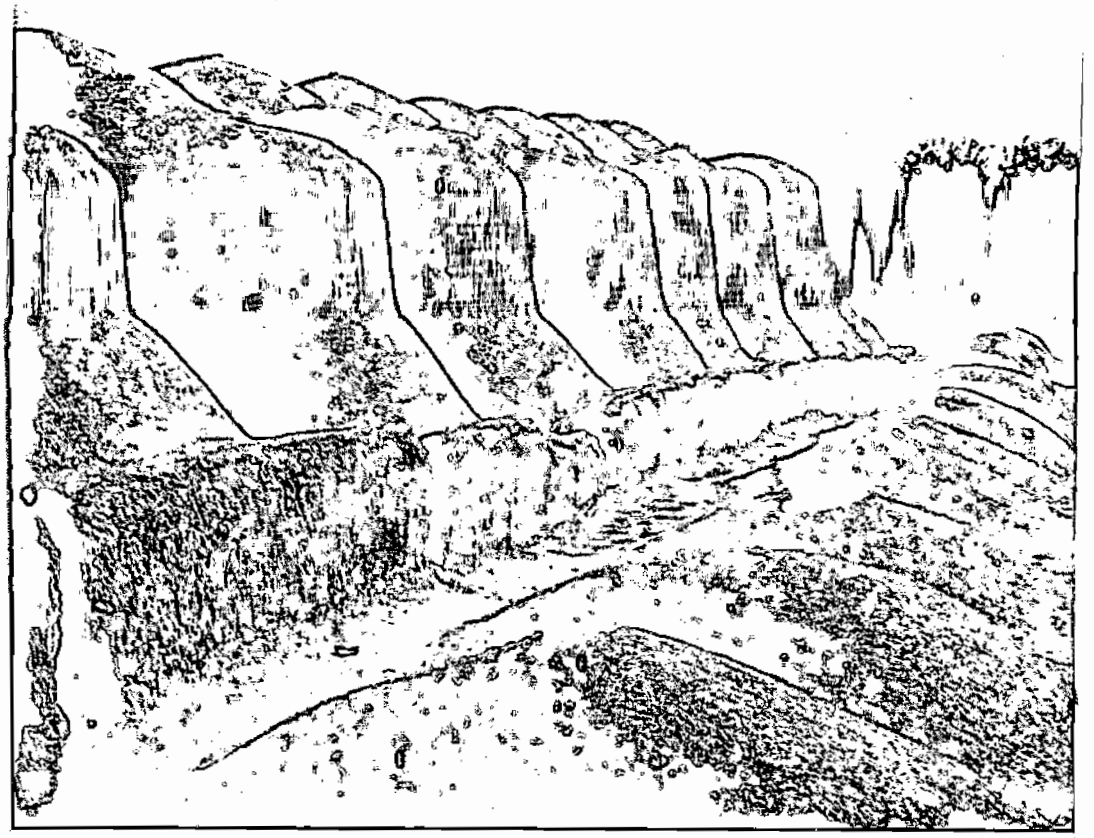


درهای کوچک ضلع شرقی که به‌انبار بزرگ کاه منتهی میشود و این درهارا بداخل قلعه راهی نیست ، نیمه ضلع جنوبی و برج دماغه‌ای شکل بین دو ضلع در عکس دیده میشود . سیم‌های خارداری که در جلوی انبارکاه مشاهده میشود حدود استراحتگاه احشام را نشان میدهد



منظرهٔ داخلی کوچه قلعهٔ طالب‌آباد که بدر ورودی منتهی میشود

هرکدام ازاین اطاق‌ها درجنب خود اطاق دیگری دارد که دراصطلاح محلی به پسینه (Pasine) مشهوراست، دراطاق پسینه همه‌چیز دیده میشود، صندوق، نان‌خشک، فضولات خشک



سقف منازل همه یکنواخت وشبیه بهم، گنبدی شکل ، زنجیره‌ای بدنبال هم و خشتی ضربی است و هیچ امتیازی نسبت بهم ندارند. درسمت راست سقف انبارکاه ودرقسمت‌جلو سقف‌منازل‌دیده‌میشود هرکدام از سقف‌های گنبدی جلوسقف اطاقی است که یک خانوار روستائی درآن زندگی میکنند

شده گاو و گوسفند، جوال گندم، سبد، ظرفهای‌مختلف، کوزه‌های‌آب و کاسه‌های‌ماست همه درکنار هم قرار دارند، اطاق پسینه توسط در ویاپرده‌ای به‌اطاق جلوئی مربوط است‌اطاق جلوئی محل نشیمن ومحل غذاخوری‌واستراحت و خواب‌افرادخانواراست، دیوارهای اطاق‌ها اگرچه دراصل با خشت بنا شده ولی روی آنرا باکاه‌گل پوشانیده‌اند وبخاطر تزئین بیشتر بدنه اطاق‌هارا با دوغ آب‌گچ سفید مینمایند ومعمولاً هرسال هنگام عید آنرا تجدید میکنند.

در این اطاق‌ها نسبت بدر ورودی حیاط بلندتر وحدود ۵/۱ برابر آن‌است، درها ازداخل اطاق بطرف بیرون باز میشود و اطاق‌ها جزاین درهیچگونه راه خروجی ویا منفذ وپنجره‌دیگری بخارج ندارند مگر سوراخ فراز سقف. تنها ساختمان با قاعده‌ای که در داخل قلعه دیده میشود ساختمان خط زنجیری اطاق‌ها است که هیچ کدام ازنظر ساختمانی امتیازی بدیگری ندارند.

دیوارهای کوتاهی بنام چینه (Chine) حیاط‌های مسکونی روستائی‌را ازهم جدا میکند و در داخل هریک ازاین حیاط‌ها یک یادوخانوار زندگی میکنند، این‌حیاط‌ها بادرکوتاهی‌بخارج مربوط میگردد ومعمولاً این‌درها بقدری کوتاه است که با احتیاط بایستی داخل‌شد.

دیوارهائی که‌بدورخانه‌ها کشیده شده‌مستقیم‌نیست و کج‌ومعوج‌است. حداصلی‌دیوارهارا نمیتوان شناخت چه‌طوری آغل‌ها وتنورها وطویله‌های متعدد بادیوارهای کوتاه‌وکوتاه‌تر خود درکنار یکدیگر ساخته شده‌است که حدود اصلی آنها مشخص نمیشود وبیشتر نمای خارجی‌این دیوارهارا قرص‌های فضولات حیوانات تشکیل میدهد که برای خشک شدن‌بدان چسبانیده‌اند.

کف حیاط‌ها صاف نیست وبا اندك بارشی درقسمتی آب ایستاده و در قسمت دیگر زمین خیسیده وعبور ازآن بسختی ممکن‌است.

مستراح

مستراح‌ها اکثراً بدون سقف وساختمان‌آن عبارتست ازچاله‌ای کم عمق، در آنرا طوری پوشانیده‌اند که قسمتی از وسط آن باز است و دورآن نیز دیوارگلی کشیده‌اند ولی چون زمینهای‌ده اصولاً زود به‌آب میرسدازاینرو نمیتوان‌چاه مستراح‌را عمیق حفرنمود. معمولاً عمق این‌چاهها کم و در پشت دیوارمربوط بدان چاله‌ای کنده وهرچندگاه یکباربه‌تخلیه‌آن پرداخته‌ومحتویات آنرا پس‌ازمخلوط کردن‌باخاکهای دیگر بشکل کود درمزارع بکار میبرند.

چاه آب

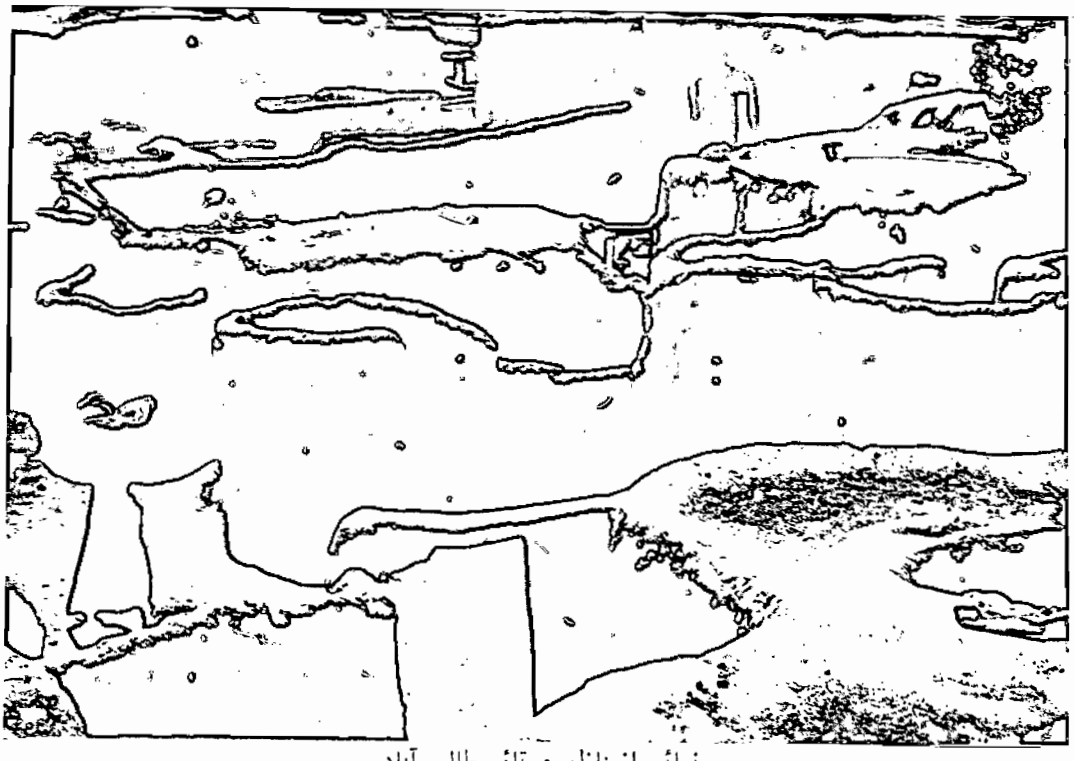
دربعضی‌ازخانه‌ها چاه‌آب نیز دیده میشود زیرا بمحض حفر چاهی‌درحدود ۳ متر چاه به آب میرسد و چون عمق چاه‌کم است معمولاً از چرخ چاه استفاده نمیشود ولی درکنار هرحلقه چاه سطل وطنابی جهت‌کشیدن آب مشاهده میشود، اطراف چاه‌آب کمی سنگ‌فرش‌است وآب آن بمناسبت شوری تنها ارزش ریختن دارد وآب آشامیدنی اهالی ازآب‌انبار تأمین میشود.

***

برای بهترمشخص نمودن وضع منازل، نقشه دومنزل روستائی را دراینجا ترسیم میکنیم:

نقشه ضمیمهٔ نخست طرحی ازدومنزل روستائی درکنار هم ولی همسایه را نشان میدهد.

قسمت بالامنزل یکی‌ازدم‌آبیاران ده طالب‌آباداست که درتنهااطاق‌مسکونی آن که‌بیش‌از ۹مترمربع گنجایش ندارد پنج‌نفر زندگی میکنند و این‌عده عبارتنداز یک‌زن وشوهر وسه فرزند، نیمی‌ازاطاق فوق‌محل سکونت ونیم‌دیگرآن انبارخانوار مذکوراست، نیمی‌از حیاط این‌خانوار را آغل سرباز برای دام فراگرفته‌است، دیوار داخلی آغل بطرف حیاط حدود ۳متر و دیوار خارجی بطرف کوچه حدود دومتر ارتفاع دارد، در ورودی حیاط دری است کوتاه که چند تکه حلبی را



نمائی ازمنازل روستائی طالب‌آباد

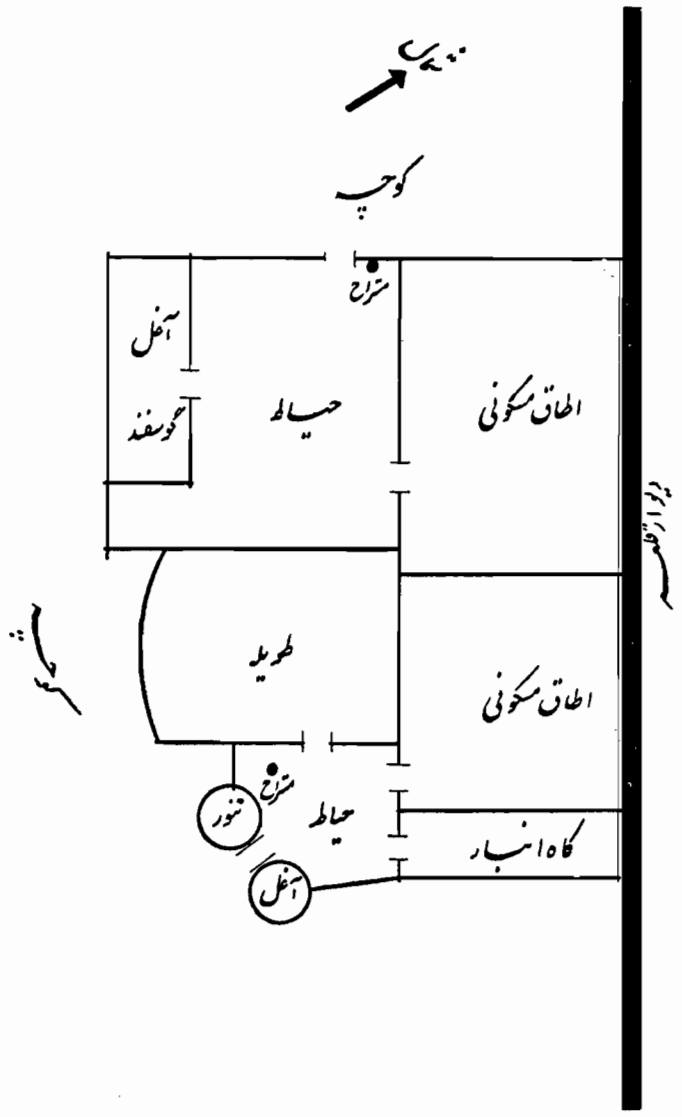
منازل وآغل وتنور وطویله و کلیه واحدهای مسکونی بطور نامرتبی درکنارهم ساخته شده‌است.



«گوشه‌ای از اماکن مسکونی طالب‌آباد»

فضولات‌حیوانات‌را برای‌خشک گردیدن درپشت‌بام‌ریخته وپس‌از خشک شدن‌برای‌سوخت ذخیره مینمایند.

برچند چوب‌عمودی وافقی کوبیده‌اند، چشم‌اندازدیوارهارا خمیره‌ای ازفضولات‌چهارپایان‌بصورت قرص‌هائی فراگرفته‌است‌که پس‌ازخشک شدن برای سوخت زمستانی ذخیره میکنند.

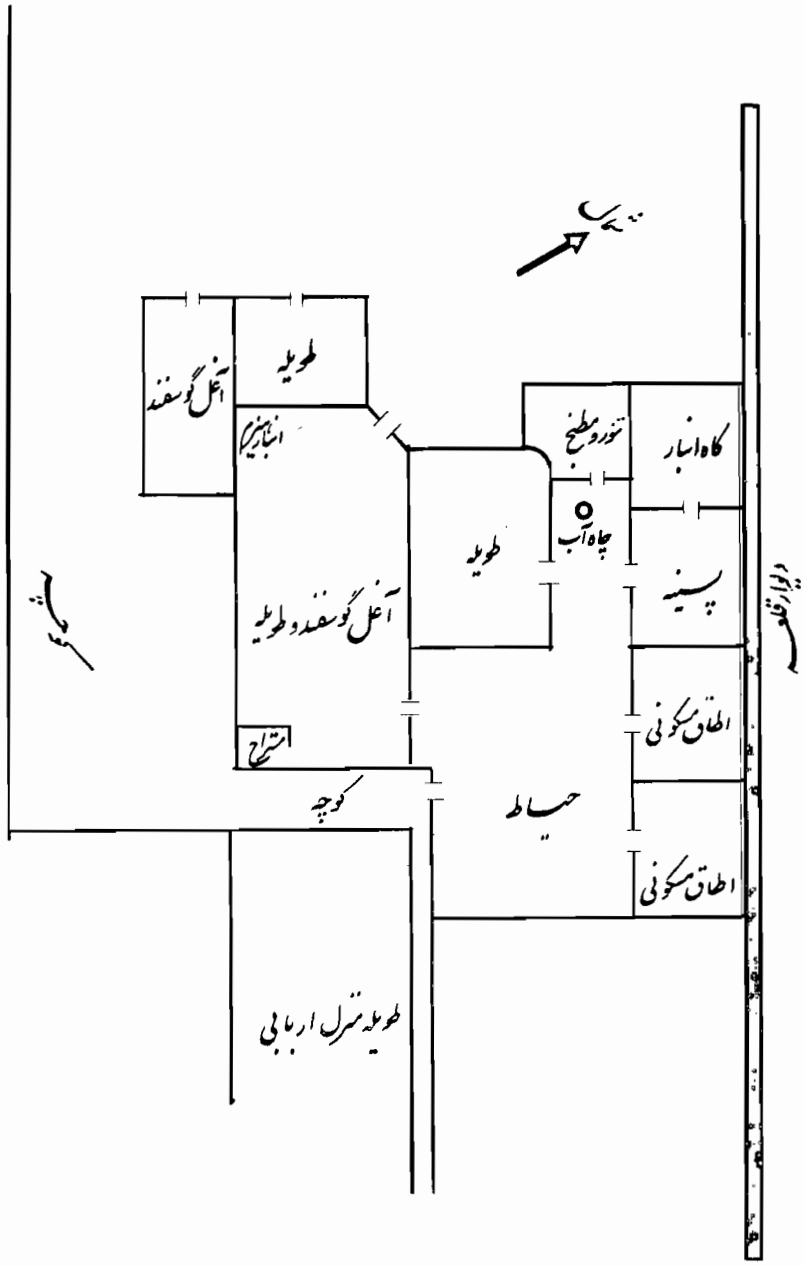


شکل خانهٔ مسکونی یکی‌از دم‌آبیاران ده طالب‌آباد

قسمت پائین نقشه منزل گاوچران ده‌را نشان میدهد که در اطاق مسکونی آن که هیچ امتیازی‌ازنظرساختمان‌با اطاق‌های دیگرندارد چهارنفر یعنی‌یک زن وشوهر ودوفرزندآنهازندگی میکنند، قسمت اعظم حیاط این‌ساختمان‌را طویله فراگرفته است، درجنب اطاق مسکونی آنها انبارکاه برای زمستان‌دامهادیده میشود، درطرفین در ورودی‌این‌حیاط دریکطرف تنور سرپوشیده ودرطرف دیگر آغل زمستانی مشاهده میشود.

نقشهٔ ضمیمهٔ دوم وضع محل مسکونی یکی‌از آبیاران ده طالب‌آبادرا نشان‌میدهد.

آبیار ملا اسماعیل باهمسر و سه کودك خود تنها دریك اطاق مسکونی سکونت دارند که مشخصات آن درنقشه وعکس‌مشاهده میشود، ملااسماعیل درده شهرتی‌بهم زده که دارای سه‌اطاق است‌زیرا در ده طالب‌آباد هیچ کس‌بیش‌از دواطاق ندارد. آبیاران و افراد سرشناس ده



همه بحال ملا اسماعیل‌آبیار معروف رشك میبرند که او سه اطاق دراختیار دارد. شکل‌فوق خانه مسکونی ملا اسماعیل وهمسایه او را مشخص میسازد.

تنها دارای دواطاق و قسمت اعظم افرادتنها دارای یک‌اطاق مسکونی میباشند.

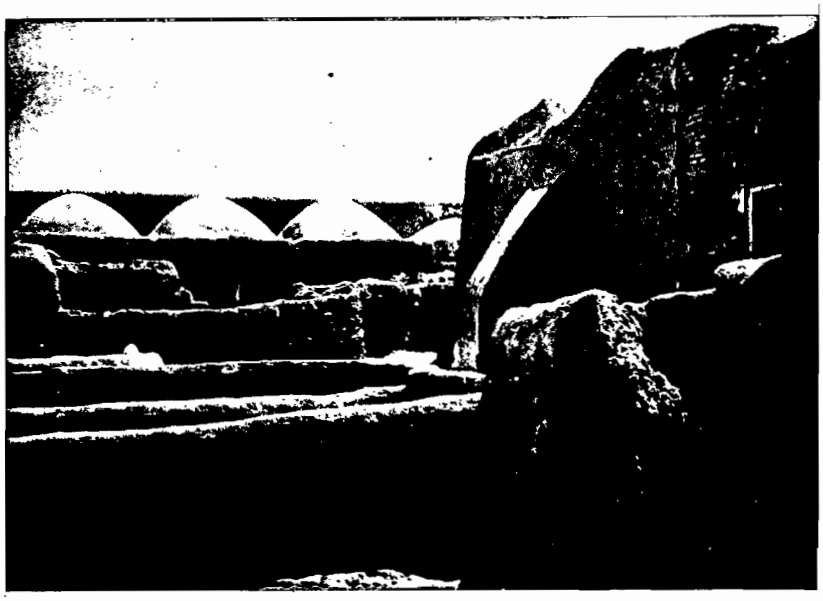
حال ببررسی وضع اطاقهای این‌واحد مسکونی میپردازیم:

درحیاط فوق دواطاق مسکونی وجود دارد، یکی‌از اطاق‌ها که درگوشهٔ حیاط واقع است متعلق بزن‌خوش‌نشینی‌است که انفرادی زندگی میکند ولی‌سه‌اطاق آبیارملااسماعیل که در ده شهرتی بهم‌زده عبارتنداز:

۱- اطاق مسکونی ۲- پسینه ۳- کاه انبار

وسعت اطاق مسکونی بااطاقهای دیگر دارای کوچکترین اختلافی‌نیست،

۱- اطاق مسکونی دیوارش کاه‌گلی که با دوغ‌آب گچ‌سفید شده‌است ومعمولاً این‌نوع سفید شدن درعید نوروز هرسال تجدید میگردد، طریقهٔ سفید کردن آنهم بسیار ساده است زیرا مقداری گچ را درظرفی ریخته با افزودن قدری آب بدان دوغ‌آبه ساخته با جارو برروی کاه‌گل میکشند.



منظره‌ای از خانهٔ مسکونی آبیار ملا اسماعیل

در باز اطاقی که درعکس مشاهده میشود اطاق نشیمن واطاق دست چپی آن پسینه و اطاق دست راستی اطاق مسکونی‌یکی‌از خوش‌نشینان‌ده است. وضع آغل‌ها درعکس فوق بخوبی مشخص است

سقف آن خشتی وخشت‌های داخل گنبد دارای هیچگونه روپوشی نیست وبخوبی مشخص است، کف اطاق خاکی منتهی براثرلگد شدن زیاد سخت ومحکم شده‌است، دراطراف اطاق‌بجز یک درکوتاه ورودی هیچگونه روزنه‌ای دیده نمیشود مگرسوراخی که دروسط گنبد طاق تعبیه

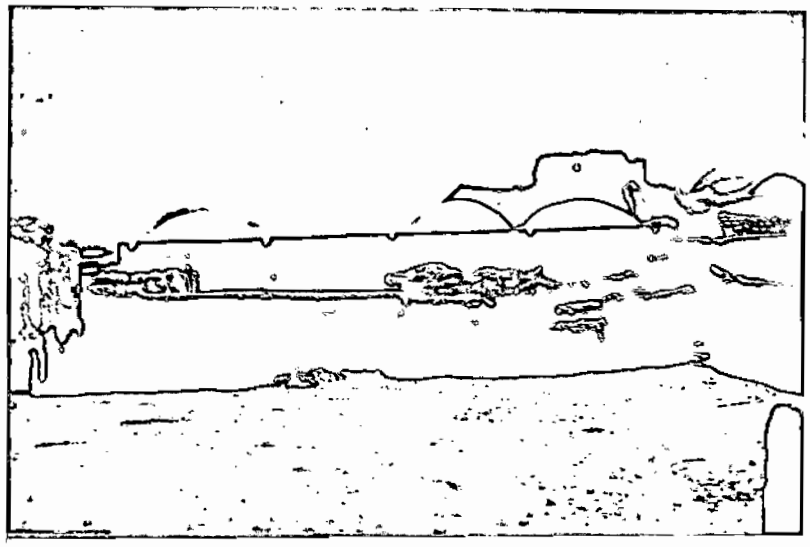
شده‌است، اطاق دربدنهٔ خود دارای شش طاقچهٔ ساده یک برآمدگی بنام بخاری و یک جادری درمیان ضلع چپ میباشد.

۲ـ پسینه

پسینه (پستو یا صندوقخانه) اطاقی است درجنب اطاق مسکونی که در ورودی‌جداگانه‌ای دارد ولی ازداخل درآن بداخل کاه انبار بازمیشود. ازهنگامیکه ساختمان این‌اطاقها آغاز شده تا کنون کوچکترین تعمیری در آن انجام نگرفته‌است، دیوارهای اطاق کاه گلی کهنه وداخل گنبد سقف بدون کاه گل، کف آن پرخاك و دران همه‌چیز دیده میشود، پالان الاغ، بیل، سبد، فضولات خشک شده حیوانات، سطل، هیزم، صندوق شکسته روستائی، جوال، گونی گندم، غربال و دهها چیز دیگر که همه نامرتب دورادور اطاق چیده شده‌است.

۳ـ کاه انبار

از داخل پسینه دری بداخل کاه‌انبار بازمیشود، البته در وجود ندارد که بازوبسته شود و راه را مسدود نماید بلکه تنها راهروئی است که آنها را بهم مربوط مینماید وبرای عبور همیشه بازاست. کاه‌انبار اطاق تاریک و گرفته‌ای است وتنها روشنی که دریافت میدارد ازسوراخی‌است که برفراز سقف گنبدی آن قراردارد



گوشهٔ دیگری از اماکن مسکونی در ده طالب‌آباد
از راست بچپ درقسمت جلو بترتیب آغل تابستانی، آغل زمستانی و دیوار حیاط دیده میشود و درعقب اطاقهای مسکونی‌وسط قلعه مشاهده میگردد

کف اطاق پیدا نیست وتاحدود ۲سانتیمتری ازکف‌زمین کاه وکلش وعلف خشک ریخته شده است ازاین‌لحاظ برای زندگی و رشد ونمو حشرات محل‌مناسبی‌است روی‌همین‌اصل موش‌فراوانی

در آنجا دیده‌میشود ، دیوارهای‌مخروبه این نوع اطاق‌ها محل پرورش مار هم‌هست و چون‌مردم اصولاً ازمار وحشت دارند فلسفه‌ای‌برای نترسیدن‌خود ساخته‌اند وساکنین این‌حوالی‌جداً معتقدند که هرخانه دارای ماری‌است و آن‌را «مارصاحب‌خانه» مینامند.

چاه آب حیاط درکنار اطاق پسینه است، حیاط دارای دوطویله نیزهست یکی سرپوشه و زمستانی و دیگر سرباز وتابستانی، دریک‌گوشه طویله انبار هیزم است که شاخه‌های خشک درخت را برروی‌هم انباشته‌اند ودرگوشه دیگر آن مستراح خانه قراردارد.

یک طویله سرپوشیده ویک آغل سربازهم درکنار حیاط فوق بادیوارهای کوتاهتری‌د میشود که متعلق به‌اشخاص‌دیگری‌است‌در ورودی‌آن کوتاه وافرادی که‌دارای‌قد متوسطی‌هست هنگام ورود بایستی مواظب سرخود باشند. بیشتربدنه‌های دیوارطویله وهم‌چنین دیوارخانه تاپاله چسبانیده‌اند تاپس‌ازخشک شدن احتیاج سوختی آنهارا برآورده نماید.

برای توضیح بیشتر وشواهد گویاتری به‌نقشه وعکس‌ضمیمه که ازمحل فوق تهیه شده‌است رجوع شود.

منزل اربابی

کوچه‌ای که منزل‌ارباب درآن‌واقع‌است‌باکوچه‌های دیگر دارای امتیازی است و این‌امتیاز عبارتست از ریگ‌ریزی کف‌کوچه از جلوی در قلعه تا جلوی منزل ارباب ، منزلهائی که درکوچهٔ اربابی واقع‌اند بجز یکی دوتای آنها بقیه از منازل دیگر ده بهتر و وسیع‌تر است این خانه‌ها دارای صحن وسیعی است درختان چندی درآنها دیده میشود وهرکدام حیاط مستقلی را تشکیل میدهند . منزل ارباب د انتهای کوچه اربابی واقع است و درآنجا سه‌منزل‌دیده میشود که نسبت بمنازل دیگر نمونه‌است دو منزل ازاین سه‌منزل مورد استفاده دوخانوار اربابی‌است که در ده سکونت دارند ومنزل سو مورد استفاده یکی‌از نزدیکان ارباب است.

دومنزل اربابی‌درکنار یکدیگر واقع‌شده‌اند وبسیار بهم شباهت‌دارند، هردومنزل دوطبقه و دارای اطاقهای فراوانی هستندکه اکثر اطاق‌های آن‌خالی‌است ، هرمنزل در طبقه دوم خود سالن پذیرائی بزرگی داردکه حدود آن ۷×۵ متراست، درجلوی این اطاقهای پذیرائی‌ایوانی است‌که بطرف حیاط با نرده‌های آهنی مسدود میگردد و این ایوان توسط سه در شیشه‌دار در یکی و دو در درساختمان‌دیگری به‌اطاق‌متصل‌میگردند، سقف‌اطاق وایوان‌بلند وباشکال‌هندسی تخته‌کوبی و در و دیوار آن تماماً آجری وسفید شده است ،کف اطاق‌ها شفته ریزی گردیده و

ایوان آن نیز آجر فرش شده است. بیش از ۵ سال از عمر این ساختمانها نمیگذرد، هرچند که این ساختمانها درابتدا درنوع خود نمونه بوده است ولی اکنون تنها درمقابل خانه های روستائی جلوه و نمائی دارد ولی دربرابر ساختمانهای شهری دیگر جلوه‌ای ندارد.

کف حیاط ها آجر فرش وحوض سنگی دروسط آن ساخته شده و دارای آب انباری نیز هست در دو منزل اربابی تنها دو درخت کوتاه دیده میشود و هر حیاط دارای دو باغچه باریکی که درآن چند شمعدانی و گل همیشه بهار ویاس دیده میشود. هردو این حیاط ها بدالانی منتهی میشود که دارای سقف بلند سرپوشیده‌ای است و در مشترك خروجی هردومنزل درآن قراردارد. در این منازل قدمتی برابر باقدمت ساختمان دارد که هنوزهم درنوع خوددارای جلوه خاصی است.



نمائی از منزل دوطبقهٔ اربابی در ده طالب آباد

دراواخر سال ۱۳٤۱ یکی ازمالکین ساکن ده قسمتی ازحیاط خودرا خراب نموده و بسبک جدید ساختمانی برای خود تهیه کرد که نمای کار آن آجر بهمنی، کف اطاق ها موزائیک، نیمه پائین اطاقها دارای رنگ روغنی وبالای آن سفید شده و ازپنجره های متداول کنونی است. ولی ارباب دیگر درسال ۱۳٤۲ منزل مسکونی خودرا به تهران منتقل نمود.

مسجد

مسجد طالب آباد جایگاه وسیع وتمیز و آجر فرشی‌است که دارای درختان متعددوحوض آب بزرگی‌است که بمراتب بر زیبائی‌آن میافزاید زیرا مسجد باصفاترین جایگاه ده‌است، درسمت مقابل در ورودی‌اطاقهای اصلی‌مسجد قرار دارد که‌ازکف‌حیاط با چند پله به‌ایوان آن‌مربوط میگردد. ایوان مسقف وتیری است که با چهار در دولنگه‌ای شیشه‌دار به‌اطاق مسجد مربوط میگردد، کف ایوان آجر فرش و دیوارهای آن سفید شده‌است، اطاق مسجد محل بزرگ وطویلی‌است با سقف تیری ودیوارهای سفید شده‌با گچ وکف شفته‌ریزی شده ، درپشت این اطاق و بموازات آن اطاق دیگری قرار دارد که توسط



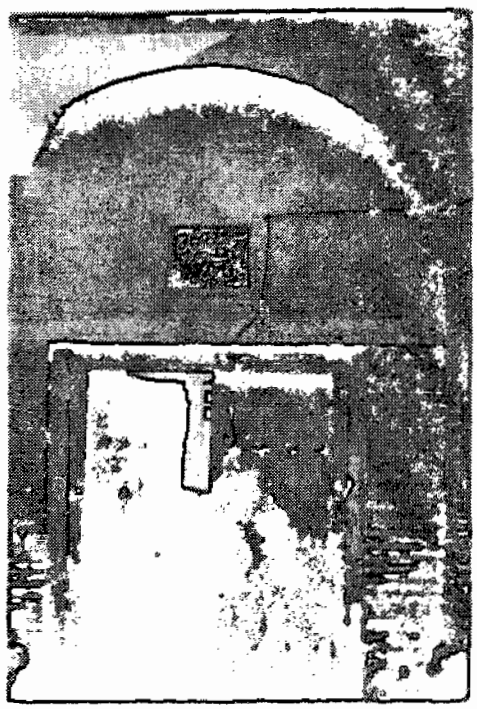
گوشه‌ای ازمسجد طالب آباد

مسجد طالب آباد بهترین ، زیباترین و تمیزترین ساختمانهای موجود در قلعه است کف آن آجر فرش وحوض آب بزرگی دروسط آن دیده میشود. افراد پس‌از وضو گرفتن در اطاقهای مسجد نماز میگذارند. دونفر از دهقانان درحال وضو گرفتن و یکنفر در حال نمازگذاردن در عکس دیده میشوند

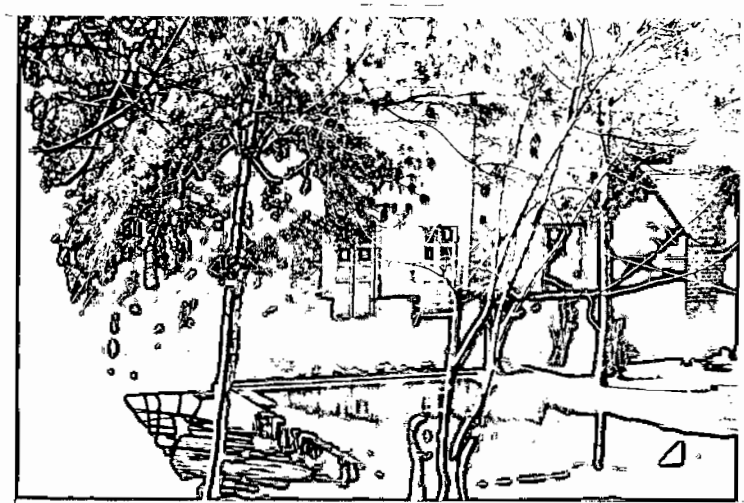
سه در بهم مربوط میشوند. درگوشه اطاق دوم اطاق کوچک دیگری است که قهوه‌خانه مسجد بشمار میرود. خودمسجد دارای فرشهای وقفی‌نیزهست ولی‌درهنگام لزوم توسط فرشهای‌امانتی مفروش میگردد.

درسمت مقابل اطاق‌اصلی‌مسجد چندین اطاق دیگرنیزهست که محل‌سکونت ملای ده‌است

نامبرده‌دریکی ازآنها ساکن و دراطاق‌دیگر مسجد کارگاه قالی‌بافی همسر شیخ قرار دارد. تاریخ بنای این‌مسجد ۱۳۰۳ هجری است وحاج ارباب احمد فلاح بانی‌آن بوده ومسجد فعلی‌را برروی خرابه‌های مسجد کهنه‌تری بنا نموده است و در وصیت‌نامه خود مخارج و تعمیر مسجد و حفظ



در ورودی مسجد طالب آباد که تاریخ بنای مسجد دربالای آن دیده میشود

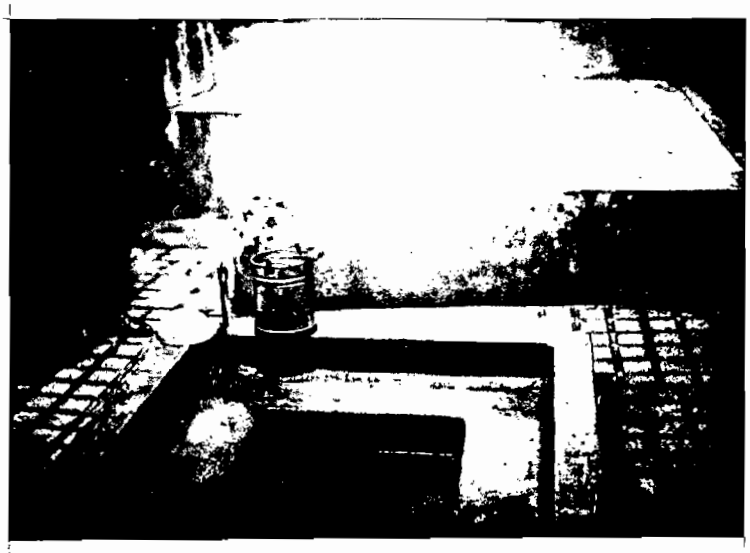


نمای داخلی‌مسجد طالب‌آباد. اطاقی که امام‌جماعت ده درآن سکونت دارد درعکس‌دیده‌میشود

بناها وحقوق امام جماعت ده‌را که دراین مسجد ساکن‌باشد تذکر داده است، ازاین‌رو مالکین به‌حفظ ونظافت مسجد توجه خاصی مبذول میدارند.

حمام

ده طالب‌آباد دارای یک حمام‌عمومی خزینه‌دار است . برای رسیدن بسر بینه حمام بایستی ازیک درچوبی کهنه گذشته توسط چند پله ازراهروئی پائین رفته به سر بینه آن برسیم ، سربینه حمام دارای حوض کوچک با اطراف آجرفرش است ، کف عمومی سربینه دارای سه غرفه است که حدود یکمتر بالاتر از آن قرار گرفته ومحل کندن وپوشیدن لباس‌است که سطح آن موزائیک میباشد و در زیر سوراخهائی دارد که جای گذاردن کفش‌است . از سربینه توسط دالان تنگ کوچکی وارد صحن اصلی حمام میشویم که دری آن دورا بهم مربوط میکند ، صحن اصلی حمام موزائیک فرش ولی دیوار آن تا ارتفاع یک متری ساروج است و دارای دو خزینه‌آب سرد و گرم‌میباشد، سقف آن گنبدی وتوسط یک مکعب چند ضلعی شیشه‌ای که برفراز گنبد آن نصب شده است نور بداخل حمام میتابد .



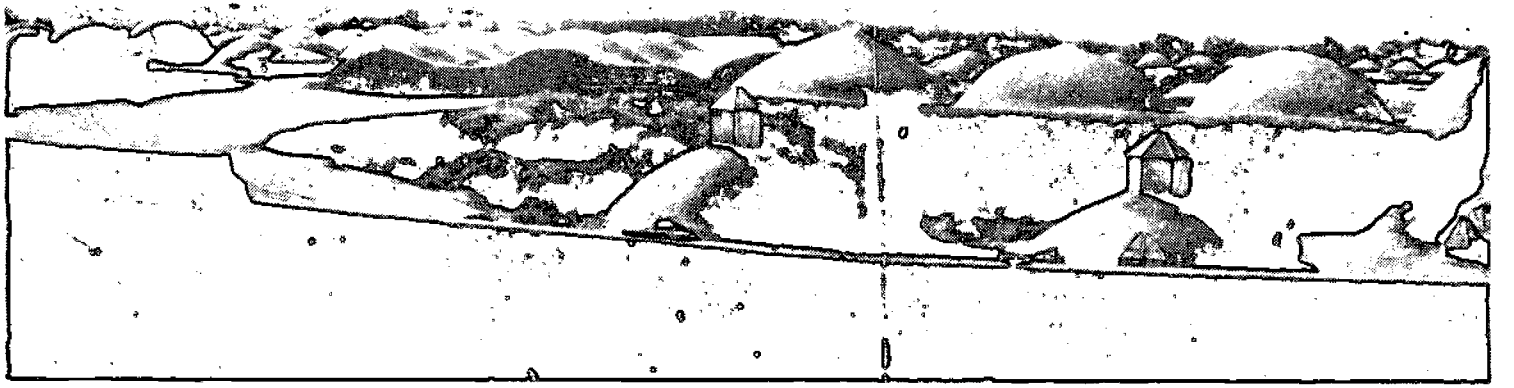
منظرهٔ داخلی سربینه حمام طالب آباد

سکوئی که درعکس مشاهده میشود محل رخت‌کن مشتریان حمام میباشد

روی موزائیک‌ها محل نشستن و شستشوی افراد است،آب مورد احتیاج خزینه‌های حمام از جوی‌عمومی ده تأمین میشود وآب بدون هیچ مانعی وارد خزینه میگردد و بواسطهٔ این‌بلامانعی تاکنون چندین بار مارهای کوچکی درخزینه آب‌سرد مشاهده شده‌است .

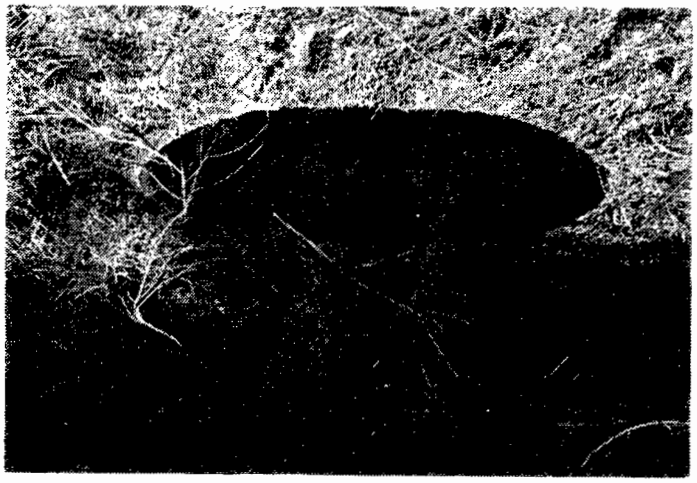
درپشت بام حمام خاروخاشاك وکاه فراوانی برای گرم نمودن آب حمام ذخیره شده‌است، درگوشه‌ای ازسقف حمام سوراخی تعبیه شده که به‌زیر زمین بزرگی منتهی میشود و در هنگام لزوم با چنگکی خار وخاشاك‌را بداخل آن میریزد . دراین زیر زمین سوراخی است که ابعادش

منظره‌ای از سقف حمام طالب آباد



طاقهای گنبدی حمام با چند ضلعی‌های شیشه‌ای که بداخل حمام نور میدهد بادود کش حمام درعکس دیده میشود. خاروخاشاکی که برای‌سوخت حمام جمع‌آوری شده درروی پشت‌بام حمام ذخیره شده‌است ولی ازسال ۱۳۴۳ ببعد بجای خاروخاشاك نفت سیاه‌جهت گرم کردن آب حمام مورد استفاده قرارگرفت.

به‌نیم متر میرسد، برای گرم نمودن آب حمام درداخل این سوراخ آتش روشن میکنند ومرتباً کاه وخاشاك بداخل آن میریزند بطوریکه آتش خاموش نگردد. داخل این سوراخ که به‌جهنم‌شهرت دارد بشدت گرم میشود. در سقف این سوراخ ورقه‌فلزی تعبیه شده‌است که بیشتر جنس آنرا ازمس انتخاب‌میکنند تاحرارت‌را زودتر منتقل‌سازد با گرم‌شدن این فلزسطح دیگرآن که در کف خزینه‌قرار دارد آب حمام‌را گرم مینماید و درهنگام‌لزوم با سطل آب سرد به‌آن‌میافزایند. عمق خزینه ۱٫۵ متر و ماهی یکبار آب آن عوض میشود، در تابستان روزی یکبار و در زمستان روزی دوبار آب



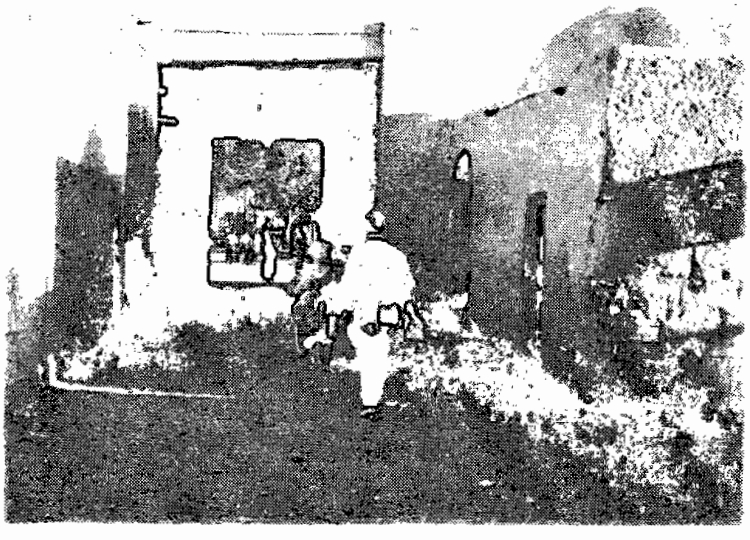
در روی‌پشت‌بام حمام سوراخی‌است بیضی‌شکل که خاروخاشاك باچنگکی از آن پائین ریخته میشودتادر کوره‌حمام سوخته شده آب حمام‌را گرم‌نماید. محلی که خاروخاشاك از پشت‌بام درآنجا ریخته میشود اطاقی است باریك با سقف بلند که به «تون toon» حمام شهرت دارد و فردی که خار و خاشاك را از این محل بداخل کوره میریزد (تون‌تاب» نامیده میشود

خزینه گرم میشود وهربار برای گرم کردن خزینه حدود ۵۰ من سوخت مصرف میشود ولی در سال ۱۳۴۳ دیگر بجای سوخت نفت سیاه مورد استفاده قرارگرفت و درکنار خزینه سه دستگاه دوش هم ساخته گردیده و قسمت‌های آن لوله کشی گردید و آب خزینه بداخل این لوله‌ها جریان یافت.

دکهٔ بقالی

دکهٔ بقالی ده دکانی‌است ساده، خشت وگلی با سقف گنبدی و درساده چوبی چندلتی وپیش‌خوان چوبی، این دکان هم بقالی‌است وهم‌عطاری، هم‌خرازی وهم‌شکستنی فروشی که‌تمام‌این‌اجناس بطور نامنظمی‌برروی‌هم

قرارداده شده‌است، محوطه دکان بجز در ورودی وسوراخ کوچکی که برفراز آن تعبیه شده‌است دارای هیچ روزنه دیگری نیست فضای داخل دکان تاریک است واز پیشخوان دکان‌ببعداز لاستیک دوچرخه گرفته تا پیت نفت و ازساعت مچی گرفته تاکت وشلوار وکفش همه درکنار هم چیده شده‌است . خلاصه اینکه دکه بقالی طالب آباد چون فروشگاه بزرگی است که همهٔ مایحتاج روستائیان درآن یافت میشود .



منظرهٔ در ورودی قلعه طالب‌آباد از داخل‌ده ، سمت‌راست بقالی وسمت چپ در مسجد دیده میشود

آب انبار

در ده‌طالب‌آباد اگرچاهی‌حفرکنند پس‌ازحدود سه‌مترکندن به‌آب‌میرسد ازاین‌رو اهالی اکثر بکندن چاه آب درمنازل خود اقدام مینمایند وبدون وجود چرخ‌چاه با قطعه‌ای طناب و سطلی از آن آب میکشند . هرچندکه تمام خانه‌ها بطور کلی آجر فرش نیست ولی اطراف چاههای آب تا حدود یک متر سنگ فرش است، علاوه براین چاهها، یک آب‌انبار عمومی در ده وجود داردکه عموم مردم آب آشامیدنی خودرا ازاین‌محل تأمین میکنند زیرا چاههای داخل منازل دارای آب شوری است وتنهاارزش ریختن دارد وقابل‌آشامیدن‌نیست ولی‌آب آب‌انبار ازآن جهت شیرین و قابل‌آشامیدن‌است که از قنات آب شیرین ده آب‌گیری میشود . آب‌انبار فوق‌دارای‌مخزن آبی‌است که در زیر اطاق‌مسجد ده قرارگرفته است وعمق آن تا سطح عمومی زمین بیش‌از سه متر نیست ، آب‌انبار دارای یک دهلیز سرازیر با دیوارهای‌آجری وسقف ضربی آجری‌است که درانتهای‌آن یک شیر برنجی بزرگ

نصب‌شده‌است ودر زیرآن چاله‌ای کنده شده که آبهای‌اضافی‌شیر پس‌از برداشتن آب درآن‌ریخته میشود واین‌محل به«پاشیر» معروف‌است، دهلیزفوق‌دارای‌شیب‌تندی‌است که‌توسط هشت‌پله از کف به‌سطح زمین‌مربوط میگردد، پشت‌بام‌آن گنبدی وکاه‌گلی ودارای‌ارتفاع کمی ازسطح عمومی زمین‌است.



منظره‌ای از آب‌انبار ده طالب‌آباد

در وسط باغ بالای طالب آباد آب انبار دیگری نیز حفر کرده‌اند ، بدین‌ترتیب که بشعاع حدودیک متر وعمق‌حدود دومترچاله‌ای درسطح زمین‌حفرنموده واطراف‌آن‌دیواری بارتفاع حدود نیم‌متر کشیده‌وسقف‌آنرا باشاخ و برگ پوشانیده وروی‌آنرا کاه‌گل نموده‌اند، در کوچکی برای آن تعبیه نموده ومجرای آن به جوی‌عمومی باغ وصل‌است، هنگام خوره باغ آب‌انبار را آب انداخته وبمرور آب آنرا مورد استفاده قرار میدهند.

تنور

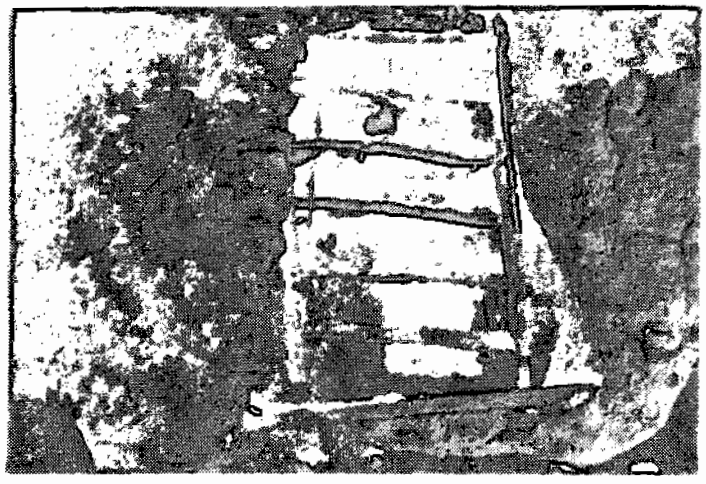
تنور در بیشتر خانه‌های ده و یا حداقل در هر دو یا سه خانه یک تنور مشترك وجود دارد، تنور بیشتر بدست زنان ده ساخته‌میشود بدین‌ترتیب که خاك رس را پس از گل کردن با موی بز مخلوط نموده مالش میدهند وسپس لوله‌هائی ازگل‌را بشکل استوانه رویهم می‌چینند وآنرا بقدری مالش میدهندتا سطح داخلی آن صیقلی شود. معمولاً این تنورها درکف زمین کارگذارده میشود واطراف آنرا بشکل سکوئی پر نموده تاجائی برای نشستن کارکنان در اطراف تنور فراهم باشد ، محلی‌که تنور را درآن قرار میدهند معمولاً دارای وسعتی بیش‌از چهار پنج متر مربع نیست ، دیوارهای اطراف آن گلی ونازك وسقف‌آن توسط شاخ‌وبرگ درختان وگیاهان پوشانیده میشود، در ودیوار آن سیاهرنگ وسقف آن یکپارچه سیاه و دوداندود است ، اطاقی‌که تنور درآن واقع‌است دارای دری‌که توسط آن بسته شود نیست ولی در اطراف دیوار آن نزدیک سقف سوراخهائی میسازند تا دود ازآن خارج گردد. در زیر تنور برای‌کشیدن هوا و سوختن خاروخاشاك هواکشی تعبیه

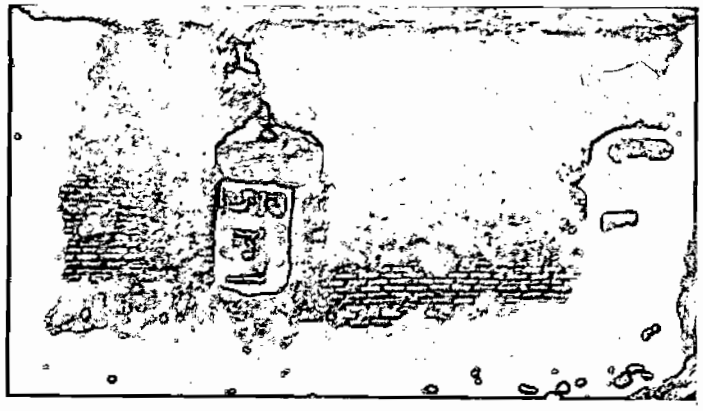
میشود که به‌خلبر kholbar مشهور است و هنگام روشن بودن تنور مرتب خاکسترهای تنور را از راه خلبر بیرون میکشند تا هواکش خوبی برای تنور باقی بماند.

آغل محل نگاهداری حیوانات وبیشتر مخصوص نگاهداری گوسفندان ده است و به‌آغل های زمستانی وتابستانی تقسیم میشود.

آغل aghol

آغل های تابستانی یا آغل سر باز دارای شکل معینی‌نیست زیرا دیواری موقتی بدور زمین کشیده و چوبی جاوی در آن قرار داده وآنرا مورد استفاده قرار میدهند، بلندی دیوارآغل های‌تابستانی‌از حدود یک‌متر تجاوزنمیکند ویکپارچه‌ازگل بنا شده‌است، ساختمان آن‌از کف زمین آغاز میگردد وچون تنها ازگل ساخته میشود پس‌ازخشک شدن دیوارش شکافهای فراوانی میخورد وبسیار بندرت مشاهده میشود که‌دیواراین آغل ها بطرزمرتبی کاه‌گل‌شده باشد



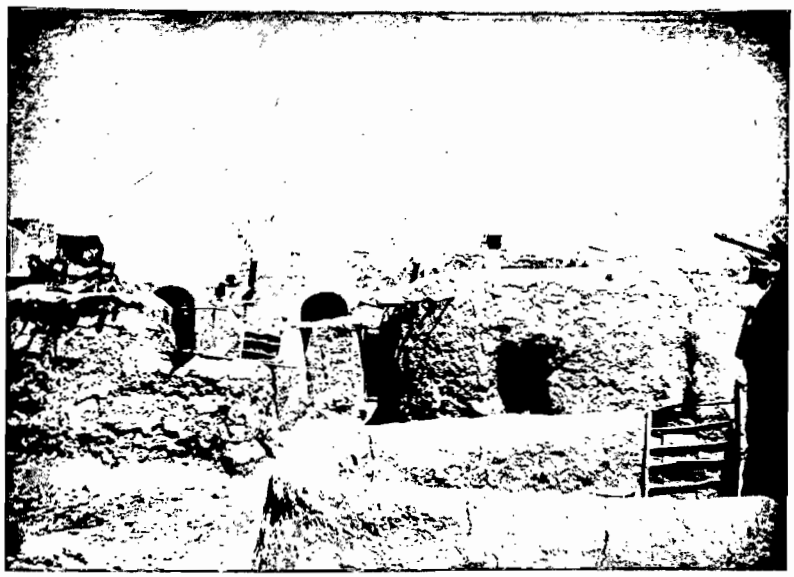


دو نمونه از درهای آغل وطویله در ده طالب‌آباد

دری که درعکس‌بالامشاهده میگردد یکی‌ازدرهای‌آغل سر باز وتابستانی‌را نشان میدهد ولی‌دری که درشکل زیر است‌درکاه‌انبار رانشان‌میدهد که خوراك زمستانی چهارپایان درآن ذخیره میگردد

و اغلب بدون کاه گل ویا نامرتب کاه گل شده‌است، کف آغل ها را علف و فضولات فراوانی فرا گرفته‌است، درآغل ها بیشتر یک لتی‌واسکلت اصلی آنرا چند تکه شاخه درخت بقطر ۶-۵ سانتیمتر تشکیل میدهند که عمودی وافقی بهم‌نصب شده وچند تکه حلبی‌روی آن میخکوب گردیده که ابعادشان بزحمت بیک متر میرسد.

آغل های‌زمستانی‌مسقف میباشند، سقف‌آنهارا شاخ وبرگ درختان و گیاهان‌تشکیل‌میدهد یعنی‌اسکلت سقف‌تیرهای نازکی‌است که اطراف آنراشاخ وبرگ پوشانیده است و روی‌آن کاه گل شده‌است، آغل های زمستانی برای گرم نگاهداشتن‌دارای سقف کوتاه و درکوچکی است و این آغل ها غیراز درورودی دارای منفذ دیگری‌نیست و در بسیاری جاها آنرا در زیرزمین میسازند تا در زمستان گرمتر باشد.

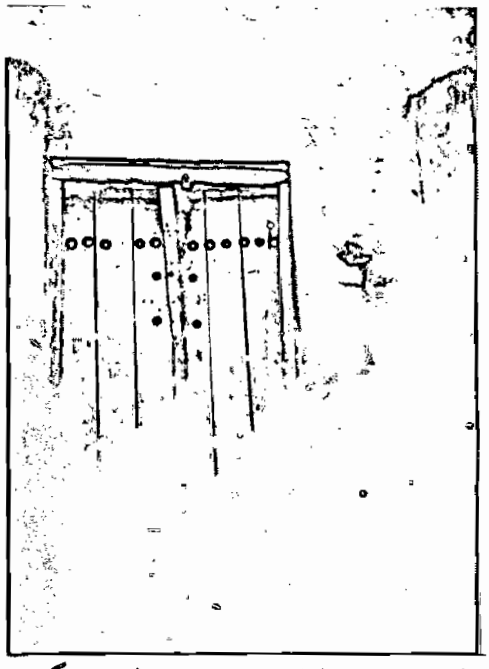


درسمت راست این عکس آغل سر باز و در پشت آن آغل سربسته زمستانی و درقسمت چپ در جلو تنورو در عقب منازل روستائی دیده میشود

آغل ها بیشتر درکنار اماکن مسکونی ساخته شده‌اند و اغلب با اطاقهای مسکونی بیش‌ازچند متر فاصله ندارند، گاهی درآغل ها بداخل حیاط وگاهی مستقلاً بداخل کوچه باز میشود ولی خانوارهای دام‌دار ترجیح میدهند که آغل بامحل مسکونی آنها فاصله کمتری را دارا باشد.

ده طالب‌آباد دارای چهار انبار بزرگ بنامهای انبارکاه ، انبار بذر، انبار مساعده و انبار عمومی اربابی است، نقشهٔ ساختمانی آنها یکسان و سقف همگی گنبدی وخشتی است، بطورکلی انبارها دارای یک سلسله اطاقهائی است که درکنارهم قرار گرفته و از داخل تمام بهم مربوط هستند و دیواری بین آنها مشاهده نمیشود . دیوارهای آن خشتی وسقف آن ضربی است ولی کف انبار بذر و مساعده و انبار عمومی اربابی آجرفرش و دیوار آن تاارتفاع دومتری سیمان شده است .

انبار



عکس مقابل در انبار بذرگندم طالب‌آباد را نشان میدهد

در این انبار همیشه قفل است و تنهامباشر ده میتواند درآنرا باز نموده وداخل شود

انبارمساعده که درآن‌حدود . . ۲خروارگندم انباشته‌شده دارای دو ردیف اطاقهای گنبدی است که درهر ردیف شش‌اطاق بدنبال هم واقع شده و کلیهٔ آنها بهم مربوط است و بین آنها دیواری دیده نمیشود، این انبار توسط سه پله بسطح عمومی زمین میرسد یعنی ازسطح عمومی قلعه‌چال‌تر است، کف آن آجرفرش وتا ارتفاع دومتر دیوارهایش سیمان شده است ، این انبار محلی‌است تاریک وجز باسکول وقپان وسرطاس‌وچندگونی و پارو درجلوی در وگندمهای انبار شده درعقب چیز دیگری مشاهده نمیشود .

انبارکاه دارای دو ردیف اطاقهای متصل‌بهم که مجموعاً ۲۶ اطاق‌را شامل‌میشود وهمه بهم مربوطند، این‌انبارگنجایش یکهزارخروارکاه‌را دارد وسه‌ماه‌پس‌از برداشت خرمن‌حدود . . ۶ خروارکاه درآن انباشته میگردد، ولی انبارعمومی اربابی دیگر مخروبه شده‌است و ازآن استفاده نمیشود ، از انبار بذر هم‌چون‌بعنوان یک انبارعمومی‌استفاده میگردد همه چیزدرآن‌دیده میشود .

گاودانی

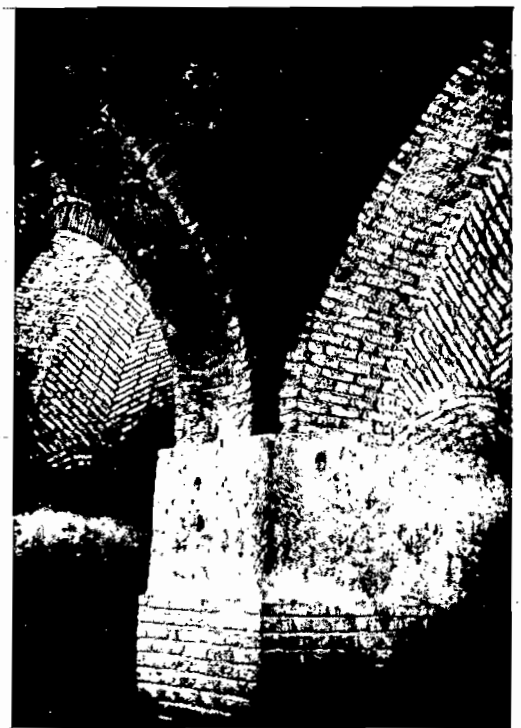
در ده طالب‌آباد دودسته گاو وجود دارد یکی گاوهای ماده وشیرده متعلق به زارعین که تعداد آنها انگشت‌شمار و هر کدام از آنها مخصوص خانواری است و درخانه جداگانه‌ای نگهداری میشوند که جای مشخصی ندارند، درحال حاضر اربابان ده هم گاوداری نمیکنند ولی محلی برای نگهداری حدود ۶۰ رأس گاو پیش‌بینی و در ده ساخته شده که بنام گاودانی شهرت دارد و درشش ماههٔ اول هرسال درصورتیکه در ده یونجه کشت شده‌باشد ویونجه‌ها را به‌اجاره دهندازآن استفاده میشود، چون کسی که یونجه محل را اجاره کند درواقع گاودانی را هم اجاره کرده است و در مقابل کود گاوها به‌ارباب تعلق میگیرد

گاودانی محل بزرگی‌است که بلافاصله بعداز در بزرگ قلعه واقع گردیده ، در دوطرف محل گاودانی دو ردیف طویله ساخته شده که ردیف سمت چپ بزرگتر وبا گنجایش‌تر از ردیف سمت راست میباشد.

طویله سمت چپ دارای یک در وطویلهٔ سمت‌راست‌دارای دو در است که درها هم‌برای ورود وهم برای خروج استفاده میشود. سقف کلیهٔ آنها گنبدی وضربی و خشتی است ، واحدهای

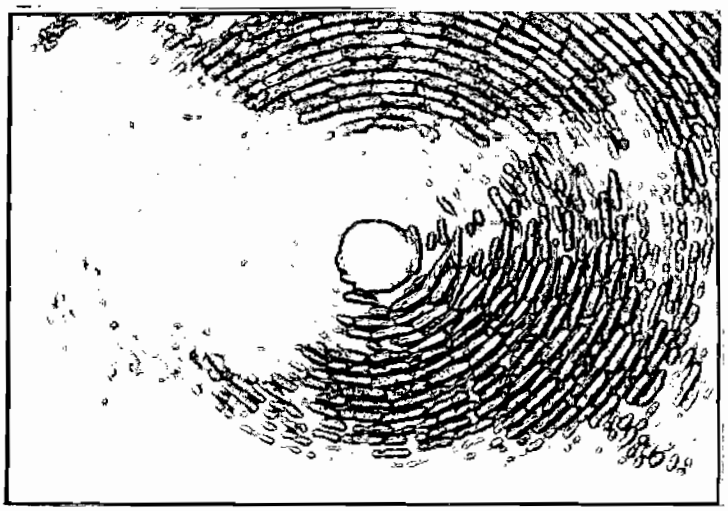


منظرهٔ داخلی گاودانی ده طالب‌آباد باطاقنماهای ضربی



ستونهای سقف‌های ضربی گاودانی که از خشت خام ساخته شده

مسکونی گاوها همه ازداخل بهم‌متصل است ولی‌درفاصلهٔ هرواحد مسکونی که دارای یک‌سقف گنبدی است بدنه‌های جرز دیواربشکل زبانه‌ای‌جلو آمده و واحدهارا ازهم جدا مینمایدبطوریکه هر واحد مسکونی تشکیل سه‌قسمت‌را داده‌است. یکی‌ازاین سه‌قسمت راهروی وسط است که‌در کلیهٔ واحدها یکسان ویک شکل ویک اندازه میباشد. آن‌دو دیگر محل اصلی و اطاق گاوها است که درطرفین ومقابل هم واقع شده‌است، در عقب هرکدام متصل‌بدیوار اصلی، آخورطویلی ساخته شده که محل‌نگاهداری و استراحت دو یا سه گاو میباشد که بتعداد گاوان درمقابل‌آخور آنها حلقه وزنجیری‌هم نصب شده که گاوان‌را بهنگام لزوم ببندند.



سقف گنبدی ضربی با خشت‌های خام درداخل گاودانی.
سوراخ هواکشی که درمرکز سقف تعبیه شده‌است درعکس مشاهده میگردد

بعضی‌ازاین واحدهای مسکونی دربالای‌جرز دارای نیم‌سقفی‌است که با بدنهٔ سقف گنبدی زاویه‌ای‌تشکیل‌میدهد ودر روی‌این‌سقف گاوچرانان ده‌باستراحت میپردازند. علاوه‌براین در وسط هر زبانه پیش‌آمدگی یک آخورکوچک هم دیده میشود که درصورت ازدیاد گاوان مورداستفاده قرار میگیرد.

کف حیاط گاودانی و طویلهٔ گاوها، یکسره از فضولات گاوها پوشانیده شده که ازطرف ارباب جمع‌آوری وبمصرف کودبنه ها میرسد.

علاوه بر طویله بزرگ باسقف فوق در سه طرف گاودانی اطاقهائی دیده میشودکه انبار آذوقه گاوها، گوساله دانی، طویله بی‌سقف، اطاق خوراك سازی برای گاوها وباربند (طویله بی‌سقف) را تشکیل میدهد. دروسط حیاط گاودانی هم حوضچه طویلی بارتفاع حدود ۵۰ متر

از کف زمین برای آبخوری گاوها ساخته شده که وضع مشخص و تفکیکی آنها در نقشهٔ عمومی ده مشاهده میگردد.

علاوه بر اماکن مسکونی درونی وبیرونی که شرح آن گذشت در ده طالب‌آباد آشیانه‌هائی جهت پرندگان ساخته میشود که ممکن است درداخل ویا درخارج قلعه مشاهده گردند ولی چون این آشیانه‌ها بیشتر درداخل قلعه مشاهده میشوند پس از ذکر اماکن داخلی قلعه، بیان نوع وشکل آشیانه‌ها ذیلاً متذکر میگردد.

آشیانهٔ پرندگان

آجلون Ajeloun

در قلعه طالب‌آباد جهت سکونت مرغها ومصون‌بودنشان ازگزندحیوانات وحشی درشب وتخم گذاری‌آنها لانه‌ای میسازند که در آن چون‌سوراخی است و داخل آن بیشتر بشکل سوراخ طویلی شباهت دارد که معمولا شبها در آن توسط تکه‌سنگ و تخته پاره‌ای گذارده میشود که بنام «آجلون» مشهوراست وبیشتر درمنازلی که مرغ نگهمیدارند دیده میشود.

لانه‌کبوتر

افرادی در ده طالب‌آباد وجود دارند که به‌نگهداری کبوتر علاقه نشان میدهند، این افراد سوراخهائی در بدنه دیوار میسازند که به‌لانه‌کبوتر شهرت دارد، گاهی علاقمندان زیاد به‌کبوتر اطاق کوچکی را برای



لکلکان برای ساختن لانه مکان مرتفعی را انتخاب نموده و با جمع‌آوری چوب و قرار دادن آنها بر روی یکدیگر آشیانه‌ای جهت خود بنا میکنند

عکس فوق لانهٔ لکلکی را در قلعه طالب آباد نشان میدهد

نگهداری کبوتر ها اختصاص میدهند وسراسر آنرا باچوب نی طبقه‌بندی میکنند تا کبوتران روی آنها بنشینند.

لانه لکلک

لانه لکلک نیز در داخل قلعه دیده میشود که چوبهای آن توسط خود پرنده جمع‌آوری شده و عکس‌صفحهٔ قبل‌موقعیت بهتر آنرا نشان میدهد.

***

بطورکلی دربارهٔ شکل سکونت در ده‌طالب‌آباد میتوان کلیهٔ‌مطالب‌را چنین خلاصه‌نمود:

منازل روستائی در سه طرف قلعه با سقف گنبدی چون خط زنجیری درکنار یکدیگر واقع شده‌اند وهیچگونه امتیازی نسبت بهم ندارند وتنها نقشه اصولی‌خانه‌سازی ده همین‌خط زنجیری بودن خانه‌ها است ، اسکلت اصلی خانه‌ها خشتی و نمای خارجی آنها کاه‌گلی است ، کاه‌گل پشت‌بام‌ها هریکی‌دوسال یکمرتبه تجدید میشود ولی کاه‌گل دیوارها و اطاق‌ها بندرت تجدید میگردد ارتفاع دیوارهای‌اطاق‌ها به‌سه‌متر نمیرسد و دربعضی موارد بیش‌از دومتر هم نیست ، سقف‌ها کوتاه وشعاع داخلی گنبدها بین‌یک‌تادومتر فرق‌میکند. درجلو وطرفین‌خانه‌ها دیوارهای گلی‌ساخته شده‌که هیچ‌کدام آنها یکسان نیست و هرکس بسلیقه خود دیواری کج و معوج یکسره ازگل بنا نموده‌است و دربسیاری موارد پاره سنگ‌هائی درداخل آن قرار داده‌اند.

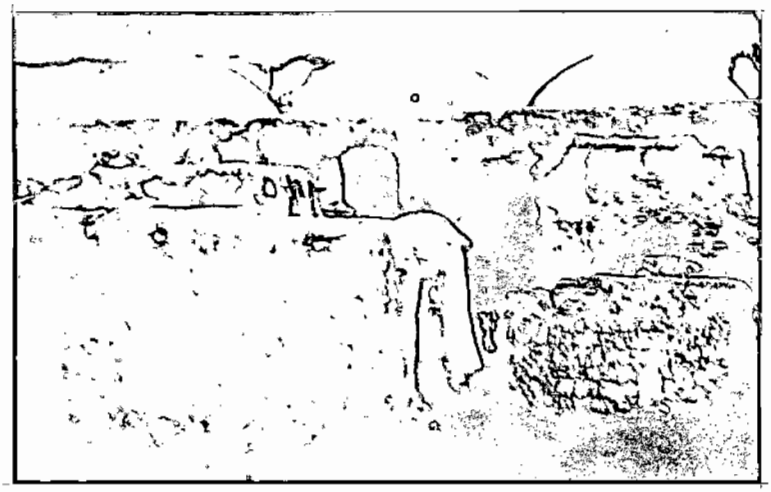
دیوار جلوی منازل‌که بسمت کوچه ختم میشود حدود ثابتی‌ندارد چه‌هرخانه بطورکلی دارای‌طویله ، تنور، آغل‌سر باز و آغل سربسته، کاه‌انبار ، مستراح‌وامثال‌آن میباشد که‌دربعضی خانه‌ها پس‌از دیوار جلوئی ودربرخی بعداز دیوارجلوئی قرارگرفته است.

منازلی‌که آغل در پشت دیوار اصلی آن قرارگرفته باشد طبقه طبقه بنظر میرسند چه‌اگر دیوار جلوئی‌اصلی منزل‌حدود سه‌متر باشد دیوار آغل‌بعدی دومتر وآغل دومی دیوارش‌ازدومتر کوتاهتر است واین‌طبقه‌طبقه بودن دربسیاری از خانه‌ها صادق است و ازهرکوچه ده‌که عبور کنیم کاملاً مشخص است.

سقف‌ها اصولاً کوتاه است ، سقف آغل‌ها بهمین‌ترتیب کوتاه وسقف تنورها هم از آغل‌ها کوتاهتراست ساختمان آغل‌های سقف‌دار وتنور یکسان‌است و وجه تشخیص آنها این است‌که تنور بدون‌در وآغل‌ها دارای‌درچوبی‌است‌که ازبهم‌پیوستن افقی‌وعمودی چند شاخ درخت ساخته شده‌است‌واحیاناً روی‌آنرا باحلبی‌پوشانده‌اند، دیگراینکه‌نزدیک سقف‌تنوردربدنه‌دیوارسوراخ هائی جهت خروج دود مشاهده میشود ولی آغل دارای روزنه‌ای نیست.

سقف آغل ها و تنورها تیری است، تیرهای آنرا شاخ و برگ درختان باقطرهای مختلف تشکیل میدهند . ابتدا شاخه هائی بقطر دو تا سه سانتیمتر در روی یک یا دو تیر اصلی قرار دارند وبعد شاخ و برگ روی آنرا پوشانیده و روی آن کاه گل شده است .

آغل های سرباز شکل معینی ندارند ، بلندی دیوار اطراف آنها از حدود یک متر تجاوز نمیکند، اکثر دیوار آغل ها بواسطهٔ گلی بودن ترک های زیادی خورده است ودربعضی موارد که کاه گل شده بطور نامرتبی انجام گرفته است ، کف آنها را علف و فضولات چهارپایان پوشانیده است ، شکل تنورها مدور و محلی که تنور در آن قرار گرفته کمی از سطح عمومی زمین بالاتر است، در آغل ها بیشتر یک لتی است که ابعاد آنها بزحمت بیک متر میرسد ، اسکلت اصلی در آغل ها یکسان است زیرا چند قطعه شاخ درخت بقطر سه چهار سانتیمتر را افقی و عمودی بهم میخکوب کرده اند، این درها بهمین صورت برای آغل های تابستانی وبارو کش حلبی برای آغل های زمستانی بکار برده میشوند .



آغل، تنور ، کاه انبار واطاق های مسکونی بطور نامرتبی درکنار یکدیگر ساخته شده است . سمت راست آغل سرباز و سمت چپ آغل سرپوشیده ودرپشت آن تنور و درانتها اطاقهای مسکونی بنا گردیده است .

کمتر مستراحی دیده میشود که دارای سقف باشد ، دیوار گلی نامرتبی درگوشه ای کشیده و در وسط آن چاله ای کنده و دهانه چاله را بانداختن چند قطعه چوب تنگ نموده و مورداستفاده قرار میدهند .

درکوچه ها و در اطاق ها هم به نسبت سقف آنها کوتاه است و کوتاهی در وسقف برای گرم نگهداشتن زمستانی اماکن فوق است . در روی پشت بام آغل ها چون سطل خاکروبه همه

چیز یافت میشود، سراپای بسیاری ازدیوارها را خمیرشده قرصی‌شکل فضولات چهارپایان فرا گرفته است که بنام «تاپاله» شهرت‌دارد که برای خشک شدن به‌دیوارها چسبانده شده وپس‌ازخشک شدن کنده وبرای استفاده سوخت زمستانی‌مورداستفاده قرارمیدهند، دربسیاری مواردابن‌فضولات سوخت دائمی آنهارا تشکیل‌میدهد وزنان‌روستا مخصوصاً به‌بیابان رفته فضولات‌راجمع‌آوری‌نموده بصورت خمیره درآورده وبرای‌خشک شدن بدیوارهای اطراف منازل وآغل‌ها درمقابل نور آفتاب چسبانیده تاخشک شود وسپس ذخیره نمایند.

تنهاساختمان‌آجری ده مدرسه، مسجد، آب‌انبار ومنزل اربابی‌است، برای‌ساختن تنور، آغل، مطبخ و مستراح هیچگونه پی در نظر گرفته نمیشود و دیوار آنها ازکف زمین‌ساخته‌میشود ولی اطاقهای مسکونی دارای حدود نیم‌تایک متر پی‌است که ابتدا آنرا شفته‌ریزی‌نموده سپس دیوار اطاق هارا برای ساختن آغاز میکنند.

فصل سوّم

ساختمان جمعیّت

شمارهٔ جمعیت

تا آنجا که برای نگارنده امکان داشت مطالبی راجع به جمعیت ده طالب آباد درسالهای مختلف جمع آوری نموده است که مطالب مربوط بهر کدام درجای خود یادآور میشود ولی در سال ۱۳٤۰ نگارنده باتفاق چند نفر دیگر آماری از جمعیت ده تهیه نمود ، مبنای این آمارگیری که جنبهٔ سرشماری عمومی را در ده داشت براین پایه استوار بود که ارباب ومباشر و دونفر از دهقانان محل باتفاق راقم سطور در محلی نشسته تمام منازل مسکونی قلعه را صورت برداری نموده پس ازآن بترتیب مشخصات رئیس خانوار، مشخصات همسر و افراد دیگر خانوار بتفکیک شغل وجنس وسن ودیگر خصوصیات هر خانوار سئوال گردیده نامبردگان جمعاً بمشورت پرداخته و پس از توافق، نتیجه درجدول تهیه شده یادداشت میگردید .

البته ممکن است برای سرشماری عمومی براین رویه خرده گرفت ولی این خرده گیری در جائی صحت دارد که شناسائی عمیق محلی وجود نداشته باشد ویاتعداد جمعیت آنقدر باشد که شناسائی عملاً امکان نداشته باشد ولی در ده طالب آباد همه یکدیگر را میشناسند بسوابق و تاریخچه زندگانی یکدیگر آشنائی دارند وکوچکترین تحولی برای هرکس پیش آید بلافاصله همه ازآن مطلع میشوند، روی همین اصل نگارنده بااعتماد بسخنانشان گوش داده وآنهارا پذیرفته است بطوریکه بعدهاصورت دیگری توسط مباشر وارباب از ده تهیه شده بود وبدست نگارنده رسید با گفته های فوق الذکر اختلافی نداشت . راجع بسرشماری عمومی سال ۱۳۳۰ هم در ده طالب آباد بطوریکه دهقانان تعریف میکردند انجامش بدینگونه بوده است که مأمور سرشمار درمنزل اربابی

با حضور چند نفر دهقان اوراق مخصوص خود را باستناد گفته‌های حاضرین در جلسه تکمیل نموده است.

طبق سرشماری سال ۱۳٤۰ نگارنده ۸۸ خانوار بومی که از نظر شمارش شامل ۳۹۸ نفر میشود در ده طالب‌آباد ساکن بوده وجمعیت اصلی ده‌را تشکیل میدادند، از این عده ۱۹٦ نفر مرد و ۲۰۲ نفر بقیه زن بوده‌اند که بادرنظر گرفتن ۲۵٦۰ مترمربع وسعت قلعه درهر ٤٦ مترمربعی یکنفر زندگی میکند.

پراکندگی جمعیت بیشتر در دورادور داخل قلعه است بطوریکه دیوار بزرگ قلعه یک ضلع اطاقهارا تشکیل داده و وسط قلعه محل زندگی احشام وچهارپایان آنها میباشد.

علاوه برجمعیت فوق که جمعیت اصلی وبومی ده را تشکیل‌میدهد ده دارای جمعیت‌غیر بومی وغیرثابت نیز هست بدین‌ترتیب که عده‌ای که ساکن‌قلعه نو همسایه شمالی این‌ده‌هستند محل کارشان دراین ده‌میباشد علاوه براین‌عده‌ای بصورت‌تراکتورچی، شاگرد گاودار، قمی کار و امثال آن دراین‌ده بکار اشتغال‌دارندولی‌درشمارش‌جزء جمعیت اصلی ده محسوب‌نگردیده‌اند.

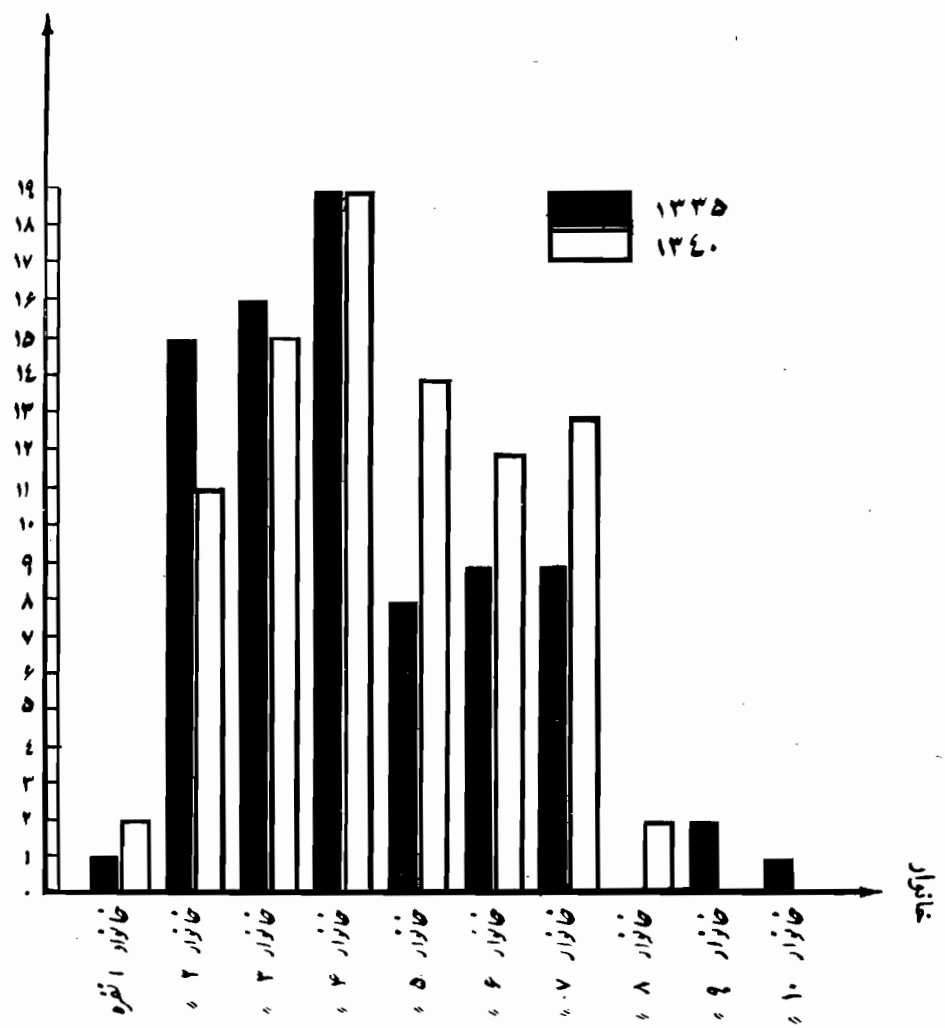
قمی کار وشاگرد گاودارتنها شش‌ماه ازسال‌دراین‌ده ساکن‌اند زیراکار آنها ازفروردین‌ماه آغاز شده و دراواخر شهریورماه پایان می‌پذیرد. شاگردان‌تراکتوردار و رعیت‌هائی که ساکن ده مجاورند تقریباً دائمی هستند ولی ممکن است گاهی افراد فوق تعویض گردند و این مسئله بیشتر درموردشاگردان تراکتوردار ده صدق میکند، علاوه براینهاافراد مزدوری‌بصورت عمله و درو گر درفصل بهار بکاردراین‌ده اشتغال میورزند، درنتیجه ده دارای جمعیت ثابت و غیرثابتی بترتیب ذیل خواهد بود:

رعیت از ده مجاور	٤ نفر	غیربومی دائمی
شاگرد تراکتوردار	۷ »	
شاگرد گاودار	۱۰ نفر	غیربومی موقتی (شش‌ماه)
قمی کار	۷ »	
عملهٔ مزدور	۳۰ نفر	غیربومی دوماه بهار
درو گر	٤۰ »	غیربومی خردادماه

بنابراین‌طالب‌آباد دارای دونوع جمعیت دائمی وغیردائمی‌است که تعداد آن‌درماههای مختلف سال بترتیب زیر تغییر میکند:

جمعیت بومی	۳۹۸ نفر
جمعیت ثابت	۴۰۹ »
جمعیت در دوماه بهار	۴۵۶ »
جمعیت درخردادماه	۴۹۶ »
جمعیت از آغاز تا پایان تابستان	۴۲۶ »

بطوریکه در فوق یادآور شد در شش ماه از سال یعنی از اول مهر تا آغاز فروردین جمعیت ده فقط ۳۹۸ نفراست که جمعیت اصلی وبومی ده‌را تشکیل میدهند وازفروردین تااواخر شهریور ماه جمعیت ده از ۳۹۸ نفر تا ۴۹۶ نفر درتغییر است یعنی در نیمه اول هر سال ۹۸



نمودار مقایسه‌ای تعداد خانوارهای ده طالب‌آباد درسالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۰

نفر دراین ده بتناوب بکار اشتغال دارند که افراد موقتی وناثابت بوده وجزء جمعیت ده محسوب نمیگردند ولی گاه ممکن است این جمعیت سیار درخرداد وتیر تا ۵۵ نفرهم افزایش یابد که البته کاهش و یا افزایش این عده بااحتیاجات کارگری ده درفصل بهار بستگی دارد.

بطوریکه ذکر شد جمعیت اصلی وبومی طالب آبادرا ۸۸ خانوار تشکیل میدهد که اگرحجم خانوارهارا مورد بررسی قرار دهیم بزرگترین رقم شامل خانوارهای چهارنفری میشود پس ازآن خانوارهای سه‌نفری وسپس ۶ نفری جای دارند که بترتیب ۲۱٫۵٪، ۱۷٪ و ۱۰٪ ازکل خانوارها را شامل میشوند و رویهم‌رفته ۸۵٪ خانوارها بیش‌از دونفرند یعنی دارای فرزند میباشند وتنها حدود ۱۰٪ خانوارهای ده مذکور بدون‌فرزندهستند که اکثریت‌آنهارا خانوارهای‌جدید تشکیل داده‌اند.

جدول مقایسهٔ حجم خانوارهای ساکن طالب آباد در سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۰

حجم خانوار	تعداد در سال ۱۳۳۵	تعداد در سال ۱۳۴۰
خانوار ۱ نفره	۱ خانوار	۲ خانوار
« ۲ «	۱۵ «	۱۱ «
« ۳ «	۱۶ «	۱۵ «
« ۴ «	۱۹ «	۱۹ «
« ۵ «	۸ «	۱۴ «
« ۶ «	۹ «	۱۲ «
« ۷ «	۹ «	۱۳ «
« ۸ «	--	۲ «
« ۹ «	۲ «	—
« ۱۰ «	۱ «	—
جمع	۸۰ خانوار	۸۸ خانوار

توزیع

جنسی و سنی

قبلاً یادآور شد که از ۳۹۸ نفر جمعیت طالب‌آباد ۱۹۶ نفر مرد و ۲۰۲ نفر بقیه زن هستند واین ارقام بتفکیک عبارتند از :

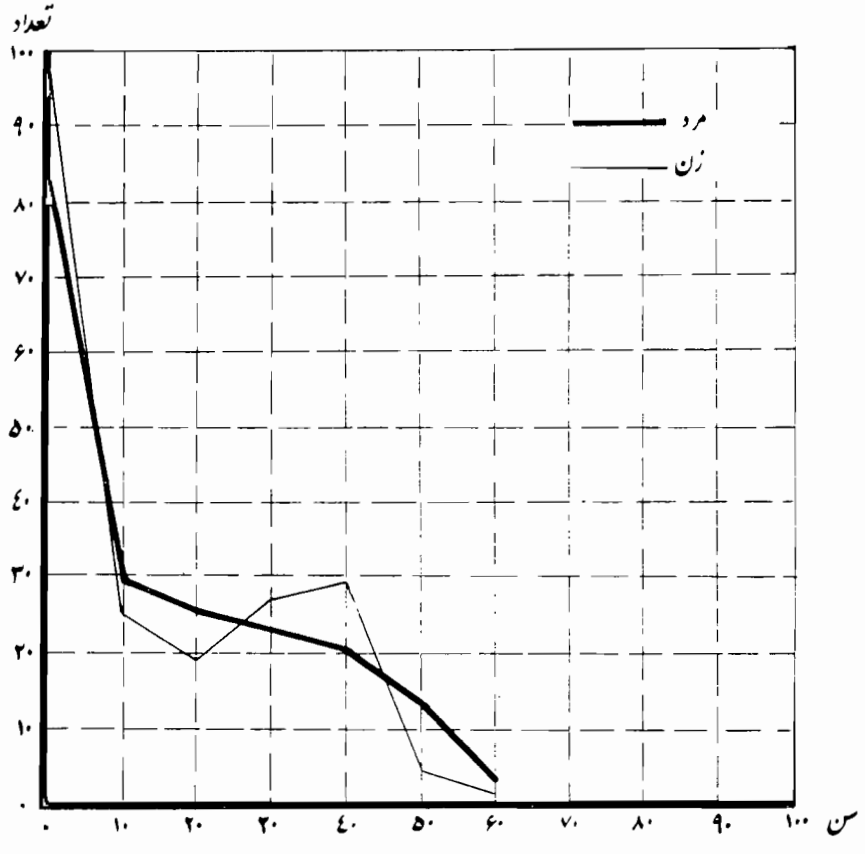
پسر	۱۱۶ نفر	٪۳۰
دختر	۱۰۸ »	٪۲۷
زن شوهردار	۸۰ »	٪۲۰
مرد متأهل	۸۰ »	٪۲۰
زن بیوه	۱۴ »	٪۳
جمع	۳۹۸ نفر	٪۱۰۰

بااین ترتیب مشاهده میشود که ۳۰٪ ازکل جمعیت‌را پسران و۲۷٪ آنرا دختران تشکیل میدهند یعنی مجموعاً بیش‌از ۵۷٪ ازکل جمعیت‌را پسران ودختران جوان تشکیل میدهند که سن‌آنهابه ۲۰سال نمیرسد ولی‌پسران نسبت به‌دختران هم‌سن ۳٪ فزونی‌دارند. زنان‌شوهردار ۲۰٪ ومردان متأهل‌نیز ۲۰٪ ازمجموع جمعیت‌را شامل میشوند یعنی ۴۰٪ ازکل جمعیت را زنان و مردان همسردار تشکیل‌میدهند درصورتیکه مرد بدون زن که سنش‌از ۲۰سال متجاوزباشد دراین ده مشاهده نمیشود ولی‌درمقابل بیش‌از ۳٪ ازکل جمعیت‌را زنان بیوه تشکیل‌میدهند که‌جدول تفکیکی گروههای سنی و گروههای جنسی فوق بترتیب ذیل‌خواهد بود.

جدول توزیع جنسی وسنی جمعیت طالب‌آباد

سن	مرد	زن	جمع	٪مرد نسبت به کل مردان	٪ زن نسبت به کل زنان	٪ نسبت به‌کل‌جمعیت
کمتر از دهسال	۸۳	۹۷	۱۸۰	۴۲	۴۸	۴۵
۱۰ تا ۱۹سال	۲۹	۲۵	۵۴	۱۵	۱۴	۱۴
۲۰ تا ۲۹سال	۲۵	۱۹	۴۴	۱۳	۹	۱۱
۳۰ تا ۳۹سال	۲۳	۲۷	۵۰	۱۲	۱۳	۱۳
۴۰ تا ۴۹سال	۲۰	۲۹	۴۹	۱۰	۱۳٫۵	۱۲
۵۰ تا ۵۹سال	۱۳	۴	۱۷	۷	۲	۴
۶۰ سال ببالا	۳	۱	۴	۱	۰/۵	۱
جمع	۱۹۶	۲۰۲	۳۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

بطوریکه مشاهده میشود بزرگترین رقم شامل افراد کمتراز دهسال میگردد که ٤٥٪ از کل جمعیت را شامل میگردد، اگر عدهٔ جوانان بین ۱۰ تا ۱۹ سال را بدان بیافزائیم ۵۰٪ افراد ده را جوانان کمتر ازبیست سال تشکیل میدهند که خود به تنهائی شامل بیش از نیمی از جمعیت ده مذکور میباشد.

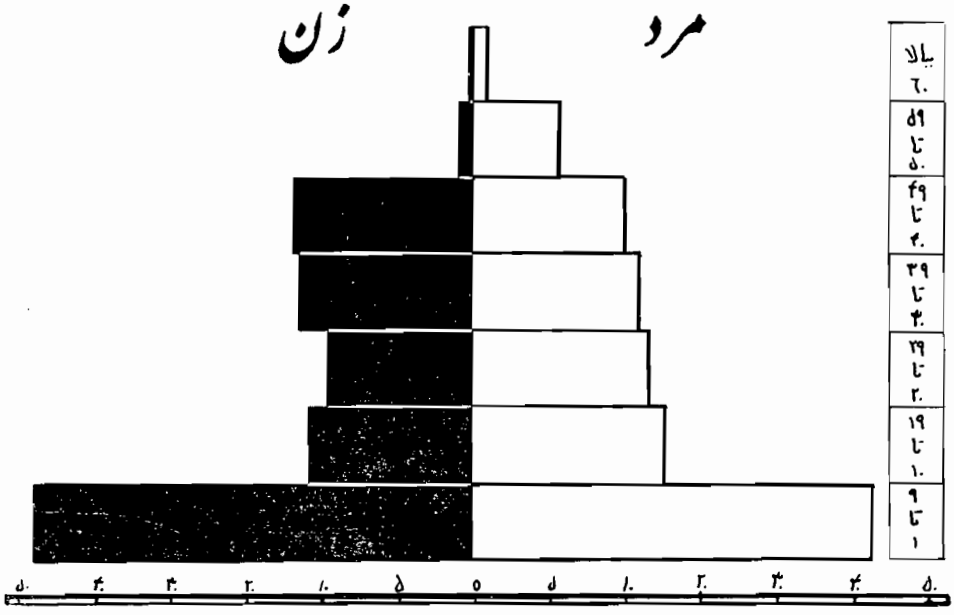


نمودار توزیع جنسی وسنی ساکنین ده طالب‌آباد

بطوریکه استنباط میشود تلفات دربین افراد کمتراز دهسال فراوان است زیرا هنگامی که سن افراد به ۱ سال برسد به کمتراز $\frac{1}{3}$ تعداد اولیه تقلیل می‌یابند ولی از ۱ تاحدود ۵ سالگی تعداد افراد تقریباً طبیعی است وبیشتر مسائل تغییرمحل سکونت درنوسانات آن نهفته است ولی از ۵ سالگی ببعد سیر نزولی آغاز میگردد که پیری و کهولت افراد را دربردارد وسرانجام بمرگ منتهی میشود.

بطوریکه جدول تفکیک جنسی نشان میدهددرگروههای سنی ۱۰-۱۹ و ۲۰-۲۹ ساله و ۵ ساله ببعد نسبت مردان بزنان فزونی دارد ولی درسایر گروههای سنی تعداد زنان نسبت

بمردان بیشتراست تا آنجاکه این‌فزونی درکل جمعیت نیزمشاهده میشود ولی عدد آن به‌بیش‌از ۲٪ نیز نمیرسد . اگر نمودار سنی افراد را بتفکیک جنس درکل جمعیت ده ترسیم نمائیم و میانگین آنرا محاسبه کنیم منحنی فوق بدست میآید ولی درمحاسبه ارقام میانگین سنی، رقم ۱۹ بدست میآید که میانگین سنی درکل جمعیت ده باشد. اگر گروههای مختلف سنی فوق‌را درنظر گرفته وهرم‌سنی جمعیت ده را رسم نمائیم‌چنین هرمی با مشخصات زیر بدست خواهد آمد.



هرم سنی وجنسی ساکنین ده طالب‌آباد درسال ۱۳٤۰

بانگاهی به‌ستونهای هرم سنی وجنسی‌سال ۱۳٤۰ باین‌نتیجه میرسیم که نمودارگروههای سنی مردان دارای وضع طبیعی‌است واین‌وضع ازگروههای دهساله ببالا آغاز میگردد تلفات در گروههای کمتراز ده سال فراوان مشاهده میشود واین موضوع چه دربارهٔ گروه زنان وچه دربارهٔ گروه مردان صادق است یعنی‌اصولاً تلفات دربین کودکانی که کمتراز دهسال دارند زیاد است وتنها حدود $\frac{۱}{۳}$ آنها به‌سنین بالاتر میرسند.

گروههای سنی‌زنان ازدهسال‌ببالا طبیعی بنظرمیرسد زیرا عده گروههای ۱۹-۱۰ و ۲۹-۲۰ ازگروههای مسن‌تر کمتر بنظر میرسند، علت این تقلیل نفرات مسلماً دراین‌است که این سالها برای دختران سالهای بخت نام دارد و ازدواج آنها دراین‌سالها صورت میگیرد و پس‌از ازدواج معمولاً زادگاه خود را ترک گفته و در زادگاه ومحل‌جدیدی که‌پسر در نظرگرفته است ساکن

میشوند ولی در این مورد ممکن است سئوال شود که متقابلا هم نوعروسانی بده میآیند و مقیم میشوند و این مسئله ممکن است واقعیت هم داشته باشد ولی اگر اطاقی در ده جهت سکونت خانوارهای تازه وجود داشته باشد این کار عملی است و الا مجبور بترك ده میگردند.

در گروههای ۳۹-۳۰ و ۴۹-۴۰ ساله که عده زیادتری از دو گروه فوق الذکر را شامل میشوند میتوان استنباط کرد که حدود ۱۰ تا ۲۰ سال قبل ده مهاجر بخود پذیرفته است زیرا در بحث شکل سکونت یادآور گردید که حدود ۲۰ سال قبل ارباب ده تعدادی اطاق ساخته و افراد تازه‌ای در این اطاقها ساکن گردیدند و این اطاقها بیشتر سهم کسانی بوده که خانواده جدیدی را تشکیل داده‌اند و ازدیاد زنان در این دو گروه بی‌رابطه با اطاقهای جدید ساخته شده نبوده است.

جمعیت فعال و غیرفعال

معمولاً جمعیت را بسه گروه سنی تقسیم نموده و سنین بین ۱۵ تا ۶۰ ساله را از نظر اقتصادی جمعیت فعال محسوب داشته و کمتر از ۱۵ و بیش از ۶۰ ساله را غیرفعال بحساب میآورند.

اگر محاسبه فوق را در مورد جمعیت ده طالب‌آباد برای تعیین جمعیت فعال و غیرفعال انجام دهیم چنین نتیجه میشود :

سن	تعداد	درصد
کمتر از ۱۵ سال	۲۱۳	۵۳
۱۵ تا ۶۰ سال	۱۷۸	۴۵
۶۰ سال ببالا	۷	۲
جمع	۳۹۸	۱۰۰

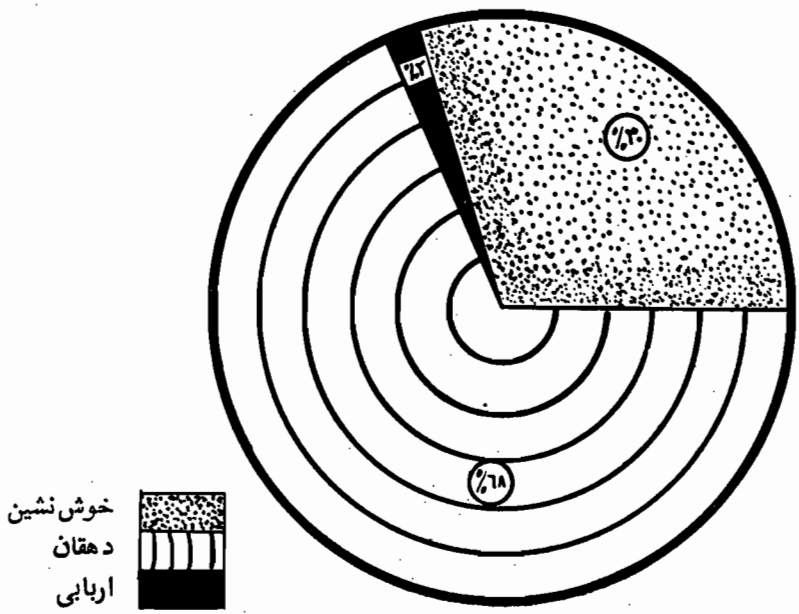
طبق ارقام جدول فوق ۵۵٪ یا بیش از نیمی از جمعیت ده طالب‌آباد را از نظر اقتصادی افراد غیرفعال وتنها ۴۵٪ از کل جمعیت را افراد فعال تشکیل میدهند.

تعریف فوق را در مورد روستائیان بایستی با تردید تلقی نمود زیرا معمولاً فرزندان از دهسال ببالای روستائیان اگر فعال نباشند لااقل نیمه فعالند زیرا از حدود ۱۰ سالگی به کارهائی از قبیل چوپانی، گاوچرانی، شاگردی، مزدوری درمزرعه وامثال آن اشتغال میورزند و اکثر آنها هنگام برداشت محصول بخوشه‌چینی (جمع‌آوری خوشه گندم یا جو) یا پنبه چینی مشغول میشوند بنابراین میتوان در این مورد اظهار نظر نمود که بیکاری پنهان در ده فراوان وجود دارد ولی غیرفعال دربین سنین ۱۰ تا ۶۰ سالگی مشاهده نمیشود بنابراین ۴۵٪ از جمعیت ده را جمعیت فعال تشکیل

میدهد و تنها ۲٪ جمعیت را افراد سن بیش‌از ۶۰ سال شامل میشوند وبقیهٔ افراد یعنی ٤٤٪ باقیمانده کل جمعیت‌را کودکان کمتراز دهسال تشکیل میدهند که از نظر کشاورزی غیرفعال هستند.

توزیع شغلی

ساکنین بومی‌ده طالب‌آباد ۸۸ خانوار را شامل‌میشوند ، بادرنظرگرفتن‌این‌نکته که رئیس هرخانوارداراى شغل‌مشخصی‌است میتوان مشاغل آنهارا تقسیم‌بندی نمود. دراین تقسیم‌بندی



نمودار درصد مشاغل ساکنین ده طالب‌آباد

شغلی بطورکلی سه گروه تشخیص داده میشود که نسبت به‌تعداد خانوارها عبارتند از :

دهقان	٪۶۸
خوش‌نشین	٪۳۰
اربابی	٪ ۲
جمع	٪۱۰۰

در این تقسیم‌بندی بجز گروه سوم که گروه اربابی باشد دو گروه دیگر خود به قشرهای کوچکتری تقسیم میگردند وهریک ازاین‌قشرها بامختصر تعریفی عبارتند از :

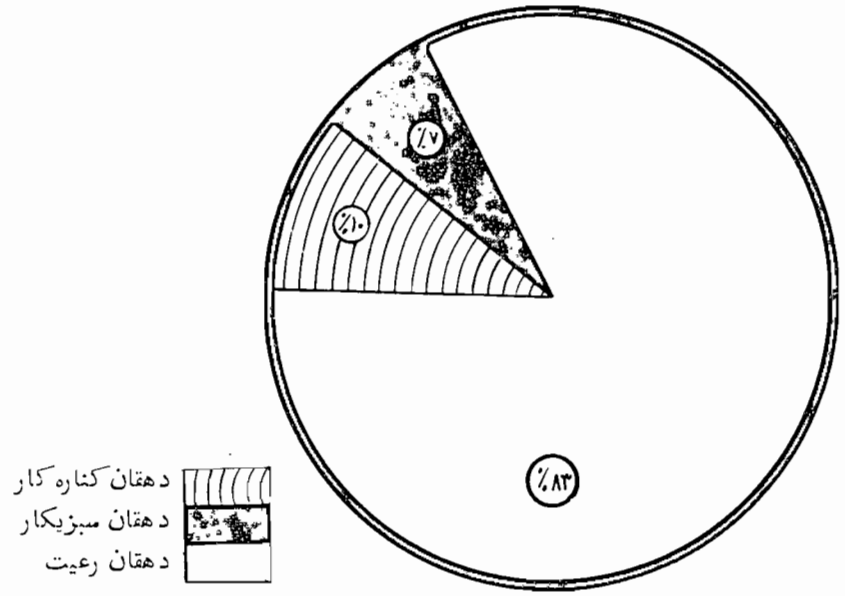
***

دهقان

گروه دهقانان که در ده طالب‌آباد بزرگترین رقم جمعیتی که ۶۸٪ از کل خانوارها را شامل میشود تشکیل میدهد، این گروه خود به‌قشرهای دیگری تقسیم میگردند که عبارتنداز :

دهقان رعیت	٪۸۳
دهقان کناره کار	٪۱۰
دهقان سبزیکار	٪۷
جمع	٪۱۰۰

تقسیم‌بندی فوق بدان علت است که افراد فوق‌الذکر همه دهقان‌اند ولی اصولاً دارای شغل مجزائی ازیکدیگرمیباشند که قوانین عرفی ده برای هرکدام دارای نحوهٔ اجرائی خاصی‌است،



نمودار درصد توزیع شغلی دهقانان

برای روشن‌شدن بهتر موضوع ذیلاً بتعریف دهقان وسپس به‌بیان قشرهای سه‌گانه آن‌میپردازیم:

دهقان شخصی است که بطور کلی در امور کشاورزی ده (کاشت ، داشت ، برداشت) شخصاً شرکت نموده و ازاین‌راه امرار معاش نماید . قشرهای این گروه که هریک شخصاً در کاشت وداشت وبرداشت شرکت دارند بواسطهٔ اختلاف‌نحوهٔ کار ومشخص بودن قوانین محلی جهت تقسیم منافع حاصله از برداشت زراعی هرکدام، تعریف جداگانهٔ هریک در اینجا ضروری بنظر میرسد.

دهقان رعیت دهقان رعیت کسی‌است که درمدت یکسال زراعی جهت کشت وزرع در یک واحد کشاورزی بنام «بنه» بکار دعوت میشود وباتفاق شرکاء خود درکلیهٔ امور مربوط به کشاورزی بنه خود شرکت نموده و طبق قوانین محلی درپایان برداشت سهمی دریافت میدارد . دهقان رعیت تازمانی‌بدین‌نام نامیده میشود که همه ساله طبق شرایط فوق مجدداً بکار دعوت شود وگرنه دیگر رعیت نخواهد بود .

دهقان کناره‌کار دهقان کناره کار کسی‌است که بواسطهٔ کهولت وفرسودگی نمیتواند عضو فعال‌بنه باشد ودراصطلاح‌محل کنار رفته‌است یعنی بازنشسته گردیده ولی بواسطه سوابق کار ومورد توجه ارباب بودن قطعه زمینی بمراتب کمتراز مساحت زمین های یک بنه دراختیارش گذارده میشود تا شخصاً درآن به کشت وزرع بپردازد . بمناسبت کمی کار معمولاً افراد این قشر بکارهای موقتی دیگری که جنبهٔ مزدوری دارد میپردازند ولی کشت‌وزرع اساس کار آنهارا تشکیل میدهد، شرایط کار ومنافع حاصله از اینراه برای کناره کاران وضعی شبیه به‌دهقانان رعیت‌را دارا است .

دهقان سبزیکار دهقان سبزیکار کسی‌است که برای مدت معینی طبق‌قراردادی که مابین او و ارباب یا مالک و یا اجاره دار بسته میشود قطعه زمینی با آب طبق شرایطی جهت کشت سبزی دراختیارش گذارده میشود، در ده طالب‌آباد زمین و آب وخاك بعهدهٔ ارباب یا مالک یا اجاره‌دار ، مخارج شخم نصف و کلیهٔ‌مخارج دیگر بعهدهٔ رعیت سبزیکار است، درآمد حاصله ازفروش بین‌طرفین‌نصف میگردد . این‌قشر را معمولاً «نصفه کار» هم‌مینامند[1] .

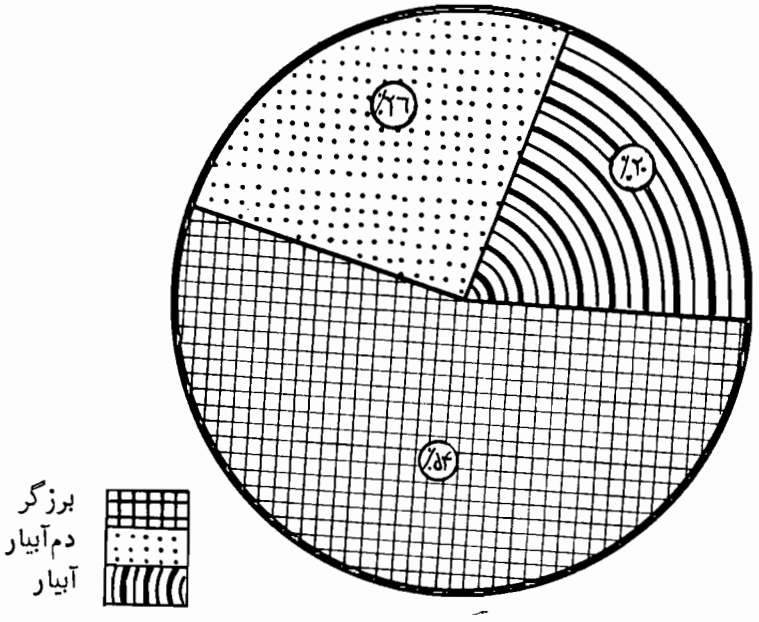
***

البته قشر دهقان رعیت که توضیح مختصری دربارهٔ آن‌داده شد خود به‌تیپ‌های‌سه‌گانه دیگری بترتیب ذیل تقسیم میگردد :

آبیار	۱۰ نفر	٪۲۰
دم‌آبیار	۱۳ »	٪۲۶
برزگر	۲۷ »	٪۵۴
جمع	۵۰ نفر	٪۱۰۰

۱- برای اطلاعات بیشتری دراین‌مورد به‌فصل ترکیب جامعه (گروهها وقشرها) مراجعه شود.

آبیار یا سربنه فرمانده ورئیس بنه است و دم آبیار معاون آبیار وبرزگران ساده‌ترین عضو بنه میباشند که تعداد آنان بمراتب بردوتیپ دیگر فزونی دارد .



نمودار شغلی د هقانان رعیت ده طالب آباد بتفکیک نوع شغل

در ده طالب‌آباد خوش‌نشین را چنین تعریف میکنند :

خوش‌نشین خوش‌نشین کسی‌است که با زمین وآب ازنظر کشاورزی سروکاری ندارد یعنی هیچگونه کشت وزرعی در ده انجام نمیدهد ولی درمنزل اربابی‌سکنی دارد . هرچند که خوش‌نشینان‌ازنظر تعداد ازنصف‌عده د هقانان‌نیزکمترند ولی‌ازنظر تعددشغل بچندین برابر گروه‌د هقانان میرسند، تعداد صاحبان این‌مشاغل عبارتنداز[1] :

۱- آخوند ده	۱ نفر	۲- تراکتور دار	۲ نفر
۳- حمامی	۱ «	٤- دربان قلعه	۱ «
٥- رانندهٔ تراکتور	۱ «	٦- زن منفرد[2]	۳ «
۷- شیرکش	۱ «	۸- قصاب	۱ «
۹- کارگر روزمزد	۸ «	۱۰- کارگر کارخانه	۱ «

۱- برای اطلاعات بیشتری دراین‌مورد به‌فصل ترکیب جامعه (گروهها وقشرها) مراجعه شود .

۲- زنان منفرد در ردیف خوش‌نشینان محسوب میگردند وشغل مشخصی ندارند ، نگهداری چند مرغ ، نان‌پزی ، خوشه‌چینی وپنبه چینی مشخص‌ترین شغل‌آنها است.

۱۱- کاسب دکاندار	۲ «	۱۲- کفش دوز	۱ «
۱۳- گاوچران	۱ «	۱٤- مباشر	۱ «
۱۵- نجار	۱ «	۱٦- نوکر ارباب	۱ «
جمع	۲۷ نفر		

۲۷ نفر خوش نشین فوق درواقع ۲٦ نفرند چه یکی از دو کاسب ده قصاب نیز هست یعنی دردکان بقالی گوشت هم فروخته میشود بااین ترتیب مشاهده میشود که ۹ نفر از خوش نشینان شغل ثابتی درخود ده دارند و دونفر آنها دارای شغل ثابتی درخارج از ده هستند و بقیه دارای شغل ثابتی نیستند.

کارگران روزمزد بهرکاری دست میزنند، بقول خودشان «همه کاره هستند وهیچ کاره» کارهای معمولی آنها اغلب درفصول مختلف فرق میکند چوپانی، گاوچرانی، خشت مالی، پشته کشی، بنائی، وجین از رایج ترین کارهای آنها است که درخود ده یا دهات اطراف بدان اشتغال میورزند، ثابت ترین شغل این کارگران روزمزد عبارتست از چوپانی، کارگری درسرغدانی و کارگری موتور آب.

***

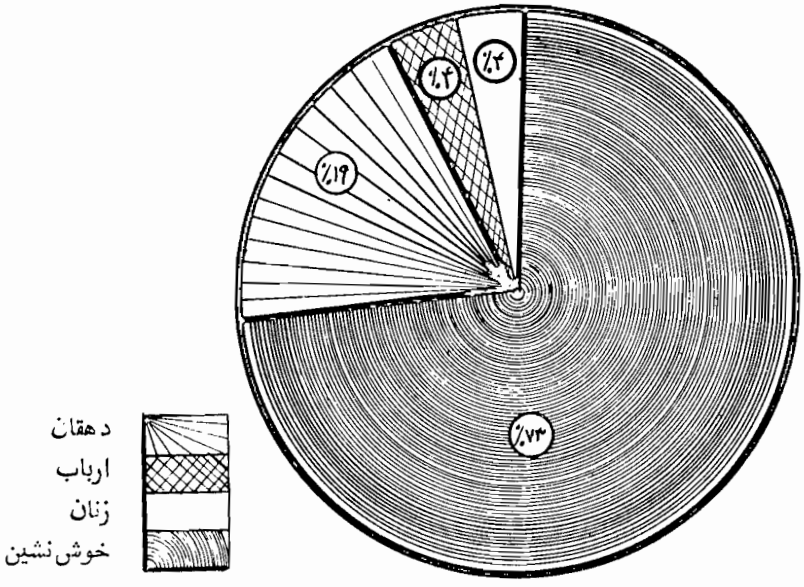
درتفکیک شغل خوش نشین ها ۱٦ شغل مختلف مشاهده میگردد که اگر سه شغل ثابت کارگران روزمزدرا بدان اضافه کنیم جمع شغل خوش نشینان دراین ده ۱۹ میگردد درصورتیکه اکثریت جمعیت ده یعنی دهقانان که مجموعاً ٦۰ نفرند دارای پنج شغل جدا ازهم بترتیب ذیل اند:

آبیار	۱۰ نفر	٪۱۷
دم آبیار	۱۳ «	٪۲۱
برزگر	۲۷ «	٪٤۵
کناره کار	٦ «	٪۱۰
سبزیکار	٤ «	٪ ۷
جمع	٦۰ نفر	٪۱۰۰

اگر شغل خانه داری را برای زنان واربابی را برای ارباب بدان بیفزائیم مجموع شغل هائی که دراین ده وجود دارد عبارتنداز:

نوع شغل	تعداد شغل	درصد
خوش‌نشین	۱۹	۷۳
دهقان	۵	۱۹
زنان	۱	٤
ارباب	۱	٤
جمع	۲٦	۱۰۰

بااین‌ترتیب مشاهده میکنیم که ٦ ۲شغل اصلی در ده وجود دارد، ولی علاوه بر مشاغل فوق‌الذکر مشاغل دیگری نیز دیده میشود که افرادش محلی نیستند مانند معلم ، بنا ، کارگر گاوداری، نجار ،دستفروش ، خشت‌مال‌وکاسب دوره‌گرد که گاه‌گاهی بده میآیند و کار آنها در ده موقتی و دارای جنبهٔ دائمی نمیباشد.



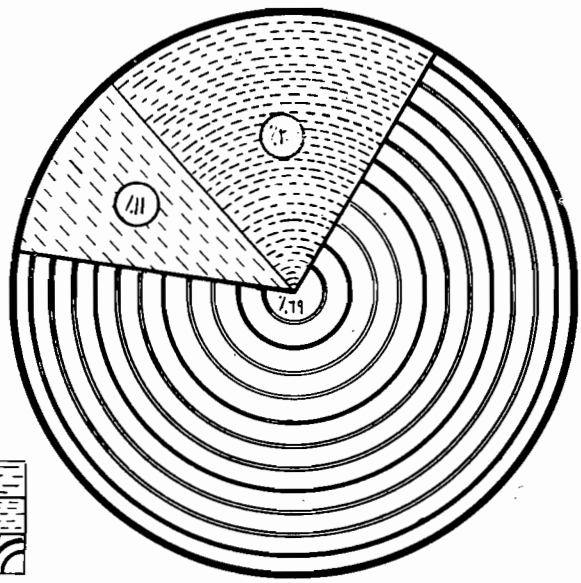
نمودار درصد تعداد شغل در ده طالب‌آباد

پس‌از بیان مشخصات گروههای شغلی ، اکنون بذکر مجموع شغل‌هائی که دراین ده وجود دارد میپردازیم :

۱- آبیاری
۲- آخوندی
۳- اربابی
٤- برزگری

۵- تراکتورداری
۶- (پرورش مرغ وجوجه، مشاغل جنبی زنان منفرد)
۷- چوپانی
۸- حمامی
۹- خانه‌داری
۱۰- دربانی قلعه
۱۱- دم‌آبیاری
۱۲- رانندگی تراکتور
۱۳- سبزیکاری
۱۴- شیرکشی
۱۵- قصابی
۱۶- کارگری روزمزد
۱۷- کارگری کارخانه
۱۸- کارگری مرغداری
۱۹- کارگری موتورآب
۲۰- دکانداری (کاسب)
۲۱- گفش دوزی
۲۲- کناره کاری
۲۳- گاوچرانی
۲۴- مباشری
۲۵- معلمی
۲۶- نجاری
۲۷- نوکری ارباب

البته تقسیم‌بندی فوق بگروهها وقشرها وتیپ‌ها ، در ده طالب‌آباد دارای اساس طبقاتی است ولی میتوان مشاغل را ازنظر اینکه برای خود کار میکنند یا برای ارباب ویا برای هیچ کدام ازآن دو، طبقه‌بندی نموده نمودار زیررا ترسیم نمود .

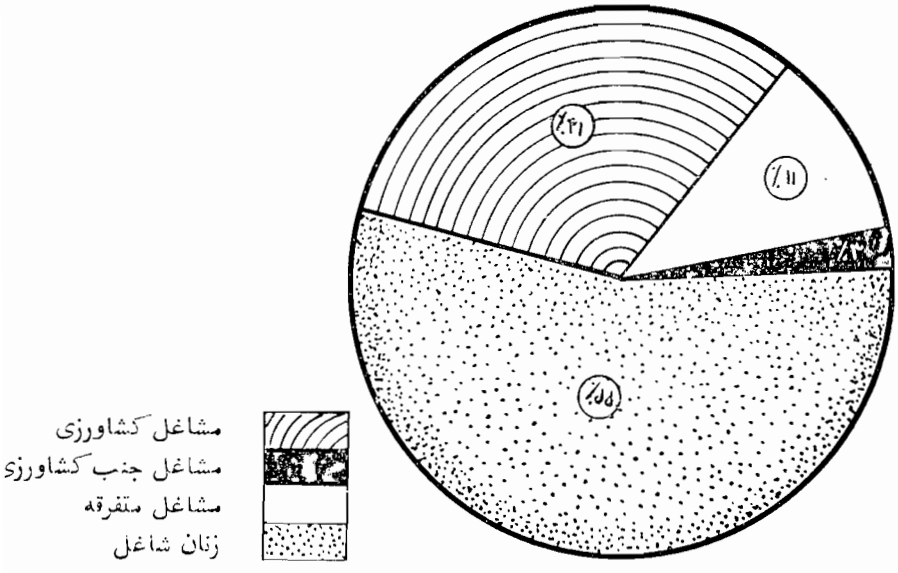


نمودار درصد وضع کارکنان ده طالب‌آباد

بطوریکه مشاهده میگردد ۶۹٪ افراد بطورمستقیم وغیرمستقیم برای ارباب، ده کار میکنند،

عده‌ای که برای خودکار میکنند تنها ۲٪ و مزد بگیران ده فقط ۱۱٪ ازکل کارکنان را تشکیل میدهند.

البته این نکته‌را نباید فراموش کرد که اگر بخواهیم مشاغل افراد از دهسال ببالارا بطور کلی مشخص کنیم افراد یاکشاورزند یا اینکه دارای شغلی در جنب کشاورزی هستند، اگر شغل زنان‌را خانه‌داری بدانیم جز سه شغل مذکور افرادی مشاهده میشوند که دارای مشاغل متفرقه هستند. زنان جز خانه‌داری دارای شغل ثابت دیگری نیستند ولی اغلب فعالیت‌های موقتی دربین آنها دیده میشود و ۵۰٪ ازافراد شاغل را شامل میشوند درصورتیکه کشاورزان ۳۱٪



نمودار درجهٔ وضع زنان شاغل

و مشاغل جنب کشاورزی فقط ۳٪ ازکل افراد شاغل‌را تشکیل میدهد و ۱۱٪ بقیه افراد دارای مشاغل متفرقه میباشند.

حرکات جمعیت

ازدواج

در ده طالب‌آباد ازدواج در سنین بسیار پائین صورت میگیرد زیرا سطح توقعات بسیارکم است، حداقل سن برای ازدواج پسران ۱۶ و حداکثر ۲۰ سال وبرای دختران حداقل ۱۲ وحداکثر ۱۵ سال است زیرا از ۱۰۸ دختر ساکن دراین ده که درخانه پدرخود بسرمیبرند تنها یکنفره ۱ ساله ویکنفر ۱۲ ساله وجود دارد که ازدواج نکرده‌اند و سن بقیه دختران کمترازآن است و درمیان ۱۱۶ پسری که کمتراز

بیست سال دارند وسنشان ازه ۱سال متجاوزاست ۸نفر ازدواج نکرده دیده میشود که دو نفر نیز سنشان از ۲۰هم گذشته است وهنوز متأهل نشده‌اند، سن این دونفر یکی ۲۱ ودیگری ۲۲سال است، علت متأهل‌نشدن آنها بواسطه ازدست دادن پدر وبعهده گرفتن مخارج خانواده بوده‌است که ازنظر مادی دارای شرایط لازم برای ازدواج نبودند.

از ۸۸خانواری که در ده سکونت دارند ۸۰خانوار یعنی بیش‌از ۹۰٪ آنها خانواده زن و شوهری است که بطور متوسط هریک دارای ٤فرزند نیز میباشند و تنها۸خانوار وجود دارند که خانواده زن وشوهری نیستند وبطور انفرادی زندگی میکنند. جدول زیر وضع ساکنین‌را ازجنبهٔ نظر فوق نشان میدهد.

پسر	۱۱٦ نفر
دختر	۱۰۸ »
زن شوهردار	۸۰ »
مرد متأهل	۸۰ »
زن بیوه	۱٤ »
جمع	۳۹۸ نفر

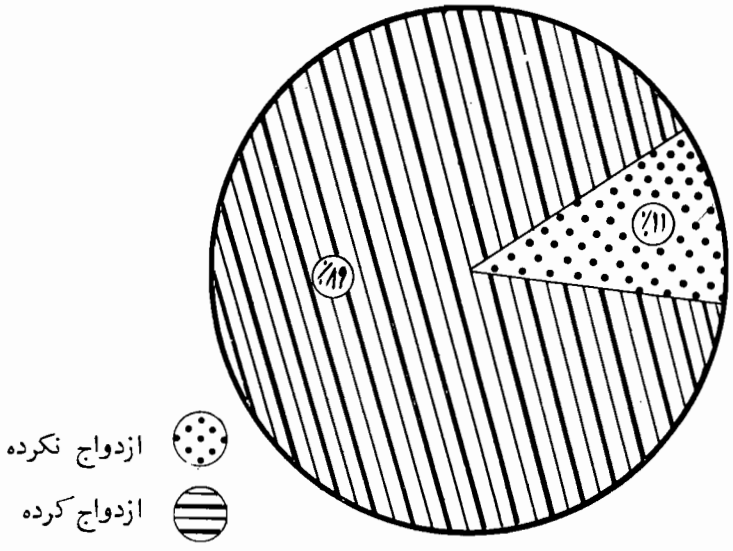
اگر گروههای‌سنی پانزده سال ببالا ئین را ازکل جمعیت ده کسر کنیم وضع ازدواج درگروههای بالاترکه شرایط ازدواج درآنها موجود بوده برحسب جدول زیر بخوبی روشن میشود.

وضع ازدواج برحسب جنس درجمعیت پانزده ساله ببالای ده طالب آباد

جنس	جمع	دارای‌همسر	بدون همسر		ازدواج نکرده
			در اثر فوت	در اثر طلاق	
مرد	۹۰	۸۰	—	—	۱۰
زن	۹۵	۸۰	۱٤	—	۱

بااین‌ترتیب مشاهده میکنیم که نزدیک به ۸۹٪ مردان و بیش‌از ٨٤٪ زنان از پانزده سال ببالا دارای همسرند از۱۱٪ مردانی‌که هنوز ازدواج نکرده‌اند، ۹٪ سنی کمتراز ۲۰ سال دارند و ۲٪ بقیه بواسطهٔ از دست دادن پدر خود تکفل خانواده را بعهده داشته و هنوز قادر به‌ازدواج نبودند.

از ۱۶٪ زنان بدون همسر تعداد دختران ازدواج نکرده به ۱٪ هم نمیرسد وبیش‌از ۱۵٪ بقیه زنان مسنی میباشند که شوهران خودرا ازدست داده‌اند و هیچکدام از آنها کمتراز ۵۰ سال



نمودار درصد تعداد ازدواج بین مردان ده طالب‌آباد که بیش‌از ۱۵ سال دارند

ندارند واکثر خود سرپرست‌خانواده هستند وبواسطه ازدیاد سن ازازدواج مجدد خودداری‌نموده و یا مردی بسراغ آنها نرفته‌است.

طلاق

طلاق‌دادن‌درده طالب‌آبادبسیار بندرت مشاهده میشود وطبق اظهاراهالی در ۹سال متوالی یعنی ازسال ۱۳۳۲ تاکنون سه طلاق داده شده است و درسه‌سال اخیر اصولاً طلاقی در ده صورت نگرفته است، علت عدم‌طلاق دراین‌است که زنان‌هم چون مردان بکارهای‌مختلف میپردازند، علاوه برخانه‌داری تهیه سوخت از فضولات چهارپایان،نان‌پزی، خوشه چینی، سرکردن چغندر، دوشیدن گوسفند، پرورش‌مرغ و جوجه درمنزل بعهدهٔ آنهااست و درواقع قسمتی اززندگی‌اقتصادی‌را عملاً بدون کمک شوهر اداره میکنند از اینرو مردان درده بدون داشتن چنین زنانی نمیتوانند زندگی کنند و چون سطح توقعات درمقابل اینهمه کار بسیار پائین است اختلاف مادی دربین آنها بوجود نمیآید که‌منجر به‌طلاق گردد.

بهمان نسبت که طلاق بندرت انجام میگیرد درمقابل ازدواج بسهولت قابل اجرا است. پس‌ازازدواج انتخاب‌محل سکونت با مرداست وعموماًمحل جدید زندگی جائی است که شوهر قبل‌ازازدواج در آنجا ساکن بوده است ازاینرو دختران پس‌ازازدواج محل سکونتشان تغییر

می‌یابد مگراینکه زوجین در هنگام ازدواج ساکن یک ده باشند تا بتوانند زندگی جدیدخودرا درهمان ده ادامه دهند.

برای صحت این مورد جدولی ازتعداد ازدواج‌هائی که در سالهای اخیر در ده طالب آباد صورت گرفته است تهیه ومحل سکونت پس از ازدواج نیز مشخص شده‌است.

تعداد ازدواج ومحل سکونت جدید زوجین ده طالب آباد درسالهای اخیر

سالهای ازدواج	تعداد ازدواج			سکونت پس از ازواج		
	پسر	دختر	جمع	طالب آباد	نقاط دیگر	جمع
۱۳۳۵	۳	۳	۶	۳	شمس آباد، قلعه‌نو، فیروز آباد	۳
۱۳۳۶	۲	۱	۳	۲	شهر ری	۱
۱۳۳۷	۲	۱	۳	۱	قلعه نو ، فیروز آباد	۲
۱۳۳۸	—	۲	۲	۱	قاسم آباد	۱
۱۳۳۹	۲	۳	۵	۳	تهران ، شمس آباد	۲
۱۳۴۰	—	۱	۱	—	شهر ری	۱
۱۳۴۱	—	۲	۲	۱	ورامین	۱
جمع	۹	۱۳	۲۲	۱۱	هفت محل مختلف	۱۱

بطوریکه درجدول فوق متذکر شده‌است ازسال ۱۳۳۵ تاسال ۱۳۴۱ جمعاً ۲۲ ازدواج در ده طالب‌آباد صورت گرفته است که ۹ ازدواج آن متعلق به پسران و ۱۳ ازدواج بقیه متعلق بدختران بوده‌است.

از پسران حدود ۴۰٪ پس از ازدواج در طالب‌آباد باقیمانده‌اند درصورتیکه این رقم برای دختران برعکس است یعنی دختران پس از ازدواج تنها حدود ۲۳٪ در ده باقی مانده‌اند و ۷۷٪ بقیه زندگی زناشوئی خودرا در دهات همسایه واطراف نزدیک آغاز نموده‌اند که فاصله دورترین آنها از ده بیش از حدود ۲۰ کیلومتر نیست.

تغییر محل سکونی پس از ازدواج برای دختران معمولاً عادی است و آن عده هم که پس از ازدواج در زادگاه خود باقیمانده‌اند بدان علت است که همسرانشان نیز درآن ده ساکن بوده‌اند

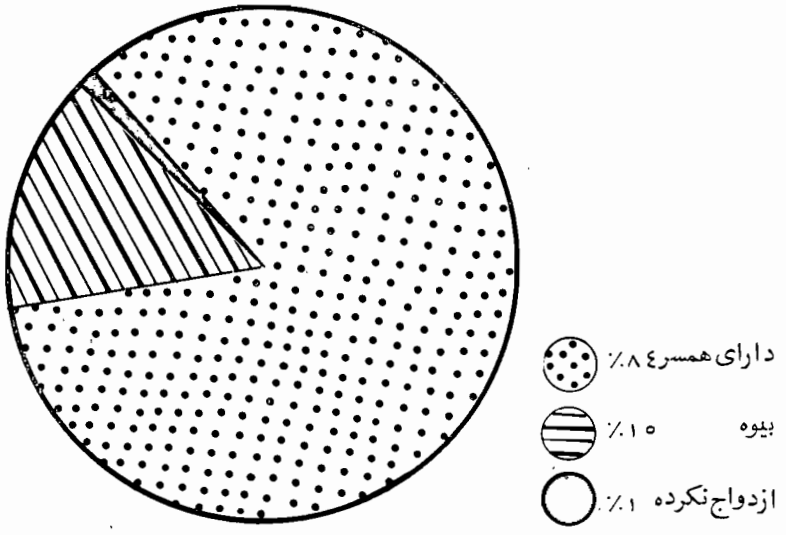
ولی ۱۰٪ ازمردانی که پس از ازدواج از ده خارج‌شده‌اند فقط بخاطر یافتن شغل بهتری درمحل دیگر بوده‌است نه‌بخاطر مقیم شدن در محل‌مسکونی همسر خود.

تعداد ازدواج

اگر تعدد ازدواج‌را در ده طالب‌آباد مورد مطالعه قرار دهیم باین نتیجه میرسیم که از ۸۸ خانوار موجود، دربین ۷۱ خانوار ازدواج بصورت تک همسری بوده‌است، دو خانوار نیز مشاهده شدند که‌بواسطه ازدست دادن رئیس‌خانوار وتقبل‌مخارج‌خانواده قادر به‌ازدواج نشده‌بودند، ۱۵ نفربقیه‌رئوسای خانوار بیش‌از یک همسر گرفته‌اند، گرفتن بیش‌از یک همسر بدان علت بوده است که ۱۰ نفر آنها بواسطه فوت، ۳ نفر براثر طلاق مجبور بگرفتن همسر دوم شده‌اند، از دو نفر باقیمانده یکنفر براثر فوت متوالی سه‌زن ودیگری‌چهار زن گرفته‌است زیرا بجزاین دونفر آخری که وضعی شبیه یکدیگر را دارا هستند، هردو بقال واز حاجی‌های ده مذکور میباشند شرایط زن‌گرفتن برای‌دیگران بدین سهولت میسر نبوده‌است.

عده تمام مردانی که سن آنها از ۱۵ سال بیشتر وشرایط ازدواج در آنها جمع‌است به ۹۰ نفر میرسد، ازاین عده ۸۹٪ آنها دارای همسر وتنها ۱۱٪ بقیه هنوز ازدواج نکرده‌اند.

درهنگام آمارگیری ازبین کلیه زنانی که ساکن ده بودند ۹۴ نفر ازدواج کرده بودند ولی ۱۴ نفر آنها بواسطه‌فوت همسرانشان‌بطور بیوه‌زندگی‌میکردند و ۸۰ نفر بقیه‌آنهادارای شوهربودند و تنها یکنفر ازدواج نکرده مشاهده شد یعنی از ۹۹٪ ازدواج کرده‌ها ۸۴٪ آنها دارای همسر، ۱۵٪ بیوه وتنها ۱٪ ازدواج نکرده دربین زنان مشاهده گردید.



نمودار درصد زنان دارای همسر، ازدواج نکرده وبدون همسر ده طالب‌آباد

وضع تعدد ازدواج تا آنجا که برای نگارنده امکان داشت مورد بررسی قرار گرفت ولی این نکته نیز قابل توجه بود که هریک از رؤسای خانوارها و همسرانشان در کجا متولد و در چه‌محلی با یکدیگر ازدواج نموده‌اند یعنی ازنظر محل‌سکونت قبل وبعداز ازدواج دارای چه وضعی بوده‌اند ، بنابراین مشخصات لازم دراین مورد جمع‌آوری و در جدول ذیل نگاشته میگردد .

محل تولد وازدواج همسران ورئوسای خانوارهای ساکن ده طالب‌آباد

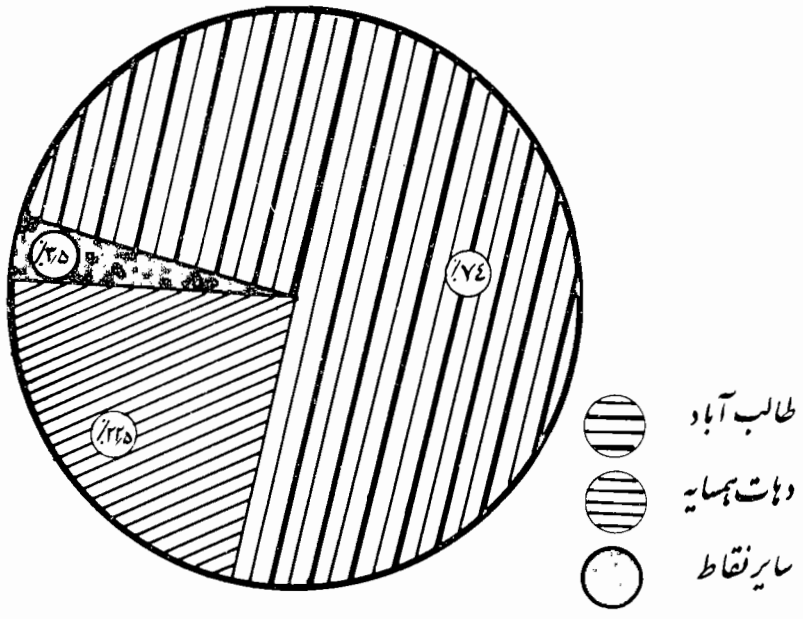
تعدادازدواج	محل‌تولدمرد	محل‌تولدزن	محل‌ازدواج
۲۳	طالب‌آباد	طالب‌آباد	طالب‌آباد
۱	«	شمس‌آباد	«
۱	«	چاله‌طرخان	«
٦	«	قلعه نو	«
٥	«	فیروزآباد	«
۲	«	تهران	«
۱	«	خوانسار	«
۱	«	قلعه نو	قلعه نو
۱	لرستان	طالب‌آباد	طالب‌آباد
۱	کوهپایه	«	«
۲	اصفهان	«	«
۱	شمس‌آباد	«	«
۲	پردیز	«	«
۲	دماوند	«	«
۲	قمی‌آباد	«	«
۲	شیراز	«	«
۱	قرچک	تهران	«
۱	ورامین	فیروزآباد	«
۱	«	قلعه نو	«
۱	دماوند	شمس‌آباد	«

تعدادازدواج	محل‌تولدمرد	محل‌تولدزن	محل‌ازدواج
۲	قمی‌آباد	قمی‌آباد	طالب‌آباد
۱	قاسم‌آباد	ورامین	«
۱	قمی‌آباد	قمی‌آباد	قمی‌آباد
۱	علی‌آباد	علی‌آباد	علی‌آباد
۱	خوانسار	خوانسار	خوانسار
۲	ورامین	ورامین	ورامین
۱	کاشان	کاشان	کاشان
۱	چاله‌طرخان	چاله طرخان	چاله‌طرخان
۱	علی‌آباد	تهران	تهران
۱	قاسم‌آباد	ورامین	قاسم‌آباد
۲	کریم‌آباد	کریم‌آباد	کریم‌آباد
۱	پردیس	ورامین	پردیس
۱	«	قرچک	«
۱	ورامین	شمس‌آباد	ورامین
۱	مشهد	قم	مشهد
۲	قمی‌آباد	چاله طرخان	چاله طرخان
۱	تهران	«	تهران
۱	کاشان	ورامین	ورامین
۱	قمی‌آباد	اسماعیل‌آباد	قمی‌آباد

جمع ۸۰ ازدواج

از ۸۰ خانوار مزدوج ساکن ده طالب‌آباد ۲۹٪ یعنی ۲۳ نفر از رئوسای خانوارها تولد خود وهمسرشان در ده طالب‌آباد بوده‌است یعنی از بومیان اصیل ده بشمار میروند وازدواج آنها نیز دراین ده صورت گرفته‌است. اگرآنهائی که خود یاهمسرشان اهل ده بوده ویا اگرهیچ کدام اهل ده نبوده وبراثر مقیم شدن تنها ازدواجشان دراین ده صورت گرفته باشد محاسبه کنیم به‌رقم ۷۰٪ میرسیم زیرا فقط ۲۰٪ ازافراد متأهل ده باقی میمانندکه محل تولد خود وهمسر و محل ازدواجشان درنقطه‌ای غیراز طالب‌آباد صورت گرفته‌است.

اگر محل ازدواج رامبلاك سنجش بومیان ده طالب‌آباد بحساب آوریم ۷۴٪ یا ۹۰ نفرمحل ازدواجشان در ده طالب‌آباد بوده‌است و ۲۲/۵ یا ۱۸ نفر محل ازدواجشان در دهات همسایه‌بوده است و تنها ۳/۵٪ یاسه نفر باقیمانده محل ازدواجشان درشهرستانها بوده است ، نمودار زیر این پراکندگی را بخوبی مشخص مینماید.



نمودار درصد اماکنی که ازدواج های رئوسای خانوارهای ساکن ده طالب‌آباد در آنجا صورت گرفته است.

مهاجرت

درمورد بیان مهاجرت معمولاً آنرا بچند طریق تقسیم‌بندی میکنند. یکی از تقسیم‌بندیهای مهاجرت بدین‌شکل است که مهاجرت را به :

مهاجرت دائمی ، مهاجرت موقتی و مهاجرت فصلی تقسیم مینمایند و هریک از این

تقسیم‌بندیها ممکن است مهاجرت از ده به‌شهر و یا ازشهر به‌ده باشد که اینک بشرح جداگانه هریک ازانواع آن میپردازیم :

مهاجرت دائمی

مهاجرت دائمی در ده طالب آباد بدانصورت که خانواده‌ای از ده کوچ نماید وبرای همیشه از ده برود بسیار بندرت مشاهده میشود ولی‌بصورت مهاجرت ازدواج(زیرادختران پس‌از ازدواج از ده رفته ودرمحل‌مسکونی شوهران خود ساکن میشوند) امری‌است‌طبیعی که‌مشخصات‌آن درجدول تعداد ازدواج ومحل سکونت جدید زوجین ده طالب‌آباد در سالهای اخیر نگاشته گردیده‌است، اینگونه مهاجرت‌ها را میتوان‌مهاجرت دائمی‌ده به‌شهر ویاده به‌نقاط دیگر نام گذاری کرد ولی‌درمقابل یکنوع مهاجرت دائمی برعکس‌مهاجرت فوق مشاهده میشود یعنی مهاجرت دائمی از نقاط دیگر بده طالب‌آباد ، اینگونه مهاجرت‌ها نیز بصورت ازدواج ممکن است صورت گیرد یعنی زن درصورتیکه همسرش ساکن ده‌باشدزادگاه‌خودراترك کرده وزندگی جدید خودرادرمحل‌مسکونی‌شوهرش‌آغاز مینماید ولی بزرگترین مهاجرت ، مهاجرتی است که خانوارهائی ازنقاط مختلف بدین ده آمده وسکونت دائمی اختیارکرده‌اند. آمار زیرتعداد مهاجرت خانوارها وتعداد نفرات ومحل‌سکونت اولیه‌آنها را نشان میدهد.

جدول تعداد خانوارهائی که ازنقاط دیگر به‌طالب‌آباد مهاجرت کرده‌اند

سال	تعدادخانوار	تعدادنفرات	محل سکونت اولیه
۱۳۳۶	۱	۶	ورامین
۱۳۳۷	۳	۱۳	تهران . کاشان . علی‌آباد .
۱۳۳۸	۸	۳۱	تهران . مشهد . ورامین . فیروزآباد . کریم‌آباد . قمی‌آباد . پردیس
۱۳۳۹	۲	۸	ورامین . کریم‌آباد
۱۳۴۰	—	—	—
۱۳۴۱	۱	۲	فیروزآباد
جمع	۱۵	۶۰	۹ محل مختلف

جدول فوق‌آشکارکننده این نکته‌است که اکثریت‌مهاجرت‌هائی که بسوی‌طالب‌آباد انجام گرفته متعلق بدهات نزدیک و اطراف بوده است یعنی ۸۶٪ مهاجرت ها از نقاط مسکونی بین

تهران تا ورامین بسوی این ده صورت گرفته‌است وتنها ۱٤٪ بقیه‌متعلق بنقاط دیگر بوده‌اند.

مهاجرت موقتی

مهاجرت موقتی بصورت نقل مکان موقت کمتر در ده طالب‌آباد دیده‌میشود چه اولاً خانواده‌ها گنجایش پذیرش افراد دیگری‌را درخود ندارند، ثانیاً مکان اضافی در ده موجود نیست تا کسانی موقتاً در آن ساکن شوند ولی آنچه که میتوان بدان مهاجرت موقتی نامید ورود وخروج شاگردان تراکتوردار است که گاهی چند روزی در طالب‌آباد بسر میبرند و گاهی روزهای متمادی بدنبال تراکتور درخارج از ده بسر میبرند ودوباره بدنبال تراکتور بده بازمیگردند.

مهاجرت فصلی

آنچه بیش‌ازدومهاجرت دیگر دراین ده قابل اهمیت است مهاجرت فصلی است یعنی هنگام برداشت محصول که در خردادماه انجام میگیرد عده زیادی بده آمده و بدون جا ومکان درهوای آزاد درگوشه‌وکنار ده ساکن میشوند. تعداد این‌عده درخردادماه گاهی‌ازیکصد نفرهم تجاوز میکند، مهاجرینی که از اواخر فروردین‌ماه ورودشان بده آغاز میگردد تا اواخر خرداد مرتب برتعدادشان افزوده میگردد ولی از تیرماه ببعد از تعداد آنها بمرور کاسته شده تا در شهریورماه تقریباً به صفر میرسد، این عده بیشتر ازخراسان جنوبی (بخصوص بیرجند) وهمدان ودهات اصفهان بده طالب‌آبادمیآیندوخوداز کشاورزان مناطق فوق میباشند که پس‌از اتمام وجین و دروگری در این نواحی بمحل خود بازمیگردند.

درسالهائی که در ده گاوداری میشود یعنی به‌نگهداری گاو و استفاده از شیر آن اهتمام میورزند، عده‌ای شاگرد گاودار بهمراه گاوها نیز بده میآیند وچون مدت شش‌ماه اول سال گاوها در ده میمانند وپس‌ازآن به‌حدود شهر برده میشوند شاگردان گاودارهاهم بدنبال گاوان به‌جای تازه میروند یعنی مهاجرت فصلی آنها پایان می‌پذیرد.

ولادت

راجع به‌ولادت ومرگ در ده طالب‌آباد در دیماه ۱۳٤۱ تحقیقاتی ازطرف نگارنده بعمل آمد و تا آنجاکه ممکن بود وضع نوزادان وهم‌چنین محل تولد کلیه ساکنین‌را مشخص نمود که ازنظر اهمیت موضوع ابتدا وضع نوزادان‌را مورد مطالعه قرار میدهیم.

---

۱ – درفصل گروهها وقشرها وهمچنین درقسمت ساختمان جمعیت نیز از این گروهها یاد شده‌است.

وضع تولد نوزادان ده طالب‌آباد درسالهای اخیر

سال	نوزاد پسر	نوزاد دختر	جمع
۱۳۳۵	۵	۸	۱۳
۱۳۳۶	۶	۱۲	۱۸
۱۳۳۷	۱۶	۹	۲۵
۱۳۳۸	۱۴	۸	۲۲
۱۳۳۹	۱۳	۱۰	۲۳
۱۳۴۰	۱۶	۱۳	۲۹
جمع	۷۰	۶۰	۱۳۰

بانگاهی **بجدول فوق** مشاهده میشود که تعداد متولدین پسر به دختر فزونی دارد زیرا حدود ۵۴٪ متولدین پسر و ۴۶٪ بقیه دختر بوده‌اند ولی ارقام کل جمعیت ده چه‌درسال ۱۳۳۵ و چه‌درسال ۱۳۴۰ مبین این نکته‌است که تعداد زنان نسبت‌بمردان‌فزونی‌دارند واین خودمیرساند که بطور متوسط زنان دراین ده بیش‌ازمردان عمرنموده ومردان زودتر فرسوده شده ومیمیرند.

بادرنظر گرفتن تعداد نوزادان درشش‌سال‌متوالی باین نتیجه‌میرسیم که سالیانه بطورمتوسط ۲۲نوزاد دراین ده متولد شده‌اند و اگر این رقم‌را نسبت به کل جمعیت درسال بحساب آوریم‌در درقبال هریکصد نفر ۵ره نفر ازدیاد جمعیت وجود داشته‌است یعنی‌ازهر بیست خانواری ۵تا۶ خانوار آن دارای نوزاد بوده‌اند.

***

و اما راجع به‌محل تولد رئوسای خانوارها وهمسران ایشان:

اگرچه افرادی که درحال حاضر در ده طالب‌آباد سکونت دارند خود را بومی شده محل میدانند ولی دراصل بومی نیستند وتعدادقابل توجهی ازآنها درنقاط دیگر متولد شده وسالهای بعد باین ده آمده‌اند، برای روشن شدن محل تولد این‌افراد نگارنده جدولی تهیه نموده‌است که محل تولد کلیه رئوسای‌خانوارها درآن بترتیب زیر نگاشته شده‌است.

محل تولد رئیس خانوارهای ده طالب‌آباد

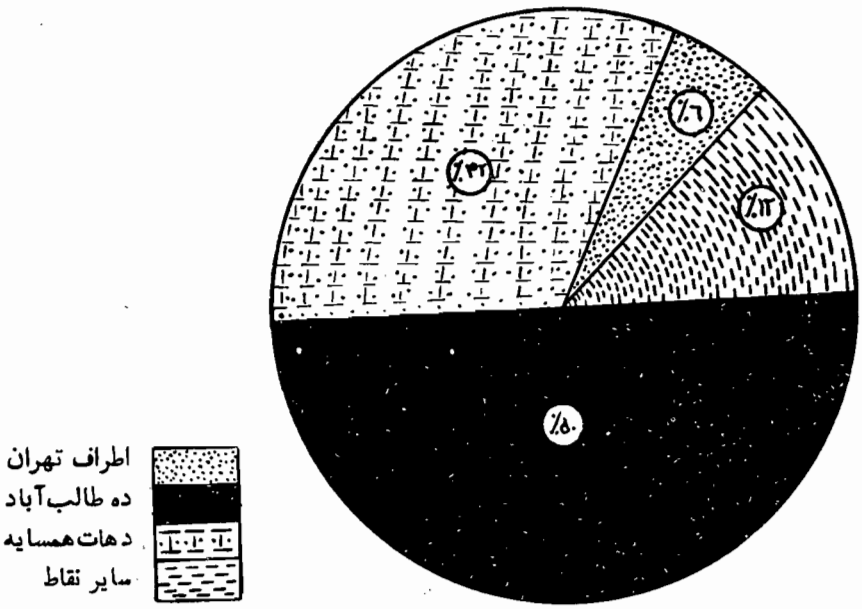
محل تولد	تعداد خانوار	محل تولد	تعداد خانوار
طالب‌آباد	٤٣	اصفهان	٣
دهات همسایه	١٧	شیراز	٢
ورامین	١١	سبزوار	١
تهران	١	لرستان	١
دماوند	٥	خوانسار	١
کاشان	٢	مشهد	١
جمع	٨٨		

منظور ازدهات همسایه دهات نزدیک بده طالب آباد است که اسامی آنها بترتیب زیر نگاشته میگردد :

قمی‌آباد	٨	خانوار
فیروزآباد	٢	«
علی‌آباد	٢	«
کریم‌آباد	٢	«
شمس‌آباد	١	«
قاسم‌آباد	١	«
چاله طرخان	١	«
جمع	١٧	خانوار
ورامین	١١	«
جمع دهات همسایه	٢٨	خانوار

از یازده خانوار ورامین‌نهز ٤ خانوار متعلق به‌پردیس، یک خانوار متعلق به‌قرچک و ٦ خانوار بقیه متعلق بشهر ورامین بوده‌اند که نتیجهٔ کلی این‌جدول جهت تعیین محل اولیهٔ تولد رئوسای خانوار بصورت زیرخلاصه میشود :

ده طالب‌آباد	۴۳ خانوار	٪۵۰
دهات همسایه	۲۸ »	٪۳۲
اطراف تهران	۶ »	٪ ۶
سایر نقاط	۱۱ »	٪۱۲
جمع	۸۸ خانوار	٪۱۰۰



نمودار درصد محل تولد اولیهٔ رئوسای خانوار ده طالب‌آباد

هم‌چنین جدولی جهت محل تولد همسران رئوسای خانوار نیز تهیه شده که در زیر نگاشته میگردد .

محل تولد همسران رئوسای خانوارهای ده طالب‌آباد

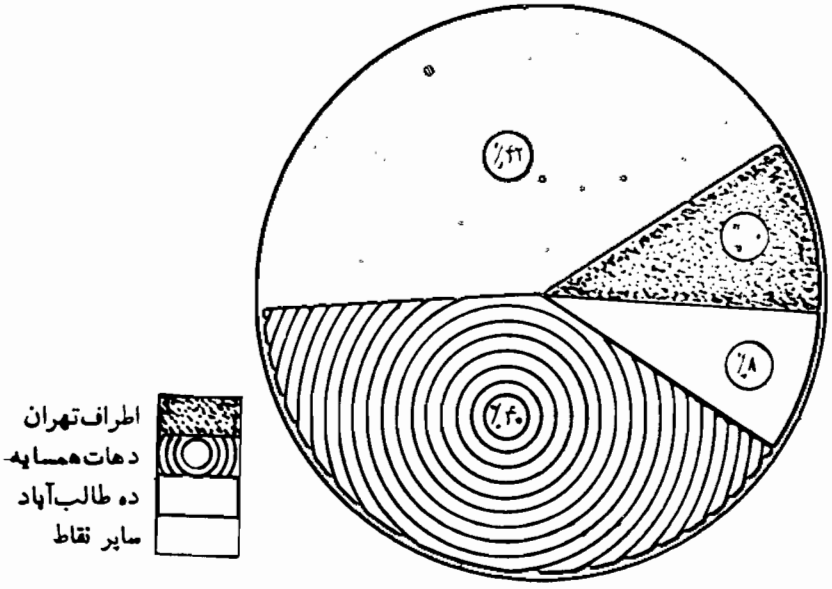
محل تولد	تعداد	محل تولد	تعداد
طالب آباد	۳۷	خوانسار	۲
دهات همسایه	۳۳	اصفهان	۲
ورامین	۸	کاشان	۱
تهران	۳	قم	۱
		کوهپایه	۱
جمع	۸۸		

دهات همسایه‌ای که یکجا از آنها نام برده شده عبارتنداز :

قلعه نو	۹	قمی‌آباد	۲
فیروزآباد	۹	باقرآباد	۱
چاله طرخان	۵	اسماعیل آباد	۱
شمس آباد	۳	علی‌آباد	۱
کریم‌آباد	۰		
جمع			۳۳

اگرچه قرچک و پردیس از دهات ورامین بشمار میروند ولی درواقع همسایه نزدیک طالب‌آباد میباشند و درواقع تعداد افراد دهات همسایه را بایستی ۵۰ نفر بحساب آورد و با این حساب نتیجهٔ کلی آن چنین میشود :

ده طالب‌آباد	۳۷ نفر	٪۴۲
دهات همسایه	۳۵ »	٪۴۰
اطراف تهران	۹ »	٪۱۰
سایر نقاط	۷ »	٪ ۸
جمع	۸۸	٪۱۰۰



نمودار درصد محل تولد همسران زنوسای خانوار ده طالب‌آباد

دربالا محل ولادت رئوسای خانوار وهمسران آنها یادآور شد ولی جهت نتیجه گیری بمقایسه آن دو درجدول زیر میپردازیم :

درصد محل تولد رئوسای خانوار وهمسران آنها که در ده طالب‌آباد ساکن میباشند

محل تولد	مرد (رئیس خانوار)	زن (همسر رئیس خانوار)
ده طالب‌آباد	٪۵۰	٪۴۲
دهات همسایه	٪۳۲	٪۴۰
اطرف تهران	٪ ۶	٪۱۰
سایر نقاط	٪۱۲	٪ ۸
جمع	٪۱۰۰	٪۱۰۰

طبق ارقام جدول فوق ۵۰٪ رئوسای خانوار و ۴۲٪ همسرانشان متولد شده طالب‌آباد و بومی آنجا میباشند، نسبت مردان بومی بزنان بومی ۸٪ فزونی دارد ولی درمورد متولدین دهات همسایه وضع بدینگونه نیست زیرا در برابر ۳۲٪ رئوسای خانوار ۴٪ همسرانشان در دهات همسایه و نزدیک متولد شده‌اند و در نتیجه زنان متولد در دهات همسایه ۸٪ نسبت بمردان فزونی دارند یعنی میتوان گفت ۸٪ مردان بومی ده طالب‌آباد همسران خودرا ازدهات همسایه انتخاب کرده‌اند.

۶٪ رئوسا و ۱۰٪ همسرانشان ازمتولدین اطراف تهران و ۱۲٪ رئوسا و ۸٪ همسرانشان ازمتولدین سایر نقاط میباشند، بنابراین مردانی که ازسایر نقاط به‌طالب‌آباد آمده‌اند ۴٪ نسبت بزنان فزونی دارند واین خود میرساند که مردان منفرد ومجرد بده آمده‌اند و اگر در نظر داشته باشیم که زنان متولد اطراف تهران ۴٪ بمردان فزونی دارند میتوان اظهار نظر کرد که مردان سایر نقاط همسران خودرا دراطراف تهران انتخاب نموده وسپس دراین ده ساکن شده‌اند.

مرگ و میر

راجع به‌مرگ ومیر در ده طالب‌آباد طبق اطلاعاتی که جمع‌آوری شده از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۴۰ ارقام زیربدست آمده است :

جدول مرگ ومیرسالهای اخیرده طالب آباد

سال	مرد فوت شده	زن فوت شده	جمع
۱۳۳۵	۱	۲	۳
۱۳۳۶	—	۲	۲
۱۳۳۷	۲	۲	٤
۱۳۳۸	۲	—	۲
۱۳۳۹	۳	٦	۹
۱۳٤۰	۷	۱	۸
جمع	۱۵	۱۳	۲۸

طبق ارقام جدول فوق درسالهای اخیر مردان فوت شده نسبت بزنان فوت شده ٦٪ فزونی دارند زیرا عده کل فوت شده‌ها ٥٣٪ برای مردان و٤٧٪ برای زنان میباشد واین خود میرساند که‌ازنظرکل جمعیت در ده طالب‌آباد مرگ‌مردان‌نسبت‌بزنان فزونی‌دارد وآن‌هم ناشی‌ازپرکاری‌زیادتر و فرسودگی مردان است که در نتیجه عمر مردان نسبت بزنان کمتر و مرگ ومیر در بین آنها بیشتر است.

بطوریکه ارقام فوق نشان میدهد تعداد فوت شدگان ۱/۲ نفر برای هریکصد نفر درسال بوده است ولی با مراجعه به هرم سنی افراد که درسالهای ۱۳۳۵ و ۱۳٤۰ تهیه شده است باین‌نتیجه میرسیم که مرگ ومیر دربین گروههای کمتراز دهسال بسیار زیاد است زیرا افرادی که‌ازگروه‌فوق بگروه سنی بالاتری میرسند تعدادشان تقریباً به $\frac{1}{3}$ میرسد، ازآن‌پس مرگ ومیر در بین آنها تقریباً طبیعی‌است. اگر در صدد تطبیق واقعیت هرم سنی و گفتار آنها برآئیم باین نتیجه میرسیم که زمان برای آنها مفهومی ندارد واگر ازگذشته، ازآنها سئوال شود بجز وقایع مهم اتفاقی قادر بتشخیص سالهای گذشته از هم نیستند چه بسا سالی را دورتر و یا سالی را نزدیک‌تر از آنچه واقعیت دارد یادآور میشوند، بنابراین ارقام هرم سنی با گفتار آنان مطابقت نمیکند

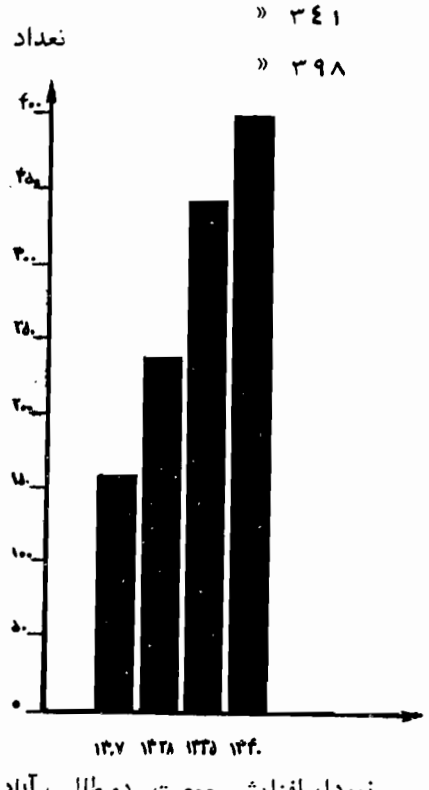
افزایش جمعیت

نخستین اطلاعی که ازجمعیت ده‌طالب‌آباد دردست نگارنده‌است مربوط بسال ۱۳۰۷ شمسی است که درپرونده ممیزی مالیاتی وزارت دارائی ده مذکور منعکس شده است ، اطلاع بعدی راجع به‌جمعیت‌مربوط بسال ۱۳۲۸ شمسی‌است که‌درجلد نخست(استان‌مرکزی)فرهنگ جغرافیائی ایران در ذیل‌لغت طالب‌آباد ذکر گردیده‌است، سومین‌آگاهی از جمعیت ده موردمطالعه مربوط بسرشماری عمومی کشوراست که درسال ۱۳۳۵ صورت گرفته‌است[1] .

آخرین اطلاع جمعیتی ازاین ده مربوط بسال ۱۳٤۰ میباشد که نگارنده خود شخصاً سرشماری نموده است.

بنابر چهار منبع فوق آمار جمعیتی ده طالب‌آباد درسالهای مذکور عبارتنداز :

سال ۱۳۰۷	۱۵۸ نفر
« ۱۳۲۸	« ۲٤۷
« ۱۳۳۵	« ۳٤۱
« ۱۳٤۰	« ۳۹۸



نمودار افزایش جمعیت ده طالب آباد

طبق ارقام‌فوق ازسال ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۸ تعداد ۸۹نفر وازسال ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۵ تعداد ٤۹ نفر وازسال ۱۳۳۵ تا ۱۳٤۰ تعداد ۵۷ نفر ده مذکور افزایش جمعیتی‌داشته‌است یعنی‌درمدت ۲۱ سال اولی بطور متوسط هرسال ٤ نفر و درمدت ۷ سال بعدی سالیانه ۱۳ تا ۱٤ نفر و در طول ۵ سال آخری سالیانه ۱۱ نفر به‌جمعیت ده اضافه شده‌است.

آمار افزایش جمعیتی هرمنطقه بستگی به روشن بودن‌تعدادمتولدین ومتوفیان دارد، متأسفانه آماری از تمامی سالهای مورد نظر ده طالب آباد در دست نیست ولی‌آنچه نگارنده درتحقیقات خود درین‌مورد

۱- تعدادجمعیت ده طالب‌آباد درسال مذکور بتفکیک جنس درمقابل نام‌طالب‌آباد در جلد حوزهٔ سرشماری‌تهران(جلد دوم‌از۱۹ مجلد) ذکر شده‌است ولی نگارنده به‌پرونده خصوصی‌سرشماری‌ده در ادارهٔ آمارعمومی‌دست‌یافته واطلاعات‌لازم‌را استخراج‌نمود.

بدست آورده حاکی از آن است که از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ تعداد متولدین ده مذکور ۱۳۰ و فوت شدگان ۲۸ نفر بوده است یعنی اگرجمعیت ده را در این سالها بسته فرض کنیم دراین مدت ۶ سال ۱۰۲ نفر برتعداد جمعیت ده افزوده شده است که بطور متوسط ۱۷ نفررا درسال شامل میشود یعنی برای هریکصدنفر درسال بطورمتوسط ۲٫۲ نفر فوت شده ولی درمقابل ۵٫۶ نفر نوزاد وجود داشته است که درنتیجه برای هریکصد نفر در مدت یکسال حدود ۳٫۴۳٪ نفر بطور طبیعی افزایش جمعیت وجود داشته است.

جدول افزایش جمعیتی ده طالب‌آباد

مشخصات	۱۳۰۷	۱۳۲۸	۱۳۳۵	۱۳۴۰
تعداد خانوار	—	—	۸۰	۸۸
کل‌جمعیت	۱۵۸	۲۴۷	۳۴۱	۳۹۸
مرد	۸۶	—	۱۶۹	۱۹۶
زن	۷۲	—	۱۷۲	۲۰۲

اگر بخواهیم افزایش‌جمعیت ده را بهنگام دوسرشماری ازلحاظ توزیع سنی درنظر گرفته وباهم مقایسه کنیم نتیجه چنین میشود :

جدول مقایسه توزیع سنی دوسرشماری ده طالب‌آباد

سرشماری سال ۱۳۳۵

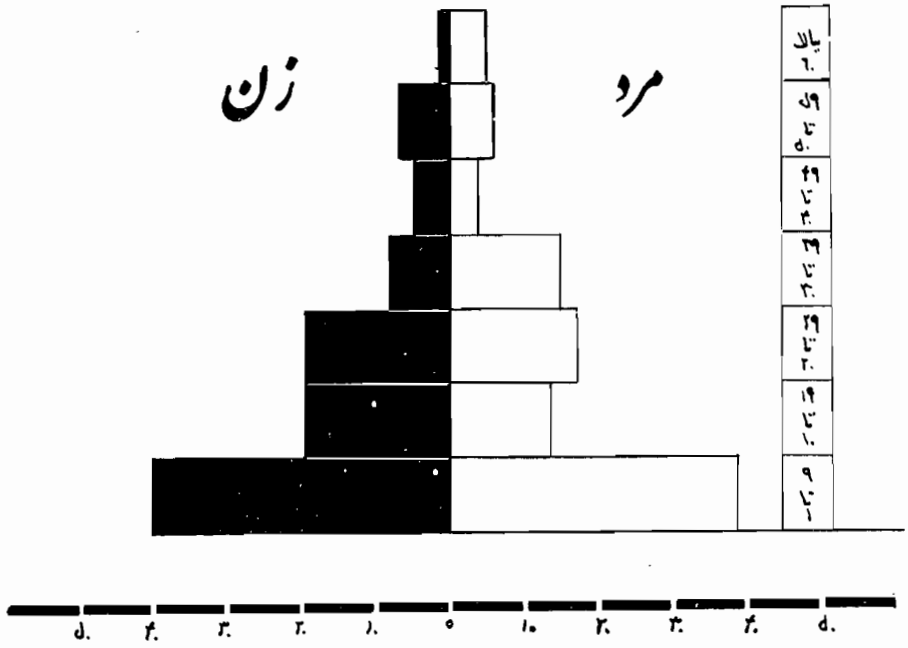
سن‌افراد	مرد	زن	جمع
کمتراز ۱۰ سال	۶۶	۶۹	۱۳۵
۱۹-۱۰	۲۳	۳۴	۵۷
۲۹-۲۰	۲۹	۳۴	۶۳
۳۹-۳۰	۲۵	۱۴	۳۹
۴۹-۴۰	۷	۸	۱۵
۵۹-۵۰	۱۰	۱۱	۲۱
۶۰ ببالا	۹	۲	۱۱
جمع	۱۶۹	۱۷۲	۳۴۱

سرشماری سال ۱۳۴۰

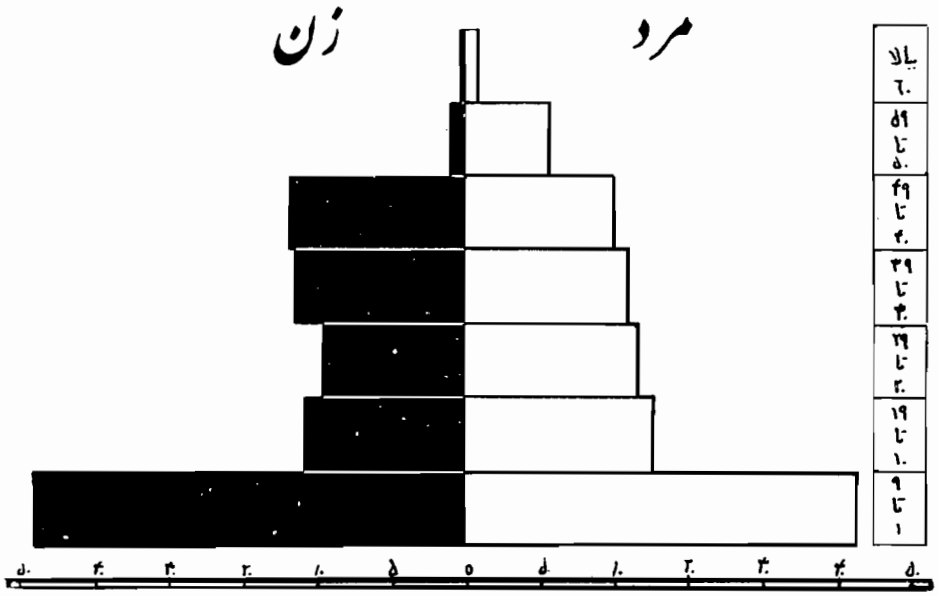
مرد	زن	جمع
۸۳	۹۷	۱۸۰
۲۹	۲۵	۵۴
۲۵	۱۹	۴۴
۲۳	۲۷	۵۰
۲۰	۲۹	۴۹
۱۳	۴	۱۷
۳	۱	۴
۱۹۶	۲۰۲	۳۹۸

۱ـ در آمار جمعیتی مربوط بسال ۱۳۰۷ ده طالب آباد ۸۰ مرد (۲۸ پسر و ۵۸ مرد) و ۷۲ زن (۲۳ دختر و ۴۹ زن) ذکرشده است.

طبق ارقام فوق اگرهرم‌های سنی دوسرشماری مذکوررا رسم کنیم ومقایسه گروههای سنی آنرا محاسبه نمائیم جدول زیر بدست میآید که اختلاف سنی بین گروهها را در دو سرشماری سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۰ مشخص مینماید.



هرم سنی مربوط بسال ۱۳۳۵



هرم سنی مربوط بسال ۱۳۴۰

سن	۱۳۳۵	۱۳۴۰	اختلاف
کمتراز ۱۰ سال	۱۳۵	۱۸۰	+۴۵
۱۰–۱۹	۵۷	۵۴	— ۳
۲۰–۲۹	۶۳	۴۴	— ۱۹
۳۰–۳۹	۳۹	۵۰	+۱۱
۴۰–۴۹	۱۵	۴۹	+۳۴
۵۰–۵۹	۲۱	۱۷	— ۴
۶۰ ببالا	۱۱	۴	— ۷
جمع	۳۴۱	۳۹۸	+۵۷

جدول فوق مبین افزایش جمعیتی گروههای سنی است که تعداد برخی نقصان و بعضی برتعدادشان افزوده شده‌است. بطوریکه مشاهده میشود گروههای ۱۹-۱۰، ۲۹-۲۰، ۵۹-۵۰ و ۶۰ سال ببالا ازتعدادشان کم وبرتعداد بقیه گروهها افزوده شده‌است. درمورددو گروه ۵-۹ ۵ و ۶۰ ببالا میتوان کمبودرا دنبال مرگ دانست ولی در دو گروه ۱۰-۱۹ و ۲۰-۲۹ ساله علت را بایستی درمهاجرت وازدواج جستجوکرد چه زنان هنگام ازدواج به‌محل مسکونی مردان کوچ نموده واغلب زادگاه اولیه‌خودرا ترك مینمایند، ولی افزایش ونقصان افراد گروهها نسبت‌به‌کل جمعیت در دوسال ذکرشده بطورکلی چنانچه مشاهده میشود فزونی داشته‌است.

فصل چهارم

ترکیب جامعه: گروهها و قشرها

هنگام مطالعهٔ موقعیت های مختلف اجتماعی ده طالب آباد جهت تعیین گروهها وقشرها قبل از هرچیز، مسئله ارباب ورعیتی جلب توجه میکند که خود این دو گروه دو قطب مخالف یکدیگررا تشکیل میدهند.

رعیت برای ارباب مفهومی و ارباب برای رعیت مفهوم دیگری دارد، از دیدگاه ارباب همه ساکنین ده رعیت وفرمانبر محسوب میگردند وارباب خودرافرمانروای همه آنها میداند ولی رعیت ها ودیگر ده نشینان عکس این قضیه را معتقدند.

بطور کلی درتمام دهات کشور دو گروه متضاد وجود دارد و هیچ یک از ده نشینان خارج ازاین دو گروه جای ندارند که باز هریک ازاین گروهها به قشرهای دیگری تجزیه میگردند.

این گروهها و قشرها در ده طالب آباد هم وجود دارد ولی از نظر اهالی وآنچه نگارنده تشخیص داده است میتوان سه گروه مجزا از یکدیگر در این نواحی تشخیص داد که این گروهها عبارتنداز:

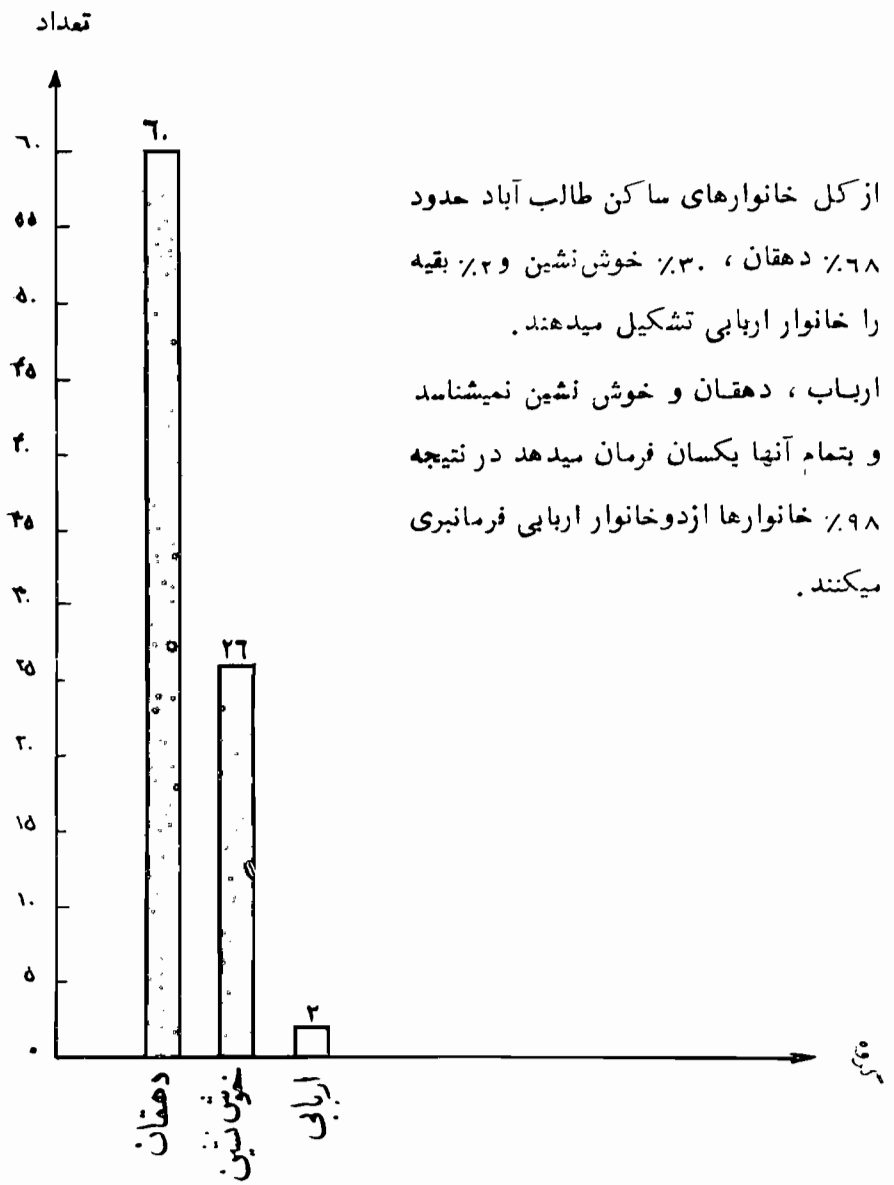
۱- ارباب [۱]　　۲- رعیت [۲]　　۳- خوش نشین [۳]

که بشرح جداگانه هریک میپردازیم:

۱- گروه ارباب دراین نواحی شامل قشرهای مالک، ارباب، گاوبند، کدخدا ومباشر میگردد.

۲- گروه رعیت نیز قشرهای آبیار، دم آبیار، برزگر، کناره کار وسبزیکار را شامل میشود.

۳- گروه خوش نشین یعنی صاحبان مشاغل مختلف در ده که بارعیتی سروکار ندارند.



نمودار طبقاتی ساکنین ده طالب‌آباد

از کل خانوارهای ساکن طالب آباد حدود ۶۸٪ دهقان ، ۳۰٪ خوش‌نشین و ۲٪ بقیه را خانوار اربابی تشکیل میدهند.

ارباب ، دهقان و خوش نشین نمیشناسد و بتمام آنها یکسان فرمان میدهد در نتیجه ۹۸٪ خانوارها ازدوخانوار اربابی فرمانبری میکنند.

۱ـ ارباب

ازنظر ساکنین روستا، ارباب کسی‌است که یک یاچند نفر برای او کارکنند و در مقابل، اجرت نقدی ویا جنسی دریافت دارند. دراینصورت صاحب کار ازطرف یک یاچند نفرکارکنان مربوط ، ارباب خطاب میگردد. ارباب ممکن‌است مالک ، اجاره‌دار ویا دامدار باشد و باز اگر اهالی ده ازمالک، اجاره‌دار و یا دامدار بودن شخصی آگاه باشند در صحبت‌های حضوری او را ارباب خطاب میکنند.

اگر در دهی خرده مالکی باشد ومالک درقطعه زمین خود، شخصاًبکشت و زرع بپردازد دهقانان و مزدوران زمین مزروعی او، وی‌را ارباب خطاب میکنند واگراین‌قطعه زمین به اجاره داده شود اجاره‌دارنیزارباب شناخته میگردد،دراینصورت افکار واندیشه‌های دهقانان‌ومزدوران در بارهٔ چنین شخصی همانند افکار و اندیشهٔ آنها دربارهٔ مالک بزرگ است.

علاوه برمالک واجاره‌دار که وضع‌مشابهی درنظر دهقانان دارند دامداران هم موردتنفر، آنها هستند زیراکسی که درحدود یکصد دام داشته باشد اگر مالک ویا اجاره‌دار نباشد مسلماً ازسرمایه‌داران روستا است ومورد تنفر همهٔ دهقانان قرار میگیرد و دهقانان خسارات‌احتمالی‌را درموقع مقتضی براموال وی وارد میسازند.

برخلاف غالب دهات ، در ده طالب‌آباد گاوبند و سلف‌خر وجود ندارد زیراگاوبندی در انحصار خود ارباب ده است که خود مالک قسمتی از ده و اجاره دار بقیه ده نیز میباشد . تنها سلف‌خر ده بقالی است که گاهی محصول دهقانان‌را بسلف میخرد ، البته دهقانان بصورت ظاهر احترامی برای این گروه‌قائل‌اند اگرچه بظاهر کاملا اظهار رضایت مینمایند ولی درباطن‌افکاری مخالف آنها دارند. اما راجع به‌ارباب ده طالب آباد :

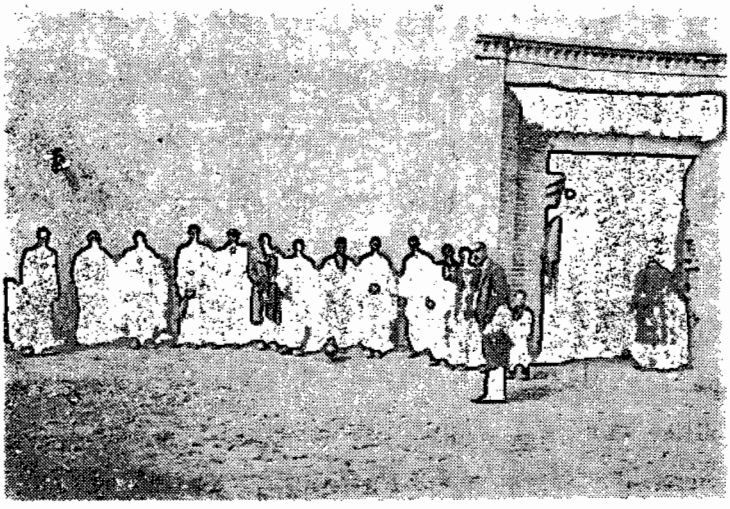
ارباب ده طالب آباد

درسال‌مزروعی ۱۳٤۰-٤۱ ده طالب‌آبادبه‌اجاره آقای عبدالله‌فلاح درآمد، آقای‌فلاح در ده به«خان» شهرت دارد واز افرادعلاقمندبه کشاورزی‌است وتمام درآمد خود را صرف آبادانی ده میکند و تا آنجاکه وضع مادیش اجازه دهد وسایل‌جدید کشاورزی‌را بده میآورد وی به‌مرغداری نیزعلاقه شدید دارد وهنگام فراغت ازکارهای روستا بمرغداری میپردازد و ازعلاقمندان شکار نیز هست وگاه درکویر سیاه کوه ورامین به‌شکار آهو وگور خر میپردازد.

زندگی عبدالله خان نسبت بدهقانان مرفه است زیرا دارای حیاط مجزا با ساختمانهای آجری واطاقهای متعدداست که نسبت بزندگی‌شهری بسیارساده میباشد همچنین اثاثیه منزل‌اورا دوقطعه‌قالی، یک یخچال ویک ماشین جیپ تشکیل میدهد ناگفته نماندکه قالی‌ها ازپدر به‌او به‌ارث رسیده‌است.

علاوه بردهقانان که زیرنظرمستقیم‌عبدالله‌خان کار میکنند وهرماهه‌مقرری دریافت‌میدارند آخوند ، معلم ، دروازه‌بان و مباشر هم حقوق ماهیانه خود را مستقیماً از وی دریافت میدارند ، نامبرده درسال ۱۳٤۲ منزل مسکونی‌خودرا از ده به‌تهران منتقل نمود ولی همه روزه بیشتروقت خودرا در ده میگذراند . در اوایل سال ۱۳٤٤ که مرحله دوم اصلاحات ارضی دردهات حومهٔ

شهر ری بمرحلهٔ اجرا گذارده شد، این قانون شامل ده طالب‌آباد نیز گردید، که در نتیجه نیمی از زمینهای مزروعی بصورت اجاره دراختیار کشاورزان قرار گرفت ونیم دیگر دردست عبدالله خان و ودیگر مالکین باقی ماند که درقسمت مالکیت بتفصیل بیان شده است.



مالک ده طالب‌آباد، حاج نعمت‌الله فلاح بادهقانان ده که اکثراً آبیار هستند صحبت میکند

گاوبند

معمولاً گاوبند کسی است که سرمایه منقول بنه ازقبیل : گاو، بذر ومساعده لازم را دراختیار رعیت ها میگذارد، مالک یا ارباب درد هاتی که گاوبند دارند با رعایا تماسی ندارند، ازاینرو نیروی کار که برزگرباشد نیز بدست گاوبند انتخاب میگردد. معمولاً بهمراه گاو گاوبند برزگری هم مشاهده میشود، درنتیجه بهنگام برداشت محصول سهم بذر، گاو، برزگر ومساعده به گاوبند تعلق میگیرد زیرا درکلیه دهات به عوامل پنجگانه آب، زمین، گاو، بذر ونیروی کار با رعایت مختصر عرف و عادتهای محلی سهمی تعلق میگیرد وبجز زمین وآب ممکن است یک یا چند عامل (نیروی کار، بذر، مساعده) بهمراه وسیله شخم توسط گاوبند در زمین سرمایه گذاری شود ولی این عمل توسط هرکسی ممکن نیست چه گاوبندی دراین نواحی موروثی است وروستائیان این حق را برسمیت میشناسند واین حق درمواردی خرید وفروش نیزمیگردد.

درنقاطی که حق گاوبندی موروثی است دیگروجود گاو مطرح نیست و گاوبند بدون داشتن گاو هم صاحب حق موروثی است دراینصورت وظیفه دارد نیروی شخم مورد نیاز را که عبارت ازگاو کار ویاتراکتور باشدتهیه کند تابتواند حق گاوبندی خودرا درمقابل ارزشی که مقدارش توسط خبرگان معین میگردد تثبیت نماید.

مالک ده محمودآباد که درشمال شرقی طالب‌آباد واقع شده‌است بمناسبتی‌نیمی از ده خود را فروخت وخریدار که میخواست بجای زمینهای مزروعی کورهٔ آجرفشاری دایر نماید مجبورشد حق گاوبندان ده‌را بخرد بدینجهت برای هرجفت گاو ده هزار تومان پرداخت و حق گاوبندی را ازآنها سلب نمود (دراصطلاح گاوبندی آنهارا بازکرد).

درقمی‌آباد همسایه مستقیم‌طالب‌آباد میخواستند برای هرجفت گاو ده هزارتومان‌بپردازند تا گاوبندها، گاوبندی خودرا بازکنند یعنی‌این‌حق از آنهاسلب گردد ولی گاوبندان ازپذیرفتن‌آن خودداری کردند.

در دهات ورامین گاوبند کسی را گویند که گاو، بذر و نیروی کار را در قبال زمین و آب مالک بشراکت گذارده ودرنتیجه محصول بین‌آنها نصف گردد.

دربعضی‌ازدهات بمناسبت بی‌آبی وآفت‌زدگی محصول، گاوبندها ازحق خود صرفنظرکرده مهاجرت میکنند ویا ببهاء کمی حق خودرا میفروشند درهردوصورت داوطلب تازه‌ایکه جانشین قبلی میشود حق گاوبندی بوی تعلق میگیرد. در بعضی دهات بستن گاو با اجازه ارباب صورت میگیرد و درصورت عدم‌رضایت اوازگاوبند بدون‌آنکه حقی بنامبرده پرداخت شود گاوبندتازه‌ای‌را بده دعوت نموده ویااین کاررا خود شخصاً بعهده میگیرد.

در دهاتی که گاوبندی بعهده شخص مالک است ده درصد ازکل محصول‌را قبل‌ازتقسیم بعنوان مخارج شخم‌زنی، ازمیانه برداشت میشود سپس‌طبق‌رسوم بقیه محصول‌را چندکوت‌نموده وتقسیم مینمایند و چون درطالب‌آباد هم گاوبندی درانحصار مالک ده‌است قبل‌از شروع تقسیم محصول این‌سهم توسط مالک برداشت میشود.

درحال حاضر گاوبندی شکل تازه‌ای‌بخود گرفته است زیرا با راه یافتن تراکتور بده، دیگر گاوکار نگهداری نمیشود وگاوبندان برای شخم‌زنی و خرمن کوبی باخرج خود تراکتورکرایه میکنند و دراین‌باره یک قانون محلی بدینقرار بوجود آورده‌اند که ۳٪ ازکل محصول زراعت سهم دهقان، ٤٥٪ سهم‌ارباب (مالک یااجاره‌دار) و ۲۰٪ سهم گاوبند است که ۸٪ ازه ۲٪سهم بذر و۱۷٪ بقیه متعلق‌به گاو اوخواهد بود واین درصورتی‌است که بذر بعهده گاوبند باشد بااین ترتیب خرج تراکتور وکلیه کارهای مربوط بدان بعهده گاوبنداست، البته قرارداد فوق قرارداد محلی قریه چاله طرخان همسایه ده طالب‌آباد است ودردهات دیگر با کمی‌اختلاف همین‌مسئله قابل اجرا است.

گاوبند درطالب‌آباد و دهات اطراف آن به کسی اطلاق میشود که قانوناً درده صاحب نسق ودارای‌حق‌ریشه‌باشد که دراینصورت حق‌شخم‌زنی، تهیه‌بذر ومساعده‌عرفاً بعهدهٔاواست و چنانکه متذکرشد دربعضی دهات علاوه برشخم وبذر و مساعده انتخاب برزگر و کنترل کار او نیز بعهدهٔ گاوبند است. معمولاً مناسبات وروابط بین ارباب و گاوبند نزدیکتراز ارباب ودهقانان است ، همانطورکه ارباب به‌رعیت‌ها مساعده میدهد وهنگام برداشت محصول ازسهم آنها کسر میکند. بهمان‌ترتیب‌ارباب به گاوبند هم‌مساعده‌ای‌برای کرایه تراکتور وتهیهٔ بذرداده وهنگام برداشت محصول ازسهمش کسر میکند.

کدخدا

کدخدا کسی است که با انتخاب مردم و پیشنهاد مالک به بخشداری محل حکم رسمی کدخدائی با امضای فرماندار برایش صادر میگردد و معمولاً ارباب ده موظف است که ماهیانه مبلغی بعنوان حقوق کدخدائی بنامبرده بپردازد.

کدخدا پس‌از انتصاب وظیفه‌دارداز کلیهٔ مسائل اجتماعی‌ده آگاه‌بوده ودرصورت مراجعه مأمورین دولتی جوابگوی آنها باشد. مأمورین ادارهٔ ثبت، آمار، ژاندارمری، عمران، بهداشت، سربازگیری، کشاورزی وامثال‌آن هنگام ورود بده یکسره بخانه کدخدا میروند نامبرده هم‌موظف است ازآنها پذیرائی نماید. درحقیقت منزل کدخدا محل حل‌وفصل امور اجتماعی ده و کدخدا رابط بین مأمورین دولتی واهالی دهاست. مردم شکایات خودرا مستقیماً به کدخدای ده میدهند و ازکدخدا یاری میطلبند و در واقع کدخدا بنمایندگی ازطرف کلیهٔ مراجع دولتی که بادهات سروکار دارند مسائل‌را حل‌وفصل مینماید.

کدخدا مرجع و امید اهالی‌است وحتی زنان نیز شکایات و درد دل خودرا با نامبرده در میان میگذارند بعبارت دیگر اومرجع قدرت قانونی ده بشمار میرود.

درده طالب آباد بواسطه سکونت ارباب درده حق کدخدائی نیز به ارباب داده شده و نامبرده هم مالک‌است هم‌اجاره‌دار وهم کدخدای ده که کلیهٔ مسائل حقوقی افرادرا حل‌وفصل مینماید ولی‌بواسطهٔ مشغلهٔ زیادمقداری ازاین‌حق‌را به‌مباشر خود تفویض نموده‌است که نامبرده هم تاحدی مسائل‌اجتماعی افرادرا حل‌وفصل مینماید.

درانتخاب کدخداآنقدرکه نظرارباب‌یامالک مؤثراست نظرمردم مؤثرنیست وچون کدخدا از بین مرفه‌الحالان ده انتخاب میگردد بین نامبرده و دهقانان فاصلهٔ طبقاتی محسوسی مشاهده میشود ازاینرو او مورد تنفر پنهانی دهقانان واقع میگردد.

در ده طالب‌آباد مباشر یعنی رابط بین ارباب و دهقانان و نمایندهٔ مستقیم ارباب برای تأمین مقاصدش . وی ناظر براعمال کلیهٔ دهقانان ده بوده و گزارش‌هائی ازوضع آنها به‌ارباب میدهد . خرج بنه‌ها بیشتر با دست او صورت میگیرد، حقوق ماهانه رعیت‌ها وکلیهٔ افرادی که از ده حقوق‌نقدی وجنسی میگیرند در هرماه توسط او انجام میگیرد.

مباشر

بطورکلی کارهای آب ، بذر ، نگهداری درخت ، جلوگیری از ورود چهارپا درمزارع و جلوگیری‌ازسرقت‌اموال منقول وغیرمنقول ده، نظارت درخوب‌شخم زدن‌تراکتور ، در تهیهٔ بارنامه ازبارفروشی، درقپان کردن کلیهٔ محصولات،مشخص‌نمودن‌سهم اربابی،بعهده‌مباشراست‌زیرااربابتمام کارهای مربوط بده را به‌اووا گذارنموده و اواست که بایستی ازمنافع مالک حمایت نماید و درغیاب او خود حکمران ده باشد وهرعملی‌را زیرنظر بگیرد وبهرکس فرمان دهد.

درگذشته‌مباشران‌دارای‌اسب ویامادیانی‌بودند که سواربرآن کلیهٔ زمینهای ده‌را رسیدگی وحفظ وحراست میکردند ولی اکنون مباشران بجای اسب از دوچرخه ویا موتورسیکلت استفاده میکنند، مباشرین ازافراد ورزیده وقوی ده انتخاب میشوند واگر ده فاقد چنین‌شخصی باشد او را ازمحل دیگری بده دعوت میکنند ودرمقابل انجام کارهای فوق ماهیانه ۲،۱ تومان پول و ۳۰ من گندم حقوق دریافت میدارد و در پایان هر سال مبلغ یکهزار تا یکهزاروپانصد تومان پول بلاعوض بعنوان پاداش توسط ارباب بوی داده میشود . مباشر ده طالب‌آباد علاوه برحل‌وفصل امور روستائی بدعاوی وشکایات افراد نیز رسیدگی میکند وگاهی افراد اوراکدخدا نیز خطاب میکنند. بطورکلی مباشر یعنی حافظ منافع ارباب ازاینرو انباردار ارباب نیز بوده وکلید انبارها در اختیار اواست و بده وبستان فراورده‌های‌روستائی با دست او صورت میگیرد و چون موقعیت و شغل او ایجاب میکندکه حافظ منافع مالک ویا ارباب باشد مورد احترام قلبی دهقانان قرار نمیگیرد ومحرم رازونیاز آنها واقع‌نمیشود وبسیاری‌مسائل‌را دهقانان‌ازوی پوشیده میدارند.

۲- رعیت

رعیت یادهقان کسی‌است که باقبول‌شرایط محلی‌بمدت یک یاچند سال قراردادی باارباب خود می‌بندد و دراین‌مدت در روی زمین‌اربابی بکشت‌وزرع میپردازد . بدین‌معنی که هرکس باکشت وزرع درقطعه زمینی سروکار دارد خودرا رعیت میداند ، دراینصورت اگر از شغل‌آنها سئوال‌شودمیگویند: «فلان ده رعیتی‌داریم یارعـتی میکنیم». دراینجا رعیتی کردن‌دومفهوم‌دارد:

مفهوم اول یعنی اینکه شخص بادرنظرگرفتن شرایط مرسوم در ده برای مدت یکسال در روی زمین اربابی بانیروی کار خود، عوامل آب ، زمین، بذر و گاورا قابل بهره‌برداری میسازد و درمقابل ازکلیهٔ محصولی که در طول سال زراعی کشت مینماید سهمی میبرد ولی با پایان سال زراعی استخدام یکساله چنین شخصی نیزبپایان میرسد وبایستی مجدداً برای سال بعد به کارمجدد دعوت شود و الا دیگر رعیت نخواهد بود. این گروه در ده طالب‌آباد باشرایط فوق به‌چهارقشر جدا ازهم تقسیم میشوند که عبارتند از :

۱- آبیار ۲- دم‌آبیار

۳- برزگر ٤- کناره کار

قشر مرفه رعیت‌هارا آبیاران تشکیل میدهند، زیرا هربنه که حدود ۳۰ تا ٤۰ هکتار وسعت دارد معمولاً به‌شش نفر دهقان جهت کشت‌وزرع احتیاج دارد، رهبری وراهنمائی این‌عده بایکنفر ازمیان خود دهقانان است که‌از

۱- آبیار

دیگران باتجربه‌تر وکاردان‌تر است و اعضای دیگر بنه که باتفاق کار میکنند دستورات او را بکار می‌بندند. لقب آبیار پیشوند نام کوچک شاغل‌این کاراست مثل آبیارحسن یا آبیاراسدالله. کسی که به‌آبیاری‌بنه‌ای‌برگزیده میشود دارای دووجه تمایزاست که‌شرکاء دیگراودارا نیستند اول‌اینکه وضع‌مرفه‌تری ازدیگر رعیت‌هارادارا است چه‌مورد توجه وحمایت مستقیم ارباب بوده وسالیانه یک خروارگندم‌بعنوان‌پاداش وبلاعوض‌ازارباب دریافت‌میدارد. هنگام‌برداشت‌محصول ۱۵ تا ۳۰ من گندم‌بیشتراز سهم عادی باو سهم‌میدهند. هنگام حمل محصول صیفی بشهرآبیاران بایستی برای رسیدگی بوضع‌محصول صادره خود درمیدان فروش‌محصولات صیفی درتهران‌حضور بهمرسانند دراینصورت‌برای هرروز مبلغی‌قراردادی بین ۱۰ تا ۲۰ تومان ازمیانه (سهم‌مشترک ارباب و رعیت) به‌آبیار داده خواهد شد که «بی‌باری» نامیده میشود.

دوم اینکه آبیاران منزلت اجتماعی شایسته‌تری از دیگران دارند زیرا کلمه آبیار با اسم هرکس همراه باشد صاحب موقعیت بهتری ازدیگران میباشد وآن بدان علت است که رعیت‌ها بخصوص رعیت‌های فرمانبردار ازاو هراس دارند چه‌درابتدای هرسال زراعی بامعرفی وپیشنهاد آبیار افراد به‌رعیتی گمارده‌میشوند ویا برعیت بودنشان خاتمه داده میشود، روی‌همین‌اصل‌است که آبیار در ده مورد احترام دهقانان وبستگان آنهااست.

آبیاران در کارهای مربوط به‌بنه خود آزادیهائی دارند و معمولاً با بنه های دیگر برقابت میپردازند، آنها دارای‌جلسات مشورتی نیز هستند ودرابتدای هرسال بدورهم جمع‌شده تصمیمات لازم راجهت کشت وزرع مجددده اتخاذ میکنند. انتخاب قطعه زمین برای کشت مجدد وانتخاب روز آب گیری«خوره» که توسط پشک انجام‌میگیرد ازکارهای اساسی‌آبیاران است که درابتدای هرسال زراعی درشورای آبیاران باحضور ارباب ده انجام میپذیرد.

هنگام برداشتن دسته پشته و خرمن کردن آبیار فقط پشته می‌بندد درصورتیکه برزگران وظیفه دارند پشته‌را بکول گرفته ودرمحل خرمن روی‌هم‌بریزند ولی آبیارازکشیدن پشته معاف است وبیشتر نقشی‌چون سرکارگرشهری‌را دارد ولی‌حتماًبایستی‌برای پاتی کردن‌خرمن حاضرباشد. وظیفه‌ای که‌آبیاران‌بعهده دارند عبارتست‌از: سرکشی‌بزمین ها، آب گیری، بذرپاچی، تعیین‌محل مرز(درصورتیکه‌زمین وضع مشخص نداشته باشد). ارتباط بین بنه ومالک، تعیین‌محل ونوع زراعت که باید کاشته‌شود، نظم ونسق دادن‌بکار بنه، گرفتن کارگرلازم‌ودروگر، نظارت درجمع کشی، نظارت درکوبیدن‌خرمن وپاتی کردن، برداشت محصول وتحویل‌بمالک، نظارت درمحاسبات فی‌مابین.

۲ـ دم آبیار
dome abyar

معمولاً هر آبیاری برای خود یک یا دو معاون انتخاب میکند که بنام «دم‌آبیار»معروف‌اند و دم‌آبیارهم برای‌آنها لقبی‌است‌ولی کمتردیده میشود که همراه‌نام کوچک‌آنهابااین کلمه‌مخاطب قرارگیرند. دم‌آبیاران‌معمولاً مورد حمایت‌آبیاران قرار دارند ووجه تمایز آنها باابرزگران این‌است که هنگام برداشت‌محصول



یک آبیار ویک برزگر طالب‌آبادی

سمت راست یک‌آبیار و سمت چپ یک‌برزگر که‌دربنهٔ واحدی کارمیکنند دیده میشوند



یک دهقان جوان طالب‌آبادی درلباس پشته کشی. (توبره‌پشتی دربشت، طناب وقیچش وچوبی بنام چی‌لی کک دردست و دستمال سربند روی سر دهقان دیده میشود) دهقانی که بدین‌ترتیب کارکند وعضو بنه باشد برزگر نامیده میشود.

حدود ۰٫۱ تا ۰٫۳ من گندم از برزگران بیشتر سهم میبرند بعلاوه دارای مقام و منزلت اجتماعی بیشتری از رعیت‌های ساده هستند واینها خود میتوانند واسطه یا معرفهائی برای دیگران در نزد آبیار باشند.

ازخصوصیات دیگر دم‌آبیار بودن این است که دم‌آبیار گاوخدمت نمیکند و گاوخدمت کردن از کارهای عمدهٔ برزگراست. بطور کلی وظیفه دم‌آبیار عبارتست از آبیاری زمین، مرزکشی، کلدر کشی، گوشه‌بندی، پاتی گری وبوجاری غلات. ولی دم‌آبیاران سرچرخ نمیروند یعنی کوبیدن گندم باچرخ بعهده برزگراست نه دم‌آبیار.

۳- برزگر

دربالا یادآور شد که درهربنه معمولاً شش نفر بکار کشت وزرع اشتغال دارند، یکنفر ازاین افراد که ریاست دیگران‌را بعهده دارد بنام آبیار، یک یا دونفر بنام دم‌آبیاروبقیه برزگر نامیده‌میشوند. برزگران ازتهی‌دست‌ترین و فقیرترین افرادی هستند که کشت وزرع ده بعهده آنهااست و سنگین‌ترین کارهای روستائی را این قشر ازدهقانان بعهده دارند.

برزگران درآغاز هرسال زراعی به پیشنهاد آبیار و قبول ارباب برعیتی پذیرفته میشوند و برای مدت یکسال بکشت وزرع اشتغال می‌یابند و دراین مدت نه ماه ازسال هریک ماهی ۲۰ تومان پول و ۰٫۳ من گندم بعنوان مساعده دریافت میدارند، پس‌ازبرداشت محصول سهم رعیت‌ها طبق قرارداد مرسوم در ده پس‌ازکسر بدهی‌های نه ماهه بقیه سهمشان داده میشود و بایستی مجدداً برای رعیت شدن دعوت شوند و الا درشمار خوش‌نشینان ده درمیآیند.

سال‌زراعی دهات با پایان سنبله (شهریور) آغاز میگردد و از آخرین حقابه، قبل‌از مهرماه (میزان) پایان‌سال‌زراعی‌استفاده میشود واولین خوره‌آب درمهرماه آغازسال‌زراعی‌را اعلام‌میدارد، برزگری که آخرین خورهٔ آب‌را بگیرد سال قراردادیش بپایان رسیده‌است و هرآن منتظراست که بعدازآخرین خوره مجدداً بکاردعوت شود و معمولاً دعوت بکار مجدد بسیارساده انجام میگیرد مثلاً توسط آبیار یا پیشکار ارباب باو گفته میشود که فردا برو سر فلان قطعه زمین برعیت‌های فلان آبیار کمک کن، اینجااست که گل‌ازگل برزگر ویادم‌آبیار شکفته میشود و اوهرچه زودتر این‌خبر مسرت‌بخش‌را بگوش خانواده ونزدیکان خود میرساند.

وظیفه برزگربطور کلی‌عبارتست‌از پی‌آبی، گاویاری، خدمتگاری گاو، جمع کشی و کوبیدن خرمن وامثال آن.



یک برزگر طالب‌آبادی درلباس مخصوص پشته‌کشی طناب قیمش ، طرز بستن توبره پشتی و پارچه سربند دراین عکس بخوبی دیده میشود .



پشته‌کشی تنها کار برزگرن میباشد آبیار پشته را بسته بکول برزگر نهاده برزگر آنرا تامحل خرمن حمل میکند .

٤- کناره‌کار دهقانان بیشتر کناره‌کار را چنین تعریف میکنند « کناره کار کسی است که از رعیتی کناررفته» ولی درحقیقت کناره کار کسی است که معمولاً بمناسبت کهولت وفرسودگی قادرنیست کارهارا بخوبی انجام دهد ویا محلی برای کارآنها درده باقی نمانده باشد ازاینرو دیگر بعضویت بنه‌ها پذیرفته نمیشود . این افراد مورد توجه اربابند، ارباب بپاس خدماتی که سالیان متمادی‌انجام داده‌اند، شغل کناره کاری‌را بآنها محول مینماید، یعنی قطعه زمینی ازطرف ارباب به کناره کارها واگذارشده ودرآن بکشت وزرع میپردازند ولی گاه‌دیده میشود که کناره کاران بیشتربکشت یونجه وپنبه میپردازند، آنهابخصوص بکشت‌یونجه بیشترعلاقه نشان میدهند چه یونجه تاچندسال‌پیاپی بدون کشت مجدد بهره‌میدهد.

و بدین ترتیب کناره کاران دارای کار کمتری خواهند بود وبیتوانند درضمن داشتن کناره کاری بکار دیگری هم بپردازند.

کناره کاران در قبال عوامل چهارگانه که ارباب در اختیار آنها قرار میدهد عامل پنجم یعنی نیروی کار را بدان میافزایند ودرنتیجه ازمحصول بدست‌آمده مانند دهقانان عضو بنه سهم میبرند یعنی از زراعت $\frac{1}{3}$ و ازبهاره کاری نصف و یونجه هم‌سه کوت بین کناره کاران و ارباب تقسیم میشود یعنی دوقسمت ارباب و یک قسمت کناره کاران سهم میبرند.

کناره کاران چون‌دارای کار کمتری هستند ودرآمدشان از کناره کاری کفاف مخارج‌آنهارا نمیدهد گاه در خود ده و گاه دردهات اطراف بعنوان کارگر روزمزد بکارمیپردازند.

درابتدای سال زراعی ممکنست که باردیگر کناره کار برعیتی دعوت شده و یا ممکن است کناره کاری‌هم ازاو گرفته شود، درصورت دعوت بکار ممکن است برزگر، دم‌آبیار ویا آبیار شود و درصورت گرفتن کناره کاری درردیف خوش‌نشینان ده درمیاید مثلاً درسال زراعی ۱۳۳۹-٤۰ طالب‌آباد دارای‌شش‌نفر کناره کار بود ولی درسال‌بعد بعلت تعویض ارباب ده تمام کناره کاران مجدداً برعیتی دعوت شده وبکار پرداختند.

مفهوم دوم

درقبل تذکرداده شد که رعیتی کردن دارای دومفهوم‌است، مفهوم اول آنرا قبلاً یادآور شده واینک بشرح مفهوم دوم آن میپردازیم، مفهوم دوم یعنی اینکه شخص بکشت وزرع در ده میپردازد ولی نه برای‌مدت یکسال بلکه برای‌چند سال متوالی باقراردادی که بین او وارباب منعقد میگرددشروع بکار میکند، البته‌چنین‌قراردادی برای‌طرفین‌معتبراست واگرقبل‌ازانقضای‌این مدت ارباب خواسته باشد بکارچنین شخصی پایان دهد بایستی‌سهم حاصل، حق‌ریشه ودسترنج اورا با قضاوت و نظر خبرگان ده بپردازد، این گروه خود بدو قشر جدا ازهم تقسیم میشوند که عبارتند از:

۱- باغبان ۲- سبزیکار

۱- باغبان در ده باغبان بکسی گفته میشود که باغ اربابی زیرنظر او اداره شود ویا اصولاً اداره کننده باغی‌باشد، مالک ده طالب‌آباد به‌درخت کاری‌علاقه زیادی نشان میدهد وبرای این‌منظور دو باغبان برای دو باغی که در ده وجود دارد باشرایط سهل پنج‌ساله استخدام نموده‌است که پس‌از پنج‌سال باغ را سملو از درخت

میوه تحویل دهند و درمقابل مبلغی قراردادی بعنوان مزد بنامبردگان داده میشود وعلاوه‌براین قسمتی‌از محصول این باغها هم به‌باغبانها تعلق میگیرد.

باغبانها معمولاً چندنفر روزمزد ازکارگران‌اطراف یاخوش‌نشینان ویاکناره‌کاران‌رابطور موقت استخدام مینمایندکه‌عدهٔ آنها بافصول مختلف تغییر مینماید. باغبان‌ها نسبت به‌برزگران وصیفی‌کاران خست طبع دارند زیرا با وجود آگاهی از ارزش‌محصول خود درسرکز عمده‌فروشی (میدان سبزی) کمتر حاضرمیشوند درمحل به‌قیمت‌هم‌محصول خودرا بفروش رسانند، درصورتیکه صیفی‌کاران درقبال تقاضاکنندگان کمی‌از محصول خود را باخوشحالی وبطور رایگان به‌تقاضا کننده میدهند از اینرو عدهٔ زیادی همه روزه هنگام بارگیری محصول بآنها مراجعه مینماید.



باغبان و برزگر طالب‌آبادی

باغبان ده طالب‌آباد سمت راست و یکی از برزگران سمت چپ

۲- سبزیکار سبزیکارکسی است که در روی قطعه زمینی‌بکشت انواع سبزی مبادرت ورزد، سبزیکار ممکن‌است مالک قطعه زمین، اجاره‌دار ویا نصفه‌کارباشد ولی وضع آنها بهرصورت که باشد بمناسبت کشت سبزی به‌سبزیکار شهرت دارند. در ده طالب‌آباد بتازگی سبزیکاری هم متداول شده است بدینصورت که قطعه زمینی را مالک باشرایطی‌دراختیار سبزیکاران گذارده‌وآنها هم به کشت انواع سبزی میپردازند، سبزیکاران ده اغلب نصفه‌کارند یعنی‌زمین‌وآب وکودازمالک ولی‌بذر وکار ازرعیت است، درنتیجه پس‌از کسر مخارج‌مشترک ازقبیل پی‌باری، حمل‌بار ومزدبارفروشی که ازبهاء محصول فروش‌رفته کسر میگردد بقیه به‌نصف بین‌آنها تقسیم میگردد.

سبزیکاران دهات بیشتر ازاهالی بومی ده نیستند واکثراً از اهالی شهر ری میباشند که‌در کشت سبزی شهرت وتجربه دارند این‌سبزیکاران باتجربه باگسترش خانه سازی درشهر ری و ازبین‌رفتن‌مزارع‌سبزی آنها دردهات‌اطراف پراکنده شده‌اند ومیشوند زیراتاسال ۱۳۲۰ هیچگونه سبزیکاری دردهات مشاهده نمیشد واکنون دراکثر دهات سبزیکاری دیده میشود و پیوسته نیز در حال تزاید است، سبزیکاران ده طالب‌آباد هم دارای چنین شرایطی هستند وازسال۱۳۳۸ دراین ده به‌سبزیکاری اشتغال دارند . سبزیکاران دارای کارگران روزمزدند که آنهارا از بین خوش‌نشینان ویا دیگران‌انتخاب مینمایند، آغاز وپایان کار سبزیکاران قراردادی‌است که بسال زراعی ختم میشود و اگر درنیمه‌های سال مالک خواسته باشد زمین را ازآنها پس‌بگیرد بایستی حق ریشه ودسترنج وکلیه مطالبات آنهارا طبق دید (ارزش گذاردن) خبرگان بپردازد .

تنهااختلافی که‌بین‌سبزیکان شهرری وسبزیکاران‌دهات‌دیده میشوداینست که سبزیکاران شهرری‌قطعه زمین‌محدودی‌را داراهستند وباندازه‌احتیاج قطعه زمین‌مورد کشت خودآب‌در گردش سالیانه میخرند ولی سبزیکاران‌ده مقدارمعینی آب درگردش‌خوره سال دراختیار دارند ودرمقابل هرقدر زمین بخواهند دراختیارشان گذارده میشود یا بعبارت دیگر درشهرسبزیکاران وسعت زمین زیرکشت خودرا باجریب ویاکرت معین میکنند ولی‌دردهات بامقدارساعات آب که بابیان‌مقدار سنگ آب ده مقدار زمین زیرکشت درنظرخبرگان مجسم میگردد .

چون زمینهای دهات‌برای کشت انواع‌سبزی آمادگی ندارد چنانچه باید وشاید نمیتوانند ازآن بهره‌برداری کنند وطالب‌آباد هم چنین‌وضعی‌رادارا بود تااینکه درفروردین ۱۳۴۲ بمناسبت سود نبردن ازسبزیکاری مالک ده حق‌ریشه سبزیکاران‌را به‌مبلغ ده هزارتومان خریده و بکشت سبزی دراین‌ده پایان داده بجای آن بکشت پنبه وسپس محصولات دیگرمبادرت ورزید .

***

قمی کار

قبلاً گروهها وقشرهائی‌را که بازمین وآب وبذر وگاو سروکار دارندمعرفی نموده ویادآور شد . این‌قشرها در مجموع ، رعیت‌های ده خوانده میشوند ولی قشر دیگری دردهات اطراف وده طالب‌آباد وجود دارد که باعوامل فوق سروکاردارند ولی‌رعیت‌نیستند وبنام «**قمی کار**» شهرت‌دارند ودربعضی‌دهات‌بدانها صیفی کار هم میگویند، قمی کاران بیشتر ازدهقانان قم هستند که درصیفی کاری تجربه و مهارت دارند ، این افراد با آغازکشت صیفی‌دربهار بدهات‌آمده بکشت صیفی‌میپردازند وپس‌از برداشت‌محصول وپایان پذیرفتن فصل صیفی درتابستان ، بقم بازمیگردند ، قمی کارها فقط نیروی کار را درقبال عوامل چهارگانه اربابی درمیان میگذارند و درنتیجه فرآورده محصول‌بین قمی کار وارباب‌نصف

میگردد علاوه برآن مبلغی درحدود یکهزارتومان هم به‌آبیار قمی کارهمه‌ساله پاداش داده‌میشود. ولی مخارج شخم‌زنی، مخارج پی‌باری و بارفروشی بین هردو مشترك است چه هنگام برداشت محصول وحمل‌آن بتهران‌آبیار قمی‌مجبوراست بتهران رفته تاهنگام فروش ازکالای خودمواظبت نموده صورت فروش محصول‌را ازبارفروش گرفته وصندوقهای خالی‌را تحویل گرفته بده بفرستد، دراین مورد آبیار هرروزکه پی‌بار برود مبلغی قردادی باپنج خربزه یا هندوانه از میانه بعنوان حق‌الزحمه باو داده میشود که این‌مبلغ درسالهای اخیر روزانه درحدود ۲۰ ریال بوده‌است.

قمی کاران هم خود بنه‌ای دارند بنام «**بنه قمی**» که یکنفر آبیار مسئولیت آنرا بعهده دارد و دردره طالب‌آباد منحصراً بکشت خربزه میپردازند و کمی شهری و هندوانه و ذرت وکدو نیز درداخل‌آن کشت میشود. افرادی که در بنه‌قمی کار میکنند ممکن‌است شریک و یا مزدور باشند که بمزدوری‌آبیار درآمده‌اند زیرا ارباب ده هیچگونه وظیفه‌ای‌درقبال آنها ندارد وارباب مستقیم مزدوران، آبیار آنهااست که همان آبیار بنه‌قمی باشد.

گروه دعوتی

درخردادماه هرسال گروهی ازشهرستانها برای کاربدهات‌اطراف شهرری‌میآیند که میتوان آنها را «**گروه دعوتی**» نامید. این گروه در دسته های‌مختلف وجدا ازهم بکار اشتغال میورزند افراد این گروه بدو قشر «**دروگر**» و «**عمله وجین**» تقسیم میشوند.

دروگر دروگران افرادی هستند که در دسته های پنج تا ده نفری باتفاق مشغول کارمیشوند، دروگران هردسته معمولاً زیرنظریکی‌از افراددسته کارمیکنند وممکن‌است‌این عده کارگر روزمزد سردسته خود بوده ویا باتفاق شریک باشند درهرصورت دروکردن گندم وجو بین آنها قراردادی وخرواری است.

قرارداد خرواری یعنی اینکه برای‌هریک خروار زمین زیرکشت («دوهکتار» یعنی مقدار زمینی که یک‌خرواربذرگندم‌یاجو درآن کاشته شود) که بدست‌آنها درو شود ۸۰ تا ۹۰ تومان‌مزد دروگری میگیرند یعنی برای دروی هرهکتار زمین زیر کشت جو یا گندم ۴۰ تا ۴۵ تومان مزد میگیرند. البته این‌مبلغ نرخ معمولی‌است وهنگامیکه دروگرکم باشد برای دروی هر هکتار تا ۷۵ تومان پرداخت میشود ودرسال ۱۳۳۹ چنین اتفاقی در ده طالب‌آباد رخ داده بود.

دروگران این‌ده بیشتر ازگلپایگان، همدان و خراسان میآیند وخود از روستائیان اطراف آن نواحی هستندکه همه ساله درخردادماه باین نواحی میآیند و پس‌از ۳۰ تا ۴۰ روز دروگری دوباره به‌محل‌خود بازمیگردند ودراین‌مدت جزده طالب‌آباد وشمس‌آباد که‌ده مجاور طالب‌آباد است بده دیگری‌نمیروند وپس‌از پایان کار باردیگر ارباب ازآنها برای‌سال بعد دعوت مینماید،

ابزار کاراین عده تنها دستقالهٔ است که سر کمر (دولادولا) باآن بدروی گندم وجوی رسیده وخشک شده اشتغال میورزند.

درمدتی که این دروگران درده مشغول کارند خوراك خودرا مهمان دهقانان بنه‌ای هستند که درآن درومیکنندزیرا هرچند روزی که دربنه‌ای مشغول باشند دهقانان آن بنه مشترکاً خوراك



دسته‌ای از دروگران درحال دروی گندم

دروگران فوق ازکشاورزان دیم کار اطراف بیرجند خراسان هستند که بواسطهٔ عدم بارندگی و بی‌آبی بتهران آمده و در ده طالب‌آباد دروگری میکنند

آنهارا برایشان تهیه میکنند ومقدار روزانه این خوراك طبق یک عرف محلی است وبرای هر یکنفر دروگر در روز مایحتاج زیر درنظر گرفته میشود :

۱- ۲٫۵ سیر گوشت گوسفند (گوشت آبگوشتی) ، (۱۸۷٫۵ گرم).

۲- یک سیرنخود ولوبیای مخلوط (۷۵ گرم).

۳- یک سیرونیم قند برای هردونفر (۱۱۲٫۵ گرم).

٤- چهار مثقال چای برای هردونفر (۱۸٫۷۵ گرم).

۵- نیم من وپنج سیر نان (۱٫۸۷۵ کیلوگرم).

٦- یک چارك ماست (۲۵۰ گرم).

۷- یک پاکت ده عددی سیگار اشنو برای هردونفر.

۸- یک قوطی کبریت برای هردونفر.

هشتفقره نامبرده احتیاجات روزانه یکنفر دروگر تشخیص داده شده که برایگان بدانها **تحویل** میگردد. دروگران جای معینی ندارند وهرکجا که محل کارآنها باشد شب هم درآنجا **میخوابند**. جایگاه خواب آنها عبارتست ازمقداری ازساقه های انباشته شده گندم ولحافی نازك **ویکنفره که روی**



یک دروگر همدانی در طالب آباد

ساقه های گندم پهن میکنند. اگرهوا گرم باشد ازاین لحاف بعنوان تشك استفاده میشود ولی اگر هوا سرد باشد روی ساقه های گندم خوابیده لحاف را روی خود میاندازند.

دروگران در دسته های ۵ تا ۱۰ نفری بطور دسته جمعی کار میکنند و درکنارهم **ایستاده** باتفاق ازعرض شروع بدرو میکنند وطبق اظهار خودشان پس از ۲۵ روز دوهکتار **زمین گندم**

توسط یک دستهٔ هفت نفری درو میگردد یعنی هریکنفر دروگر در روز بیش‌از ۲۰۰۰ متر مربع نمیتواند درو کند وبازطبق اظهار خودشان درقبال دروی هردو هکتار زمین یک چارك گوشت و یک چارك نخود ولوبیا دریافت میدارند (هرچارك ۲۵۰ گرم).

هنگام دریافت جیره، یکنفراز دروگران مأمور شده برای دریافت آن بده میرود واز دکان بقالی ده بحوالهٔ رعیت‌های بنه مربوط اجناس‌فوق‌را تحویل میگیرد واگر چیزی اضافه ازاجناس نامبرده‌خواسته باشند بایستی‌خود پول آنرابپردازند ولی گفته‌های بسیاری تأیید میکرد که بندرت اتفاق‌میافتد که دروگران چیزاضافی‌دریافت دارند بلکه همین‌جیره خودرا نیز صرفه‌جوئی کرده و مقداری ازآنرا میفروشند و این صرفه‌جوئی حتی درنان آنهاهم مشاهده شده‌است زیرا باپولی که درمدت درو جمع‌آوری میکنند بایستی‌مدتها خود وخانواده‌شان ازآن امرارمعاش نمایند.

دروگران هنگام شروع بکار صحبتی از مزد ونرخ وکنترات ومقاطعه وامثال آن نمیکنند، بطور کلی دروگران در ابتدای کارشان نرخ طی نمیکنند بلکه در پایان کار بنرخ روز دهات اطراف استناد مینمایند و هرنرخی که در دهات دیگر پرداخته گردد آنهاهم بدون چون‌وچرا آن مبلغ را می‌پذیرند.

دروگران علاوه برمزد کار خود مبلغی‌هم بعنوان‌انعام دریافت میدارند واین‌مبلغ هیچگاه از ۱۰ تا ۲۰ تومان تجاوز نمیکند وآن برای این‌است که گندم یا جورا تمیز درو کنند وازپراکنده شدن خوشه‌ها تاآنجا که ممکن‌است جلوگیری‌بعمل‌آورند واگراین‌مسئله‌را مراعات نکنند ممکن است از ادامهٔ کارشان نیز جلوگیری شود.

عملهٔ وجین

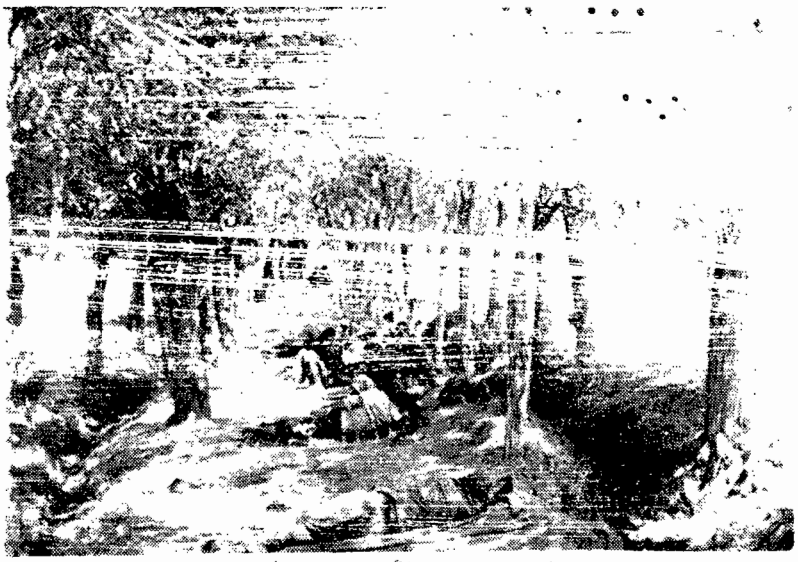
عمله‌های‌وجین‌در ده طالب‌آباد دسته‌ای‌هستند که همه ساله درخردادماه منحصراً برای وجین پنبه باین ده میآیند این گروه که گاهی تعداد آنها به یکصد نفر میرسد در این ده به «دستگردی» شهرت دارند زیرا تعداد دستگردیانی که از محل دستگرد اصفهان باین محل میآیند بیش‌از سایر روستائیانی است که از نقاط دیگر برای وجین باین‌ده روی میآورند ازاین‌رو نام‌دستگردی‌به‌کلیهٔ آنها اطلاق میگردد.

دربین‌این‌عده‌جوانان ۱۰ساله تا پیرمردان ۵۰-۶۰ساله مشاهده میشود که‌بطور دستجمعی وخانوادگی برای کار از زادگاه خود خارج میشوند.

مدت اقامت این‌عده در ده طالب‌آباد بیش‌ازیک ماه نیست ولی درسال حدود دو تاچهار ماه افراد این گروه به‌عملگی درکارهای‌مختلف میپردازند و درهرنقطه‌ای که کاری سراغ داشته



یکی از کارگرانی که دربهار برای وجین پنبه بده طالب‌آباد میآیند
درعکس فوق سرپرست دسته‌ای ازکارگران درحال وجین درمزرعهٔ پنبه دیده میشود.



عده‌ای ازعمله های دستگردی در حال استراحت
پیاده‌روی خیابان طالب‌آباد محل سکونت شبانه‌روزی دستگردی ها است.

باشند رهسپار آنجامیگردند. این افراد خود اجیر و دراستخدام قراردادی فرد دیگری هستند که



براین عده ریاست میکند ودرقبال سه ماه کار بهر یک. ۳۰ تا ۴۰ تومان مزد میپردازد وعلاوه براین مخارج شبانه روزی آنها رانیز بعهده میگیرد. وضع تغذیه آنها بدین ترتیب است که ظهرنان و ماست، شب نان وچای وصبح فقط نان میخورند و شب هم درکنار درختان ده میخوابند. اینان مبلغی را که بدین ترتیب بدست میآورند بایستی مخارج یکسال خود وخانواده‌شان را با آن تأمین کنند چه بنا باظهارخودشان درولایت آنها بندرت کار پیدا میشود و بجز بافتن رویهٔ گیوه برای زنان وبندرت هیزم کشی برای مردان کار دیگری وجود ندارد.



وجین مزارع پنبه طالب‌آباد بعهدهٔ دستگردی‌ها است که همه ساله باین ده میآیند. دربین آنها ازجوانان خردسال تا پیرمردان کهنسال دیده میشود که باتفاق کارمیکنند.

گروه ناخوانده

تاکنون گروهها و قشرهای اصلی ده را طبق همان تقسیم بندی که در محل متداول است نگاشته گردید ولی گروه دیگری از اواخر بهار تا اواسط تابستان در تمام دهات شهرری

و هم‌چنین در اطراف ده طالب‌آباد ساکن میشوند که در بین اهالی بیشتر بنام «کولی Kouli» و چادرنشین شهرت دارند ، عده‌ای که در اطراف هر ده ساکن میشوند تعدادشان از ۵ تا ۱۰ خانوار تجاوز نمیکند که بمیل خود میآیند و درخارج از قلعه، در اطراف ده هرکجا که قابل سکونت بهتری باشد چادر زده ساکن میشوند و تا پایان برداشت محصول در اطراف ده باقی میمانند، آنگاه بنقاطی کوچ میکنند که هنوز محصولش بدست نیامده ویابرداشت آن آغازشده‌است، این‌عده همانند پرندگانی که بدنبال سرما و گرما کوچ میکنند بدنبال جمع‌آوری خوشه و گرفتن



عکس فوق گوشه‌ای از ده فیروزآباد را درکنار جاده اسفالته تهران ورامین نشان میدهد که محل چادر زدن وزندگی کولی‌های دهات این‌نواحی‌است نامبردگان همه روزه ازاین‌محل برای‌جمع‌آوری خوشه وگدائی وامثال آن بدهات اطراف رهسپار میشوند.
(ده فیروزآبادسرراه‌جادهٔ اسفالته تهران‌ورامین‌واقع شده‌است وتاطالب‌آباد حدود هشت‌کیلومتر فاصله‌دارد)

کوچین کوچ میکنندوچون‌این گروه‌ناخوانده بده میآیند وبمیل خود هم میروندازاینرو میتوان‌آنهارا **«گروه ناخوانده»** نام نهاد.

این‌افراد درکنارهم‌چادر زده ودسته‌جمعی زندگی کرده ودسته‌جمعی‌نیز کوچ میکنند، زن و مرد وفرزندان آنها دریک چادر زندگی میکنند وکلیهٔ اثاثیهٔ آنها هم درزیر همان چادراست وجز یک لحاف‌پاره ، یک سماورحلبی، چنداستکان‌ونعلبکی وکوزه وچند بقچه بسته، چیزدیگری درچادرآنها مشاهده نمیشود واغلب شبها درپناه آتشی که میافروزند بگفتگو میپردازند ویا ازنور

ماه استفاده میکنند، داشتن چهارپا ازلوازم اصلی زندگی آنهااست وبرای پاسداری اثاثیه مختصر خود هم یک یادوسگ دراختیار دارند.

افراد این گروه هنگام برداشت پشته بجمع‌آوری خوشه میپردازند، معمولاً خوشه‌های چند روزه خود را رویهم انباشته یکجا میکوبند، برای کوبیدن این خوشه‌ها گاه باچوب و گاه خود و چهارپایشان باتفاق روی خوشه‌های جمع‌آوری شده که درسطح زمین پهن میکنند راه میروند و



محل سکونت یک خانوار کولی دربیرون ده فیروزآباد

محل زندگی اولیهٔ این افراد حدود مسیله قم‌بوده‌است که بمناسبت خشکسالی پراکنده شده‌اند، دسترنج روزهای متوالی این خانوار ازجمع‌آوری خوشه، سرمایه‌ای شده که درچندگونی محافظت میشود وامیدوارند این گندم‌هارا بنرخ عادلانه‌ای بفروشند.

آهسته بدور خوشه‌هامیچرخند ولگد میکنند تاخوشه کوبیده شده دانه ازکاه جدا گردد، هنگامی که فصل جمع‌آوری خوشه بپایان برسد مردان و کودکان آنها بسر خرمن‌ها رفته و باخواندن مصیبت یاشعرمذهبی ویا التماس و زاری کوچین[1] طلب میکنند و تمام روزبدین کاراشتغال دارند و چون دارای چهارپا هستند ممکن است درهرروز چندین ده‌را سرکشی کنند.

زنان این گروه اگر بجمع‌آوری خوشه و کوچین رفتن نپردازند مصنوعات کارگاه خودرا که

۱- کوچین عبارتست حدود چند سیر گندم (یکی دومشت) که برایگان به‌تقاضاکننده داده میشود.

عبارتست از سیخ کباب، قند شکن، انبر، سه پایه، کارد، الک وامثال آن درداخل ده یا دهات اطراف بفروش میرسانند وگاهی درخود شهرری هم این افراد بساط خود را درگوشهٔ خیابان پهن نموده وبفروش آنها میپردازند ویاممکن است درکوچه های شهر منزل بمنزل آنها را برای فروش عرضه دارند. این گروه را میتوان بدو قشر «**بی زیان**» و «**با زیان**» تقسیم نمود :

***

قشر بی زیان

قشر بی زیان آنهائی هستند که فقط بجمع آوری خوشه میپردازند . بیشتر مشاهده میشود که مردان این قشر درکنار چادر ویاداخل چادر درکارگاه کوچک خود به آهنگری و ساختن اشیاء نامبرده میپردازند و محصول کار خود رابرای فروش عرضه میدارند ولی فروش فرآورده های صنعتی آنها توسط زنان انجام میگردد ودر فروش اجناس خود بسیار قانع بنظر میرسند و با کمترین سودی محصول خودرا بفروش میرسانند.

***

غربال بند

غربال بند که در اصطلاح محلی «غلبیر بند» تلفظ میشود قشری از گروه بی زیان کولی ها هستند که بده طالب آباد میآیند ودرده به «غربیل بند» شهرت دارند وتعداد آنها ازیکی دوخانوار تجاوز نمیکند که همه ساله دراردیبهشت ماه بده میآیند وسفارش غربال بندی وتعمیرغربال را انجام میدهند یعنی چرم یاروده را چون نخ باریک



این مرد پای پیاده ازدهات ورامین بطالب آباد آمده تا باجمع آوری خوشه وگدائی و هرکاردیگر که امکان داشته باشد دست بزند. اوچندین روز متوالی دردهات مختلف و یا در بیابان خوابیده و بین شنس تاده روز یکبار محصول جمع آوری کرده خود را برای معاش خانواده اش بورامین میبرد .

بریده ازآن غربال‌نومیسازند ویاغربال‌های‌پاره‌را تعمیرمیکنند وبیش‌از سه‌چهار روزدرده نمیمانند وبده دیگر میروند.

قشر با زیان

قشر با زیان این گروه ازشیادان وکلاه‌برداران دهات محسوب میشوند، اینها ازساده‌لوحی دهقانان‌حداکثر استفاده‌را مینمایند. نگارنده‌بادهقانان چندی برای تحقیق دراین مورد تماس گرفت تا از شیادی وکلاهبرداری این‌دسته آگاه گردد ودراین‌باره عین گفته‌های دهقانان نگاشته میگردد:

***

«آقا: هرچه ازاین افراد بده میآیند همشان سیداند، اینهاشال‌سبزی بکمرمی‌بندند وخودرا سید میخوانند، اگر ازآنها بپرسیم ازکجا معلوم‌است که سیدی، شال‌سبزخودرا نشان میدهند.

آقا، یکنفر ازبچگی دراین‌ده زندگی‌میکرد، اوخیلی‌تنبل وبیکاربود که بنام محمد تنبل‌در ده مشهور بود تااز زور بیکاری ازاین ده رفت بعدازچند سال اورا نزدیک شهریار دیدم که شال سیدی بکمربسته ودست دوبچه سیدرا هم‌بدست گرفته باتوبره درویشی سرخرمن‌ها کوچین‌میگیرد خوب که اورا وراندازکردم دیدم محمد بیکار هم‌دهی‌خودمان‌است که سید شده، گفتم: محمد توئی؟ کی‌تا حالا سید شده‌ای، نگاهی بمن کرده مرا شناخت و دست بچه سیدهارا گرفته بدون دادن جواب بسرعت اززنزد ما دورشد».

***

«آقا، مایکروز سر خرمن‌بودیم دیدیم دونفر سید آمدند، یکیشان نونوارتربود و دیگری کوتاه قدتر، شیک پوش بلند قد حرف نمیزد ولی کوتاه قد که لباس پاره‌ای بتن داشت میگفت من نوکراین آقا هستم واین‌آقالال‌است، آقاباابهام واشاره ولال‌لالی صحبت میکرد و ماهم‌دلمان بحال‌لال‌بودن اوسوخت، سه مشت گندم به‌آقا سیدکوتاه‌قد دادیم که نوکربود ودومشت گندم هم درکیسه‌آقاسید لال‌ریختیم، ناگهان‌آقای‌لال بسخن درآمده گفت «این‌دوتا مشت کم است» بلافاصله یادش‌آمد که او لال‌بوده ونبایستی حرف بزند، فوراً ساکت شد و دیگر هرچه کردیم صحبت نکرد ورفت».

***

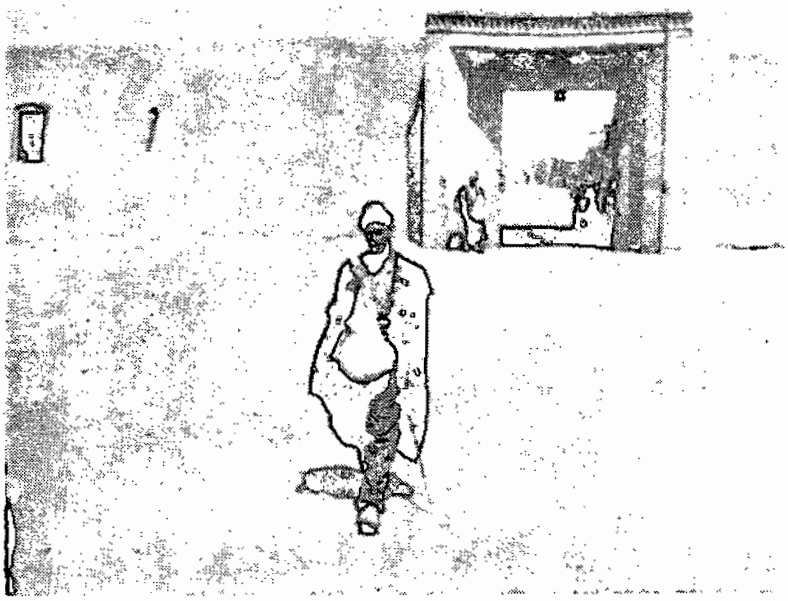
«یکروز ما نزدیک جاده زمین‌ها را آب میگرفتیم دیدیم سروکلهٔ دو نفر سید پیدا شد، یکراست بنزد من‌آمدند، یکی‌ازآنها دست مرا گرفته چاقوی تیزی ازجیب خود بیرون آورده باز

کرده روی مچ دست من گذارده گفت بگو دستم‌را دادم در راه حضرت ابوالفضل ، منهم گفتم دستم را دادم در راه حضرت ابوالفضل ، چند بار این جمله را تکرار کرد ، آنگاه سید رو بمن کرده گفت نیاز دست خودرا بده تا دوباره دست ازآن توباشد وتا دو تومان از من نگرفت دست بردار نبود» .

***

سه تعریف فوق‌را سه‌نفراز دهقانان‌ده طالب‌آباد برای‌نگارنده بازگو کردند ولی بد نیست که‌تعریف‌سالک ده‌را دراین‌باره بشنوید :

«یکروز یکی ازچوپانان ماآنطرف جاده مشغول چرانیدن گوسفند بود، چوپان‌می‌بیند جیپی



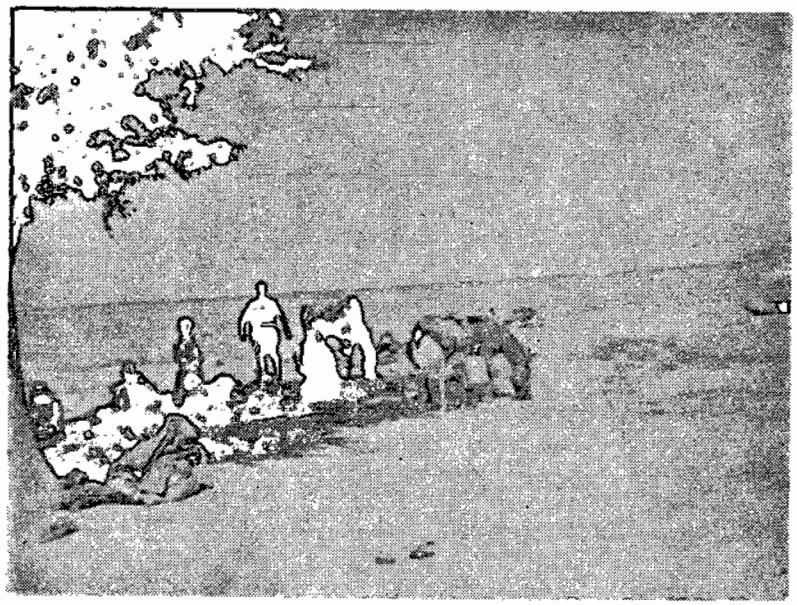
عکس فوق یکی‌ازسیدهای ده‌راکه درحقیقت شیادان روستا هستند نشان میدهد
رفیق وهمکاراو درکنار درقلعه طالب‌آباد ایستاده است

درنزدیکی گله گوسفندها نگهداشت وسه‌نفر ازجیپ پیاده شدند، یکنفر جلورفته به‌چوپان‌میگوید صلوات بفرست حضرت خضر آمده‌است، چوپان‌هم صلوات میفرستد، میگوید چشم خودرا ببند و بازکن وصلوات بفرست تاحضرت خضررا به‌بینی، چوپان تاچشم خودرا می‌بندد سید چشم اورا محکم گرفته‌دونفر دیگر گوسفندی‌چاق و چله‌را گرفته درجیپ می‌اندازند، بعد سید چشم‌چوپان‌را بازنموده هردوصلوات میفرستند وازچوپان‌خدا حافظی کرده میروند، غروب‌آنروز معلوم‌میشود که یکی‌ازگوسفندها را سیدها دزدیده‌اند» .

***

این گروه گاهی بسرقت های کوچکی درده نیزدست میزنند، اگر فرصتی بدست آورند به محصول بیابان هم دست درازی میکنند، گاهی زنان وسردان آنها به غیب گوئی وفالگیری میپردازند و دعا وطلسم هائی هم در این باره میدهند . فالگیران این دسته سرخرمن ها برای دهقانان غیب گوئی کرده، فال گرفته ودعا داده درعوض گندم میگیرند .

این افراد چندروز یکبار وفعالین آنها همه روزه گندم های خود را به بقال ده میفروشند، معمولاً



یک خانوار ازگروه ناخوانده که درسایهٔ درختی مسکن گرفته اند و هفته ها در زیر همین درخت بسر میبرند

داشتن کیسه سفیدرنگ وشال سبز ومادیان ازمشخصات شناسائی آنها است و هنگامیکه سروکله آنها پیدا میشود دهقانان میگویند :

«آقا هم ازکارآمد، بدون زحمت چندبرابر ما کاسبی کرده است» .

دربعضی دهات مثل شمس آباد اصولاً این سیدها را بده راه نمیدهند و اگر پایشان بآنجا برسد کتک مفصلی میخورند چون ارباب ده سخت ازآنها متنفراست واین افراد ازوارد شدن بزمین های شمس آباد هراس دارند ولی درجائی که دهاتی ها کمترین ایمانی بدین افراد داشته باشند سراسر ده جولانگاه آنها خواهد بود .

***

روابط بین گروهها وقشرها

ازگروهها وقشرهای ده طالب‌آباد باعتبار وضع شغلی وروابط آنها بازمین یاد شد ولی‌در مورد روابط بین این گروهها وقشرها تقسیم‌بندی دیگری‌بآن شدت وجود ندارد وبمراتب‌ازشدت آن کاسته میگردد مثلاً دربرابر پیش‌آمدهای احتمالی یکدل ویکپارچه‌اند . در چنین مواردی اختلافات قبلی‌را کنارگذارده چون اعضاء یک خانواده ازهم دفاع میکنند .

هنگام سیل‌زدگی، عزاداری، عروسی وامثال این پیش‌آمدها همکاری صمیمانه و روابط نزدیک بین‌آنها دیده میشود ولی باتمام‌این‌احوال بین این‌دسته‌ها وگروهها روابط ناهم‌آهنگی دیده میشود که به‌اعتبار خصوصیاتشان عبارتنداز :

***

روابط ارباب و رعیت

اکثر ساکنین‌ده یعنی‌رعیت‌هاوخوش‌نشین‌ها نسبت بمالکین واجاره‌داران وامثال آن‌بدبین هستند . البته بصورت ظاهر همهٔ آنها اظهاراطاعت‌میکنند ولی درمجالس خودمانی درمخالفت بامالک متفق‌القولند و این احساس خودرا نیزبا دهها حرف ناسزا ورکیک فرو می‌نشانند . بااینکه سرشت‌آنها باهم نمی‌آمیزد معذالک هنگام مخالفت، رعیت وخوش‌نشین‌درصف واحدی درقبال ارباب قرار دارند . خانوادهٔ آنها نیز ازاین ایدهٔ کلی حمایت میکنند ولی در عین‌حال دارای ترس شدیدی از ارباب‌میباشند . ارباب بهرکه فرمان‌دهد بسرعت قابل‌اجرا است . جوان وپیر، کودک وبزرگ ندارد، گفتهٔ ارباب چون یک حکم قطعی بسرعت بمرحلهٔ اجرا درمیآید .

این‌صحیح است که کارکنان ده خود به‌گروهها وقشرهائی‌تقسیم میشوند ولی‌برای‌ارباب این‌تقسیم‌بندی مفهومی ندارد . همهٔ آنها درنظر ارباب یکسان‌اند و در امر ونهی برایشان فرقی قائل‌نیست این‌مورد بکرات اتفاق افتاده که ارباب بنا به‌احتیاج شخصی به‌برزگری سمت کارگر روزمزد مرغداری‌را داده وبرزگرهم‌لاعلاج پذیرفته وازکار زراعی‌خود دست‌کشیده روزمزدی‌را اختیارکرده است .

بعضی‌ازرعیت‌ها برای خوشایند ارباب، پادوئی‌وبیگاری‌میکنند . وازانجام‌اینگونه‌کارهای بی‌مزدظاهراً اظهارمسرت‌هم‌مینمایند، اینان بهرندای‌ارباب‌بدون‌تأمل‌وتفکرپاسخ‌میدهند، وگاهی از رعیت‌ها نزد ارباب بدگوئی‌مینمایند و اجازهٔ عکس‌العمل میخواهند ومتقابلاً در نزاع‌ها و کشمکش‌ها از طرف ارباب یامالک حمایت پنهانی میشوند ورهبری اینگونه‌کارها بصورتی با دست ارباب یا مالک صورت می‌پذیرد .

در ده طالب‌آباد ارباب مالک قسمتی از ده میباشد و قسمتهای دیگر ده را

روابط کدخدا و ده نشینان

درعین‌حال نیز دراجارهٔ خود دارد همچنین او ساکن ده خودبوده وعملاً اصول کشت و زرع را خود بعهده دارد. نامبرده علاوه بر وظایف اربابی کدخدای ده نیزهست که حکم آن ازطرف بخشداری شهرری صادر شده است ووظایف کدخدائی ده‌را نیز انجام میدهد. دهقانان‌علاوه براحتراسی که بپاس ارباب‌بودن شخص مذکور قائل‌اند احترام دیگری هم برای کدخدائی به‌او میگذارند، چه کدخدا وظیفهٔ قانونی دارد که دعاوی بین افرادرا حل‌وفصل کند وبا مأمورین دولتی همکاری نماید. تولد و مرگ، ازدواج وطلاق ده‌را باطلاع ادارهٔ‌آمار برساند وبالاخره مسئلهٔ سربازی‌را در ده حل‌وفصل نماید وهمین‌مسئله‌باعث میشود که‌جوانان‌ده که بسن‌سربازی میرسند احترام زیادی برای ارباب قائل باشند وبهرندای اوپاسخ مثبت دهند وتمام‌این مسائل بخاطر آن انجام میگیرد که ازرفتن سربازی آنها جلوگیری بعمل‌آید وبنفع‌آنها اعمال‌نفوذ شود.

در ده طالب‌آباد وظایف کدخدائی واربابی ومالکی بهم‌آمیخته‌است وبنفع اربابی وظایف کدخدائی‌فراموش شده‌است. اما درده چاله‌طرخان کدخدا درپرونده بزرگی‌سرشماری دقیق‌ده، میزان متولدین ومرگ وازدواج وطلاق‌را ثبت نموده ومرتب اسامی‌راکم‌وزیاد میکند و مسائل مربوط‌را به‌مأمورین‌مربوط‌گزارش میدهد ولی درعوض‌ماهیانه ۱۸ تومان بعنوان حق کدخدائی دریافت میدارد.

کدخدای‌نامبرده‌تماس دائم‌بامأمورین‌نظام‌وظیفه،آمار، بخشداری، کشاورزی وژاندارمری دارد وهمیشه کسانی ازمأمورین‌نامبرده درمنزل او دیده میشوند وانتظار بذل‌مساعدت ازکدخدا رانیز دارند. کدخدائی‌در ده شغل پر دردو سری است چه حل‌وفصل نزاعهای کوچک‌تا طلاق وزناشوئی بعهده کدخدا است واگر کدخدا ازمتمولین‌ده نباشد ادارهٔ خانواده‌ای بامراجعهٔ آنهمه مأمور امکان‌پذیر نیست وبراساس همین اصل‌است که کدخدارا ازبین گاوبندان، اجاره‌داران ویا دامداران و بالاخره ازمیان مرفه‌الحالان ده انتخاب مینمایند.

روابط همکاران باهم

در ده طالب‌آباد بین رعیت‌های همکاریکنوع رقابت‌باطنی‌دیده میشودزیرا هربنه دارای‌آب وزمین‌وخاك‌ونیروی کارتقریباً مساوی‌است، اعضای‌هربنه سعی‌میکنند درتعریف، بنه خودرا بهترازبنه‌های‌دیگروانمود کنند ونهایت کوشش‌را بکارمیبرند که ازبنه‌خودحداکثرمحصول‌را برداشت نمایند. افرادبنه‌های مختلف‌ده در عین‌حال که‌روابط صمیمانه‌ای‌باهم‌دارندمحرمانه باهم‌رقابت‌میکنند وهرچیزخوب‌را برای‌بنهٔ خود

میخواهند. اگرهنگام پشگ، قطعه زمین سرغوبی بآنان تعلق نگیردسعی میکنند نتیجهٔ پشگ را بی اثر کرده و پشگ مجددی صورت گیرد درصورتیکه دیگران قبول نمیکنند و ارباب هم برای راضی نگهداشتن آنهابصورت ظاهر واینکه زمین نامرغوب هم بایستی کاشته شود درباطن، ازاین عرف محلی حمایت میکند وبدون رضایت دستجمعی به پشگ مجدد تن درنمیدهد.

اگربین افراد دوبنه صمیمیت وهمکاری دوستانه‌ای مشاهده میشود، عکس آنهم ممکن است. آبیاران بنه‌ها احترام متقابلی را نسبت بهم قائل‌اند. درسر زمین، درآلونک ویا زیرچادریکدیگر جمع شده باهم دربارهٔ مسائل زراعتی بمشاوره میپردازند. شبها بمنزل یکدیگر میروند. روابط آبیاران دو بنه بیش‌از روابط افراد دو بنه نسبت بهم دوستانه است. درداخل بنه‌ها افراد عضو روابط صمیمانه‌ای باهم دارند. روابط آنها مانند روابط دو همکار نزدیک که پشت یک میز دراداره‌ای کارمیکنند صمیمانه‌است. بیشتر اوقات خودرا باهم میگذرانند، هنگام برداشت محصول که شبها دهقانان درکنارخرمن دربیابان بسرمیبرند شام‌ونهار وچای وصبحانه‌را باتفاق صرف میکنند درکنارگندم شمس خرمن‌میخوابند وگاهی بنوبت پاسداری‌میکنند، برای فرار از پشه‌های گزنده گاهی نیمی‌ازبدن خودرا درزیرکاه پنهان‌میکنند واگر وضع ازاین بدتر باشد ویا گاهی‌نباشدکه بدان پناه برند بنوبت یکی بده آمده ودیگری پاسداری میدهد.

بواسطهٔ همکاری دائمی درطول سال روابط صمیمانه‌ای بین آنها برقرار میشود، گاهی‌که محل خرمن ازقلعه دوراست اگریکی‌از دهقانان به‌قلعه بیاید کارهای ضروری رفقای دیگر خود را نیز انجام میدهد. اگر یکی از اعضاء خانواده دهقانی بسر خرمن آید هنگام بازگشت کارهای ضروری همکاران پدر یاشوهر خود را انجام میدهد. خانواده افراد یک بنه در داخل ده هم روابط صمیمانه‌ای بایکدیگردارند، افراد بنه‌ها هنگام گردش باتفاق بگردش میپردازند وباتفاق بتهران یاشهرری میروند.

هنگام دروکردن‌محصول که رعیت‌هاوظیفه دارند مخارج غذای دروگران‌را تأمین کنند، زنان افراد یک بنه باتفاق همکاری‌صمیمانه نموده وبهرترتیبی‌شده اگرکارشان بقرض هم بکشد باتفاق مخارج غذای‌دروگرهارا تأمین میکنند.

ازروابط‌بین این همکاران که بگذریم چنین روابط‌صمیمانه‌ای‌بین گروههای‌دیگردیده‌نمیشود.

روابط خوش‌نشینان‌بایکدیگرچون‌دوهمسایه شناس صورت میگیرد، باغبانها وسبزیکاران روابط نزدیکی‌با کارگران وروزمزدان خود دارند واین کارگران وروزمزدان سعی‌میکنند خودرا نزدیکتر ازدیگران بکارفرمای خود نشان دهند. اگردو سبزیکار درجنب یکدیگربکشت وزرع

اشتغال داشته باشند هرقدرهم بایکدیگر صمیمی باشند باز درنهان آنها صمیمیت دیده نمیشود و ممکن است هرلحظه بکوچکترین بهانه‌ای بین آنها نزاع درگیرد.

اگر حیوانی وارد محصول بنه‌ای گردد و افراد بنه دیگر در آن حوالی مشغول کار باشند زحمت بیرون راندن حیوان را ازداخل محصول بخود نمیدهند ولی اگرحیوانی وارد مزارع خود آنها شود شدیدترین مجازات را برای حیوان و یاصاحبش قائل میشوند وگاه نزاعهائی هم دراین مورد درگیرمیشود ولی مباشرده وظیفه دارد که ازسراسر مزارع واماکن واشیاء منقول وغیر منقول ده حفاظت نماید.

روابط سالخوردگان و جوانان

جوانان ده برای سالخوردگان محلی احترام زیادی قائل اند وجوانان ارادت خودرا هنگام عبور ویا کار تنها بایک سلام عرضه میدارند، اگر درمحلی دورهم بنشینند سالخوردگان را دربالادست خودجای میدهند ودرمجالس روستائی با مشاهده ترتیب نشستن میتوان موقعیت اجتماعی هرکس را دریافت، گاه مسئلهٔ احترام که فردی بایستی دربالادست فرد دیگری جای گیرد ویکی ازآندو بالادست نشستن را قبول نمیکند ازتعارف گذشته وضع جدی بخود میگیرد ومرتب سوگند یادمیکند که طرف خودرا دربالادست خود جای دهد، همچنین هنگام ورود ویاخروج ازاطاق وهنگام غذاخوردن تقدم باپیران وبزرگتران حاضر درمجلس است.

آبیاران درصدرمجالس عمومی جای دارند وباکشیدن چپق و سیگارهای پیاپی به‌مجلس روح میدهند. هنگامیکه آغازسخن میکنند دیگران بایستی بدقت گوش دهند وپیوسته ازقهرمانیهای خود دردوران جوانی یاد میکنند وازوضع حاضر عدم رضایت مینمایند و دراین مورد روی سخن مستقیم آنها باجوانان است، جوانان بیشتر آبیاران وسالخوردگان رادائی وعموخطاب میکنند، نه اینکه دائی یا عموی واقعی آنها باشند بلکه باگفتن این کلام روابط صمیمانه تری بین خود وسالخوردگان بوجودمیآورند. بزرگسالان ازفراوانی وارزانی گذشته درمجالس بسیار یادمیکنند ودرمقابل جوانان امروزی راتنبل میخوانند ولی جوانان درمقابل اظهار میدارند «شماروغن سیری یک پول (نیم شاهی) خورده‌اید نه روغن پنبه تخم (منظور روغن نباتی است) سیری یک تومان».

جوانان هیچگاه به‌پیرمردان ده توهین نمیکنند وباآنها بنزاع برنمیخیزند وتا سرحدامکان خونسردی خودرا دراین مورد حفظ میکنند، درغیراینصورت بسختی ازسالخوردگان دفاع میشود وپاداش توهین کننده‌را داده ودرهرکجا که سخن آغازشود به‌لعن چنین فردی میپردازند.

روابط با دهات اطراف

دهات چندی درهمسایگی طالب‌آباد قراردارد که موقعیت هرکدام‌نسبت بدین‌ده درنقشه مشخص شده‌است، دربین‌دهات همسایه تنها قلعه‌نواست که درشمال این ده واقع شده و روابط بسیار نزدیکی بااین‌ده دارد و آن بدین‌علت است که جاده اسفالته تهران ورامین ازقلعه نو میگذرد وقهوه‌خانه قلعه نو که سرجاده واقع‌شده مرکز پخش‌اخبار واطلاعات میباشد. افراد طالب‌آباد بیشتر دراین قهوه‌خانه استراحت میکنند وآنهائی که با دوچرخه بشهر میروند لحظه‌ای دراینجا توقف مینمایند. روی همین‌اصل است که طالب‌آبادیهانسبت بدهات‌دیگر اطلاعات‌عمیق‌تری‌از قلعه‌نو دارند. چندین نفرازقلعه‌نودرطالب‌آباد بکاراشتغال‌دارند وچندین نفرهم ازطالب‌آباد درقلعه‌نوبکار مشغولند. علاوه‌برافرادنامبرده که‌رعیت‌رسمی دردو ده‌مذکور هستند خشت‌مال، بنا، پشته کش وکارگران‌چندی‌ازقلعه‌نو بطالب‌آباد میآیند درصورتیکه چنین‌رفت وآمدی بین‌طالب‌آباد ودهات دیگر مشاهده نمیشود.

دوعلت برای مسائل فوق میتوان بیان نمود. اول بزرگ وپرجمعیت بودن قلعه‌نو نسبت بدهات اطراف. دوم‌سرراه واقع شدن‌وعبوراجباری مردم‌ازاین‌ده. تایکی‌دوسال‌قبل‌بین‌طالب‌آباد وفیروزآباد رابطه‌ای برقراربود که اکنون این رابطه قطع شده‌است چه دهقانان گندم‌های خودرا برای آسیاب کردن به‌فیروزآبادمیبردند ولی‌اکنون‌ماشین‌آسیاب بده‌آمده واحتیاجی نیست گندم‌ها را برای آرد نمودن بدهات دیگر ببرند.

بمناسبت رابطهٔ زیاد باقلعه‌نو ازدواج‌های‌چندی بین‌این‌ده صورت گرفته‌است که‌نسبت بجمع ازدواج‌های ده قابل‌توجه‌است. بطورخلاصه قهوه‌خانه قلعه‌نو چون دستگاه پخش اخبار بسرعت خبرهای حضرت عبدالعظیم، تهران، ورامین را پخش‌نموده ومراجعین‌این‌اخبارراباخود بدهات خویش میبرند.

ازاین‌ده که بگذریم‌فیروزآباد و زمان‌آبادبواسطهٔ نگهداری‌دام‌بیشتری‌علفهای سر چر این‌ده راخریده وبدینوسیله‌بایکدیگرتماس‌دارند، گاهی‌افرادی‌ازاین‌ده به‌قمی‌آبادوقرچک‌میروندواخباری میآورند، جادهٔ ماشین‌روی شمس‌آباد ازاین ده میگذرد ویکنفر ازاهالی این ده درشمس آباد کار میکند. گوشت‌مصرفی‌اهالی‌شمس‌آباد توسط قصاب‌طالب‌آباد تهیه‌شده وکفش‌های‌آنهارا کفشدوز طالب‌آباد تعمیر مینماید. شمس‌آبادیها بیشتر بدین ده میآیند تاافراد این‌ده بشمس‌آباد، گاهی هم‌شمس‌آبادیها علفزارهای این‌ده‌را اجاره میکنند. از این‌مسائل که بگذریم‌رابطهٔ دیگری بین طالب‌آباد ودهات اطراف دیده نمیشود.

۴- خوش نشین

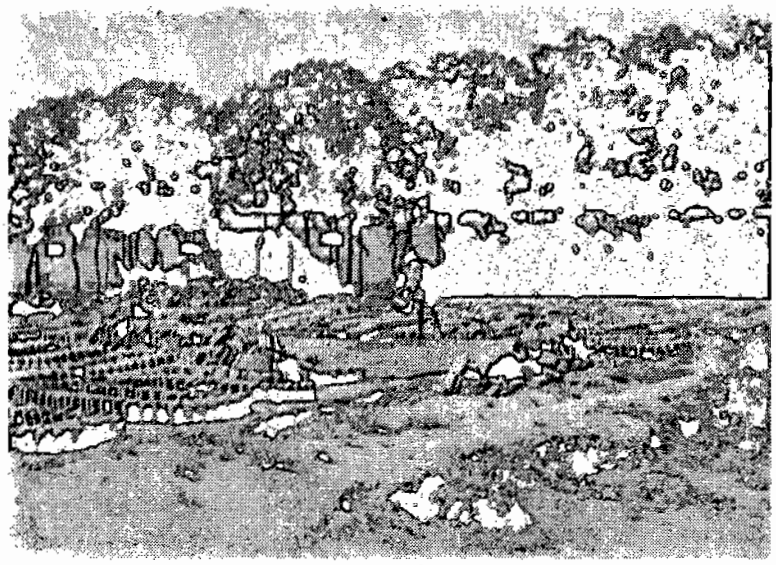
در ده طالب آباد خوش نشین بکسی اطلاق میگردد که ساکن ده اربابی بوده وبدون پرداخت اجاره ازمنازل اربابی ده استفاده کند ولی بمیل خود بکارهای آزاد بپردازد. خوش نشینان ده همانند کارگران روزمزد شهری محسوب میگردند زیرا همانطور که کارگران شهری درنقاط مختلف بکار میپردازند وبسیاری ازآنها درجستجوی کارسرگردانند خوش نشینان ده هم بااین خصیصه ممکن است درخود ده بکار اشتغال داشته باشند ویادردهات مجاور بکاربپردازند.

هنگامی که نظرافراد راجع بتعریف خوش نشین سئوال گردید بین کدخدا ومالک وچندنفر از دهقانان دیگرده مشاجره لفظی درگرفت «کدخدای ده چاله طرخان میگفت منهم خوش نشین هستم چون بازمین اربابی سروکار ندارم، مالک طالب آباد میگفت؛ خیر شما خوش نشین نیستید، خوش نشین کسی است که ساکن ده باشد ولی بمیل خود درهرنقطه ای که مایل باشد کار کند و بازمین اربابی هم سروکاری نداشته باشد شما گاوبنده هستید وباگاو وزمین سروکاردارید، خارج از ده هم که درجائی کارنمیکنید پس خوش نشین نیستید».

خوش نشین ها بدودسته جدا ازهم تقسیم میشوند:

دستهٔ اول یعنی آنهائی که در ده کاسب اند وشغل مشخصی دارند مانند بقال، قصاب، حمامی، شیرکش وامثال آن که قشر مرفه خوش نشین هارا تشکیل میدهند.

دستهٔ دوم آنهائی هستند که بصورت روزمزد درهرنقطه ای که کاری سراغ داشته باشند



خوش نشین ده قلعه نوکه کارگر روزمزد کنتراتچی خشت بوده ودر طالب آباد به خشت سالی اشتغال دارد.

مشغول کار شده شبهابده مراجعت‌میکنند، این‌دسته ازفقیرترین افراد روستا هستند ورعیت شدن آرزوی‌بزرگ آنهااست تاازسرگردانی نجات یابند و برای رعیت شدن حاضرند حتی بدهات دیگر نیز کوچ کنند.

بسیاری ازخوش‌نشینان بطورمستقیم درزندگی اربابی مؤثرند و بقیه بطور غیر مستقیم در زندگی اربابی اثر میگذارند ازاینرو ارباب حاضر نیست خوش‌نشینان ده‌را ازدست بدهد وتا آنجا که ممکن باشد ازکوچ نمودنشان جلوگیری میکند و گاه برسر این‌مسئله نزاع درمیگیرد.

بطورکلی اصول تعریف خوش‌نشین درهمه‌جا یکسان‌است ولی دردهات مختلف استنباط گوناگونی از خوش نشین دارند آبیارو کدخدای ده چاله طرخان ضمن تأیید سخنان یکدیگر معتقدبودند خوش‌نشین بدودسته تقسیم‌میشود :

۱- دسته‌ای که خود خانه دارند ، یعنی‌خانهٔ آنها شخصی‌است و ارباب نمیتواند آنها را از ده بیرون کند.

۲- دسته‌ای که خانه ندارند و در خانهٔ اربابی زندگی میکنند و ارباب میتواند آنها را از ده بیرون کند.

درده چاله طرخان ۴۰٪ ازساکنین را خوش‌نشینان‌تشکیل میدهند وبسیاری‌ازآنهابامخارج شخصی‌درده خانه‌ساخته‌اند واغلب این‌خانه‌هارا بهم‌میفروشند وصاحبان‌آنها علاوه‌بر شغل‌های موقتی درده، کارگرکارخانه‌های صنعتی اطراف نیزهستند که پس‌از اتمام کار در کارخانه بده مراجعت میکنند. اگرخواسته‌باشند این‌قبیل‌افرادرا ازده بیرون کنند بایستی‌خانه‌آنهارا خریداری نمایند. البته‌زمین این‌خانه‌ها ازآن‌مالک ده‌است وبااجازهٔاولیه‌ارباب، خوش‌نشین درآن‌اقدام‌بخانه سازی مینماید ولی ساختمان و دراصطلاح هوائی آن متعلق بخود آنهااست وهنگام‌خریدوفروش این‌قبیل‌خانه‌ها بهاء پرداخت‌شده‌تنهابرای قسمت ساختمان‌خانه پرداخت‌میشود نه‌برای‌زمین‌آن.

در ده طالب‌آباد خوش‌نشین بدین‌معنی وجود ندارد وهمه درمنازل اربابی سکونت دارند وخوش‌نشین تازه‌ای نمیتواند بدون موافقت ارباب در ده ساکن‌شود زیرا منازل متعلق به ارباب است وحتی تعمیر بناها هم بعهده مالک است ولی درچاله طرخان افراد غیربومی بدون اطلاع ارباب میتوانند خانه‌ای خریده ویااجاره نموده و در ده ساکن‌شوند و در ردیف خوش‌نشین‌های ده درآیند ولی درهردوده خوش‌نشین‌ها میتوانند رعیت شوند ویا رعیتی خوش‌نشین گردد.

برای‌بهترآشناشدن باوضع‌خوش‌نشینان ده طالب‌آباد مشخصات‌شغلی‌واجتماعی واقتصادی هریک بصورت زیربیان میگردد.

آخوند

دربهار سال ۱۳۴۰ شمسی بدعوت ارباب طالب‌آباد آخوندی ازخراسان‌به آمد و در مسجد ده ساکن گردیده، مسجد برای‌نامبرده چون حیاط مستقلی است ووضع مسکونی‌اش پس‌از ارباب ده ازدیگران بمراتب بهتر واصولاً قابل مقایسه نیست. (چه در وصیت نامه پدر مالکین کنونی وجود یک امام جماعت را در ده گوشزد نموده وبرایش ازعواید کلی‌ده سهمی پیش بینی‌شده‌است). نامبرده‌راهنمای‌مسائل مذهبی اهالی‌است‌و نمازپنج گانه‌رادرمسجد میگذاردعده‌ای ازاهالی به‌اواقتدامیکنند وپس‌ازآن‌به‌مختصر موعظه‌ای‌درمسجد برای‌مراجعه کنندگان‌میپردازد. روزها بیشتربه‌تعلیم‌مسائل‌مذهبی‌علاقمندان همت میگمارد.

درقبال‌زهد وتقوی وموعظه وتعلیم که‌شغل‌فرد مذکوررا تشکیل‌میدهدماهانه‌حقوقی‌بمبلغ ۱۵۰ تومان پول و۲۵ من گندم ازارباب ده دریافت میدارد، علاوه براین گاهگاهی هم دهقانان چیزی بعنوان تعارف بنامبرده میدهند و ارباب ده هم علاوه برحقوق ماهیانه مبلغی گاه و بیگاه بعنوان کمک وتعارف تقدیمش مینماید که مجموع آن‌درسال از ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان‌تجاوزنمیکند.



آخوند ده طالب‌آباد باتفاق پسرش درصحن حیاط مسجد طالب‌آباد. وی‌ماهیانه یکصدو پنجاه تومان پول و۲۵ من گندم بعنوان‌حقوق دریافت داشته و در ده مذکور به‌حل‌وفصل مسائل‌مذهبی اشتغال دارد.

آخوند ده درمنزلش‌دار قالی‌نیز دارد که همسرش پس‌از فراغت از کارهای روزانه‌خانه، ببافتن قالی میپردازد که مجموع کارهای او درسال‌بصورت یک یادوقالیچه به‌خواستاران‌درقبال پرداخت ۵۰۰ تا ۷۰۰ تومان عرضه میشود.

آهنگر

آهنگر سالیانه کار کسی است که در مدت یکسال زراعی برای هرجفت گاو کار یک عدد گاوآهن وبتعداد دهقانان بنه (معمولاً هربنه شش دهقان) هرنفر یک اره کارد یا شفره بلاعوض دراختیار آنها گذارده وتمام خرده کاریهای مربوط به‌بنه ازقبیل کشیدن دم‌بیل، ساختن میخ طویله، حلقه زره، بیلک، حلقه و امثال آن را برایشان تهیه نموده واحتیاجات دهقانان ازقبیل قند شکن، کج بیل وامثال آنرا بلاعوض دراختیارشان قرار میدهد، متقابلاً درازاء انجام کارهای فوق درپایان سال برای هرجفت گاو. ۲من گندم، ۲من جوو. ٤من کاه دریافت میدارد علاوه‌برآن قدری کوچین هم که بیشتر جنبهٔ تعارف دارد به‌آهنگر تعلق میگیرد ولی مقدار کاهی که به‌آهنگرداده میشود دردهات مختلف یکسان نیست. درحال حاضر دردهات نزدیک بشهر ری دیگرآهنگر سالیانه کار دیده نمیشود ولی‌دردهات دور ازشهر ری هنوزهم آهنگران بترتیب فوق سالیانه کارند ودردهات اطراف شهرری‌هم تا حدود ده سال قبل آهنگران سالیانه کار بودند، آهنگر ده طالب‌آباد تاسال ۱۳۲۵ شمسی سالیانه کاری میکرده است ولی اکنون‌دیگر سالیانه کار نیست.

دربعضی‌دهات آهنگران‌سالیانه کارنیستند وکارهای‌مربوطرا مزدی انجام‌میدهند، چنانچه آهنگر ده طالب‌آباد هم پس‌ازورود تراکتوربده دیگرکارهای آهنگری‌را مزدی انجام میدهد.

بقال

ده طالب‌آباد دوبقالی دارد که صاحبان هردو ازسرمایه‌داران ده و حاجی نیز هستند ولی سرمایه یکی آشکارا بدیگری فزونی دارد و پس‌از ارباب سرمایه هیچ کس بپای آنها نمیرسد، البته یکی ازآندو، هم بقال است وهم قصاب.

تمام دهقانان ساکن طالب‌آباد مایحتاج خودرا ازاین‌دودکان تهیه میکنند، همه چیزدر دکان‌آنها یافت میشود. دکان‌بقالی این‌ده هم بقالی، هم‌عطاری، هم‌خرازی، هم علافی وهم فروشندهٔ ساعت و پارچه وکفش واثاثیهٔ دوچرخه و طناب، سماور وان‌دیگرهم‌قصابی‌است و در تابستانها هم میوه نیز میفروشند. بطورکلی‌یکی ازآنها فروشگاهی است که هرچه خواسته باشید بشما جواب رد نمیدهد. ۲٪ ازکلیه فروش روزانه این بقالی‌ها نقدی‌است و ۸۰٪ بقیه نسیه که هنگام جمع آوری وتقسیم محصول بدهی‌ها تصفیه میگردد.

رعیت‌ها موظف‌اند اول هرماه. ۲تومان ازه ۲ تومانی که از ارباب دریافت میدارند بابت بدهی ماهیانهٔ خود به‌بقالی بپردازند ودرمقابل درطول‌ماه. ۸تا. ۱۰ تومان جنس ببرند که تنها حدود. ۲٪ ازکلیهٔ نسیه‌های‌برده شده سرماه پرداخت میشود و. ۸٪ بقیه بدهی‌ها بهنگام تقسیم محصول تصفیه میگردد.

در ده طالب‌آباد بجز یکنفر بقیه دهقانان مجموعاً به‌این کاسب‌ها بدهکارند و آن یکنفر هم برنده بلیط بخت‌آزمائی شده و قروض خودرا پرداخته است . دهقانان باداشتن بدهی اجازهٔ خرید ازجای دیگررانداردند زیرادرصورت اطلاع کاسب دیگر به‌آنها نسیه داده نمیشود . محصول گندم وجوی دهقانان که برای فروش به هنگام برداشت محصول باین بقال ها ارائه میگردد ۲ تا ۳٪ ارزانتر ازقیمت عمومی روزمیدان خریداری میشود .

تاچندی پیش نسیه بقالان توسط چوب خط صورت میگرفت ولی اخیراً هربقالی دوسه هزار عدد مهرحلبی بنام خود ساخته‌است و درابتدای هربرج ۲۰ تومان مساعده نقدی دهقانان رادریافت داشته و ۵۰ تومان مهرهای ۱ ریالی و ۵ ریالی به‌آنها میدهند ودهقانان بااین مهرها اجناس دلخواه خودرا میخرند .

تراکتوردار

تراکتوردار ده طالب آباد خود درآغاز مباشر ده بوده‌است . هنگامی که ارباب از خرید وسائل یدکی تراکتور به ستوه آمد ، تراکتور خود را با شرایطی بنامبرده واگذار مینماید .

قراردادهائی که تراکتوردار منعقد میسازد، برای شخم هرهکتار دربرابر ۲ تا ۳ سانتیمتر عمق جهت شخم زمین، ۴۰ تا ۵۰ تومان وبرای کوبیدن خرمن باتراکتورساعتی ۱۵ تا ۱۸ تومان وبا روزانه ۲۰۰ تومان وبرای کوبیدن هرخروار گندم یاجو(محاسبه براساس گندم یاجوی شمش خرمن) ۶ تومان مزد دریافت میدارد .

تراکتوردار ده طالب‌آباد دارای سه‌تراکتوراست که در ده طالب‌آباد و اطراف بشخم‌زنی وخرمن کوبی اشتغال دارند تراکتوردار طبق قرارداد کارهای این ده‌را بکارهای نقاط دیگرترجیح میدهد شاگردان تراکتوردار اغلب بومی نیستند وهرسه‌نفر برروی یک تراکتور کارمیکنند یعنی درتمام‌مدت ۲۴ ساعت که تراکتور کارمیکند، شب وروز دربیابان درکنار تراکتور بسر میبرند ، حقوق این افراد بین ۲۰ تا ۵۰ ریال بتفاوت ورزیدگی و سن آنها فرق میکند ولی کارگران علاوه براین حقوق، هرکدام روزی نیم‌من نان و ۳۰ ریال پول بابت خرجی خود از تراکتوردار دریافت میدارند . تراکتوردار ماهی دو هزار تومان از ارباب ده طالب‌آباد بابت شخم‌زنی ده میگیرد و در پایان هرسال وسعت زمینهای شخم‌زده وپول گرفته شده‌را محاسبه نموده تصفیه حساب مینمایند .

چهارپادار

چهارپادار یادراصطلاح «چاربدار» (راننده‌الاغ) کسی است که ازیک‌طرف مسئولیت‌رسیدگی به‌الاغ های اربابی بعهدهٔ اواست وازطرف‌دیگر مسئولیت حمل‌ونقل بارهای اربابی‌را بهرنقطه‌ای که خواسته باشند ببرندبعهده‌دارد .

چاربداران به‌اصول نگهداری الاغ ، تهیهٔ خوراك برای الاغ ها و باربری توسط آنها واردند وهمیشه وسائل لازم ازقبیل لُنگ ، جوالدوز، قاتمه (یکنوع نخ ضخیم سیاه‌رنگ ساخته‌شده ازموی بز)، زنجیر، سیخونک وامثال‌آن‌را همراه‌دارند. ازپیاده‌روی‌خسته نمیشوند واغلب‌سحرهابارالاغها رامی‌بندند وپیاده بشهر میروند ولی درمراجعت که چارپایان باری به‌پشت‌ندارند سوارشده وسعی میکنند باسرعت (دراصطلاح محلی چهارنعل) هرچه زودتر بده‌مراجعت نمایند.

بیشتر چاربداران‌نوعی لباس‌میپوشند که ازلباس‌دیگران مشخص‌است. پیراهن آنهادارای زمینهٔ تیره ویادودی‌یقه‌دار باشکافی که تاسینه‌بازمیشوداست،آستین‌آنهابلند ومچی‌است، درپشت پیراهن‌آنهاچینی‌است که گشادی پیراهن را درپشت جمع‌مینماید، درطرفین پهلوی این‌پیراهن‌ها دارای دوجیب بزرگ است.

شلوار آنها ازپارچهٔ ضخیم‌سیاه‌رنگ بارگه‌های نازك سفید که توسط بندی بنام «بندتنبان» بکمر آنها محکم‌میشود دوخته‌شده واین‌تنبان‌ها فاقد جیب‌است. چاربداران هنگام حرکت‌بیشتر لنگی‌بگردن‌میاندازندبطوریکه وسط لنگ‌بزیر چانهٔ‌آنها بدورگردن پیچیده وازدوطرف به‌پشت‌آنها آویزان میگردد.

درتابستانها جوراب بپا ندارند. کفش‌آنهاسینجونی Sinejuni دوره کرده‌است و درزمستانها جورابهای پشمی ضخیم بپا میکنند که بیشتر دست باف خود اهالی‌است.

چاربداران به‌تزئین الاغ های خود علاقه خاصی‌نشان میدهند وپیشانی وگردن و رونکی Rouneki الاغ هارا با انواع مهره و زنگها تزیین مینمایند. ازوسائل کارآنها زنجیر بلندی است با دانه‌های ریز (حدود یک‌متر) که دوسرآن بند چرمی دارد و مخصوص زدن الاغ ها است و سیخونکی که باآن‌الاغ هاراسیخ میزنند وآن‌عبارتست‌ازیک‌قطعه‌چوب به‌بلندی حدود ۱ سانتیمتر وبقطر حدود ۲سانتیمترکه دریک سرآن‌میخ تیزی فرو برده‌اند میباشد.

هرچندکه باورود ماشین بیشتر حمل‌ونقل بدان وسیله انجام میگیرد ولی هنوز چاربداران فراوانی دراین‌حوالی‌دیده میشوند. حقوق‌آنها قراردادی و وضعی نظیر چوپان وگاوچران‌دارند.

***

حدود ده سال است که بواسطه ورود ماشین بده طالب آباد دیگر احتیاجی به نگهداری چاربدار نیست ولی قبل از آن ده طالب‌آباد دارای چاربداری بود که ۳۶الاغ را اداره مینموده است و چهارده سال متوالی چاربدار اربابی ده طالب آباد بوده است. حقوق ماهیانه اش قبل‌از ۱۳۲۰ چهار تومان پول و ۲۰ من گندم بوده ولی از آن ببعد حقوق ماهیانه به ۳۰ تومان

پول و ۳من گندم ارتقاء یافته وهمه ساله هم دوجفت کفش (سینجونی) ویک نمدی توسط ارباب برای چاربدار خریداری میشده‌است و هربار که به‌شهر (تهران) میرفت . ۲ریال پول‌ناهار به‌او داده میشد ، نامبرده باهمان نمد درطویله اربابی درکنار الاغ ها روی تخت طویله میخوابیده ، دوساعت به‌آفتاب مانده بارهارا برای چاربدار بارمیکردند وحدود ساعت۹ صبح بتهران میرسیده است وپس‌از فروش بارها که چاربدار مسئول کم وزیاد آن میبوده حدود ساعت دوبعدازظهر از تهران حرکت کرده موقع غروب آفتاب به‌ده میرسیده‌است .

***

اصطلاحاتی که چاربداران بکارمیبرند عبارتست‌از :

چهارنعل = چهارپاشنه = تاخت تندراندن الاغ ها

یرقه	yorghe	نیمه تاخت رفتن بدون بالاوپائین انداختن‌سوار.
لوکه	okke،	نیمه‌تاخت رفتن با بالاوپائین‌انداختن سوار.
رونکی	rouneki	ران‌بند الاغ
پالان		گُرده پوش الاغ که بر پشتش نهاده روی آن سوار شده یا بار مینهند .
سرکش	sarkesh	روکش روی پالان، جنس‌آن‌پنبه‌ای‌ازجنس گلیم .
تنگ	tang	بندی که پالان وسرکش الاغ را بزیر شکمش‌محکم میکند .
مگس‌پران		بافته‌شده ازبندهای‌چرمی که جهت جلوگیری ازنشستن مگس روی‌صورت چهارپا، بصورتش آویزان میکنند
قشو	ghashou	ابزاری فلزی که لبهٔ آن دندانه دندانه است و جهت تمیزکردن بدن الاغ از گرد و خاك بکار برده میشود (قشوکردن) .
خرفشنگ	feshang	الاغ پیشتاز ، زرنگترین الاغ ها .
کم کردن	kom	معمولاً درساعتهای معینی به‌الاغ جو داده میشود اگر درساعت‌معین بدان‌جو داده‌نشود ویاجو رانشان‌داده‌ولی‌بدان ندهند حالتی درالاغ ایجادمیشود که‌دیگرا گرجورا هم درجلویش بگذارند نمیخورد، این‌حالت‌را دراصطلاح «کم کردن» مینامند .

چوپان

در ده طالب آباد حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ رأس گوسفند وجود دارد که در دو یا سه گله بچرا برده میشوند. یکی از گله ها تعدادش حداکثر به ۵۰ رأس میرسد ومتعلق به قصاب ده است که آنهارا برای فربه شدن نگهداری مینماید ولی دو گله دیگر که دارای تعداد ثابتی نیست متعلق به اهالی ده است که هرروز صبح تحویل چوپان شده هنگام غروب تحویل میگیرند واصولاً گوسفندها هنگامیکه وارد قلعه میشوند هر کدام بطرف خانهٔ صاحبشان میروند.

هر گله را دو تا سه چوپان سرپرستی میکنند و مسئولیت گله بعهده چوپان باتجربه‌ای است که دیگران زیردست او کار میکنند چوپانان گوسفندهارا در زمینهای ده بچرا میبرند و معمولاً بهمراه چوپانان چند سگ گله نیز دیده میشود. چوپانان حرفه‌ای باتجربه روزانه ۵۰ ریال حقوق میگیرند وهرساله ۲ من گندم بآنها نیز داده میشود واین حقوق درتمام مدت سال برایشان ثابت است وبعلاوه مقداری کوچین هم هنگام برداشت محصول بنامبرد گان داده میشود.

چوپانی که دارای شرایط فوق باشد درکارخود استقلال دارد وهمیشه کارد تیزی همراه دارد تادرصورت مشاهده مرض ناگهانی درهر گوسفند فوراً سر آن رابرد ودراصطلاح آنرا حلال کند وکسانی که گوسفندشان مریض شود به چنین شخصی مراجعه میکنند.

چوپانان نهارمنحصر بخودی بنام گورماست دارند که عبارتست از مخلوط گرمی از شیر و ماست که در آن نان ریخته میخورند آنها شیر را هنگام ظهر از گوسفندان دوشیده و برای گرم کردن آن آتشی افروخته وچند ریگ بزرگ (حدود نیم کیلو) را دروسط آتش گذارده آنهارا داغ نموده دروسط ظرف شیر میاندازند وبدینوسیله شیررا گرم میکنند.

تمام دهات دارای چنین چوپانانی هستند ولی شرایط استخدامی آنها یکسان نیست. مثلاً ده طالب آباد چون دارای گله گوسفندی که متعلق به یکنفرباشد نیست چوپانش شرایط استخدامی فوق را ندارد وچون گوسفندان متعلق بهمه است سرهرساله هرکس برای هر گوسفند ۳ ریال بابت حقوق بچوپان میپردازد. قصاب ده برای گوسفندان خود کودکی را دراستخدام دارد که درصورت کارکردن روزانه ۳ ریال باو اجرت میدهد.

حمامی

ده طالب آباد دارای یک حمام عمومی (متعلق به ارباب) است که بدون دریافت وجهی دراختیار حمامی ده گذارده شده است، این حمام توسط یک زن وشوهر اداره میشود که در نزد اهالی این زن وشوهر به اوسا (استاد) و زن اوسا (زن استاد) شهرت دارند. این حمام صبح زود وعصر وشب مردانه و بقیهٔ روز زنانه

است. افرادی که وارد حمام میشوند بایستی لباس خودرا پس‌ازکندن درپارچه‌ای پیچیده در گوشه‌ای ازسر بینه‌حمام بگذارند وآنگاه لنگی‌بکمربسته واردصحن اصلی‌حمام‌شوند. حمام کارگر ندارد و دهقانان خود بایستی‌خودشان را بشویند. حماسی‌درهنگام شلوغی‌حمام فقط در سر بینه مواظب لباسهای دهقانان است واغلب حمام باز وآب خزینه گرم است وهرکس خواسته‌باشد خود درحمام‌راباز کرده باستحمام میپردازد، بدون‌آنکه‌حماسی‌اطلاع داشته‌باشد زیرادهقانان‌پول حمام خودرا سالیانه میپردازند و درازاء این پرداخت میتوانند همه‌روزه ویا چند ماه یکبار بحمام روند یعنی یک دهقان درعرض‌سال‌هرقدرکه خواسته باشد میتواند بحمام برود ودرمقابل موظف است درپایان سال‌زراعی پنج‌من گندم وپنج‌من‌جو بابت پول‌حمام فردی‌سالیانه خود بپردازدولی اکنون‌این‌مقدار به ۷٫۵ من گندم و ۷٫۵ من‌جو در سال ترقی کرده‌است که توسط مالک‌جمع‌آوری شده به‌حماسی داده میشود. کودکان دهقان تا ده سالگی مجاناً بحمام میروند ولی از ده سال ببالا برای‌هریک سالیانه نصف‌اجرت گرفته‌میشود یعنی ۳٫۷۵ من گندم و ۳٫۷۵ من‌جو ولی ازپانزده سالگی ببالا دیگر تمام اجرت گرفته میشود وبنابراظهار مالک حماسی درهرسال ۸/٤ خروار گندم و جو عایدش میشود که نیمی‌از آن گندم ونیم‌دیگر جو میباشد علاوه‌برآن روزانه ۳ تا ٤ ریال پول‌نیز ازافراد مختلف میگیرد.

زنها هربار که بحمام روند دو عدد نان لباش یا یک نان تافتون بابت اجرت حمام خود میپردازند واین‌اجرت نقداً پرداخت نمیشود وهرچندروز یکبار زن‌حماسی‌بسراغ آنهائی که دراین مدت بحمام رفته‌اند میرود و نانهای سهمیه مزد حمام را جمع‌آوری میکند، ممکن‌است با درنظر گرفتن ارزش اجناس بجای نان، تخم‌مرغ، شیر، ماست و امثال آن داده شود. زنان یا مردانی که در ده وضع بهتری داشته باشند ماهیانه ۲ ریال برای پول‌حمام خود میپردازند و این افراد برای کودکان‌خود نیزماهیانه ۱ ریال میپردازند وباپرداخت این‌مبلغ‌خودوکودکانشان‌میتوانند همه‌روزه بحمام روند واگر شب باشد خود چراغی‌روشن‌نموده به‌تنهائی حمام میکنند و درپایان بیرون آمده درب حمام‌را می‌بندند.

هنگام برداشت محصول به‌حماسی‌هم کوچین داده میشود ولی این کوچین بطورحتم‌داده نمیشود وسخاوتمندی دهقان شرط اول‌دادن این کوچین است ولی به نامبرده اجازه داده میشود کلش‌های ته‌خرمن‌ها را جمع‌آوری نموده وبمصرف سوخت حمام جهت گرم نمودن آب برساند. خوش‌سینانی که دارای گندم و پولی‌نیستند کلش وعلف وتیغ از اطراف جمع‌آوری نموده وبابت اجرت‌حمام‌خود به‌حماسی میدهند.

خانه دار
(زن خوش نشین)

لازم بتذکر نیست که خانه‌داری بعهدهٔ زنان ده است که درانجام آن تخصص مخصوص بخودی دارند ولی این مسلم است که نحوهٔ برگذاری آن درهمه جا یکسان نیست. کارهای مربوط به خانه‌داری را در ده طالب‌آباد خصوصاً و دراین نواحی عموماً میتوان بدو دسته تقسیم نمود. یکی کارهای داخلی خانه ازقبیل تمیز کردن خانه، پخت وپز غذا، آوردن آب، بچه‌داری، دوشیدن شیر، نان‌پزی وامثال آن.

دستهٔ دوم فعالیتی است که تقریباً کلیه زنان روستا در خارج از خانه انجام میدهند مانند جمع‌آوری سوخت (فضولات گاو و گوسفند)، خوشه‌چینی، پنبه چینی، چغندر سرکردن و امثال آن که معمولاً درانجام این فعالیت دومی زنان باتفاق پسران ودختران خود بدان مبادرت میورزند واکثر غذای خودرا هم هنگام ظهر درسرمزرعه صرف مینمایند واین کارهنگام پنبه‌چینی وچغندر سرکردن آشکارا مشاهده میشود که هرصبح هردهقان عضو بنه باتفاق زن و فرزندان و احیاناً پدر ومادر کهن‌سال خود بمزرعه رفته تا شام باتفاق کار میکنند و نهار و چای‌را نیز باتفاق هم صرف مینمایند. زنان منفردی که در ده زندگی میکنند دارای چنین وضعی هستند وکلیهٔ کارهای فوق یعنی خانه‌داری وفعالیت‌های اقتصادی را خود به‌تنهائی انجام میدهند، آنان انفرادی زندگی میکنند و در ردیف خوش نشینهای ده بشمار میروند.

دروازه بان (دربان)

ده طالب آباد دارای در ورودی بزرگی است که تنها درآمد و شد کلیهٔ اهالی است. مسئولیت بستن و گشودن در قلعه باشخصی است که دروازه‌بان نام دارد وازطرف ارباب بدین سمت منصوب شده‌است. او درپشت درقلعه اطاق کوچکی دارد که خود وخانواده‌اش درآن زندگی میکنند. این شخص ازسال ۱۳۳۰ ببعد منحصراً کارش دروازه‌بانی بوده (قبل ازآن زنی دروازه‌بان قلعه بوده‌است) ودرازاء این کارسر هرماه ارباب ده ۳۰ تومان پول به‌اوداده و هررعیت هم موظف است ۳ تا ۵ ریال بابت دوازه‌بانی بنامبرده بدهد چه‌او در را برای احشام رعیت‌ها وخانوار آنها بازوبسته میکند.

درسال ۱۳٤۰ بدروازه بان علاوه بر دربانی شغل دیگری هم داده شد و آن عبارت بود از نظافت وپاکیزه نگاهداشتن ده که همه روزه چون یک سپور شهرداری بنظافت ده میپرداخت ولی درسال ۱۳٤۱ نامبرده با حفظ سمت دروازه بانی کارگر مرغدانی ده شد و مسئولیت دروازه‌بانی رابهمسر خود واگذار نمود واین تقسیم شغلی بین دروازه‌بان وهمسرش تازمان حال هم وجود دارد.

دشتبان

دشتبان کسی است که حفظ و حراست اموال منقول و غیرمنقول بنه‌ها را بعهده دارد. وی وظیفه دارد ازسرقت‌های مختلف در ده جلوگیری‌نموده وبرای‌این‌منظورپیوسته درزمینهای مزروعی واطراف ده بگردش‌وپاسداری بپردازد وآخرین اطلاعات راجع به اموال واشیاء خارج ازقلعه‌را داشته باشد.

معمولاً دشتبان از میان افراد جسور و قوی وترس‌ده انتخاب میشود زیرا دشتبان‌وظیفه دارد توسط مادیان ، اسب ، دوچرخه و یا موتور در کلیه زمینهای مزروعی به گشت پرداخته ازکلیهٔ‌اموال بنه‌ها پاسداری کند. مواظبت ازدرختان، قنوات، دیوارها، پل ها و امثال‌آن‌بعهدهٔ دشتبان است.

دشتبان ده طالب‌آباد به‌انتخاب ارباب بدین‌شغل گمارده میشود و حقوق ماهیانهٔ خودرا که عبارت‌از ۲۰۰تومان پول و۲ من گندم‌است از ارباب دریافت میدارد و سالیانه مبلغ ۶۰۰ تومان‌هم کمک بلاعوض بنامبرده میشود که دراصطلاح محلی بسوز نام دارد، روی‌همین اصل دشتبان موظف‌است درکارهای خود نفع مالک‌را به‌نفع دیگران ترجیح دهد.

سلمانی

سلمانی سالیانه کار کسی است که هرچندگاه یکبار (معمولاً یک ماه) با کیف محتوی‌اثاثیهٔ سلمانی‌خود درمحل کار دهقانان حاضرشده وبا گفتن جملهٔ«خداقوت‌دهد» جویای‌احوالپرسی‌آنهامیشود. درصورت‌احتیاج‌وتذکر دهقانان سر وصورت آنهارا اصلاح کرده و بدون گرفتن اجرت خداحافظی نموده بسراغ دهقانان بنه‌های دیگر میرود و دائماً در زمین‌های مزروعی دهات طالب‌آباد ، قلعه‌نو و قمی‌آباد بدنبال مشتری میگردد.

معمولاً هرچند ده دارای‌یک سلمانی‌میباشد، این‌سلمانی موظف است درمدت‌یک‌سال سر و صورت دهقانان‌را اصلاح‌نموده و درپایان برداشت‌خرمن هردهقان پنج من گندم و پنج من جو بابت‌اجرت سالیانه به‌سلمانی‌خود میپردازد. علاوه برمحصول‌فوق به‌سلمانی سالیانه کار ، کوچین هم تعلق میگیرد وهنگام برداشت محصول بنامبرده بیش‌از دیگران کوچین‌داده میشود.

سلمانی ده طالب‌آباد خود ازاهالی‌قلعه‌نواست که‌سلمانی‌بودن ده‌را قبول کرده‌است وعلاوه براین ده ، درچند ده دیگر بدین کار اشتغال دارد که درآن دهات هم سالیانه کار میباشد ولی اگر در همین دهات‌فرد غیردهقانی را اصلاح نمایدسه تا ۵ ریال اجرت‌جهت اصلاح ازنامبرده دریافت میدارد.

ده طالب آباد دارای یکنفر شیرکش نیز هست که همه روزه صبح زود

شیرکش بدر منزل یک‌یک افرادی که دام دارند رفته ومقدار شیری که آنهابرای فروش عرضه میدارند گرفته درمقابل رسیدی میدهد واین رسید اغلب روی چوب‌خط مشخص میشود ودرابتدای هربرج‌حساب دارندگان چوب‌خط تصفیه‌میشود. ولی این شیرکش بتازگی‌مهری برای‌خود درست کرده ودرمقابل‌شیردریافت‌شده نسبت بوزن‌آن‌مهرمیدهد وپس‌ازمدتی که ازمرکز فروش شیرپول گرفت حساب افرادرا تصفیه کرده مهرهارا پس‌میگیرد.

شیرکش خود مجموع این شیرهارا درشیردوش ریخته برای فروش بشهر حمل میکند و مقدارشیری که بشهر حمل میشود روزانه بین ۲۰ تا ۹۰ من در نوسان است که حداقل آن مربوط بزمستان وحداکثر آن مربوط به‌تابستان‌است، دهقانان بیشتر شب شیر خودرا درظرف مسطحی خوابانده وسرشیری‌را که روی آن جمع‌میشود میگیرند روی همین اصل شیرگوسفند آنها ۱۶٪ از شیرگاو موجود در ده ارزان تر خریداری میشود ولی معمولاً شیرگاو و گوسفند توسط شیرکش مخلوط شده وبشهر حمل میگردد، بزرگترین‌خانوارهائی که شیرخودرا برای‌فروش عرضه‌میدارند درتابستان روزانه بیش‌از سه‌من نمیشود.

شیرکش ده برای هریک من‌شیر که به‌محل فروش حمل‌میکند سه‌ریال‌حق‌الزحمه‌دریافت میدارد زیرا نرخ معمولی شیر هرچه درشهر باشد نامبرده باسه‌ریال کمتر از دهقانان میخرد ولی قیمت واقعی‌شیر بامقدارخامهٔ موجود در آن‌سنجیده میشود چه در مرکزخرید شیر، شیرهای‌عرضه شده‌را چرخ نموده خامهٔ آنرا گرفته برای‌هر ۲٫۵ تا ۳ سیرخامه بهاء یک من شیرپرداخت میشود.

چنانکه درپیش یاد شد یکی‌از دودکان ده طالب‌آباد هم‌بقالی‌است وهم

قصاب قصابی، یعنی قسمت اعظم دکان بقالی و بقیهٔ آنهم قصابی است. شغل اصلی قصاب ده سقط فروشی‌است نامبرده گاهگاهی تعدادی گوسفند لاغر از قصابخانه خریده وچوپانی‌را باروزی ۳ ریال استخدام کرده‌تا گوسفندها را برای فربه شدن در اطراف‌ده چرانیده‌تا پس‌ازفربه‌شدن‌درتابستان روزانه‌یک یادوعدد ودرزمستان یکروز درمیان‌یک عددآنهارا کشته درده طالب‌آباد وشمس‌آباد بفروش‌برساند. نامبرده‌از پرداخت‌پول‌بابت چرای گوسفندان در زمینهای ده معاف است.

برای فروش گوشت قصاب ده مهرهائی‌ساخته‌است که هرکدام آنها برابر باپنج‌سیرگوشت بارزش ۲۵ ریال است، درابتدای هر برج که دهقانان پول‌نقدی مساعده خود را یکجا تقدیم او

میکنند او در مقابل گرفتن . . ۲ ریال وجه مساعده . . ۵ ریال مُهر به آنها تحویل میدهد این مهرها عبارتند ازمهرهای ۵ ریالی، ۱۰ ریالی و پنج سیر گوشتی و دهقانان با دادن مهر اجناس خود را دریافت میدارند.

بزرگترین رقم فروش گوشت در این ده پنج سیر و کمترین رقم فروش گوشت پنج ریال است، اکثر دهقانان بیش از ۲٫۵ سیر گوشت نمیگیرند وآبگوشت آنرا هم دو دفعه میخورند.



قصاب ده طالب‌آباد دربیرون قلعه داری بپا کرده و گوسفند کشته شده را برای تمیز کردن و پوست کندن بدار میآویزد، پس ازخارج کردن محتویات شکم، فضولات واعضاء آنرا بداخل چاهی که در زیر دار ساخته شده ریخته گوشت‌را برای فروش بداخل دکانش حمل مینماید ودرحقیقت محلی که در عکس دیده میشود کشتارگاه ده طالب‌آباد میباشد.

قصاب ده اول هر برج . . ۲ تا . . ۳ تومان پول از مساعده دهقانان دریافت میدارد ولی روزهای بعد، درروزهای زمستان روزانه . ۲ تا . ۳ ریال ودرتابستان روزانه . ۱ تا . ۲ تومان فروش نقدی دارد وبقیه فروشش نسیه است.

کارگر روزمزد

حدود نیمی از خوش نشینان ده کارگران روزمزداند که برای کاربهرنقطه‌ای رهسپار میشوند و اغلب با پیدا کردن کار از نقطه‌ای بنقطه دیگر کوچ میکنند و برای انجام کار روزانه تاحدود دو فرسنگ از ده مسکونی خود دور میشوند.

۴۳٪ ازخوش نشینان ده طالب‌آباد کارگران روزمزداند وسرگردان وشغل آنها هرچندروز یکبار تغییرمینماید. اغلب خود وخانواده‌این افراد بهرکاری که اندك درآمدی درآن باشد دست میزنند. تیغ کنی دربیابان، جمع‌آوری کلش، خوشه‌چینی، پنبه‌چینی، سرکردن چغندر، پیازکنی،

کوله کشی صیفی، پشته کشی، کارگر بنائی واصولاً هر کاری که در ده وجود داشته باشد بدان اشتغال میورزند، بهترین مزدی که کارگران مزدور درده دریافت میدارند از ۸ ریال تجاوز نمیکند ودر مقابل این مزد ساعت کار آنها تمام مدتی است که هوا روشن است واین گفته بین آنها شایع است که کارگر روزمزد بایستی سرتیغ آفتاب مشغول کارشده اذان مغرب ازکار دست بکشد.

کفش‌دوز (پینه‌دوز)

در ده طالب‌آباد یکنفر کفش‌دوزاست که محل کارش نه‌دری دارد و نه سقفی زیرا طاقنمای پشت در قلعه محل کار نامبرده‌است ، تنها سرمایه او چهارپایه کوچکی‌است که روی آن می‌نشیند وبجز ظرف آب و قدری چرم و کفش کهنه چیز دیگری درکنارش دیده نمیشود.

تنها کار نامبرده دوره کردن گیوه است یعنی اطراف گیوه دهقانان را چرم میگیرد تابواسطه زیاد راه رفتن و درکلش وتیغ حرکت کردن گیوه بزودی پاره نشود ، کفش‌دوز ده طالب‌آباد درمدت یکسال حدود یکصد جفت کفش دوره میکند که ۳۰ جفت آن مربوط بده طالب‌آباد ۲۰ جفت هم‌سال شمس‌آباد و ۵۰ جفت بقیه متعلق بدهات دیگراست. وی برای دوره کردن هرجفت کفش ۱۱ ریال اجرت میگیرد که ۶۰ ریال آن خرج مواد اولیه و ۵۰ ریال بقیه برای مزد آن باقی میماند، روزهائی که نامبرده بکاراشتغال داشته باشد از صبح تاشام بیش از یک جفت گیوه نمیتواند دوره کند چون علاوه بر دوره کردن ظریف کاری را نیز در بر دارد.

نامبرده بسیاری از روزهای سال را بیکاراست، زیرا کاری باورجوع نمیشود ازاینرو هرگاه کار موقتی پیداشود اوهم موقتاً کفش‌دوزی را تعطیل کرده بدان کارمیپردازد وهنگام خوشه‌چینی وپنبه‌چینی خود وخانواده‌اش بجمع‌آوری خوشه وپنبه‌چینی میپردازند.

گاوچران

گاوچران کسی‌است که همه روزه گاوهای شیری ده‌را برای چرا به صحرا برده تاشام بچرانیدن آن اشتغال دارد. گاوچران ده طالب آباد همه روزه گاوهای شیری ده‌راجمع‌آوری کرده وشب همانروز هرگاورا بدست‌صاحبش میسپارد ودرمقابل حقوق ماهانه‌ای در ازاء چرانیدن هرگاو باو داده میشود که این‌مبلغ در ده طالب‌آباد برای هرگاو ۱۰ ریال میباشد.

گاوچرانان دیگری هم در ده طالب‌آباد هستند که به‌آنها شاگرد گاودار میگویند چه‌در شش‌ماه‌اول‌سال یونجه ده‌توسط گاوداران اجاره‌شده وحدود یکصد رأس گاو با چندین شاگرد گاودار واستاد کارغیربومی بده‌آمده ومدت شش‌ماه ساکن‌میشوند وشاگردها زیرنظر استاد کارخود انجام وظیفه‌می کنند. اینان اغلب درکارمربوط بخود تخصص دارند ودربین آنها دامپزشک روستائی هم

دیده میشود چه اغلب مشاهده میگردد که بواسطه زیاد خوردن یونجه شکم گاوی باد میکند دراینصورت استاد کار دامپزشک با کارد وچوبی روی شکم گاورا سوراخ نموده بادرا خارج و گاورا ازخطر مرگ حتمی نجات میدهد.

استاد کار تهیهٔ علیق، دوشیدن وچرا بردن گاوها را بنوبت بین شاگردان تقسیم میکند، نامبردگان شب‌ها هم درکنار گاوها میخوابند وسحرگاه آنهارا بچرا میبرند و دوبار در هرروز شیر آنهارا میدوشند وحقوق روزانه آنها بین ۷ تا ۱۰ تومان نسبت به تجربه‌شان تغییر میکند.

معلم

طالب‌آباد تاسال ۱۳۲۰ معلمی داشت که برای فرزندان خردسال اربابی بده دعوت شده بود ودرواقع معلم سرخانه بود وکلیهٔ مخارج واحتیاجاتش توسط ارباب ده براورده میشد.

درسال ۱۳۲۰ مدرسه‌ای برای ده طالب‌آباد ساخته گردید ومعلمی هم از ورامین برای این مدرسه دعوت شد که هم معلم بود وهم مدیر. او ساعتهای درس را بمیل خود تنظیم مینمود و بمیل خود کلاس درس و یا روزهای متوالی را تعطیل مینمود. حقوق ماهیانه این معلم توسط ارباب ده تأمین میشد ونامبرده دراین اواخر ماهیانه ۱۸۰ تومان پول و ۳۰ من گندم بابت حقوقش دریافت میداشت.

ازسال ۱۳۴۱ چون بنای تازه سازی بجای بنای قدیمی مدرسه بنا شد ودبستان دولتی گردید دومعلم ویک مدیر که دراستخدام فرهنگ شهرری میباشند باین ده آمده و در ده ساکن شدند که ازنظر حقوقی تابع شرایط استخدامی فرهنگ میباشند، مدیر مدرسه دانشجوی دانشکدهٔ حقوق و دومعلم آن دیپلمه ازشهرستانها هستند وارباب ده نیز کمک‌هائی بدانها مینماید.

نجار

نجار سالیانه کارکسی است که در مدت یکسال زراعی برای هرجفت گاو یکدست یراق، یکعددجفت، یک‌عدد جام‌پاتی، یکعدد جام کلشی، یکعدد دستگیره‌را باخرج خود ساخته وبلاعوض بدهقانان واگذار مینماید، بعلاوه تعمیرات جزئی وابزاردیگر بنه ازقبیل دسته کردن بیل، عوض کردن دنده‌های جام، ساختن میخ برای بستن گاوها، تعمیرات یراق کهنه راانجام داده ومجاناً دراختیاردهقانان قرارمیدهد وضمناً نجار موظف است بهردهقانی یک‌عدد اسبرك بیل مجاناً بدهد وتعمیرکرسی منزل آنها و سایرکارهای کوچک ازاین‌قبیل را نیزانجام دهد.

سهم نجار درازاء کار سالیانه برای هرجفت گاو ۲۰ من گندم و ۲۰ من جو و ۴۰ من کاه میباشد که درپایان برداشت محصول به‌او داده میشود یعنی هربنه‌ای که دارای دو جفت گاو

است در هر سال دوبرابر محصول فوق یعنی ۴ من گندم و ۴۰ من جو و ۸۰ من کاه را به نجار مربوط میدهد، البته مقدار کاه فوق در دهات مختلف فرق میکند.

علاوه برسهم فوق به نجار سالیانه کار، کوچین نیز تعلق میگیرد و سر هر خرمنی که برود حدود ۲ تا ۳ من گندم یا جو بنامبرده داده میشود، هنگام برداشت محصول صیفی، نجار سالیانه کار موظف است وسائل موقتی نجاری را برداشته درمحل رفته با کوبیدن میخهای صندوق و کارهای سبکی ازقبیل آن مقداری ازمحصول را بلاعوض گرفته مراجعت نماید ومعمولاً اینگونه افرادجهت انجام کارهای نجاری بنه ها دردهات با سادیان حرکت میکنند، زیرا زیادی راه وهمراه داشتن وسائل کار مانع ازاین است که پیاده حرکت نمایند

نوکر ارباب

نوکر ارباب ده طالب آباد جوانی است که شبانه روز درمنزل اربابی بسر برده وشغل اصلی واساسی او آشپزی وبچه داری است وازبچه های خردسال ارباب مواظبت مینماید ودرمقابل این کار هرماه یکصد تومان حقوق دریافت میدارد. غذا و لباس وی نیز بعهده ارباب است و گاهگاهی هم انعامی توسط ارباب به اوداده میشود و هنگام عید نوروز هم توسط خانواده اربابی عیدی دریافت میدارد، نامبرده ضمن کار درخانه ارباب هنگام پنبه چینی به چیدن پنبه رفته وازاین بابت هم مزدی نصیبش میگردد.

نان پز

نان پزی مخصوص زنان ده است که تخصصی در این کار دارند. افراد متخصص برای نان پزی دعوت میشوند وبرای پختن هریک من آرد یک عدد نان لباش مزد میدهند وبرای ده من آرد ده عدد نان لباش ویک نان تافتون مزد داده میشود در ده طالب آباد نان پزهای حرفه ای نیز وجود دارند که فقط نان مزدی میپزند. آنها بیست ودو من گندم گرفته بیست من نان پخته تحویل میدهند ولی معمولاً درمورد نان پزی همسایه ها بهم کمک میکنند.

دردهات نزدیک شهرری چند سالی است که کمتر نان توسط دهاتی ها پخته میشود وازشهرری نان میخرند ولی بواسطه تقریباً دوری ده طالب آباد ازشهر نانهای شهری درآنجا رواج نیافته است ونانشان را خودشان تهیه میکنند. دراین ده هرچند منزل همسایه یک تنور نان پزی دارند، هنگام نان پزی سه نفرزن بدین کار مبادرت میورزند. یکی چانه میگیرد، یکی پهن کرده وبه تنور میزند یکی هم پختهٔ آنرا ازتنورخارج میکند ومعمولاً بیکدیگر کمک هم مینمایند، واحد کمکی آنها من است مثلاً میگویند چند من نان کمکش پختم و بایستی همین مقدار نان بکمک ما بپزد. سوختی که برای روشن کردن و روشن نگاهداشتن این تنورها بکار میرود سوخت گوسفندی و گاوی است ودیزی های

نهار یاشام خودرا هم دراین‌تنورها میپزند واگر زمستان باشد در پایان کار آتش تنور را برای کرسی های خود میبرند ، بیشتر خانوارها برای خود نان‌لواش، نان خشک و نان تافتون تهیه میکنند که دراصطلاح محلی نان‌ورزنه، نان دونمه ونان تافتون (نان ضخیم) مینامند.

گندمی که هررعیت برای‌نان اختصاصی خود آرد مینماید همان ۲۰ من گندم‌سهمیه‌ماهیانه اواست، تاسال ۱۳۳۹ برای آرد کردن این گندم‌ها ، آنرا بار الاغ نموده به ده فیروزآباد در دو فرسنگی ویا شهرری میبردند وبرای آنها خیلی گران تمام‌میشد مثلاً برای یکبار گندم که ۵۰ من باشد یک مرد بایک‌الاغ یک‌روز معطل‌میشد ولی امروز یک آسیاب موتوری سیار این مسئله‌را حل کرده‌است، آسیای موتوری که هرچند روز یکبار بدین ده میآید قادر است ظرف یکروز تمام گندم اهالی‌را آرد کند چه ساعتی ۳٫۵ تا ۸ خروار گندم را قادر به‌آرد کردن است و نسبت بنوع سفارش‌محصول‌را نرم‌تر وبا زبرتر آرد میکند ودرعوض ۶٪ ازآنرا بعنوان مزد کار خود برداشت مینماید درصورتیکه آسیای آبی ۵٪ محصول‌را بعنوان مزد کار برداشت مینمود معهذا اهالی‌از پیدایش آسیای موتوری راضی بنظر میرسند. آسیای‌موتوری سیار درتمام دهات گردیده گندم و



آسیاب سیّاری که گاهگاهی بده طالب‌آباد آمده گندم وجوی اهالی را آرد میکند

جوی اهالی را آرد مینماید . صاحبان آسیای آبی که وضع‌را چنین‌می‌بینند خیلی مایل‌اند با آن بمبارزه برخیزند ازاینرو اکثر شایع مینمایندکه آرد آسیای موتوری خوب نیست چه‌بوی بنزین موتور بدان سرایت کرده وطعم نان‌را تغییر میدهد

***

ابزارکار واصطلاحاتی که درمورد تنور ونان‌پزی بکار برده میشود :

و رآمدن خمیر آماده شدن خمیرجهت چانه گرفتن وپختن .



دو تصویر از تنور

سمت راست آلات و ابزار نان پزی و نانی که بسینهٔ تنور زده‌اند و در سمت چپ زنانی که باتفاق مشغول نان پختن‌اند مشاهده میشود.

ترش‌شدن خمیر — زیاد ماندن‌وعمل تخمیردرآن انجام‌شدن.

مایه خمیر — مایه‌خمیر یا ترش، خمیرقبلی‌است که مانده وترش‌شده وبرای‌ساختن‌وآماده شدن خمیرتازه کمی بدان میافزایند.

خلبر kholbar — سوراخ کوچکی درزیرتنور جهت هواکش.

سیخ — میله‌آهن بلندی جهت بهم‌زدن آتش‌های تنور.

انبر — آلتی‌جهت گرفتن وبیرون آوردن نانهای پخته شده.

شالی — پارچه‌ای که روی تخته شالی بسته میشود.

دمکونی damkuni — ابزاری که توسط آن‌نان‌را به‌تنور میزنند.

کج‌بیل — بیل کوتاه وسرکجی که توسط آن سوخت بداخل تنور ریخته میشود.

ورزنه — ابزاری که توسط غلطاندنش روی چانه خمیر آنرا پهن‌میکنند.

تخته ورزنه — تخته‌ای صاف دارای پایه کوتاه که چانه‌روی آن پهن‌میشود.

نان ورزنه — نوعی نان نازك.

نان دونمه — نان خشکه حد وسط بین‌نان سمنانی وتافتون.

نان کماج — نان تافتون.

نان دوالکه — نوعی نان‌است بین‌نان‌خشکه ونان دوالکه.

نان خشکه — نانی که‌پس ازپختن خشک‌میشودولی‌بازدن گل‌نم‌آبی بدان‌دوباره‌نرم‌میشود.

نان سمنانی — نان نازك كه پس از پختن خشك شده وروزهای متوالی هرزمانی كه احتیاج باشد بازدن آب بدان نرم شده آماده خوردن میگردد.

نان توتك — نان كوچكی كه برای كودكان تهیه میكنند.

نان تافتون — یكنوع نان ضخیم كه مصرف آنی دارد ونمیتوان مانند نان خشك وسمنانی روزها آنرا نگاهداشت زیرا بقدری خشك میشود كه دیگر قابل استفاده نخواهد بود.

***

خوشه چین — خوشه چینی یعنی جمع كردن ته مانده خوشه های گندم پس از جمع آوری گندمهای درو شده. خوشه چینی در ده هنگام برداشت دسته های دروشده گندم یا جو صورت میگیرد كه برداشتن دسته پشته نامیده میشود و این كار مخصوص زنان، كودكان، خوش نشینان واطرافیان است و ۷۰ تا ۸۰٪ این افرادرا كودكان خردسال تشكیل میدهند كه باز ازآن میان اكثریت آنهارا دختران خردسال تشكیل میدهند.

تاهنگامیكه برداشتن دسته پشته ادامه دارد خوشه چینی هم در ده مشاهده میشود. این افراد بمجردی كه دسته گندمی را اززمین برداشته بسرعت بطرف آن دویده خوشه های جامانده زیر آن را جمع آوری مینمایند. این كارمخصوص افراد زرنگ جمع كنندگان خوشه است و الا بایستی قدری دورتر بدنبال خوشه بگردندواغلب پس از پایان كار درگوشه ای ازبیابان بكوبیدن خوشه های جمع آوری شده مشغول میگردند، ورزیده ترین آنها درسراسر روز قادر بجمع آوری بیش از هفت من خوشه نیستند.

اطرافیان وافرادغریبه ای كه درفصل بهار وتابستان بده میآیند بیشتر هدف آنها جمع آوری خوشه است وپس از برداشتن دسته پشته بمحل دیگری كوچ مینمایند و همیشه در حال كوچ بدنبال جمع آوری خوشه تغییرمكان میدهند ومعمولاً مشاهده میگردد كه این افراد ازسمت ورامین بدهات غار آمده سپس بسمت شهریار رهسپار میگردند.

كوچین گیر — كوچین گرفتن یعنی گرفتن مقدار كمی گندم یا جوی بلاعوض كه دهقانان بمراجعه كنندگان بخشش میكنند، كوچین رفتن مخصوص افراد خردسال ده یابعضی ازبزرگسالان است كه دراین باره حقی برای خود قائل اند مثلاً سلمانی ده كه سر وصورت دهقانان را اصلاح میكند كوچین را حق خود میداند و یا چوپانی كه دام دهقانان را میچراند هنگام برداشت محصول انتظار كوچین گرفتن دارد. این افراد هنگامی كه گندم بصورت شمش (گندم جداشده ازكاه) درآمد بمنظورگرفتن كوچین ازكنارخرمن گذشته





دو منظره از جمع‌آوری خوشه توسط خردسالان ده طالب‌آباد

پس‌ازبرداشت‌هرپشته بلافاصله خوشه چینان بمحل زیردسته که خوشه‌هائی ازگندم‌باقیمانده وریخته است هجوم برده بجمع‌آوری خوشه‌ها میپردازند.

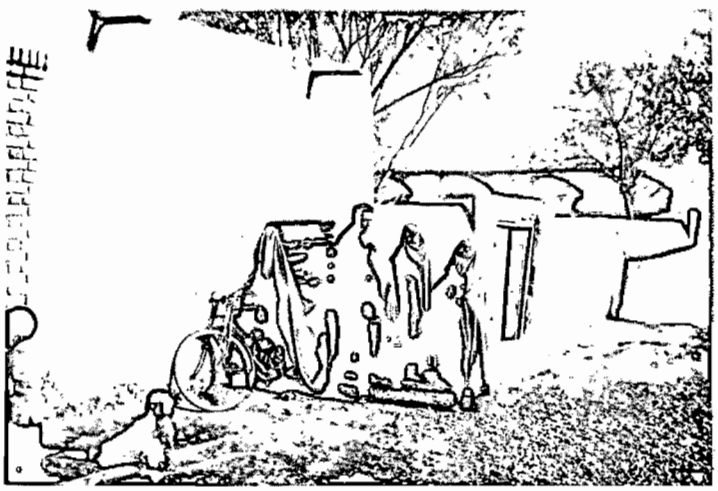
با گفتن جمله «خدا قوت‌بده» و سلام نمودن، غیرمستقیم تمنای گرفتن کوچین را دارند ورعیت‌ها که بخوبی آگاهند بچه کسانی کوچین تعلق میگیرد مقداری گندم یا جو که اندازه‌اش دو یا سه مشت (حدود دو کیلوگرم) خواهد بود بدانها میدهند.

کوچین گرفتن برای کسانی که درطول سال بنحوی بدهقانان کمک کرده‌اند درده معمول و امری‌است عادی وافراد فوق بدین‌منظور گاهی درتمام‌روز درتلاش‌اند ونتیجه مثبتی هم عاید آنها میشود. بغیرازافراد ده دراویش وچادرنشین‌ها وافرادمتفرقه زیادی‌دراطراف ده دیده‌میشوند که کاری‌جزسرخرمن رفتن و کوچین گرفتن ندارند وخودوخانواده‌آنهاتمام‌روزبدین کاراشتغال‌دارند و برای‌نتیجه گرفتن‌بانواع حیله و نیرنگ متوسل‌میشوند که گوشه‌ای از زندگی آنها در دهات، در بیان قشر بازیان یادآور گردیده است.

دادن کوچین به سخاوتمندی دهقان کوچین‌دهنده بستگی دارد زیرا ممکن‌است به‌مراجعه کننده‌ای کوچین داده شود ویا جواب رد بنامبرده دهند.

نجار، آهنگر، سلمانی، حماسی، چوپان، فرزندان دهقانان وخوش‌نشینان ده‌ازجمله کسانی هستند که کوچین بدانها تعلق‌میگیرد.

علاوه‌برگروههاوقشرهائی که‌قبلاً یادآورشد دوره گردانی‌برای‌فروش اجناس خود گاهگاهی



طوافان و دوره گردان گاه گاهی بده طالب‌آباد هم سری میزنند

شخصی که درعکس‌مشاهده‌میشود بزاز دوره گرد دهات اطراف ده طالب‌آباداست که گاهی به‌طالب‌آباد هم سری میزند وزنان ده نشین بدورش جمع شده وازقیمت‌پارچه‌ها سئوال میکنند تاشاید قدرت خریدرادرخود دیده به‌خرید پارچه مبادرت ورزند.

بده طالب‌آباد میآیند زیرا طالب آباد هم یکی ازپاطوق‌های فروش این دوره گردان است که بمردم نسیه هم میدهند واجناس خودرا بجای پول با گندم، جو، تخم‌مرغ ونان نیز تعویض میکنند.



یک فروشنده دوره گرد در ده طالب‌آباد
کلیهٔ محصول مورد فروش دوره گرد درخرجینی‌است که روی الاغش مشاهده میشود
و ترازوی آن در روی خرجین قرار دارد

بااین‌ترتیب مشاهده میشود که در ده طالب‌آباد گروهها وقشرها وتیپ‌های مجزا ازهمی زندگی میکنند که تشخیص آن برای تازه واردین وغیربومیان ممکن‌نیست ولی این تقسیم‌بندی طبقاتی برای افراد محلی و همسایگان نزدیک چون چراغ درخشانی قابل رؤیت است ازاینرو نگارنده گروهها وقشرها را آنطور که در ده مشخص‌اند جمع‌آوری وطبق معتقدات محلی بتقسیم‌بندی آن مبادرت ورزید وبصورتی که درصفحات پیش‌ملاحظه میگردد مدون نموده وتقدیم داشت.

فصل پنجم

کشاورزی

کشاورزی در ده طالب‌آباد اساس وزیربنای همه کارهااست چه‌موجودیت مادی‌ومعنوی مردم بر کشاورزی استواراست، همه‌جا صحبت‌ازکشت و زرع است، بیشتر صحبت‌ها مستقیم وغیر مستقیم وابسته به‌مسائل کشاورزی است ۶۷٪ از مردان فعال ده مستقیماً کشاورزاند و با زمین اربابی سروکار دارند، ۲٤٪ آنها که خود مستقیماً کشاورز نیستند اما کار و اقتصاد آنها مستقیم وغیرمستقیم بکشاورزی‌ده وابسته‌است و۹٪بقیه که اکثرشان کارگران مزدور ده هستندمیتوانند ازاین‌قاعده مستثنی‌باشند ولی‌اغلب آنها هم کارشان غیرمستقیم به‌امورکشاورزی بستگی دارد، کشاورزی این‌ده درسالهای اخیر گام تازه‌ای درراه تحول‌خود برداشته‌است کشاورزان باتکنیک تازه‌ای آشناشده‌اند که هردو شکل‌قدیمی وکنونی‌آن درزیر بیان میگردد :

کشاورزی کهنه و قدیمی

شکل کشاورزی ونحوهٔ برداشت محصول اززمین‌تقریباً درتمام‌موارد همان روشی‌است‌که ازصدها سال قبل در این ده معمول بوده است مثلاً برای بذرپاشی آبیار لنگی بکمربسته، بذر را درآن ریخته ، درزمین مورد کشت حرکت‌کرده مشت‌مشت بذر می‌پاچد . برای جمع‌آوری محصول دروشده، محصول‌را دسته‌دسته بسته با کول گرفتن تامحل خرمن‌حمل‌میکنند وپس‌از کوبیدن بایستی‌منتظر باد باشندتاهنگام وزش بادمخلوط کاه‌وگندم‌را بهواریخته توسط‌بادازهم‌جدا گردد واغلب اتفاق میافتدکه چندین روز متوالی‌باد نمیوزد و دهقانان بیکار منتظر باد میمانند تاپاتی‌را آغاز کنند . باوجودیکه چندین هکتار مربع‌محصول یکجازیر کشت دیده‌میشود ولی هنگام درو درهرآن‌بیش‌از چند بوته بادست درونمیشودوبسیاری‌ازبوته های درو شده محصول‌ازدست‌آنها ریخته وجمع‌آوری

میگردد وهنگام برداشت دسته های دروشده تهآن جمع آوری نمیشود . وقتی که صاف کردن زمین باتمام رسید وشخم کاشته شد بازهنگام آبیاری ناصافی وناهمواری زمین آشکارمیگردد وهنگامیکه آب روی زمین درحال حرکت است بانوك بیل و کوشش فراوان بصاف کردن میپردازند ودراصطلاح محلی کشار میزنند ودرقسمتهائی ازعرض کرتها سرز جدیدی میکشند، نوع محصول همان نوع قدیمی است که مدتهااست کشت آن همساله تکرار میشود ولی باتمام این احوال گام تازه‌ای در راه کشاورزی جدید برداشته شده‌است که عبارتست از:

کشاورزی جدید

با ریشه عمیقی که کشاورزی قدیمی در این ده دارد بازکشاورزی جدید جائی برای خود بازکرده‌است دیگرشخم زنی زمین ها و کوبیدن خرمن مطلقاً با گاو انجام نمیگیرد و اصطلاحاتی که هنگام شخم و خرمن کوبی با گاو استعمال میشد کمتر بگوش میرسد، دیگردراین ده چهارپادارنیست واین شغل برای همیشه ازبین رفته‌است چه‌حمل ونقل فراورده‌های روستائی بهرکجا که باشد باماشین صورت میگیرد . بتازگی کود شیمیائی دربعضی محصولات ده بکاربرده‌میشود ویک موتورآب درسال ۱۳٤۱ برروی مجرای فاضل آب ده نصب نموده وهنگام کم‌آبی به‌آب ده کمک میکند وکوچه های ده‌را برق کشیده‌اند و سم پاشی محصولات باهواپیما انجام میگیرد وچاه نیمه‌عمیقی هم بتازگی در ده زده شده است .

یکبار کمباین را دراین ده نیز بکار انداخته ولی بواسطه نتیجه نگرفتن، این ماشین در ده راه نیافت زیرا این ماشین بایستی درزمین صاف بدرو بپردازد و چون بواسطه این نوع آبیاری در زمینهای این نواحی کیل وپشته وسرز وبازو وپرند مشاهده میشود حرکت ماشین در آن امکان ندارد ازاینرو بکارافتادن چنین ماشینی درده امکان نیافت وماشین بذرپاچ هم به چنین سرنوشتی دچار گردید . کشیدن کیل وپشته که درگذشته با دست وبا کمک کلدر انجام می‌یافت و برای دهقانان از سخت‌ترین کارها بشمار میرفت دیگر با دست انجام نمی گیرد واین کار را تراکتور بسرعت انجام میدهد ودراصطلاح محل رنگ میریزد . درگذشته دهقانان از سن فراوان میترسیدند چه کلیهٔ محصول آنها رابرباد میدادویکبارحملهٔ سن بقدری شدیدبود که از ۷ خروار بذرتنها ۶ خروار محصول بدست آمد ولی امروزه بمحض مشاهده سن آنرا سم پاشی نمود و ازبین میبرند . با این ترتیب میتوان گفت کشاورزی نوین، محلی برای خود بازنموده و بمرور رشد مینماید که جریان رسوخ آن دراین ده درصفحات این فصول منعکس گردیده‌است .

پراکندگی زمین‌ها

ده طالب‌آباد دارای مساحتی برابربا ۵۵۰ هکتار مربع زمین است که ازاین مقدار ۲۶۱ هکتار آن درزیر کشت زراعت بنه‌ها، ۱۹۰ هکتار آن در زیرآیش و ۴۹ هکتارآن درزیرزراعتی است غیراز زراعت بنه‌ها مانند کشت سبزی، باغ میوه و کناره کاری، ۴ هکتارآن منطقه کویری است که قابل کشت نمیباشد وتابحال کشت نشده است و ۱۰ هکتاربقیه در زیرجاده، قلعه، زه کش، تپه، نی زار وامثال آن واقع شده است، بدین ترتیب :

مساحت بنه‌ها	۲۶۱ هکتار	٪۴۷	٪۵۶ زیر کشت
کناره کاری	۴۹ »	٪۹	
زیر آیش	۱۹۰ »	٪۳۵	٪۹۱ قابل کشت
جاده وقلعه و...	۱۰ »	٪۲	٪۹ غیرقابل کشت
کویری	۴۰ »	٪۷	
جمع	۵۵۰ هکتار	٪۱۰۰	

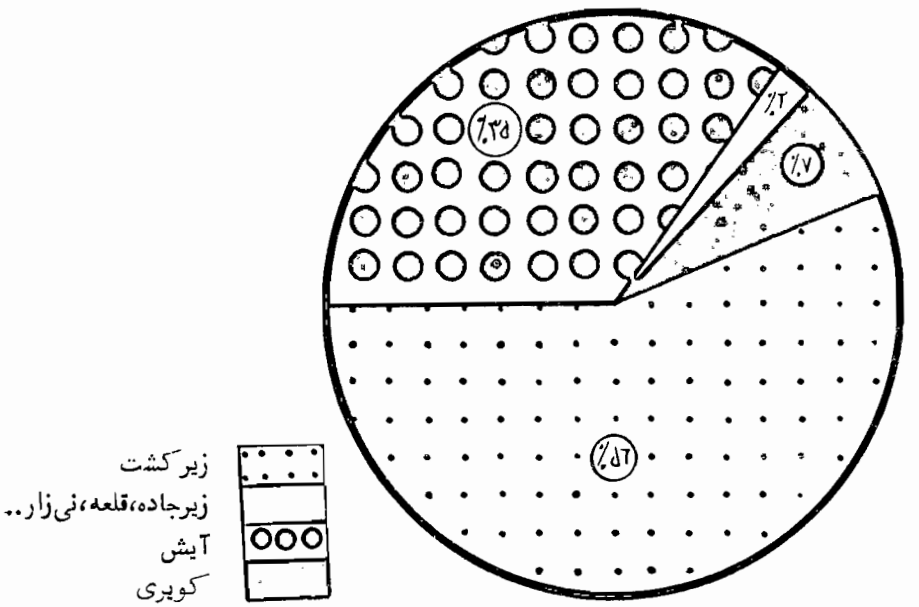
البته ارقام فوق زمینهای زیر کشت طالب‌آبادرا درسال زراعی ۱۳۳۹-۱۳۳۸، نشان میدهد ولی باید بخاطرداشت که مساحت بنه‌ها و کناره کاری وزمینهای زیرآیش همه‌ساله درتغییراست زیرا زمینهای زیر کشت زیرآیش میرود وبطور کلی ازسالی بسال دیگر تفاوت کشت مشاهده میگردد وسطح زیر کشت ازسالی بسال دیگر تغییر میکند اما دراساس آن که ۹۱٪ زمین ها قابل کشت است هیچگونه تغییری حاصل نمیشود.

اگر بطور کلی وضع زیر کشت ووضع زمین های دیگر ده‌را خواسته باشیم ۳۱۰ هکتارزمین یعنی ۹۱٪ زمینهای ده را زیر کشت مشاهده می کنیم که در هر شرایطی این مقدار ثابت میماند ولی میتوان زمین ها را بطور کلی از هم تفکیک نمود :

درتفکیک کلی زمینهای ده طالب‌آباد چهارقسمت جدا ازهم مشاهده میکنیم که عبارتنداز: زمینهای زیر کشت، آیش، کویری ومتفرقه که خود زمینهای زیرجاده، قلعه، تپه وامثال آن‌را شامل میشود.

۱- زمینهای زیرکشت زمینهای زیر کشت که قسمت اعظم زمینهای ده‌را تشکیل میدهد بمناسبت زیر آیش رفتن از سالی بسال دیگر اندك تفاوتی دارد ولی دراصل اگر زمینهای زیرآیش رابدین زمینها اضافه کنیم هیچگونه تغییری درآن بوجود

نمیآید ولی این زمین ها به‌واحدهای مستقل کشاورزی چندی تقسیم میشوند که بنه نام دارند و این بنه‌ها معمولاً بنام سربنه یاآبیار نام گذاری میشوند که درقسمت بنه بتفصیل ازآن سخن رفته است ودراینجا بمناسبت دقت کار، نام بنه‌ها بتفکیک اراضی زیر کشت ونوع محصول اراضی درجدولی آورده شده‌است تاچگونگی تقسیم‌بندی ووسعت هریک مشخص گردد.



نمودار درصد پراکندگی زمین‌های ده طالب‌آباد

درتعریف، آیش‌را چنین‌بیان نموده‌اند که: آیش عبارتست‌از زمینهائی که بین یک‌تاپنج‌سال بحال خود رها گردد ومعمولاً این‌عمل‌جهت تقویت‌زمین انجام‌میگیرد. اگر بیش‌از این مدت‌زمین درآیش باشد چنین زمینی را مرتع وکمترازمدت یکسال زمین رادرحال‌استراحت‌میگویند. امادرده طالب‌آباد اغلب‌مدت‌استراحت‌زمین به‌یکسال نمیرسد ولی اهالی استراحت زمین را آیش‌مینامند.

۲ـ زمینهای زیرآیش

معمولاً آیش‌بدین‌ترتیب‌است که پس‌ازبرداشت محصول گندم وجودراواخر بهاریااوایل تابستان زمین‌آنرا شخم زده بحال خود باقی میگذارند تا اوایل بهارجای آنرا پنبه بکارند و یا پس‌ازبرداشت محصول پنبه درپائیز جای‌آنرا برای کشت صیفی و یا گندم اختصاص دهند ولی اتفاق میافتد که زمینی بواسطه داشتن قدرت رویش زیرآیش‌نرفته وبلافاصله کشت‌میگردد.

۳ـ زمینهای کویری

ده طالب‌آباد دارای‌قطعات‌زمین‌شوری‌است که‌تاکنون کشت نگردیده‌است وآنرا زمینهای کویری مینامند که سطح آن پوشیده ازتیغ وچمن‌است ولی قابل آبادشدن هست منتهی آب ده برای کشت این‌قطعات کافی‌نیست.

٤- زمینهای متفرقه زمینهای متفرقه عبارتست از زمینهائی که درزیر اماکن مسکونی، جاده‌ها، نی‌زار، کوره کول، قبرستان، نهرآب، قنات، زه کش وامثال آن واقع شده‌است.

***

پس از بررسی پراکندگی جغرافیائی زمین های طالب آباد بررسی وضع کشت نباتات میپردازیم چه در اینجا مسئلهٔ کشت درواحدهای جداگانه کشت شده بیش ازهرچیز دیگرمورد توجه است که دراینجا مورد بررسی قرارمیگیرد.

کشت نباتات

نباتاتی که بطورزراعی ودستی دراین منطقه کشت میگردند عبارتنداز:

گندم، جو، صیفی[1]، پنبه، چغندر، پیاز، یونجه، حبوبات وانواع سبزی، آنچه دراین نواحی کشتش بیش ازهمه دارای ارزش است گندم، جو، صیفی، پنبه ویونجه است و نباتات دیگر دراین ده بندرت واتفاقی کشت میگردند مثلاً انواع سبزی چند سالی در این ده کشت گردید ولی بعلل واردنبودن افراد وبیشترسودداشتن نباتات دیگر بکشت آن پایان داده شد، گوجه فرنگی وبادنجان در بسیاری ازدهات کشت میگردد ولی دراین ده آنطورکه باید متداول نیست، کشت پیازهم بستگی به میل ارباب ده دارد چه ممکن است یکسال چندین هکتار به کشت پیاز اختصاص دهند ودرمقابل چند سال متوالی از کشت آن صرفنظرنمایند، چغندر لبو درداخل صیفی وپنبه وگاهی هم جداگانه کشت میگردد ولی چغندر قند سابقاً فراوان کشت میشده اما اکنون جای خودرا بکشت پنبه داده است زیرا منافع حاصله ازپنبه بمراتب بیشترازچغندرقنداست. درهرصورت دراینجاچگونگی کشت نباتات عمده ومشهوراین منطقه بیان میگردد.

گندم گندم ازبومی ترین گیاهان این نواحی است که بکشت آن علاقه فراوان نشان داده میشود واساس کشاورزی روستائی را دراین نواحی تشکیل میدهد، کشت گندم ازاوایل مهرتا اواخر آبان ادامه می یابد وبمناسبت زود یادیر کاشته شدن گندم «هراکش harakesh» یا «ورکش varkesh» نامیده میشود.

اگر گندم هراکش کاشته شوددراسفندماه وحتی قبل ازآن نیزآنرا «سر چر sar - cher» میدهند تاازشدت پرپشتی گندم کاسته گردد ولی گندم ورکش را سرچر نمیدهند زیرا بمناسبت دیرکاشته شدن تازمان سرچر رشد کافی نکرده ودرصورت چرانده شدن کور میکند.

۱- صیفی عبارتست از زمین کشت شده خربزه، طالبی، هندوانه، شهری و دستنبو.

دراین منطقه آب فراوانی به گندم میدهند چه برف را لحاف گندم میدانند و آبیاری گندم تا اواخر خردادماه ادامه می یابد سرگ آب یعنی آخرین آب را دراین هنگام به گندم گرفته ازآن پس دروی آن آغاز میگردد، فصل دروی گندم تیرماه و خرمن کوبی وبرداشت آن تااواخر مرداد ادامه می یابد.



دورنمائی ازمزرعهٔ گندم دره طالب آباد

ارتفاع گندم دراین منطقه ازکف خاك تاانتهای خوشه به ۱۰۰ تا ۱۴۵ سانتیمتر میرسد وبطور متوسط ازهرتخم بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ تخم برداشت میشود.

***

جو

پس ازگندم جو ازبااهمیت ترین نباتات این منطقه است، کشت آن همزمان با کشت گندم آغازمیگردد ولی امکان کشت چندروز عقب تر آن نیز هست ارتفاع بوته های جو ازآغاز تاهنگام رسیدن وخشک شدن به ۹۰ سانتیمتر میرسد بمناسبت همین کوتاه تر بودن بوته ها از بوته گندم مقدارکاهی که پس از کوبیدن و جدا کردن دانه وکاه ازیکدیگر ازآن حاصل میشود $\frac{1}{3}$ کمتر ازکاهی است که ازگندم بدست میآید یعنی کاه گندم ۱۵۰ برابر (دراصطلاح محلی ۱۵۰ سر) گندم «شمش ببر shemshe bebar» حاصله وکاه جو فقط برابربا جوشمش ببر تخمین زده میشود. هنگام دروی آن اردیبهشت و قبل از گندم درو میگردد و دانه های کوبیده شده آن بیشتر بمصرف خوراك حیوانات میرسد.

گاهی قبل از رسیدن وخشک شدن بوته های جوراچیده وبمصرف خوراك چهارپایان میرسانند دراینصورت بنام «علف» یا «خصیل khasil» نامیده میشود.

***

صیفی

صیفی عبارتست ازمحل کشت هندوانه، خربزه، طالبی، گرمک، شهری ویا دستنبو. کشت صیفی دراین نواحی اهمیت فراوان دارد، بعضی دهات بیشتر هندوانه وخربزه وبرخی بیشتر بکشت طالبی مبادرت میورزند. صیفی طالب آباد راکه دارای خاك تقریباً نمکی وشوراست خربزه، شهری وطالبی تشکیل میدهد وکشت آن دارای سوابق بسیار طولانی است، آماده کردن زمین صیفی از فروردین ماه آغاز شده در نیمهٔ اردیبهشت تخمه زنی آن شروع میگردد ومحصول طالبی وشهری آن درتیرماه قابل بهره برداری ومحصول خربزه در شهریورماه بارگیری اش آغاز میگردد.

زمین بندی آن بدینطریق است که پس ازشخم زدن زمین را توسط تراکتور ویا کلدر koldar رنگ ریزی نموده سپس کیل وپشته آنرا کشیده جویهای آنرا آماده عبورآب مینمایند واولین آب را بدان میگیرند سپس تخمه هارا خیس کرده در هرچاله کم عمقی که فاصله اش با دیگری به حدود ۲ سانتیمتر میرسد ۵ یا ۶ تخمه انداخته روی آنرا باکمی خاك میپوشانند تا تخمه بانم خودش سبز شود دراینحال میگویند تخمه ها «قراول زده» آنگاه اولین آب را بنام «شکرآب» بدان گرفته پس ازآن بوته بری آغاز میگردد یعنی یک یا دوبوته درشت را بحال خود باقی گذارده بقیه بوته هارا قطع میکنند. پس از بوته بری آب دوم را بنام زخم آب به بوته ها میگیرند یعنی بوته های بریده شده زخمی را آب میدهند سپس در «لت lat» خوابانده حدود یکماه بدان آب نمیدهند.

پس ازآن آب دیگری بنام «لت آب» بدان داده تا بوته ها چتری میگردد. بوته های چتری را روی پشته خوابانده وبرای جلوگیری از رشد عمودی بوته ها وسط آنهارا که «نرك narak» نامیده میشود بریده آنهارا «سینه خاك» داده تا بوته ها کالك بدهد. پس ازکالك دادن برای هربوته دویاسه کالك خوب رد داده بقیه را ازبوته قطع میکنند، کالك ها درابتدا دارای کرك زیادی هستند که دراصطلاح میگویند «صابونی» است. پس از بزرگ شدن کالك ها کرك ها ریخته و خطوط آن ها نمودار میگردد که بارسیدن وتغییر رنگ مورد استفاده قرار گیرد.

دهقانان برای خرید تخمه پولی نمیپردازند چه هر کدام وظیفه دارند تخمه کلیه تره باری راکه مصرف مینمایند جمع آوری نموده وهنگام کشت بمصرف برسانند.

***

اصطلاحات صیفی کاران

قراول زدن (gharavol)	جوانه زدن.
شکر آب	اولین آبی که به‌صیفی دهند.
بوته بری	بریدن بوته‌های اضافی.
زخم‌آب	آبی که پس‌از بوته‌بری به‌صیفی داده شود.
در لَت گذاردن	آب ندادن به‌محصول هنگام خوره.
لَت آب	آبی که پس‌از درلَت گذاردن به‌محصول داده شود.
سینه خاك	اطراف بوته‌را کود ریختن.
کالَک kalak	میوه نرسیده صیفی.
طالبی تیر	طالبی‌اعلا، بهترین‌طالبی، طالبی‌نمونه.
طالبی سانسوری	نوعی‌ازبهترین طالبی.
طالبی هشت خط	طالبی خوب.
خربزه جرّه jorre	خربزه متوسط.
سرباری	چندطالبی، خربزه‌و... که‌سر بارگذارند ولی‌بحساب‌نمیآورند.
خوابیدن بوته	بارندادن. پژمرده شدن ومحصول‌را نرساندن.
چتری شدن	سایه انداختن.
ببار نشستن	شروع بباردادن کردن.

***

پنبه

کشت پنبه در ده طالب‌آباد دارای سابقه زیادی نیست و ازسال ۱۳۳۰ شمسی ببعد دراین ناحیه متداول شده است و در حال حاضر پس‌از گندم پراهمیت‌ترین محصولی‌است که بکشت آن مبادرت میورزند.

کشت پنبه ازاردیبهشت‌ماه آغاز شده واز اواخر مهر ببعد پنبه‌چینی آغازمیگردد، ارتفاع بوته‌های پنبه به‌یک متر میرسد وبطورمتوسط هربوته دارای ۱۰ تا ۱۲ قوزه است وازهرهکتار آن ۵ تا ۶ خروار پنبه برداشت میشود.

طریقه کشت آن دراین‌ناحیه بیشتر کرتی‌است یعنی قطعه‌زمینی‌را به‌قطعات کوچکتر تقسیم نموده حدود هرقطعه کوچک را مشخص‌نموده و داخل آنرا توسط سرزهائی به کرت های چندی

تقسیم مینمایند ؛ هر درك توسط بازوئی که بشکل پیاده روی کم‌عرضی است ازسایر قسمت‌ها مشخص میشود ولی درحال حاضر کشت پنبه درطالب‌آباد بیشتر بصورت کیل وپشته‌ای‌است.

پنبه‌چینی دردو نوبت انجام میشود یکی اواخر مهر که ازکودکان گرفته تا پیرمردان و وپیرزنان بچیدن آن اشتغال میورزند ودرمقابل برای هریک من‌چیدن پنبه ٤ ریال اجرت دریافت میدارند وچون چیدن پنبه بعهدهٔ دهقانان‌است ازاینرو تمام بستگان و اعضای خانواده دهقانان به‌پنبه‌چینی اشتغال میورزند.

کارخانهٔ روغن کشی‌ورامین ودلالان دیگری‌جهت پیش‌خرید نمودن پنبه وتشویق افراد بکشت آن مساعدتهای فراوانی‌نسبت به‌وسعت‌زیرکشت به‌پنبه کاران مینمایند ودرمقابل هنگام برداشت محصول‌با نرخ عمومی‌وعادلانه‌ای بجای‌پول‌پنبه‌دریافت‌میدارند روی‌همین‌اصل‌سال‌بسال برسطح زیرکشت پنبه افزوده میگردد.

***

چغندر

دراین‌نواحی دونوع چغندرکشت میشود، چغندرلبو وچغندر قند که‌اولی بمصرف خوراك‌انسان وحیوان ودومی منحصراً مصرف صنعتی‌دارد، سابقهٔ چغندرقند دراین نواحی به سال تأسیس کارخانهٔ قند ورامین مربوط است و توسعهٔ آن بستگی مستقیم به‌تشویق وتوجه مادی مسئولین کارخانه دارد.

برای کشت هرهکتار ٥ر٣ من بذرمورد نیازاست وحدود ١٥ خروارمحصول ازآن برداشت میشود، چغندرلبو بشکل‌جداگانه کمتر کشت میشود و بیشتر در داخل محصولات دیگرکاشته میگردد، کشت آن‌حدودفروردین‌ماه آغازشده تااردیبهشت‌ماه‌ادامه می‌یابد واواخر آبان‌برداشتن محصول‌آن‌آغاز میگردد، برگش بمصرف‌خوراك‌حیوانات (بشکل‌سرچر درصورت کشت جداگانه) و ریشه آن‌به‌بزرگی حدود ٨ کیلوگرم درچغندرقند وحدود ١٠ کیلوگرم درچغندر لبو میرسد.

***

پیاز

تاقبل‌ازسال ١٣٣٣ شمسی ازکشت پیاز درده طالب‌آباد خبری نبودولی ازآن‌پس کشت پیاز بخاطر استفاده کونه آن متداول گردید، کشت آن در اسفندماه انجام‌میگیرد درشهریوروماهرمحصول آن قابل بهره‌برداری‌است، درصورتیکه درسبزیکاریها تنها ازپیازچه آن استفاده میکنند.

دراین ده بیشتر پیاز قرمزرنگ کشت میشود وکمتر پیاز سفیدرنگ که به‌پیازکبابی‌شهرت

داردد یده‌میشود . پس‌از رشدبرگهای‌پیاز باندازه کافی عمداً از رشد بیشتربرگهاجلوگیری‌میکنند تا کونه‌اش بیش‌از پیش رشد نماید .

***

یونجه

کشت یونجه دراین‌ناحیه دارای سوابق بس‌طولانی‌است منتها پس‌ازرفع احتیاجات محلی بدامداران نیز فروخته ویا اجاره داده میشود، کشت آن در دونوبت شهریور واسفندماه صورت میگیرد وبایکبارکاشتن تا شش‌سال متوالی‌قابل بهره‌برداری‌است‌ولی‌بهره کلی‌آن ازسال‌سوم‌آغازمیگردد وسالهای اول ودوم‌بخصوص در سال‌اول بایستی بااحتیاط ازآن استفاده کرد .

ارتفاعش به ۵سانتیمتر میرسد وازآن‌پس بایستی چیده یاچرانده شود زیرا درصورت‌بیشتر ماندن خراب میگردد ودرصورت چیدن آنرا بصورت خشک یا ترصادرمینمایند ولی‌ازهنگامی که طول آن به ۲سانتیمتر برسد قابل‌بهره‌برداری‌است وکوتاه‌تر ازآنرا «یونجه غوره»مینامند وبشدت ازآن مواظبت مینمایند .

***

علاوه برمحصولاتی‌که ذکر آن در بالا گذشت ، لوبیا، ماش، باقالا، ذرت وآفتاب گردان بمقدارکمی کشت میگردد وبیشترکشت آن درداخل صیفی‌مشاهده میشود .

***

پراگندگی کشت

اینک پس‌از آشنائی‌بوضع کشت به‌بیان جداول‌تفصیلی وضع‌زمینهای‌زیرکشت وچگونگی توزیع‌محصولات، به‌ذکرمشخصات واحدهای کشاورزی پرداخته‌وبرای‌این‌منظور وبهترآشنا شدن با زمینهای مزروعی ووضع زیرکشت‌لازم‌است واحدهای‌مستقل کشاورزی ده‌راکه بنه[1] نام دارند. مورد بررسی‌قرار داده و سطح زیرمحصولات مختلف را بطور جداگانه بیان داریم .

ولی در جنب بنه‌ها محصولات دیگری نیز کشت میگردد که مستقل از بنه‌ها محسوب

---

۱ – بنه عبارتست‌از واحد مستقل کشاورزی در ده ، برای اطلاع بیشتر به‌قسمت بنه به‌فصل‌بعد مراجعه شود .

سطح زیرکشت بنه‌های مختلف ده طالب آباد درسال زراعی ۱۳۳۹-۱۳۳۸

(واحد سطح هکتار)

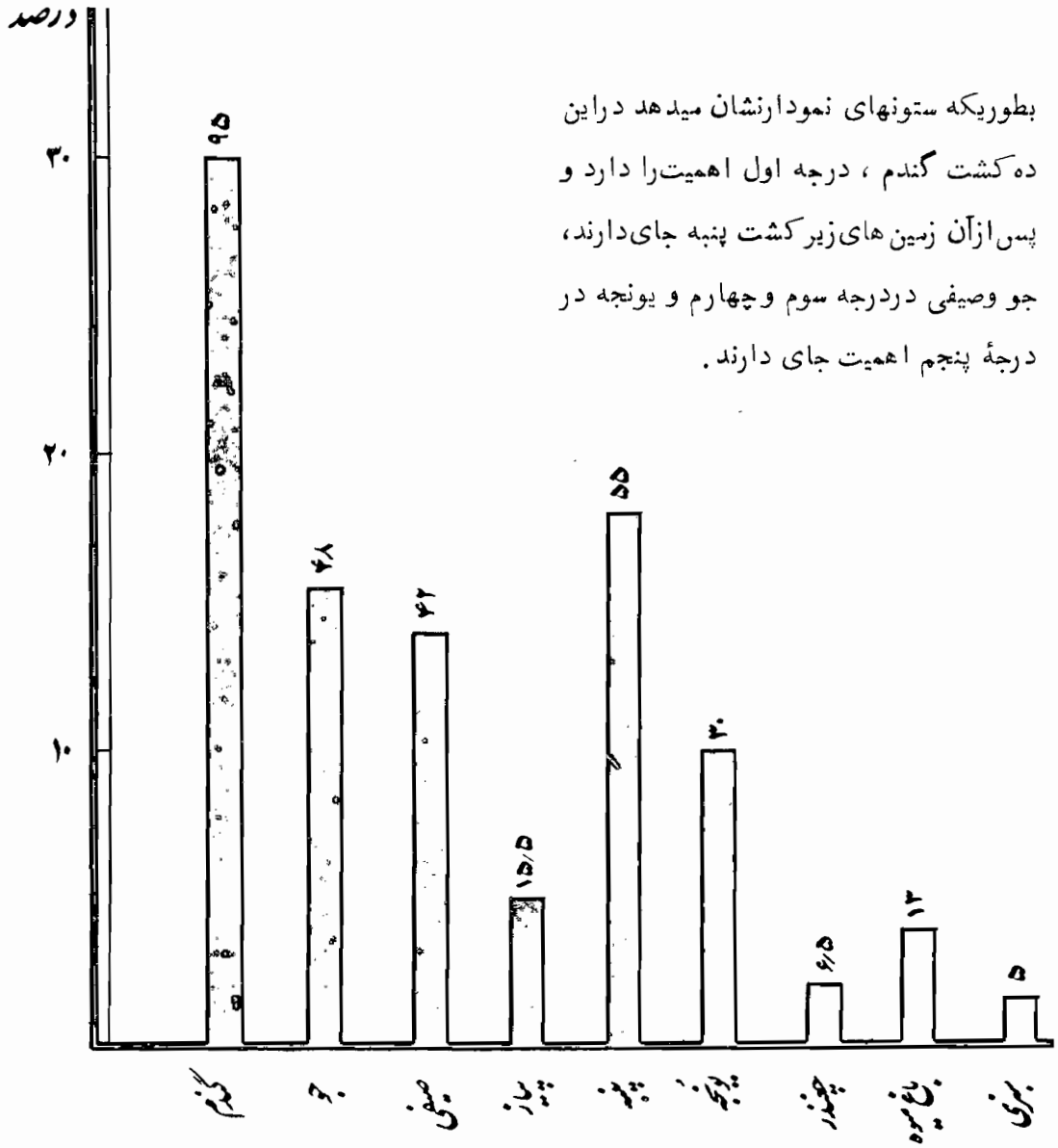
نام بنه	گندم	جو	صیفی	پیاز	پنبه	یونجه	چغندر	مساحت بنه
بنه آبیار اسدالله	۱۵	۸	٤	۲	۵	۲	۱	۳۷
« عزت	۱۰	۸	۵	۲	٤	۳	۱٫۵	۳۳٫۵
« حسین	۱٤	۷	—	۲	۱٤	۲	۱	٤۰
« عباس	۱۵	٦	۵	۳	٦	۳	۱٫۵	۳۹٫۵
« ابراهیم	۱۳	۵	۵	۲٫۵	٤٫۵	۳	۱٫۵	۳٤٫۵
نیم‌بنه آبیار احمد	۸	۵	۲٫۵	۱	۳	۱٫۵	—	۲۱
« « محمود	۸	۵	۲٫۵	۱	۳	۱٫۵	—	۲۱
« « حسین روح‌الله	٦	—	—	۲	۹٫۵	۱	—	۱۸٫۵
ربع‌بنه آبیاراسماعیل	۳	۲	—	—	۲	۱	—	۸
« « ملااسماعیل	۳	۲	—	—	۲	۱	—	۸
جمع	۹۵	٤۸	۲٤	۱۵٫۵	۵۳	۱۹	٦٫۵	۲٦۱

میشوند واین زمینهای کشت شده بتفکیک عبارتنداز :

باغ میوه پائین	۵ هکتار
باغ میوه بالا	۸ «
سبزیکاری	۵ «
کناره کاری پنبه	۲ «
صیفی قمی	۱۸ «
کناره کاری یونجه	۱۱ «
جمع	٤۹ هکتار

مقدارزمینهای زیرکشت و وضع برداشت هربنه در جدول‌فوق متذکر شده سپس زمینهای زیرکشت جنب‌بنه‌ها بتفکیک بیان گردید ولی در جدول زیر جمع مقدارزمینی که بمحصولات

بطوریکه ستونهای نمودارنشان میدهد دراین ده کشت گندم ، درجه اول اهمیت‌را دارد و پس‌ازآن زمین های‌زیرکشت پنبه جای‌دارند، جو وصیفی دردرجه سوم وچهارم و یونجه در درجهٔ پنجم اهمیت جای دارند.



نمودار درصد وضع زیرکشت محصولات مختلف ده طالب‌آباد درسال زراعی ۳۹-۱۳۳۸

مختلف اختصاص داده شده صرفنظر ازتعداد قطعات وپراکندگی آن بیان میگردد ونمودارکلی این نوع زمینهای ده طالب‌آباد بتفکیک نوع محصول‌بشکل‌فوق مشخص میگردد :

زمین زیرکشت گندم	۹۵ هکتار	٪۳۰
« جو	۴۸ «	٪۱۵/۵
« صیفی	۴۲ «	٪۱۴
« پیاز	۱۵/۵ «	٪

زمین زیر کشت پنبه	۵۵	»	٪۱۸
» یونجه	۳۰	»	٪۱۰
» چغندر	۶٫۵	»	٪ ۲
» باغ میوه	۱۳	»	٪ ٤
» سبزی	۵	»	٪۱٫۵
جمع	۳۱۰ هکتار		٪۱۰۰

بااین ترتیب مشاهده میشود که بیش از ٤۰٪ یعنی حدود نیمی از زمینهای قابل کشت ده اختصاص به گندم وجو دارد درصورتیکه پیاز ۵٪ ، چغندر ۲٪ ، یونجه ۱۰٪ ، سبزی ۱٫۵٪ و میوه ٤٪ زمینهای زیر کشت را فرا گرفته است .

بدینصورت مشاهده میکنیم که دراین ده گندم وجو دردرجه اول اهمیت قرار گرفته است و اهمیت آن دارای سوابق تاریخی است . صیفی نیز دیرباری است که اهمیت خودرا در دهات این منطقه حفظ نموده است .

وضع زیر کشت یونجه تقریباً شکل ثابتی دارد زیرا این مقدار میتواند احتیاجات دامهای ده را برطرف سازد ، چغندر مدتی است متداول شده ولی توسعهٔ چندانی نیافته است زیرا توسعهٔ آن مستقیماً باوضع کارخانهٔ قندسازی ورامین کرج و کهریزك بستگی دارد وتوجه ویاعدم توجهٔ مسئولین کارخانه درتوسعهٔ کشت چغندر اثرمستقیم دارد .

به کشت پنبه دراین نواحی اهمیت زیادی میدهند چون استفادهٔ قابل توجهی را هم برای ارباب وهم برای دهقانان دربردارد ، زیرا برای کشت پنبه بدانها مساعده وبذرداده میشود بهمین علت توسعه کشت پنبه هرسالی نسبت بسال دیگر آشکارا مشاهده میشود وروزبروز براهمیت آن افزوده میگردد .

کشت سبزی بتازگی دراین ده متداول شده است ولی بواسطه آشنا نبودن به اصول کشت آن پس ازحدود چهارسال به سبزیکاری خاتمه داده شد .

ازتاریخ احداث باغ میوه بیش از چند سالی نمیگذرد چه قبلا بدان اهمیت نمیدادند ولی درسالهای اخیر بدان توجه زیادی مبذول گردیده و با شرایطی بسیار سهل باغبانهائی را بکار گماشته اند وقبل از هرچیز بمسئله درخت کاری آن توجه میشود .

پس از بررسی وضع زیر کشت سال ۱۳۳۸-۳۹ ممکن است تصورشود که همه ساله وضع براین منوال میباشد ولی جدول وضع زیر کشت سالهای بعدی نسبت بسال مذکور دارای نوساناتی است

که میزان آن درجدول زیرمشخص گردیده است وبطورکلی نمودار درصد معدل زیر کشت‌پنج سال اخیر درمقایسه بانمودار سال ۳۹-۱۳۳۸ این نوسان بهتر مشخص‌میگردد.

جدول سطح زیرکشت سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱ ده طالب‌آباد

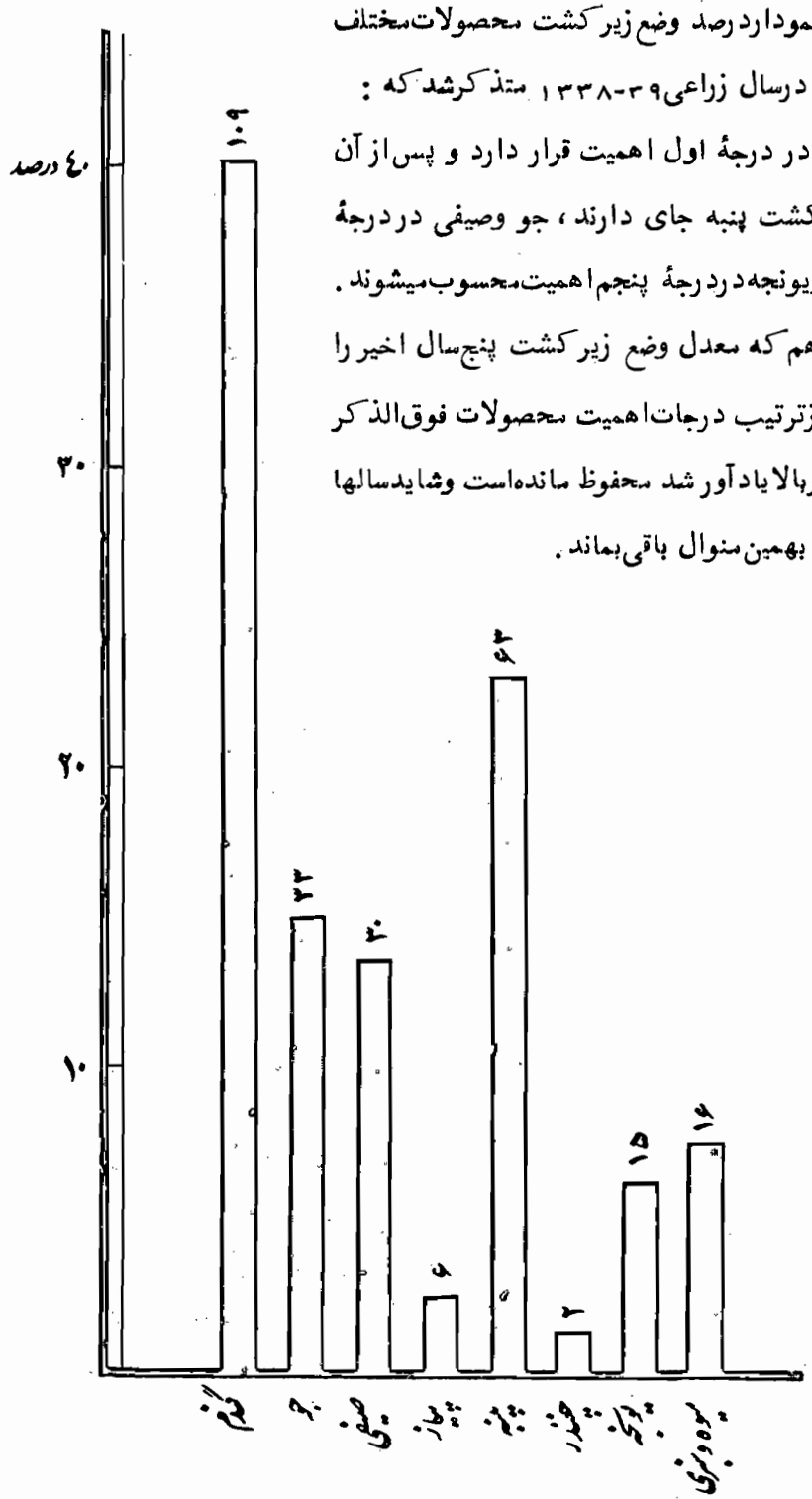
(واحد سطح هکتار)

نام محصول	۳۹-۱۳۳۸	۴۰-۱۳۳۹	۴۱-۱۳۴۰	۴۲-۱۳۴۱	۴۳-۱۳۴۲	متوسط زیرکشت
گندم	۹۵	۱۰۸	۱۳۰	۱۲۰	۱۰۰	۱۰۹
جو	۴۸	۳۲	۴۰	۳۴ [1]	۱۰	۳۳
کاه	—	—	—	—	—	—
صیفی	۴۲	۴۱	۳۹	۱۲	۱۴	۳۰
پیاز	۱۵٫۵	۱۵	—	—	—	۶
پنبه	۵۵	۳۲	۶۰	۱۰۰	۷۰	۶۳
چغندر	۶٫۵	—	—	داخل‌پنبه	۲	۲
یونجه	۳۰	۳۰	۱۱	—	۲	۱۵
میوه و سبزی	۱۸	۱۸	۱۸	۱۳	۱۳	۱۶
جمع	۳۱۰	۲۷۶	۲۹۸	۲۷۹	۲۱۱	۲۷۴

بطوریکه دراین‌جدول ملاحظه میگردد متوسط سطح زیرکشت‌درهرسال ۲۷۴ هکتاراست که ازاین‌مقداربیش‌از $\frac{2}{5}$ آن به‌کشت گندم اختصاص‌دارد، تفاوت بین‌حداقل وحداکثرزمینی که بکشت گندم اختصاص‌داده شده‌است بیش‌از ۳۵ هکتارنیست یعنی‌حداکثر سطح زیرکشت گندم تا $\frac{1}{4}$ سطح خود نوسان‌می‌یابد ولی‌نوسان سطح زیرکشت پنبه بمراتب ازاین‌مقدارزیادتر وبه۶۸ هکتار رسیده‌است یعنی‌زمینهای زیرکشت پنبه دربعضی سالها تا دوبراهر افزایش یافته است ولی سطح زیرکشت صیفی، جو، پیاز، چغندر، یونجه وسبزی مرتب رو به‌کاهش است و قطع کشت آن نیزامکان‌پذیر است.

۱- درسال ۴۲-۱۳۴۱ ارباب ده طالب‌آباد قطعه‌زمینی درمقیم‌آباد واقع درجنوب غربی طالب آباد اجاره نموده و۳۴ هکتار جو دراین‌منطقه‌بضمیمه بنه‌های طالب‌آباد کاشته گردید.

قبلاً درمورد نمودار درصد وضع زیر کشت محصولات مختلف ده طالب‌آباد درسال زراعی ۳۹-۱۳۳۸ متذکر شدکه : کشت گندم در درجهٔ اول اهمیت قرار دارد و پس از آن زمینهای زیر کشت پنبه جای دارند ، جو وصیفی در درجهٔ سوم وچهارم ویونجه در درجهٔ پنجم اهمیت محسوب میشوند . دراین نمودارهم که معدل وضع زیر کشت پنج سال اخیر را نشان میدهد بازترتیب درجات اهمیت محصولات فوق الذکر بترتیبی که دربالا یادآور شد محفوظ مانده است وشاید سالها پس ازاین هم بهمین منوال باقی بماند .



نمودار درصد معدل وضع زیر کشت محصولات مختلف ده طالب‌آباد درپنج سال اخیر (۴۳-۱۳۳۸)
(واحد سطح هکتار)

نقشه‌های کشاورزی

نقشه های کشاورزی حاضر که دراین مجموعه بچاپ رسیده است، کوچک شده نقشه بزرگ زمینهای ده طالب‌آباد است که بدست عبدالرزاق مهندس ترسیم گردیده‌است[1] .

عوارض طبیعی وحدود وساختمانها وجاده‌های روی نقشه کاملاً طبیعی‌است ولی تقسیم بندی داخلی زمین ها و تفکیک واحدهای زیرکشت ازیکدیگر براساس تقریب و تخمین صورت گرفته است چه امکان نقشه برداری دقیق میسر نبوده به عکس هوائی‌منطقه هم دسترسی پیدا نگشت‌ازاینرو نقشه های کشاورزی حاضر، براساس‌مشاهدات عینی‌و گفته های دهقانان وراهنمائیهای ارباب ده صورت گرفت.

منظور ازتهیه این‌نقشه ها نشان‌دادن وضع کشت وتناوب و وضع آیش زمینهای‌مزروعی بوده‌است و براساس همین نقشه‌ها وضع بنه بندی‌ها ومقدار زمین هربنه در زراعت واحدی مشخص شده‌است که درقسمت بنه درفصل بعد بچاپ خواهد رسید

***

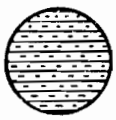
علائمی که‌جهت‌مشخص‌شدن‌انواع محصولات‌درقسمتهای جداگانه بکار برده شده است در تمام نقشه‌ها مشترک است تا در مقایسه نقشه‌ها تغییر زیرکشت ازسالی بسال دیگر مشخص گردد .کلید این نقشه‌ها درستون‌مقابل بترتیب اهمیت نشان داده‌شده است ، دایره‌هائی که بدین منظور ترسیم گردیده کلید نقشه های ضمیمه میباشند که علائم‌محصولات مختلف زیرکشت را معین میدارند .

***


گندم


جو

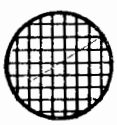

پنبه


صیفی


یونجه

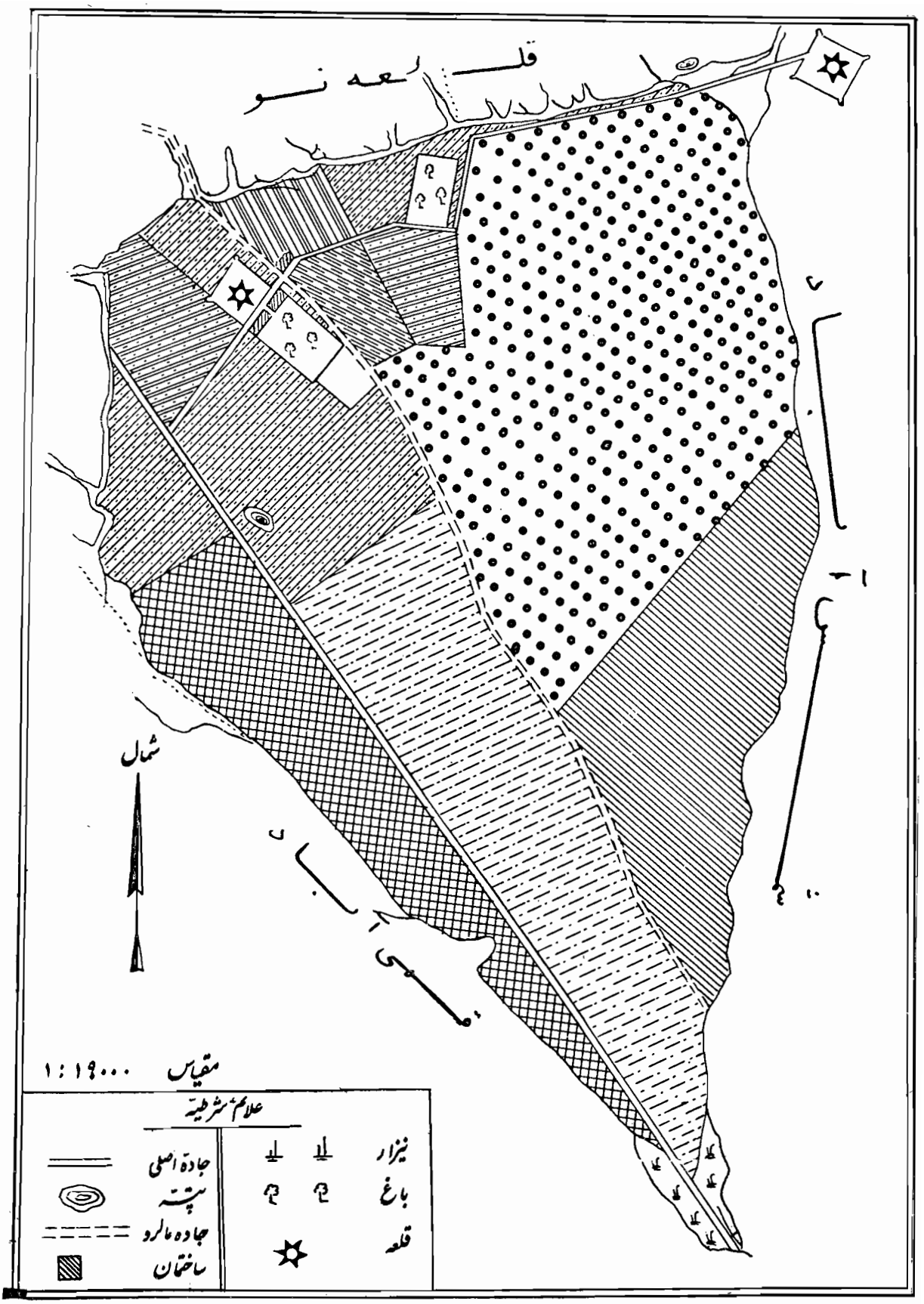

سبزی


پیاز

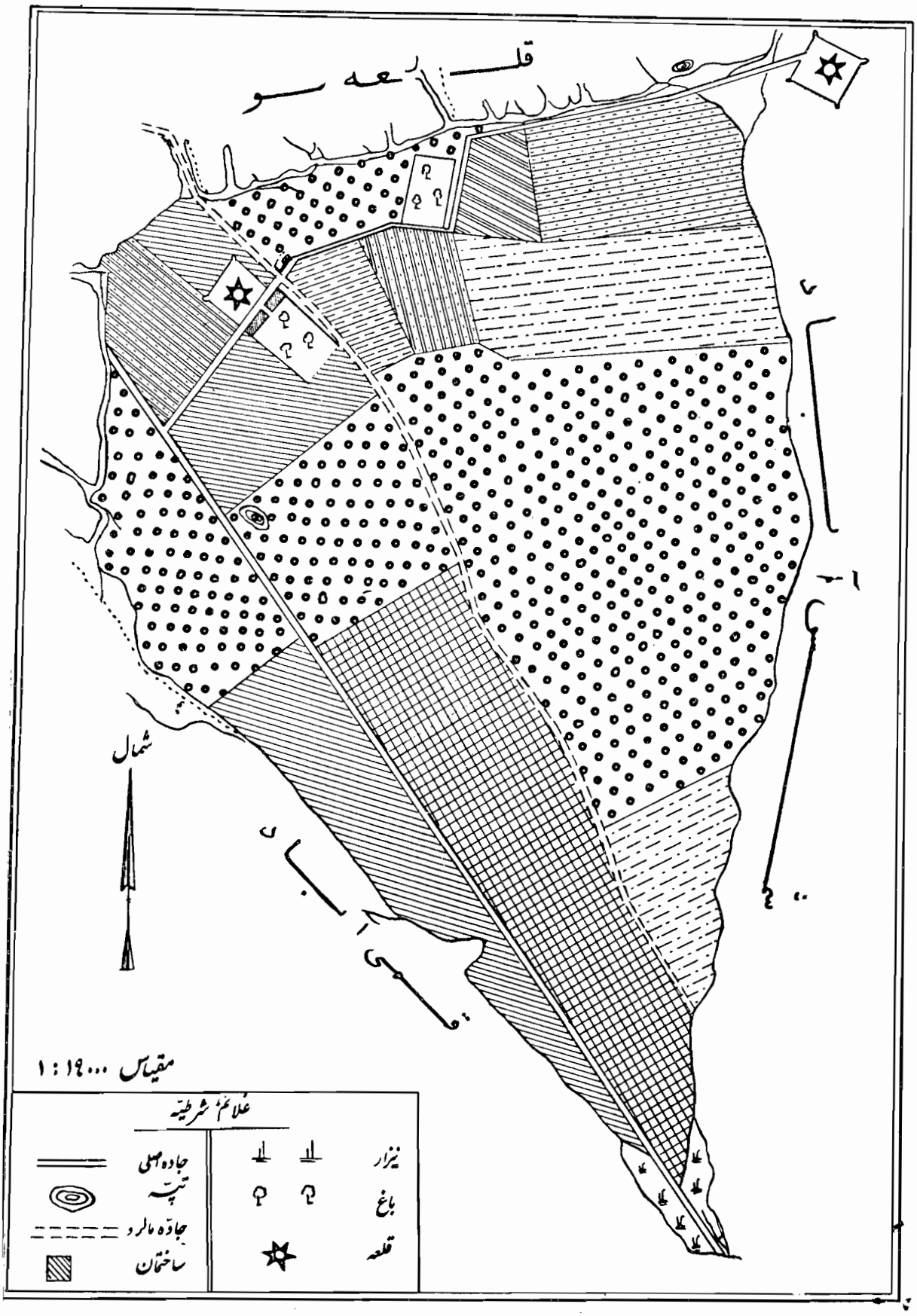

آیش


شور

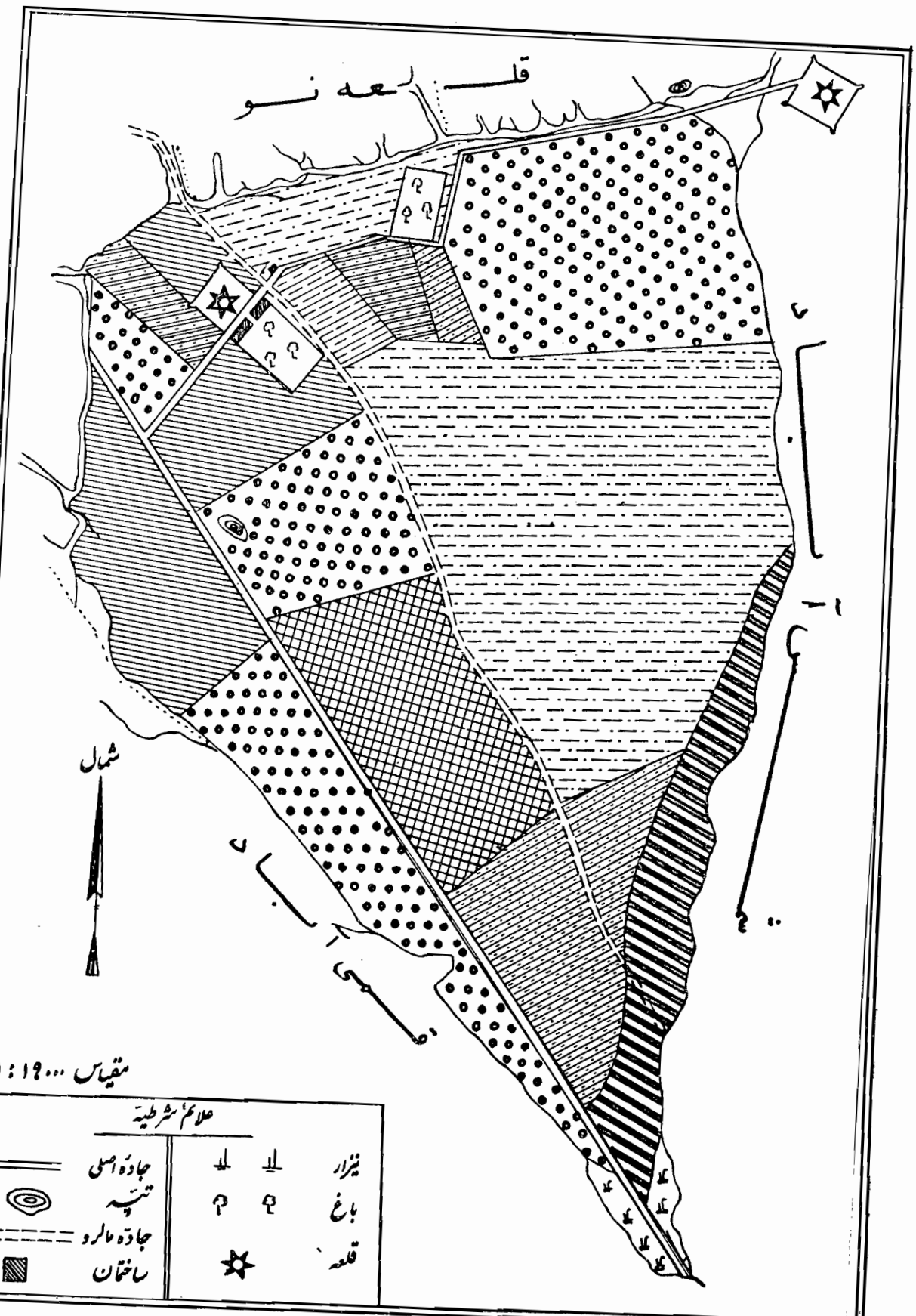
۱– راجع به‌نقشه‌های کتاب وهمچنین تهیهٔ نقشه های کوچک حاضر و محاسبهٔ مقیاس آنها در جای خود شرح لازم داده خواهد شد.



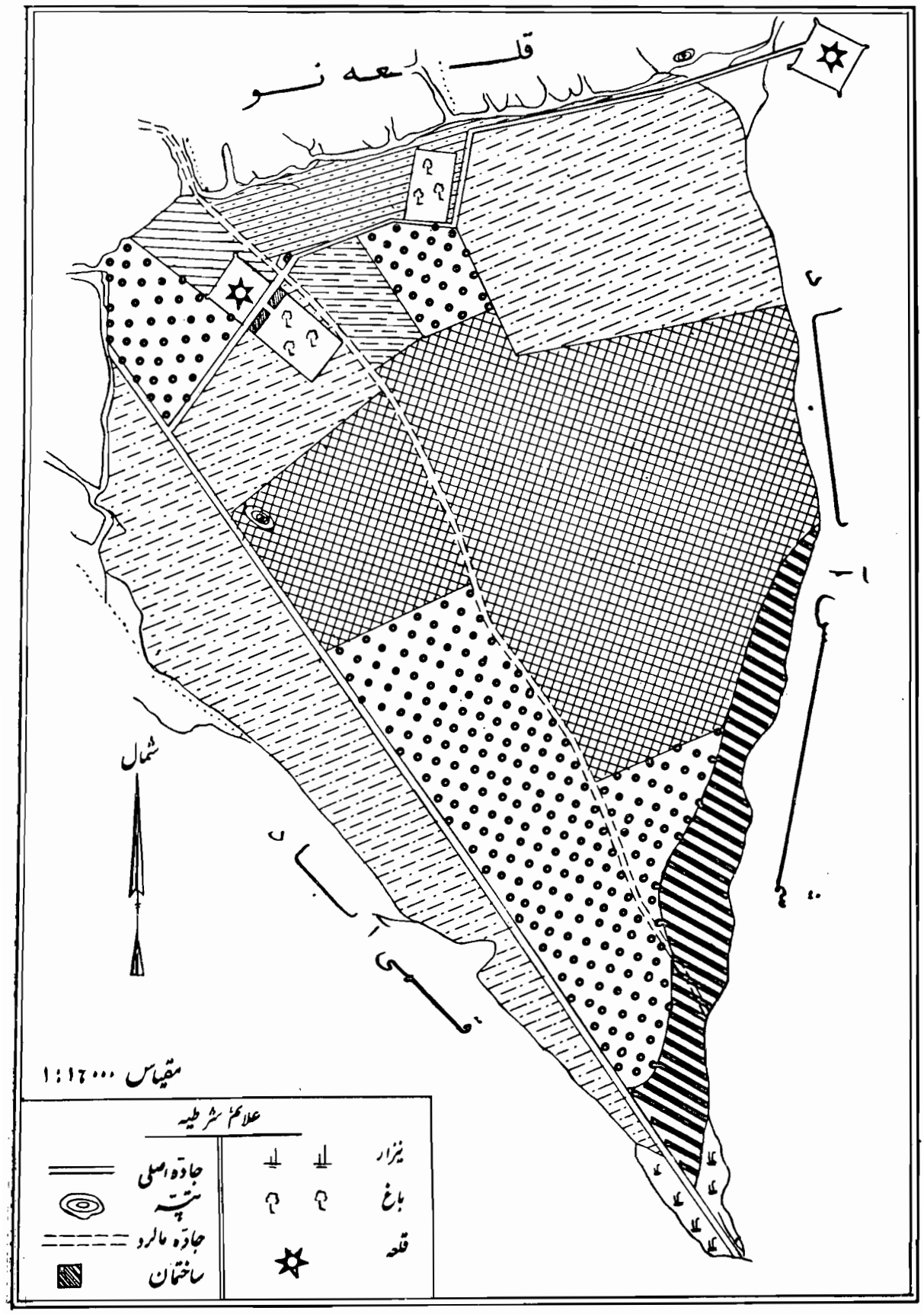
وضع زیر کشت زمینهای ده طالب آباد در سال زراعی ۳۹-۱۳۳۸



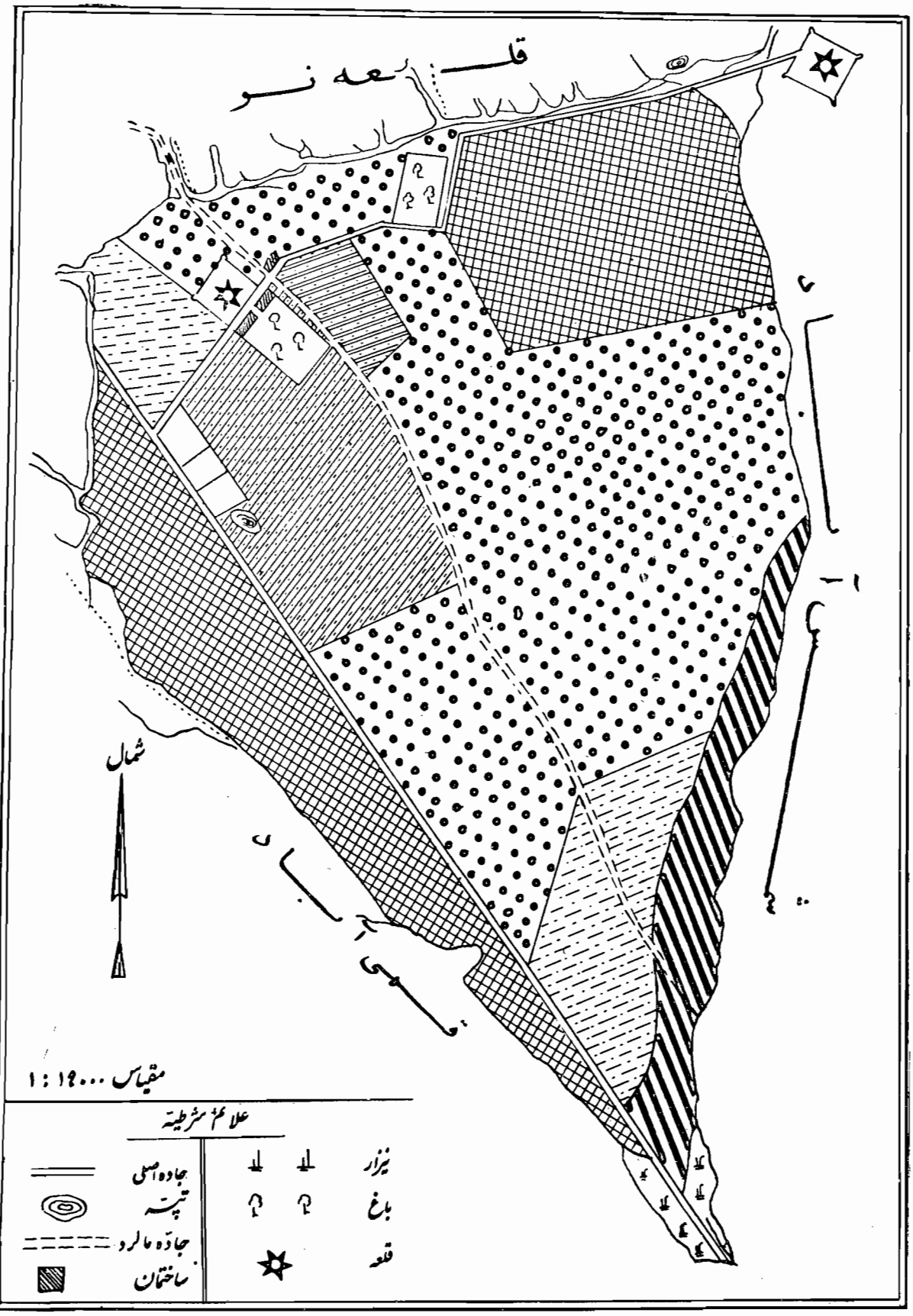
وضع زیر کشت زمینهای ده طالب‌آباد درسال زراعی ۴۰-۱۳۳۹.



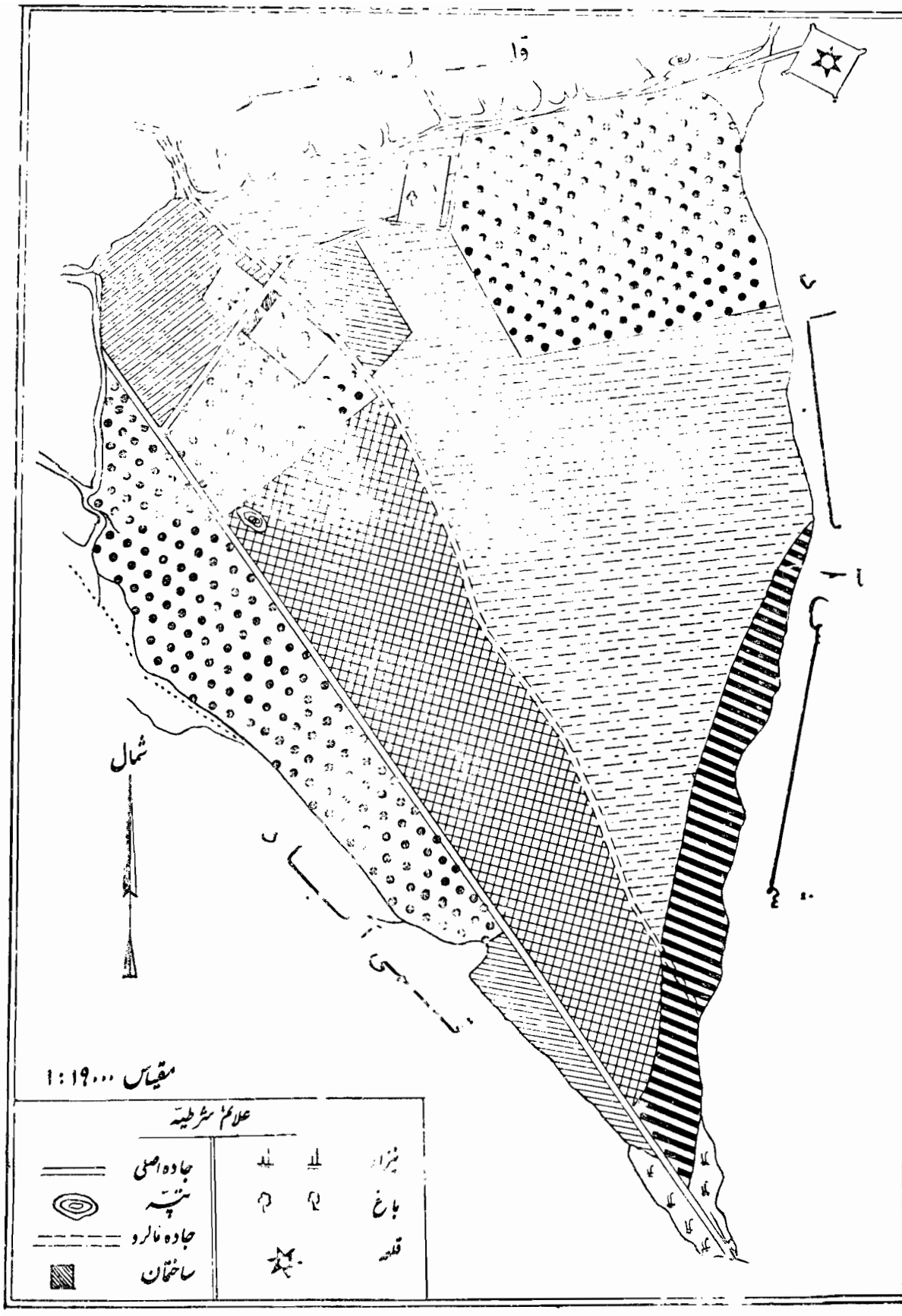
وضع زیر کشت زمینهای ده طالب‌آباد درسال زراعی ۴۱-۱۳۴۰



وضع زیر کشت زمینهای ده طالب‌آباد درسال زراعی ۴۲-۱۳۴۱



وضع زیر کشت زمینهای ده طالب آباد در سال زراعی ۴۳-۱۳۴۲



وضع زیر کشت زمینهای ده طالب‌آباد درسال زراعی ۴۴-۱۳۴۳

۱ اگر وضع زیرکشت را از سال زراعی ۳۹-۱۳۳۸ ببعد مورد بررسی قرار دهیم مشاهده میگردد که ازسطح زمین های زیر کشت بمرور کاسته شده‌است البته علت این کم‌شدن زمین های مزروعی‌را دردرجه اول بایستی درکم‌آبی جستجو نمود چه در دهات اساس کشت آب است و اصولاً زمین را براساس مقدار آب اجاره میدهند زیرا اغلب مشاهده میگردد که زمین استعداد کشت‌را دارد ولی‌بخاطر نبودن آب بحال‌خود رها شده‌است.

سطح زیر کشت هرمحصول ازسالی بسال دیگر دارای نوسان است چه شرایط اقتصادی ایجاب میکند که ازسطح زیرکشت محصولی کاسته شده ویا بسطح زیرکشت محصول‌دیگری افزوده گردد، کشت گندم وبخصوص کشت پنبه دراین‌ده رو بتزایداست ومحصولات دیگربمرور جای خود را بکشت این‌دومحصول میدهند زیرا دارای شرایط فروش سهل و ساده‌ای هستند و خرج ودخل نسبی‌آن برای روستائیان باصرفه‌تراز کشت محصولات دیگراست.

کشت جو مانند گندم باصرفه نیست زیرا درشرایط تقریباً مساوی کار دارای برداشت تقریباً مساوی نیز هستند با این تفاوت که ارزش گندم بیشتر و محصول کاه بدست آمده گندم یک برابرونیم بیشترازمحصول کاه بدست آمده ازجو میباشد ، مساحت زیرکشت پنبه همه ساله رو بتزاید است و علت آن اینست که سازمانهائی‌هستند که پنبه‌را پیش‌خرید نموده و همه گونه تسهیلات جهت‌پرداخت‌پول‌وحمل‌آن‌بوجود آورده وماهها قبل‌ازاینکه محصول‌پنبه قابل‌برداشت باشد پول‌خرید آنرا به‌نسبتی میپردازند.

کشت سبزی ، یونجه ، چغندر، پیاز واشال آن برای روستائیان سود چندانی دربر ندارد ازاینرو مقدار زیرکشت‌آن‌بمرور کاهش یافته وبیشتر جهت‌مصرف محلی کشت میگردند .صیفی‌نیز وضعی‌شبیه سبزی ویونجه وچغندردارد زیرا بقدری ازشهرستانهای دیگر بتهران حمل‌میگردد که برای زارعین اطراف تهران فقط زحمات کشت محصول باقی‌میماند، چه درتیرماه سال ۱۳٤٤ که طالبی طالب آباد برای فروش ، بمیدان فروش درتهران عرضه شده بود پس‌ازکسر مخارج ازهر یک لنگه (یک صندوق، نصف یک‌بار) طالبی فقط ۲۰ ریال بابت سهم ارباب ورعیت‌باقی‌میماند ازاینرو کشت صیفی نسبت بسالهای قبل بمراتب کاهش یافته‌است.

برای اطلاعات بیشتر در بارهٔ نوسان سطح زیرکشت در سالهای اخیر بهتراست بجداول و نقشه‌های مربوط مراجعه‌شود تابهتر وبیشتراین‌نظریه‌مورد تأیید واقع گردد.

***

برداشت محصول

برداشت محصول یعنی جمع‌آوری محصول از زمین های کشت شده که مرحله کاشت و داشت آن بپایان رسیده و مرحله برداشت آن آغاز شده‌است. برداشت محصول ازنظر روستائیان بدونوع برداشت تقسیم میشود، یکی‌برداشت محصول زراعت (گندم وجو) و دیگری برداشت محصول‌بهاره (صیفی، پنبه، چغندروامثال‌آن) دراینجا میزان‌برداشت‌محصولات مختلف‌واحدهای کشاورزی ده طالب‌آباد را از نظر اهمیت موضوع تذکرداده سپس نحوهٔ توزیع وسهم هرواحد کشاورزی و تقسیمات سهم بران آنرا یادآور میشود زیرا زمینهای زیر کشت ده بواحد های مستقل جداازهمی تقسیم‌میشوند که هرکدام مقدارجداگانه‌ای‌محصول کشت وبرداشت‌مینمایند که درمجموع برداشت، کل‌محصولات‌ده‌را شامل‌میشونداز‌اینرو در جدول‌زیر وضع برداشت این واحدهارا مورد بررسی‌قرار داده تا به‌کمیت و کیفیت محصول آگاهی یابیم.

میزان برداشت زراعت (گندم وجو) ده طالب‌آباد درسال زراعی ۱۳۳۹ـ۱۳۳۸

(واحد وزن خروار ، ارزش تومان)

نام بنه	گندم	ارزش	جو	ارزش
بنه آبیار اسدالله	۱۰۵	۱۸۹۰۰	۷۷	۱۰۰۱۰
« عزت	۸۶	۱۵۴۸۰	۸۶	۱۱۱۸۰
« حسین	۸۶	۱۵۴۸۰	۸۲	۱۰۶۶۰
« عباس	۸۴	۱۵۱۲۰	۵۳	۶۸۹۰
« ابراهیم	۱۲۵	۲۲۵۰۰	۷۸	۱۰۱۴۰
نیم‌بنه آبیاراحمد	۷۰	۱۲۶۰۰	۴۰	۵۲۰۰
« محمود	۷۰	۱۲۶۰۰	۴۰	۵۲۰۰
« حسین روح‌الله	۱۱۵	۲۰۷۰۰	—	—
ربع بنه آبیاراسماعیل	۲۰	۳۶۰۰	۱۴	۱۸۲۰
« ملااسماعیل	۱۷	۳۰۶۰	۱۴	۱۸۲۰
جمع	۷۷۸	۱۴۰٬۰۴۰	۴۸۴	۶۲٬۹۲۰

بنا برآمار فوق درسال ۱۳۳۹ درده طالب‌آباد ۷۷۸ خروار گندم و ۴۸۴ خروارجو برداشت شده‌است. گندم درآنسال از قرار خرواری ۱۸۰ تومان و جو خرواری ۱۳۰ تومان بفروش رسیده و جمعاً ۱۴۰۰۴۰ تومان بهاء مجموع گندم‌ها و ۶۲۹۲۰ تومان بهاء مجموع جوها درده مذکور گردیده‌است که درآنصورت قدرت برداشت چنین خواهد بود :

(واحد سطح هکتار، برداشت خروار، ارزش تومان)

نوع محصول	زمین زیر کشت	برداشت	ارزش
گندم	۹۰	۷۷۸	۱۴۰۰۴۰
جو	۴۸	۴۸۴	۶۲۹۲۰
جمع	۱۴۳	۱۲۶۲	۲۰۲۹۶۰

بنابراین ازهرهکتار زمین زیر کشت گندم بیش از ۸ خروار گندم وازهرهکتار زمین زیر کشت جو بیش از ۱۰ خروار جو برداشت شده‌است، برای برداشت این مقدارمحصول ۴۷۰ خروار گندم و ۲۴ خروار جو بطور بذر درزمین پاشیده شده‌است یعنی در هر هکتار زمین ۵۰ من بذر میریزند و باتوجه بمیزان برداشت هرمحصول وبهاء فروش رفته‌آن ، درآمد ازهرهکتار زمین زیر کشت گندم **۱۴۷۴** تومان وهرهکتار زیر کشت جو **۱۳۱۰** تومان در مدت یکسال بوده است. با این ترتیب ملاحظه میشود که برداشت نسبی جو درهرهکتار از گندم بهتر بوده‌است یعنی از :
«**یک تخم گندم ۱۶ تخم ویک تخم جو ۲۰ تخم**» برداشت شده است ، معهذا بهرهٔ یک هکتار گندم ازجو بهتر بوده و ۱۶۴ تومان اختلاف فروش درهر هکتار وجود داشته‌است، این است که افراد بکشت گندم بیش از کشت جو علاقه نشان میدهند وروی همین اصل گاه اتفاق میافتد که اصولاً بنه‌ای بکشت جو مبادرت نمیورزد ولی تاکنون عکس آن مشاهده نشده‌است.

پس ازبیان مقدار برداشت گندم وجو وبهاء فروش رفته آن اکنون به بیان برداشت زراعت بهاره وواحدهائی که بکشت آن مبادرت کرده‌اند میپردازیم .

میزان برداشت زراعت بهارهٔ ده طالب‌آباد درسال زراعی ۱۳۳۹-۱۳۳۸

(واحد وزن خروار، ارزش‌تومان)

نام بنه	صیفی	ارزش	پیاز	ارزش	پنبه	ارزش	چغندر	ارزش
بنه آبیار اسدالله	نامعین	۱۵۰۰۰	۲۱۵	۸۰۰۰	۱۴	۶۵۰۰	۱۰[1]	۳۰۰
« عزت	«	۵۰۰۰	۷۵	۶۵۰۰	۱۲	۴۸۰۰	۱۰۰	۳۳۰۰
« حسین	—	—	۲۵۰	۸۰۰۰	۴۰	۱۶۰۰۰	۵	۱۶۰
« عباس	نامعین	۳۰۰۰	۲۰۰	۶۰۰۰	۲۴	۹۵۰۰	۱۰۰	۳۰۰۰
« ابراهیم	«	۶۷۰۰	۱۷۰	۵۱۰۰	۱۸	۷۲۰۰	۱۰۰	۳۰۰۰
نیم‌بنه آبیار احمد	«	۱۰۰۰۰	۶۰	۲۳۰۰	۱۲	۴۸۰۰	۳	۲۰۰
« « محمود	«	۱۰۰۰۰	۶۰	۲۳۰۰	۱۲	۴۸۰۰	۳	۲۰۰
« « حسین روح‌الله	—	—	۱۰۰	۳۰۰۰	۲۷	۱۰۸۰۰	—	—
ربع بنه آبیار اسماعیل	—	—	—	—	۸	۳۲۰۰	—	—
« « ملااسماعیل	—	—	—	—	۸	۳۲۰۰	—	—
جمع	۵۰۰[2]	۴۹۷۰۰	۱۱۳۰	۴۱۲۰۰	۱۷۵	۷۰۸۰۰	۳۲۱	۱۰۱۶۰

با این ترتیب مشاهده میشود که برداشت زراعت بهاره بنه‌ها بدینقرار بوده‌است :

صیفی	۵۰۰ خروار	بارزش	۴۹۷۰۰ تومان
پیاز	۱۱۳۰ «	«	۴۱۲۰۰ «
پنبه	۱۷۵ «	«	۷۰۸۰۰ «
چغندر	۳۲۱ «	«	۱۰۱۶۰ «
جمع	۲۱۲۶ خروار	بارزش	۱۷۱۸۶۰ تومان

۱- ده من بذر کاشته و درحدود ده خروار چغندر برداشت کرده ولی بمناسبت خوب‌نشدن آنرا گوسفند زده است .

۲- نگارنده نتوانست وزن محصول صیفی‌را بدست آورد ولی ازروی فروش وبهاء تقریبی ۵۰۰ خروار حدس زده شد.

علاوه بر ذکر میزان برداشت محصول زراعت (گندم و جو) و بهاره‌کاری و یادآوری ارزش فروش هریک ازآنها، اینک درآمدهای دیگر بنه‌را مورد محاسبه قرارمیدهیم :

برداشت محصول متفرقه بنه‌ها درسال زراعی ۱۳۳۹-۱۳۳۸

(واحد وزن خروار ، ارزش تومان)

نام بنه	کاه‌گندم	ارزش	کاه‌جو	ارزش	ارزش یونجه	ارزش ته مانده‌صیفی	ارزش ته مانده‌چغندر	مقدار لوبیا
بنه آبیار اسدالله	۱۵۰	۷۵۰۰	۹۰	۳۶۰۰	۳۵۰۰	۸۰۰	—[1]	۰/۶۰
« عزت	۱۳۰	۶۵۰۰	۸۶	۳۴۴۰	۴۵۰۰	۵۰۰	—	۰/۱۰
« حسین	۱۳۰	۶۵۰۰	۸۰	۳۲۰۰	۳۵۰۰	—	—	—
« عباس	۱۲۵	۶۲۵۰	۵۰	۲۰۰۰	۴۵۰۰	۹۰۰	۳۶۰	۰/۸
« ابراهیم	۱۹۰	۹۵۰۰	۷۰	۲۸۰۰	۴۰۰۰	۱۱۰۰	۲۰۰	۰/۱۰
نیم‌بنه آبیار احمد	۱۰۵	۵۲۵۰	۳۸	۱۵۲۰	۲۰۰۰	۵۰۰	—	۰/۳۰
« محمود	۱۰۵	۵۲۵۰	۳۸	۱۵۲۰	۲۰۰۰	۵۰۰	—	۰/۳۰
« حسین روح‌الله	۱۷۰	۸۵۰۰	—	—	۲۰۰۰	—	—	—
ربع بنه آبیار اسماعیل	۳۰	۱۵۰۰	۱۲	۴۸۰	۱۰۰۰	—	—	—
« ملا اسماعیل	۲۶	۱۳۰۰	۱۲	۴۸۰	۱۰۰۰	—	—	—
جمع	۱۱۶۱[2]	۵۸۰۵۰	۴۷۶[2]	۱۹۰۴۰	۲۸۰۰۰[3]	۴۳۰۰	۵۶۰	۱٫۴۸۴

۱- برخی‌ازبنه‌هاچغندررا بمالک واگذارکرده وبهاء آن‌جزء چغندرمحسوب شده وبعضی‌خودمستقیماً فروخته‌اند وبرخی خود چرانیده‌اند.

۲- مقدارکاه درسرخرمن‌وزن‌نمیشود بلکه‌نسبت‌به‌وزن‌خالص‌محصول ۰٫۱ برابر(یک سرونیم)برای کاه گندم وکمی بیش‌از یک‌برابر برای کاه جو حدس‌میزنند، کاه گندم درسال‌مذکور بین ۴۰ تا ۶۰ تومان وکاه جو بین ۴۰ تا ۵۰ تومان‌ازقرارهرخرواری بفروش‌رفته‌است که بطورمتوسط ۵ تومان‌برای هرخروارکاه‌گندم و ۴۰ تومان برای هرخروارکاه جو دراینجا بحساب آمده‌است.

۳- یونجه تمام بنه‌ها درقطعه‌زمین‌بزرگی خارج‌ازمحل محصول درجنب یکدیگر ومتصل بهم‌است ویونجه‌کناره‌کارهاهم معمولاً درجنب آنهااست، قطعه یونجه‌هرکس‌مشخص‌است وهنگام‌فروش پول‌آن به‌نسبت بین آنها تقسیم میشود (۲/۳ ارباب ۱/۳ دهقانان).

۴- برای آنکه مقدار لوبیا کم‌است ازآن صرفنظرکرده ودرمحاسبات‌ازآن ذکری نمیشود.

جدول برداشت محصول متفرقه بنه‌ها بطریق ذیل خلاصه میشود :

کاه گندم	۱۱۶۱ خروار	بارزش	۵۸۰۵۰ تومان
کاه جو	۴۷۶ »	»	۱۹۰۴۰ »
یونجه	۲۸۰ »	»	۲۸۰۰۰ »
ته مانده صیفی	--	»	۴۳۰۰ »
ته مانده چغندر	—	»	۵۶۰ »
جمع	۱۹۱۷ خروار	بارزش	۱۰۹,۹۵۰ تومان

ازمقدار فوق ۷۷,۰۹۰ تومان‌آن بابت ۱۶۳۷ خروار کاه‌گندم وجو وبقیهٔ آن‌بهاء یونجه و ته‌مانده صیفی وچغندربوده است واگر ارزش یونجه‌را از قرار هرخرواری یکصد تومان بحساب آوریم حدود ۲۸۰ خروار وزن تقریبی یونجه میگردد که بجمع محصول متفرقه افزوده شده است با این ترتیب بنه های ذکر شده دارای سه فقره محصول کلی هستند که مقدار جمع هریک بدینقرار است :

نوع زراعت	برداشت‌بخروار	مبلغ به‌تومان
گندم وجو	۱۲۶۲	۲۰۲٫۹۶۰
بهاره کاری	۲۱۲۶	۱۷۱٫۸۶۰
متفرقه	۱۹۱۷	۱۰۹٫۹۵۰
جمع	۵۳۰۵	۴۸۴٫۷۷۰

بطورکلی از ۲۶۱ هکتار زمینهای زیرکشت ده طالب‌آباد ۵۳۰۵ خروار محصول‌بارزش ۴۸۴٫۷۷۰ تومان درسال زراعی ۱۳۳۹-۱۳۳۸ بدست آمده‌است یعنی بطور متوسط ازهر هکتار زمین بیش‌از ۲ خروار محصول بارزش متوسط ۱۸۹۵ تومان برداشت شده است که نسبت بنوع محصول چنین نتیجه گیری میشود .

نوع محصول	زمین زیرکشت	ارزش‌محصول	برداشت‌ازهرهکتار
گندم وجو	۱۴۳ هکتار	۲۰۲۹۶۰ تومان	۱۴۱۹ تومان
بهاره کاری	۹۹ »	۱۷۱۸۶۰ »	۱۷۴۶ »

درمحصول متفرقه بجز یونجه بقیه متعلق بدونوع محصول بوده است زیرا کاه گندم وجو متعلق به‌محصول گندم وجو وصیفی وچغندر باابهاء ته‌مانده آن یکجا تذکر داده شده است واگر بخواهیم برداشت کاه وجورا محاسبه نمائیم برداشت ازهر هکتار زمین‌زراعت (گندم وجو) چنین خواهد بود.

(واحد سطح هکتار، برداشت خروار ، مبلغ تومان)

نوع‌محصول	زمین زیر کشت	برداشت	ارزش	برداشت کاه	ارزش	ارزش کل	ارزش‌برداشت از هر هکتار
گندم	۹۵	۷۷۸	۱۴۰۰۴۰	۱۱۶۱	۵۸۰۵۰	۱۹۸۰۹۰	۲۰۸۵
جو	۴۸	۴۸۴	۶۲۹۲۰	۴۷۶	۱۹۰۴۰	۸۱۹۶۰	۱۷۰۸
جمع	۱۴۳	۱۲۶۲	۲۰۲٫۹۶۰	۱۶۳۷	۷۷۰۹۰	۲۸۰۰۵۰	۱۹۵۸

از ۹۵ هکتار زمین زیرکشت گندم ۷۷۸ خروارگندم از قرار خرواری ۱۸۰ تومان بمبلغ ۱۴۰٫۰۴۰ تومان وازهمان زمین ۱۱۶۱ خروارکاه گندم‌ازقرار خرواری ۵۰ تومان بارزش ۵۸٫۰۵۰ تومان‌برداشت شده‌است ودرنتیجه از۹۵ هکتار زیرکشت گندم ۹۰ ۱۹۸٫۰۹۰ تومان‌محصول‌برداشت شده‌است که بطورمتوسط ازهرهکتار زمین زیرکشت گندم محصولی بارزش ۲۰۸۵ تومان بدست آمده‌است.

درمورد جو تنها ۴۸ هکتار زمین زیرکشت بوده که ۴۸۴ خروار محصول از قرار خرواری ۱۳۰ تومان بمبلغ ۶۲۹۲۰ تومان وازهمان زمین ۴۷۶ خروارکاه جو ازقرار خرواری ۴۰ تومان بارزش ۱۹۰۴۰ تومان برداشت شده ودرنتیجه ارزش‌جو وکاه جو ۸۲۰۰۰ تومان گردیده است که باتوجه به‌۴۸ هکتار زمین زیرکشت جو بطورمتوسط ازهرهکتار آن‌محصولی بارزش ۱۷۰۸ تومان برداشت شده‌است.

باتوجه بارزش دو محصول گندم وجوکه ازهرهکتار زمین برداشت شده مشاهده میگردد که ازیک هکتار زمین زیرکشت گندم محصولی بارزش ۳۷۷ تومان بیش‌از یک هکتار زمین زیرکشت جو برداشت شده‌است ، بهمین‌علت هم‌هست که کشت گندم تقریباً دوبرابر زمین‌های

زیر کشت جو است و اگر کشت جو برای احتیاجات محلی نبود شاید رفته رفته از کشت آن صرفنظر میشد زیرا یکی از بنه ها باوجود نیم بنه بودن از کشت جو منصرف ومنحصراً به کشت گندم مبادرت نموده و ۱۱۰ خروار گندم برداشت نموده در صورتیکه بهترین بنه های کامل گندمشان از ۱۲۵ خروار تجاوز نکرده است.

بطور خلاصه از ۱۴۳ هکتار زمین زیر کشت گندم و جو ۱۲۶۲ خروار محصول بارزش ۲۰۲،۹۶۰ تومان و ۱۶۳۷ خروار کاه بارزش ۷۷،۰۹۰ تومان برداشت شده که بطور متوسط از هرهکتار زمین زیر کشت گندم وجو محصولی بارزش ۱۹۵۸ تومان بدست آمده است.

***

پس از بیان زراعت گندم وجو و مقدار محصول بدست آمده از زمینهای زیر زراعت مربوط اکنون بذکر چگونگی زراعت بهاره میپردازیم که درسال ۱۳۳۹ چه وضعی داشته است، دراین مورد آمار وارقام مربوط را چنین میتوان خلاصه نمود.

وضع زراعت بهاره ده طالب‌آباد در سال زراعی ۳۹ ـ ۱۳۳۸

(واحد وزن خروار، ارزش تومان)

نوع محصول	زمین زیر کشت	برداشت	ارزش	ارزش ته مانده	ارزش کل	برداشت از هرهکتار
صیفی	۲۴	۵۰۰	۴۹۷۰۰	۴۳۰۰	۵۴۰۰۰	۲۲۵۰
پیاز	۱۵/۵	۱۱۳۰	۴۱۲۰۰	—	۴۱۲۰۰	۲۶۵۸
پنبه	۵۳	۱۷۵	۷۰۸۰۰	—[1]	۷۰۸۰۰	۱۳۳۵
چغندر	۶/۵	۳۲۱	۱۰۱۶۰	۵۶۰[2]	۱۰۷۲۰	۱۶۴۹
جمع	۹۹	۲۱۲۶	۱۷۱/۸۶۰	۴۸۶۰	۱۷۶/۷۲۰	۱۷۸۵

بنابر اطلاعات فوق ازهرهکتار زمین زیر کشت محصول بهاره، بطور متوسط محصولی بارزش ۱۷۸۵ تومان برداشت شده است درصورتیکه ازهرهکتار زمین زیر کشت جو و گندم بطور متوسط ۱۹۵۸ تومان

۱ـ جای پنبه را مستقیماً نفروخته اند بلکه یاخود چرانیده اند ویا پایاپای باارباب معاوضه کرده اند.

۲ـ جای چغندر راهم بعضی یاخود چرانیده ویا جزء چغندری که گرفته اند محسوب شده است.

بدست آمده‌است واین ۱۷۳ تومان اختلاف در هرهکتار بستگی بخوب و بد شدن محصول دارد ولی دربین بهاء متوسط هرهکتار زمین زیر کشت محصولات‌بهاره، درسال‌مذکور پیاز درجهٔ اول اهمیت‌را دارا است.

پس‌ازآن صیفی‌جای‌دارد، برداشت‌پنبه‌با بد وخوب‌شدنش بستگی‌داردوبدان‌توجه زیادی میشود ودرسال موردنظرمحصول پنبه خوب نشده ولی‌از صیفی محصول خوبی بدست آمده است، بکشت‌چغندرچون محصولهای‌دیگرتوجه‌نشده است وبطورمتوسط ارزش‌محصول هرهکتاراززراعت بهاره چنین‌خواهد بود.

متوسط بهاء برداشت ازیک هکتارگندم		۲۰۸۵ تومان
»	جو	۱۷۰۸ »
»	صیفی	۲۲۵۰ »
»	پیاز	۲۶۵۸ »
»	پنبه	۱۳۳۵ »
»	چغندر	۱۶۴۹ »

بهاء متوسط برداشت‌اززراعت بهاره‌و گندم وجو ۱۸۸۷ تومان

اگر ارزش متوسط زراعت (گندم و جو)، بهاره‌کاری و یونجه را ازهم تفکیک نموده، مقدار زمین زیر کشت وبرداشت آنرا محاسبه نمائیم نتیجه چنین‌خواهد بود:

(واحد سطح‌هکتار، برداشت خروار، ارزش تومان)

نام محصول	زمین زیر کشت	مقدار برداشت	ارزش	ارزش متوسط هر هکتار
گندم، جو وکاه	۱۴۳	۲۸۹۹	۲۸۰،۰۵۰	۱۹۵۸
بهاره‌کاری	۹۹	۲۱۲۶	۱۷۶،۷۲۰	۱۷۸۵
یونجه	۱۹	۲۸۰	۲۸۰۰۰	۱۴۷۳
جمع	۲۶۱	۵۳۰۵	۴۸۴،۷۷۰	۱۸۵۷

بطور خلاصه ازکل بنه‌های فوق که ۲۶۱ هکتارزیرکشت دارندبیش‌از ۵۳۰۰ خروار محصول بقیمت بیش‌از ۴۸۴،۰۰۰ تومان بدست آمده‌است و بطورمتوسط ازهرهکتار زمین بیش‌از

۲۰ خروار محصول برداشت‌شده که ارزش متوسطی بیش از ۱۸۵۰ تومان را دارا بوده‌است.

***

برداشت محصولات فوق تنها متعلق به بنه ها میباشد درصورتیکه متذکرشد ۳۱ هکتار زمین درده مذکور زیر کشت بوده‌است یعنی ۴۹ هکتار زمین مزروعی دیگر وجود دارد که باغها وزمینهای کناره کاری را تشکیل میدهد و خود جداگانه قابل تذکر وبررسی است.

***

زمینهای مزروعی خارج از بنه‌ها

مشخصات کلیهٔ زمینهای مزروعی بنه ها اعم از زراعت و بهاره کاری وارزش محصولات فروش رفته آن یادآور گردید، اینک مشخصات زمینهای زیر کشت خارج از بنه های ده مذکور را درجدول زیر مورد مطالعه قرار میدهیم.

(واحد سطح هکتار، ارزش تومان)

محل کشت	نوع محصول	مساحت	میزان فروش	درآمد متوسط هرهکتار
باغ پائین	میوه وسبزی	۵	۷۰۰۰	۱۴۰۰
باغ بالا	»	۸	۹۰۰۰	۱۱۲۵
سبزیکاری	سبزی	۵	۱۸۰۰۰	۳۶۰۰
کناره کاری	پنبه	۲	۳۱۵۰	۱۵۷۵
»	یونجه	۲۱	۱۷۰۰۰	۱۵۴۵
صیفی کاری قمی	صیفی	۱۸	۵۰۰۰۰	۲۷۷۷
جمع	محصولات	۴۹	۱۰۴۱۵۰	۲۱۲۵

بانگاهی بجدول فوق وضع محصولات وفروش سالیانه خارج از بنه ها مشخص میگردد ولی ارقام فوق تنها ارقام فروش رفته است وتاکنون ذکری ازمخارج آن بمیان نیامده است ولی در فصل جداگانه‌ای مخارج بتفصیل مورد مطالعه قرار گرفته‌است.

طبق ارقام بالا از ۴۹ هکتار زراعت خارج از بنه ها محصولی بارزش ۱۰۴۱۵۰ تومان درطول یکسال زراعی برداشت شده‌است وبطورمتوسط از هرهکتار آن برابر ۲۱۲۵ تومان محصول بدست آمده‌است. پس بطور کلی میتوان مجموع زمینهای زیر کشت ده مذکور را بدودسته تقسیم کرد

یکی زمینهای قابل کشتی که بنه‌ها و زمینهای زراعتی آنرا تشکیل میدهند ودیگر زمینهائی که در زیر کشت سبزی، باغ میوه، کناره کاری وامثال آن قراردارند که بطور کلی میتوان آنهارا زمینهای زیر کشت محصولات متفرقه نام نهاد و درمقابل ۲۶۱ هکتار زمین زیر کشت بنه‌ها بیش از ۴۹ هکتار نیست، نتیجهٔ کلی ونهائی که از برداشت محصولات وفروش کلیهٔ آنها در ده طالب‌آباد بدست میآید چنین خواهد بود :

جدول نهائی ارزش کلیهٔ محصولات ده طالب‌آباد درسال زراعی ۳۹-۱۳۳۸
(واحد سطح هکتار ، ارزش تومان)

سطح زیر کشت	مساحت	ارزش	متوسط درآمد سالانه‌ازهرهکتار
بنه‌ها	۲۶۱	۴۸۴،۷۷۰	۱۸۵۷
متفرقه	۴۹	۱۰۴،۱۵۰	۲۱۲۵
جمع	۳۱۰	۵۸۸،۹۲۰	۱۸۹۹

جدول‌فوق آمار نهائی زمینهای‌زیر کشت ده طالب آباد درسال زراعی ۳۹-۱۳۳۸ است. دراین‌سال از ۳۱۰ هکتار زمینهای زیر کشت ، ۲۶۱ هکتار اختصاص به‌بنه‌ها داشته که مجموعاً ازآنها ۵۰۳۰ خروار محصول بارزش ۴۸۴،۷۷۰ تومان و در ۴۹ هکتار زمینهای متفرقه مجموع محصولش بیش‌از ۱۰۲۷ خروار بارزش ۱۰۴،۱۵۰ تومان بوده‌است که بطور کلی‌ازمجموع ۳۱۰ هکتار زمین زیر کشت حدود ۶۳۳۲ خروار محصول بارزش حدود ۵۸۹۰۰۰ تومان برداشته‌شده است وبطور متوسط ازهرهکتار زمین زیر کشت بیش‌از ۲۰ خروار محصول بارزشی برابر با ۱۸۹۹ تومان برداشت شده‌است.

***

البته آمارفوق که درجداول مربوط به‌تفصیل بیان گردیده مربوط بسال زراعی ۳۹-۱۳۳۸ شمسی‌است که فعالیت‌های واحدهای مختلف کشاورزی ده طالب‌آبادرا مشخص میسازد ولی‌در سالهای‌بعد دیگر وضع زیر کشت وبرداشت بدین‌تفصیل بیان نشده‌است و فقط بذکر جداول کلی دربارهٔ وضع کاشت وبرداشت محصولات مختلف اکتفا شده‌است که ذیلاً به‌ذکرآنها میپردازیم ولی‌ازهراکندگی وضع زیر کشت وپراکندگی واحدهای کشاورزی جداول ونقشه‌هائی‌تهیه شده است که درجای مربوط بیان گردیده‌است.

وضع زیرکشت وبرداشت محصولات ده طالب‌آباد درسال زراعی ۳۹-۱۳۳۸
(واحد سطح‌هکتار، وزن خروار، ارزش تومان)

نام محصول	سطح‌زیرکشت	مقداربرداشت	ارزش
گندم	۹۵	۷۷۸	۱۴۰۰۴۰
جو	۴۸	۴۸۴	۶۳۰۰۰
کاه	—	۱۶۳۷	۷۷۰۰۰
صیفی	۴۲	۱۰۰۰	۱۰۴۰۰۰
پیاز	۱۵٫۵	۱۱۳۰	۴۱۰۰۰
پنبه	۵۵	۱۸۳	۷۴۰۰۰
چغندر	۶٫۵	۳۲۱	۱۰۰۰۰
یونجه	۳۰	۴۵۰	۴۵۰۰۰
میوه‌وسبزی	۱۸	۳۴۹	۳۴۰۰۰
جمع	۳۱۰	۶۳۳۲	۵۸۸۰۰۰

وضع زیرکشت وبرداشت محصولات ده طالب‌آباد درسال زراعی ۴۰-۱۳۳۹
(واحد سطح هکتار، وزن خروار، ارزش تومان)

نام محصول	سطح‌زیرکشت	مقداربرداشت	ارزش
گندم	۱۰۸	۷۸۰	۸۴۰۰۰
جو	۳۲	۲۶۳	۲۶۰۰۰
کاه	—	۱۳۰۰	۲۶۰۰۰
صیفی	۴۱	۷۶۰	۳۸۰۰۰
پیاز	۱۵	۱۲۰۰	۴۸۰۰۰
پنبه	۳۲	۱۶۰	۶۰۰۰۰
چغندر	—	۶۰	۱۰۰۰
یونجه	۳۰	۸۷۵	۷۰۰۰۰
میوه‌وسبزی	۱۸	۲۰۰	۱۴۰۰۰
جمع	۲۷۶	۵۵۹۸	۳۶۷۰۰۰

وضع زیرکشت و برداشت محصولات ده طالب‌آباد درسال زراعی ۴۱-۱۳۴۰

(واحد سطح هکتار، وزن خروار، ارزش تومان)

نام محصول	سطح زیرکشت	مقداربرداشت	ارزش
گندم	۱۳۰	۱۲۹۰	۲۵۸۰۰۰
جو	۴۰	۴۵۰	۴۵۰۰۰
کاه	—	۲۳۴۰	۱۸۷۲۰
صیفی	۳۹	۱۲۴۰	۷۲۵۰۰
پیاز	—	—	—
پنبه	۶۰	۳۵۰	۱۷۸۵۰۰
چغندر	—	۱۳۰	۳۹۰۰
یونجه	۱۱	۲۳۰	۱۸۰۰۰
میوه وسبزی و فرآورده‌های باغ[1]	۱۸	۲۵۰	۲۶۸۹۰
جمع	۲۹۸	۶۲۸۰	۶۲۱۵۱۰

وضع زیرکشت و برداشت محصولات ده طالب‌آباد درسال زراعی ۴۲-۱۳۴۱

(واحد سطح هکتار، برداشت خروار، ارزش تومان)

نام محصول	سطح زیرکشت	مقداربرداشت	ارزش
گندم	۱۲۰	۱۲۰۰	۲۰۴۰۰۰
جو	۳۴[2]	۱۹۰	۲۴۷۰۰
کاه	—	۱۶۰۰	۱۶۰۰۰
صیفی	۱۲	۴۵۰	۴۵۰۰۰
پیاز	—	—	—
پنبه	۱۰۰	۶۰۰	۳۰۰۰۰۰
چغندر	داخل پنبه	۱۲۰	—
یونجه	—	—	—
میوه وسبزی	۱۳	۱۰۰	۸۰۰۰
جمع	۲۷۹	۴۲۶۰	۵۹۷۰۰

۱- برای ریز این ارقام به‌ارزش فراورده‌های روستائی ده طالب‌آباد درسال زراعی‌فوق مراجعه‌شود.

۲- محل برداشت جو دراین‌سال، مقیم‌آباد واقع درجنوب غربی طالب‌آباد بوده‌است.

وضع زیرکشت وبرداشت محصولات ده طالب‌آباد درسال زراعی ۴۳-۱۳۴۲

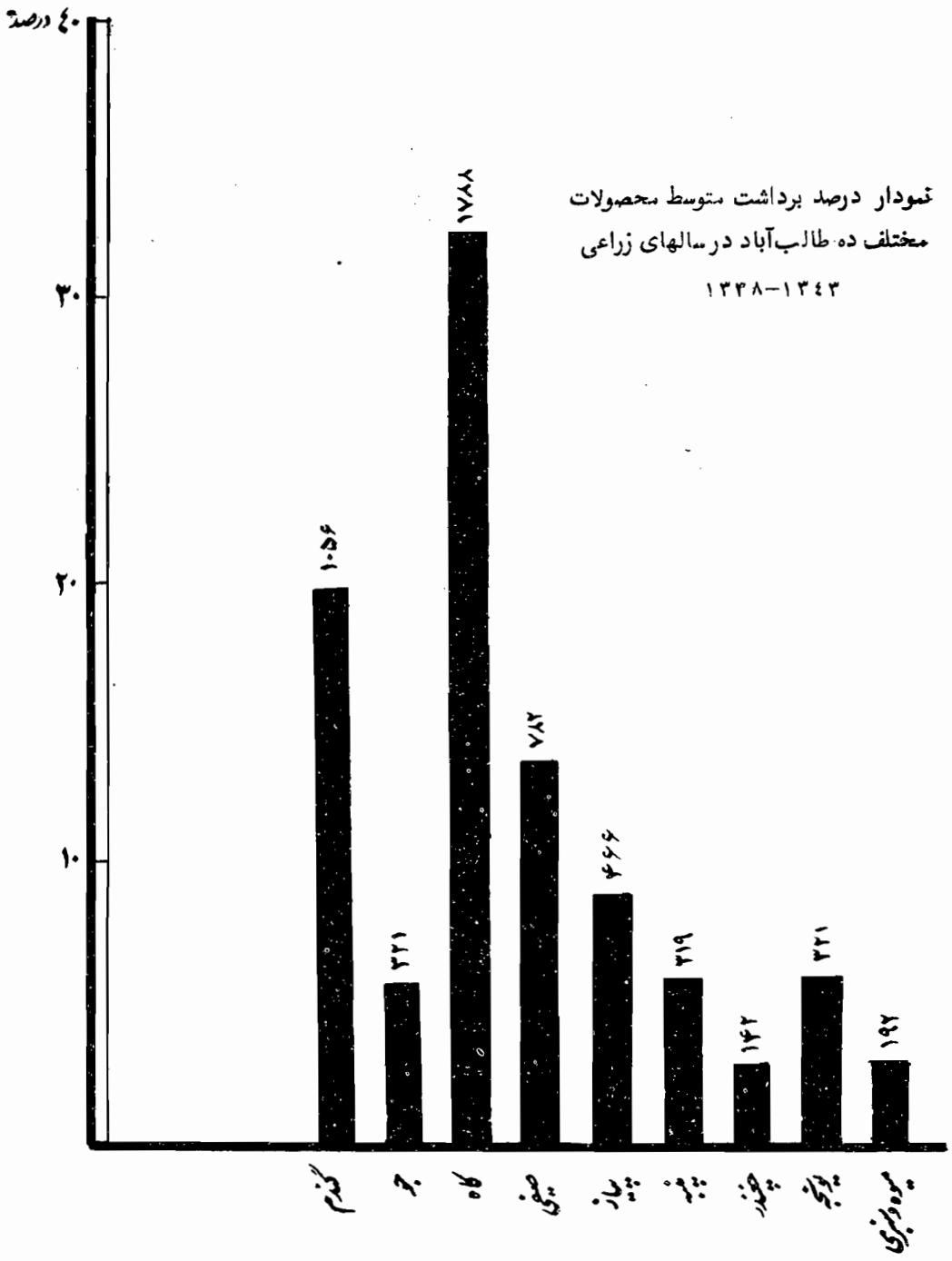
(واحد سطح‌هکتار ، برداشت خروار، ارزش تومان)

نام محصول	سطح زیر کشت	مقدار برداشت	ارزش
گندم	۱۰۰	۱۲۳۰	۲۱۶۰۰۰
جو	۱۰	۲۲۰	۲۸۶۰۰
کاه	—	۲۰۶۵	۲۰۶۵۰
صیفی	۱۴	۴۶۰	۱۸۰۰۰
پیاز	—	—	—
پنبه	۷۰	۳۰۰	۱۵۷۵۰۰
چغندر	۲	۸۰	۳۶۰۰
یونجه	۲	۵۰	۸۰۰۰
میوه وسبزی	۱۳	۶۰	۶۰۰۰
جمع	۲۱۱	۴۴۶۵	۴۵۸۳۵۰

وضع برداشت محصولات ده طالب‌آباد در سالهای زراعی۱۳۳۸تا۱۳۴۳

(واحد وزن خروار)

نام محصول	۳۹-۱۳۳۸	۴۰-۱۳۳۹	۴۱-۱۳۴۰	۴۲-۱۳۴۱	۴۳-۱۳۴۲	برداشت متوسط
گندم	۷۷۸	۷۸۰	۱۲۹۰	۱۲۰۰	۱۲۳۰	۱۰۵۶
جو	۴۸۴	۲۶۳	۴۵۰	۱۹۰	۲۲۰	۳۲۱
کاه	۱۶۳۷	۱۳۰۰	۲۳۴۰	۱۶۰۰	۲۰۶۵	۱۷۸۸
صیفی	۱۰۰۰	۷۶۰	۱۲۴۰	۴۵۰	۴۶۰	۷۸۲
پیاز	۱۱۳۰	۱۲۰۰	—	—	—	۴۶۶
پنبه	۱۸۳	۱۶۰	۳۵۰	۶۰۰	۳۰۰	۳۱۹
چغندر	۳۲۱	۶۰	۱۳۰	۱۲۰	۸۰	۱۴۲
یونجه	۴۵۰	۸۷۵	۲۳۰	—	۵۰	۳۲۱
میوه وسبزی	۳۴۹	۲۰۰	۲۵۰	۱۰۰	۶۰	۱۹۲
جمع	۶۳۳۲	۵۵۹۸	۶۲۸۰	۴۲۶۰	۴۴۶۵	۵۳۸۷


نمودار درصد برداشت متوسط محصولات
مختلف ده طالب‌آباد در سالهای زراعی
۱۳۴۳-۱۳۴۸
۴۰ درصد
۳۰
۲۰
۱۰
۱۰۵۶
۳۲۱
۱۷۸۸
۷۸۲
۴۶۶
۳۱۹
۱۴۲
۳۲۱
۱۹۲
گندم
جو
کاه
صیفی
پیاز
پنبه
چغندر
یونجه
میوه و سبزی

وضع زیرکشت وبرداشت محصولات ده طالب‌آباد درسال زراعی ۴۴-۱۳۴۳

(واحد سطح‌هکتار، برداشت خروار، ارزش تومان)

نام محصول	سطح‌زیرکشت	مقداربرداشت	ارزش
گندم	۱۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰۰۰
جو	۳۵	۴۵۰	۱۵۷۵۰
کاه	—	۲۰۰۰	۶۶۰۰۰
صیفی	۲۳	۶۵۰	۲۶۰۰۰
پیاز	—	—	—
پنبه	۵۰	۳۰۰	۱۴۲۵۰۰
چغندر	—	—	—
یونجه	۲	۳۲	۳۸۰۰
میووسبزی	۱۳	۳۰	۳۰۰۰
جمع	۲۲۳	۴۵۶۲	۳۶۷۰۵۰

بطوریکه درجداول فوق مشاهده میشود آمار و ارقام سال زراعی ۴-۱۳۳۹ نسبت بسال ماقبل ومابعد خود قوس‌نزولی دارد درصورتیکه وضع‌زیرکشت محصولات مختلف تقریباًیکسان واختلاف زیادی دراین‌مورد مشاهده نمیشود، علت این‌اختلاف‌را ساکنین ده و خبرگان محلی بیشتر درعدم بارندگی‌بمقدارکافی‌میدانند ولی‌آمارموجود بارندگی‌تهران مقدار باران سال‌فوق‌را بمراتب بیش‌از مقدار باران سال ماقبل آن نشان میدهد ، آنچه میتوان دراین مورد متذکر شد اینست‌که کسادی ناگهانی بازار از نظر اقتصادی و ارزانتربفروش رفتن فراورده‌های روستائی

۱- محاسبهٔ این ارقام هنگامی صورت گرفت‌که این‌صفحات زیر چاپ بود و ارقام قطعی نبود تا در معدل محاسبه‌ها منظور گردد . زیرا درچین اول پنبه ۲۰۰ خروار برداشت شده بود و ۱۰۰ خروار برای چین دوم حدس زده شدکه بهای آن از قرار هرخرواری بین ۴۶۵ تا ۴۸۵ تومان نیز نوسان داشت.

ازطرفی وآفت زدگی صیفی ازطرف دیگر این اختلاف را بوجودآورده‌است چه‌از ۳۸٪ اختلاف بهاء فرآورده‌های کشاورزی بیش‌از ۱۱٪ مستقیماً زیانی‌است که ازکشت صیفی متوجه‌آن شده‌است و ۲۷٪ بقیه پائین‌آمدن‌ناگهانی ارزش‌فرآورده‌ها بوده‌است زیرا ارزش گندم‌حدود ۴٪ وجو حدود ۳۰٪ نسبت بسال ماقبل‌خود تنزل‌داشته‌است.

درسال زراعی ۴۱-۱۳۴۰ اجاره‌دار ده تعویض گردید، اجاره‌دار جدید باعلاقه‌و کوشش بیشتر ازطرفی وبهترشدن وضع فروش‌محصول ازطرف دیگر، ده وضع اقتصادی‌بهتری بخود گرفت، وضع فروش دراین‌سال وسال‌بعد (۴۲-۱۳۴۱) نسبت بسالهای ماقبل‌خود رضایت‌بخش بوده‌است و این رضایت بخشی بیشتر مدیون وضع برداشت گندم بوده است زیرا برداشت گندم ازیک تخم ۱۶ تخم درسالهای قبل به‌یک تخم ۲۰ تخم دراین‌سال رسیده‌است.

درسال۴۳-۱۳۴۲ وضع برداشت‌محصول درمجموع مانندسال ماقبل‌خود بوده‌است‌چه‌برداشت غله وصیفی بیش‌از سال‌قبل ولی برداشت مقدارپنبه کمتر از سال قبل بوده‌است ولی در سال بعد یعنی‌سال‌زراعی ۴۴-۱۳۴۳ برداشت غلات به‌یک تخم ۲۲ تخم رسیده است وبرداشت گندم از برداشت متوسط ۵ ساله نیز بالاتر بوده است ازاینرو چنین نتیجه گرفته میشود که برداشت بهتر محصول، دلسوزی، رسیدگی‌وبطورخلاصه مدیریت لازم‌دارد یعنی باید فرد مدیر ودلسوزی‌ساکن روستا گردیده ازهرنظراختیارداشته‌باشد تابتواندمحصول بهتری‌برداشت‌نماید چنانچه درطالب‌آباد این‌نکات مراعات میگردد ودرنتیجه میزان برداشت‌محصول همه‌ساله‌روبتزاید است، همانطورکه جداول و نمودارهای ضمیمه که برداشت میزان محصول بتفکیک درآن مشخص‌شده نظریهٔ مارا تأیید مینماید.

***

درصفحات قبل‌وضع کشت ومقداربرداشت محصول‌را درده طالب‌آباد‌مورد

مقایسهٔ برداشت بررسی‌قرارداده‌اکنون‌جهت‌نتیجه گیری‌لازم‌است دراین‌مقام‌مقایسهٔ‌فرآورده‌های آن باسایر نقاط بپردازیم، مقایسهٔ تمام محصول وفرآورده‌های حاصله ازده بافرآورده‌های‌نقاط دیگر کاردشواری‌است ازاینرو فقط بمقایسهٔ‌محصول گندم‌آن باسایر نقاط کشور میپردازیم. طبق‌آمارگیری کشاورزی کل کشور که‌درمهرماه‌سال ۱۳۳۹ توسط‌ادارهٔ کل‌آمارعمومی انجام گرفته ضمن‌جداول‌واطلاعات فراوانی‌مقدار بذر، برداشت‌محصول وسطح زیر کشت‌استانهای مختلف کشوررا درپانزده مجلد منتشرنموده‌است وازطرفی‌تعداد دهات هراستان نیزمشخص است

بنابراین جدول زیررا میتوان از ارقام جداول فوق نتیجه گیری کرد وچون واحد محلی مورد بررسی دراین کتاب بیشتر براساس خروار محاسبه گردیده است ازاینرو ارقام حاصله را به خروار تبدیل نموده تاارقام بدست آمده بادیگرصفحات کتاب همانند باشد.

جدول مقایسه وضع برداشت گندم

نام استان	برداشت متوسط از یک ده (واحدخروار)	برداشت متوسط ازهر هکتار (واحدخروار)	یک تخم چندتخم	مقداربذرکاشته شده در هرهکتار (واحد من)
استان مرکزی	۲۵۱٫۷۵	۲٫۸۴	۶٫۸۱	۴۲
« گیلان	۱۵۰٫۴۲	۱٫۹۵	۵٫۶۶	۳۴
« مازندران و گرگان	۲۳۲٫۷۲	۳٫۵۶	۸٫۸۶	۴۰
« آذربایجان شرقی	۳۱۴٫۹۶	۱٫۹۰	۴٫۷۰	۴۰
« آذربایجان غربی	۱۶۶٫۲۱	۲٫۲۴	۵٫۶۵	۳۹
« کرمانشاهان	۲۳۰٫۸۲	۲٫۰۶	۵٫۹۹	۳۴
« کردستان	۲۲۰٫۶۲	۲٫۱۳	۵٫۳۰	۴۰
« خوزستان ولرستان	۲۱۸٫۶۱	۲٫۲۰	۵٫۸۰	۳۸
« فارس	۲۵۴٫۷۹	۱٫۹۶	۷٫۰۸	۲۸
« کرمان	۶۳٫۱۳	۳٫۹۳	۷٫۶۴	۵۱
« خراسان	۱۸۷٫۲۶	۲٫۹۱	۸٫۶۷	۳۳
« اصفهان	۱۷۰٫۹۳	۴٫۰۱	۷٫۱۸	۵۶
« سیستان وبلوچستان	۷۷٫۴۶	۳٫۵۳	۷٫۵۸	۴۷
متوسط ایران	۱۹۸٫۷۷	۲٫۷۱	۶٫۴۱	۳۸
طالب آباد	۷۸۸	۸٫۰۰	۱۶	۵۰

طبق ارقام جدول فوق بهترین منطقه ایران ازلحاظ برداشت محصول گندم بترتیب اهمیت، استانهای مازندران و گرگان، خراسان، کرمان، سیستان وبلوچستان، اصفهان، فارس وسپس استان مرکزی جای دارد. نسبت بذرمصرف شده درآذربایجان شرقی نسبت به برداشت محصولش ازتمام مناطق کشور کمتراست درصورتیکه طبق ارقام مندرج درجداول بدست آمده برداشت محصول گندم

ده طالب آباد درسالی که آماری ازبرداشت کلیه دهات استانها تهیه شده‌است یک‌تخم‌شانزده‌تخم بوده‌است یعنی‌حدود دوبرابر برداشت ازبهترین‌مناطق کشورکه مازندران و گرگان باشد.

برداشت متوسط گندم یک‌ده درآذربایجان شرقی‌ازبرداشت‌متوسط یک ده ازمجموع دهات کشور بهتر بوده‌است. بدترین‌استانهای کشور ازلحاظ برداشت محصول گندم درسال‌موردمطالعه کرمان بوده‌است چه‌باوجود برداشت یک‌تخم هفت‌تخم، و زمین مستعد برای کشت گندم، ولی کم‌آبی‌اجازه برداشت محصول بیشتری را بدهات استان نداده‌است درصورتیکه برداشت گندم ده طالب‌آباد درهرهکتارحدودچهاربرابر بیشتراز برداشت گندم‌متوسط ایران وبیش‌ازدوبرابربرداشت محصول گندم متوسط استان کرمان بوده‌است.

برداشت متوسط گندم درسرهکتار ازحاصلخیزترین زمینهای کشور طبق‌ارقام جدول بترتیب مازندران‌و گرگان، کرمان وسیستان‌وبلوچستان میباشند یعنی‌حاصلخیزترین زمینهای‌ایران‌بترتیب فوق قرارگرفته‌اند درصورتیکه طالب‌آباد ازهرهکتار زمین خود محصولی‌بمراتب بیش‌ازدوبرابر متوسط حاصلخیزترین دهات کشور برداشت نموده‌است.

نگارنده در مطالعات خود باین‌نتیجه رسیده‌است که برداشت یک تخم چندتخم نمیتواند ملاک‌عمل‌قرارگیرد چه‌درسال زراعی ۱۳٤۰-٤۱ مقایسه‌ای‌دراینمورد صورت گرفته‌است زیرا درده طالب‌آباد درقطعه‌زمینی بمساحت ۱٫٦ هکتار ۸۰ره خروار بذرکاشته گردید و درنتیجه ۱۷۲ خروارگندم برداشت گردیدو ۷۸۰ تومان هم‌ازهمان‌زمین پول‌سرچرگرفته شدیعنی‌صرفنظراز سرچر یک‌تخم ۲۸ تخم محصول‌برداشته شد درصورتیکه درهمان سال‌درقطعه نو در ۱۰ هکتار زمین یک خروار بذر پاشیده شد، درنتیجه ۱۰۰ خروار محصول‌برداشت گردید یعنی‌یک‌تخم یکصدتخم.

اگر دوقطعه زمین‌را بطورتقریباً مساوی‌فرض کنیم درقطعه‌زمین‌طالب‌آباد ۸۰ره٤ خروار بذر بیشترپاشیده‌شده ولی‌درعوض ۷۲ خروارگندم باضافه ۷۸۰ تومان‌پول‌سرچراضافه گرفته‌شده‌است ویا بطورتحقیق درقطعه‌نوازهرهکتارزمین ۱۰ خروارمحصول برداشت‌شده‌است درصورتیکه درطالب‌آباد ازهرهکتار زمین ۱٤٫۸۲ خروارمحصول باضافه ۶۷۲ تومان پول‌سرچر بدست آمده‌است، درنتیجه یک‌تخم چندتخم مطرح نیست بلکه بازده زمین ازهرهکتار بایستی مورد نظر قرارگیرد ومحاسبه براساس‌آن‌صورت پذیرد.

***

طرز تقسیم محصول

طرز تقسیم محصول زراعتهای مختلف دراین نواحی یکسان نیست مثلاً طرز تقسیم زراعت (گندم وجو) ، بهاره کاری ویونجه هریک بادیگری اختلاف دارد، درده طالب‌آباد هم این سه محصول یکسان تقسیم نمیشوند، بنابراین لازم است دراینجا طریقه تقسیم هرکدام را بطورجداگانه طبق عرف محل بطریق زیر بیان کنیم :

طرز تقسیم زراعت (گندم وجو)

اساس طرزتقسیم گندم وجو درتمام دهات غارپنج کوت است که هریک از عوامل پنجگانه (زمین ، آب، بذر، گاو ونیروی کار) یک سهم میبرند ولی درفرع بقدری تقسیم محصول تابع سنن وعرف محلی است که اصل آنرا نیز تحت‌الشعاع قرارمیدهد . درده طالب‌آباد هم چون دهات دیگر تقسیم براساس پنج کوت است ولی هرچند گاهی درفروع آن تغییری حاصل میشود که ذیلاً بیان میگردد :

تاسال ۱۳۳۷ درطالب‌آباد تقسیم بنحوی انجام میگرفت وازآن پس طریقهٔ جدیدی درطرز تقسیم محصول بکار رفت وما دراینجا هردونوع تقسیم محصول را بیان نموده و سپس بمقایسهٔ آن‌دو میپردازیم :

تقسیم محصول بطریق قدیم

تقسیم‌بندی قدیمی زراعت در ده طالب‌آباد بدین‌نحو بود که اگر ازبنه‌ای هرقدرگندم شمش (گندم خالص) بدست میآمد قبل‌ازاینکه این گندم‌بین ارباب‌ورعیت تقسیم‌شود مقداری بعناوین‌مختلف ازآن برداشته میشد مثلا اگر یکصد خروار گندم محصول بنه‌ای بود قبل‌از تقسیم ده یک ازکل محصول یعنی ده خروار را ارباب بابت شخم‌زنی‌ومخارج‌مربوط بدان برمیداشت درمقابل رعیت‌ها هم ده‌یک ازکل‌محصول یعنی ده خروار را بابت جمع کشی یعنی‌مخارج جمع کردن‌محصول هنگام خرمن کردن و مخارج درو کردن را برمیداشتند . سپس‌ازکل محصول یک بنه ۶۰ من بعنوان بوجاری برای اضافه کردن بسهم آبیار و دم آبیار برداشت میشد ، پس‌ازآن ازهربنه‌ای ۵۰ من برای دشتبان که مزارع را پاسداری مینموده برداشته میشد واین بعنوان پاداشی‌بود که ارباب و رعیت مشترکاً بپاس خدمات دشتبان بنامبرده میدادند البته این مقدار علاوه برحقوق رسمی اومیبود که‌توسط ارباب‌پرداخت‌میشد، پنجاه من هم‌ازمیانه به گاوچران بنه سهم داده میشد زیرا اوهم‌ازگاوهای‌بنه نگهداری‌مینموده وهنگام‌محصول‌چشم داشت‌به‌پاداش داشت، نجارهم که‌مدت یکسال کارهای نجاری‌بنه‌راانجام‌داده ازهربنه‌ای‌پنجاه من‌سهم‌میبرد، درآخرده‌نیمی هم‌به‌دهقانان ازقانون زمان دکترمحمد مصدق اضافه برآنچه سهم میبردند تعلق میگرفت یعنی از ۱۰٪ قانون

دکتر مصدق که درزمان حکومت ایشان برای عمران‌ده ودهقانان‌اختصاص داده شده بودپس‌از وی به ۱۰٪ تقلیل یافت که ۵٪ آن‌را ارباب بابت آبادی و عمران ده برداشته و ۵٪ بقیه بین دهقانان تقسیم میشد، بدین‌ترتیب :

کل‌محصول‌بنهٔ یکصدخرواریا ده‌هزارمن	۱۰۰۰۰من	٪ ۱۰۰
ده‌یک ازکل‌محصول بابت جمع کشی	۱۰۰۰ من	٪ ۱۰
« بابت شخم‌زنی	۱۰۰۰ «	٪ ۱۰
بابت بوجاری	۶۰ «	٪ ۰/۶
« دشتبانی	۵۰ «	٪ ۰/۵
« گاوچرانی	۵۰ «	٪ ۰/۵
« سهم نجار	۵۰ «	٪ ۰/۵
« ده نیم سهم رعیت	۴۰۰ « [1]	٪ ۰/
جمع	۲۶۱۰ من	٪ ۲۶٫۱

مشاهده میشود که دراین‌طرزتقسیم‌ازیکصد خروار محصول‌فوق ۲۶٫۱۰ خروارآن ازمیانه کسر شده‌است واگراین‌مقداررا ازکل‌محصول کسر کنیم نتیجه چنین‌میشود :

۱۰۰۰۰ من کل‌محصول	٪۱۰۰
۲۶۱۰ من برداشت شده ازمیانه	٪ ۲۶٫۱
۷۳۹۰ من بقیه‌محصول	٪ ۷۳٫۹

۷۳۹۰ من بقیه محصول‌چهارکوت‌میشود یعنی‌سهم‌زمین، آب، بذرونیروی کار، بطوریکه مشاهده‌میشود سهم گاو که عامل‌پنجمی‌باشد منظورنگردیده چه‌اربابسهم‌ده‌یک خودرا بنام‌سهم شخم ازمیانه قبل‌ازتقسیم محصول‌برداشت نموده‌است ودرنتیجه‌سهم هریک‌ازچهارعامل فوق :

۷۳۹۰ ÷ ۴ = ۱۸۴۷٫۵

۱۸۴۷٫۵ من گندم یاجو میگردد، چون‌یکی‌ازاین‌چهارعامل‌نیروی کار‌است‌پس‌سهم کلیهٔ دهقانانی که دریک بنه کارمیکنند مجموعاً ۱۸۴۷٫۵ من گندم یاجو خواهد بود وسه سهم دیگر به‌ارباب

۱- ده نیم‌سهم رعیت پس‌ازکسرنمودن سهم جمع کشی وشخم‌زنی ازکل‌محصول محاسبه میگردد.

تعلق میگیرد چون آب وزمین وبذر ازآن ارباب بوده است ولی بسهم دهقانان اضافاتی بدین ترتیب تعلق میگیرد .

+ ۱۸۴۷٫۵	من	یک سهم ازچهار کوت .
۱۰۰۰	«	ده یک سهم دهقانان ازسیانه قبل ازتقسیم .
۴۰۰	«	سهمیه ده نیم مصدقی [1] .
۶۰	«	« بوجاری .
۲۰۰	«	سهم خرواری دومن [2] .
۱۰۰	«	سهم ته خرمن [3] .
جمع ۳۶۰۷٫۵	من	

از ده هزار من محصول فوق ۳۶۰۷٫۵ من سهم گندم یا جوی بنه ای میگردد که محصول را عمل آورده است ومعمولاً درهربنه شش نفر دهقان کار میکنند یعنی مقدار فوق سهم گندم یاجوی شش نفر دهقان است ولی باز مقداری ازاین میزان کسر میگردد بدین ترتیب :

− ۳۶۰۷٫۵	من	کل سهم ۶ نفر دهقان عضو یک بنه	٪۳۶٫۰۷
۶۰	«	سهم بوجاری	٪۰/۶
۳۰	«	« حمامی [4]	٪۰/۳
۳۰	«	« سلمانی [5]	٪۰/۳
بقیه ۳۴۸۷٫۵	من		٪۳۴٫۸۷

مقدار ۳۴۸۷٫۵ من محصول گندم یاجو بایستی بتساوی بین دهقانان بنه ای که شش نفرند تقسیم گردد یعنی :

سهم یک دهقان ساده ۵۸۱٫۲۵ = ۶ ÷ ۳۴۸۷٫۵ من ٪۵٫۸۱ از کل محصول .

۱- مقدارمحصولی که در زمان نخست وزیری دکترمحمد مصدق بسهم دهقانان افزوده گشت .

۲- رسم براین است که ازهرخرواری دومن بنام ته کوت ازسهمیه ارباب برعیت ها داده میشود .

۳- رسم براین است که ازهرخرواری ۵٫۱ من بنام ته خرمن ازسهمیهٔ ارباب برعیت ها داده میشود .

۴- رعیت ها مدت یکسال مجاناً بحمام رفته وهنگام برداشت خرمن هر نفری پنج من گندم یعنی هربنه ۳۰ من گندم بابت پول حمام خود میپردازند .

۵- رعیت ها مدت یکسال مجاناً سلمانی رفته و هنگام برداشت خرمن هرنفری پنج من گندم یعنی هربنه ۳۰ من گندم بابت پول سلمانی خود میپردازند .

پس اگر درپنه‌ای صد خروار گندم یاجو برداشت شود سهم یکنفر دهقان عضو آن‌پنه پنج خروار و هشتاد ویک من ویک چارك (۱۷۴۳٫۷۵ کیلوگرم) خواهد بود و **دراین نواحی چنین دهقان ساده‌ای‌را بااین سهم «برزگر» مینامند .**

دریک پنه شش‌نفری یک‌نفربآنها ریاست میکند که «**آبیار**» لقب دارد، آبیار دو یاسه‌نفر معاون‌دارد که «**دم‌آبیار**» خوانده میشوند و دویاسه‌نفر بقیه برزگرند .

دم‌آبیار سهمی‌بیش‌از برزگر وآبیار سهمی بیش‌از دم‌آبیار میبرد یعنی ۶۰من بوجاری بین چهارنفر (سه‌نفر دم‌آبیار ویکنفر آبیار) ازقرار هرنفری ۱۵من تقسیم میشود ولی‌علاوه برسهمی که بدینطریق به آبیار تعلق میگیرداربابِ یک خروار گندم ویایک خروار جو به آبیار پاداش‌میدهد بااین‌ترتیب سهم هریک چنین‌خواهد بود :

سهم یک برزگر	۵۸۱٫۲۵ من	۸۱٫۵٪ ازکل محصول
« دم‌آبیار	۵۹۶٫۲۵ «	۹۶٫۵٪ «
« آبیار	۶۹۶٫۲۵ «	۹۶٫۶٪ «

البته سهام فوق سهم شراکتی ارباب ورعیتی‌دراین‌ده نامیده میشود، برزگران‌برای گرفتن سهم بیشترمیکوشند که دم‌آبیار شوند ودم‌آبیاران میکوشند که بمقام‌آبیاری برسند زیرا کلمهٔ‌آبیار با اسم کوچک آنها همراه وپنه نیز بنام آبیار نام گذاری میشود .

سهمی که دربالا تذکرداده‌شد سهم گندم یاجوی‌یک‌پنه‌است که براساس‌این‌نحوه‌تقسیم‌بندی تقسیم میگردد ولی دهقانان این‌ده درهرماه ۲۵من گندم و ۳۰تومان پول‌بعنوان مساعده بمدت ۹ماه ازسال دریافت میدارند ولی‌سه‌ماهی که هنگام برداشت محصول‌است دیگر بآنهامساعده‌ای داده نمیشود، هنگام تقسیم محصول کلیهٔ مساعده‌های جنسی که برای هررعیت ۲۲۵من گندم است ازسهم آنها کسر میگردد و درصورت یکصد خروار محصول داشتن پنه ، گندمی که باخود بمنزل میبرند عبارتست‌از :

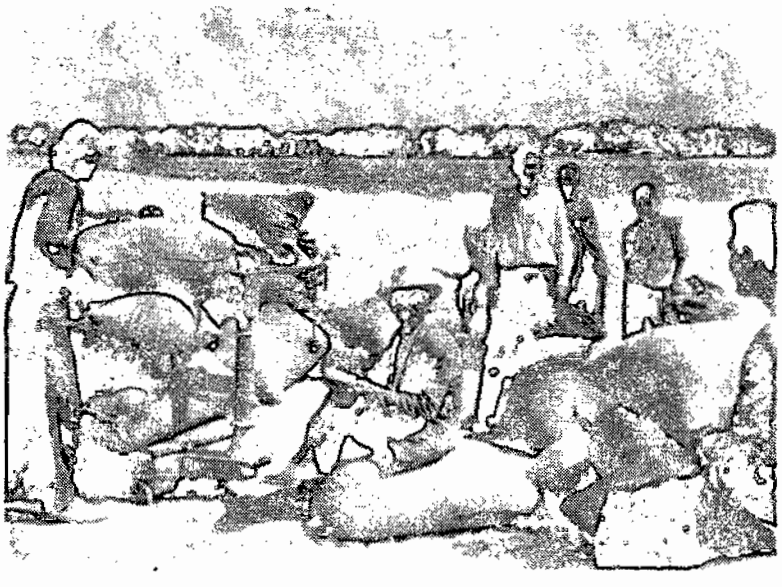
سهم یک برزگر	۳۵۶٫۲۵ من
« دم‌آبیار	۳۷۱٫۲۵ «
« آبیار	۴۷۱٫۲۵ «

نامبردگان اگرخواسته باشند مقدارگندم‌فوق راجداگانه فروخته ویا برای‌خود نگهمیدارند واگرمایل باشندبنرخ روز پول آنرا از ارباب دریافت میدارند . طرز تقسیم گندم و جو بدین‌ترتیب

انجام می‌پذیرد ولی‌لازم بیادآوری است که دهقانان هریک درطول ۹ماه بصورت حقوق ماهانه ازقرار ماهی ۳۰تومان پول ازارباب دریافت میدارند که دربالا یادآورشد ولی این پول دریافتی ازسهام بهاره‌کاری آنها برداشت میشود نه‌از سهام جو و گندم آنها.

***

طرز تقسیم گندم



پس‌ازآماده شدن گندم هرخرمن رعیت‌های بنه مربوط ومباشر ارباب درمحل‌خرمن حاضرشده کلیهٔ گندم‌هارا وزن نموده سهم هریک مشخص‌میگردد، سپس‌مباشر میزان بدهی گندمی را که دهقانان مساعده گرفته‌اند ازسهم آنها کسرنموده وبقیه سهمشان‌را تحویل‌میدهد.
درعکس‌فوق مباشر ارباب با دفتر حسابش در وسط، ارباب ده درکنارسمت راست و چندنفر دهقان که مشغول‌سهم کردن گندم هستند دیده میشوند.

تقسیم محصول بطریق جدید

درطرزتقسیم محصول بطریق قبلی‌مشاهده گردید که اگرمیزان‌محصول‌جو یا گندم بنه‌ای را ۱۰۰ فرض کنیم ۲۶٫۱٪ آن ازمیانه برداشت شده و ۷۳٫۹٪آن‌چهارتقسیم‌میشود که ۱۸٫۴۷٪ آن‌سهم‌دهقانان وبقیه‌به‌ارباب تعلق میگیرد وپس‌ازمختصر تغییری که به‌آن داده میشود:

سهم یک برزگر	٪ ۵٫۸۱
» دم‌آبیار	٪ ۵٫۹۶
» آبیار	٪ ۶٫۹۶

از کل محصول میگردد ، ولی در تقسیم محصول بطریق جدید که ازسال ۱۳۳۸ در ده‌طالب‌آباد اجرا میشود تمام مخارجی را که قبلاً از میانه برداشت میشد ارباب خود بعهده میگیرد و کل محصول را سه تقسیم «**سه‌کوت**» نموده یک‌تقسیم سهم شش‌نفر دهقان عضو یک‌بنه ودو تقسیم به‌ارباب تعلق‌میگیرد بدین‌طریق :

کل‌محصول	۱۰۰۰۰ من	٪۱۰۰
سهم شش‌نفر دهقان	۳۳۳۳٫۳ = ۳÷۱۰۰۰ »	٪۳۳٫۳
سهم یک برزگر	۵۵۵٫۵ = ۶÷۳۳۳۳٫۳ »	٪۵٫۵۵

پس‌ازتقسیم، هرکس ازسهم خودش بایستی سهم حمامی وسلمانی‌را که ازقرارسالی ۵ من گندم‌و۵ من جو است بپردازد، پس‌ده من‌ازسهم‌فوق کسرمیگردد، دراین‌تقسیم‌بندی سهم‌برزگر و دم‌آبیار یکسان‌است ولی‌تنها آبیار یک‌خروار پاداش‌خودرا از ارباب دریافت‌میدارد، درنتیجه پس‌ازکسر سهم حمامی وسلمانی سهم هریک ازدهقانان عضو بنه چنین‌خواهد بود.

سهم برزگر و دم‌آبیار	۴۵۵٫۵ من	٪۴۵٫۵
سهم آبیار	۶۴۵٫۵ »	٪۶٫۴۵

که باز ازسهم هریک مقدار ۲۲۵ من گندم که درمدت ۹ ماه ازقرار ماهی ۲۵ من مساعده دریافت داشته‌اند کسر میگردد وبقیه‌را تحویل‌میگیرند.

***

اختلاف دو نحوه تقسیم‌بندی محصول‌در این است‌که ۳۶/۰٪ یا ۳۶ من درطریقه جدید کمترازطریقه‌قدیم‌به‌برزگران‌و ۱۵/۰٪یا ۱۵ من کمتر به‌آبیاران سهم میرسد، هنگام‌اجرای این‌طرز جدیددرده شایع‌شده بود وشایع‌است که‌تقسیم‌بندی‌جدیدبرای دهقانان بصرفه‌تراست‌تا تقسیم‌بندی قدیمی ومعتقد بودند که به‌سهم آنها نیزاضافه خواهد شد چون‌سواد ندارند که‌این پیچ‌وخمهای تقسیم‌را محاسبه‌نمایند روی‌همین‌اصل بارضایت خاطراین‌طریقه‌راپذیرفتند. اگرمسئله ۳۶/۰٪ و ۱۵/۰٪ فوق‌را نادیده بگیریم مسئله هم ازنظر دهقانان وهم‌ازنظر ارباب بسیارساده است و در سر خرمن ۱/۳ ازکلیهٔ محصول‌بنه‌را بدون‌وجود میرزا وحساب وکتاب برای خود برداشت‌نموده و دهقانان بنه بین‌خود تقسیم میکنند و دچار دردسرهای عجیب وغریب نمیشوند.

***

طرز تقسیم محصول بهاره

منظور از محصول بهاره صیفی ، لبه، چغندر وپیاز میباشد و وقتی صحبت از محصول بهاره میگردد محصولات نامبرده موردنظر است ، طرز تقسیم آن بدین نحواست که کلیهٔ محصولات فوق توسط ارباب بفروش رفته ومجموع پول آن بنام «**فروش کل بهاره**» نامیده میشود .

فروش کل بهاره هربنه مشخص است وبرای تقسیم ابتدا صدی ده فروش محصول بهاره بنه حساب شده بابت شخم زنی به ارباب تعلق میگیرد و باقیمانده پول فروش به نسبت مساوی بین ارباب ودهقانان نصف میگردد، آنگاه کلیهٔ مخارجی که ارباب بابت محصول بهاره پرداخته است ازسهم دهقانان کسر میکند (بابت تخمه صیفی پولی پرداخت نمیشود چه کلیهٔ رعیت ها تخمه ها را جمع نموده برای کشت مجدد تحویل میدهند) وپول مانده سهم مجموع دهقانان عضو بنه است که معمولاً سهم پولی یونجه دهقانان هم بدان اضافه میگردد (از جمع محصول یونجه دوسهم ارباب و یک سهم رعیت میبرد یعنی برخلاف محصول بهاره که نصف میگردد یونجه سه کوت میشود) . درطرز تقسیم گندم وجو یادآور شدیم که دهقانان ۹ ماه ازسال هرماه ۳ تومان پول یعنی جمعاً ۲۷ تومان دریافت میدارند. دراینجااست که مبلغ فوق ازسهمیهٔ نقدی دهقانان کسر میگردد .

محصول بهاره بشکل نصفه کاری است بدینصورت که ارباب زمین وآب را بمشارکت میگذارد ورعیت ها کلیهٔ مخارج دیگررا بعهده میگیرند وچون انجام شخم زدن وخرید تخمه آن بعهده ارباب واگذار میشود نامبرده پس ازبرداشت محصول بهاره مخارج آنرا ازسهم رعیت برداشت میکند و این عمل برای آن صورت میگیرد که چون دهقانان پول نقد برای خرید تخمه و پرداخت اجرت شخم زنی ندارند توسط ارباب پرداخت شده سپس ازسهمیه آنها کسر میگردد، البته بابت مزد ووجین کارگر ومخارج احتمالی دیگر دهقانان خود مخارج راسپردازند واگر دراینمورد هم پولی برای پرداخت نداشته باشند ارباب پرداخته سپس ازسهم دهقانان کسر مینماید زیرا ارباب مستقیماً دراینگونه کارها نظارت دارد وبقول خودشان کمک میکند تا کار رو به غلط نیفتد . ولی سمپاشی زمین بعهده ارباب است ودرصورت سمپاشی کردن ازسهمیهٔ رعیت چیزی کسر نمیگردد .

اینک جدولی ازفروش محصولات بهاره و مخارج وسهم نقدی بنه های ده طالب آباد را درسال زراعی ۱۳۳۹-۱۳۳۸ متذکر میگردد .

جدول فروش محصولات بهاره وسهم نقدی بنه‌های مختلف ده طالب آباد در سال زراعی ۳۹-۱۳۳۸

(واحد ارزش تومان)

نام بنه	فروش کل بهاره[1] (سهم ارباب رعیتی)	۱۰٪ شخم مشترک (ازمیانه)[2]	سهم ارباب رعیتی پس از ۱۰٪ شخم	سهم دهقانان بنه	مخارج بعهده رعیت[3]	سهمیه دهقانان بنه پس از کسر مخارج	سهم یک دهقان از بهاره	٪ سهم هر دهقان نسبت به کل فروش
بنه آبیا راسدالله	۳۰۶۰۰	۳۰۶۰	۲۷۵۴۰	۱۳۷۷۰	۴۶۰۰	۹۱۷۰	۱۵۲۸	۵
« عزت	۲۰۱۰۰	۲۰۱۰	۱۸۰۹۰	۹۰۴۵	۳۰۰۰	۶۰۴۵	۱۰۰۷٫۵	۳
« حسین	۲۴۱۶۰	۲۴۱۶	۲۱۷۴۴	۱۰۸۷۲	۳۵۰۰	۷۳۷۲	۱۲۲۸٫۶	۴
« عباس	۲۲۷۶۰	۲۲۷۶	۲۰۴۸۴	۱۰۲۴۲	۳۴۰۰	۶۸۴۶	۱۱۴۰	۳٫۷
« ابراهیم	۲۳۳۰۰	۲۳۳۰	۲۰۹۷۰	۱۰۴۸۵	۳۴۵۰	۷۰۳۵	۱۱۷۲٫۵	۳٫۸
نیم بنه آبیا راحمد	۱۷۸۰۰	۱۷۸۰	۱۶۰۲۰	۸۰۱۰	۲۶۰۰	۵۴۱۰	۱۳۵۲٫۵	۴٫۴
« محمود	۱۷۸۰۰	۱۷۸۰	۱۶۰۲۰	۸۰۱۰	۲۶۰۰	۵۴۱۰	۱۳۵۲٫۵	۴٫۴
« حسین روح‌الله	۱۳۸۰۰	۱۳۸۰	۱۲۴۲۰	۶۲۱۰	۲۰۰۰	۴۲۱۰	۱۰۵۲٫۵	۳٫۴
ربع بنه آبیا راسماعیل	۳۲۰۰	۳۲۰	۲۸۸۰	۱۴۴۰	۵۰۰	۹۴۰	۴۷۰	۱٫۵
« ملااسماعیل	۳۲۰۰	۳۲۰	۲۸۸۰	۱۴۴۰	۵۰۰	۹۴۰	۴۷۰	۱٫۵
جمع	۱۷۶۷۲۰	۱۷۶۷۲	۱۵۹۰۴۸	۷۹۵۲۴	۲۶۱۵۰	۵۳۳۷۴	۱۰۷۷٫۱	۳٫۷

۱- فروش کل بهاره مجموع سهم ارباب رعیتی است، ۱۰٪ شخم ازمیانه برداشت شده بقیه نصف شده مخارج ازنیمه رعیت‌ها کم شده سپس پول نقدی باقیمانده بین اعضاء بنه بتساوی تقسیم میشود.

۲- پول شخم ومخارج مربوط بدان را ارباب پرداخته سپس مخارج شخم‌زنی را بنام «۱۰٪ شخم» ازفروش نقدی بهاره برداشت مینماید.

۳- مخارج بعهده رعیت مخارجی است که بهرصورت بایستی توسط رعیت‌های عضو بنه پرداخت شود ولی بواسطه نداشتن پول، مخارج توسط ارباب پرداخت شده و از سهم فروش نقدی بهاره کاری آنها کسر میگردد.

سهم یونجه دهقانان بنه‌های مختلف ده طالب‌آباد درسال‌زراعی ۳۹ـ۱۳۳۸

(واحد ارزش تومان)

نام بنه	فروش کل[1] یونجه	سهم ارباب	سهم دهقانان	سهم‌یک‌دهقان
بنه آبیار اسدالله	۳۵۰۰	۲۳۳۴	۱۱۶۶	۱۹۵
« عزت	۴۵۰۰	۳۰۰۰	۱۵۰۰	۲۵۰
« حسین	۳۵۰۰	۲۳۳۴	۱۱۶۶	۱۹۵
« عباس	۴۵۰۰	۳۰۰۰	۱۵۰۰	۲۵۰
« ابراهیم	۴۰۰۰	۲۶۶۶	۱۳۳۴	۲۲۳
نیم‌بنه آبیار احمد	۲۰۰۰	۱۳۳۴	۶۶۶	۲۲۲
« « محمود	۲۰۰۰	۱۳۳۴	۶۶۶	۲۲۲
« « حسین روح‌الله	۲۰۰۰	۱۳۳۴	۶۶۶	۲۲۲
ربع بنه آبیاراسماعیل	۱۰۰۰	۶۶۷	۳۳۳	۱۶۶
« « ملااسماعیل	۱۰۰۰	۶۶۷	۳۳۳	۱۶۶
جمع	۲۸۰۰۰	۱۸۶۷۰	۹۳۳۰	۲۰۷٫۴

درجدول فوق چگونگی طرز تقسیم محصول بهاره و مقدار مخارج وسهم هربنه و سهمیه هر دهقان درمدت یکسال زراعی روشن گردیده است.

بطوریکه ارقام نشان میدهد فروش کل بهاره بنه‌ها ۱۷۶۷۲ تومان بوده‌است، درآغاز سهم‌بندی ده درصد مبلغ مذکور بابت مخارج شخم‌زنی کسر شده وبه‌ارباب تعلق میگیرد، بقیه پول بتساوی بین ارباب ودهقانان تقسیم‌میشود آنگاه ۲۶۱۵ تومان‌مخارج بنه‌ها که توسط ارباب پرداخت‌شده ازسهم دهقانان کسر گردیده مانده‌پول که ۳۳۷۴ تومان میباشد سهم کلیه دهقانانی است که عضو بنه‌ها میباشند واین‌مبلغ بتساوی بین آنها تقسیم‌میشود.

۱ـ فروش کل یونجه(سهم ارباب‌رعیتی) سه کوت میشود ۳/۲ سهم ارباب و ۳/۱ سهم جمع دهقانان عضو بنه‌است.

طرزتقسیم محصول بطور کلی در بالا متذکر شد ولی لازم بیادآوری است که هنگام بار گیری صیفی هر دهقان حق دارد هرشب یک تادومن محصول صیفی را برای خود بمنزل ببرد ، اگر در پنبه آنها لوبیا کاشته شده باشد محصولش را به نسبت بین خود تقسیم میکنند، درصورت کاشتن چغندرلبو، ذرت ، کدو و امثال آن که معمولاً در اطراف صیفی کاشته میشود فرآورده های آنرا سهم نموده بهر دهقان سهمی میرسد که بیشتر بعلت کم بودن قابل فروش نیست وجزء حقوق دهقانان محسوب نمیگردد .

***

خلاصهٔ تقسیم محصول :

درمورد تقسیم محصول بتفصیل سخن گفته شد ولی بطور خلاصه در حال حاضر میتوان طرز تقسیم محصول را درده طالب آباد چنین بیان نمود:

زراعت (گندم وجو) : محصول گندم وجو سه کوت میشود دوسهم ارباب ویک سهم رعیت، پول شخم بعهده ارباب بقیهٔ مخارج بعهده رعیت.

بهاره کاری : پول شخم ازمیانه برداشته شده باقیمانده نصف میگردد، کلیه مخارج را رعیت ازنیمهٔ خود بایستی بپردازد (پول شخم را برابر با ۱۰٪ از کل فروش بهاره بحساب میآورند) .

کناره کاری : درکناره کاری تقسیم گندم وجو سه کوت ، بهاره کاری پس از کسر مخارج شخم بقیه نصف ویونجه سه کوت سهم میشود مانند بنه ها .

یونجه کاری : یونجه سه کوت میشود دوسهم ارباب یک سهم رعیت ها، بذر را ارباب میدهد.

علف چر : علف چر چهار کوت میشود سه سهم ارباب ویک سهم دهقانان .

کاه : کاه چهار کوت میشود سه سهم ارباب ویک سهم دهقانان .

***

درآمد وحقوق دهقانان

قبلاً وضع برداشت محصول وچگونگی تقسیم آن بتفصیل بیان گردید ولی، اکنون ببررسی این مسئله میپردازیم که هر دهقان درمدت یکسال چقدر سهم برده ودرآمد روزانه او از محصول کار خود چگونه بوده است، برای بیان این منظور کلیه سهامی که اززراعت گندم وجو وبهاره کاری و امثال آن بنامبردگان سهم رسیده است مورد بررسی قرارمیدهیم :

سهمیه‌گندم وجوی‌یک دهقان دربنه‌های مختلف ده طالب‌آباد درسال‌زراعی ۳۹ـ۱۳۳۸

(واحد وزن خروار ، ارزش تومان)

نام بنه	سهم‌گندم	سهم جو	سهم کاه گندم	سهم کاه جو	ارزش‌مجموع
بنه آبیار اسدالله	۵ر۷۲	۴ر۲۰	۶ر۲۵	۳ر۷۵	۲۰۲۸
« عزت	۴ر۶۸	۴ر۶۸	۵ر۴۲	۳ر۵۸	۱۸۶۵
« حسین	۴ر۶۸	۴ر۴۶	۵ر۴۲	۳ر۳۳	۱۸۲۶ر۴
« عباس	۴ر۵۷	۲ر۸۸	۵ر۲۰	۲ر۰۱	۱۵۳۷ر۴
« ابراهیم	۶ر۸۱	۴ر۲۵	۷ر۹۱	۲ر۹۱	۲۲۹۰ر۲
نیم‌بنه آبیار احمد	۳ر۸۱	۲ر۱۸	۶ر۵۵	۱ر۵۸	۱۳۶۰ر۹
« محمود	۳ر۸۱	۲ر۱۸	۶ر۵۵	۱ر۵۸	۱۳۶۰ر۹
« حسین روح‌الله	۶ر۲۶	—	۱۰ر۶۲	—	۱۶۶۱ر۴
ربع بنه آبیار اسماعیل	۳ر۲۵	۲ر۲۰	۳ر۷۵	۱ر۵۰	۱۰۵۸ر۵
« ملا اسماعیل	۲ر۸۰	۲ر۲۰	۳ر۲۵	۱ر۵۰	۹۹۲ر۵
سهم متوسط	۴ر۶۴	۲ر۹۲	۵ر۹۰	۲ر۱۷	۱۵۹۸ر۱۲

درجدول‌فوق مقدارگندم وجو وهم‌چنین مقدارکاهی که بهرفرد دهقان عضو بنه درمدت یکسال زراعی سهم رسیده‌است متذکر وارزش مجموع محصول به نرخ روز بیان شده‌است ضمناً سهم متوسط هربنه‌درپایان جدول محاسبه گردیده‌است، اکنون درآمدهای دیگردهقانان هربنه‌را محاسبه تا جمع درآمد سالانه هردهقان دربنه‌ای که عضویت دارد مشخص و درآمد روزانه‌اش نیزمعین گردد.

جدول درآمد سالانه هردهقان ازبنه‌های مختلف درسال‌زراعی ۳۹-۱۳۳۸

(واحد ارزش تومان)

نام بنه	سهم زراعت	سهم بهاره[1]	سهم یونجه	جمع درآمد سالانه	مزد متوسط روزانه
بنه آبیار اسدالله	۲۰۲۸	۱۵۲۸	۱۹۵	۳۷۵۱	۱۰ر۳
« عزت	۱۸۶۵	۱۰۰۷ر۵	۲۵۰	۳۱۲۲ر۵	۸ر۵
« حسین	۱۸۲۶ر۴	۱۲۲۸ر۶	۱۹۵	۳۲۵۰	۸ر۹
« عباس	۱۵۳۷ر۴	۱۱۴۰	۲۵۰	۲۹۲۷ر۴	۸
« ابراهیم	۲۲۹۰ر۲	۱۱۷۲ر۵	۲۲۳	۳۶۸۵ر۷	۱۰
نیم‌بنه آبیاراحمد	۱۳۶۰ر۹	۱۳۵۲ر۵	۲۲۲	۲۹۳۵ر۴	۸
« محمود	۱۳۶۰ر۹	۱۳۵۲ر۵	۲۲۲	۲۹۳۵ر۴	۸
« حسین روح‌الله	۱۶۶۱ر۴	۱۰۵۲ر۵	۲۲۲	۲۹۳۵ر۹	۸
ربع بنه آبیاراسماعیل	۱۰۵۸ر۵	۴۷۰	۱۱۶	۱۶۹۴ر۵	۴ر۶
« ملااسماعیل	۹۹۲ر۵	۴۷۰	۱۶۶	۱۶۲۸ر۵	۴ر۵
جمع	۱۵۹۸ر۱۲	۱۰۷۷ر۱	۲۰۷ر۴	۲۸۸۲ر۶۲	تقریباً ۸

باملاحظه جدول فوق مزد روزانه یکفرد دهقان عضو هربنه درطول سال مشاهده میشود واین مزد بستگی بمیزان برداشت وخوب و بد شدن محصول وهم‌چنین بستگی به‌قیمت‌فروش آن در بازار بنرخ روز دارد. بطوریکه مشاهده میشود باتوجه به‌عوامل‌بالا مزد روزانه‌دهقانان پرفروش‌ترین بنه‌ها درعرض‌سال ۱۰۳ ریال بودداست که بهترین وبیشترین محصول را برداشت نموده‌اند و بدترین بنه‌ها که محصولش‌خوب نشده است افرادش روزانه ۴۰ ریال‌مزد برده‌اند.

ولی بطور متوسط هردهقان‌عضو بنه‌درطول‌سال‌برابربا حدود ۸ ریال‌مزدبرده‌است که بطور متوسط :

۱- مخارج‌بنه ازسهم نقدی بهاره کسر میگردد و در طرزتقسیم محصول‌بهاره بدان اشاره شده‌است.

درآمد متوسط روزانه یکفرد دهقان عضو بنه درمدت یکسال ازبابت گندم وجو			۴۳٫۷ ریال
»	»	بهاره کاری	۲۹٫۵
»	»	یونجه	۶

درآمد متوسط روزانه یکفرد دهقان درمدت یکسال ازبابت کلیهٔ محصول ۷۹٫۲ ریال
تقریباً ۸۰ ریال

ولی یادآور شدیم که درسال مذکور بطور کلی ۵۸۸۰۰۰ تومان محصول بفروش رفته و تنها ۶۰ نفر دهقان مجموعاً این محصول را کشت وبرداشت نموده‌اند که درواقع هرکدام روزانه محصولی برابر با ۲۷۰ ریال تولید کرده‌اند وتنها کمتراز $\frac{1}{3}$ دسترنج تولید شده‌را دریافت داشته‌اند اگر درآمدهای حاصله ازسبزیکاری وباغهای ده‌را ازکل محصول بفروش رسیده کسر کنیم حدود ۵۹٪ ازکل فروش بنه‌ها مستقیماً سهم ارباب وتنها ۴۱٪ بقیهٔ آن سهم جمیع دهقانان بنه‌ها و کناره کاریها بوده‌است که بایستی مخارج حاصله‌را نیز ازآن کسر نمود.

***

درآمد فردی و حقوق روزانه دهقانان ده طالب آباد درسال زراعی ۳۹-۱۳۳۸ نگاشته گردید و دراینجادرآمد فردی‌وحقوق‌روزانه‌دهقانان‌را درسال‌زراعی ۴۱-۱۳۴۰ نیزیادآور میشویم تابین‌آن‌دو مقایسه گردیده معدل حقوق روزانه آنها نتیجه گیری شود.

واحدهای زیرکشت ده طالب آباد در سال زراعی ۴۱-۱۳۴۰

(واحد سطح هکتار)

نام بنه	گندم	جو	صیفی	پنبه	چغندر	یونجه	میوه	سبزی	جمع مساحت بنه
بنه آبیار اسدالله	۱۶	۳٫۵	۴	۵		۱٫۲	—	—	۲۹٫۷
« عزت	۱۶	۳	۴	۷		۱٫۲	—	—	۳۱٫۲
« حسین	۱۶	۵٫۵	۴	۶		۱٫۳	—	—	۳۲٫۸
« عباس	۱۴	۶	۴	۵		۱٫۲	—	—	۳۰٫۲
« احمد	۱۳	۷٫۵	۴	۵		۱٫۲	—	—	۳۰٫۷
« حسین روح الله	۱۶	۷٫۵	—	۱۰		۱٫۳	—	—	۳۴٫۸
« حسن اکبر	۱۴	۷	۴	۶		۱٫۲	—	—	۳۲٫۲
نیم بنه آبیار میرزاحسین	۷	—	—	۴		۰/۶	—	—	۱۱٫۶
« حسین محمود	۷	—	—	۴		۰/۶	—	—	۱۱٫۶
« آبیاراسماعیل	۵٫۵	—	—	۴		۰/۶	—	—	۱۰٫۱
« ملااسماعیل	۵٫۵	—	—	۴		۰/۶	—	—	۱۰٫۱
جمع	۱۳۰	۴۰	۲۴	۶۰	—	۱۱	—	—	۲۶۵
بنه قمی	—	—	۱۵	—	—	—	—	—	۱۵
باغ میوه	—	—	—	—	—	—	۱۳	—	۱۳
سبزیکاری	—	—	—	—	—	—	—	۵	۵
جمع	۱۳۰	۴۰	۳۹	۶۰	—	۱۱	۱۳	۵	۲۹۸

پراکنده در پنبه

برداشت محصول واحدهای زیرکشت ده طالب‌آباد درسال‌زراعی ۴۱-۱۳۴۰

(واحد وزن خروار)

نام بنه	گندم	جو	کاه	پنبه	صیفی	چغندر	یونجه
بنه آبیار اسدالله	۲۰۵	۲۲	۳۲۲	۳۷	از روی فروش تخمین زده شد[1]	برا کنده کشت شده[2]	از روی فروش تخمین زده شد[3]
« عزت	۱۷۵	۲۱	۲۸۱	۴۳			
« حسین	۱۷۵	۷۲	۳۳۲	۴۰			
« عباس	۱۴۵	۶۶	۲۷۶	۲۴			
« احمد	۱۱۰	۸۷	۲۴۷	۲۴			
« حسین روح‌الله	۱۳۵	۹۷	۲۹۷	۵۱			
« حسن اکبر	۱۳۵	۸۵	۲۸۵	۳۶			
نیم‌بنه آبیار میرزا حسین	۶۲٫۵	—	۹۰	۲۳			
« حسین محمود	۶۲٫۵	—	۹۰	۲۴			
« آبیار اسماعیل	۴۲٫۵	—	۶۰	۲۴			
« ملا اسماعیل	۴۲٫۵	—	۶۰	۲۴			
جمع	۱۲۹۰	۴۵۰	۲۳۴۰	۳۵۰	۶۶۰	۱۳	۲۳۰

۱- چون تومان حداکثر و حداقل بهاء فروش هر یک من محصول در طول مدت بهره برداری در دست بود با محاسبه بهاء متوسط نسبت بکل فروش وزن محصول صیفی محاسبه گردید.

۲- فروش کل چغندر ۳۹۰۰ تومان بوده است و چون از قرار هرخرواری ۳۰ تومان بفروش رسیده است ۱۳۰ خروار حدس زده شد.

۳- درسال مذکور یونجه خشک ازقرار هرخرواری ۷۰ تا ۸۰ تومان بفروش رسیده‌است وچون یونجه تر برای چراندن بهتراز یونجه خشک است ارزشش از متوسط فروش کمی گرانتر از یونجه خشک تخمین زده شد که درنتیجه ۲۳۰ خروار برآورد گردید.

برداشت محصول خارج ازبنه‌های زیرکشت ده طالب‌آباد درسال زراعی ۴۱-۱۳۴۰

(واحد وزن خروار)

نام	گندم	جو	کاه	پنبه	صیفی	انار	گوجه‌فرنگی	پیاز	علف	جمع
بنه قمی	—	—	—	—	۵۸۰	—	—	—	—	۵۸۰
باغ بالا	۱۰	۵	۲۰	۳	—	۵۰	۶۰	—	—	۱۴۸
باغ پائین	ناچیز	—	ناچیز	—	—	۲۰	۵۰	۳۰	نامعین	۱۰۰
سبزی [1]	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
جمع	۱۰	۵	۲۰	۳	۵۸۰	۷۰	۱۱۰	۳۰	نامعین	۸۲۸

جمع کل محصول ده طالب‌آباد در سال زراعی ۴۱-۱۳۴۰

(واحد وزن خروار)

نام	گندم	جو	کاه	پنبه	صیفی	چغندر	یونجه	انار	گوجه فرنگی	پیاز	علف	جمع
محصول بنه‌ها	۱۲۹۰	۴۵۰	۲۳۴۰	۳۵۰	۶۶۰	۱۳۰	۲۳۰	—	—	—	نامعین	۵۴۵۰
محصول خارج از بنه‌ها	۱۰	۵	۲۰	۳	۵۸۰	—	—	۷۰	۱۱۰	۳۰	نامعین	۸۲۸
جمع	۱۳۰۰	۴۵۵	۲۳۶۰	۳۵۳	۱۲۴۰	۱۳۰	۲۳۰	۷۰	۱۱۰	۳۰	نامعین	۶۲۷۸

۱- وزن سبزی نامعین، ولی درسال مذکور کلیه فروش آن ۶۷۰۰ تومان بوده است.

ارزش فراورده‌های روستائی‌ده طالب‌آباد در سال زراعی ۴۱ـ۱۳۴۰

(واحد ارزش تومان)

نام بنه	گندم	جو	کاه	پنبه	صیفی	چغندر	یونجه
بنه آبیار اسدالله	۴۱۰۰۰	۲۲۰۰	۲۵۷۶	۱۸۸۷۰	۱۰۵۰۰	خرواری ۳۰ تومان بفروش رسیده‌است[1]	یکجا فروخته شده‌است[2]
« عزت	۳۵۰۰۰	۲۱۰۰	۲۲۴۸	۲۱۹۳۰	۵۰۰۰		
« حسین	۳۵۰۰۰	۷۲۰۰	۲۶۵۶	۲۰۴۰۰	۱۵۰۰۰		
« عباس	۲۹۰۰۰	۶۶۰۰	۲۲۰۸	۱۲۲۴۰	۲۵۰۰		
« احمد	۲۲۰۰۰	۸۷۰۰	۱۹۷۶	۱۲۲۴۰	۴۵۰۰		
« حسین روح‌الله	۲۷۰۰۰	۹۷۰۰	۲۳۷۶	۲۶۰۱۰	—		
« حسن اکبر	۲۷۰۰۰	۸۵۰۰	۲۲۸۰	۱۸۳۶۰	۶۰۰۰		
تیم بنه آبیار میرزا حسین	۱۲۵۰۰	—	۷۲۰	۱۱۷۳۰	—		
« حسین محمود	۱۲۵۰۰	—	۷۲۰	۱۲۲۴۰	—		
« آبیار اسماعیل	۸۵۰۰	—	۴۸۰	۱۲۲۴۰	—		
« ملا اسماعیل	۸۵۰۰	—	۴۸۰	۱۲۲۴۰	—		
جمع	۲۵۸۰۰۰	۴۵۰۰۰	۱۸۷۲۰	۱۷۸۵۰۰	۴۳۵۰۰	۳۹۰۰	۱۸۰۰۰

۱ـ مجموع چغندرهای تولید شده بفروش نرسیده‌است چه بعضی‌از بنه‌ها خود سهمیه چغندرشان را بمصرف خوراك خود و یا چهارپایانشان رسانیده‌اند وبرخی از قرار هرخرواری ۳ تومان بفروش رسانیده‌اند ولی مجموع چغندر تولید شده دارای ارزش فوق بوده‌است.

۲ـ معمولاً یونجه یکجا توسط ارباب بفروش رسانیده شده و سهم دهقانان جزء سهم نقدی آنها منظور میگردد.

ارزش‌فراورده‌های روستائی خارج ازبنه‌های زیرکشت ده طالب‌آباد درسال زراعی ۴۱-۱۳۴۰

(واحد ارزش تومان)

نام	گندم	جو	کاه	پنبه	صیفی	انار	گوجه‌فرنگی	پیاز	علف	سبزی	جمع
بنه قمی	—	—	—	—	۲۹۰۰۰	—	--	—	—	—	۲۹۰۰۰
باغ بالا	۲۰۰۰	۵۰۰	۱۶۰	۱۵۳۰	—	۵۰۰۰	۳۰۰۰	—	—	—	۱۲۱۹۰
باغ پائین	ناچیز	—	—	ناچیز	—	۲۰۰۰	۲۵۰۰	۱۵۰۰	۲۰۰۰	—	۸۰۰۰
سبزی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۶۷۰۰	۶۷۰۰
جمع	۲۰۰۰	۵۰۰	۱۶۰	۱۵۳۰	۲۹۰۰۰	۷۰۰۰	۵۵۰۰	۱۵۰۰	۲۰۰۰	۶۷۰۰	۵۵۸۹۰

جمع ارزش فرآوردهای روستائی ده طالب آباد درسال زراعی ۴۱-۱۳۴۰

(واحد ارزش تومان)

ارزش کل محصولات	گندم	جو	کاه	پنبه	صیفی	چغندر	یونجه	انار	گوجه‌فرنگی	پیاز	علف	سبزی	جمع کل
ارزش محصولات بنه‌ها	۲۵۸۰۰۰	۴۵۰۰۰	۱۸۷۲۰	۱۷۸۵۰۰	۴۳۵۰۰	۳۹۰۰	۱۸۰۰۰	—	—	—	—	—	۵۶۵٫۶۲۰
ارزش محصولات خارج ازبنه‌ها	۲۰۰۰	۵۰۰	۱۶۰	۱۵۳۰	۲۹۰۰۰	—	—	۷۰۰۰	۵۵۰۰	۱۵۰۰	۲۰۰۰	۶۷۰۰	۵۵٫۸۹۰
جمع	۲۶۰۰۰۰	۴۵۵۰۰	۱۸۸۸۰	۱۸۰۰۳۰	۷۲۵۰۰	۳۹۰۰	۱۸۰۰۰	۷۰۰۰	۵۵۰۰	۱۵۰۰	۲۰۰۰	۶۷۰۰	۶۲۱٫۵۱۰

ارزش فرآورده‌های سهم دهقانان ده طالب آباد درسال زراعی ۴۱-۱۳۴۰

(واحد ارزش تومان)

نام بنه	گندم وجو	پنبه وصیفی	کاه	یونجه	جمع سهم هر بنه
بنه آبیا راسدالله	۱۴۴۰۰	۱۳۲۱۷	۶۴۶	۶۵۴	۲۸۹۱۵
« عزت	۱۲۳۷۰	۱۲۱۱۹	۵۶۲	۶۵۴	۲۵۷۰۵
« حسین اکبر	۱۴۰۶۰	۱۵۹۳۰	۶۶۴	۷۰۹	۳۱۳۶۳
« عباس	۱۱۸۷۰	۶۶۳۳	۵۵۲	۶۵۴	۱۹۷۰۹
« احمد	۱۰۲۳۰	۷۵۳۳	۴۹۴	۶۵۴	۱۸۹۱۱
« حسین روح الله	۱۲۲۳۰	۱۱۷۰۸	۵۹۴	۷۰۹	۲۵۲۴۱
« حسن اکبر	۱۱۸۳۰	۱۰۹۶۲	۵۷۰	۶۵۴	۲۴۰۱۶
نیم بنه آبیا رمیرزا حسین	۴۱۵۰	۵۲۷۹	۱۸۰	۳۲۸	۹۹۳۷
« حسین محمود	۴۱۵۰	۵۵۰۸	۱۸۰	۳۲۸	۱۰۱۶۶
« آبیا راسماعیل	۲۸۵۰	۵۵۰۸	۱۲۰	۳۲۸	۸۸۰۶
« ملا اسماعیل	۲۸۵۰	۵۵۰۸	۱۲۰	۳۲۸	۸۸۰۶
جمع	۱۰۰۹۹۰	۹۹۹۰۵	۴۶۸۰	۶۰۰۰	۲۱۱۵۷۵

***

ارزش فرآورده‌های سهم دهقانان خارج از بنه‌های ده طالب‌آباد در سال زراعی ۴۱-۱۳۴۰

بنه قمی

درسال مذکور بنه قمی ۲۹۰۰۰ تومان فروش صیفی داشته است ۱۰٪ کلیهٔ فروش بابت مخارج شخم ویکهزار تومان بابت کود شیمیائی ازمیانه برداشت شده ۲۵۱۰۰ تومان بقیه بدو قسمت تقسیم گردیده، ۱۲۵۰۰ تومان سهم ارباب و ۱۲۵۰۰ تومان سهم شرکاء قمی میگردد که پنج شش نفر با هم شریک بودند ولی ارباب از سهم خود یکهزار تومان پاداش بسوز به آبیا رقمی میدهد یعنی حقوق ماهانه یک قمی کارساده

۳۵۰ تومان و روزانه به ۱۲ تومان نمیرسد درصورتیکه فوق روزانه آبیار قمی درمدت شش‌ماه روزانه از ۱۷ تومان هم تجاوز میکند.

***

باغ بالا

در سال مذکور در باغ بالا کلاً محصولی بوزن ۱۴۸ خروار و بارزش ۱۲۱۹۰ تومان تولید شده است، این باغ سالیانه ۴۰۰ تومان از ارباب ده اجاره شده‌است و ۸۱۹۰ تومان بقیه درآمد سالیانه باغبان است که در طول سال خود باتفاق ۳-۴ نفر دیگر بکار در باغ اشتغال داشته‌است، مزد کارگران ۵۰ تا ۷۰ ریال که بطور روزمزد مشغول بکار بودند و ممکن است در روزهای سرد زمستان مدتها باغ بدون کارگر بماند.

***

باغ پائین

در سال مذکور در باغ پائین ده طالب آباد کلاً محصولی بوزن ۱۰۰ خروار و بارزش ۸۰۰۰ تومان تولید شده است ولی این باغ با ارباب نصفه کاری است ونصف کل فروش یعنی ۴۰۰۰ تومان سهم ارباب بوده است، کود وآب وزمین از ارباب بقیه مخارج بعهده رعیت است.

***

سبزیکاری

در سال مذکور کلیهٔ محصول سبزی‌فروش رفته ده طالب‌آباد ۶۷۰۰ تومان بوده است، ارباب از ۳۳۵۰ تومان سهمیهٔ خود ۱۳۰۰ تومان پول کود داده است و چون سبزیکاری باچنین درآمدی برای ارباب استفاده نداشت در فروردین‌ماه ۱۳۴۲ کلیهٔ حق وریشهٔ سبزیکاران را بمبلغ ۱۰۰۰۰ تومان خریده وبه کشت سبزی در ده پایان بخشید وجای آنرا بکشت پنبه اختصاص داد.

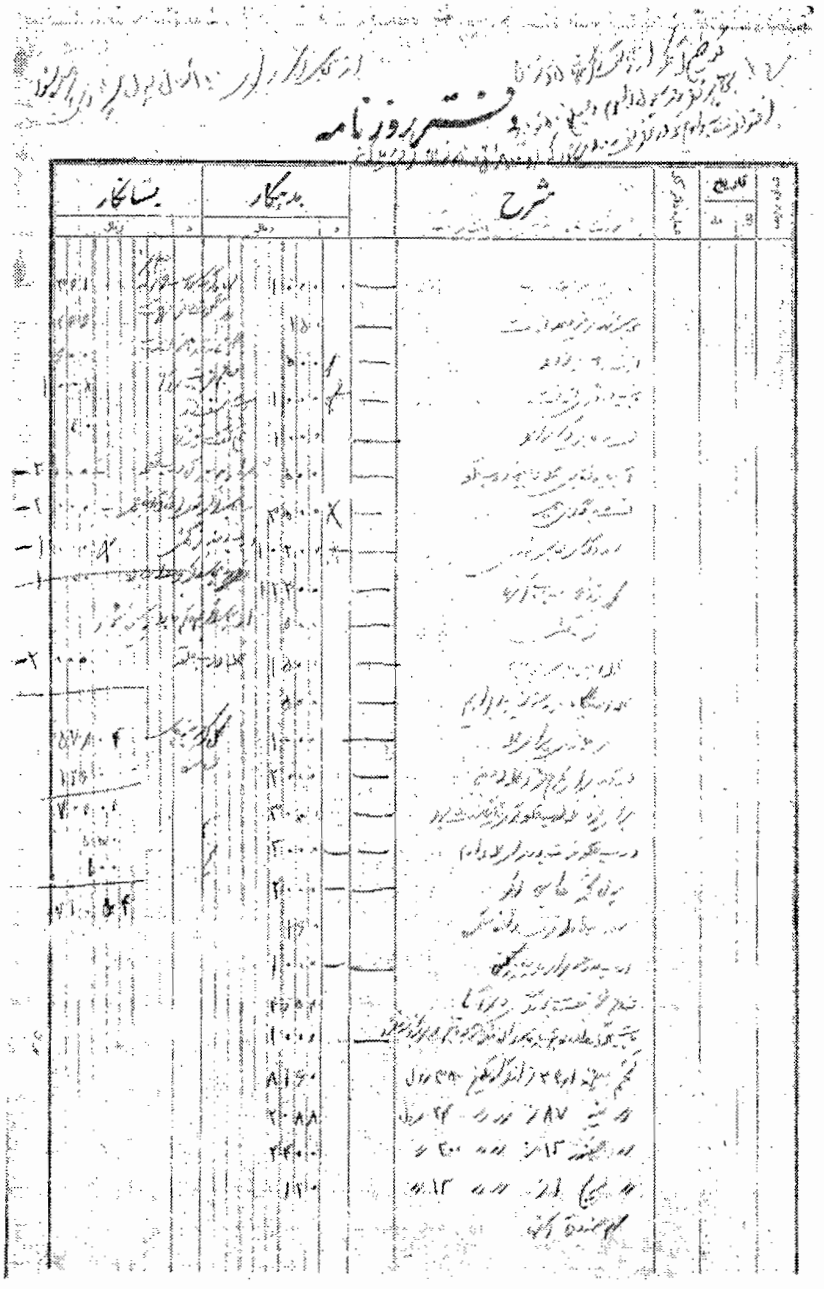
***

مخارج بنه‌های ده طالب آباد در سال زراعی ۴۱-۱۳۴۰

(واحد ارزش تومان)

نام بنه	طناب‌و توبره	پشته کشی	مزد دروگری	سورسات دروگری	سم	رنگ زی	وجین پنبه	چهار کوت پاتی	پنبه‌چینی	تخم‌پنبه	تخم چغندر	جمع [1]
ه آبیار اسدالله	۱۰۰	۲۷۰	۸۰۰	۲۴۰	۲۱	۴۴۰	۱۰۷۰	۱۶۵	۱۴۴۰	۴۳۲	۶۰	۵۰۳۸
« عزت	۱۰۰	—	۷۰۰	۲۱۰	۴۱	۴۰۰	۱۰۰۰	۱۲۵	۱۷۰۰	۴۹۸	۲۰	۴۷۹۴
« حسین	۱۰۰	۷۵	۹۰۰	۲۷۰	۲۱	۴۰۰	۱۴۰۰	۱۵۰	۱۶۳۰	۳۶۴	۵۵	۵۳۶۵
« عباس	۱۰۰	۵۰	۸۵۰	۲۵۰	۲۵	۴۰۰	۱۳۰۰	۱۲۷	۱۰۰۰	۳۱۲	—	۴۴۱۴
« احمد	۱۰۰	۳۰	۸۵۰	۲۵۰	۲۵	۴۰۰	۱۳۰۰	۹۵	۱۰۰۰	۲۷۶	۸۷	۴۴۱۳
« حسین روح‌الله	۱۰۰	۵۰	۸۵۰	۲۴۰	—	۴۴۰	۲۰۰۰	۱۳۴	۲۱۵۰	۶۲۴	—	۶۵۸۸
« حسن اکبر	۱۰۰	۵۰	۸۵۰	۲۵۰	۲۰	۴۰۰	۳۸۰	۱۱۵	۱۴۷۰	۳۱۲	۲۶	۳۹۷۳
م بنه‌آبیار میرزاحسین	۵۰	—	۲۰۰	۱۰۰	—	۱۶۰	۸۷۰	۴۰	۹۵۰	۲۲۶	۵۵	۲۷۵۱
« حسین محمود	۵۰	۷۳	۳۰۰	۱۰۰	۲۱	۱۶۰	۸۱۸	۵۳	۱۰۰۰	۱۶۸	۲۷	۲۷۷۰
« آبیاراسماعیل	۵۰	—	۲۲۵	۹۰	—	۱۶۰	۱۸۵۰	۳۳	۱۰۰۰	۱۸۰	۴۵	۳۶۳۳
« ملااسماعیل	۵۰	—	۲۲۵	۹۰	—	۱۶۰	۹۸۰	۳۱	۱۰۰۰	۱۷۵	۲۶	۲۷۳۷
جمع	۹۰۰	۵۹۸	۶۸۵۰	۲۰۹۰	۱۷۴	۳۵۲۰	۱۲۹۶۸	۱۰۶۸	۱۴۳۴۰	۳۵۶۷	۴۰۱	۴۶۴۷۶

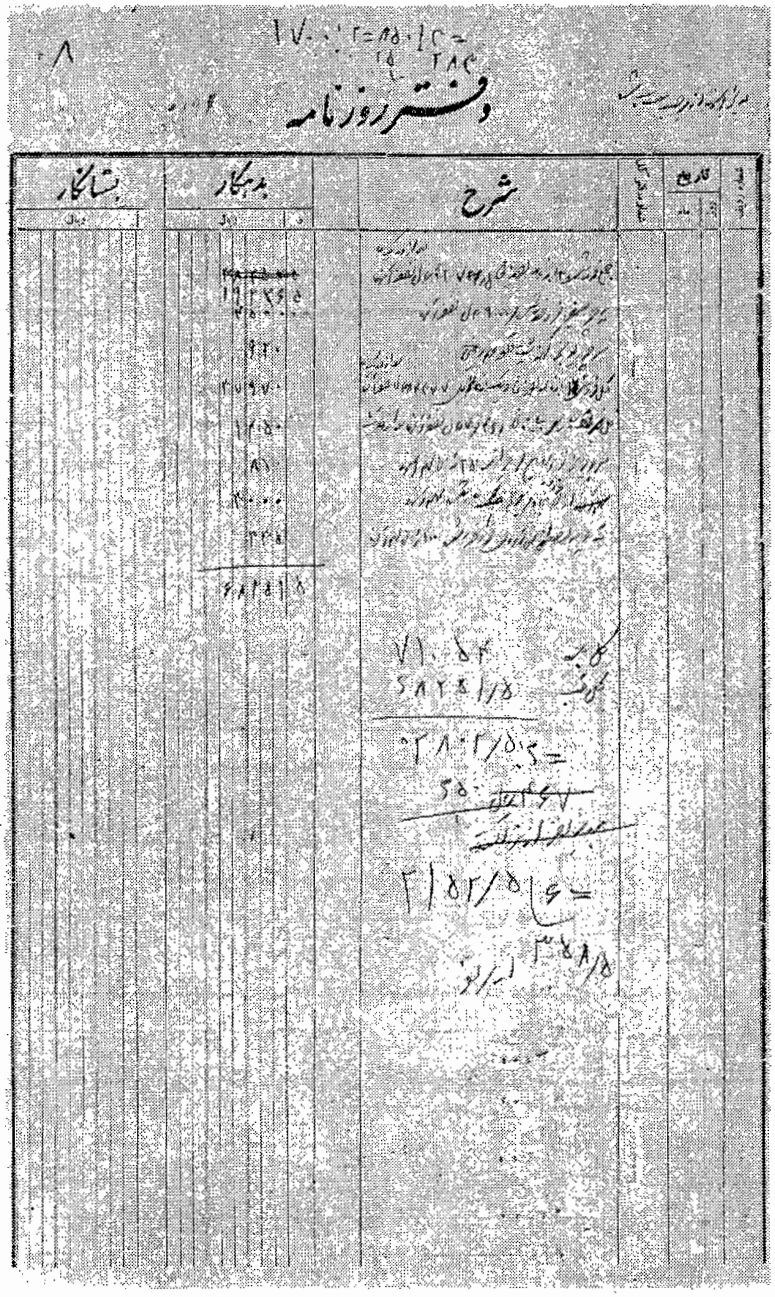
۱- چون کلیهٔ مخارج بنه‌ها بعهدهٔ دهقانان میباشد و آنها هم قبل از برداشت محصول پول کافی در اختیار ندارند که مخارج بنه‌ها را بپردازند از اینرو مخارج لازم توسط ارباب پرداخت شده و هنگام محاسبه از سهم نقدی دهقانان کسر میگردد مثلاً برای برزگران هربنه جهت پشته کشی طناب و توبره میخرد، اگر بنه‌ای بمناسبتی هنگام پشته کشی کارگر بگیرد مزدش را پرداخت میکند، مزد دروگران را پرداخته پول تهیه سورسات را خود بعهده میگیرد، برای بنه‌ها سم خریده پول وجین وچیدن وتخم کاشت را پرداخت نموده و درپایان مجموع اینگونه پرداختی‌ها را ازفروش نقدی بهاره که بدهقانان تعلق میگیرد کسر مینماید (رجوع شود به‌صورتحساب مخارج وفروش نقدی بنه درصفحات ۲۲۶ و ۲۲۷).



یک صفحه از دفترحساب وکتاب بنه‌ها

صورتحساب فوق متعلق به بنه آبیار عباس درسال‌زراعی ۳۹-۱۳۳۸ میباشد ، دراین‌صورت‌حساب کلیهٔ‌وجوهی‌راکه ارباب بابت شراکت بنه مذکورپرداخته‌است یادداشت نموده تا از فروش نقدی بهاره کاری کسر نماید.

فروش نقدی بنه


دفتر روزنامه

صفحه‌ای از کلیهٔ فروش نقدی بنه آبیار عباس درسال زراعی ۳۹-۱۳۳۸

دراین صورتحساب کلیهٔ فروش نقدی بنه منظور شده و مخارجی که ارباب نقداً برای بنه پرداخت نموده‌است ازآن کسر شده باقیمانده‌فروش بین شش نفراعضاء بنه بتساوی تقسیم میگردد. درصورتحساب فوق در فروش نقدی هر نفر از اعضاء بنه ۳۰۸٫۵ ریال بدهکارشده‌اند ولی دراینجا سهم زراعت (گندم وجو) وکاه آنها منظور نشده‌است.

درآمد سالیانه و روزانه دهقانان ده طالب آباد درسال زراعی ۴۱-۱۳۴۰

(واحد ارزش تومان)

نام بنه	ارزش سهم دهقانان بنه[1]	مخارج بنه بعهده رعیت	درآمد دهقانان بنه	درآمدسالیانه هردهقان	مزد روزانه	انحراف ازمتوسط دستمزد
بنه آبیاراسدالله	۲۸۹۱۵	۵۰۳۸	۲۳۸۷۷	۳۹۸۰	۱۱	+
« عزت	۲۵۷۰۵	۴۷۹۴	۲۰۹۱۱	۳۴۸۵	۹٫۵۸	+
« حسین اکبر	۳۱۳۶۳	۵۳۶۵	۲۵۹۹۸	۴۳۳۳	۱۱٫۹	+
« عباس	۱۹۷۰۹	۴۴۱۴	۱۵۲۹۵	۲۵۴۹٫۱	۷	—
« احمد	۱۸۹۱۱	۴۴۱۳	۱۴۴۹۸	۲۴۱۶٫۳	۶٫۶	—
« حسین روح‌الله	۲۵۲۴۱	۶۵۸۸	۱۸۶۵۳	۳۱۰۹	۸٫۵	+
« حسن اکبر	۲۴۰۱۶	۳۹۷۳	۲۰۰۴۳	۳۳۴۰٫۵	۹٫۱	+
نیم بنه آبیارمیرزاحسین	۹۹۳۷	۲۷۵۱	۷۱۸۶	۲۳۹۵٫۳	۶٫۵	—
« حسین محمود	۱۰۱۶۶	۲۷۷۰	۷۳۹۶	۲۴۶۵٫۳	۶٫۷	—
« آبیاراسماعیل	۸۸۰۶	۳۶۳۳	۵۱۷۳	۱۷۲۴٫۳	۴٫۷	—
« ملااسماعیل	۸۸۰۶	۲۷۳۷	۶۰۶۹	۲۰۲۳	۵٫۵	—
جمع	۲۱۱۵۷۵	۴۶۴۷۶	۱۶۵۰۹۹	۳۰۵۷٫۴	۸٫۴	+۵ −۶

۱- چون ممکن است دهقانان بهاء فرآورده‌های روستائی سهم خود را بنرخ روز از ارباب دریافت داشته و یا خود شخصاً آنرا بفروش رسانیده و یا مقداری از آنرا برای خود نگهدارند، متذکر میگردد که ارقام ذکر شده مجموع ارزش سهم دهقانان را بطورکلی شامل میشود.

مقایسهٔ میزان دستمزد بنه‌های مختلف

(واحد ارزش ریال)

نام بنه	۱۳۳۸-۳۹	۱۳۴۰-۴۱	متوسط
بنه آبیار اسدالله	۱۰۳	۱۱۰	۱۰۶٫۵
« عزت	۸۵	۹۵	۹۰
« حسین	۸۹	۱۱۹	۱۰۴
« عباس	۸۰	۷۰	۷۵
« ابراهیم	۱۰۰	مباشرشده	—
« احمد	۸۰	۶۶	۷۳
« محمود	۸۰	آبیارنشده	—
« حسین روح‌الله	۸۰	۸۵	۸۲٫۵
« ملا اسماعیل	۴۸	۵۵	۵۱٫۵
« اسماعیل	۴۶	۴۷	۴۶٫۵
« حسن	آبیارنبوده	۹۱	—
« میرزا حسین	«	۶۵	—
« حسین محمود	«	۶۷	—
متوسط	۸۱	۸۴	۸۲٫۵

مقایسهٔ دستمزدها دربارهٔ مقایسهٔ دستمزدها در سالهای زراعی ۳۹-۱۳۳۸ و ۴۱-۱۳۴۰ بطوریکه ارقام نشان میدهد مزد متوسط روزانه جمیع دهقانان عضو بنه در سال ۳۹-۱۳۳۸ مبلغ ۸۱ ریال بوده‌است بزرگترین رقم مزد روزانه در آن سال ۱۰۳ ریال و کمترین آن ۴۶ ریال بوده‌است یعنی دهقانانی که روی بنه‌های مختلف کار کرده‌اند روزانه ۵۷ ریال اختلاف دستمزد داشته‌اند، چهار بنه مزد روزانه‌ای از حد متوسط بالاتر و شش بنه مزدی از حد متوسط پائین‌تر داشته‌اند ولی در سال زراعی ۴۱-۱۳۴۰ بزرگترین رقم دستمزد روزانه ۱۱۹ ریال

وضع فروش فرآورده‌های کشاورزی ده طالب‌آباد درسالهای زراعی ۴۳-۱۳۳۸

(واحد ارزش تومان)

نام محصول	۳۹-۱۳۳۸	۴۰-۱۳۳۹	۴۱-۱۳۴۰	۴۲-۱۳۴۱	۴۳-۱۳۴۲
گندم	۱۴۰۰۴۰	۸۴۰۰۰	۲۵۸۰۰۰	۲۰۴۰۰۰	۲۱۶۰۰۰
جو	۶۳۰۰۰	۲۶۰۰۰	۴۵۰۰۰	۲۴۷۰۰	۲۸۶۰۰
کاه	۷۷۰۰۰	۲۶۰۰۰	۱۸۷۲۰	۱۶۰۰۰	۲۰۶۵۰
صیفی	۱۰۴۰۰۰	۳۸۰۰۰	۷۲۵۰۰	۴۵۰۰۰	۱۸۰۰۰
پیاز	۴۱۰۰۰	۴۸۰۰۰	—	—	—
پنبه	۷۴۰۰۰	۶۰۰۰۰	۱۷۸۵۰۰	۳۰۰۰۰۰	۱۵۷۵۰۰
چغندر	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰	۳۹۰۰	۳۰۰۰	۳۶۰۰
یونجه	۴۵۰۰۰	۷۰۰۰۰	۱۸۰۰۰	—	۸۰۰۰
میوه وسبزی	۳۴۰۰۰	۱۴۰۰۰	۲۶۸۹۰	۸۰۰۰	۶۰۰۰
جمع	۵۸۸۰۰۰	۳۶۷۰۰۰	۶۲۱۵۱۰	۶۰۰۷۰۰	۴۵۸۳۵۰

جدول فوق وضع‌فروش فرآورده‌های کشاورزی‌ده طالب‌آبادرا درسالهای زراعی۴۳-۱۳۳۸ نشان میدهد و بانتیجه گیری از ارقام فوق میتوان سهم هریک از ذی سهمان را محاسبه نموده درنتیجه سود یازیان هردسته‌را مشخص داشته‌علت فقروتنگدستی‌روستائیان ورشد سرمایه مالکان را عیناً نگریست زیرا یک حساب ساده با درنظرگرفتن ۲۷٪ سود ویژه هرساله، در پنج‌سال‌اخیر یعنی ازسال۱۳۳۸ تاسال۱۳۴۳ که‌جدول‌فرآورده‌هایش‌در بالامتذ درشده‌است مجموع سود ویژهٔ ارباب ده به بیش‌از ۷۱۱۰۰۰ تومان بالغ گردیده است و تازه اگر ارباب ، مالک ده نیز باشد درهمین‌مدت‌بیش‌از ۵۰۰۰۰۰ تومان بابت اجاره ده برداشت‌مینماید که بایستی بمبلغ سودویژه اضافه گردد .

روی همین‌اصل بود که رژیم‌ارباب‌رعیتی بدست توانای اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی ازبین رفت تا این اختلاف عمیق طبقاتی ازبین‌رفته وهرکس باندازهٔ‌استعداد وتوانائیش اززمینی که باو تعلق میگیرد بهره‌برداری کند .

***

فصل ششم

کشاورزی (بقیه)

نَسَقْ ، بنه ، مالکیت ، شُخْمْ ، آبیاری ، خَرْمَنْ ، ابزار کشاورزی ، دامپروری

***

نسق

روش ونظم وترتیب ونظامی که در دهات جهت کشت و زرع ، تقسیم آب و مسائل مربوط به‌آبیاری ، طرز تقسیم‌بندی زمین های‌مزروعی بشکل‌واحدهای مستقل کشاورزی(بنه ها)، طرزتقسیم محصول و مسائل مربوط به شخم و گاویاری و غیره بکارمیرود نسق نامیده میشود . همچنین نسق عبارتست‌از نظم وترتیب دادن به مجموع قوانین کشاورزی که روستائیان طبق عرف وعادت وسنن قبلی بدان معتقداند واعتقادشان بدست خودشان بصورت عمل درمیآید .

بتعریف دیگر، نسق عبارتست‌از آن‌دسته ازمعتقدات وسنن محلی که بشکل‌قانون زنده و قابل‌اجرائی درامور مختلف کشاورزی‌دارای اعتبار وارزش‌است . بطورخلاصه طبق یک‌تعریف محلی «**نسق یعنی قانون زراعت درهر محل**» .

نسق‌بندی یعنی‌بصورت اجرا درآوردن قوانین کشاورزی ونظم وترتیب دادن به‌انجام کارهازیرا اینگونه قوانین به‌اعتبارخصوصیاتی که‌درمفادش نهفته‌است مورد تأیید روستائیان‌قرار گرفته وبشکلی بصورت‌اجرا درآمده‌وبمرور جزء رسم وعادت‌قرارمیگیرد . اگرنسق‌را بطورخلاصه عبارت از شیوه و سننی که در مورد تقسیم عوامل تولید در ده بکار برده میشود تعریف کنیم

نسق بندی عبارتست از اجرای این رسوم یعنی نسق عبارتست از قوانین وسنت‌های محلی کشاورزی باالقوه ولی نسق بندی عبارتست ازاجرای آن قوانین باالفعل .

هر واحد روستائی دارای نسق مخصوص بخودی است و کمتر مشاهده میشود که واحدهای روستائی دارای قوانین کشاورزی یکسانی باشند . نسق بندی معمولاً دارای ریشه‌های تاریخی است که بتدریج بشکل رسم وعادت درآمده وسرانجام عرف قابل اجرا گشته است . معمولاً دگرگون کردن وندیده گرفتن تمامی ویا قسمت‌هائی ازاین عرف محلی که چون قانون قابل اهمیت است بامقاومت روستائیان ویا مالک روبرو میگردد، زیرا هرگونه تغییری درنسق موجود به‌منافع یکی ازطرفین لطمه وارد آورده وسازمان اجتماعی ده را دستخوش بحران میسازد .

برخی اشتباهاً بجای اینکه نسق را تعریف کنند نسق بندی را تعریف کرده‌اند ودرتعریف نسق کشاورزی چنین بیان داشته‌اند :

«نسق کشاورزی یعنی تقسیم مقدار ومتراژمعین زمین، مثلاً اراضی یک ده با آب متعلق بآن میان تعدادی دهقان وبرای کشت معین، این تعریف کلی واصولی نسق است»[1] .

تعریف فوق تعریف ناقصی ازنسق بندی است، زیرا درنسق بندی علاوه برتقسیم زمین باآب متعلق بآن زمین واستفاده ازآن درفواصل معین وافرادی که باید برروی آن زمین کار کنند و مسائل مربوط بآنرا تعیین نمایند .

درهمان مقاله تعریف دیگری بدینصورت ازنسق شده‌است :

«نسق بمعنای شیوه و روش درکشاورزی عبارتست از تفکیک وتقسیم بندی زارعین»[2] .

دراین جمله تعریف نسق ونسق بندی باهم مخلوط شده‌است زیرا :

«نسق بمعنای شیوه‌وروش درکشاورزی» خودتعریف صحیحی است ازنسق ولی «تفکیک وتقسیم بندی زارعین» که برای تکمیل نسق آمده‌است تعریف ناقصی است ازنسق بندی .

بعضی دیگر اصولاً نسق بندی را بجای نسق تعریف کرده‌اند واظهار داشته‌اند:

«تعریف نسق: نسق عبارتست از تقسیم بندی سطح مزروعی ده بین زارعین . اراضی هرده

۱- مجلهٔ اندیشه وهنر ، شمارهٔ ٦ ، دیماه ۱۳٤۱، صفحهٔ ۳۸۷ ، تحت عنوان نسق کشاورزی در ایران ، نوشته ناصر وثوقی .

۲- همان مجله ، همان مقاله ، صفحه ۳۸۸ .

بتعداد جفت گاو موجود درده (وگاه‌بیشتر) تقسیم میشود و مقدار زمین هرزارع برحسب جفت مشخص میگردد»[1].

تعریف فوق اصولاً تعریفی‌است از نسق‌بندی ، چه وظایف هریک از عوامل تولید و قراردادهای مربوط بدان در نسق‌بندی مشخص‌میشود واین قراردادهای عرفی درنسق بصورت مصدر فعلی‌است که عمل آن‌نسق‌بندی را شامل‌میشود.

از سه‌تعریفی که توسط دومحقق محترم راجع به‌نسق نگاشته گردید مفهوم بنه بندی نیزاستناط میگرددزیرادر بنه‌بندی‌مقدارزمین وآب وافراد وتعداد گاوها معین میشونددراینصورت تفکیک زمین توسط پشک ، خود زمینهای مزروعی بنه‌را مشخص میکند و تقسیم‌بندی وظایف زارعین چیزی جز انتخاب‌اعضاء و تفکیک کارهای مربوط بدانها نیست چون هر یک از آنها دارای وظایف جداگانه‌ای در امورکشت میباشند.

دراینصورت باید اظهار داشت که بنه نیز یک واحد کشاورزی‌است که از نسق بندی بوجودمیآید یعنی‌بنه‌بندی‌فرعی‌ازاصل‌نسق‌بندی‌است که‌نمیتوان یکی‌ازآنهاراجانشین‌دیگری کرد باتوجه باینکه بنه‌بندی نمیتواندازنسق‌بندی نیز مجزاباشد. دربنه‌بندی تعیین‌وظایف افراد وطرز استفاده ازآب وزمین وغیره را میتوان مربوط به‌نسق‌بندی دانست، بنه‌بندی‌تقریباً درتمام دهات بیک صورت بوده وتشکیل‌شده‌است از زمین وآب وگاو و نیروی کار ، درصورتیکه نسق‌بندی در دهات مختلف متفاوت‌است. بنه‌بندی تغییرنمیکند زیرا زمین وآب ونیروی کار افراد بنه‌راتشکیل میدهند وهمیشه ثابت میباشند ولی محل‌زمینهای مزروعی بنه نیزدرسالهای مختلف تغییرمیکند وممکن‌است مقدارزمین ویاآب ویا افراد ونیروی کار آن کم یازیاد شود.

بدیهی‌است آنجاکه نسق‌بندی درهرده برمنوال سابقه باجرا درآمده و برمدار استواری ثابت میماند بنه‌بندی‌هم ازآن تبعیت کرده وثابت میماند ولی‌ممکن‌است عوامل تشکیل‌دهنده‌بنه هرساله بمقتضای‌شرایط ووضع کاردهقانان‌تغییر کند. چون‌زمین‌ها برای کشت سال‌جدیدمزروعی باپشک معین‌میشوند ممکن‌است افراد عضو بنه نیز تغییرشغل‌دهند و یاعضویت بنه دیگری را بپذیرند ویااز کارکناره گیری‌نموده واعضای‌جدیدی‌جانشینشان گردد ولی‌درطرز تقسیم‌محصول و روابط مالک وزارع هیچگونه تغییری حاصل‌نمیشود واین‌روابط طبق‌سنت دیرین‌بقوت خود باقی میماند درصورتیکه اگرنسق کشاورزی‌یک ده‌تغییر کندروابط مالک وزارع وطریقه‌تقسیم‌محصول وحتی‌امورکاشت وداشت نیزدگرگون میشود.

۱- مجلهٔ تحقیقات اقتصادی ، شمارهٔ ۷ و ۸ ، اسفند ۱۳۴۲ ، ص ۱۹۰ .

بنابراین میتوان نسق کشاورزی را پیرو وتابع قوانین وعرف وسنن محلی دانست بدین سبب برای روشن ترشدن موضوع مثالی ازتاریخ تحولات اخیر مالک وزارع ذکر میشود:

درزمان نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق طبق قانون روابط مالک وزارع مقررشد که صدی پانزده بیش ازآنچه ازکل محصول بزارعین تعلق میگرفت تعلق گیرد. این موضوع باوجود مخالفت‌ها وسروصداهای فراوان تاحدی بمرحله اجرا درآمد وسپس به ۱۰٪ تقلیل یافت که ۵٪ آن بایستی توسط ارباب یامالک بمصرف آبادانی ده برسد و ۵٪ بقیه بدهقانان عضو بنه تعلق میگرفت البته این قانون مختصر تغییری درطرزتقسیم محصول بوجود آورد حال آنکه نسق ده بجای خود همچنان باقی بود. درحقیقت این قانون تبصره‌ای بود که بیکی ازمواد طرز تقسیم محصول اضافه میگشت و در اسکلت نسق ده تغییری ایجاد نمینمود و درحقیقت آن قانون بعلت عدم خاصیت تحولی وکیفی تنهاتوانست تأثیری کمّی درروابط مالک وزارع ایجاد کند ولی درسالهای اخیر که اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی مسئله تقسیم اراضی را مطرح واجرا ساخته‌اند دیگر تغییرات آن تغییری‌است کیفی وتحولی که نسق کشاورزی را درده دگرگون ساخته‌است زیرا قوانین مربوط به‌روابط مالک وزارع، طریقه کاشت، داشت، برداشت، طرزتقسیم محصول وامثال‌آنرا بکلی بهم ریخته‌است یعنی درحقیقت نسق کشاورزی را منقلب، متلاشی ومتحول ساخته‌است ودرنتیجه بجای قوانین قبلی شکل های تازه‌ای بوجودآمده که این‌شکل‌ها عبارتند از تشکیل شرکتهای تعاونی روستائی، کارگرکشاورزی شدن ویا اجاره‌دار یا زارع شدن رعیت‌ها، تقسیم نشدن محصول بطرق مختلف، استقلال درطریقه کاشت، متعلق بودن تمامی محصول بخودآنها، ندادن بیگاری که تماماً اساس نسق جدید تاریخ انقلاب ارضی را تشکیل میدهند.

تااینجا مسائل مربوط به‌نسق، نسق بندی، بنه و بنه بندی تعریف گردید

صاحب نسق

ولی آنچه بدان اشاره نشد تعریف صاحب نسق بودن است که در دهات فراوان دیده میشوند، تعاریف فوق‌الذکر و تعریف صاحب‌نسق تعاریفی است که درهمه‌جا میتواند صادق باشد ولی آنچه نگارنده ازآن استنباط کرده‌است چنین‌است:

صاحب نسق یانسق بند کسی‌است که نظم وترتیبی به‌اساس وبنیان کارها بدهد و حق استفاده ازقسمتی از زمین ده وآب متعلق به‌آنرا داشته وصاحب وسیله شخم‌نیز میباشد، نامبرده موظف‌است که ازقوانین عرفی قابل‌اجرا در ده نیز پیروی نماید یعنی ازنسق ده تبعیت کند و در مورد بذرچنانچه آنرا مالک بدهد ممکن‌است دربهره مالکانه تغییری حاصل‌شود و الاتهیهٔ بذرهم بعهده شخص فوق خواهد بود.

مالک زمین حق گرفتن زمین وآب را ازصاحب نسق ندارد مگر بارضایت او از اینروحق آنها دردهات خرید و فروش میگردد و چون گاوبندان دهات اصولاً صاحب نسق اند برای بهتر روشن شدن مسئله به‌قسمت مربوط به «گاوبند» درفصل گروهها و قشرها نیز مراجعه شود.

***

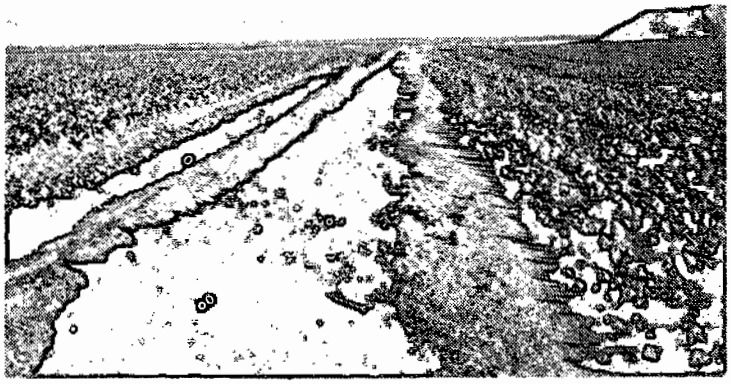
بنه Boneh

بنه عبارتست از واحد مستقل کشاورزی دهات که عده‌ای دهقان بمدت یکسال زراعی بامقداری ابزار کار بشرکت درآن بکار میپردازند، بعبارت دیگر «بنه عبارتست ازمجموعهٔ متعلقات وابسته بافرادی که درمدت یکسال درمراحل کاشت، داشت، برداشت تشریک‌مساعی مینمایند». بنه را بنام آبیار نام گذاری میکنند، مثلا میگویند: این گاو متعلق به بنه آبیار حسن است، یا آب‌خوره آبیار عباس است، یا کود فلان‌قسمت ده متعلق به بنه فلان است و در حقیقت مفهومی که ازکلمه «اداره یامؤسسه» برای‌ما تفهیم‌میشود در ده برای کلمهٔ «بنه» بکارمیرود.

در ده طالب‌آباد علاوه برتعاریف‌فوق، بنه براساس آب موجوده در ازاء هریک‌شبانه‌روز (٤ ½ساعت) درگردش خوره تشکیل میگردد، بنه عبارتست از یک واحد کشاورزی باامـوالی متعلق بدان که یک شبانه‌روز آب ده آنرا درگردش خوره مشروب نماید. زمینهای مزروعی بنه وابسته بهم نیست بلکه درچندین محل ازیکدیگر پراکنده‌اندوچون بواسطه این پراکندگی ارزش زمینهای مزروعی نمیتواند ازنظر کشت یکسان باشد همه ساله طبق اطلاعات زراعی با درنظر گرفتن سوابق برداشت زمین برحسب مقدار ونوع محصول قابل کشت در ده زمینهای مزروعی را تقسیم نموده و هرواحد تقسیم شده را به‌نسبت تعداد بنه‌ها برحسب پشک قسمت نموده هرقطعه زمین متعلق به‌بنه‌ای شده ودرآن محصول تعیین‌شده کشت میگردد وچون دردهات چندین نوع محصول کاشته میشود بنابراین هربنه دارای چندین قطعه زمین در نقاط مختلف اراضی ده میباشد که به‌مجموع آنها بنه اطلاق میگردد. بزبان ساده‌تر:

دردهی میخواهند جو، گندم، پنبه، صیفی ویونجه کشت‌نمایند، قنات‌ده دارای ۱ سنگ آب است وخوره‌آن درگردش هفت‌است. یعنی هفت‌روزیکبار نوبت آب تجدیدمیشود، دراینصورت زمینهای مزروعی ده کلیهٔ زمینهائی‌است که درمدت هفت‌شبانه‌روز ازقنات مذکورمشروب‌میشود

و هفت‌واحد کشاورزی که‌عبارت‌از هفت بنه‌باشد درده مذکورتشکیل میگردد . حال‌این‌زمینهای مزروعی که درسال معینی‌برای کشتی موردنظر است که‌به پنج‌قسمت‌تقسیم‌میشوند (یعنی‌فقط پنج نوع محصول گندم، جو، پنبه، صیفی‌ویونجه درآن کشت میشود) بنابراین هرقسمت از زمین‌فوق ارزش کشت یکی‌از پنج‌نوع محصول‌را داراست‌وهرقطعه زمین به هفت‌قسمت تقریباً مساوی‌تقسیم شده وتوسط قرعه بین‌بنه‌های هفتگانه تقسیم گشته ویک قطعه اززمینهای پنجگانه بنه محسوب میگردد . بنابراین هربنه برای‌هرمحصول قطعه زمینی‌خواهد داشت‌که تقریباً ۱/۷ از ۱/۵ کلیهٔ زمینهای مزروعی‌خواهد بود وچون کلیهٔ زمین های مزروعی به‌پنج‌قسمت تقسیم‌شده پس‌یک‌بنه درپنج‌نقطه جدا ازهم وپراکنده سهم خواهد داشت‌که مجموع آنها تشکیل زمینهای مزروعی بنه مربوط‌را میدهد .



حد فاصل بین دو بنه توسط مرز مشخص میشود ، مرز ممکن‌است جوی ، درخت‌کاری ، خیابان، جاده یا بازو باشد.

تااینجا تعریف بنه روشن‌شد ولی‌لازم بیادآوری‌است‌که هربنه علاوه براموال‌غیرمنقول دارای‌اموال‌منقول‌نیزهست که‌دراختیار افراد بنه قرارمیگیرد زیرادرهربنه معمولاً شش‌نفرد هقان بطورثابت بمدت یکسال‌زراعی‌بکار اشتغال‌دارند که یکنفر آنها ریاست دیگران‌را بعهده دارد که آبیار نامیده میشود وشخص‌مذکورهمان کسی‌است که بنه بنامش نام‌گذاری میگردد ، هرآبیار دارای یک یادونفر معاون‌نیزهست که دم‌آبیار نام‌دارند وبقیه‌افرادعضو بنه برزگرنامیده‌میشوند (رجوع‌شود به‌گروهها وقشرها) . دردهاتی که تراکتور راه نیافته معمولاً دریک بنه باهرجفت

گاو دونفربکارمشغول‌میشوند وچون تعداد گاو ازیک‌جفت بیشترشود یکنفر سرپرست بنام‌آبیارهم انتخاب مینمایند.

اموال‌منقول هربنه که‌ابزار کاراعضای‌بنه‌است‌ومعمولاً هرسال‌تجدیدمیشودعبارتست‌از:

۱- **کلدر:** کلدرسه‌عدد مخصوص کلدرکشی وسرزبندی.

۲- **بیل:** بیل شش‌عدد مخصوص‌آبیاری که به‌هرعضوبنه یک‌عدد تعلق میگیرد وتهیهٔ آن باخود زارع است.

۳- **شفره:** شفره شش‌عدد مخصوص‌وچین وتخمه‌زنی که به‌هرعضوبنه یکعدد تعلق میگیرد وتهیهٔ آن‌باخود زارع است.

٤- **قداره:** قداره یکعدد، برای دروی یونجه وتهیهٔ‌آن با زارع است.

٥- **جام:** جام‌چهارعدد‌مخصوص باددادن جهت‌جداکردن گندمهای کوبیده‌شده ازکاه، متعلق به‌آبیار ودم‌آبیاران، $\frac{2}{3}$ بهاء آن‌توسط ارباب و $\frac{1}{3}$ توسط زارع پرداخت‌میشود.

٦- **چهارشاخ:** چهارشاخ دوعدد، مخصوص پهن کردن ساقه‌های گندم درخرمن جهت کوبیده‌شدن، $\frac{2}{3}$ بهاء آن توسط ارباب و $\frac{1}{3}$ توسط زارع پرداخت میشود.

۷- **کلش‌کن:** کلش‌کن اربابی‌است ودوعدد بهمراه تراکتور است.

۸- **پارو:** پارویکعددبرای‌هربنه مخصوص پاروکردن‌ویکجاجمع کردن گندمهای‌شمش خرمن، $\frac{2}{3}$ بهاء توسط ارباب و $\frac{1}{3}$ توسط زارع پرداخت میشود.

۹- **دستگیره:** دستگیره سه عدد برای‌هربنه، مخصوص برداشتن دسته‌پشته، $\frac{2}{3}$ بهاء آن توسط ارباب و $\frac{1}{3}$ توسط زارع پرداخت میشود.

۱۰- **طناب‌قییش و توبره:** طناب قییش و توبره سه عدد برای هربنه مخصوص پشته‌کشی. تهیه آن بازارع است.

***

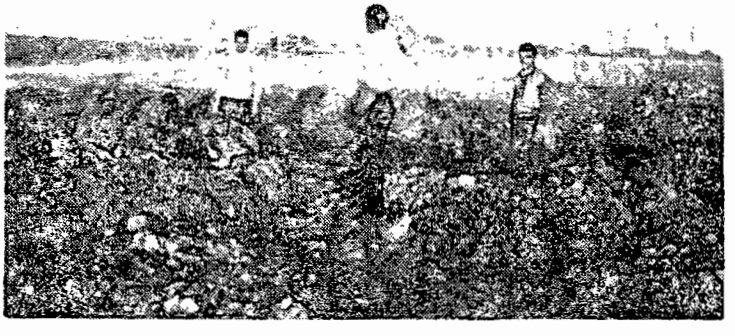
تاقبل‌از ورود تراکتور بدهات، معمولاً هربنه دوتاپنج جفت گاو کارداشت. دربعضی دهات مثل‌طالب‌آباد گاوها متعلق به‌ارباب و در بعضی دهات متعلق به گاوبندان بود وبهمراه هرجفت گاو یک‌دستگاه یراق و گاوآهن ویک‌دستگاه چرخ خرمن کوب همراه بود که‌پس‌ازکهنه شدن ویاشکستن هرکدام مجدداً تهیه وتحویل‌بنه میگردید. بیشتر اموال منقول بنه‌را نجار و آهنگر سالیانه کار ده تهیه میکردند ودرمقابل‌سهمی‌ازمحصول بنه میبردند (رجوع شود به‌نجار و

آهنگر درقسمت گروهها وقشرها) ولی درحال‌حاضر بواسطه ورود تراکتور بنه اگر درسحلی‌آهنگر ونجار سالیانه کار وجود نداشته باشد آنهارا ازمیانه خریداری مینمایند.



مرز بین دوبنه پنبه

قطعه زمین بزرگی بکشت محصول اختصاص داده شده وحدود هربنه توسط اینگونه مرزها مشخص میشود.



اعضای یک بنه باتفاق ، در روی قطعه زمینی ، بسرکردن چغندر اشتغال‌دارند.

دربالا یادآورشدیم که درده طالب‌آباد بنه‌را براساس تقسیم‌مقدارآب موجود در گردش خوره تقسیم مینمایند، دراینجا یادآورمیشود که گردش خوره ده طالب‌آباد یازده روز یکباراست ودرواقع ده مذکور بایستی‌دارای یازده بنه باشد ولی‌درسالهای زراعی ۱۳۳۸-٤۰ یک شبانه‌روز

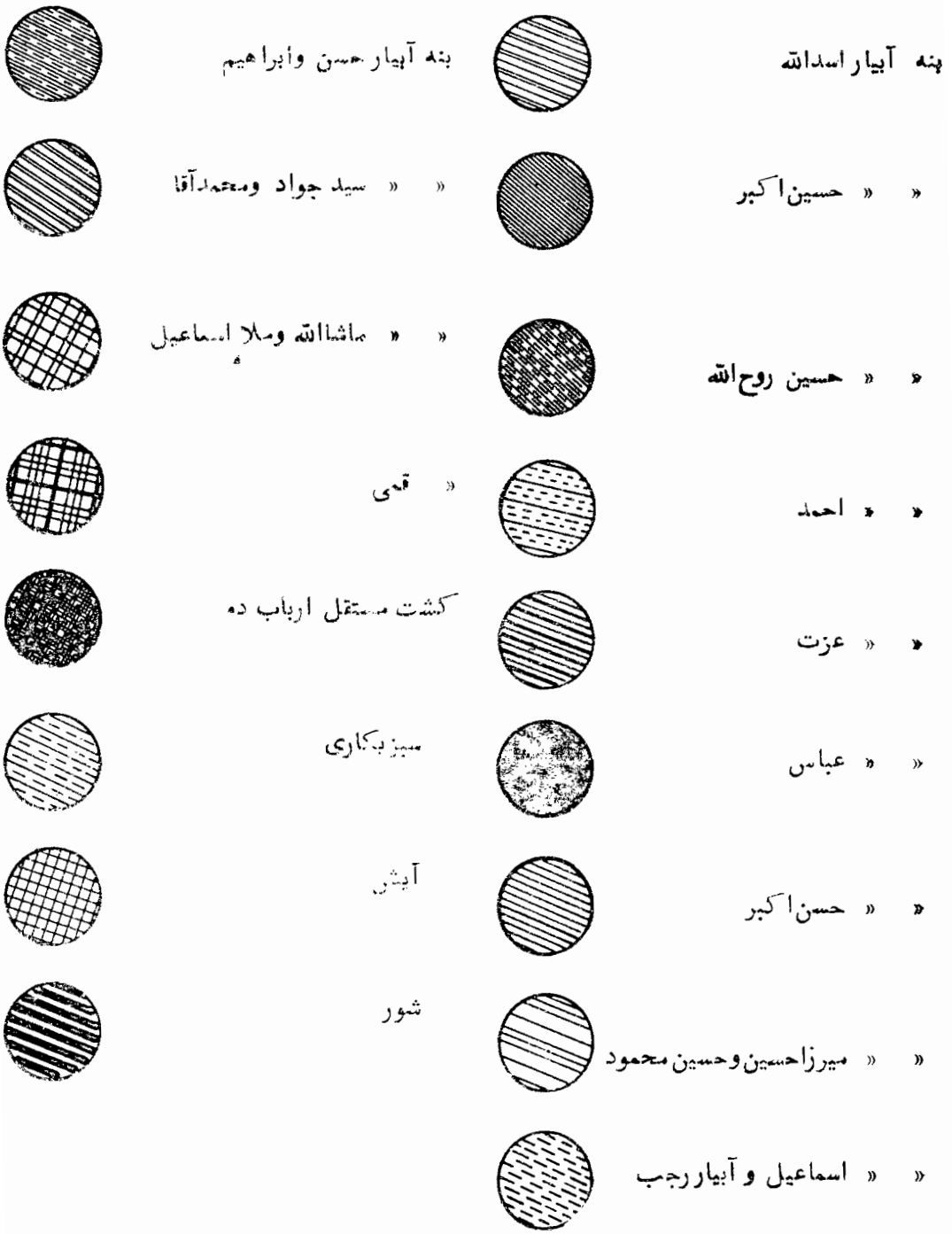
آب را برای باغها وسبزیکاری اختصاص داده ویک بنه کناره کاری و یک بنه قمی کاری وهشت بنه کامل هم وجود داشت که جمعاً یازده شبانه روز، آب گردش خوره مشخص میشد ودرسالهای زراعی ۱۳٤۰-٤۱ باعوض شدن اجاره دار ده وضع بنه های زیر کشت بدینطریق تغییریافت که اکنون در ده طالب آباد نه بنه کامل وجود داردویک شبانه روزآب برای کشت صیفی ویک شبانه روز آب هم برای باغهاوسبزیکاری درنظر گرفته شده باز جمعاًوضع گردش یازده شبانه روزخوره وضع بنه هارا مشخص میدارد .

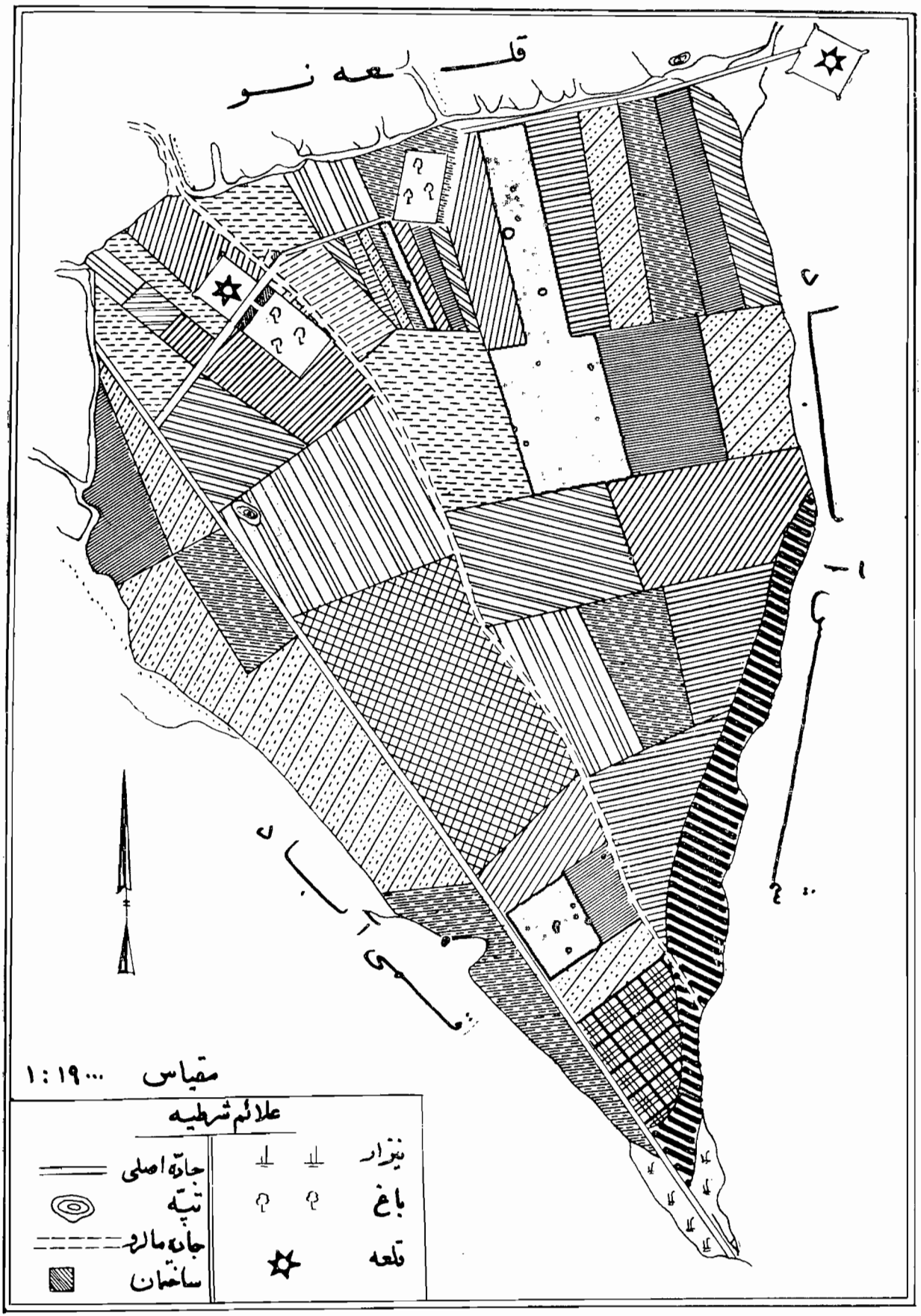
بنه بندی درهرسال تجدید میشود، با تجدید بنه آبیار که سرپرست بنه است ممکن است درمقام خود باقی مانده ویادیگری جانشین او گردد (بگروهها وقشرها مراجعه شود) ویا ممکن است ازسالی بسال دیگر ازحدود ومساحت بنه ای کاسته گردد ویا به مساحت آن بمراتب افزوده شود، آنچه دراین مسئله بیش ازهرچیز اهمیت دارد تصمیم ارباب است که نفع خودرا برتشخیص خود پایه گذاری میکند زیرا بنه بندی چند سال متوالی در ده طالب آباد نشان داده که تصمیم یا تعویض ارباب درچگونگی کاشت و داشت وبرداشت وحدود تقسیم بندی کشت انواع محصولات اثرات مستقیم وعینی دارد .

***

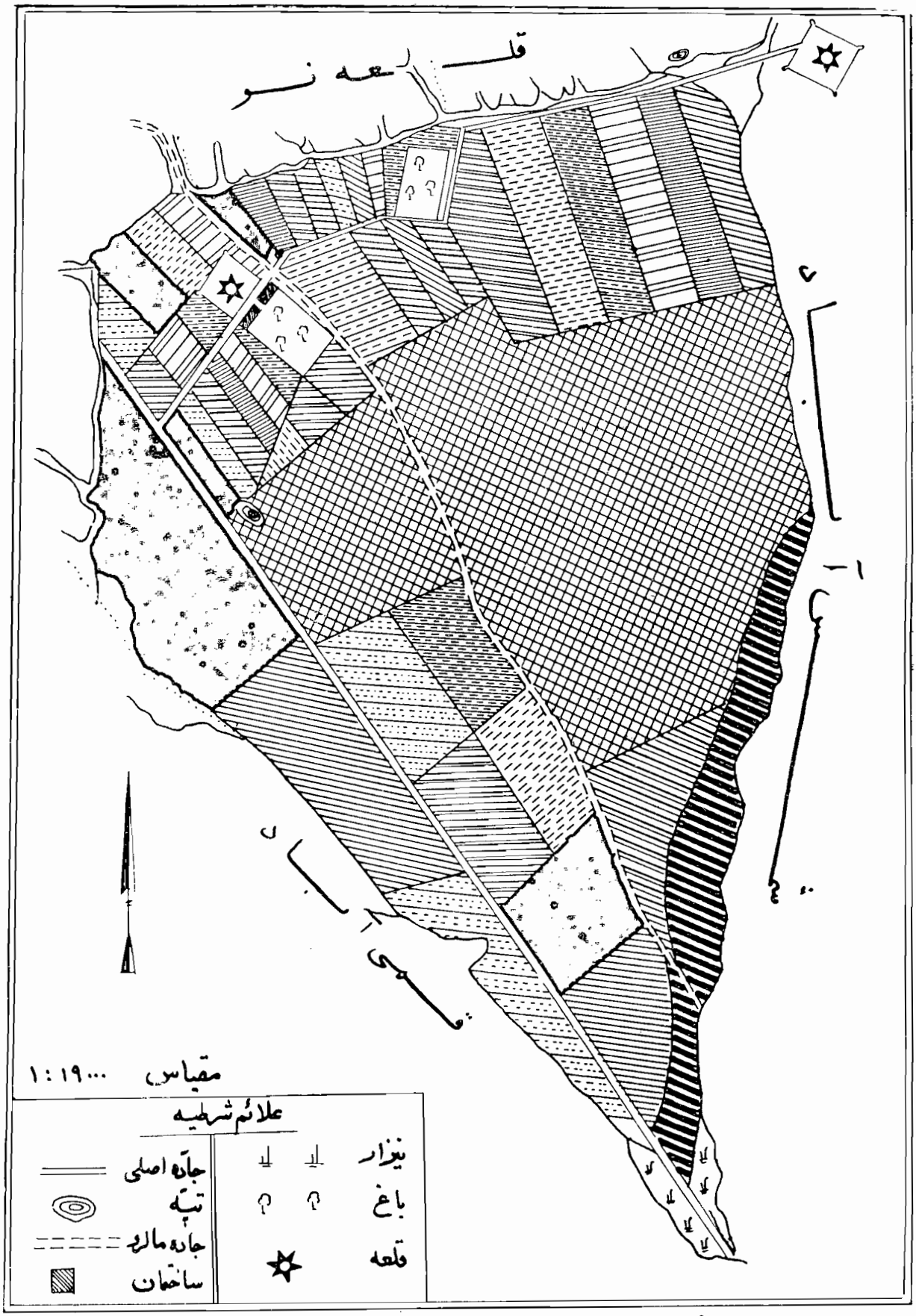
راهنمای پراکندگی زمینهای مزروعی بنه‌های ده طالب

در سالهای زراعی ۴۴-۱۳۴۰

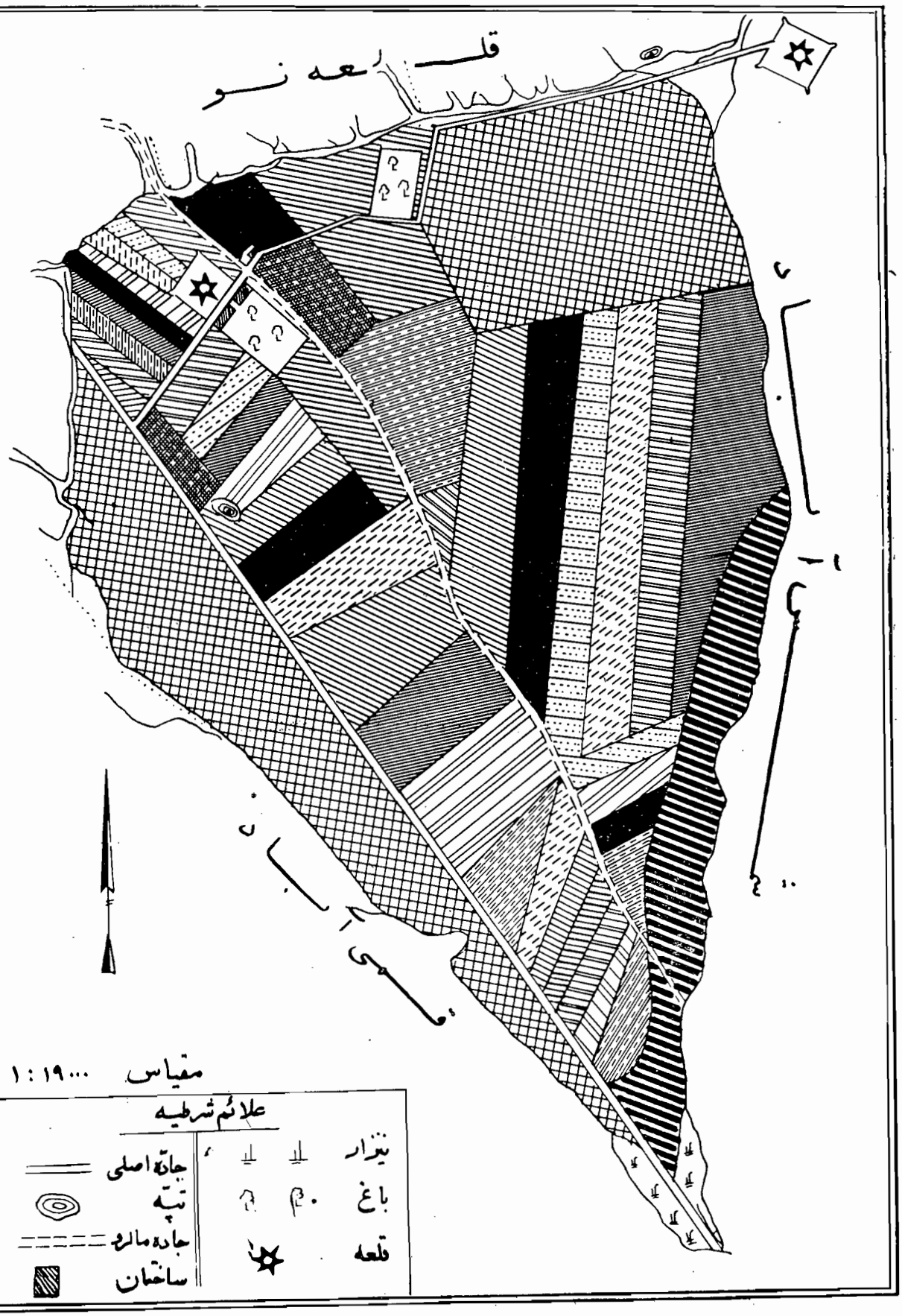


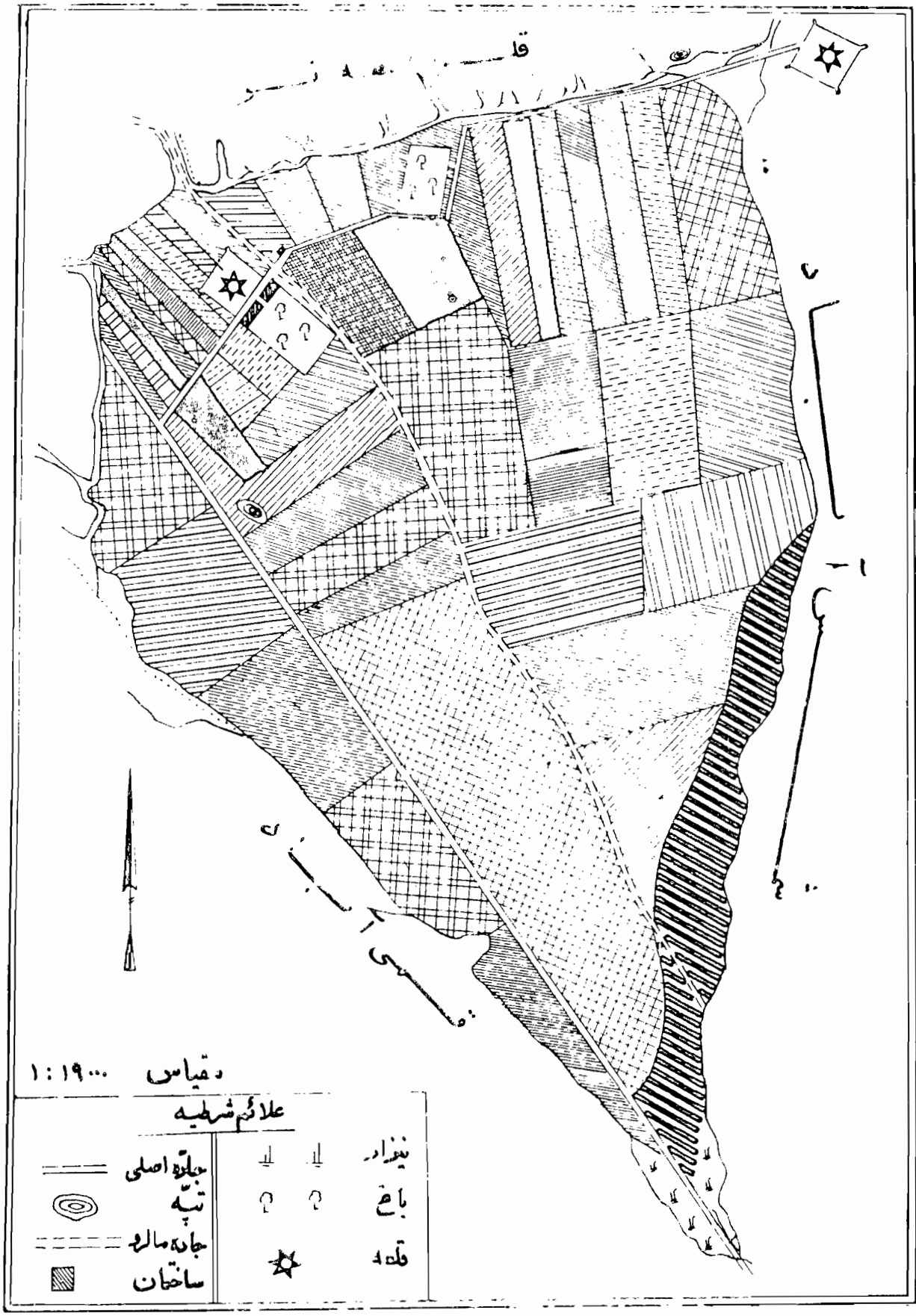


پراکندگی زمین های بنه های مختلف ده طالب آباد در سال زراعی ۴۱-۱۳۴۰



پراکندگی زمین های بنه های مختلف ده طالب‌آباد در سال زراعی ۴۲-۱۳۴۱


قلعه نو
مقیاس ۱:۱۹۰۰۰
علائم شرطیه
جادهٔ اصلی
تپه
جادهٔ مالرو
ساختمان
بیزار
باغ
قلعه



پراکندگی زمین‌های بهده‌ای مختلف دهطالب‌آباد در سال زراعی ۴۴-۱۳۴۳

با نگاهی به نقشه های مذکور پراکندگی زمین های هر بنه بخوبی مشخص میگردد چه هر بنه درچندین محل دارای قطعه زمین مزروعی است، البته این پراکندگی ها ازاین نظر اهمیت دارد که تمام بنه ها درزمینهای خوب، متوسط و بد ده شراکت دارند ولی ازاین نظرانتقاد برآن وارداست که مثلاً بنه‌ای که یکی ازقطعات زمینش درشمال زمین های مزروعی ده باشد و قطعهٔ دیگرش درجنوب، هنگام آبیاری بایستی ابتدا قطعه بالائی خودرا آب گرفته سپس به آبیاری قطعات دیگر بپردازد وچون بین این قطعات فاصله زیاداست وجهت رسانیدن آب بهرقطعه مقداری ازآن درطول جوی ازبین میرود تا جویها نم‌دار شده قابل عبور آب گردد.

اگر بتوان دهقانان را دراین مورد راهنمائی کرد صرفه‌جوئی قابل توجهی درآب بعمل آمده وبا این آب میتوان سطح بیشتری اززمین های قابل کشت را بزیر کشت آورد.

***

پشک کردن :

زمینهای مزروعی بنه برای هرمحصول با پشک معین میشود وآن بدوطریق انجام میگیرد:

طریقهٔ اول این طریقهٔ بدین نحو است که قطعه زمینی که برای کشت محصول درنظر گرفته میشود دارای مرزهائی است که معمولاً توسط جوی ویا پشته های بزرگی ازیکدیگر جدا میشود وبرای هرتکه زمین نامی گذارده و آن نام را درتکه کاغذی نوشته وجلسه‌ای باحضورآبیاران تشکیل میدهند ودرحضورجمع که معمولاً کدخدا، مباشر وارباب هم حضوردارند هرآبیار یک قرعه که نام زمینی درآن نوشته شده برداشته وقطعه زمین مربوط برای محصول آنسال معین میگردد.

طریقهٔ دوم بدین ترتیب است که اسم آبیاران را در قرعه نوشته درکلاه یاچیز دیگری ریخته بترتیب، نام قطعه زمینی را یادآور میشوند وکودکی یک قرعه برمیدارد، نام هرکس که درقرعه نوشته شده باشد زمین نامبرده برای کشت ازآن او خواهد بود.

برای کشت هرنوع محصول یکبار قرعه کشی انجام میگیرد و پس از انجام قرعه کشی هرآبیار بکمک شرکاء خود زمین خود را برای کشت آماده مینماید و چون همه به قسمت های مختلف زمینهای ده خود آشنائی کامل دارند بمحض اصابت قرعه کلیه مشخصات زمین برای صاحب آن معلوم وطرز استفاده‌اش مشخص میگردد.

***

مالکیت

دربیان تاریخ ده طالب‌آباد تاآنجا که امکان داشت سابقه ده را روشن نموده ویادآور شد که چگونه آقای حاج‌احمد فلاح‌شیرازی فرزند کربلائی محمداسماعیل‌طالب‌آبادی ده مذکور را خریداری‌نمود. آقای حاج‌احمد فلاح تاسال۱۳۱۳ شمسی(۱۳۵۲ هجری) درقید حیات وساکن ده مذکور بوده است و مسائل مربوط بده طالب‌آباد و چند ده دیگر مانند پردیس و قرچک را که‌خودمالک آنهانیز بوده‌حل وفصل‌مینموده‌است. نامبرده‌درآخرین روزهای‌حیاتش وصیت‌نامه‌ای تنظیم‌نموده ووضع ده طالب‌آباد را پس‌ازمرگش بطورکلی تشریح مینماید که دراینجا بواسطهٔ روشن‌شدن مطلب ازنظرمالکیت نکات چندی ازمتن وصیت‌نامه عیناً نقل‌میشود :

***

«. . . اولاً وصی ووصی درایصاء قراردادند فرزند ارجمندخودآقای آقامیرزا»
«عزیزالله وحاجی‌نعمت‌الله‌را نسبت باموراتخود که‌پس‌از فوت خودنسبت»
«به امورات فرج‌الله فرزندکبیر ایشان کـه مخیل‌الهوس است و امورات»
«مغاریکه درطالب‌آباد وقرچک دارند.»

«. . .ثالثاً ثلث دارائی‌خود قراردادپنج‌دانگ قریه طالب‌آباد مشاع درکل»
«ششدانگ‌واقع‌دربلوك غارکه‌مطابق ورقه‌مالکیت‌شماره . . .[1] به‌ثبت‌رسیده»
«منافع وعواید پنج‌دانگ‌مرقوم‌را الی‌مدت . ۲سال . . . پس‌ازمخارج‌عمران»
«پنج‌دانگ مرقوم و ادای مالیات وعوارض‌دیوانی وتعمیرات ابنیه و قنات»
«بمصارف ومقرره‌دراین‌ورقه که درطی‌سطورذکرمیشودبرسانند (پس‌ازکفن»
«و دفن‌خرج مخارج حمل نعش وساختن‌مقبره به‌نجف اشرف).»

«. . . هرساله .۳من گندم‌ویکصدوپنجاه‌ریال بامام‌جماعت مسجدطالب‌آباد»
«بدهند، اوهم درمسجد مرقوم نمازبخواند وهم‌مسائل‌شرعی‌ازجهت اهالی»
«طالب‌آباد بنماید ومخارج تعمیرمسجد ونگاهداری‌آنرا ازمنافع بیست‌ساله»

۱– درنسخه‌ای که‌بنظر نگارنده رسید جایش‌خالی بود ولی‌درروی سنگ مرمر کوچکی درگوشه بالای درب عمومی‌قلعه طالب‌آباد این‌موضوع چنین‌نوشته شده (ثبت املاك غار وفشاپویه، نمرهٔ ۱۵۴)

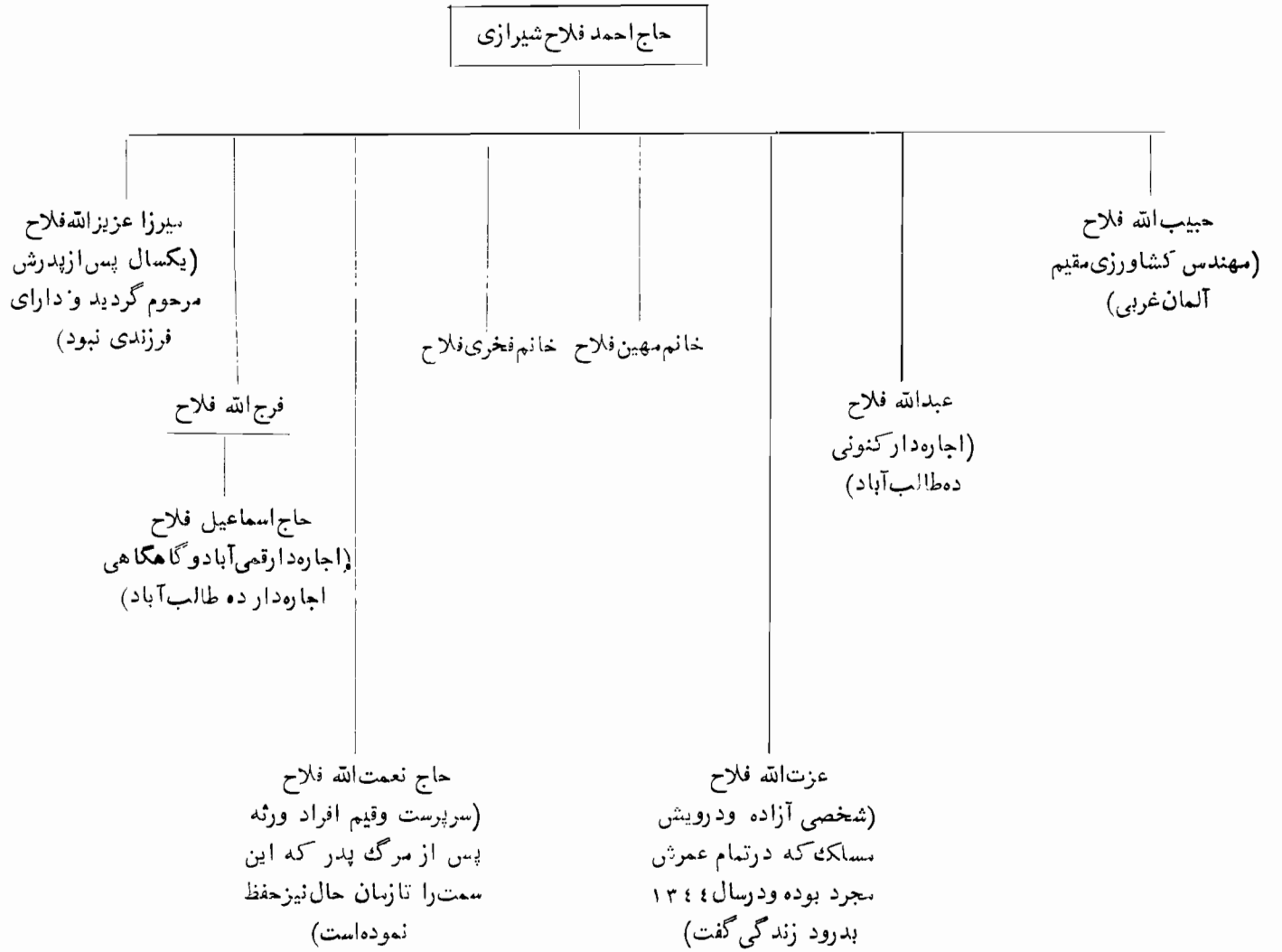
«پنج دانگ بنماید و درهرسال ده روز درقریه طالب آباد روضه خوانی نموده و»
«اطعام نمایند وپس ازمخارج مرقومه بقیهٔ منافع بیست ساله پنج دانگ مرقوم را»
بهرمصرف خیریه که دووصی صلاح بدانند بااطلاع ناظر (برسانندوبقیه را) . . .»
«بعدازمخارج لازم عمران ومالیات وغیره بشش سهم تقسیم نمایند . . . یک»
«سهم بمصرف مسجد ونگاهداری مسجد طالب آباد وامام جماعت آن ومصرف»
«روضه خوانی و اطعام درعشراول ماه محرم ویاعشر بعد در قریه مذکور»
«. . . (بقیه بین افراد واولاد بتساوی تقسیم گردد) . . .»

«بیستم شهرشوال المکرم یکهزار وسیصد وپنجاه و دو»
«۱۳۵۲ قمری»

***

پس از فوت نامبرده طبق مفاد وصیت نامه پنج دانگ ملک طالب آباد بصورت وقف خاص بین ورثه اش تقسیم گردید منتها بصورت مشاع وهریک از اولاد پسر مالک ۱/۷ ازپنج دانگ از ششدانگ ده فوق الذکر گردیدند دختران نیزنصف پسران سهم میبرند بنابراین هرسهم پسرانه حدود ۷ر. دانگ میگردد وچون آقای حاج نعمت الله فلاح وارث سهام برادر بزرگش میرزاعزیزالله میباشد مالک ٤ر۲ دانگ ازششدانگ مشاع ده مذکور میباشد. چه یکدانگ آنرا قبلاً آقای حاج احمدفلاح بفرزند خود آقای میرزاعزیزالله فلاح می بخشد. وسهم نامبرد بعلاوه ۱/۷ ازپنج دانگ از ششدانگ نیز به نعمت الله تعلق میگیرد ازاینرو نامبرده علاوه بر سرپرست وقیم بودن بزرگترین خرده مالک ده مذکور نیز میباشد.

اساسی ورثه فوق‌الذکر در ده پنج دانگ ده طالب‌آباد بتساوی بین آنها تقسیم میگردد عبارتنداز :



با این ترتیب وضع درآمد ده‌طالب‌آباد و وضع ورثه آن روشن میگردد ولی پس از فوت حاج احمد فلاح فرزند بزرگ وقیم او یعنی میرزا عزیزالله فلاح نیز مرحوم گردید و قیم و سرپرست دیگر او آقای حاج نعمت‌الله فلاح سرپرستی را بعهده میگیرد چون دیگر بازماندگان هنوز احتیاج بسرپرستی داشتند این سرپرستی تا زمان حال هم ادامه دارد اگرچه بازماندگان هریک خانواده‌ای تشکیل داده‌اند ولی هنوزهم آنها برای برادر بزرگ خود احترام زیادی قائل‌اند و مقامات دولتی و اوقاف نامبرده را متولی ده مذکور میشناسند . چندی بعد یکی دیگر از افراد ورثه یعنی فرج‌الله فلاح فوت میکند و درحال حاضر سهمیهٔ این فرد از درآمد حاصلهٔ ده به فرزندش آقای حاج اسماعیل فلاح تعلق میگیرد . افراد فوق گاه در ده‌طالب‌آباد و گاه در تهران بسر میبرده‌اند ولی بطور کلی بزرگ شده ده طالب آباد میباشند و تحصیلات اولیهٔ آنها درمکتب‌خانهٔ ده مذکور صورت گرفته‌است .

***

ازسال ۱۳۳۰ ببعد چون آقای عبدالله فلاح وآقای اسماعیل فلاح باندازهٔ کافی بزرگ شدند وبکار روستائی و کشت‌وزرع آشنا گردیدند به‌طالب‌آباد آمده ودر ده ساکن شدند و کشت وزرع ده که تا آن‌تاریخ با آقای حاج نعمت‌الله فلاح بود بایشان واگذار گردید .

در دوسال اول ورود نامبردگان به ده هر دونفر باهم بشراکت کشت و زرع میکردند ولی دو سال بعد یعنی در سال ۱۳۳۲ عبدالله خان سهم خودرا به اسماعیل خان واگذار نمود و در ازاء این واگذاری قرار گذارده شد که سالیانه ۲۵۰۰ تومان بطور مقطوع به‌عبدالله‌خان پرداخت گردد .

درآغاز سال زراعی ۱۳۳٤ ده طالب‌آباد به اجارهٔ عبدالله‌خان درآمد و ٤ سال متوالی یعنی تاسال ۱۳۳۸ ده دراجارهٔ نامبرده باقی بود ولی دراین‌سال مجدداً به‌اجارهٔ اسماعیل خان فلاح درآمده وبرای مدت دوسال زراعی ۱۳۳۸-٤ دراجاره وی باقی بود . ازشهریور ۱۳٤۰ ببعد مجدداً ده به‌اجارهٔ عبدالله‌خان فلاح درآمده وهم‌اکنون‌هم (۱۳٤۳-٤٤ سال‌زراعی) ده مذکور در دست نامبرده‌است .

مال‌الاجاره ده مذکور دراین‌مدت عبارت بوده‌است از :

از سال	۱۳۳۰	تا ۱۳۳٦	سالیانه	٦٤۰۰۰ تومان
«	۱۳۳٦	تا ۱۳۳۸	«	۸۵۰۰۰ «
«	۱۳۳۸	تا ۱۳٤۰	«	۹۵۰۰۰ «
«	۱۳٤۰	تا ۱۳٤٤	«	۱۱۰۰۰۰ «

مبلغ فوق به شش سهم تقسیم شده یک سهم آن که سهم میرزا عزیزالله بوده و طبق وصیت نامبرده به‌حاج نعمت‌الله تعلق میگیرد وپنج سهم بقیه به‌هفت سهم تقسیم‌شده (دو دختربرابر یک سهم پسر زیرا دخترنصف پسر سهم‌میبرد) وبسرپرستی وتحت نظر آقای حاج نعمت‌الله فلاح بین افراد فوق بتساوی تقسیم میگردد روی همین اصل است که گاه گاهی درسطور این کتاب به‌ارباب نام‌مالک ویا بالعکس داده شده زیرا هریک ازنامبردگان درعین حال که‌مالک ۱/۷ از پنج دانگ مشاع ازششدانگ کل زمینهای مزروعی ده مذکور هستند خود بکشت وزرع پرداخته وارباب ده نیز میگردند . مالکیت ده مذکور مشاع و تاکنون تفکیک نشده‌است‌ولی میزان مال‌الاجاره براساس سهام تقسیم گردد .

***

اصلاحات‌ارضی در ده طالب‌آباد

ده طالب‌آباد که‌سالیان‌متمادی بشکل ارباب ورعیتی‌اداره میشد سرانجام درخردادماه ۱۳٤٤ مشمول قانون اصلاحات ارضی گردید، دهقانان این‌منطقه باتوجه خاصی مسائل مربوط به‌اصلاحات‌ارضی‌را جویامیشدند ،یکبارکه در شهر تهران‌دهقانان‌بطرفداری‌از الغای‌رژیم‌ارباب‌و رعیتی‌تظاهراتی میکردند نگارنده خود شاهد بود که دهقانان شمس‌آباد باچوبهای‌دستی‌خود به طالب‌آباد‌آمده‌دهقانان‌بهم‌ملحق‌شده‌ودسته‌جمعی یک‌ماشین باری کرایه کرده‌برای‌تظاهرات‌ودادن رأی بتهران‌رفتند، هنگامیکه آقای‌دکترارسنجانی وزیر وقت کشاورزی‌مسائل مربوط به‌اصلاحات ارضی‌را از رادیو ایران اعلام مینمود دهقانانی دیده شدند که گوسفند خود را فروخته و رادیو خریدند تامسائل‌مربوط به‌اصلاحات ارضی‌را خود شخصاً از رادیو بشنوند وبرای این‌منظور عده زیادی ازدهقانان درمنزلی که رادیو وجودداشت جمع میشدند تاساعت ۹ شب فرارسیده به‌اخبار اصلاحات ارضی گوش فرا دهند .

بااین‌سوابق مأمورین اصلاحات ارضی درتاریخ مذکور به ده طالب‌آباد آمدند و پس‌از بررسی اوضاع واحوال دهقانان . ٦ نفر دهقان‌در ده تشخیص‌داده‌شد، ناگفته نماند که‌درسالهائی که مسئلهٔ اصلاحات ارضی‌مطرح بود دهقانان ده‌طالب‌آباد نه‌شخص‌دیگری را بده راه میدادند و نه‌خود ازده میرفتند چون میترسیدند اگر از ده بروند حق‌صاحب‌زمین‌شدن ازآنها سلب گردد و اگر فرد تازه‌ای در ده ساکن شود حقی بوی تعلق گیرد ، مأمورین اصلاحات ارضی دهقانان

طالب‌آباد را صاحب نسق نشناختند و کلیهٔ آنهارا برزگر شناختند زیرا معتقد بودند صاحب‌نسق کسی‌است که بجز نیروی کار دارای سهمی‌از چهارعامل (آب ، زمین ، بذر و گاو) باشد و چون ۶۰ نفر دهقانان نامبرده هیچ یک سهمی‌ازچهارعامل فوق‌نداشتند درنتیجه صاحب‌نسق شناخته نشدند تازمین به‌آنها تعلق گیرد ولی آقای‌حاج‌نعمت‌الله‌فلاح‌مالک وسرپرست ده رضایت دادند که دهقانان صاحب نسق شناخته شوند وچون ده وقف خاص میباشد و نمیتوان آنرا بفروش رسانید حدود ۲/۳ کلیهٔ زمینهای‌مزروعی‌را برای مدت ۳۰سال از اول‌مهرماه سال‌زراعی ۱۳۴۴ بدهقانان اجاره داده شد.

بهریک ازدهقانان فوق ۴ هکتار زمین وسه ساعت آب از قنات شور و سه ساعت آب از قنات شیرین سهم‌رسید و اجاره سالیانه زمین وآب هردهقان ۳ خروارگندم و ۴۰۰ تومان پول در مدت ۳۰سال توافق گردید.

زمین های شرقی ده بسمت شمس آباد سهم دهقان و زمین های غربی که حدود ۱/۳ کل زمینهای مزروعی‌است دردست‌مالک باقی‌ماند، کلیهٔ آبی که از دوقنات زمینهای دهقانان‌را مشروب میسازد ۷ر۵ شبانه‌روز و چون گردش آب‌خوره دراین ده‌اخیراً برمدار ۱۲ روزیکبارتعیین گردیده‌است ۴ر۵ شبانه‌روز آب برای زمین های ارباب باقی‌میماند.

کلیهٔ زمینهائی که دراختیار دهقانان گذارده شده ۲۴۰ هکتار (۶۰ دهقان هریک ۴ هکتار)، اجارهٔ جنسی‌سالیانه بابت زمینهای فوق‌الذکر ۱۸۰ خروارگندم (۶۰دهقان هریک سه خروار) وسالیانهٔ ۲۴۰۰ تومان (۶۰دهقان هریک ۴۰ تومان) اجاره نقدی‌زمینهای‌فوق‌الذکر خواهد بود، زمینها توسط پشک بین‌دهقانان‌تقسیم گردید مالک‌ده جهت کمک بدهقانان باخرج خود کلیهٔ زمین های‌آنهارا تراکتورزده و ۴۲ خروار بذرنیز بدانها مساعده‌داد تابعدها که گشایشی جهت دهقانان حاصل‌شد ومحصول خود را برداشت نمودند مخارج شخم ومقدار بذر دریافتی‌را بپردازند، اکنون دهقانان درزمین های مزروعی‌خویش بکشت و زرع اشتغال دارند و هر چهارنفر دهقان خود باهم شریک شده ودرنتیجه پانزده بنه ناقص‌تشکیل‌داده‌اند.

***

میزان اجارهٔ ده

قبلاً متذکرشد که درسال ۱۳۳۰ اجاره سالیانهٔ ده ۶۴۰۰ تومان بود و میزان این‌اجاره تاپایان سال‌زراعی ۱۳۴۳-۴۴ بمبلغ ۱۱۰۰۰ تومان درسال برمیزانش افزوده گشت ولی بااجاره دادن زمین بدهقانان بمراتب براین‌مبلغ اضافه گشت چه این‌مبلغ بطوریکه درجدول صفحهٔ بعد مشاهده میگردد به ۱۱۷۰۰

جدول محاسبهٔ اجارهٔ ده طالب‌آباد درآغار سال زراعی ۴۵-۱۳۴۴

(واحد سطح‌هکتار، وزن خروار، ارزش تومان)

سهم	زمین مزروعی	اجاره نقدی	اجاره‌جنسی	تبدیل اجاره جنسی بنقدی[1]	جمع اجاره تبدیل‌بنقدی
مالک	۱۲۰	۱۲۰۰۰	۹۰	۲۷۰۰۰	۳۹۰۰۰
دهقانان	۲۴۰	۲۴۰۰۰	۱۸۰	۵۴۰۰۰	۷۸۰۰۰
جمع	۳۶۰	۳۶۰۰۰	۲۷۰	۸۱۰۰۰	۱۱۷۰۰۰

تومان افزایش یافته است، در نتیجه نه‌اینکه این اصلاح ارضی در ده طالب‌آباد بزیان مالکین آن نبوده بلکه بسود آنها هم بوده‌است . چه علاوه برمبلغی که بمیزان مال‌الاجاره افزوده گشته دیگر دهقانان از کمک های مستقیم وغیرمستقیم ارباب محروم گردیده وساختن وتعمیرمنازل مسکونی آنها نیز بعهده خودشان میباشد .

***

اجاره داری

دراین نواحی بسیار بندرت اتفاق می‌افتد که مالک زمین خود شخصاً بکشت و زرع بپردازد واغلب زمینهای مزروعی خود را باشرایط ومدتی محدود به‌اجاره میدهند . ده طالب‌آباد نیزدارای چنین وضعی‌است منتهی این ده دارای هشت مالک است که سهم هیچ یک ازآنها تفکیک نشده‌است ، هریک ازاین مالکین که درده بکشت وزرع بپردازندشخصاً مالک ۱/۷ ازپنج‌دانگ مشاع ازششدانگ ده بوده و ۶/۷ بقیه‌را باشرایطی از برادر بزرگ خود اجاره میکنند .

اجاره‌دار درمحل بنام ارباب شناخته میشود و در صورت تمایل میتواند به‌اجاره‌داران کوچکتری که اغلب باغبان ونصفه کار هستند در ده اجازهٔ فعالیت دهد . اجاره‌داران کوچکتر و درجه دوم دردهات کمتر وجوددارند واین اجاره‌داران بیشتر به‌اجارهٔ باغ میوه مبادرت‌میورزند . ده طالب‌آباد دارای دوباغ است که ارباب آنهارا باشرایطی به‌دونفر باغبان برای‌مدت پنج‌سال اجاره به‌اولی ونصفه کاری به‌دومی داده‌است و هنگام برداشت محصول میوه باموافقت ارباب و

۱- برای تبدیل اجاره جنسی بنقدی بهاء گندم از قرار هر خرواری ۳۰۰ تومان محاسبه گردید.

اجاره‌دار باغ، محصول بفرد سومی اجاره‌داده میشود ومبلغ اجاره‌بین ارباب و اجاره‌دار اول نصف میگردد (باغ بالا اجاره‌ای وباغ پائین بطور نصفه کاری)

علاوه بردوباغ بالا وپائین یونجه های طالب‌آباد برای مدت شش‌ماه اول سال باجاره داده میشود وعلاوه برآن ده دارای یک مرغدانی نیز هست که به‌علاقمندان اجاره داده میشود. هراجاره دار در بدو ورود میبایستی زراعتهای قبلی‌را با نظر خبرگان خریداری نماید و هرآنچه خواسته باشد میتواند بمیل خود کشت نماید وتنها وظیفهٔ او در قبال ارباب پرداخت اجارهٔ نقدی وجنسی مورد موافقت طرفین است.

بین اجاره داری دهات و شهر ری اختلافی نیز دیده میشود که در دهات واحد اجاره مقدارآب در گردش خوره‌است وزمین بمقدار کافی موجود وهراندازه که خواسته باشند میتوانند مورد استفاده قرار دهند ولی درشهرری عکس این قضیه است یعنی وسعت زمین رابه اجاره میدهند واجاره‌دار خود بایستی آب تهیه کند و بسیار بندرت اتفاق میافتد که زمین وآب با هم به‌اجاره داده شود فرق دیگری که بین اجاره‌داری درشهر وده وجود دارد این است که درده بیشتر به جنبهٔ آبادانی زمین ها توجه دارند ولی درشهر بیشتر جنبهٔ اقتصادی آن مورد نظراست وچون اغلب دهقانان بیسوادند شرایط سختی‌را بآنها تحمیل میکنند تاجائی که طبق سندی که دراختیار نگارنده است برف‌روبی خانه مسکونی موجر برایگان وبدون پرداخت مزدی بعهده مستاجر واگذار گردیده‌است.

وضع اجاره‌داری درده طالب‌آباد همان وضعی است که درقسمت مالکیت ازآن یاد گردید یعنی یکی ازخرده مالکین ضمن مالک بودن خود اجاره‌دار بقیهٔ زمین های ده نیزهست ولی درسال ۱۳٤٤ که مرحلهٔ دوم قانون اصلاحات ارضی دراین منطقه بمورد اجرادرآمد بیش از نیمی اززمینهای مزروعی ده به‌اجارهٔ دهقانان درآمد و درواقع کلیهٔ دهقانان اجاره‌دار گردیده بقیه بصورت قبلی دردست مالک که اجاره‌دار قسمتی نیزهست باشرایط گرفتن کار گر کشاورزی باقی‌ماند. درحقیقت اجاره‌داری دهقانان مسئله‌ای است قطعی واجاره‌داری مالکین مسئله‌ای است که ممکن است درهرسال زراعی بنحوی تغییرپذیرد که برای مالکین موضوعی داخلی وخانوادگی است.

***

نصفه کاری

نصفه کاری شکل دیگری ازمسئلهٔ ارباب ورعیتی است که بتازگی دراین نواحی رواج یافته‌است زیرا تاسال ۱۳۲۰ شمسی اصولاً نصفه کاری دراین نواحی وجود نداشت. علت بوجود آمدن نصفه کاری بدان‌جهت بود که پس‌ازسال ۱۳۲۰ بواسطهٔ وجود متفقین درایران ارزش ومصرف سبزیجات بخصوص کلم، چغندر و

گوجه‌فرنگی که موردتوجه آنها بود بمراتب بالا گرفت و بکشت آن اهمیت بیشتری داده شد ، ازطرف دیگر بمناسبت اقتصاد صنعتی و نصب کارخانه‌های مختلف دراطراف شهرری و ازدیاد جمعیت دراین نواحی‌شهر ازهرطرف وسعت یافته وخانه‌سازی درزمینهای مزروعی‌انجام گرفت .

ازیک‌طرف سبزیکارانی که مزارع آنها برای خانه‌سازی ازبین‌رفته بود و ازطرف دیگر تمایل زمین‌داران واجاره‌داران بزرگ بکشت سبزی‌های موردتوجه فوق ، این افراد و هم‌چنین افراد تازه‌ای‌را برای کشت وزرع دردهات جلب نموده وبآنهامساعدتهائی‌میکردند بااین‌تفاوت که زمین‌داران واجاره‌داران بزرگ‌خوددارای‌زمین‌وآب بودند ولی ازنحوهٔ کشت اطلاعی‌نداشتند ولی درمقابل سبزیکاران که ازچگونگی کشت انواع سبزی بااطلاع بودند دارای سرمایه و آب وزمین‌نبودند ازاین‌رو دردهات آب وزمین و مساعده از ارباب و نیروی کار و کلیهٔ مخارج مربوط بکشت وزرع بعهده سبزیکار قرارگرفت . ولی کود بعهده ارباب و مخارج شخم‌زنی ، پی‌باری و بارفروشی ازمیانه به‌نصف تقسیم گشته و درنتیجه نیمی از فروش مستقیم سبزی متعلق به‌ارباب ونیم‌دیگر متعلق به‌نصفه کار سبزیکارمیگردد .

اساس‌نصفه کاری‌هم همان‌پنج کوت است چه عامل گاو (منظور شخم) که مخارجش بین هردو نصف میگردد، مخارج دوعامل‌زمین وآب ازارباب ومخارج دو عامل باقیمانده از پنج عامل یعنی‌بذر و کار بعهده رعیت است یعنی یک سهم (یک‌کوت) از پنج کوت مشهور رعیتی بین‌آنها بشراکت و هریک‌دوکوت ازچهارکوت بقیه‌را سهم‌میبرند ، چنین کسی‌بااین‌شرایط در دهات به‌نصفه کار شهرت دارد .

نصفه کاری ازسال ۱۳۰۲ ببعد رفته‌رفته‌دردهات‌مختلف‌راه‌یافت، منتهی‌دردهات‌نزدیک بشهرری زودتر ودهات دوردیرتر ، مثلاً دردهات نزدیک بشهرری بیش از ده سال است که نصفه کاری راه یافته‌است ولی درده طالب‌آباد برای‌اولین‌بار درسال۱۳۳۸ نصفه کاری راه‌یافته است تاآنجا که درسال ۱۳٤۱ ده طالب‌آباد دارای سه سبزیکار نصفه کارگردید که ناسپردگان بومی ده نیستند. نصفه کاران بیشتر دردهات‌پراکنده‌اند وهمانطورکه دردهات اجاره‌داربندرت دیده میشود درشهرری نصفه کار بندرت دیده میشود واکثر اجاره دارند . یکی از باغهای ده طالب‌آبادباشرایط نصفه کاری‌ودیگری‌باشرایط اجاره‌داری‌است ولی‌بواسطهٔ‌ضررکردن‌سبزیکاران نصفه کارده طالب‌آباد در فروردین ۱۳٤۲ کلیه ریشه وعلاقهٔ آنهاتوسط‌ارباب‌ده‌بمبلغ ده هزار تومان‌خریده‌گردید و به‌نصفه کاری‌سبزیکاری دراین‌ده خاتمه داده شد .

در ده طالب‌آباد بهاره کاری وقمی کاری درواقع بصورت نصفه کاری است چه پس‌از اینکه محصول صیفی وپنبه برداشت گردید مخارج شخم‌را از فروش کل برداشت نموده وبقیه بین ارباب ورعیت به نصف تقسیم میگردد در اینصورت زمین و آب و سرپرستی و بازاریابی بعهدهٔ ارباب یامالک وبذرونیروی کار ومواظبت وسرپرستی داخلی ومسائلی ازاین قبیل بعهدهٔ رعیت است.

***

شخم

تاقبل از ورود تراکتور بده طالب‌آباد شخم بوسیلهٔ گاو صورت میگرفت بدین ترتیب که خیشی ازآهن‌را به تەیراق بسته ویراق توسط تیر بلندی بنام دیرك به‌جوت که تیری است‌روی گردن گاو متصل میشد. هرجوت بگردن دو گاو نر بسته میشد و باراندن گاو، نوك تیز خیش در پوستهٔ خاك زمین کشیده میشد وعمل شخم انجام‌میگرفت. بدین‌ترتیب یکنفر مشته یراق رادر دست گرفته وچون راننده‌ای بدنبال گاوحرکت کرده وحرکت گاوهارا درجهت‌خط موردنظربرای شخم‌زنی تنظیم‌مینمود. بااین‌ترتیب یک‌جفت گاو کار ویک مردوارد باصول گاویاری‌وشخم‌زنی میتوانستند روزانه حداکثر ... ۵متر‌مربع (نیم‌هکتار) زمین‌راشخم‌بزنند درصورتیکه این کار را تراکتور درکمترازدوساعت انجام میدهد.

بطوریکه دهقانان خود میگویند تنها مزیت تراکتور سرعت‌عمل آن نیست بلکه شخم باتراکتور دارای مزیت‌های دیگری نیز هست. درگذشته پس‌از اولین شخمی که باگاو زده میشد مدتی زمین آفتاب خورده وهنگام کشت، شخم دیگری درشخم اولی زده تاکلوخ های شخم کوبیده شده ونرم گردد وتخم‌های پاشیده شده زیرخاك پنهان گردد سپس برای صاف شدن زمین روی‌آن تخته ماله (شرح آن‌درصفحهٔ بعدآمده‌است) میکشیدند پس از صاف شدن زمین با کلدر مرز آنرا مشخص میکردند. بواسطه عمیق نبودن شخم زمین توسط گاو در ده طالب‌آباد پنبه‌را لایی (کرتی)میکاشتند یعنی مرزهائی برای‌زمین‌صاف کشیده وبدون کیل و پشته پنبه را میکاشتند ولی باورود تراکتور چون کند زمین بقدر کافی‌انجام‌میگرفت دیگرپنبه‌را کیل وپشته‌ای کاشتند چون دارای صرفه بیشتری‌است. برای کشت گندم‌وجو ابتدا زمین‌را آب میگرفتند تازمین نم‌آمده برای شخم‌آماده گردد واین‌اولین آب‌را «خاك‌آب» میگفـ- دراصطلاح محلی‌یعنی‌زمین

گاو آید تا قابل گاوباری وشخم زدن گردد سپس گندم را زیر خاك میکردند وبعد زمین را جهت صاف شدن ماله[1] میکشیدند بعداً مرز کشی آن توسط کلدر یا تراکتور زنجیره‌ای آغاز میگردید وسپس آب، گرفته میشد ومنتظر سبزشدن گندم یا جو میماندند.

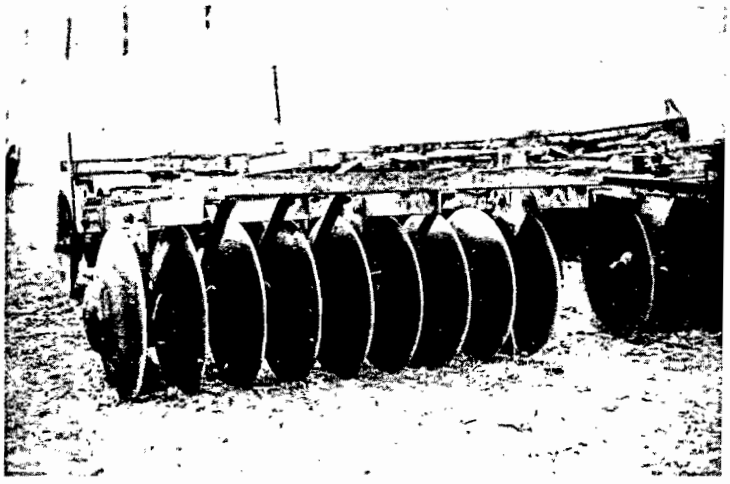


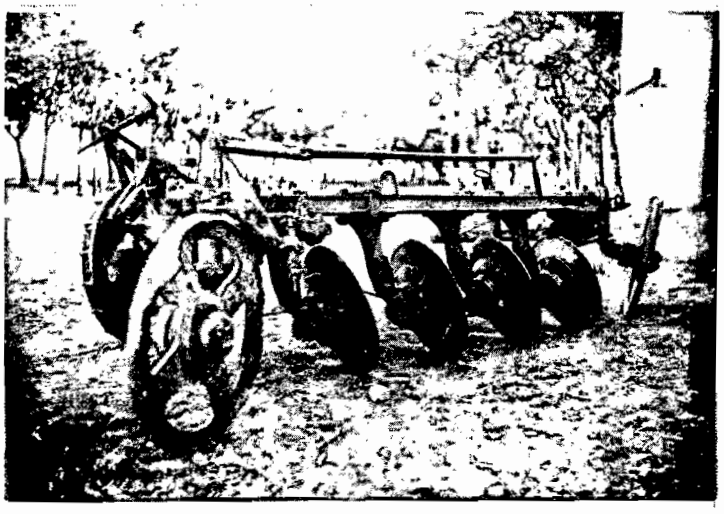
تاقبل از ورود تراکتور به طالب آباد شخم زنی بدینطریق انجام میگرفت ولی امروزه دیگر اثری ازآن مشاهده نمیشود.

ولی اکنون دیگر گرفتن خاك آب مفهومی ندارد وبندرت بزمین گرفته میشود زیرا زمین دارای هروضعی که باشد تراکتور آنرا شخم میزند وبدلخواه عمق شخم یعنی کند زمین را توسط دنده‌های شخم تراکتور کم وزیاد میکنند. درحال حاضر نسبت بارزش زمین، زمینی را یک شخمه و دوشخمه ویک دیسکه ودودیسکه شخم میزنند یعنی یک شخم ازراست و دفعهٔ بعد یک شخم ازچپ زده میشود و سپس دیسکی روی زمین کشیده آنراصاف نموده تخم میپاشند ودیسک دیگری

۱- تخته ماله تخته‌ای است پهن تقریباً بطول دومتر و عرض نیم‌متر که توسط دیرك به جوت گردن گاو متصل میشود. تخته ماله را بگردن یک جفت گاو بسته و گاوان را روی زمین شخم زده حرکت میدهند ویکنفر روی تخته ماله ایستاده با گرفتن طناب تعادل خود را حفظ نموده (گاهی با گرفتن دم گاوان تعادل خود را حفظ مینمایند) وباحرکت گاوها تخته روی کلوخ ها کشیده شده وبافشار و سنگینی که بدان وارد میآورد آنهارا خرد نموده وصاف مینماید.

روی آن‌میزنند ویاپس‌ازشخم اول‌دیسک میزنند وشخم‌دیگری نمیزنند. درهرحال درحال‌حاضر پس‌ازشخم‌زدن‌دیسکی‌بزمین زده‌تازمین‌صاف وهموار گشته سپس بذرپاشیده‌روی بذردیسک‌دیگری زده بعد توسط کلدر یاتراکتور مرز کشیده شده سپس‌آب گرفته میشود.





دونمونه از دیسک‌های تراکتور در ده طالب‌آباد

هنگام شخم‌زدن‌زمین با گاوریشهٔ‌چمن هاشخم‌نخورده درزمین باقی‌میماند وزمین بصورت چمنی باقی‌مانده‌ومجدداً چمن هاسبزشده‌وبه‌محصول صدمه‌میرساند ولی‌درحال‌حاضر دیگرزمین های چمنی ازبین رفته‌است چه تراکتورباشخم عمیق‌بقایای ریشه چمن هارا ازعمق زمین بیرون کشیده درمعرض‌آفتاب قرارداده وخشک مینماید.

درسالهای‌اول ورودتراکتور، گاو وتراکتور هردو درشخم‌زنی مورداستفاده‌قرارمیگرفتند

چه معتقد بودند سم گاو برای زراعت برکت دارد، قسمت اعظم زمین توسط تراکتور و کناره‌های زمین توسط گاو شخم‌زده میشد ولی درحال‌حاضر دیگر شخم زنی مطلقاً توسط تراکتور انجام میگیرد ولی درباغها وسبزیکاری‌ها شخم توسط انسان بصورت بیل زنی صورت میگیرد چه اینگونه مزارع به‌قسمتهائی تقسیم شده که بواسطهٔ کمی زمین تراکتور نمیتواند درآن حرکت کند ودرخت نیز مانع این حرکت میگردد.

ازاینرو در ده طالب‌آباد شخم‌زنی با نیروی انسان فقط درباغها و قسمتهای سبزیکاری دیده میشود وبقیهٔ نقاط را باتراکتور شخم‌میزنند وبواسطهٔ گرفتن نتایج عینی ازآن، شخم با گاورا برای همیشه کنار گذارده‌اند. درگذشته برای جمع‌آوری چمن‌ها در زمین‌های گاو زده از ابزاری بنام شانه[1] استفاده میکردند ولی اکنون دیگر شانه مورداستفاده واقع نمیشود زیرا چمن‌ها توسط دیسک تراکتور جمع‌آوری میگردد.

همانطور که درقسمت خرمن نوشته‌شده بکاربردن دیسک درخرمن کوبی توسط تراکتور اولین بار در طالب‌آباد متداول شد. در پائیز ۱۳۴٤ ابتکار دیگری توسط مالک و اجاره‌دار ده طالب‌آباد انجام پذیرفت زیرا دراین‌سال باخرج ٤۰ تومان دستگاه چوبی محکم ودرعین حال ساده‌ای ساختند که بایستی دستگاه رابه‌پشت تراکتور بسته وباحرکت کردن تراکتور زمین‌های شخم‌زده تخت وهموارمیگردد.

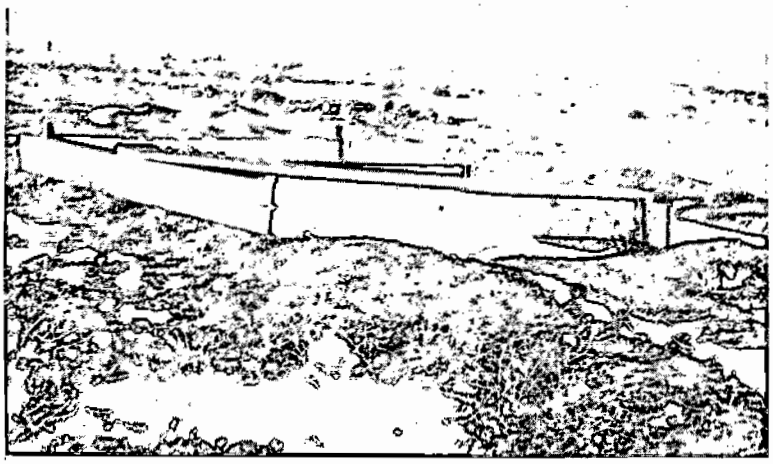
دستگاه ازشش قطعه تخته تشکیل شده‌است که دو ضلع بزرگ آن هریک بطول ۳٫۵ متر ودوضلع کوچک هریک ۲٫۵متر به‌پهنای حدود ۲۰ سانتیمتر ساخته شده است که یک تخته دروسط ویکی‌هم چون‌حائلی درروی اضلاع قرارگرفته‌است، درضلع جلوئی دو حلقهٔ محکم نصب شده است که دستگاه توسط آنها به‌تراکتور بسته میشود و باکشیدن این دستگاه سنگین پستی وبلندیهای شخم هموارمیگردد زیرا حرکت طولی وعرضی تراکتور زمین‌را کاملاً مسطح میسازد. اجرتی که برای مسطح کردن هر هکتار زمین‌های دیسک زده شده پرداخت میشود درحال‌حاضر ۱۲ ریال تعیین‌شده‌است.

وسیلهٔ دیگری‌هم برای سرزکشی باتراکتور ساخته‌اند وآنهم تخته‌ای است که به‌پشت

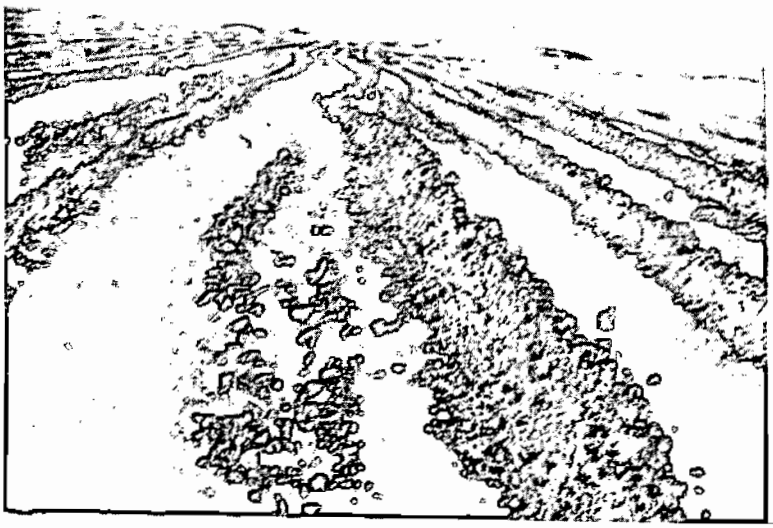
۱- شانه ابزاری است چون تخته ماله، ساخته شده از چوب که در زیر آن میخ‌های چوبی متصل به‌تخته نصب شده‌است و خود تخته‌هم توسط دیرك به‌جوت گردن گاوان متصل است و باحرکت گاوها در زمین شخم‌زده چمن‌ها وریشه گیاهان به‌میخ‌های چوبی گیرکرده درفاصله‌های معینی چمن‌ها را ازجلوی شانه گرفته مجدداً جمع‌آوری چمن‌آغاز میگردد.

تراکتور بسته وباحرکت تراکتور یکطرف مرز و باحرکت دیگر، طرف دیگر آن کشیده میشودو

برای اولین بار درپائیز ۱۳٤٤ ارباب ده درزمینهای خود که با کارگر کشاورزی کشت شده بود ازهردو وسیله فوق استفاده نمود.



شکل دستگاه زمین صاف کن که اخیراً در ده‌طالب‌آباد مورد استفاده قرارمیگیرد و در واقع اولین باری است که این دستگاه بافکر ارباب ده ساخته شده‌است.



ابزار چوبی دیگری بافکر ارباب ده طالب‌آباد ساخته شده که زمین صاف شده را بطریقی که درشکل مشاهده میشود مرزبندی مینماید.

***

اصطلاحات زمین

زمین سیاه خاك زمینی که دارای خاك سیاه‌رنگ باشد.

زمین‌سرخه زمینی که دارای خاك سرخ رنگ باشد.

شوره خاك زمینی که خاکش شور ونمکی‌باشد.

زمین کویری زمین نمکزار، زمین‌غیرقابل کشت.

زمین‌نگیر زمینی که نمیتواند محصول را بخوبی پرورش دهد و درنتیجه بسیاری از تخم‌ها نگیرد وسبز نشود.

زمین آلوئکی زمینی که دارای ریگ وخورده سنگ باشد.

رشوه دادن کود دادن.

زمین کاله زمین بی‌محصول.

زمین‌شقّه زمین سفت.

سُم‌چل‌شدن زمین زمینی که براثر لگدسال‌شدن سفت شود.

زمین بایر زمین مرده.

زمین دایر زمین آباد.

گاوآمدن زمین آماده شدن زمین‌جهت شخم‌زدن.

***

اصطلاحات زمین‌بندی

زمین‌بندی یعنی زمین‌را آماده کشت محصول‌نمودن وچون‌ممکن‌است زمین بچندطریق بسته شود لازم‌است اصطلاحات آن دراینجا یادآور شود.

گل gal محل ریزش آب ازجوی‌به کرت.

پته pateh محل کاه ترکه، محل‌ریزش آب ازکیلی به کیل‌دیگر در زمینهای کیل و پشته‌ای.

پشته poshteh محل های مستطیل‌شکل که بوته روی آن رشد طولی‌مینماید.

کونه‌بند kune band انتهای جویهای بسته شده درصیفی.

درك darak پشته‌های یک قطعه زمین که بترتیب در یک ردیف قرارگیرند. معمولاً یک‌درك دارای ۱۶-۱۰ پشته‌است. ممکن‌است‌دارای ۱۶-۱۰ کرت‌نیزباشد.

پیش‌آور پیش‌آور عبارت از ۱۲-۱۰ درك که آنرا «یک پا» هم نامند و دارای سر پیش‌آور (قسمت بالا) و دست پیش‌آور (جویهای که در وسط قطعه زمین برای رسیدن آب بنقاط دیگر کشیده میشود) باشد.

کشار زدن keshar کشارزدن یعنی هنگام عبور آب درروی زمین پستی وبلندی زمین را با پره بیل ازبین بردن تا آب بخوبی بتواند در زمین یکنواخت عبور کند، کشار زدن بیشتر درزمین کاله انجام میگیرد.

گوشه در زمینهای پشته‌دار تقریباً هرپنج پشته تشکیل یک گوشه را دهد.

جوکه joukke قطعه زمین کوچک.

پرند parand هنگام زمین بندی ممکن است زمین صاف و هموار بوده، کرت‌ها مستقیماً به‌جوی متصل باشند ویابواسطه ناهمواری ابتدا کرت‌ها متصل به قطعه زمین باریکی شده سپس توسط این قطعه زمین باریک به جوی متصل گردد. درصورت دوم این قطعه زمین باریک را «پرند» مینامند، سر پرند همان جوی است و دهنهٔ پرند جائی است که اب از جوی وارد پرند شود و از پرند وارد کرت‌ها گردد. پرند درواقع آبهارا درخود جمع نموده و مستقیماً وارد کرت‌ها مینماید.

***

اصطلاحات گاویاری

یال ول کردن رودادن زمین، زمین را خام گذاردن، درطول مسیر خیش باریکه‌ای شخم نخوردن، فاصلهٔ شخم‌نخورده بین دوعبور خیش.

نرند narand فاصلهٔ بین قسمتهای شخم‌زده وشخم‌نزده.

کیل kil جای عبور گاوآهن.

سرگاوخوان (دراصطلاح محلی سرگوخون): محلی که شخم‌زنی ازآنجا آغازمیگردد.

ته گاوخوان (« « ته «): انتهای محل شخم‌زنی.

گاویاری نوروزه اگر بزمین احتیاجی نباشد وبخواهند مدتی آنرا زیرآیش قرار دهند تادرمقابل نورآفتاب کسب قوه نماید آنرا گشاد گشادشخم میزنند، این نوع شخم‌زدن را گاویاری نوروزه مینامند.

***

پول کرایه دریافت میدارند درصورتیکه هشت رأس گاو نر دردونوبت (درحال کار و استراحت) بمدت ده روز چنین خرمنی را میکوبند وخود گاوها که شبانه‌روز درکنار خرمن و داخل آن بخوردن مشغولند برابر اجرت جنسی تراکتوررا دراین‌مدت میخورند. ازاین که بگذریم سه‌نفر رعیت در مدت ده روز بایستی شبانه‌روز سر خرمن بمانند و بادرنظر گرفتن اینکه تراکتور با سه نفر رعیت یکروزه خرمن را میکوبد ۲۷ کارگر درمدت ۹ روز صرفه‌جوئی‌شده‌است وانگهی از گاوکار بایستی بمدت یکسال نگهداری کرد تاچنین روزی بکارآید درصورتیکه تراکتور به‌چنین نگهداری احتیاج نخواهد داشت.

ممکن است این تصورپیش آید که چون گاوبندی بعهده‌مالک‌ویا گاوبنداست پس تراکتور که نقش گاوکار را بازی میکند سودی بحال رعیت نخواهد داشت وسود آن مستقیماً به مالک یا گاوبندتعلق‌میگیرد درصورتیکه ازدونظر بنفع رعیت‌هم است یکی اینکه هنگام پاشیدن بذر، زمین به‌بذرکمتری‌احتیاج داردچون گاوبذر را زیرورو کرده‌حدود نیمی‌ازآن درعمق زمین رفته سبز نمیشود ولی زمین تراکتور زده را بزیرورو کردن احتیاجی نیست و کلیهٔ بذرها سبز میگردد، هنگام درو کردن‌هم چون نسبت به‌بذر زمین خرواری مزد میدهند درنتیجه مزد دروگرهم نصفه پرداخت خواهد شد چون‌هرقدرکه‌در زمین بذرکاشته‌باشند براساس همان مقدارهم بدروگران مزد درو میپردازند.

درحال‌حاضر در ده طالب‌آباد برای هرهکتار زمین که حدود ۳. سانتیمتر با تراکتور شخم بخورد ۴۵ تومان‌پرداخت میشود واین‌مبلغ بین ۳۰ تا ۵۰ تومان تغییرمیکند. اگرمحل‌شخم جای پنبه باشد بواسطه چاله‌بلندی فراوان برای هرهکتار ۶۰ تومان درده طالب‌آباد و درنقاط اطراف تا ۷۰ تومان پرداخت میشود، البته پرداخت این‌مبلغ درفصول مختلف یکسان نمیماند. زیرا هکتاری ۴۵ تومان که برای مزد شخم‌زنی باتراکتور پرداخت میشود فقط برای یکبارشخم زدن‌است ولی معمولاً پس‌از شخم‌زدن دودیسک هم‌بزمین میزنند وبرای مزد هرهکتاردیسک زدن. ۲۰ تومان پرداخت میشود وچون زمین پس‌ازشخم‌زدن به‌زدن دودیسک نیزاحتیاج دارد تا کاشته شود پس برای هرهکتار شخم‌زنی ۸۰ تومان پرداخت میشود.

در ده طالب‌آباد گاوبندی وجود ندارد و درواقع کارهای مربوط بگاوبندی‌را ارباب ده انجام میدهد بنابراین ورود تراکتور بده قانون تازه‌ای ایجادننموده‌است ولی درهمسایگی‌این ده یعنی ده چاله‌طرخان ورود تراکتوردر گاوبندی قانون محلی‌بوجود آورده‌است که درقسمت گاوبند درفصل گروهها وقشرها چگونگی آن یادآور شده‌است.

شخم‌زنی درسراسر ده طالب‌آباد باتراکتور انجام میگیرد ولی‌درقسمت‌های سبزیکاری وباغها شخم‌زنی باتراکتور انجام نمیگیرد زیرا درباغها بیشتر وجود درخت مانع عبور تراکتور جهت شخم‌زنی‌است و درسبزیکاری وسعت زمینهائی‌که خالی‌میشود آنقدرنیست‌که تراکتوررا



شخم‌زدن توسط نیروی انسان ممکن است توسط یک یادو یاسه‌نفر انجام گیرد، دراینصورت دو یاسه نفر درکنارهم ایستاده درحالات مشترك به بیل‌زنی میپردازند و دراصطلاح به‌دوبیله (دونفر باتفاق‌بیل زدن) وسه‌بیله (سه‌نفرباتفاق بیل‌زدن) و گاهی‌چهار بیله مشهوراست.

بیل‌زنی دراین عکس به‌یک بیله مشهوراست.

درآن بکاراندازند ازطرف دیگرعبورتراکتورهم ازمیان کرت‌های سبزی بسختی امکان‌پذیر است و درصورت عبور سبزیها پایمال گردیده خراب میشود، اگرباغها وسبزیکاری‌را که توسط نیروی انسانی شخم زده میشود با زمینهائی که توسط تراکتور شخم‌زده میشود محاسبه نمائیم مشاهده میگردد که ۹۶٪ زمین‌ها توسط نیروی ماشین و فقط ٤٪ زمین‌ها توسط نیروی انسانی شخم‌زده میشود.

***

آبیاری

بزرگترین مسئله‌ای که برای دهات این نواحی مطرح است موضوع آبیاری است که همیشه فکر دهقانان را بخود مشغول میدارد. بطور کلی زارعین از کافی نبودن آب خود همیشه گله دارند و برای زیادتر بردن اندکی آب بانواع حیله و نیرنگ متوسل میشوند و گاهی بر سر این مسئله نزاعهای شدیدی بین آنها درگیر میشود.

آبهای مصرفی در این نواحی آب قناتهائی است که سرچشمه های اولیهٔ همه آنها درجنوب تهران واقع است وبواسطهٔ شیب تدریجی زمین ازشمال بجنوب بمرور آبها درسطح زمین آشکار شده مورد استفاده قرار میگیرند ولی میزان ومقدار آب آن بستگی بکوششی دارد که جهت لاروبی قنات مربوط بعمل میآید.

واحد آب در این نواحی «**سنگ**» است و آن مقدار آب روانی است برابر ۶۲ سانتیمتر مربع د رسطح بدون شیب جوی که دراصطلاح علمی برابر با ۱۲ لیتر درثانیه محاسبه میگردد، طریقهٔ اندازه گیری آن بدین ترتیب است که در دهانه قنات در کف جوی مسطح چهار عدد آجر بابعاد ۲۵ سانتیمتری را افقی وعمودی بشکل مکعب مستطیل قرار میدهند بطوریکه دردوطرف دهانه مکعب مجرائی باد هانه ۶۲۵ سانتیمتر مربع ایجاد میگردد، مقدارآبی که ازاین مجرا عبور نماید یک سنگ نامیده میشود ولی دربسیاری نقاط که خبرگان مطلعی وجود دارد برای این اندازه گیری سطح دیواره آب را درمجرای بدون مانع وشیب اندازه گیری نموده وبا درنظر داشتن ۶۲۵ سانتیمتر مربع مقدارسنگ آب را مشخص میکنند.

تقریباً تمام دهات این نواحی دارای قنات آب مخصوص بخود هستند که بهمان نام ده شهرت دارند، آب آنها مختلف وبین ۲ تا ۲ سنگ دیده میشود ونسبت بزرگی و کوچکی ده و تعداد جمعیت آنرا میتوان از روی مقدارآب آن حدس زد. ولی کمتر دهاتی پیدامیشوند که خود دارای قناتی نباشند ولی آب اینگونه قنوات هرقدرهم باشد باز اکثر دهات احتیاج به آب اضافی دارند واغلب کسری آنرا خریداری مینمایند.

خرید وفروش آب در این نواحی ساعتی است و ممکن است خرید موقتی ویا سالیانه باشد، سالیانه باین مفهوم که خریدار در مدت یکسال زراعی درگردش بین شش تا دوازده روز که آنرا «**خوره** khoreh» مینامند، درهرخوره حق گرفتن یکساعت آب را دارا است، خوره در دهات مختلف

یکسان نیست خوره بعضی دهات درگردش شش وبعضی هفت، هشت و ... دوازده روزه یکبار است و اگر دربین این مدت احتیاج به آب گرفتن باشد آنرا «میان‌خوره» نامند که بیشتر در ماههای گرم سال موردنیاز میباشد ولی لازم بیادآوری است که بهاء آبها یکجا پرداخت نمیشود وبیشتر قسطی واکثر درطول سال درسه قسط پرداخت میشود وهرگاه بهاء آبرا ساعتی بپردازند آنرا آب «دم بیلی» مینامند یعنی هرساعتی که آب میگیرند همان‌وقت پولش را میپردازند.

دراین نواحی علاوه بر ساعت وخوره واحد دیگری برای آب دارند و آنرا «**طاق** tagh» مینامند، یک طاق آب عبارتست از یک شبانه‌روز یا ۲٤ ساعت آب که نیمی ازآن جزء روز ونیمی ازآن جزء شب محسوب میگردد وچون ممکن است سهمیهٔ آب کسی در نیم‌طاق روز وسهمیهٔ کسی جزء نیم‌طاق شب باشد ازاینرو طبق عرف محل کسی که یکبار آب خودرا شب گرفته دفعهٔ دیگر روز و کسی که یکبار آب خودرا روز گرفته دفعهٔ دیگر درشب آب میگیرد یعنی نیم‌طاق روز بانیم طاق شب جایشان عوض میشود، افرادیکه درشب به‌آبیاری میپردازند فردای آن‌شب چندساعتی دیرتر سر کار خود حاضر میشوند وعلاوه براین مبلغی هم بعنوان «شب‌آبیاری» دریافت میدارند.

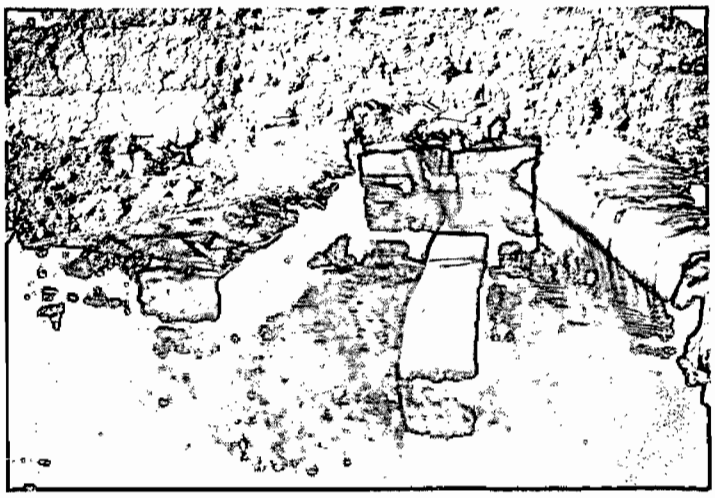
معمولاً دهقانان آب‌را درمحلی تحویل گرفته ودرمحل دیگر تحویل میدهند وبرای اختلاف عبورآب دردومحلی که آب‌را تحویل گرفته وتحویل داده‌اند نسبت بطول مجرای دومحل مذکور مدتی ازحقابه خود اضافه‌تر آب میگیرند و آنرا «**کاس‌جوی**» مینامند و مدت آن اغلب کمتراز یکساعت است وطبق عرف محلی همان مدتی که کاس‌جوی‌را حساب کرده‌اند دفعهٔ بعد ازحقابهٔ آنها کاسته میگردد.

گاه ممکن است دریک جوی بواسطهٔ نبودن مجرای دیگر آب دوقنات‌را درجوی واحدی حرکت دهند بدینطریق که مجرا مربوط بیک آب اصلی است و در طول مسیر در نقطه‌ای آب قنات دیگری بدان اضافه میشود و دراصطلاح آنرا «**آب روآب**» مینامند ودرمحل دیگری آنرا ازآب اصلی جدا مینمایند.

برای جدا کردن دوآب ازیکدیگر «**نیاره** niyareh» یا «**بجن** bajan» بکار میبرند وآن علامتی است که باآن مقدارآب قبلی‌را دردیواره جوی معین میدارند، چه قبل ازاضافه شدن آب دوم حد طبیعی آب‌اصلی درمجرا هویداست که بافروبردن تکه‌چوبی درحدود چهار تا پنج سانتیمتر درکنارجوی بطوریکه سطح آب بازیرچوب مماس میگردد وداغ آب‌اطراف چوب‌را خیس مینماید ولی‌چون ممکن است هرآن محل‌چوب نیاره‌را تغییرداد بیشتر برای‌تعیین نیاره علائم طبیعی چون

ریشهٔ درخت وسنگ‌را انتخاب میکنند و درتعیین آن چندنفر مشترك المنافع حضوردارند و طرفین ذینفع مرتب جریان تقسیم‌آب‌را زیرنظردارند.

اگر میزان آب برای آبیاری بیش از اندازه معمول باشد وبواسطه ازدیاد آب جویهای فرعی گنجایش کشش آبرا نداشته باشد و آبیاری بسختی انجام گیرد در طول مجرا در نقاط لازم مکانهائی بنام «دره» ساخته میگردد که‌مقدار آب‌رابتساوی نصف‌میکند منتهاآب بشراکت‌نصف میگردد ودوبرابر حقابه خود آب میگیرند. ساختمان دره بدین‌ترتیب است که با ساختن دیوارهٔ



هنگامی که آب زیاد باشد درمحلی بنام دره آب‌را بدوقسمت مساوی تقسیم‌میکنند و هرقسمت آن مورد استفاده دسته‌ای از روستائیان قرارمیگیرد.

محکمی دروسط‌جوی درجهت‌حرکت آب، آب بدوقسمت‌مساوی تقسیم‌میشود، کف‌پایه این‌نقطه چوب طویلی‌است به‌پهنای حدود ۳سانتیمتر و درازای حدود دومتر کمی بالاترازکف عمومی جوی که‌دروسط قدری بالا آمده ودردوطرف بطورتساوی‌تراشیده شده‌است وآب ازآنهاعبورمینماید و دیواره وسط جوی برروی قسمت بالاآمده ساخته میشود.

هردهقان موظف‌است قبلاً مطلع گردد که حقابه‌اش در چه ساعتی به‌او تحویل داده میشود، برای‌این کار افراد میراب‌ویا آبیاری‌انتخاب‌نموده که وقت تحویل‌آب وحل‌وفصل‌مسائل مربوط به‌آب‌را بعهده میگیرد وحرف چنین‌فردی برای‌دیگران سنت است و دهقانان ساعت خودرا باساعت این‌شخص‌میزان‌میکنند، البته میراب‌بامشخصات فوق‌درنقاطی وجود دارد که هردهقان تنها دارای چند ساعت آب است و در نقاطی که آبشان به نیم یا یک طاق برسد این مسئله دیده نمیشود.

فرق آبیاری در دهات این نواحی با شهرری دراین است که دردهات زمین قابل کشت بیش از مقدار مصرفی آب ده وجود دارد بنابراین واحد اجاره‌را دردهات آب بساعت قرار میدهند زیرا مقدارآب مورداجاره‌بامقدار زمینی که آب مذکور بتواندد رگردش خوره مشروب نمایدضمیمه است ولی درشهرری مقدار زمین را با کرت مشخص میکنند که معمولاً هرچند ده کرتی باغ جداگانه‌ای را بوجود آورده اول محل را اجاره نموده سپس درصدد خریدن مقدار آب لازم برمیآیند. دردهاتی که مالک نظارت مستقیم بر ده ندارد و یا از وضع ده بی‌اطلاع است ویا ده را به اجاره داده، بندرت دیده میشود که برای ازدیاد آب کوششی بعمل آید، از همین رو رفته‌رفته قنات لاروبی نشده و ازمقدار آب کاسته میگردد ولی در بعضی دهات که گردانندگان ده علاقمند به‌امور ده و برده نظارت مستقیم دارند به‌امر لاروبی قنات بیش‌ازپیش اهمیت میدهند و به‌آب قنات بمرور افزوده میگردد.

***

آبیاری ده طالب‌آباد

تاکنون کلیاتی‌راجع به‌آبیاری این نواحی یادآور شد ولی‌درمورد آبیاری دردهطالب‌آباد لازم بیادآوری‌است که کلیهٔ‌مطالب فوق تقریباً درده طالب‌آباد مشاهده میشود ولی ازنظرمحلی دارای خصوصیاتی‌است که عیناً ذکر میگردد:

ده طالب‌آباد دارای دورشته قنات است که مجموعاً دارای ۲۱ سنگ آب میباشد واین دو رشته قنات عبارتنداز:

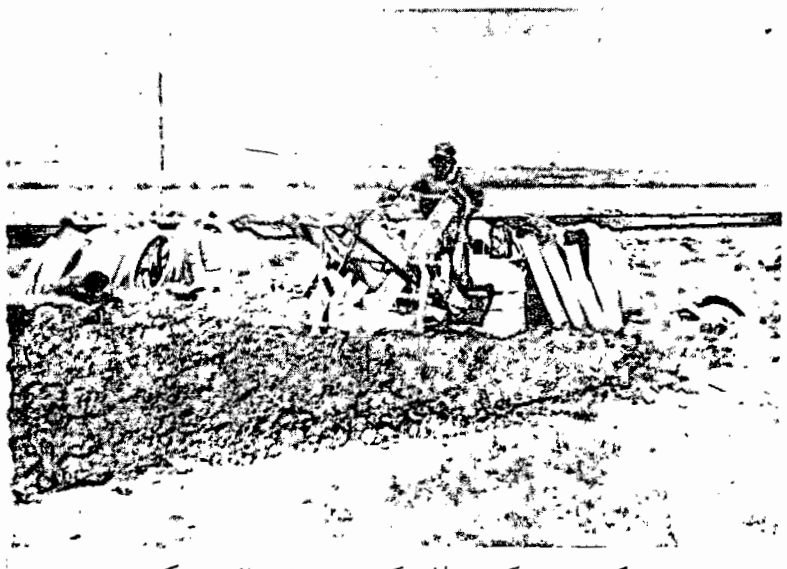
۱- قنات شور. ۲- قنات شیرین.

***

قنات شور ده طالب‌آباد بیش‌از چهارسنگ‌آب ندارد. اولین‌چاه یا مادرچاه

۱- قنات شور قنات مذکور ازکنارپاسگاه ژاندارمری قلعه‌نو آغاز شده وپس‌ازطی‌حدود ۲٫۵ کیلومتر راه درابتدای زمین‌های طالب‌آباد رو میآید، اختلاف سطح بین اولین‌چاه ومحلی که آب رو میآید ۱۰ متراست چه دراصطلاح محلی‌مادرچاه قنات شورپانزده متر طناب‌خور دارد، قنات‌مذکورازکنارقلعه‌نو عبور نموده وپس‌ازکشیدن زه‌آب قلعه‌نو بطرف ده طالب‌آباد جاری میگردد، این‌قنات درطول‌مسیر خود یکصد دهانه چاه دارد یعنی دهانهٔ هرحلقه چاه بفاصلهٔ ۲۵ متر ازدیگری واقع شده‌است.

علت شور بودن این‌قنات دراین‌است که از فیروزآباد ببعد رفته‌رفته خاك زمینهای این نواحی شور میگردد زیرا این‌دهات درزمینهای نزدیك بکویر واقع شده‌اند و چون زه آب قلعه‌نو ازسطح روئین وشور خاك عبورنموده وبعمق میرود وسرراه خود همه‌جا ازخاکهای شورمیگذرد،



دوهمکار مقنی یکی‌دربالا ویکی‌در قعرچاه فعالیت میکنند.

نفر بالائی کول (kaval) ها را یکی‌یکی به‌طناب بسته با گرداندن چرخ آهسته به‌ته چاه میفرستد همکار او که در ته‌چاه است پس‌از بازکردن کول از طناب، طناب‌را تکان داده نفر بالائی که‌چشم به‌طناب‌دوخته مطلب‌رافهمیده چرخ را گردانده وطناب‌را برای بستن وفرستادن کول‌دیگربالامیکشد

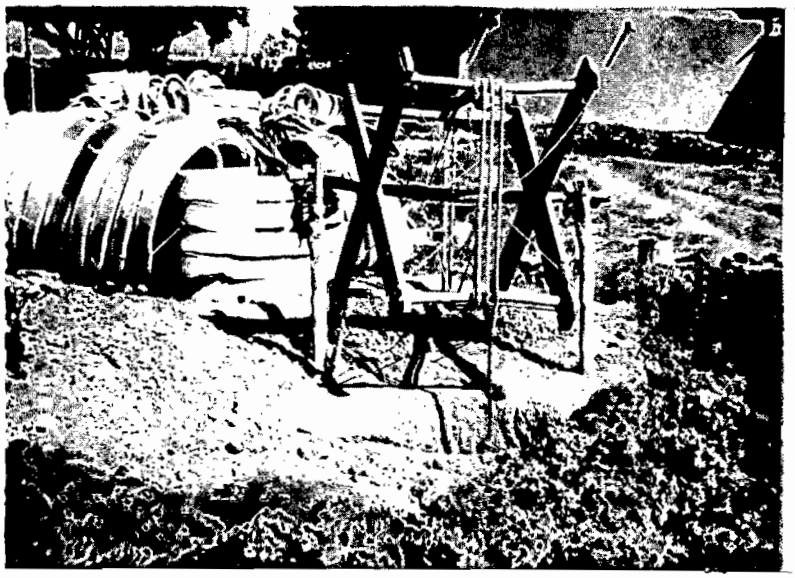
طعم شوری بخود میگیردچه فاضل آب‌طالب آباد هم که درفاصلهٔ حدود ۳۰متری‌ازقلعه ، جریانش درعمق حدود ده متری کاملاً عادی میگردد دارای چنین‌وضعی‌است.

***

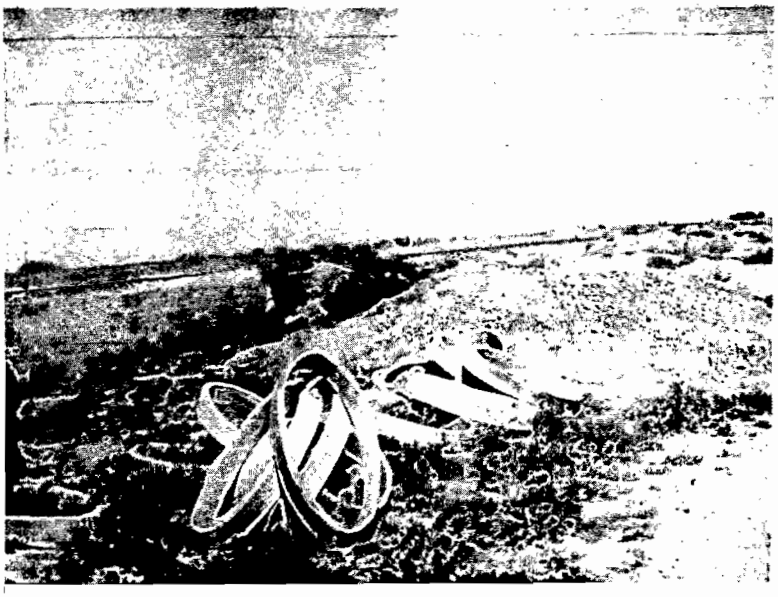
۲ـ قنات شیرین

قنات شیرین ده طالب‌آباد بیش‌ازهشت سنگ آب ندارد ومادرچاه‌این‌قنات عمقی برابر ۲۰ متر دارد یعنی آب ابتدا از عمق ۲۰ متری بفاصله ۸٫۵ کیلومتری در زمینهای علیمون جریان یافته و درطول مسیرخود از حدود ۳۰حلقه چاه عبور مینماید، ازکنارقلعه نو گذشته درزمینهای طالب‌آباد رو میآید که بازتقریباً فاصله های بین هردوحلقه چاه همان ۲۰متر باقی‌میماند، این‌قنات پس‌از روآمدن در مجرای روباز خود به‌قنات شور ملحق میگردد وازآن‌پس هردوقنات دارای مجرای واحدی میگردند وبمصرف آبیاری ده میرسند. (گاهی‌هم ممکن‌است هرکدام جداگانه بمصرف آبیاری برسند).

مطلب دیگری که درمورد قنات‌ها لازم بیادآوری‌است اینکه درطول مسیر هردوقنات بعرض‌حدود ۶۰ متر جزء ملک‌طالب‌آباد محسوب میگردد و ارباب ده اختیار قانونی دارد که‌از



درکنار هرحلقه چاه تعداد زیادی‌کول دیده میشود، کول‌ها توسط چرخ‌چاه بداخل چاه فرستاده میشود.



هنگام تعمیر قنات درکنار هرحلقهٔ چاه درطول‌قنات مقداری‌کول دیده میشود. عکس فوق منظره‌ای از دهانه گنبدی شکل یک حلقه چاه ازقنات طالب‌آبادرا درزمین‌های‌قلعه‌نو نشان میدهد که برای تعمیر و لاروبی مجرای آب قنات مقداری‌کول درکنار آن ریخته‌اند تا نوبت تعمیر و لاروبی آن فرا رسد و کول‌ها را به‌قعر چاه ببرند.

هر گونه کشت وزرع و یا خاکبرداری در این سطح که حریم قنات طالب‌آباد محسوب میگردد جلوگیری بعمل آورد.

خوره آب در ده طالب‌آباد دوازده روز یکباراست یعنی کلیهٔ زمینهای مزروعی این ده دوازده روز یکبار آب گرفته میشود زیرا دوازده شبانه روز طول میکشد تاتمام زمینهای مزروعی ده مشروب گردد[1].

مقررات خوره ازپائیز ببعد کم کم اجرا نمیشود وهرچه بزمستان نزدیکتر شویم بواسطه عدم احتیاج به‌آب ازطول‌مدت خوره کاسته میگردد و درروزهای سرد زمستان و روزهای بارانی آب تقریباً هرز میشود.

یکی‌ازشرایط کامل بودن بنه در ده طالب آباد وجود یک طاق یا یک شبانه‌روز آب است یعنی هربنه‌ای دارای ٤ ٢ساعت ازآب دوقنات مذکور است ولی‌اگر بجای یک بنه کامل آنرا نصف نموده دو نیم‌بنه مستقل ازهم تشکیل دهند هریک دارای ١٢ ساعت آب خواهند بود و این دونیم‌بنه چون‌نمیتوانند یکی‌ازآنهابطوردائم آب‌خودرا شب گرفته ودیگری‌روز، ازاینروآب‌هر نیم‌بنه یکبارشب‌ویکبارروز گرفته‌میشود ولی‌ازاواسط پائیزببعدرفته‌رفته ازاهمیت‌آب گیری‌درشب کاسته میگردد وتنها روز آب گرفته میشود ازاینرو ارزش‌آب در فصول مختلف یکسان نیست.

دراین نواحی بیش‌ازسه‌نوع محصول کاشته‌نمیگرددوآنها عبارتنداز گندم وجو (زراعت) بهاره کاری (صیفی، پنبه، پیاز، چغندر، لوبیا) ویونجه، هنگامیکه دیگر گندم وجو دربهار به‌آب احتیاج‌ندارند وبمرور ازاحتیاجشان کسرمیشود کشت‌بهاره کاری‌آغاز میگردد ودرپائیز که کم کم دیگراثری‌از زراعت بهاره دیده نمیشود مجدداً کشت گندم و جوآغاز میگردد ولی اگرآب اضافی موجود بود یونجه آب گرفته میشود و الا ممکن‌است یک خوره درمیان یونجه را آب بگیرند.

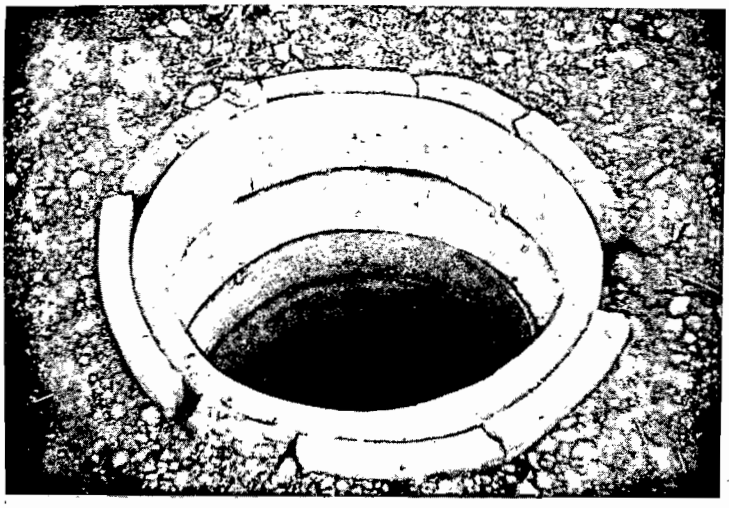
***

درده طالب‌آباد بواسطهٔ ساکن بودن مالک در ده ومشاهدات عینی احتیاجات آبیاری هرسال دربهار قناتهارالا روبی‌مینمایندودرتمام طول‌مسیرزیرزمینی قنات بواسطهٔ‌جلوگیری‌ازریزش

١- طالب‌آباددرسال‌زراعی ١٣٤١-٤٠ ، دارای هفت بنه‌بود وهفت‌شبانه روزآب بمصرف بنه‌ها میرسید، یک شبانه‌روز برای صیفی قمی و سه شبانه‌روز برای یونجه کاری و یک شبانه‌روزهم برای باغها و سبزیکاری، درسال زراعی ١٣٤١-٤٢ که‌یونجه کاری و کناره کاری‌طالب‌آباد ادامه نیافت و زمین‌ها به٩ بنه تقسیم گردید، ٩ شبانه‌روز آب‌بمصرف‌بنه‌ها، یک شبانه‌روز صیفی‌قمی ونیم‌طاق(١٢ ساعت) برای‌سبزیکاری و ٥ر١ طاق برای مصرف باغها جمعاً ١٢ شبانه‌روز گردش‌خوره.

مجرای آب، کول های بیضی‌شکلی بطول‌حدود یک‌متر وعرض‌حدود نیم‌متر در جهت مجرای آب کارگذارده تابدینوسیله از ریزش‌سقف مجراهای زیرزمینی‌جلوگیری شود و درتمام‌طول‌مسیراین کول‌ها بصورت سفال دیده میشود . میله چاهها نیز باکول‌های دایره شکل سفالی پوشانیده میشوند تامانع ریزش‌دیواره‌ها به‌قعر چاه باشد. دهانهٔ هرحلقه چاه معمولاً یکی دومتر از سطح عمومی زمین بلندتراست وهمه‌ساله گل هائی که از لاروبی‌قنات خارج‌میشود دورادور دهانه‌حلقه چاه ریخته میشود واین‌خود مانع ورود آب باران وسیل بداخل چاه و ریزش دیواره‌ها و خرابی آن است.

قبلاً یادآور شد که ده طالب‌آباد دارای بنه‌های مستقل ازیکدیگراست ومقدار زمین بنه‌ها تقریباً ومقدارآب آنها بطورقطع یکسان‌است ازاینرودرهربنه سعی‌میشود که‌به‌بهترین‌وجهی



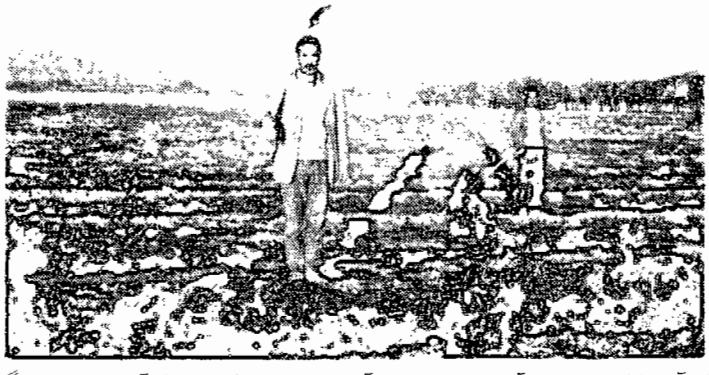
میله چاههای‌قنات ده طالب‌آباد ازدهانه تاانتها بدین‌شکل باکول چیده شده تاازریزش بدنه‌های چاه درمجرای آب روان جلوگیری گردد.

ازآب بنه استفاده شود و هرچه بیشتر بتوانند زمینهارا آبیاری نمایند ازاینرو اعضای هربنه‌زیرنظر یکنفر متخصص دراین‌امورکار میکنند که «**آبیار**» یا سر بنه نامیده میشود.

آبیار هربنه مسئول‌حفظ ونظم‌وترتیب آبیاری‌است وبامراو آبیاری زمین‌ها انجام‌میگیرد و باتفاق معاونان خود که دم‌آبیار لقب دارند مراقبت کامل‌ودقیقی برای جلوگیری از هدررفتن آب انجام میشود.

ترتیب‌آبیاری، جلو وعقب گرفتن آب‌راآبیاران‌درابتدای هرسال باپشک تعیین‌مینمایند، اینکه کدام بنه‌آب‌را اول‌و یا آخر بگیردوبعد درگردش دوازده چه‌روزی آب متعلق به‌چه کسی

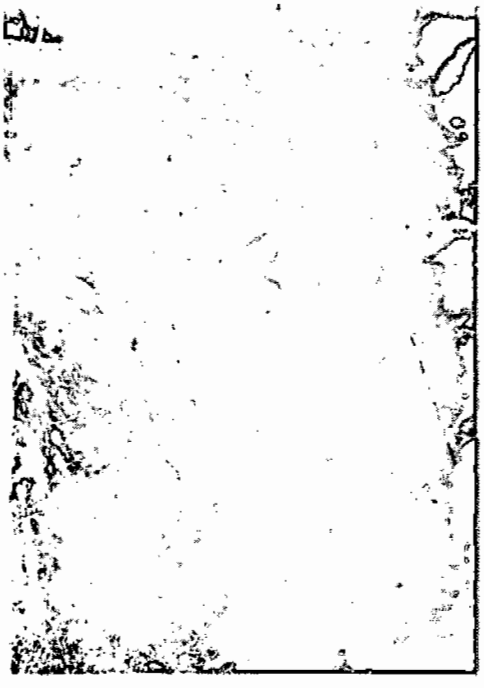
است این کار را باپشک انجام میدهند. آبیاری گندم‌وجو برای آبیاران بمراتب راحت‌تر ازآبیاری بهاره کاری است چه آب‌را روی چند کرت گندم یاجو خورد نموده وممکن است ساعتی طول بکشد تاپرشود ولی درصیفی‌وپنبه واشتال آن مراقبت‌زیادتری لازم دارد چه‌اگر بیش‌ازحد لازم درجویها آب انباشته گردد نتیجهٔ معکوس خواهد داشت.



یکی‌از آبیاران ده طالب‌آباد باتفاق ده آبیار بنه مربوط در حال آبیاری مزرعه گندم.



عکس‌فوق محلی‌را نشان میدهد که آب قنات ده طالب‌آباد ازمجرای تاریک زیرزمینی واردمجرای روبازمیشود(دراصطلاح دهانهٔ‌قنات که‌آب روسیاید).



قنات آب‌شیرین‌ده طالب‌آباد پس‌ازآنکه‌ازمجرای تاریک زیرزمینی‌خارج‌شد بدین‌شکل درمیان بستر خاروخاشاك‌دار خود جریان می‌یابد.

آبیاری وطریقهٔ آبیاری کردن بزرگترین مسئله برای کشت وزرع دهات است از اینرو متخصصین وخبرگان محلی تنها بخاطر متخصص بودنشان به‌آنها لقب آبیار داده میشود و این لقبی‌است که هرفرد دهقانی آرزوی رسیدن بدانرا دارد چه ازیکطرف رئیس بنه میگردد وچندنفر زیردستش کار میکنند ازطرف دیگر دارای قدر ومنزلت‌اجتماعی‌است و اورا درمجامع آبیارخطاب میکنند. آبیاران دیگر نیزدربارهٔ کشت وزرع زمین ها بااو بمشورت میپردازندازهمه بالاتر اینکه علاوه برمورد توجه ارباب واقع شدن سالیانه یک خروار گندم هم بلاعوض ارباب به آبیار پاداش میدهد.



درمشرق طالب‌آباد خیلی نزدیک به‌قلعه جوی آب متعلق بده جریان دارد. این جوی آب درکنار جاده دارای بستری پهن وتقریباً هم‌سطح زمین میگردد، این‌محل‌پهن بستر جوی جایگاه رختشوئی و شستشوی‌ظروف اهالی‌است. درکنار این‌محل جایگاه استراحت گوسفندان و دامهای ده درساعات مختلف روز است.

به دم‌آبیار نیز سالیانه مقداری گندم اضافه‌تر از دیگر همکارانش‌داده میشود ، البته همه اینها دردرجه اول‌بخاطر کم بود آب و احتیاج مبرمی‌است که به‌آب دارند وبایستی‌نهایت صرفه‌جوئی‌را در آن‌بنمایند واین همه امتیازکه بمرور برای آبیاران بوجود آمده‌است تشویقی‌است برای خوب وبهتر مصرف نمودن آب بهنگام آبیاری.

اهمیت آبیاری در دهات تا آن اندازه است که موقعیت اجتماعی آبیاران برای همیشه برایشان در ده باقی میماند، برای پی‌بردن به‌اهمیت وموقعیت آبیار بهتراست که به‌قسمت آبیار درفصل گروهها و قشرهای همین‌مجموعه مراجعه شود ولی لازم بیادآوری است که اهمیت آب وآبیاری در دهات‌بدان‌درجه‌است که برای‌هرآب که بزراعتی گرفته‌میشود نام‌مخصوصی گذارده‌اند که‌خود شاخص‌اهمیت آن میباشد.

***

آبیاری دیم

دیم کاری و آبیاری دیم مخصوص نقاط پرباران است که محصول توسط ریزش باران آبیاری میشود ولی ریزش باران دراین منطقه جهت کشت دیم کافی نیست باوجود این ده طالب آباد در سال زراعی ۴۴-۱۳۴۳ قطعه‌زمین وسیعی‌را درمقیم‌آباد واقع درجنوب غربی‌ده طالب‌آباد اجاره نموده وآبهای هردوقنات ده را روی زمین فوق‌الذکر گذارده و برای مدت ۶۰ شبانه‌روز آب درروی آن هرز بود آنهم در روزهای سرد وسخت زمستان، پس‌ازآن‌هنگامی‌که زمین گاوآمد تراکتور زده وخربزه کاشته شد و درنتیجه ۳۰ خروار خربزه‌محصول زمین‌فوق‌الذکر گردید که ازآغاز کشت تخمه‌ها تابرداشت محصول هیچگونه آب دیگری بدان گرفته نشد ولی بواسطهٔ زیان ازاین طریقه کشت روش آن دیگر دنبال نشد.

***

اصطلاحات آبیاری

آب‌پائین کردن آبرا بطرف‌مزرعه‌باز کردن، باز کردن‌بندآب وآنراازجوئی‌بجوی‌دیگربردن.

آب پاکردن آب را باصرفه‌جوئی بزمین‌رسانیدن.

آب خوردکردن ازنیروی آب کاستن، قدرت آبرا توسط باز کردن گلهای زیاد کرت‌درهم شکستن.

آب خوردن مدت‌آب گرفتن، مدت‌حقابه.

آب دست دادن بپایان رسیدن مدت آب گیری و حاضر شدن برای واگذاری آب بدیگری که نوبت آبگیریش فرا رسیده باشد.

آب‌را ته دوان‌کردن سیراب نکردن. درآب صرفه‌جوئی کردن.

آب روآب عبور دوآب از مسیر یک مجرا.

آب ریز محل ریزش آب ازقطعه‌ای به‌قطعه دیگر که با کاه تر که مشخص‌شود. محل گل درقطعه زمین کیل وپشته‌دار.

آب سوار شدن وقتی آب سطح زمین رافرا گیرد. حرکت کردن آب‌بدون‌مانع درسطح زمین.

آبکوب کردن بند را باقدری‌آب‌برویش ریختن وسینهٔ آنرا درحال خیس کردن لگد کردن و باپشته بیل‌ضرباتی به‌بند خوس‌زدن تامانع‌نفوذ آب ازشکافهای بند که براثر خشک شدن بوجود میآید گردیدن و از مصرف شدن بیهودهٔ آب جلوگیری کردن.

آب هَرزکردن آب را بحال خود رها کردن. مجرارا برای بیهوده مصرف شدن آب باز کردن. آب را بی‌ارزش‌ساختن.

آبیار مسئول ومستحفظ آب. موزع آب.

آبیاری کردن زمین‌را از آب مشروب کردن. زمین‌را آب گرفتن. آب دادن بزمین.

بالا محلی که دوآبیار برای بستن وباز کردن آب حاضرشوند.

بالا آمدن حاضرشدن برای بستن و یا باز کردن آب سربند.

بَجَن نشانه یا علامتی دربدنه جوی که توسط آن آب دو قنات را دریک مجرا عبور دهند و درنقطهٔ دلخواه ازهم جدا کنند.

بند سدی که درجلوی‌جوی‌یا نهریارودخانه‌بسته شود که مانع عبورآب گردد.

بند راسته‌کردن عبورگاه آب‌را برای آب گیری محصول آماده کردن. روبراه کردن جویها جهت عبور آب بزمین‌موردنظر.

بیه beye دومین آبی که پس‌ازکاشته شدن به‌زراعت داده شود.

بارآب انباشته شدن آب بواسطه مانع.

پَرَند قطعه‌زمینی که آب از جوی وارد آن شده و ازآنجا وارد گل‌ها شده بسوی کرت رود.

دهنه پرند جائی که پرند به‌جوی متصل‌شود.

خوره نوبت آبیاری، معمولاً بین شش‌تا دوازده‌روز یکبار، نوبت آب درگردش سالیانه.

خاك آب آبی که قبل از کشت گندم بزمین داده میشود.

حقابه سهیم بودن درآب.

داغ آب اثری که سطح آب در بدنه‌های جوی ازخود باقی گذارد.

دست پیش‌آور نام جویهائی که در وسط زمین صیفی برای رسیدن آب به نقاط بلند تر کشیده شود.

دون‌آب (دانه آب) نام آبی که پس از گل آب به غله داده شود تا پس از آن غله دانه بندد.

دُم آبیار معاون و دستیار آبیار.

دُمباب (دم‌آب) مقدار آبی که به‌آب دیگر اضافه شود و برمقدار آن بمراتب بیفزاید.

زخم آب نام آبی که پس از شکر آب به‌صیفی داده شود. نام دومین آبی که به‌صیفی داده شود.

سنگ واحد آب. مقدار آبی که در زمین بدون‌شیب باسرعت معمولی ازمجرائی بعرض وطول ۲۵ × ۲۵ سانتیمتر عبور کند. برای اندازه گیری آن چهارآجر بشکل مکعب رویهم قرار دهند و آبی که از دهانهٔ آن بگذرد یک سنگ آب بحساب آید.

شاه جوی عبورگاه اصلی مجرای آب. جوی بزرگی که جویهای دیگر ازآن منشعب گردد. ویا بالعکس ازچند جوی کوچک تشکیل شود.

شب‌آبیاری آب گرفتن در شب.

شخم آب نام اولین آبی که پس ازشخم زدن برای کشت مجدد بزمین شخم زده داده شود.

شکر آب نام اولین آبی که به‌صیفی داده شود.

طاق‌آب، یک‌طاق‌آب یک شبانه روز آب که ازقنات خارج شود.

کاس آب باقیمانده آب پس از بسته‌شدن. آب آخرین لحظات آبیاری. ته‌مانده‌آب.

کاس آمدن کم‌شدن، ازقدرت آب کاسته شدن.

کاس‌جوی باقیمانده آب درجوی پس ازبستن. مقدار کسری‌آب که بمصرف خیس‌شدن جوی برسد.

کِشار زدن پستی وبلندیهای زمین‌را هنگام عبورآب در زمین کاله (زمین شخم‌نزده و سفت ومحکم) باپره‌بیل ازبین بردن.

کُم و تخته کم: چهار چوبی‌است که وسط چوبهارا بطرف داخل تراشیده باشند.
تخته: قطعه تخته‌ای بابعاد حدود ۱۰۰×۷۰ سانتیمتر که چون کشوئی بداخل کم بالا وپائین رود، تخته‌دارای‌دودسته‌است که به‌پشت‌آن کوبیده شده است وباپائین یابالابردن‌تخته درداخل کم،جلوی جریان آب باز یا سدمیشود.

گَل محل ورود آب بداخل کرت.
مجرائی درحدود ۵۰×۳۰×۳۰ سانتیمترکه جوی‌را به‌پشت گل متصل سازد. پشت گل حوضچه مدور کوچکی است بعمق ۲۰ تا ۶۰ سانتیمتر و بشعاع ۲۰تا ۴۰ سانتیمترکه گل‌ولای اولیه پس از باز کردن گَل درآن رسوب کند.

گُنگ مجرای‌آب‌در محل‌سرپوشیده،مجرائی که ازروی‌آن دیوار کشیده‌شده‌باشد.

گُل‌آب نام اولین‌آبی که هنگام بیرون‌آمدن گل‌غله به‌حاصل داده شود.

لات رسوب گل‌ولای وماسه در سر کرتها.

لات‌مالاندن رسوب نمودن گل‌ولای وروی‌محصول را پوشاندن.

لَت‌آب نام آبی که پس از زخم‌آب‌به‌صیفی داده‌شود.
نام سوسین‌آبی که به‌صیفی داده‌شود.

مرگ آب نام آخرین آبی که به‌غله گرفته شود تاپس‌ازآن وقت‌درو فرا رسد.

میان‌خوره آبیاری زمین بین‌دوخوره.

نیاره بجن، (رجوع شود به بجن).

هرزآب آب اضافی که بیهوده مصرف‌شود(رجوع شود به‌آب‌هرز نمودن).

هَرزِبان مجرائی که آبهای اضافی و بدون مصرف از آنجا جاری شده و بحال خود گذاردشود.

یخ‌آب آبی که درفصل‌سرماو یخبندان‌بزراعت‌داده‌شود.

***

بذرپاشی در ده طالب‌آباد چند سال‌قبل‌دستگاه بذرپاش‌آورده شد ولی‌چون بانظریات کشاورزان مطابقت نکرد و انتظار آنها را برآورد ننموده آنرا درگوشه‌ای خارج ازقلعه بلااستفاده بحال خود باقی گذاردند واکنون بذرپاشی مانند گذشته انجام میشود. طریقه بذرپاشی بدین طریق است که آبیار لنگی بکمر بسته وهر بارحدود یکی دومن بذردرآن ریخته و درحال حرکت در زمین‌مورد نظر مشت‌مشت‌در روی‌خط مستقیمی که حرکت میکند می‌پاشد.

بذرپاشی همیشه بعهده ورزیده‌ترین و کاردان‌ترین عضوبنه است زیرا تعداد کم‌وزیاد پاشیدن‌آن ضررهائی دربر دارد اگر زیاد ریخته شود ضرر زیاد مصرف‌شدن بذر و درصورت زیاد سبزشدن گندم ساق خوشه‌ها ضعیف میماندو درصورت کم‌پاشیدن تونک‌سبز میشود. مقداری‌بذر از روی مساحت زمین باچند من بالا وپائین در اختیار مسئول بنه قرارمیگیرد و معمولاً بذر را از بین بهترین گندمهای‌بنه‌ها انتخاب مینمایند.

مقدار بذر درواقع‌مقدار سنجش‌مساحت‌زمین میباشد چه هرخروار بذر بایستی‌دردوهکتار زمین پاشیده شود ازاینرو خبرگان مساحت زمین‌را نسبت به‌بذر مصرف شده اندازه گیری میکنند و این اندازه گیری تقریباً دارای صحت میباشد. (به‌واحد کشت‌مراجعه‌شود).

***

واحد کشت

در ده طالب‌آباد برای واحد کشت بجای‌مساحت،سنجش وزنی‌بکار میبرند وآن عبارتست‌از «وزن مقدار گندمی که بشکل بذر و باندازه کافی‌درقطعه زمین‌آماده کشت پاشیده شود، مساحت اشغال شده توسط این بذر سطح زیر کشت‌وزنی نامیده میشود».

تجربه سالیان متمادی دهقانان این نکته را برایشان مسلم ساخته است که هر یک خروار بذرگندم یا جو اگر باندازه معمولی وکافی پاشیده شود برای ۲۰۰۰۰ متر مربع یا دوهکتار زمین‌قابل کشت کافی‌است واساس سنجش مساحت زمینهای روستائی براین‌پایه‌استوار است، بااین حساب دهقانان وزن بذر مصرف شده‌راسنجیده مساحت زمین را تخمین میزنند. بااین ترتیب‌سنجش مساحت برحسب وزن عبارتست‌از:

یک‌خروارزمین‌مساحتی‌است برابربادوهکتار برابر با ۲۰۰۰۰ مترمربع

یک من زمین مساحتی است برابر با ۲۰۰ »

یک چارك زمین مساحتی است برابر با ۵۰ »

یک سیر زمین مساحتی است برابر با ۵ »

البته دهقانان برای سطح زیرکشت هکتار نیز بکار میبرند ولی‌قبل‌از بکار بردن‌هکتار مساحت زمین را وزنی و براساس فوق میشناسند و بهم تبدیل میکنند و بطورکلی مساحت‌وزنی بمراتب بیش از مساحت هکتاری در ده متداول است.

***

واحد وزن

واحد وزن در ده طالب‌آباد « من »است که برابراست با سه کیلوگرم ، اضعاف آن‌خروار است که برابراست با یکصدمن تبریز یا ۳۰۰ کیلوگرم، اجزاء آن عبارتند از:

۱- چارك برابر با $\frac{۱}{٤}$ من(۷۵۰ گرم).
۲- سیر برابربا $\frac{۱}{٤۰}$ من (۷۵ گرم).
۳- مثقال برابر با $\frac{۱}{۱٦}$ سیر($\frac{۷۵}{۱٦}$ گرم).
٤- نخود برابر با $\frac{۱}{۲٤}$ مثقال($\frac{۷۵}{۱٦\times۲٤}$ گرم).
۵ - گندم برابربا $\frac{۱}{٤}$ نخود($\frac{۷۵}{۱٦\times۲٤\times٤}$ گرم).

ضمناً بایستی یادآور شد که دراین نواحی سه‌نوع «من» وجود دارد.

۱- « من‌تبریز» برابر باسه کیلوگرم.
۲- « من‌شاه» برابر باشش کیلوگرم.
۳- «من‌ری[۱]» برابربادوازده کیلوگرم.

متداول‌ترازهمه همان‌من تبریز برابر باسه کیلوگرم است که واحدوزن کنونی‌نیزبشمار میرود، من‌ری که چهارمن تبریز است دراین نواحی زیاد استعمال میشود واین استعمال بیشتر در بین کشاورزان دیده میشود، ولی من‌شاه دیگر در این نواحی بکار برده نمیشود.

علف‌چر

علف‌چر یا سرچر یعنی چرانیده شدن گندمهای هراکش(زود کاشته شده) توسط گوسفندان درفروردین‌ماه ، زیرا گندم هراکش بمناسبت مساعدبودن هوا و زود کاشته شدن‌تمام دانه‌های‌بذرش‌سبزمیشوندواگر تمام دانه‌ها بحال خود باقی‌بمانند وبرشدخود ادامه دهند ساقه‌ها رشدعرضی‌نکرده‌وخوشه‌های جالب‌نمیدهند از اینرو برای‌تونک‌شدن گندم آنرا سرچرمیدهندولی بمناسبت چریدن وسم‌چل‌شدن،در رشدمجدد مقدارزیادی ازآنها سبزنشده وتونک‌میگردند.

اوایل فروردین و درمواردی اواخر اسفندماه دامداران این‌نوع گندم یاجو را وزنی اجاره میکنند مثلاً فقط زمینی که یک‌خروار گندم درآن کشت شده ودوهکتار وسعت‌دارد برحسب اینکه سبزآن چقدر رشد کرده باشد سنجیده شده بفروش میرسد مثلاً اگر یک‌خروار زمین (دوهکتار)

۱- هنگام آبادانی ری‌قدیم‌واحد وزن ری ازواحدهای متداول درآنجا بوده است وچون این‌واحد درمنطقه ری‌بکار میرفته‌است تازمان حال کم‌وبیش دربین‌مردم بکار برده میشود وبارها مشاهده گردید که هنگام وزن کردن وشمارش دسته‌های سبزیهائی که در سبزیکاری تهیه میشود این واحد بکار برده میشد مثلا میگفتند«سه ری‌ویک‌تبریزی» یعنی‌سیزده‌من تبریزویا ۳۹ کیلوگرم‌ولی‌اضعاف واجزائی که‌بکاربرده‌میشد همان بود که درمورد من‌تبریز متذکرشد.

فوق مجموعاً ۲۰ خروار سبزه داشته باشد یک تخم به ۲۰ تخم میفروشند و اگر سبز آن رشد بیشتری نماید بواسطه وزن بیشتر یک تخم به ۲۵ یا ۳۰ تخم فروخته میشود مثلاً هنگام عقد قرارداد یادآور میشوند وضع فعلی یک تخم به ۲۰ تخم بایستی مثلاً پانزده روزه زمین آن چرانده شود ولی اگر یک ماه طول بکشد و یک آب به محصول داده شود وزن محصول زیادتر شده یک تخم به ۳۰ تخم بفروش میرسد . گاهی بجای سرچر کلمه ته‌چرشنیده میشود و آن هنگامی است که ته‌مانده صیفی، پنبه و امثال آن گوسفند زده شود .

در ده طالب‌آباد بهاء فروش رفته توسط علف‌چر چهار کوت میشود، سه قسمت آن سهم ارباب و یک قسمت سهم مجموع دهقانانی است که علف بنه آنها چرانیده شده است ، اگر خود دهقانان به‌علت احتیاج داشته باشد بهاء آن حساب میشود وچون وجه دستی در حسابشان منظور میگردد . برای بهتر مشخص شدن طرز تقسیم علف‌چر مثالی ذکر میگردد .

در فروردین ۱۳۴۲ ده طالب‌آباد دارای ۱۰ خروار علف‌چر (۲۰ هکتار) از و بنه بوده است که بطور متوسط از قرار خرواری یکهزار تومان بفروش رفته است، از این فروش ۷۰٪ برابر با ۷۰۰ تومان سهم ارباب و ۳۰٪ برابر با ۳۰۰ تومان سهم کلیه دهقانان گردیده وچون طالب‌آباد در آنسال دارای ۹ واحد کشاورزی جدا از هم بوده بهر واحدی ۲۷۷ر۲٪ برابر ۲۷۷ تومان و بهر دهقان عضو ۴۶ر۱٪ برابر با ۴۶ تومان سهم رسید .

البته پولی که بدین وسیله بدهقانان سهم میرسد جزء حساب آنها منظور میگردد تا پس از برداشت محصول بهاره و پایان سال زراعی بحساب بده و بستان آنها رسیدگی شود تا در صورت طلبکار شدن در وجه آنها پرداخت گردد .

***

پاداش کاری

در بعضی دهات پاداش کاری معمول است و آن بدین ترتیب است که قطعه زمینی را در ده با اجازه ارباب برای این کار اختصاص میدهند و کلیه کارهای این قطعه زمین با کار دسته جمعی دهقانان ده انجام میگیرد ومالکین هم معمولاً از این پاداش سهمی نمیگیرند .

پاداش کاری در ده ممکن است برای ملای ده ، کدخدا یا مباشر و یا بنام روضه‌خوانی و امثال آن کاشته شود ولی در پاره‌ای از دهات که مالک طماعی زندگی کند بنام فرزندانش پاداش کاری را متداول مینماید .

سابقاً در این نواحی پاداش کاری رسم بود و پاداش کاران هنگام برداشت محصول

طبق عرف محل سهم ارباب را داده وسهمی هم برای خود برمیداشتند ومخارجی که متحمل شده بودند نیز برداشت میشد ولی این پاداش کاری هنگامی صورت میگرفت که کدخدا یا مباشر مزد کافی در قبال کار خود دریافت ندارند و پاداش کاری برای جبران این منظور انجام میگرفت.

درحال حاضر درقلعه‌نو همسایه‌شمالی دهطالب‌آباد پاداش کاری هنورمتداول است زیرا قطعه زمینی را برای مباشر ده پاداش کاشته‌اند ولی در دهات اطراف همسایه کشت پاداش دیگر دیده نمیشود.

مبارزه باآفات نباتی

تاسال ۱۳۳۲ شمسی از مبارزه باآفات دردهطالب‌آباد خبری نبودوسن بیشتر محصول را خورده و ازبین میبرد تاجائی که درسال ۱۳۳۱ دراین ده ۸۰ تا ۹۰ خروار بذر یعنی ۱۶۰ تا ۱۸۰ هکتار زمین زیر کشت گندم وجوراسن زد ومحصول آنرا ازبین برد بطوریکه از ۱۸۰ هکتار زمین زیر کشت تنها شش خروار محصول بدست آمد، هنگام درو دهقانان زیربارمخارج درو نمیرفتند زیرا صرف نمیکرد که خرج درو گر داده آنرا درو کنند علاوه برسن زنگ‌زدگی، سیاهک، تگرگ، شورگرفتن نیز دشمنان دیگر گندم بشمار میرفتند، دهقانان برای مبارزه باسن راهی نمیدانستند جزاینکه سن‌ها را یکی‌یکی بگیرندویامحل راآتش بزنند وچون سن‌های دهات این نواحی ازکوه‌قره‌آغاج[1] برمیخاست افرادی‌باین کوه رفته وکوه را آتش میزدند، بمجرد روشن‌شدن آتش وگرم‌شدن گوشه‌ای ازکوه کمی‌ازسن‌ها سوخته بقیه حرارت را حس کرده میپریدند وازاین راه نتیجه‌ای حاصل نمیشد.

سمپاشی و مبارزه از راه سم، باکشت‌چغندر درده طالب‌آباد آغاز شد ولی از نظر تاریخ سمپاشی بایستی یادآورشد که درسال ۱۳۳۲ یکبار گندمهای ده‌طالب‌آباد را بادست سمپاشی کردند وسه‌سال بعدازآن دیگر سن نیامد که سمپاشی‌شود وازسال ۱۳۳۸ سمپاشی با هواپیما در این ده متداول گردید زیرا وزارت کشاورزی باهواپیماهای سمپاش که دراختیار دارد طبق تقاضای اربابان ومالکین هکتاری ۲۰۰ ریال گرفته سمپاشی میکند وهرهکتاری هم ۱۰۰ ریال مخارج متفرقه دارد وبرای هرهکتار یک کیلوسم مصرف مینمایند ودرهرپرواز زمینی بعرض ۱۵ قدم را در طول زمین سمپاشی میکند.

فصل سمپاشی در اردیبهشت ماه میباشد و بمحض دیدن سن بدان مبادرت میورزند وسن‌ها نابود میشوند.

***

۱ـ دامنه غربی کوه قره آغاج دره ۲ کیلومتری مشرق‌ده طالب‌آباد قرارگرفته‌است که رودخانه جاجرود این‌دامنه رابریده واردجلگهٔ گرمسارمیگردد.

کودشیمیائی بواسطه گرانی در ده طالب‌آباد دارای سابقه زیادی نیست

کودشیمیائی وازسال ۱۳۳۶ ببعد رایج‌شده است وتنها درسال ۱۳۳۹-٤۰ ده تن کود شیمیائی ازقرارهر تنی ۶۵۰ تایکهزار تومان برای‌ده خریداری گشت ولی بیشتر کود گوسفندی‌بمصرف‌میرسد ، دردوسال بعدبواسطه گرانی کودشیمیائی کمترازسال‌مذکور مورد استفاده‌قرار گرفت چه‌درسال ۱۳٤۱-٤۰ ۳۳٤ تنهاشش‌تن‌ودرسال ۱۳٤۲-٤۱ سه‌تن کودشیمیائی دراین ده‌مصرف‌شده‌است‌واگر مسئله گرانی‌آن‌دربین‌نبود بمراتب‌برحجم‌مصرف‌آن افزوده میگشت.

***

خرمن

در نواحی غار فصل‌درو ازخرداد ببعدآغاز میگردد، ابتداجو وسپس‌نوبت بدروی گندم میرسد وتااوایل تیر تمام محصول درو شده و خرمن میگردد، طریقه خرمن کردن بدین‌ترتیب است که‌آبیار پس‌ازگذشت‌چندروزی از دروی گندم یا جو محل مناسبی را درمیان قطعه زمینی که بکشت‌آن محصول اختصاص داشته‌انتخاب نموده وبانظارت‌اوگندم‌ها را دسته‌دسته باطناب بسته بادوش‌حمل‌نموده وبه‌محل‌انتخاب‌شده میبرند، اگر زمین‌محصول وسیع‌باشد درنقاط‌مختلف همان‌قطعه زمین‌دویاسه‌محل‌را برای خرمن انتخاب مینمایندودویاسه‌خرمن میسازندتاتسهیلاتی درجمع‌آوری‌محصول بوجودآید.

برای جمع‌آوری محصول تمام اعضای بنه شرکت‌میکنند ولی‌اگرکاراعضاءبنه‌مربوط



بدینسان گندمها درومیشوند.

زیاد باشد ویایکی ازدهقانان بعللی نتواند سر کارخودحاضرشود معمولاً مزدوری ازخوش نشینان بکمک میآورند که درصورت اول مزدش مشترکاًودرصورت دوم دهقانی که بعللی سر کارش حاضر نشده مزد نامبرده را میپردازد.

هنگام جمع آوری دسته پشته هردهقانی دارای یک کوله پشتی است ، این کوله پشتی توبره‌ای است که داخل آن کاه و کلش پرشده و باطناب به بازوان وسینه دهقان بسته میشود ، دهقان مذکور با کوله پشتی فوق که آنرا بکول داردبادر دست داشتن طنابی که به «طناب قییش gheiish » مشهوراست با دستگیره گندم ها را از زمین برداشته روی طناب میگذارد و کوله گندم یاجوی دروشده را بکمک آبیار بسته بدوش گرفته بطرف خرمن حمل میکند، کار آبیار دراینجا فقط بستن کوله است، خود آبیار کوله نمیکشد بلکه فقط در بستن و برای بدوش دادن کوله ها بدیگران کمک میکند.

***

درهرنقطه‌ای که دسته پشته برداشته‌شود بلافاصله خوشه چینان بقیه خوشه های ریخته شده روی زمین را جمع آوری میکنند، پس ازجمع آوری کلیه محصول یک قطعه زمین خرمن بزرگی دروسط آن تشکیل میگردد.

چندروزی که ازخرمن کردن گندم یاجو گذشت کوبیدن خرمن ها به نوبت آغاز میگردد. هنگامیکه تصمیم بکوبیدن خرمنی گرفته‌شد چادری درغرب خرمن بپامیکنندزیرا اگر درسمت دیگر خرمن چادربپا کنند کاههای خرمن پس از باد دادن بداخل چادر آنها میرود و برایشان ایجاد ناراحتی مینماید . معمولاً سرهرخرمن بیش از دو یا سه دهقان که شبانه روز از آن نگهبانی میکنند نمی‌مانند.

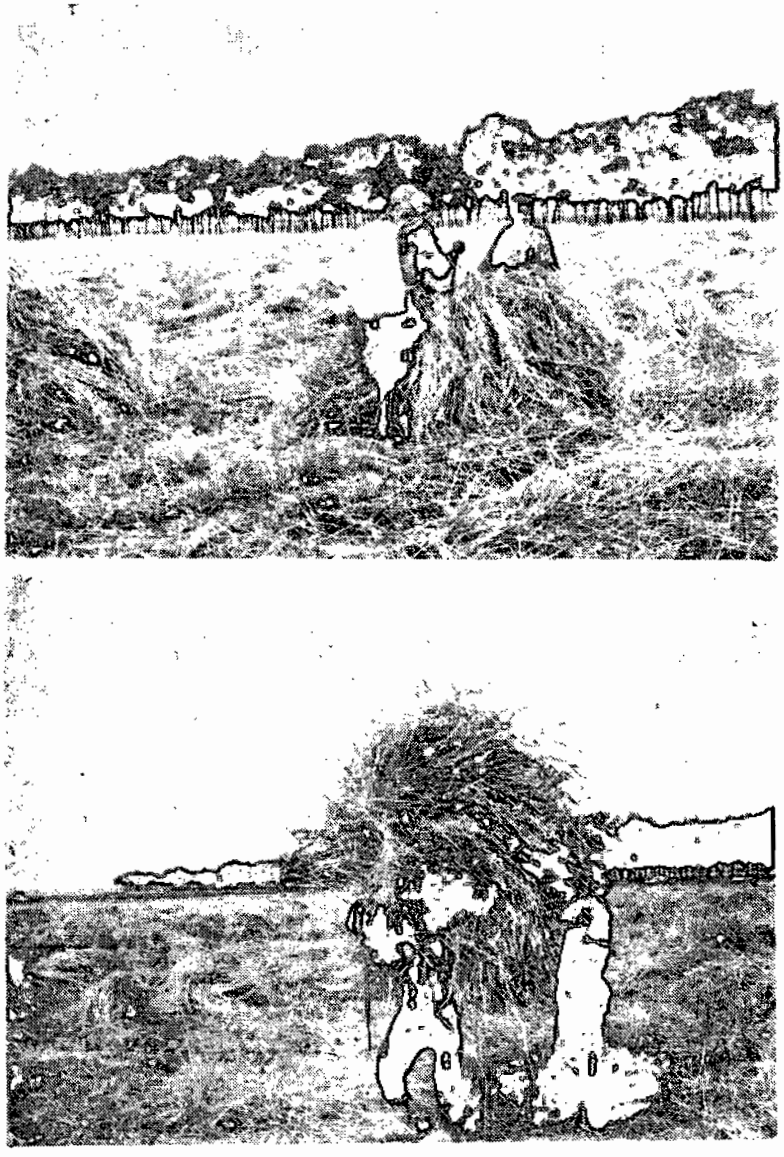
ابزارخرمن کوبی عبارتست از:

چهارشاخ[1] (نوعی جام که دارای چهاردنده آهنی است)وچرخ خرمن کوبی.

ابتدا باچهارشاخ ساقهای گندم خوشه‌دار را دردورا دورخرمن به پهنای حدود سه متر پهن نموده چرخ خرمن کوب را به گاوی بندند، یکی ازدهقانان روی چرخ نشسته و با چوبی بنام (**گورون** goroon) گاوران که در دست میگیرد گاوان را بدور خرمن بحرکت میآورد ودرحین حرکت دنده های چرخ خرمن کوب براثر فشاروتیزی لبه پره‌ها ساقهای گندم را خردمیکندو گاهی بخاطر واردآمدن فشار وسنگینی زیادتری جوالی پرازخاك کرده درمحل نشیمن چرخ قرارمیدهند.

۱- چهارشاخ بتازگی متداول شده بست ، قبلا بجای آن جوم کلشی بکاربرده میشد که‌دارای هفت‌دنده ضخیم‌از چوب گز است‌وهنوزهم‌بسیارمتداول است.

باتجربه‌ترین دهقانی که‌سرخرمن است مرتباً ساقه‌های کوبیده‌نشده گندم‌را **باچهارشاخ** **ویاجامی** که بدست دارد دراطراف‌خرمن پهن‌مینماید تاچرخ ازروی‌آن‌عبور نماید و پس **ازخردشدن** **وکوبیده‌شدن**آنرا بشکل حلقه‌ای دردورادورخرمن بالامیزنندو گاهی که بخواهندخرمن **رادوچرخه** بکوبنداین‌خورد های بالازده‌رامجدداً برای‌عبورچرخ پهن‌مینمایند ودوباره میکوبند. دهقان‌دیگری که سوارهرچرخ میگردد تا گاوان را بخوبی هدایت کند در تمام مدت کارش چرخ سوار شدن وخرمن کوبیدن است.

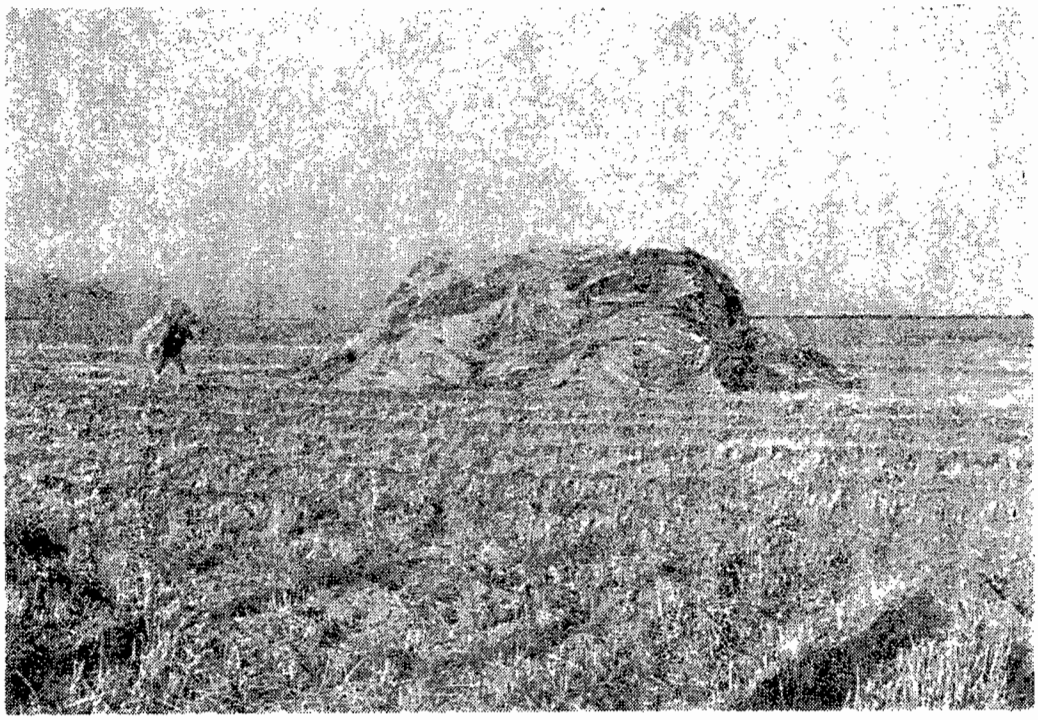


آبیار بابزرگرکمک کرده پشته را با طناب قیش می‌بندند و آبیار پشته را **بکول پشته‌کش** داده‌تابسمت خرمن ببرد. پشته‌کش توبره‌ای به پشت داردکه درآن‌کلش‌است و سرخود را **باپارچه‌ای** پوشانیده‌که خرده‌های کلش ازپشت‌گردن وارد بدنش نگردد.

استراحت دهقان خرمن کوب ازصبح تاظهر هنگامی‌است که گاوان‌را برای آب دادن از چرخ بازنماید ویا هنگامی که قصد غذاخوردن دارد، گاهی دهقانان دو بنه بهم کمک کرده دودستگاه چرخ بکار می‌اندازند تا کوبیدن خرمن زودتر پایان پذیرد . معمولاً دهقانان هنگام کار، در سر خرمن، قطعه چرم هلالی شکلی چون لبهٔ کلاه بنام «**آفتاب گردان**» روی پیشانی خود می‌بندند تا ازتابش مستقیم نورآفتاب درچشمشان جلوگیری‌شود .

***

درده طالب‌آباد دیگر با گاوخرمن نمی کوبند بلکه چندین‌سال‌است که‌با تراکتورخرمن



هر برزگر روزانه حدود ۵ خروارکلش را بادوش به‌محل خرمن‌حمل میکند واگر خرمنی بدینطریق شش کارگر برده باشد فوراً حدس زده میشود که وزن کلی خرمن حدود ۳۰ خروارخواهد بود .

میکوبند، در بسیاری دهات اکنون کوبیدن خرمن توسط تراکتور انجام میگیرد ولی بازکوبیدن خرمن با گاو در بسیاری از دهات دیده میشود ، پس‌از کوبیده شدن خرمن دهقانان روزهای متوالی درچادر خود منتظر میمانند تا باد بوزد و بتوانند خرمن‌را پاتی کنند یعنی خرده‌های کاه توأم با گندم را با جام‌پاتی بهواریخته باد کاه را درجهت وزش خود قدری جلو برده دانه‌های گندم بواسطهٔ سنگینی درجای‌خود بزمین بریزند این کار بستگی کامل بوجود باد دارد و بنابر

چگونگی وزش باد ممکن است سر یک خرمن بین چهار تا سی روز کارشان بطول بیانجامد.

پس از پایان پاتی گندم های کوبیده شده را کَم مینمایند و خوشه های کوبیده نشده (کُزل) را ازآن جدا مینمایند و کلیهٔ گندم هارا بصورت شمش درمیآورند وبا سُهری که ازچوب بشکل آجر ساخته شده و روی آن نوشته شده است «یاعلی مدد» خرمن توسط دشتبان سهر میگردد، بعداً کزل گندم هارا که کوبیده نشده است جمع نموده وچند گاورا بهم بسته روی کزل ها حرکت میدهند (هوله) تابراثر لگد کردن متوالی گاو ها کزل کوبیده گردد ولی درنقاطی که باتراکتور خرمن میکوبند این کار را باتراکتورانجام میدهند، سپس منتظرمیمانند تادرحضورمباشر خرمن را کشیده (وزن کرده)



کوبیدن خرمن توسط گاو

یکی از دهقانان سوار برچرخ باچوبدستی خود «گاوران» گاوهارا بدور خرمن هدایت میکند ودهقان دیگر مرتباً گندم های کوبیده نشده را برای عبور تازه چرخ پهن مینماید.

«عکس ازده آب اندرمان واقع درغارغربی»

به انبار اربابی ببرند تاترتیب تقسیم آن بعداً داده شود ویا درهمان سر خرمن آنرا سهم نمایند.

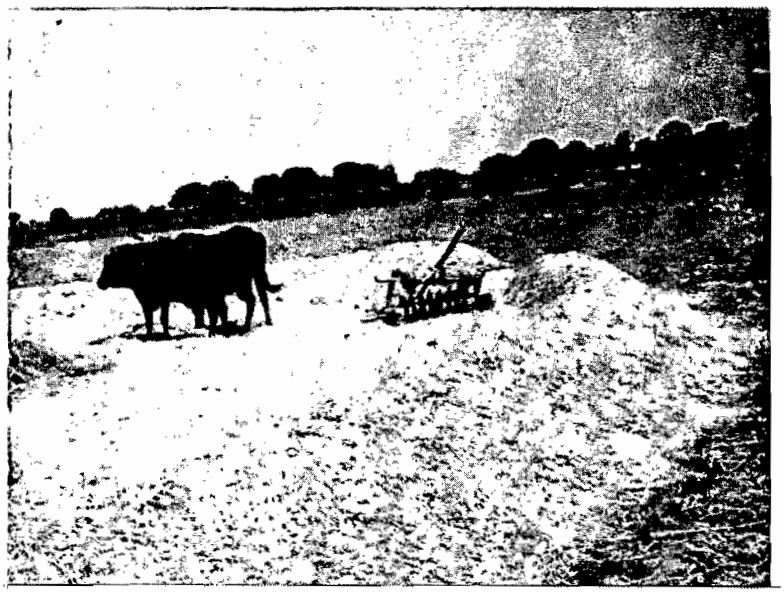
***

اکنون چند سالی‌است که‌دیگر دره‌طالب‌آباد گاو نرنگهداری‌نمیشود و کلیهٔ کارهای گاو باتراکتور انجام میگیرد. تاکنون دربسیاری ازدهات غار تراکتور راه یافته‌است ولی‌هنوز



پس‌ازکوبیده شدن گندم‌های پهن‌شده، خوردها را دایره‌وار دورادور خرمن بالا زده و بجایش مجدداً گندم نکوبیده پهن میکنند.

«عکس از ده آب اندرسان واقع درغارغربی»



تنها استراحت دهقانان هنگامی‌است که گاوان‌را برای آب دادن ازچرخ بازنمایند. ویا بهنگام ظهر که‌قصد غذاخوردن‌داشته باشند. درعکس فوق گاوان‌رابرای آب‌دادن‌ازچرخ باز نموده‌اند.

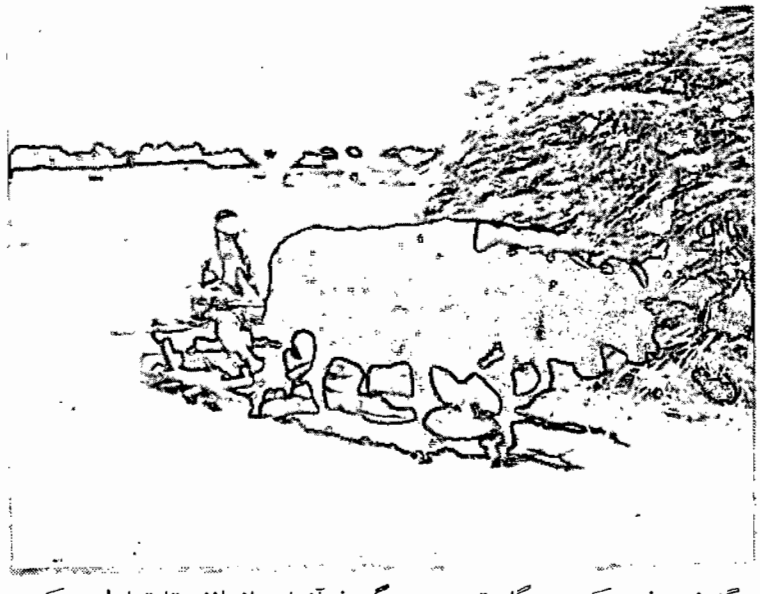
«عکس از ده آب‌اندرسان واقع درغارغربی)

خرمن کوبی با گاوهم دربسیاری ازدهات غار غربی مشاهده میشود.

علت سریع راه یافتن تراکتور را بده بیشتر درصرفه‌جوئی آن بایستی دانست زیرا طبق حساب خبرگان دهقان، یک‌خرمن هفتادخرواری را دوجفت گاو نر باسه‌نفر رعیت درصورت‌تمام

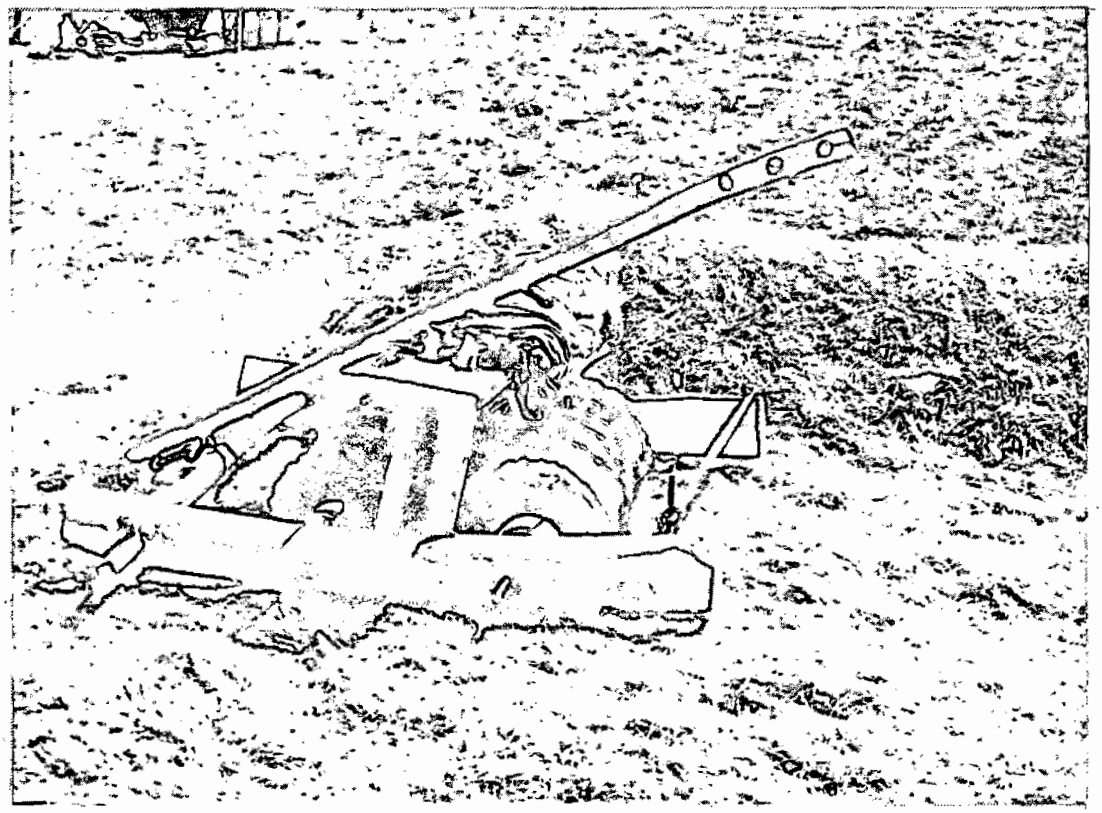


گاوان پس‌از بازگردانیدن ازآب خوردن مجدداً به‌چرخ بسته میشوند.



برای هم‌آهنگ نمودن حرکت دوگاو تیری روی گردن آنها میاندازند تا تعادل حرکت هردو گاو تنظیم و بیکسو حرکت کنند. این تیرچوبی «جوت» نام دارد. در روی جوت چهارسوراخ دارد که چهارچوب سیمی از آنها بنام «سیم چوب» عبور نموده و درطرفین گردن گاو قرار میگیرد، تیر چوبی جوت به‌تیرچوبی گاوکش متصل شده وچرخ را بحرکت میآورد.

روز کار کردن بمدت ده‌روز میکوبند زیرا هنگام خرمن کوبی ازیک‌جفت گاو نیمه‌روز استفاده کرده ونیمه‌روز بعد، ازیک جفت دیگر . اگرمزد متوسط رعیت‌هارا ۹۰ ریال بحساب آوریم (درآمد متوسط عمومی دهقانان طبق برآورد درهمین کتاب) . مزد سه نفر رعیت در مدت ده روز ازقرار روزی ۹۰ ریال ۲۷۰ ریال میگردد واگرمخارج چهار رأس گاورا درمدت ده روز ازقرار روزی ۲۰ ریال محسوب داریم‌معادل ۸۰ ریال میگردد بااین‌ترتیب کلیهٔ مخارج دراین باره ۳۵۰ ریال



چرخ خرمن کوب

این چرخ توسط چوب بلندی که‌بنام گاوکش‌مشهوراست به‌جوت گردن گاو بسته‌شده و باحرکت گاو و فشاری که سرنشین بچرخ وارد میسازد، لبهٔ تیز پره‌های آهنی چرخ ساقهای گندم‌را خورد کرده دانه‌هارا ازساقه جدامیسازد .

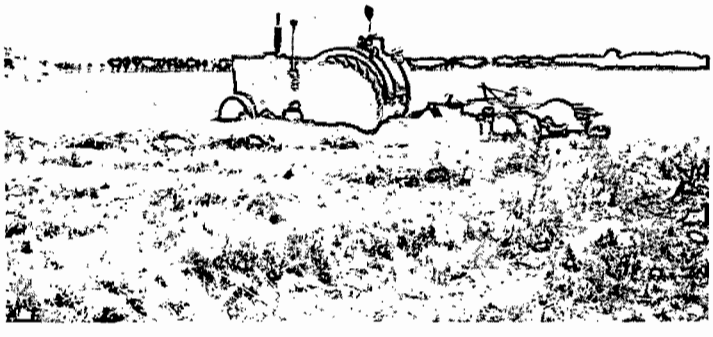
تخمین زده میشود . ولی‌چنین خرمنی‌را بامشخصات فوق یک تراکتور در ۲ ساعت میکوبد واگر کرایه تراکتوررا ساعتی ۱۵۰ ریال بحساب آوریم (مبلغی که برای کرایهٔ تراکتور درخرمن کوبی دراین‌نواحی‌مرسوم است) برابر ۱۸۰۰ ریال درروز میگردد و اگرمخارج سه نفر دهقان سرخرمن را بمبلغ ۲۷۰ ریال مانند فوق ازقرار هرنفر در یک روز ۹۰ ریال بر مخارج تراکتور بیفزائیم

در اینصورت کلیهٔ مخارج ۲۰۷۰ ریال میگردد که ۱۴۳۰ ریال تنها در کوبیدن یک خرمن صرفه‌جوئی شده‌است. علاوه برصرفه‌جوئی فوق مسائل دیگری که دراین‌مورد بدان توجه دارند عبارتنداز:

۱- سرعت عمل در کار.

۲- احتیاج نداشتن به گاو نر و گاوچران ومخارج سالیانه گاوها.

۳- کم‌خرج‌تر بودن مخارج درو گری، چه هنگام کشت بذر با گاو، نیمی‌از بذربواسطه شخم‌زدن درقعر زمین باقی‌مانده سبزنمیشود که علاوه برضرر بذری هنگام درو مزد درو گررا از



دیسک را به‌پشت تراکتور می‌بندند ویکروزه بزرگترین خرمن هارا میکوبند.



کوبیدن خرمن باتراکتور

قبلاً باورودتراکتور بده مخالفت میشد زیرا عقیده داشتند سم گاو برای خرمن برکت دارد ولی وقتی بسود آن پی‌بردند بسرعت تراکتور جانشین گاو گردید.

خرمنی که‌درعکس دیده میشود یکروزه توسط تراکتور کوبیده شده زیرادهقانان باقدرت هرچه بیشتر ساقه‌های گندم‌را پهن کرده وتراکتور بدون‌مهلت دادن آنها را خرد مینماید.

روی مقدار بذر کاشته شده میدهند ولی در کشت با تراکتور تمام بذر سبز میشود چه تراکتور زمین را شخم زده صاف نموده سپس بذر کاشته میشود که علاوه بر کشت بذر کمتر، به دروگر هم مزد کمتری داده میشود (دروگران از روی مقدار بذر کاشته شده خرواری مزد گرفته محصول را درو میکنند).

***

مخارج سر خرمن

ازهنگامی که خرمن کوبی آغاز میگردد دویاسه نفر ازدهقانان هرینه که مسئولیت حفظ وحراست خرمن بدانها واگذارشده درتمام مدت شبانه روز خرمن را ترك نمیکنند ودرصورت ترك نمودن پس از چندساعت موقتی مجدداً مراجعت مینمایند. این عده ازدهقانان بخصوص شب ها خرمن را تنها نمیگذارند ودو یاسه نفرحتماً سرخرمن میخوابند. این عده تا هنگامیکه سرخرمن هستند مخارجی را ازنظرغذائی متحمل نمیشوند ولی چون محصول خرمن بین ارباب ورعیت سه کوت (سه تقسیم) میشود خرج سرخرمن نیزسه تقسیم شده دوتقسیم آن بعهده مالك یااجاره دار ویك سهم آن بعهده دهقانان بنه است که کلیهٔ این مخارج



یك دهقان طالب آبادی هنگام پاتی در سرخرمن
چادر دهقانان درغرب خرمن بایستی برپا شود تا بادکاه‌ها را بسمت چادر نبرد.

در اصطلاح محلی به «سورسات» شهرت دارد. البته نحوه تقسیم سورسات در دهات مختلف یکسان

نیست ونحوه فوق درده طالب آباد اجرامیشود ولی دربعضی دهات سه‌سهم مخارج را ارباب میپردازد ویک‌سهم آنرا رعیت. البته هنگامیکه صحبت ازاین بمیان میآید که $\frac{2}{3}$ خرج سرخرمن را ارباب میدهد نبایستی این تصور پیش آید که پس دهقانان هرغذائی که خواسته باشند میتوانند سرخرمن بخورند، البته اینطورنیست بلکه خرج سرخرمن برای هریکنفر دهقانی که سر خرمن کار کند وشبهاسرخرمن بخوابد طبق یک عرف محلی عبارتست از:

۱- ۱۲ مثقال قند ($\frac{12}{16} \times ۷۵$ گرم).

۲- ۱٫۵ مثقال چای ($\frac{1/5}{16} \times ۷۵$ گرم).

۳- یک سیر نخود ولوبیا ۷۵ گرم.

٤- ۲٫۵ سیر گوشت ۱۸۷٫۵ گرم.

۵- نیم قوطی کبریت.

٦- ۵ عدد سیگار اشنو.

۷- چهار مثقال توتون ($\frac{4}{16} \times ۷۵$ گرم).

البته تا هنگامی که گندمهای خرمن کشیده نشده باشد این خرج برای پاسداران خرمن برقرار است وبمجردی که خرمن برچیده شد باتذکر مباشر این خرج قطع میگردد.

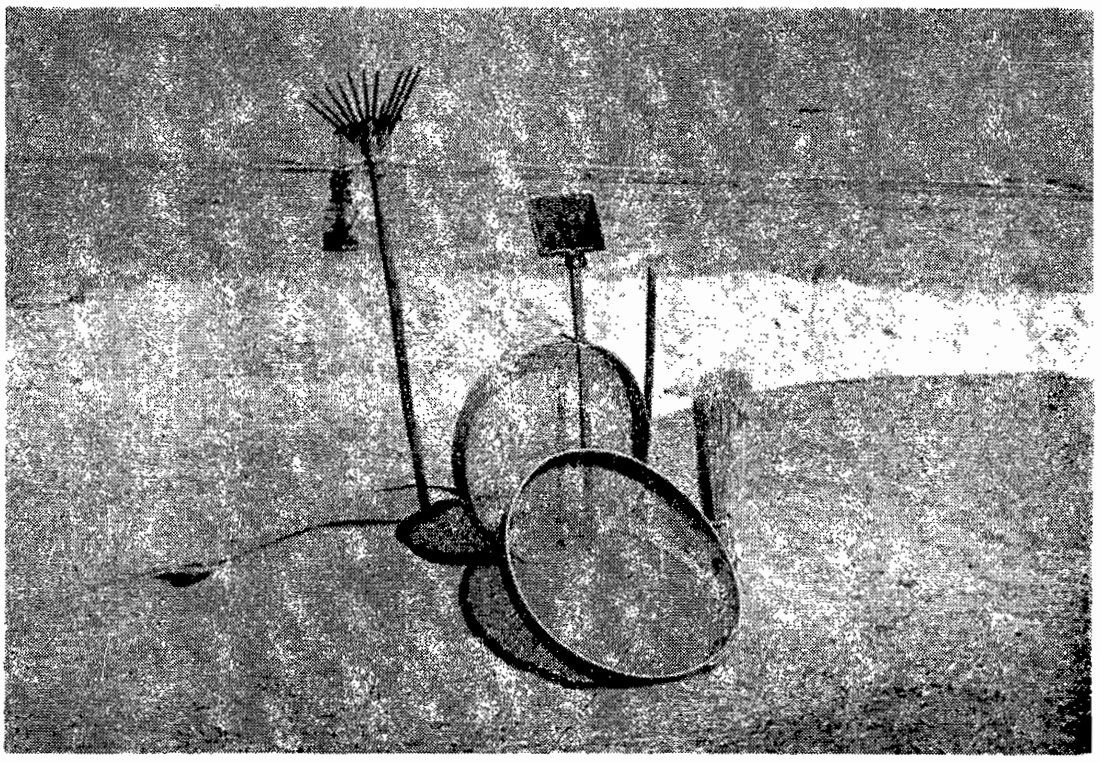
***

پس ازاینکه خرمن آماده شد وگندم احتیاج مجددی به‌پاک کردن نداشت مباشر قپان یا



پاک کردن و شمش کردن گندم بدین طریق صورت میگیرد. دانه های گندم ازسوراخهای غربال باتکان دادن پائین ریخته و دانه هائی که هنوز از خوشه بیرون نیامده درغربال باقی‌مانده وبنام کزل درگوشه‌ای ریخته‌میشود تا هوله گردد.

باسکول را بسرخرمن آورده درحضور دهقانان گندم‌ها را کشیده سهم هر دهقان مشخص میشود که بنا به‌تصمیم ارباب یا همان سرخرمن‌سهم دهقانان داده میشود ویا موقتاً محصول‌را به‌انبار اربابی برده تا بعداً به‌حساب مساعده دهقانان رسیدگی کرده و سهمیه‌شان داده شود. البته کاه خرمن‌را وزن‌نمیکنند و بنابر تجربه‌ای که سالیان‌متمادی‌بدست آورده‌اند وزن کاه گندم یک‌برابرو نیم (در اصطلاح محلی یک سر و نیم) وزن گندم شمش و وزن کاه جو برابر با وزن جو شمش میباشد که بادرنظرگرفتن مقدار سهمیه جو یا گندم هردهقان سهم کاه نیز مشخص‌میشود. البته



ابزار شمش نمودن‌خرمن

از چپ براست:

جام پاتی: وسیله‌ای که خرمن کوبیده شده را با آن باد میدهند تا دانه های گندم از کاه جدا گردد.

کم‌وغربال: مخصوص پاك نمودن محصول خرمن.

پارو: مخصوص جمع کردن و روی‌هم انباشتن محصول‌خرمن.

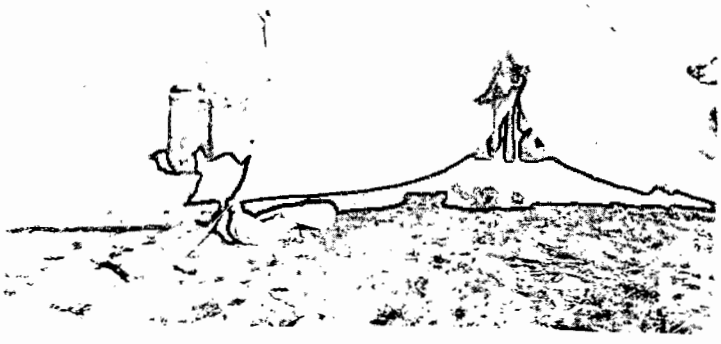
چوبدستی: اسلحهٔ حفاظت از خرمن.

جارو: مخصوص جارو نمودن کاههای خرمن درصورت پراکنده شدن.

ابزارهای‌فوق در روی خرمن‌شمش گندم قرار داده شده‌است، درقسمت راست و عقب عکس کاههای خرمن مشاهده میشود.

پس‌ازاینکه کلیه کاه و گندم وجو خرمن جمع‌آوری گردید افرادی از خوش‌نشینان ده که کارشان «ته خرمن روبی» است ته خرمن را جاروب نموده و پاك کرده بنفع خود بمصرف رسانیده و یا بفروش میرسانند.

***



چادری که دهقانان در غرب خرمن بپا میکنند و در زیر آن باستراحت میپردازند.



دهقانان هنگام استراحت درزیر چادرشان که در کنار خرمن زده شده جمع میشوند. عادت آنها براین است که هنگام ظهر در آفتاب‌سوزان تابستان برای رفع خستگی چای گرم مینوشند. درزیر چادر، درسمت چپ سماور دهقانان مشاهده میشود.

درصفحات قبل مطالبی راجع بخرمن و وضع و حفظ وحراست آن بیان گردید ولی باز لازم بیادآوری‌است که دهقانان برای خرمن در پاره‌ای مواردا صطلاحاتی‌بکار میبرند که‌باید تذکر داده شود واین اصطلاحات محلی عبارتنداز :

آخورِه حلقهٔ دورادور خرمن بسمت‌داخل .فاصلهٔ بین گندمهای کوبیده‌شده‌و کوبیده نشده خرمن .

پشته‌کشیدن دسته های گندم را باپشت حمل کردن .

پَر حلقه دورادور خرمن بسمت بیرون که کوبیده شده‌است .

جمع کشی خارج خرمن هنگام جمع کردن ودسته پشته برداشتن‌وپاسداری ازخرمن .

خورده خرمن کوبیده شده‌ای که با کاه و دانه توأم است .

خورده‌کنارکردن گندم های کوبیده شده را کنارزدن و بجایش گندم نکوبیده پهن کردن و خورده‌ها را درلبهٔ خرمن جمع کردن .

خورده گردان خورده گردان یعنی‌خرمن‌دوچرخه، خرمنی که‌برای‌بهتر کوبیده شدن آنرا دوبار بکوبند .

دسته‌پُشته دسته های گندم درو شده روی‌زمین .پشته یعنی‌دسته های گندم که باطناب برای حمل ببندند . دسته‌پشته برداشتن‌یعنی دسته های گندم‌را پشته‌پشته بستن و درنقطه‌ای خرمن کردن .

دوهوُل گندم یاجوی سرپا، گندم وجوی مستقیم و خم‌نشده .

سرچِر چرانیدن گندم یاجوی هراکش درفصل‌بهار .

کاه ساقه های کوبیده ونرم‌شده بدون دانه گندم، جو، ماش وامثال آن .

کُزَل گندم یاجو که درته خرمن باقیمانده وکاملاً کوبیده نشده باشد .

کُلَش ساقه های گندم یاجوی نکوبیده .

گندمِ شمش گندم پاك شده‌ای که خورده و گندمهای نکوبیده آن جدا گردیده‌است .

هراکش زود کاشته شده .

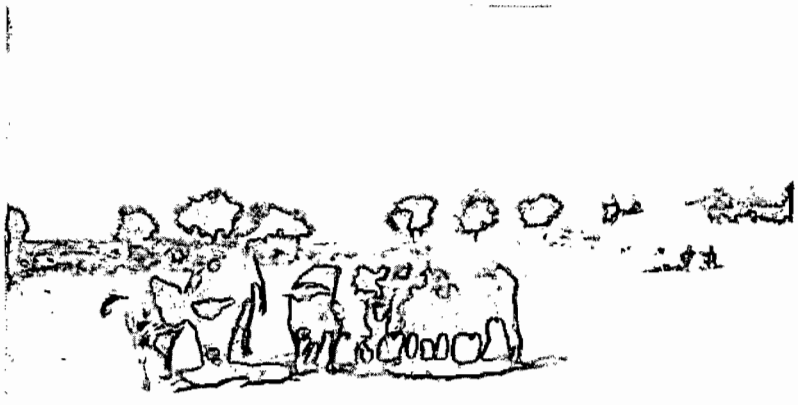
وَرکش دیرکاشته شده .

هوُله‌کردن گندم یاجوی کزل‌را پهن کردن و گاو یاتراکتور را برای کوبیدن مجدد روی آن گردانیدن .

گندم ببر گندمی که آماده بردن به‌انبار باشد.

* * *

دومنظره از هوله کردن





برای هوله کردن چند گاو را بهم بسته و روی کزلی که درکنار خرمن پهن‌شده حرکت میدهند تا با لگد کردن متوالی گاوها کزل کوبیده شود.

«عکس از ده فیروزآباد واقع درشمال طالب‌آباد»



هنگامی که گندم‌های خرمن شده شمش گردید و آماده بردن شد آنرا «گندم ببر» نامیده در درگونی‌یا جوال ریخته پس‌از توزین کردن به‌انبار برده میشود.

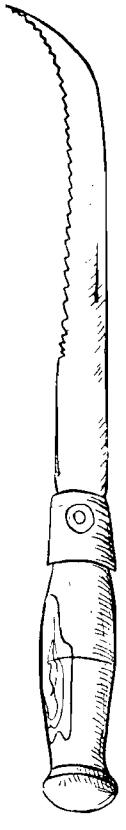


پس‌از برداشتن دسته پشته و کوبیدن خرمن محل آنرا برای چرای گوسفندان اختصاص‌میدهند، این‌محل را ذراصطلاح «جاکلشی» مینامند.

***

ابزارهای کشاورزی

ابزار و وسائل کشاورزی که درده طالب‌آباد بکار برده میشود عبارتند از:



اره‌کارد :

اره‌کارد مخصوص چیدن سبزی است ، دارای دستهٔ چوبی خرّاطی شده و تیغهٔ آهنی‌نوك تیز که در یک طرف دارای دنده‌های اره‌ای‌شکل است.

طول‌دسته حدود ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر وطول‌تیغه ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر میباشد.

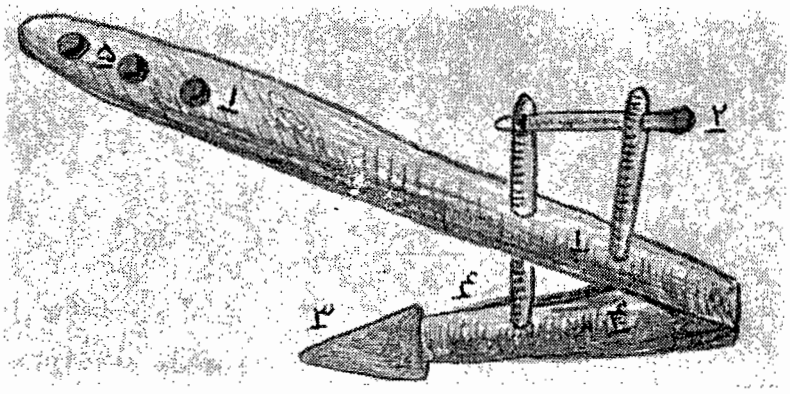
***

اسباب یراق (خیش) :

اسباب یراق اسبابی‌است که برای شخم‌زدن بکار برده میشود، دارای تیر بلندی‌است که یکسرش به‌جوت گردن گاو و سر دیگرش به‌ته‌یراق (کنده یا گونه یراق) متصل میگردد، خود جوت‌تیری است که روی گردن گاومیاندازند تا هردوگاوبوسیلهٔ آن تعادلشان برقرارگردیده بیک سو حرکت کنند . در روی جوت چهار سوراخ بنام «سوراخ سیم چوب» دیده میشود که چهارچوب ازآنها عبورکرده وهردوسیم چوبی درطرفین گردن یک گاو قرارمیگیرد که ممکن‌است سیم‌چوب آهنی ویاچوبی نیزباشد.

دیرك یراق توسط چوبی بنام شمشیرك یا بازو به‌ته یراق وصل میشود، ته یراق که کنده وگونه یراق نیز نامیده میشود (٤) دارای چوب پهن و قطوری است که انتهایش پهن

و سرآن باریک‌است و گاوآهن بدان وصل‌میگردد، سردیگر دیرك یراق دارای سوراخهائی است که هرکدام نسبت به‌عمق شیارشخم موردنظر توسط «برگ» دروصل به‌جوت تغییرمیکند.



تصویری ازیکدستگاه اسباب یراق (خیش).

۱- دیرك یراق ۲- مُشته ۳- گاوآهن ٤- کندهٔ یراق ٥- سوراخ هولوکه

درنوك تیز چوبه پائین‌دستگاه آهنی «گاوآهن» وصل‌شده (۳) و باحرکت گاوها زمین را شیارمیزند، انتهای تیربلندی که درعکس‌مشاهده میشود (۱) به‌جوتی که روی گردن گاوقرار دارد بسته میشود تانیروی گاوهارا بدینوسیله به گاوآهن منتقل کند. بادردست گرفتن‌مشته (۲) مسیرخط موردنظر شخم‌زن مشخص میگردد.

(طرزکار بااین‌دستگاه را درصفحهٔ ۲۵۸ ملاحظه فرمائید).

***

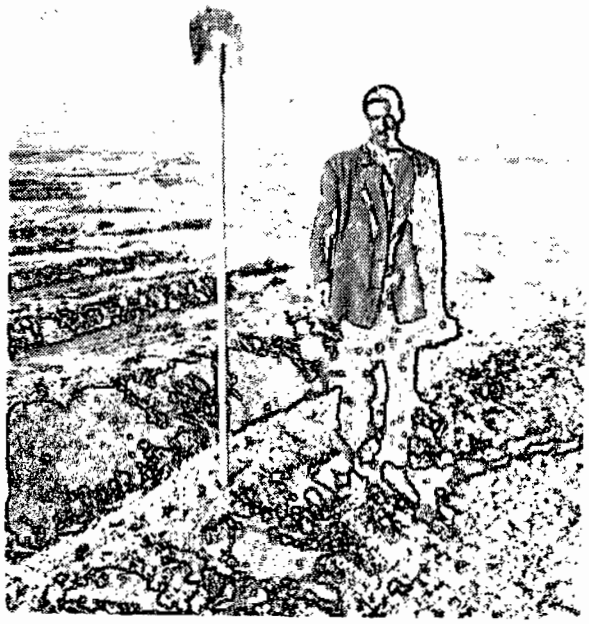
بیل:

بیل وسیله‌ای‌است که موارد استفاده‌های گوناگون‌دارد، ازجمله‌جمع‌آوری کود، آبیاری وبیل‌زنی. دارای دسته‌ای‌است چوبی و صاف حدود دومتر که توسط جرّه به کپه‌ای که از آهن ساخته شده متصل‌است.

بیل‌های روستائی‌دارای «اسبرك» نیزمیباشند واسبرك قطعه چوبی است که تراشیده در محل اتصال دسته وجره محکم‌میکنند واستفادهٔ آن ازاین‌جهت است که هنگام بیل‌زدن وپابیل کردن پا را روی آن گذارده بدون اینکه به‌پا آزاری برسد برای فروبردن بیل درزمین بدان‌فشار آورده میشود.

بیل‌آبیاری‌دردهات بابیلی که باآن‌زمین‌را بیل‌میزنند مختصرتفاوتی‌دارد زیرابیل‌آبیاری دارای کپه‌پهن‌ترازبیل بیل‌زنی دارای کپه باریک‌تری‌است. (عکس درصفحهٔ ۲۶۷ و ۲۷۶ همین

کتاب) ولی درسال ۱۳٤٤ بیل آبیاری با کپهٔ چهارگوش و اسبرك را کنارگذارده و بجای آن بیل پهن متداول گردید.



آبیار و بیل پهن مخصوص آبیاری که درسال ۱۳٤٤ بجای بیل چهار گوش قبلی مورد استفاده قرار گرفته است.

انواع بیل هائی که دراین منطقه بکار برده میشود عبارتنداز:

بیل آبیاری مخصوص آبیاری دهقانان، (عکس وطرز کار درصفحهٔ ۲۷٦).

بیل اسبرکی مخصوص بیل زدن زمین های معمولی، (عکس و طرز کار درصفحهٔ ۲٦۷).

بیل سمنانی مخصوص بیل زدن زمین های خشك وسخت.

بیل کاشی مخصوص بیل زدن سریع زمین های نم دار.

بیل پهن مخصوص کود بارکردن و پخش کردن آن درزمین و اخیراً بیل آبیاری شدن، که بیل آبیاری و بیل پهن مخصوص دهقانان وبقیه مخصوص بیل زدن زمینهای سبزیکاری است.

***



پارو :

پارو مخصوص جمع‌آوری وپارو کردن گندم و جو در سر خرمن است ، دارای دسته‌ای است چوبی حدود دو متر و کپه‌ای مربع شکل که وسط آنرا تراشیده و کناره های آن لبه دار شده است.

(به‌صفحه ۲۹۷ نیز رجوع شود).

***

جارو خرمنی :

جاروخرمنی وسیله‌ای‌است که‌ازتر که های درخت‌بادام کوهی‌ساخته شده‌است، طول آن بیش‌از نیم‌متر که مخصوص جاروکردن‌ته‌مانده غلات سرخرمن تهیه میگردد.

(عکس درصفحهٔ ۲۹۷).

***

توبره :

توبره نوعی کیسه است بابند بلند ازجنس گلیم وپنبه‌ای که حدودنیم‌متر عرض وکمی بیش‌ازآن طول دارد، توبره بمانندکیف دستی دهقانان‌است که وسائل سبک وکوچک کارخود را درآن قرار میدهند، دهقانان مسن حتماً بهمراه خود توبره دارند و بهنگام حرکت آنرا بیشتر به‌پشت خود می‌بندند.

***

توبره پشتی :

توبره پشتی، وسیله‌ای‌است که آنرا پرازکاه نموده وهنگام‌جمع‌آوری دسته‌پشته، دهقانان

چون کوله‌بار حمالان آنرا به‌پشت گرفته پشته را روی آن قرار داده و حمل میکنند.



یک دهقان طالب‌آبادی درلباس پشته کشی
توبره پشته کشی ازکلش پرشده وبشکل کوله‌پشته حمالان مورداستفاده باربری قرارمیگیرد.

(به‌صفحه های ۱۱۸ ، ۱۲۰ و ۲۸۸ رجوع شود).

***

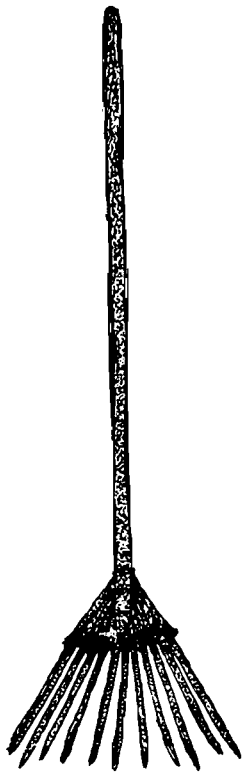
جام پاتی :

جام پاتی وسیله‌ای‌است که باآن خرمن کوبیده شده را باد میدهند تادانه های گندم ازکاه جدا گردد، جام پاتی دارای دسته‌ای‌است حدود دومتر با ۱۲-۱۰ دنده نوك تیز که درکاسه جام به‌دسته متصل میشوند.

نوع دیگری ازجام وجود دارد که بنام «**جام کلشی**» مشهور است ، این جام وسیله‌ای است برای جمع‌آوری ویا پهن کردن کلش وبالازدن خورده‌های گندم، ساختمان آن همانند جام پاتی است بااین تفاوت که این جام بیش از ۷-۶ دنده ندارد و دنده‌های آنهم بمراتب ضخیم‌تر از جام پاتی ساخته میشود .

چهارشاخ نوع دیگری ازآن است منتهی چهارشاخ دارای چهاردنده آهنی است و برای پهن کردن کلش جهت کوبیده شدن مورداستفاده است .

جام پاتی تشکیل شده است از:



دسته جام : چوب بلند وصافی حدود دومتر.

کاسه جام : تشکیل شده از ۱۲-۱۰ دنده که بوسیله سیریم بدسته وصل میگردند .

دنده : چوبی محکم ونوک تیز وخمیده بقطر ۱ سانتیمتر و طول حدود ۴۰ سانتیمتر.

سیریم : بندهائی که از چرم گاوتهیه میشود ومانند نخی بدورقطعات مختلف جام می‌بندند .

میلک : چوب باریکی است که ازسوراخ انتهای دنده ها عبورداده شده آنهارا بهم متصل میکند .

کلاهک : تخته‌ای است به پهنای حدود ۳ سانتیمتر سوراخ سوراخ درسردنده‌ها .

***

جوال :

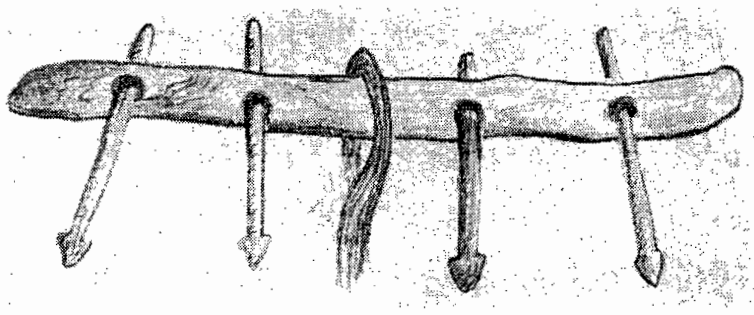
جوال وسیله‌ای است جهت حمل محصولات ، بافته شده از پشم، گاهی ممکن است پنبه‌ای هم بافته شود .

***

جوُت :

جوت تیری است که درروی گردن گاو قرار میدهند تا هردوگاو جهت شخم زنی وخرمن کوبی تعادلشان برقرار گردیده هم‌آهنگ بیکسو حرکت کنند .

هرتیر جوت‌دارای‌چهارعدد سوراخ است که چوبهائی‌ازآن عبورکرده‌درطرفین گردن گاو قرار میگیرند، جوت توسط چرم تابیده‌ای بنام «برگ» به دیرك یراق یا گاوکش متصل شده و



تصویری ازیک جوت.

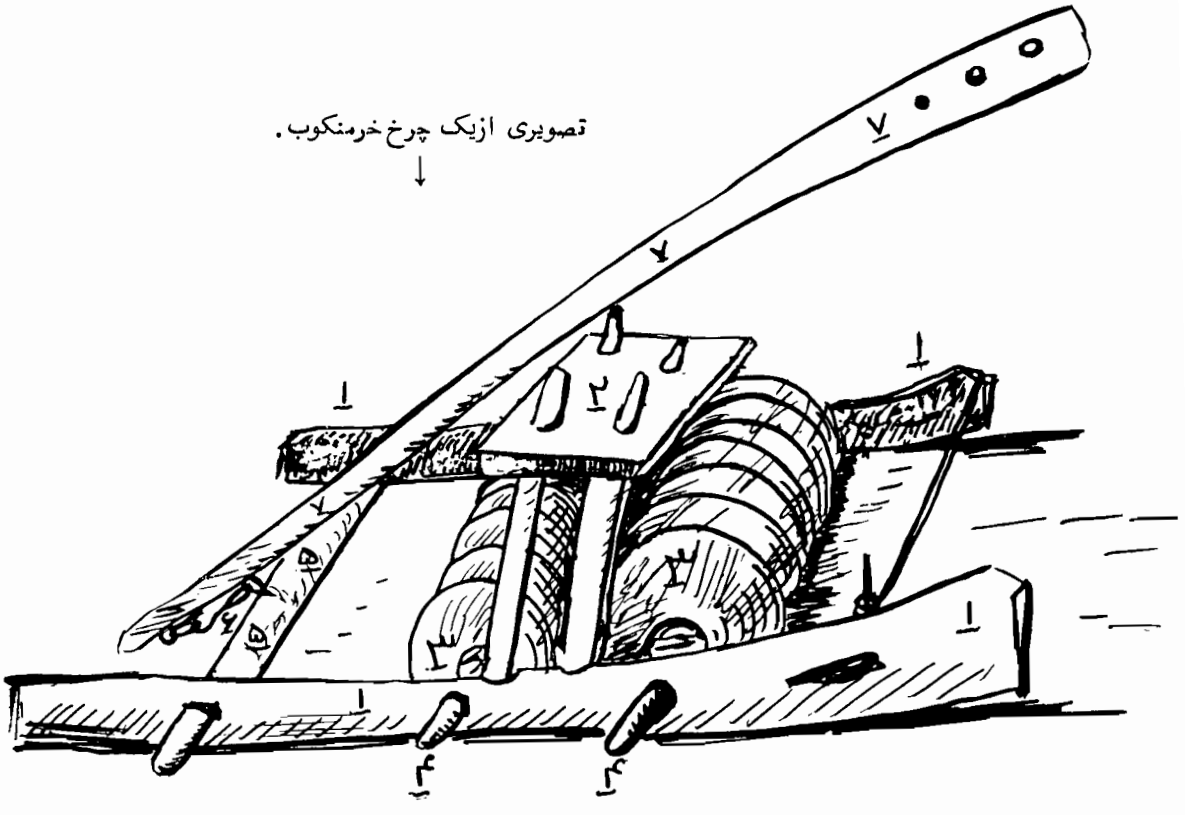
نیروی گاو بدان‌وسیله دستگاه را بحرکت آورده تاخرمن کوبی یاشخم‌زنی انجام گیرد.

***

چرخ خرمن کوب :

چرخ خرمن کوب دستگاهی‌است که برای کوبیدن گندم بکارمیرود وازقطعاتی تشکیل شده‌است که باشماره درتصویر مشخص ودرزیر تعریف شده‌است:

تصویری ازیک چرخ خرمنکوب.



۱ـ روانه : دوچوب بزرگی‌است بموازات‌هم باکمی‌انحنا، هرروانه دارای سه سوراخ میباشدکه دردوسوراخ عقب دواستوانه آهنی‌قرار داردکه سرمیل‌چرخ ها آزادانه درآن‌میگردد ودراصطلاح محلی «عقربه آهنی» نامیده میشودکه دارای جلدآهنی‌نیزمیباشد. ودرسوراخ جلوئی چوبی قراردارد که «پیش‌آسانه» نامیده میشود.

۲ـ سرنشین : برروی روانه دوچوب بموازات‌هم بطورعمودی قراردارد (بارکوب) که بالای آن‌دورا بوسیلهٔ تختهٔ ضخیمی بیکدیگر متصل مینمایندکه سرنشین نامیده میشود و هنگام خرمن‌کوبی‌محل‌نشیمن برزگر یاشخص خرمن‌کوب درروی آن است.

۳ـ گرده : گرده‌یک‌جفت‌چوب گرداست میله‌ای‌شکل‌حدودیک‌متر که‌میلهٔ‌عقب‌دارای هشت‌پره‌آهنی ومیله‌جلوئی‌دارای هفت پره‌آهنی دایره‌شکل‌است‌منتهی‌فاصلهٔ‌پره‌ها درعقبی تنگ‌تر ودرجلوئی بازتر است.

٤ـ میل : میل، میله‌ای هست آهنی‌که ازطرفی به‌گرده وازطرف دیگردراستوانهٔ‌آهنی (عقربهٔ آهنی) حرکت میکند.

٥ـ پیش‌آسانه : (دراصطلاح‌محل «پیش‌آسونه») چوبی‌است حدود ۱۳ سانتیمترکه نگهدارنده دو روانه است تا ازهم جدا نشده وگرده‌ها بطوریکنواخت گردش‌نمایند.

٦ـ حلقهٔ‌زره : دروسط پیش آسانه حلقه‌ای قلاب مانند قراردارد که دستگاه را به گاوکش‌متصل مینماید.

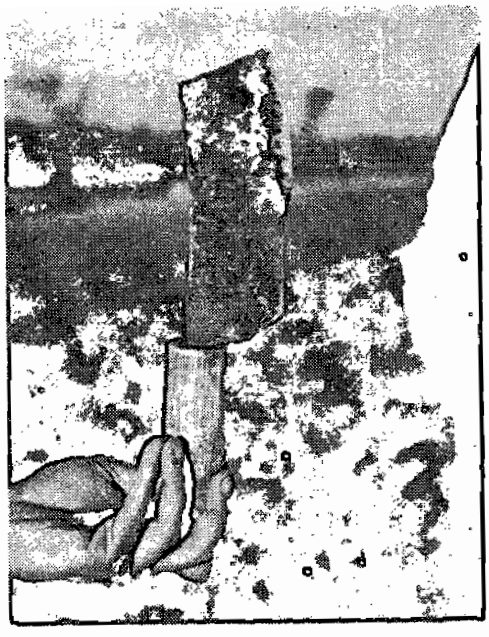
۷ـ گاوکش : تیری‌است بطول دومترکه از یکطرف توسط حلقه زره بدستگاه خرمن‌کوب وصل است وازطرف دیگر توسط جوت وبرگ بگردن گاو وصل‌میگردد تادستگاه را بدنبال گاو بکشد. (صفحه‌های ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳ مشاهده شود).

***

چهارشاخ :

چهارشاخ نوعی‌جام‌است بااین‌تفاوت‌که تنها دارای چهاردندهٔ آهنی‌است وتوسط جرّه بدسته چوبی متصل‌میگردد. نوع دیگری ازآن‌نیز بدوشاخ شهرت دارد.

***



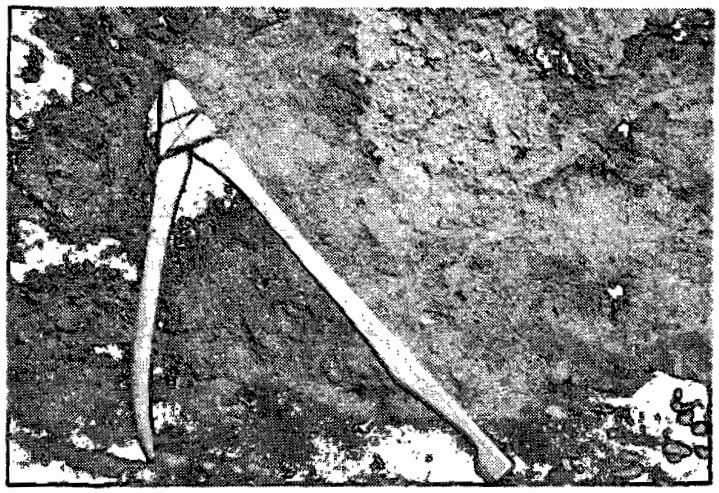
چغندرسرکن : ←

مخصوص سرکردن چغندر، (قطع ریشه و برگها) ودارای دستهٔ چوبی حدود ۱۰ سانتیمتر و تیغهٔ آهنی لب‌تیز حدود ۲۰ سانتیمتر.

* * *

دستگیره :

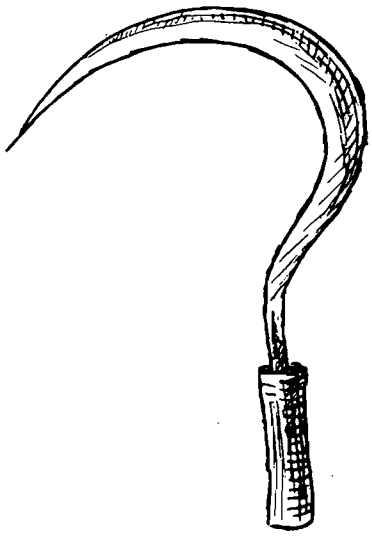
دستگیره وسیله‌ای است برای بلند کردن دسته‌های گندم درو شده اززمین وروی طناب



تصویری از یک دستگیره

قراردادن آن‌جهت حمل‌بطرف خرمن، ساختمان آن عبارتست از دو قطعه چوب صاف ورنده شده متصل بهم بطوریکه این‌دوقطعه چوب دراتصال بهم تشکیل زاویه‌ای‌را میدهند.

* * *



دستقاله (داس) :

دستقاله یاداس آلتی‌است که برای چیدن و درو کردن محصول بکار میرود ، بیشتر گندم وجو را باآن درو میکنند، دارای دسته‌ای است چوبی حدود ۱۰ سانتیمتر و و تیغه‌ای آهنی خمیده و هلالی شکل که بدسته متصل است .

(طرزکار باآن درصفحات ۱۲۵ و۱۲۶ مشاهده شود) .

***

شانه :

ابزاری است که جهت جمع کردن ریشه گیاهان هرزه و خودرو در زمینهای شخم زده مورد استفاده قرارمیگیرد .

(شرح در ذیل‌صفحهٔ ۲۶۰) .

***

شفره :

شفره ابزاری‌است‌بادسته چوبی وتیغه‌آهنی‌جهت وجین‌علفهای‌هرزمزارع ، (نوع دیگری از ابزار وجین) فرق شفره با اره کارد دراین‌است که اره کارد مورداستفاده‌اش‌بیشتر درسبزیکاری و شفره مورداستفاده‌اش درزمینهای غیرسبزیکاری است .

(طرزکار باشفره را درصفحه ۱۲۹ مشاهده کنید) .

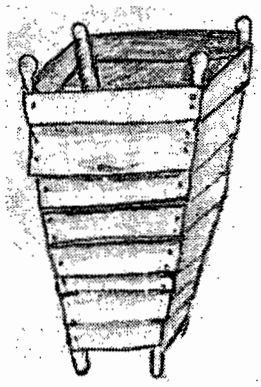
***

صاف‌کن :

صاف کن ابزاری است جهت صاف کردن زمین های شخم‌زده شده پس‌ازدیسک‌زدن .

(تصویر وشرح درصفحه ۲۶۰ و۲۶۱) .

***



صندوق :

ساخته شده از چوب جهت حمل محصولات صیفی.

***

طناب قیپش :

طناب قیپش ریسمانی است بطول حدود دو متر که بیک سر آن چوبی حلقه‌ای شکل (دراصطلاح محلی «هتک» متصل شده‌است، بسر دیگرآن، قطعه چرم باریکی وصل گردیده‌است که قیپش ناسیده میشود وحدود ۰٫۱ متر طول‌دارد، دسته خوشه های درو شده‌را روی طناب آن قرارداده پس‌ازبستن ومحکم کردن درروی توبره‌پشتی بدوش گرفته بطرف خرمن‌حمل میکنند.

(به‌تصاویر صفحات ۱۱۸ و ۱۲۰ مراجعه شود).

***

طور :

طور وسیله‌ای‌است جهت حمل کاه بافته شده ازطناب نازك (بیشتر طناب‌موئی) دارای لوزیهائی بنام چشمه، بیشتر طورها موئی‌است ونوع پنبه‌ای آن بسیارکم است.

***

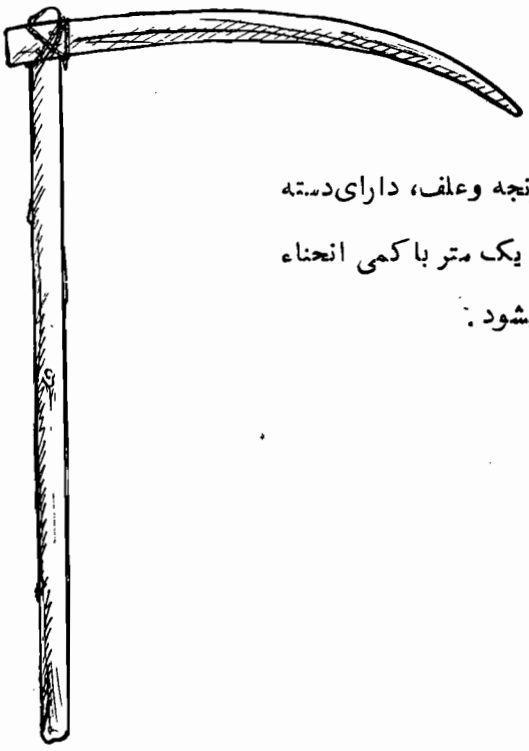
غربال (کم وغربال) :

ابزاری است جهت غربال نمودن گندم یا جوی خرمن، مدور، ساختمان دیواره ازچوب وکف آن بافته شده از روده‌های باریکی که بشکل نخ بریده وبافته شده‌است.

(به‌تصویرصفحات ۲۹۶ و۲۹۷ مراجعه شود).

***

قداره :

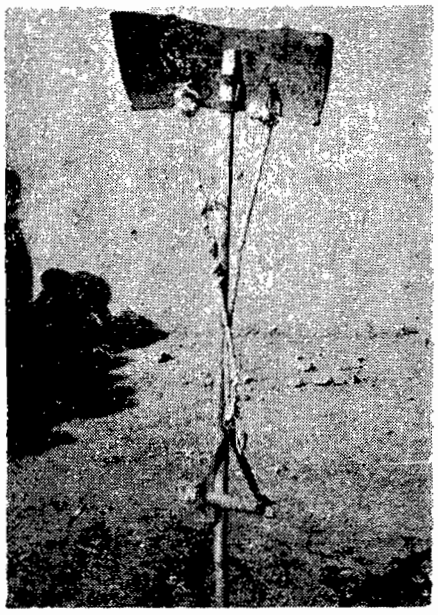


قداره ابزاری‌است مخصوص چیدن یونجه وعلف، دارای‌دسته چوبی حدود دومتر وتیغه‌ای آهنی طویل‌حدود یک متر با کمی انحناء هلالی‌شکل که درحال ایستاده ازآن استفاده میشود.

***

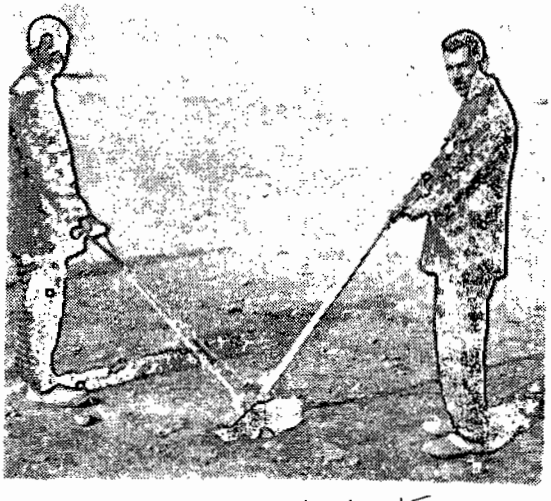
کلدر :

کلدر وسیله‌ای است که در دهات جهت کشیدن مرز و یا پشته ازآن استفاده میکنند بدین‌ترتیب که دسته کلدر را یکنفر بدست گرفته، دنده‌ها و کپه کلدر (قفسه کلدر) را روی‌زمین



کلدر: ارتفاع دسته حدود ۲ متر، کپه حدود ۴۰ × ۱۵ سانتیمتر، دستهٔ کلدر توسط طنابی‌به کپه کلدر وصل‌میگردد، هنگام کار کپه کلدر را درخاك فرو برده وتوسط دسته کلدر آنرا بالامیکشند، خاکی که بدینطریق‌بالا آورده‌میشود یکطرف‌سرزراتشکیل میدهد، قسمتهای چال‌شده بعداً صاف میگردد.

شخم‌زده وتقریباً کوبیده قرارداده با فشار آوردن بدسته آن دنده‌ها ویا کپه مقداری در خاك فرو میرود. بدوطرف کپه دوحلقه بنام «حلقه زره» متصل است وطنابی بدانها وصل‌شده ودوسرطناب بدستگیره‌ای بنام «مُشته» ختم‌میشود که یکنفر آنرا بدست گرفته پس‌ازفرورفتن دنده‌ها و یا کپه درخاك بازور آنرا بالامیکشند ودرنتیجه مقداری خاك با آن بالا ریخته شده سرزکشیده میشود.



چگونگی‌قراردادن کلدر روی‌شخم‌جهت‌سرزکشی.

تاسال ۱۳۴۳ سرزکشی درده طالب آباد توسط کلدر انجام میگرفت ولی در سال ۱۳۴۴ به ابتکار ارباب‌سرزکشی‌ساخته گردید که‌آنرابه‌پشت‌تراکتور بسته سرزها را میکشند.

دربعضی کلدرها بجای قفسه بیل پهنی بسته شده که دارای جُرّه است و دسته کلدر درآن جای دارد وبرای پشته کشی صیفی‌سورد استفاده است. بعضی کلدرها دارای دو مشته است و سه نفر باآن کارمیکنند بدین‌ترتیب که دسته کلدر را یکنفر دردست دارد ودونفر دیگرهم دومشته‌آنرا که یکنفر آنرا باخاکی که درکپه آن‌جای دارد بالامیکشند ودرطول مسیر حرکت آنها بواسطه رویهم انباشتن‌قدری خاك سرزیاپشته کشیده میشود ولی درسال ۱۳۴۴ سرزکشی‌توسط ارباب ده ساخته شد که امکان‌دارد استفاده ازکلدررا بمراتب کاهش دهد (بشرح سرزکش‌سراجعه‌شود).

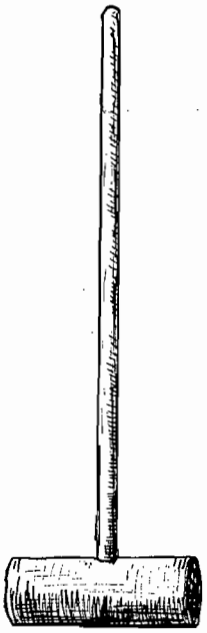
***

کلش کن :

کلش کن یادوشاخ آلتی‌است‌آهنی ودوشاخه باشاخهای کج که بدسته بلندی‌درحدود دومتر وصل‌است شاخهای کج‌این‌ابزارکلش را ازخرمن کنده پس‌ازآن باجام کلشی جهت کوبیده شدن پهن‌مینمایند.

(طرزکاربا‌آن درصفحهٔ ۲۹۴ ملاحظه شود).

***



کلوخ کوب :

کلوخ کوب مخصوص کوبیدن کلوخ درنقاطی که بابیل شخم زده میشود .

ساخته شده ازچوب ، دسته حدود ۱٫۵ متر ، سر کلوخ کوب (قطر حدود ۵ ، سانتیمتر ، طول حدود ۲۰ سانتیمتر) در وسط سر دارای سوراخی است که دسته را درآن فرو برده محکم میکنند .

***

گاوران (گورون) :

نام چوبدستی است که درسرآن میخی فروبرده وهنگام خرمن کوبی گاوهارا باآن میخ زده و فرمان میدهند .

***

ماله (تخته ماله) :

ابزاری است جهت صاف نمودن زمینهای شخم خورده .

(شرح درصفحه ۲۵۸) .

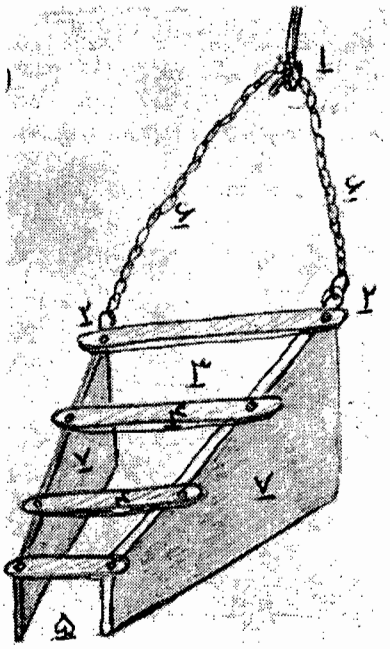
***

مرزکش :

ابزاری است که جهت مرزکشی بکار برده میشود ساخته شده از پنج قطعه تخته محکم، دوعدد تخته هابعرض حدود ۳ سانتیمتر درجهت طولی طوری قرارداده میشود که جلوی آن بازتر و انتهای آن بعرض حدود مرزدلخواه بازمیماند . سه تخته دیگر افقی درروی آن قرار داده شده و توسط پیچ محکم میگردد درجلوی آن ازدوطرف دوزنجیر نصب شده که بهانتهای تراکتور بسته میشود، باحرکت تراکتورخاکها بهجلوی بازدستگاه داخل شده وچون دستگاه کم کم تنگ میگردد خاکها بصورت برجسته‌ای ازانتهای تنگ دستگاه بصورت مرز خارج میشود . البته تخته هاطوری

بهم‌پیچ است که به‌نسبت دلخواه فاصله‌ها تغییر مینماید ومرز مورد نظر بصورت نازك یا ضخیم کشیده میشود.

(مطالب صفحهٔ ۲۶۰ و ۲۶۱ بشکل فوق اصلاح میگردد).



تصویری ازیک مرزکش ←

۱- محل اتصال زنجیر به‌عقب تراکتور.
۲- محل اتصال زنجیر بدستگاه.
۳- محل بازوپهن دستگاه که خاك بافشار داخل دستگاه میگردد.
۴- تخته‌هائی که طرفین دستگاه را بهم متصل مینماید و در محل اتصال دارای پیچهائی است که بدلخواه بازشده عرض دستگاه راکم وزیاد میکند.
۵- محل بسته‌وتنگ شده که خاکهای اضافی‌را برجسته ساخته ومرز را تشکیل میدهد.
۶- زنجیر.
۷- تختهٔ محکمی که بدنه‌های طولی دستگاه را تشکیل میدهد.

***

میخ :

قطعه چوبی‌بدرازای نیم‌متر که یک سر آن تیز ودرنزدیکی انتهای سردیگرش مقداری ازچوب را بشکل دندانه‌ای درآورده‌اند. استفاده ازآن بدینصورت‌است که آنرا بزمین کوبیده وسر طنابی‌را که بگردن حیوانات‌بسته شده به‌محل دنده‌دارمحکم می‌بندند.

***

دیگراز وسائل‌روستائی پاروئك کوچکی است که از چوب ساخته شده و بهنگام لازم دهقانان آنرا درجیب خود قرارمیدهند تا گل بیل یاابزار دیگرخودرا باآن پاك کنند.

دامپروری

درده طالب‌آباد هم چون تمام دهات ایران دامپروری رواج دارد ولی نه طبق برنامهٔ مشخص، بلکه بصورت بدوی وقدیمی‌خود، اگرسرمایه های منقول شهری سپردهٔ بانکی ویااشیاء بهادار است سرمایهٔ منقول این‌ده جزحیوانات اهلی‌چیز دیگری‌نیست و بجای نگهداری پول نقد به‌خرید احشام مبادرت میورزند چه هم پول آنها حفظ شده وهم از فرآوردهٔ آن استفاده میبرند. دربارهٔ تعداد احشام‌نمیتوان آمار ثابتی‌بیان داشت چه درتابستان که دهقانان وضع‌مادی بهتری دارند تعدادی دام‌خریده ودرزمستان که فصل تنگدستی آنهااست بفروش‌میرسانند. تنها آماری که دراین‌باره وجود دارد متعلق‌بسرشماری سال ۱۳۳۰ شمسی‌است که عیناً نقل‌میگردد.

***

گوسفند	۲۰۱	رأس	متعلق به	۱۹ خانوار
بز	۱۳۸	«	«	۱۸ «
گاو	۹۸	«	«	۴۰ «
الاغ	۲۳	«	«	۲۳ «
اسب	۳	«	«	۳ «
مرغ وخروس	۱۱۵	عدد	«	۳۸ «

***

ارقام فوق‌را باتردید بایستی‌یادآورشد زیراطبق‌آمارمذکور نیمی‌ازخانوارهای‌طالب‌آباد دارای‌گاو شیری‌میباشند ولی‌خانوارهای‌دارنده مرغ وخروس ازدارندگان گاوهای شیری‌بمراتب کمترند ومشاهدات وگفتاراهالی نادرست بودن آنرا تأیید مینماید وآنچه درین‌باره مستندبگفتار اهالی‌است ذیلاً یادآور میشود:

***

الاغ

درحال‌حاضر دراین‌ده بیش‌از ۵ رأس الاغ مشاهده نمیشود چه کارهائی که درگذشته باالاغ انجام میدادند اکنون باماشین انجام میگیرد، درگذشته حمل‌فراورده‌های روستائی توسط الاغ انجام میگرفت و شخصی که مهتر الاغ ها بود «چهارپادار» لقب می‌یافت. بیشتر الاغ های کنونی متعلق برعیت‌ها است که ازآن

برای کود کشی، سواری و حمل بارهای سبک استفاده میشود، بسیاری از دهقانان الاغ های سواری خودرا فروخته وبجای آن دوچرخه خریده‌اند زیرا در حال حاضر حدود ۵۰ دوچرخه وپنج موتورسیکلت دراین ده مورداستفاده است بنابراین لزومی برای نگهداری الاغ سواری مشاهده نمیشود و بیشتر جهت کود کشی و حمل داخلی محصولات مورداستفاده قرار میگیرد.

درفصل بهار الاغ های زیادتری دراین ده مشاهده میشود چه هنگام جودرو و خرمن و خوشه‌چینی افراد کوچ نشینی که در اطراف ده مستقرمیشوند، هرخانوار آنها حداقل دارای یک الاغ میباشند که توسط آن محصول جمع آوری شده خودرا حمل نموده وهم وسیلهٔ سواری آنها است وهم هنگام کوچ کردن بارکش اثاثیه واشیاء منقولشان میباشد.

نگهداری الاغ برای دهقانان مخارج زیادی دربرنداردچه قسمت اعظم سال الاغ رابه بیابان برده میچرانندوازسهمیه کاه وجوی خود مصرف خوراك الاغ را ذخیره مینمایندچه برای هرشب یک الاغ، یک تا سه کیلو جو درنظر گرفته میشود ولی مقدار کاه بمراتب ازاین میزان بیشتراست.

***

گوسفند

رقم گوسفندان ده طالب آباد به حدود ۵۰۰ رأس میرسد ولی این رقم همیشه درتغییراست، دامداران و خبرگان کلیهٔ گوسفندان ده‌را بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ رأس تخمین میزنند و سرشماری سال ۱۳۳۵ رقم ۳۹۹ رأس گوسفند وبز را متذکرشده‌است. این گوسفندها متعلق بتمام اهالی است زیرا مالکین دارای گله‌ای نیستند، بزرگترین گوسفنددار ده بیش از ۳۰ رأس گوسفند ندارد ولی تعداد گوسفندهای قصاب ده بین ۲۰ تا ۵۰ رأس همیشه درتغییراست که گاهی بزرگترین رقم گوسفندهای ده باو تعلق میگیرد ولی نامبرده مرتب گوسفندهارا کشته و گوشت آنهارا بفروش میرساند.

گوسفندهای ده دو تاسه گله‌را تشکیل داده وهر گله را دوتاسه چوپان سرپرستی میکنند وچوپان باتجربه‌تری مسئولیت هر گله‌را بعهده دارد. برای هر گوسفند صاحبش ۳ ریال درماه مزد چراندن میپردازد ودرازاء این مبلغ چوپان موظف است هرصبح گوسفندرا تحویل گرفته بچرا برده‌و وغروب آنروز گوسفندرا جلوی خانهٔ صاحبش درقلعه تحویل دهد.

شیر گوسفندان بیشتر بمصرف خوراك خانواده‌ها میرسد زیرا مجموع شیر گوسفندان و ۱۲ گاوشیری که به‌شیر کشی عرضه میشود روزانه بیش از ۴۰ تا ۵۰ من نیست. شیر گاو دراین ده گرانتراز شیر گوسفند بفروش میرسد زیرا سرشیر شیر گوسفندرا دهقانان گرفته واز ارزش آن میکاهند.

درزمستان گوسفندهارا درآغل های سرپوشیده نگهداری میکنند وتغذیه آنها توسط علوفه خشکی که قبلاً ذخیره شده‌است انجام میگیرد.



گله گوسفندی که متعلق به‌قصاب ده طالب‌آباد بوده و هرروز یک یا دو رأس آنها راکشته بمصرف خوراك اهالی‌میرساند.

آنچه که دهقانان بیشتر بخاطرآن گوسفندرا نگهداری‌میکنند عبارتست‌از:

یک گوسفند پس اززائیدن‌حدود ۳ تا ۵ ماه شیرمیدهد، مقدارشیر روزانه یک گوسفندبین ۵ تا ۱۰ سیر نوسان‌دارد. هر گوسفند بهنگام زائیدن بمدت‌یکهفته شیرش بصورت «ماك» میباشد که معمولاً قدری‌شیربدان‌اضافه کرده وجوشانیده «آغز» بدست میآید که‌ارزش بیشتری‌رادارا است. پشم آنرا در تابستان می‌چینند وهر گوسفند نسبت به‌بزرگی و کوچکی وبلند و کوتاهی‌پشمش بین ۵ تا ۱۰ سیرپشم‌دارد که‌پس ازشستن وتمیز کردن، درلحاف، تشك ومتکا ازآن‌استفاده میکنند ویا آنرا ریسیده واز نخ آن جوراب، دستکش، شال ویاپیراهن کش می‌بافند.

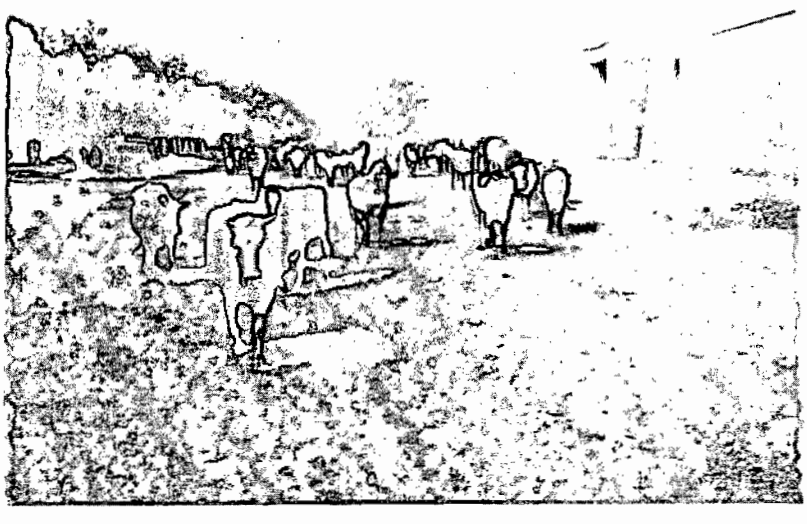
ارزش یک‌پوست پشم‌دار گوسفند بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ ریال ودرصورت کم‌پشم بودن‌بیش‌از ۵۰ ریال ارزش‌ندارد، گاهی نوزاد گوسفندرا بخاطر پوست سیاه وفر خورده‌اش سر میبرند وارزش چنین‌پوستی بمراتب ازارزش پوست گوسفند بیشتراست.

***

گاوداری

تاسال ۱۳۲۱ شمسی حدود ۳۰ تا ۴۰ رأس گاو نر برای شخم‌زنی و خرمن‌کوبی درده طالب‌آباد نگهداری میشد ولی‌درآن‌سال‌تراکتور بده راه‌یافت وبمرور ازتعداد گاوان‌نرکاسته‌شد تاآنجاکه درسال۱۳۳۶ ازگاو نربندرت استفاده میشد ولی‌ازآنسال‌ببعدبرای نمونه‌هم‌یک‌گاو کار درده مشاهده نگردیده‌است. گاوداران ده طالب‌آباد که تنها به‌تربیت‌گاوهای شیرده میپردازند بومی ده نیستند زیرا اهالی ده بیش‌از ۱۱ گاو شیری‌ندارندوارباب‌ده هم که درسابق گاوداری‌داشته درسال۱۳۳۹ کلیه گاوهای‌خودرا بفروش‌میرساند.

درسال ۱۳۴۰ دونفرگاودار هریک قسمتی‌ازیونجه‌های ده را اجاره‌کرده ودودسته گاو شیرده حدود ۲۰رأس بده آوردند که یکدسته آنها گاوهای شیرده بودند ودستهٔ‌دیگرگاوان‌شیری که هنوزبه‌شیر نیامده‌بودند وهرکدام ازگاوهای دستهٔ دوم که شیرمیآمدند برای‌نگهداری‌بهتر بشهرری‌برده‌میشدند. هردسته گاوکه‌تعدادشان حدود یکصد رأس‌میباشد بدست شش‌نفر شاگرد گاوداراداره میشوند، سه‌نفر برای‌چراندن، سه‌نفر برای خوراك ساختن وکارهای دیگر ولی‌دسته گاوهای شیرده زیرنظر یک‌نفر استادکار اداره میشود ویکنفرمستقیماً مسئول‌دوشیدن آنهااست،



گله گاو پس‌از چرا درجلوی قلعه طالب‌آباد بسمت‌استراحتگاه خودکه درجنب قلعه واقع است درحرکتند.

چرانیدن گاوها ازساعت ۳ بعدازنیمه شب تاظهر ادامه دارد هنگام ظهر آنهارا به جایگاهشان آورده میدوشند ودوباره به یونجه برده تاشب‌میچرانندودوباره‌آنهارامیدوشند وهرنوبت ۱۰ تا ۱۴

من شیر میدهند شیر آنهارا بتهران حمل میکنند ودرپاچال های خود بفروش میرسانند.

دربین شاگرد گاودارها ازکودك تا استاد کار دیده میشوند وروزانه بتفاوت بین ۳۰ تا ۹۰ ریال مزد میگیرند. شاگرد گاودارها برای تمام گاوها اسم گذاری مینمایند و آنهارا با نام صدا میزنند، اسامی گاوان عبارتست از:

کمرچال، موشی، توکلی، صابونی، ابلق، شاخ بریده، زنگی وامثال آن، که درحقیقت این نامها بنوعی باشکل ظاهری گاو بستگی دارند.

محل سکونت گاوها درشب وهنگام استراحت گاودانی اربابی است ومدفوع آنها کود زمینهای زیر کشت ده را تشکیل داده وبین بنه ها بتساوی تقسیم میشود.

محل نگهداری گاوها، گاودانی بزرگی است درداخل قلعه باآخورهای فراوان که مخصوص نگهداری گاو ساخته شده و درهر آخورقطعه نمك بزرگی قرارداده شده تا گاوها بدان زبان زده از کند شدن دندانشان جلوگیری بعمل آید.

درپای بسیاری ازاین آخورها گوساله های کوچکی را که قادر بصحرا رفتن نیستند میخوابانند زیرا هنگام دوشیدن گاوها اگر گوساله شان نباشد نمیتوان آنهارا دوشید چه شیر خودرا بالاسید هند، ازاینرو اگر گوسالهٔ گاوی بمیرد مجبورمیشوند پوست گوساله را کنده روی گوسالهٔ دیگر بیندازند ویا آنرا پراز کاه نموده نزد مادرش ببرند وپوزش را بپستان مادرش زده چشم مادرش بدان افتاده بتوان شیر آنرا دوشید.

* * *

گاوهائی که بدین ترتیب درده نگاهداری میشوند تنها برای مدت شش ماه ازسال است که ازفروردین آغازشده به اوائل مهر پایان می پذیرد زیرا رسم براین است که یونجه را آغازهرسال اجاره کرده تااوایل پائیز هرچه یونجه بروید متعلق به گاودار یااجاره کننده است وازآن پس گاوها را به محل زمستانی کوچ میدهند وباعلوفه خشک ازآنها نگهداری میکنند.

هردسته گاو وبطورکلی هرگاودار دارای یک یا دوگاو نراست که پس از یکی دوسال آنراعوض مینمایند واین گاونر گوساله یکساله ای است بنام «بوُقه» که مخصوص تولیدنسل نگهداری میشود وحدود یکهزار تومان ارزش دارد وبدین منظور بنگاه دامپروری حیدرآباد کرج این نوع گاوان را تربیت کرده بمعرض فروش میگذارد.

* * *

اصطلاحات متداول گاوداران

تی‌لی‌سه گاوی که فقط یک شکم زائیده است.

قِسر گاو سادهٔ نازا.

قسر دررفتن اصطلاح عمومی، نزاییدن وقسر دررفتن.

بُوقِه گاو نرجوان مخصوص تولیدنسل.

***

مرغداری پرورش مرغ بصورت بومی وقدیمی آن دربین خانوارها بخصوص خانوارهای بی‌سرپرست ده طالب آباد فراوان مشاهده میشود و اکثر تخم‌مرغ های حاصله‌را بااشیاء وخوراکی‌های موردنیاز مبادله مینمایند، درحال حاضر دراین‌ده تقریباً خانه‌ای بدون مرغ وخروس‌وجود ندارد وبطورمتوسط برای هرخانوار حدود پنج مرغ وخروس‌را ذکرمینمایند که درمجموع بحدود ۵۰۰ عدد میرسد.

ازسال ۱۳۳۸ ببعدمرغداری‌مدرن‌امروزی‌باشرکت ارباب ده ودونفر دیگر باواردنمودن ۲۰۰۰ عدد جوجه سه‌روزه آمریکائی‌آغاز گشت وپس‌ازده‌ماه پرورش ونگهداری‌بیش‌از ۱۶۰۰ تومان سود عاید شرکاء گردید.

ازآن‌پس درسال ۱۳۴۰ مرغداری باتمام اموال اجاره داده شد ولی پس‌از مدت کمی اجاره فسخ وارباب مجدداً بادوکارگر آغاز بکارنمود ویک مهندس اسرائیلی متخصص پرورش مرغ جهت زیرنظرداشتن بهداشت مرغان استخدام گردید و درهربار که بده میآمد یکصد تومان به‌او داده میشد (درهرماه‌حدودسه یاچهارمرتبه‌بده‌آمده ۴۰۰ تومان‌حقوق‌ماهیانه دریافت‌میداشت) نامبرده هربارکه بده آمده ازمرغان دیدن میکرد و دستورات لازم‌را گوشزد مینمود، دراین‌مورد اهالی باین‌مسئله پی‌بردند که مرغداری‌هم متخصص ومهندس‌دارد وهنگام دیدن فرد مذکور زمزمهٔ مهندس‌مرغ، مهندس‌مرغ وارد شد بگوش‌میرسید.

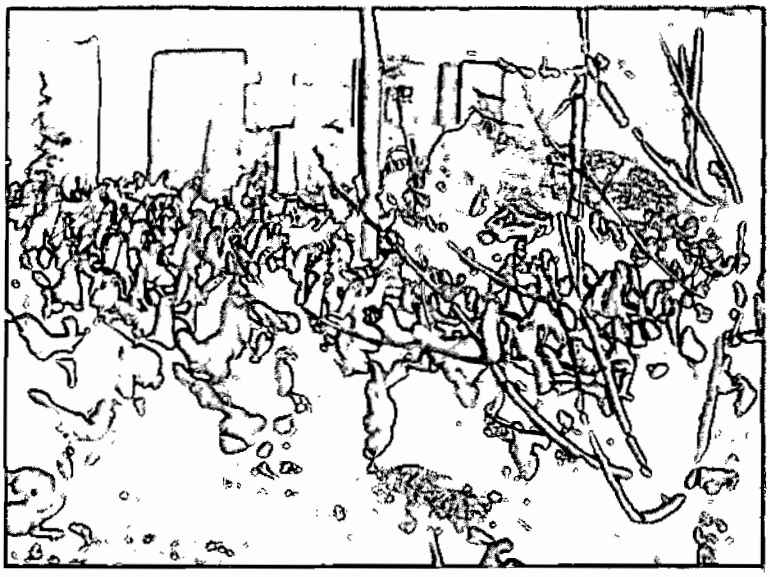
دراواخرسال ۱۳۴۱ تعداد مرغها از ۲۵۰۰ عدد هم تجاوزمیکرد و تخم‌مرغ ها تا روزی ۱۶۰۰ عدد رسید ومهندس‌نامبرده تمام‌مخارج‌را قبول‌نموده و روزی یکصد تومان بابت سرمایه واستفاده مرغها به‌ارباب ده میپرداخت.

درسال ۱۳۴۲ باردیگر پرورش‌مرغ بدست دونفرازمالکین که زراعت‌کار ده نیزهستند افتاده، نامبردگان‌محل‌مرغدانی‌را برق کشیده وباواردکردن جوجه‌های اسرائیلی‌فعالانه‌بپرورش ونگهداری‌مرغ همت گماشته زیرا خوراک‌ارزان وتقریباً نیمه‌مجانی که‌درده تهیه میشود ونیروی

کارارزان سود قابل توجهی ازاینراه عاید نموده وشرکا را درادامهٔ کارخود تشویق مینمود .



جوجه ها تحت مراقبت ومواظبت قرارمیگیرند تا مرغ شوند آنگاه دربارهٔ آنها تصمیم میگیرند که مرغ گوشتی باشند ویامرغ تخمی.



گوشه‌ای از مرغدانی ده طالب

درحال‌حاضرزمستان ۳٤٤ تعدادمرغ ها بحدود ۳۰۰۰ رسیده‌وبرداشت‌تخم‌مرغ روزانه از ۲۰۰۰ هم‌تجاوزنموده‌است وکاربامـوفقیت‌ادامه داردوشرکاء ازسودحاصله راضی بنظر میرسند .

***

اسب

درحال حاضر بیش از دو پاسه اسب دراین ده وجود ندارد چه دیگر لزومی به نگاهداری و تربیت آن دیده نمیشود ، زیرا هر یک از اربابان ده دارای ماشین شخصی هستند و آمد و رفت اهالی هم بیشتر با دوچرخه وموتورسیکلت صورت می‌پذیرد و ازطرفی هم ازدیاد وسائل نقلیه تا نزدیکی‌ده دیگر نگهداری اسب را منتفی‌نموده‌است .

***

بااین ترتیب مشاهده میشود که دامپروری نقش اساسی‌را درزندگی اقتصادی دهقانان ایفا نمیکند بلکه نگهداری دام بیشتردارای جنبهٔ خصوصی وشخصی‌است چه‌فرآورده‌های دامی درصادرات ده دارای اثرچندانی‌نیست که‌بتوان‌بدان متکی گردید، تنهافرآورده‌ای که‌میتوان‌بدان متکی‌بود یکی‌محصولات گاوهائی‌است که فصلی‌بده میآیند ومحصولات آنها وفرآورده‌های مربوط درزندگی افراد ده‌نمیتواند مؤثرباشد ودیگر فرآورده‌های‌مرغداری‌است که آنهم‌مشخص ومتعلق به‌ارباب ده میباشد .

فصل هفتم

تأسیسات اجتماعی

فرهنگ، مذهب، سازمانهای اجتماعی،
گذران اوقات فراغت (بازیها و سرگرمی‌ها).

***

فرهنگ

تعلیم وتربیت

ازوقتی که اهالی طالب‌آباد بیاد دارند دهشان مکتب‌خانه داشته ومیرزا معلمی درآن درس میداده است مسن‌ترین افراد ده تنها دونفر معلم‌را بیاد دارند که تعلیم مکتب‌خانه‌ای میداده‌اند. طریقه تدریس دراین مکتب‌خانه‌ها بدین‌نحو بود که یکی‌ازبستگان کودکی که تصمیم به مکتب رفتن داشت از ارباب ده اجازه گرفته ودرصورت موافقت از فردای آنروز کودك به‌مکتب خانه راه می‌یافت، شاگردان‌این مکتب خانه‌را کودکان تشکیل‌میدادند واعضای مکتب‌خانه بسیارمحدود وانگشت شماربودند زیرا معلم‌مکتب‌خانه به‌طفیلی‌ارباب ده زندگی‌میکرد واحتیاجاتش ازخانه اربابی برآورده میشد وبطورخلاصه ارباب برای تعلیم‌افراد خانواده خود این‌معلم‌را بده آورده بود وبجز افرادخانواده اربابی‌افراد دیگربندرت بمکتب‌خانه می‌آمدند. این‌مکتب‌خانه راهالی «ملا» ومعلم‌مکتب‌خانه را

هم ملا مینامیدند و ملا رفتن هنوز هم در بین اهالی شنیده میشود وملارفتن و مدرسه رفتن را یکی میدانند.

کودکی که به‌این مکتب خانه‌ها راه می‌یافت لازم بود ابتدا کتابی بنام «عَمُ جزء» تهیه کند ودرس خودرا بااین کتاب آغازنماید، آغازاین کتاب باالفبای عربی‌شروع شده، سپس کلمات‌منفردی از حروف عربی آموخته بعداً جملات عربی‌تعلیم داده میشد، البته درهر مرحله که الفبا یاترکیب کلمات‌عربی به‌طفل آموخته میشد وقسمت‌مربوط بپایان میرسید شاگردبایستی برای ملای خود شیرینی‌بیاورد وبیشتر این‌شیرینی‌را چند سیرقند تشکیل‌میداد وبندرت دستمال، جوراب ویا چارقدی (روسری) همراه داشت و اول هرماه هم ماهانه‌ای به‌ملا داده وگاهگاهی مقداری خوراکی‌هم‌بعنوان تعارف نیز به‌ملا داده میشد وگاهی هم اورا به‌شام ویا نهاردعوت میکردند.

افراد این مکتب‌خانه ها کمتر همدرس بودند و ملا فردفرد آنهارا پیش‌خود طلبیده و درحالی که‌افراد روی‌فرش‌نشسته وروی درس (کتاب) خودخم می‌شدند درس‌آنهارا می‌پرسید ودرس‌جدیدی به‌طفل‌میداد سپس‌بدون‌سرمشق ویادادن‌طریقه نوشتن، بدرس‌دیگری‌میپرداخت پس‌ازپایان درس‌هم برای دسته‌جمعی کودکان اصول وفروع دین وامثال وحکایات مذهبی را تعریف کرده وروزبعد ازآنها پرسش میشد، هرطفلی همه روزه مقداری غذا بنام «چاشت بندی» باخودآورده که محتویات آن قدری نان وپنیر، مختصرغذائی‌ازشب مانده ویایک یادوعدد خیار بود، هنگام‌چاشت که حدود ساعت ۱۰ صبح خورده میشد کودکان سفره‌های خود راگشوده و هرکس درسفره خود مشغول‌خوردن میشد.

افراد این‌مکتب‌خانه ها بسختی باسوادمیشدند چه بهیچوجه نوشتن به‌آنها تعلیم داده نمیشد، خواندن‌هم باآشنائی وخواندن سوره‌های قرآن آغاز میشد وپس‌ازختم قرآن دیگر چنین فردی باسواد شناخته میشد ودرصورت ادامه تحصیل کتب مذهبی واشعار مذهبی‌از قبیل کتاب «حسن وحسین»، «آق‌والدین»، «جودی»، «جوهری» وامثال آن درس داده میشد و افرادی که دراین‌مکتب‌خانه ها بمرحله‌ای میرسیدند که قادر به‌خواندن واندکی‌نوشتن «خط سیاق» میشدند آنهارا «میرزا» میگفتند.

درسال ۱۳۰۲ شمسی مدرسه‌ای در بیرون قلعه ساخته شد که دارای صحن نسبتاً وسیع و دو اطاق‌برای کلاس‌درس بود، در بالای در ورودی‌مدرسه تابلوی «دبستان ملی‌طالب‌آباد، تأسیس ۱۳۰۲» نصب شده‌بود، یکی‌ازکلاس ها همیشه خالی‌بود ودرواقع دفتردبستان واحیاناً

کلاس اکابر هم بود که سالمندان فقط نامشان را در دفتر ثبت مینمودند ولی هیچگاه بمدرسه نمیآمدند در اطاق دیگر که تنها کلاس مدرسه بود شاگردان کلاسهای اول، دوم، سوم وچهام تواماً شرکت میکردند، دور کلاس میز ونیمکت ودروسط آبخوری بزرگی قرارداده شده بود ودیوار کلاس را با عکس های بریده شده ازمطبوعات ودنباله های بادبادك تزئین نموده بودند.

مدت بیست سال مدرسه دارای وضع فوق بود ودراین مدت مدیر ومعلم شیخی بود ازاهل ورامین، ساعات درس مدرسه به تصمیم شیخ بستگی داشت و بمیل خود مدرسه را تعطیل ویا باز میکرد، نظافت مدرسه بعهده شاگردان بود وجزء ساعات درس آنها محسوب میگشت، هنگامیکه کلاس درس شروع بکار میکرد معلم ابتدا شاگردان یك کلاس را درس داده تعطیل میکرد آنگاه بدرس کلاس دیگر میپرداخت و یا ابتدا یکنفر از کلاس اول پای تخته آمده درس جواب گفته می نشست آنگاه یکنفر از کلاس دوم بدرس جواب گفتن میپرداخت وحضوروغیاب مفهومی نداشت.

به این معلم ماهانه ۱۸۰ تومان پول و ۳۰ من گندم بابت اجرت توسط ارباب ده پرداخت میشد ومحلی هم برای سکونت به او داده شده بود.

دراین مدرسه برای ارتقاء بکلاس بالاتر مدرکی به شاگردان داده نمیشد وسنجش کلاس چندم بودن بپایان رسانیدن کتاب کلاس مربوط بود ودر پاسخ کلاس چندم بودن میگفتند کتاب اول را تمام کرده ام ویا ۲۰ صفحه از کتاب کلاس دوم را خوانده ام.

بادرنظر گرفتن تمام این احوالات شاگردان مدرسه هم فصلی بودند یعنی بهار و تابستان واوائل پائیز کودکان برای خود کاری دست و پا میکردند یعنی به خوشه چینی، پنبه چینی، جمع آوری سوخت واشال آن میپرداختند وتنها در فصل زمستان که فصل بیکاری دهقانان بود کودکان بمدرسه میرفتند، بسیاری از کودکان هنگام مدرسه رفتن کودك خردسال خانواده خودرا هم بغل کرده بمدرسه میبردند زیرا بواسطه گریه کردن طفل مادرشان توصیه میکرد که طفل را هم باخود بمدرسه ببرند واین خود بدان علت بود که درمدرسه بخاری میسوخت وبرای جمع شدن وبازی افراد جای گرم ومناسبی بود.

تاسال ۱۳۴۰ شمسی عده شاگردان فصلی مدرسه هیچگاه از ۴۰ نفر تجاوز نمیکرد ولی هنگام عید که ارباب بهمه کودکان درصحن مدرسه عیدی میداد درآنروز تعداد شاگردانی که در مدرسه حاضرمیشدند به ۸۰ نفر یعنی بیش از دوبرابر افزایش می یافت.

درسال ۱۳۴۰ نیمی ازسال مدرسه تعطیل بود ودراین مدت ارباب ده تصمیم گرفت ساختمان

تازه‌ای برای مدرسه ایجادنماید، مدرسه قبلی خراب ومدرسه تازه شش کلاسه‌ای باتیرآهن وآجر- بهمنی بجای مدرسه قبلی بنا گردید که جمعاً ۳۰ هزارتومان مخارج ساختمان آن گردید و درسال تحصیلی ۴۲-۱۳۴۳ آنرا دراختیار فرهنگ شهرری قرارداده وسه نفر معلم هم باوسائل لازم باین ده فرستاده شد درسال مذکور که ده طالب‌آباد برق کشیده شد دبستان هم دارای برق گردیده ومعلمان درده مذکور شبانه‌روز بسر میبرند و ازاین‌سال برنامه فرهنگ بمفهوم رایج آن‌دراین ده راه یافت.

کودکانی که قبلاً بمدرسهٔ طالب‌آباد میرفتند کمترموفق بخواندن و نوشتن میشدند زیرا نه‌برنامه صحیحی داشتند ونه مرتب میرفتند ونه‌معلمی که‌مسئولیت حس کند روی همین‌اصل طبق سرشماری که درسال ۱۳۳۵ توسط اداره آمارعمومی انجام گرفت عده باسوادان این‌ده به ۷٪ کل‌جمعیت نمیرسید زیرا از ۱۳۴ نفر جمعیت ده تنها ۲۱ نفر سواد داشته‌اند که چهارنفر ازاین‌عده هم ازاعضای‌خانواده اربابی‌ساکن‌درده بوده‌اندیعنی‌تنها ۷٫۵٪ ازافراد دهقانان باسواد بوده‌اند، ازمیان کلیهٔ باسوادان ده تنها چهارنفر دارای گواهینامه ششم‌ابتدائی بوده‌اند که آنهم‌دومالک ودونفر همسران ایشان بوده‌اند وبقیه باسوادان تنها کتاب چهارم‌را دردبستان تمام کرده‌اند.

بجز دونفر زن باسواد خانواده اربابی هیچ زن باسواد دیگری‌درآمار این‌سرشماری ذکر نشده است از اینرو عده زنان باسواد ده کمی بیش از ۱٪ ونسبت مردان باسواد ده به ۱۲٪ هم نمیرسد. از ۸۸ خانواری که‌توسط نگارنده درسال ۱۳۴۵ سرشماری بعمل‌آمد تنها ۱۴ رئیس‌خانوار دارای سواد خواندن ونوشتن بودند یعنی‌حدود ۱۶٪ باسواد بین رؤسای خانوار مشاهده گردید ولی کودکان آنها اکثر نوآموزند واکثراً کم وبیش بدبستان میروند.

درسال ۱۳۴۵ خانم دهیاری که برای راهنمائی زنان ازتهران باین‌ده میآمد نام ۴۲ نفر پسر ودختر ساکن ده را برای کودکستان وکلاس کودک نوشته بود که ۹۱ نفرآن دختر و ۵ نفر آن پسر ثبت‌نام شده بود بعلاوه نام ۱۷ نفر زن سالمند دردفتر دبستان ثبت شده بود ولی هیچگاه ازاین‌افراد خبری نبود وتنها به‌نوشتن‌نام آنها اکتفا شده بود.

درسال تحصیلی ۴۲-۱۳۴۱ که دبستان دولتی طالب‌آباد کار خودرا آغازنموده ۹۵ نفر شاگرد پسر و دختر دراین مدرسه نام‌نویسی کردند تعداد شاگردان پسر و دختر هر کلاس عبارت بوداز:

	پسر	دختر	عده کل
کلاس اول	۲۰	۱۹	۳۹
کلاس دوم	۱۲	۱۲	۲۴
کلاس سوم	۱۰	۸	۱۸
کلاس چهارم	۱۲	۲	۱۴
جمع	۵۴	۴۱	۹۵
کلاس پنجم	—	—	—
کلاس ششم	۴	—	۹۹

ده طالب‌آباد دارای کلاس پنجم وششم نیست وچهارنفر ازپسران دانش‌آموزدر کلاس ششم قلعه‌نو، ده شمالی این ده تحصیل مینمایند. از ۹۵ نفر شاگردان چهارکلاس ده طالب‌آباد ۸۰ نفر ساکن خود ده وبقیه ساکن شمس‌آباد وقمی‌آباد میباشند. وجه تمایز دانش‌آموزان بادیگر کودکان روستا تنها پشت یقه سفید آنهااست ولی لباس ودیگر مشخصاتشان وضع روستائی دارد و اکثر پس ازمرخص شدن بدنبال کارهای روستائی میروند.

درسال ۱۳۴۴ علاوه برطالب‌آباد دهات همسایه نیز یادارای مدرسه بودند ویاسپاهی‌دانش داشتند. قلعه نووزمان‌آباد دارای دبستان وقمی‌آباد، گل تپه واشرف‌آباد دارای سپاهی دانش بود، دهاتی که دارای مدرسه ویاسپاهی دانش نیستند فاصلهٔ کمی‌را باده همسایه دارا میباشند وهردو یاچند ده تشکیل مدرسه‌ای‌را میدهند وامید میرودباکوششی که دراین باره مبذول میگردد کلیه مردان وزنان آینده روستا ازنعمت سواد بهره‌مند گردند.

***

مطالعه کتاب، روزنامه و مجله

کودکانی که دراین ده بمدرسه میروند تنها قادرند کتاب درسی خود را بخوانند آنهم بزحمت، ولی سالیان دراز تجربه وتمرین میخواهد تا بتوانند کتاب یاروزنامهٔ ساده‌ای‌رابخوانند، باسوادان بزرگسال ده انگشت شمارند سواد آنها درمکتب وملا باخواندن کتب مذهبی آغازشده و علاقهٔ آنها بمطالعه کتب افسانه‌ای، خواندن‌را برای آنها بارمغان آورده‌است.

باسوادان دردرجه اول قرآن خواندن میدانندولی بداستانهاوافسانه های ملی بسیارعلاقمندند، شاهنامه دربین افرادبزرگسال شهرت فراوان دارد وداستانها واشعارش سینه بسینه نقل مجالس است.

پس ازشاهنامه کتابهای رستم‌نامه وامیرارسلان و دردرجهٔ سوم حسین کرد بین دهقانان شهرت دارد، به‌صحنه‌های‌داستانهای این کتابها درذهن خود واقعیت می‌بخشند وباعلاقهٔ فراوان‌بدانها گوش‌میدهند وسعمولاً دهقانان درمنزلی جمع‌شده باخواهش وتمنا یکنفرباسواد را دعوت‌نموده وکتاب خواندن‌راآغازمیکنند وهنگام‌خواندن‌سکوت مطلق درمحل حکمفرمامیگردد وتنهاپذیرائی آنها دراینگونه‌مواقع چای فراوان وبندرت قدری‌تخمه هندوانه، تخمهٔ گرمک ویا تخمهٔ کدواست دروگران وپنبه‌وچین کن‌ها هم که دربهاروتابستان باین‌ده میآیند شبها درپناه چراغ نفتی‌بدون شیشه درحالیکه چراغ دود میزند دورهم جمع‌شده وساعتها بخواندن کتاب امیرارسلان اشتغال میورزند .

ازخواندن روزنامه ومجله دراین‌ده اثری دیده نمیشود، برای آنها اسم و نوع روزنامه مهم‌نیست چه‌روزنامه‌را باسم وواپستگی تشکیلاتی‌آن نمیشناسند و فقط روزنامه بودن شرط است وهرموضوعی که درروزنامه بچاپ‌رسیده باشد برای‌آنها سندیت‌دارد زیرا میگویند فلان‌موضوع را روزنامه کرده‌اند . ازمجله هم چیزی‌دراین‌ده شناخته‌نیست و نگارنده چیزی دراین مورد مشاهده نکرد وچیزی‌هم‌نشنید ولی‌برای آنها پراهمیت‌ترین‌مسائل مطلبی است که درکتابی‌مندرج باشد وبرای‌اثبات گفته‌های خود کافی‌است که بگویند این موضوع کتابی‌است و دیگران آنرا دربست می‌پذیرند .

* * *

فعالیت‌های فرهنگی

فعالیت‌های‌فرهنگی‌درده طالب‌آباد برای کودکان‌بطورمستقیم‌فعالیت‌های دبستانی‌است ولی‌این‌فعالیت برای بزرگسالان بصورت تعلیم گرفتن و یا به‌کلاسهای شبانه‌رفتن‌دیده نمیشود بلکه آنچه دراین‌باره تعلیم می‌یابند بیشتر آنرا درتفریحات عمومی کسب میکنند مثلاً هنگامیکه زیرچادرجمع میشوند ویا بمسجد و یا شب‌نشینی‌میروند، یاهنگامیکه کتاب میخوانند وبالاخره هنگامی‌است که به‌قهوه‌خانه میروند وعلاوه براینها این‌فعالیت توسط شنیدن رادیو وهنگام‌سفر به‌شهروزیارت رفتن‌نیز مشاهده میشود که به‌بیان جداگانه هریک میپردازیم:

* * *

شنیدن رادیو

درحال حاضر ۸۰ تا ۹۰٪ خانوارهای ساکن ده طالب آباد دارای رادیو هستند البته نوع رادیو ومدل وسیستم آن‌برای افراد مطرح‌نیست بلکه‌تنها انتظارشان‌ازرادیو این‌است که بتوانند اخبار صدای‌ایران‌را بگیرند، امروزه

مسئله تقسیم اراضی بین زارعین بزرگترین مسئله بحث روستا است، علاوه براخباری که افراد دراین باره ازیکدیگر کسب میکنند دربهمن ماه ۱۳۴۱ اکثر منتظر میماندند تاساعت ۹ شب فرارسد وبه اخبار رادیوایران دربارهٔ مسئله تقسیم اراضی گوش فرادهند و کمتر کسی پیدا میشد که پای رادیو بمنظور شنیدن اخبار حاضرنشود. دهقانان درسالهای اخیر ازرادیو استقبال شایانی نموده اند وبسیار اتفاق افتاده است که دهقانی گوسفند خودرا فروخته ورادیو خریده است واین امر درجریان اخیر تقسیم اراضی بیش ازپیش مشاهده شده است.

***

رفت و آمد به شهر

دهقانان ده طالب آباد بندرت بتهران میروند مگربواسطه احتیاجات مبرمی که برای آنها غیرقابل اجتناب باشد وآن بدین معنی نیست که شاید عدم وسائل حمل ونقل بشهرنرفتن را باعث میشود زیرا درخط ورامین تهران مرتباً وسائل آمدوشددررفت وآمدند وازطرفی فاصله این ده تاشهرتهران ۲۱ کیلومتر وتاشهرری بیش از ۱۳ کیلومترنیست.

دهقانان وساکنین این ده بیشتربه شهر ری میروند زیرارفتن وبرگشتن به این شهرسهل تر ازنقاط دیگر انجام می پذیرد ولی حداقل این رفت وآمد به شهر کمتراز یک هفته تا ده روز یکبار نیست وحداکثر را نیزبایستی از خود آنها سؤال نمود ولی بزرگترین رفت و آمد آنها به قلعه نو همسایه شمالی این ده است و هرگونه خبری را تقریباً از قلعه نو و آنهم از قهوه خانه آن کسب مینمایند.

علت کمتر رفت وآمد دهقانان وساکنین ده را به شهر بایستی قبل ازهرچیز درفقر مادی آنها جستجو نمودچه وضع مادی آنها این اجازه را بآنها نمیدهد که حدود ۵٪ ازمساعدهٔ نقدی ماهیانه خودرا صرف رفت وآمد به شهرنمایند وانگهی درروزهای آفتابی که اکثر ساکنین بکارو کوشش خود اشتغال دارند وروزهای بارانی وسرد زمستان هم که رفتن به شهر لذتی ندارد، ازطرفی هم احتیاجات روزانه وفصلی آنها توسط افرادی که ازکاسب کاران سیار ده هستند تأمین میشود. ولی باتمام این احوال دهقانان خیلی مایل اند که به شهر بروند روی همین اصل درجریانات سیاسی که دهقانان به شهر کشانده میشوند بمجرد مشاهده وسیله ای در ده که آنها را برایگان به شهر ببرد دعوت را پذیرفته وبه شهر میروند.

***

مذهب

مذهب و سازمان مذهبی

ساکنین ده طالب آباد مسلمان شیعی‌مذهب دوازده امامی هستند، بطور کلی به‌اصول‌مذهب‌عمیقاً وفادارند ودستورات مذهبی‌را تاآنجا که‌اطلاع دارند وبرایشان‌ممکن‌است عمل‌میکنند. پیشوایان‌بزرگ مذهبی‌را بخوبی میشناسندوداستانهای‌فراوانی ازرفتار، اخلاق‌وطرز زندگی آنها نقل‌میکنند، بدون‌استثنا درتمام‌منازل قرآن یافت میشود ونسبت بدان احترام‌فراوانی قائل‌اند وداراطاق خود آنرا درجائی قرارمیدهند که پایشان رو بدان درازنگردد، نمازپنجگانه آنها هیچگاه ترك نمیشود زیرا نماز را ستون دین‌میدانند. زنان‌ازنظر مذهبی معتقدند که نبایستی چشم مرد نامحرم به‌اندام آنها بخصوص‌بموهای سرشان بیفتد، روی همین‌اصل همهٔ زنان ودختران خودرا درپناه چادر از ازچشم مردان نامحرم پنهان میکنند.

گفته های‌مذهبی‌وآنچه‌مردم ازمذهب استنباط‌مینمایندبرایشان‌قابل‌ستایش‌است. برای‌روزه گرفتن‌ثواب‌فراوانی‌قائل‌اندوافرادواجدشرایط عموماً روزه میگیرند، هنگام‌غروب‌روزهای‌ماه‌رمضان (افطار) درمحیط کوچك ده چندین‌نفر در روی پشت‌بامهای منازل به‌اذان گفتن‌میپردازند وهنگام سحرهم بازبانگ‌اذان‌ازهرگوشه شنیده میشود که‌بیشتربادعاهای‌مخصوص‌ماه رمضان‌همراه‌است. دراین‌ماه وماه محرم‌بیش‌ازماههای دیگر مردم به‌مسجد میروند ودراین‌دوماه است که اعتقادات مذهبی‌مردم بیش‌ازپیش تظاهرمیکنند.

درماه محرم اعتقاد واقعی‌مردم بمذهب آشکارمیگردد چه‌ازخودگذشتگی‌های فراوانی ازخود نشان میدهند ودرانجام مراسم‌مذهبی که بهریك کاری محول می‌شود، داوطلبانه وبدون داشتن کوچکترین انتظاری آنرا انجام‌میدهند. محل‌انجام اینگونه مسائل‌مذهبی‌درده طالب‌آباد مسجد وسیع وتمیزی‌است که درداخل ده نامبرده ازلحاظ نظافت وباصفائی‌بی‌نظیراست. مسئول سازمان این‌مسجدشخص‌معممّی‌است ازحوالی‌مشهد که‌بدعوت ارباب ده بدین‌ده آمده و درمسجد آن سکنی گزیده است، ازدوردیف ساختمانی که درمسجد دیده میشود یکطرف اطاق و عبادتگاه مسجد وطرف دیگر چهاراطاق معمولی‌است که مورد استفاده امام جماعت ده است (رجوع شود به‌مسجد درقسمت وضع‌مسکونی) امام‌جماعت تنهامرجع مذهبی اهالی‌است. وی‌نماز پنجگانه را درمسجد گذارده‌ومسجد روندگان‌به‌نامبرده اقتدا مینمایند. علت تمیزبودن‌مسجد دراین‌است که

دروصیت‌نامه ارباب‌بزرگ ده که درماه شوال ۱۳۰۲ قمری‌نوشته شده دربارهٔ مسجد چنین یادآور شده‌است :

«... یک سهم (از شش سهم درآمد طالب‌آباد) بمصرف مسجد و نگاهداری مسجد طالب‌آباد وامام‌جماعت آن ومصرف روضه‌خوانی واطعام درعشراول‌ماه محرم‌ویاعشر بعد درقریه مذکور (برسد) ...».

جنب وجوشی‌درروزهای عادی برای رفتن‌به‌مسجد مشاهده نمیشود، افرادی که هنگام صبح برای ادای نمازبمسجد میروند انگشت‌شمارند ولی‌هنگام نمازظهر و عصر افرادی که برای گذراندن نماز به‌مسجد میروند بچندین برابر صبح میرسند وبهنگام‌مغرب و عشا عده افراد ازآنهم تجاوزمینمایند. معمولاً پس‌ازادای‌نمازامام‌جماعت ده مختصرموعظه‌ای‌برای‌اهالی نموده سپس تجمع افراد خاتمه می‌یابد ولی درماه محرم ورمضان موعظه وبحث مسائل مذهبی ساعت‌ها در مسجد بطول میانجامد.

بهنگام‌عصردهقانان کمتردرمسجددیده میشوندزیرادراین هنگام‌بکاراشتغال‌دارند وحتی درماه محرم که روضه خوانی دربعدازظهر انجام‌میگیرد دهقانان ده کمتر برای شرکت درمراسم روضه خوانی درمحل مسجد دیده میشوند ولی بطور کلی‌رفت‌وآمد به‌مسجد درروزهای معمولی رونقی نداردمگردرماه رمضان‌ومحرم که‌بطور کلی رفت وآمد بیش‌ازماههای‌دیگراست. درشبهای ماه رمضان‌حدود بیش‌ازیکصد نفردرمراسم مذهبی‌مسجد شرکت میکنند ولی‌رفت وآمد درمسجد درماه محرم‌ازلحاظ کثرت جمعیت بمراتب زیادتراز ماه رمضان‌میباشد.

دررابطهٔ متقابل‌مأمورین‌مذهبی بامردم بایستی‌یادآورشد که زندگی‌مادی امام‌جماعت ده طالب‌آبادرا ارباب‌ده تأمین‌مینماید. وبرای‌این‌منظورماهانه‌یکصدوپنجاه تومان پول‌و ۳ من گندم بعنوان‌حقوق بامام‌جماعت ده داده میشودولی گاه‌گاه جنس ویاپول‌اضافی دیگری علاوه‌بر حقوق ماهانه بعنوان‌تعارف ازطرف ارباب برای‌نامبرده فرستاده میشود ازاینرو امام‌جماعت سعی میکندکه هنگام‌موعظه برای افراد حرفی‌نزندکه برخلاف مصالح ومنافع ارباب باشد چون بیم آن‌میرودکه درآن‌صورت حقوقش‌قطع وازده اخراج گردد.

رابطهٔ امام‌جماعت بامردم بسه‌طریق انجام‌میگیردکه عبارتنداز:

اول، هنگام گزاردن نمازجماعت که پس‌ازخاتمه نماز، امام‌جماعت بطور رسمی بوعظ وموعظه میپردازد، دراینصورت شنوندگان سخنانش‌را اارروی ایمان گوش‌میدهند.

رابطهٔ دوم. هنگامی‌است که‌امام‌جماعت‌را بخانهٔ خوددعوت‌نموده‌ویابمنزل‌امام‌جماعت

درمسجد میروند واشکالات مذهبی خودرا باوی درمیان میگذارند و گفته های اورابدون چون وچرا می پذیرند زیراعمیقاً بنامبرده معتقدند.

رابطهٔ سوم هنگامی است که امام جماعت از کارهای روزانه خسته شده بخارج ده میرود ویا دعوتی بدهات اطراف دارد که در طول راه دهقانان با او تماس میگیرند وبیشتر این تماس به مختصراحوالپرسی پایان می پذیرد.

امام جماعت ظاهراً فردقانع وپرهیزکاری است ودرتماسی که مردم بااومیگیرند یادرقبال بیان مسائل مذهبی برای مردم ورفع اشکالات مذهبی آنها هیچگونه انتظارمادی را دارا نیست ولی بی میل هم نیست که مردم بوی احسان کنند وچیزی برسم تعارف بنامبرده پیشکش نمایند. زنها بانامبرده کمتر تماس دارند ونزدیکترین تماس آنها در مسجد بهنگام ادای نماز جماعت است، زنان باامام جماعت کمتر بسخن میپردازند مگر مجبور به سؤال وصحبت کردن باشند واین صحبت هم هنگامی صورت میگیرد که سر و روی زنان بسختی پوشیده است و تنها از میان چادرصدای آنها شنیده میشود.

***

تأثیر مذهب درزندگی مردم

درده طالب آباد مذهب اثرات فراوانی درزندگی روزانه مردم باقی گذارده است، اگربخواهم این اثرات را شمارش کنیم فراوانند ولی پاره‌ای از آنها که بیش ازدیگران جلب نظرمیکنند عبارتنداز:

کلیهٔ زنان باچادر ازمنزل بیرون میآیند وبدانوسیله سراپای خودرامیپوشانند. اگربواسطه عدم توجه قدری چادرشان کنار رفته باشد بمحض مشاهدهٔ مردی ازچندقدمی متوجه خود شده وروی خودراسخت میپوشانند زیرامعتقدند که اگرچشم مردنامحرم باندام وبخصوص بموهای زنی بیفتد آن زن گناه بزرگی را مرتکب شده است. اهالی عموماً غیرمسلمان را نجس میدانند واین نجس دانستن نه ازنظرعدم مراعات بهداشت میباشد بلکه ذات آنهارانجس میدانندواگر کسی مجبورشود به چنین فردی مثلاً یک استکان چای دهد در غیاب شخص استکان را گل مالیده و شسته و آب میکشند.

گوشت پرندگان خانگی وگوسفند وگاو وشتررا حلال دانسته بقیه را حرام میدانند و از ماهی ها فقط یکنوع آنراحلال میدانند. برای آمرزش روح فوت شدگان خیراتی میدهند وحتی برای آنها نماز وروزه وحج هم خریداری مینمایند. به پیشوایان مذهبی فراوان سوگند میخورند. ازمرگ بیش از اندازه میترسند و چون معتقد بزندگی پس از مرگ هستند سعی میکنند مسائل مذهبی

را اجرا نموده و خود را شایستهٔ زندگی بهتری در دنیای دیگر نمایند.

درانجام بسیاری ازکارها استخاره میکنند و درصورت خوب آمدن استخاره آنرا انجام داده درغیراینصورت ازانجام آن سرمی‌پیچند. مهروتسبیح وقرآن بدون‌استثنا درتمام منازل‌یافت میشود ومعتقدند که‌نبایستی‌پای‌افراد رو به‌قرآن درازشود وآنرادرجائی‌قرارمیدهند که چنین‌عملی صورت نگیرد ومعتقدند که هرچندگاهی بایستی‌قرآن‌را باز نموده قسمتی‌ازآنرا خواند زیرا ازقرآن استفاده نکردن گناه فراوان دارد.

***

سازمانهای اجتماعی

اگرتازه‌واردی بده طالب‌آباد وارد شود ودر سراسر ده گردش کند فقط دومحل‌را برای تجمع اجتماعی‌مردم ملاحظه میکند، یکی‌دبستان و دیگری مسجد است که اولی مرکز تجمع کودکان برای تعلیم وتربیت ودومی مرکز تجمع جهت مسائل‌مذهبی است. بصورت ظاهر جز دومحل‌فوق‌محل‌دیگری درده دیده نمیشود که مرکز تجمع وحل وفصل مسائل‌مربوط بده باشد ولی درحقیقت‌افرادی درده هستند که ادارهٔ حکومت ده بعهده آنها و سازمان‌های اجتماعی ده‌را بهرصورت که‌باشد رهبری‌میکنند ودر واقع این‌افراد، افراد گروههای تصمیم گیرنده هستند وخود گروه ذی‌نفوذ ده را تشکیل‌میدهند.

***

اداره حکومت ده طالب‌آبادبدست ارباب ده است که‌خود ساکن‌ده طالب‌آبادمیباشد. دونفر ازاربابان ده طالب‌آباد ساکن‌ده میباشند که یکی‌ازآنها بطوردائم‌باخانواده خود ودیگری درسالهائی که‌اجاره‌داده بوده بیشتر درده بسرمیبرده واکنون گاه‌گاه بده‌میآید،ارباب سوم ده که ساکن تهران‌است گاه‌گاه‌برای‌سرکشی‌بده‌میآید وهرکدام‌درادارهٔ‌حکومت‌ده‌سهمی‌دارند. بطورکلی اربابی که ساکن ده است، سرپرستی‌های متعددی از قبیل عروسی، عزاداری، سربازگیری، حل‌وفصل اختلافات‌را شخصاً بعهده دارد. نامبرده علاوه برکارهای‌فوق کلیه کارهارا ازنزدیک سرکشی وبررسی کرده، حل‌وفصل روابط عمومی‌افراد واختلافات خانوادگی‌را رسیدگی نموده و دستورها وتوصیه‌هائی‌صادر مینماید.

اگر دره مسئله‌ای اتفاق افتد که حل وفصل آن بادست ارباب امکان‌پذیر باشد افراد درصدد جستن ارباب برآمده وهرکجا که اورا بیابند تظلم نموده وداد خواهی را تقاضادارند وبرای این منظور گاه نامبرده را ازخواب بیدارنموده وجریان را به‌اومیگویند با گرفتن قول مساعدی ازنامبرده موضوع پایان می‌پذیرد.

مجری تصمیم مالک معمولاً اولین فردی است که پس ازتصمیم در جلوی ارباب ظاهر شود چنین شخصی صدازده شده وپیغام ارباب توسط نامبرده به‌شخص موردنظر رسیده واحضارمیگردد ویا بمباشرخود دستورمیدهد که خواست اورا اجرا نماید. شدت وضعف مسئله درتندی و کندی تصمیم ارباب دخالت زیادی دارد ونسبت به‌اهمیت موضوع پیغام بر ازبین کودکان تا پیرمردان انتخاب میشوند، البته زنان ازاین قاعده مستثنی هستند.

هنگامیکه ارباب ازکوچه های ده ویادرمسیری حرکت میکند درمسیرش همه‌چیز حل و فصل میشود، زیراچون فرمانده‌ای که ازنظامیان خود سان می‌بیند همهٔ افرادمرتب وآماده ایستاده‌اند، همه افراد طول مسیر بمحض مشاهده ارباب ازجای خود بلند شده وسلام نموده ومؤدب می‌ایستند تاارباب عبورنموده سپس دوباره بحال اولیه بازمیگردند.

ده طالب‌آباد دارای کدخدائی نیست که حل وفصل مسائل بعهده‌اش باشدچون مسائل کدخدائی بعهده ارباب‌است پس نامبرده علاوه برارباب بودن کدخدای ده نیز هست ولی باتمام این احوال مأموراجرای حکومتی ده مباشر ده‌است که زمانی آبیار واکنون سمت پیشکاری ارباب را بعهده دارد. حل و فصل بیشتر مسائل ده مستقیماً و یا با اشاره ارباب بدست مباشر انجام میگیرد وبواسطه انجام کلیهٔ کارها توسط مباشر گاهی نامبرده را کدخدا نیزخطاب میکنند.

(برای اطلاعات بیشتری دراین‌باره به‌ارباب، مباشر، کدخدا ودشتبان درقسمت گروهها وقشرها مراجعه شود).

***

قدرت وسازمان قدرتی

درده طالب‌آباد وتمام‌دهات این‌نواحی قدرت دردست رئیس‌خانوار است که مرد خانواده باشد. رئیس‌خانوار که اورا بزرگتر خانواده نیزخطاب میکنند کلیهٔ امورمربوط بخانواده راشخصاً حل وفصل مینماید. مخارج خانواده زیرنظر وباکنترل اوصورت‌میگیرد. دستورقطعی دستور اواست. زنان درمقابل مردان هیچ قدرتی ندارند اگراندك بهانه‌ای بدست مردبدهند کتک‌مفصلی میخورند ومعمولاً هرچند ماه یکباراین‌موضوع تکرارمیشود.

آبیاران دارای قدرت‌ونفوذ معنوی هستند و دهقانان‌قلباً بآنها احترام میگذارند، قدرت آبیاران در درجهٔ اول‌دربنه خود ودردرجهٔ دوم‌بین‌دهقانان بنه‌های‌دیگر است واکثر وسیلهٔ‌آشتی ومیانجیگری رابعهده میگیرند اگر نزاعی‌درپیش‌باشد درمنزل‌آبیار دعوت میشوند باوساطت آبیار موضوع فیصله می‌یابد.

مرجع رسمی دهات برای‌رسیدگی به‌امور کدخدا است چه کدخدا ازطرفی‌نمایندهٔ رسمی بخشدار وازطرف‌دیگرمورد تأییدمردم ومالک‌است، کاررسمی کدخدا بیشتررسیدگی‌بشکایات مردم، روشن نمودن‌مسئله‌سربازی‌ده، گرفتن‌شناسنامه برای‌متولدین، همکاری‌بامأمورین کشاورزی‌وامثال این کارهااست.

درده طالب‌آباد کدخدابدان‌معنی‌وجودندارد وبیشترمسائل کدخدائی‌را مباشر ده‌انجام میدهد ولی‌بواسطه ساکن‌بودن مالک درده وعنوان کدخدائی‌داشتن‌خود مالک، کلیهٔ مأمورین دولتی‌بجای کدخدا مستقیماً باشخص‌مالک ارتباط دارند. مالک ده طالب‌آباد که‌خود ساکن ده است بزرگترین‌نفوذمعنوی‌وقدرت‌را دردست دارد وحل‌وفصل کلیهٔ‌امور بادست اوصورت میگیرد وکلیهٔ سازمانهای مختلف ده‌را رهبری‌نموده وفرماندهی کارهارا مستقیماً دردست دارد، بجزئیات امور درده وارداست وبکلیهٔ کارها مسلط.

درسالهای اخیر دعوای بزرگی دراین ده اتفاق نیفتاده است اکثردعواها، نزاع‌های خانوادگی‌است که باوساطت مباشر وارباب حل‌میشود. ژاندارم کمتردراین‌ده دیده میشود کمتر کسی ازاهالی‌بژاندارمری‌شکایت میکند زیرا ابتدا شکایت خودرا به‌ارباب مینمایند، ژاندارم‌ها درمقابل ارباب‌ده کمتر عکس‌العملی‌نشان‌میدهند ومعمولاً سروته قضیه‌را بنفع‌مالک بهم میآورند.

***

ژاندارم

پاسگاه ژاندارمری این‌نواحی‌در قلعه‌نو همسایهٔ شمالی ده طالب‌آباد واقع شده‌است. ژاندارم‌ها براثر شکایت دهقانان بده میآیند ودهقانان وحشت خارق‌العاده‌ای ازآنان دارند.

درده طالب‌آباد ژاندارم‌بندرت دیده میشود زیرا کلیهٔ مسائل‌حقوقی واختلافات‌مختلف را مالک‌ده که خودساکن‌ده‌است شخصاً حل‌وفصل‌مینماید ودرغیاب نامبرده مسائل‌راتاحدودی مباشر ده فیصله میدهد.

***

دهیار

بنگاه عمران‌وابسته بوزارت کشور درهراستانی بنام «عمران‌استان» فعالیت میکند. استانهادرشهرستانها حوزه‌هائی‌دارند که بنام «حوزه‌های عمرانی» دردهات بخش‌های شهرستان‌فعالیت میکنند. کارمندانی که ازطرف این بنگاه دردهات فعالیت‌میکنند بنام «دهیار» خوانده میشوند که هردهیارنفوذ فعالیتش‌در ۵ تا ۱۰ ده گسترش‌دارد. دهیاروظیفه‌داردمسائلی‌را برای‌دهقانان‌عنوان‌نماید که ازنظر فرهنگ وبهداشت وچگونگی کشت وبرداشت بهتر برای‌آنها مؤثرباشد، سر دهیار و ارشد دهیار کارهای دهیار را زیرنظردارند وتصمیمات لازم‌را برای‌اجرا باطلاع نامبرده میرسانند.

ده طالب‌آباد دارای دهیاری‌است که خود ساکن غیربومی قلعه‌نواست ودرهفته‌دوبار بده طالب‌آباد آمده بادهقانان تماس گرفته ومسائل‌تازه‌کشت وزرع ومطالب فرهنگی را بدانها میآموزد وتاکنون‌نتایجی‌هم‌بدست‌آورده‌است وبه‌بهداشت عمومی‌ده کمک‌های‌مؤثری‌نموده‌است.

قبل‌از دهیارکنونی‌خانمی‌مأمور این‌ده بود که بیشترجلساتی‌اززنان تشکیل‌داده وبآنها خیاطی‌میآموخت ازقسمت‌های مختلف‌ده دیدن کرده لزوم‌بهترشدن محل‌را برایشان یادآورمیشد واجرای آنرا خواستارمیشد. مثلا بآنها میآموخت که منزل‌خودراهمه‌روزه جارو و گردگیری کنند، ازخوراکیهای‌خود چگونه حفاظت نمایند وبطورخلاصه فعالیت‌های خانم‌دهیار برای نفوذتمدن شهری درده وآشناشدن زنان بزندگی‌شهری‌دارای اثرات مثبتی‌بوده ودهیارمرد هم درآشناساختن مردان باپاره‌ای مسائل‌قابل‌توجه زحماتی کشیده ودراین‌باره پیشرفتهائی نیزداشته‌است.

***

شورای ده

ده طالب‌آباد دارای شورای‌ده نیز میباشد که اعضای آن درحضورنمایندهٔ فرمانداری شهرری انتخاب گردیده‌اند.

اعضای این‌شورا عبارتنداز:

۱ـ کدخدای ده.

۲ـ نمایندهٔ دهقانان که یکنفر ازآبیاران میباشد.

۳ـ نمایندهٔ مالک.

٤ـ حسابدار یاصندوقدار.

۵ـ معتمد محل.

اعضای این شورا دوسال بدوسال تعویض میشوند وهربار با رأی اهالی ازنو انتخاب

میگردند. جلسات شورای ده طالب آباد بندرت تشکیل میگردد و یکسال پس از انتخابات هنوز جلسه‌ای تشکیل نشده بود وشاید هم تا پایان مدت تشکیل نشود زیرا ارباب ویا مالک تصمیمات خودرا بدون وجودشورا انجام میدهند واحتیاجی به‌وجودشورا ندارند شوراهم قادرنیست تصمیمی بگیرد که منافع ارباب رعایت نشده باشد، چه‌هر عضومخالفی بیم‌اخراجش ازده میرود ویااینکه ازآن پس دیگر بعضویت بنه پذیرفته‌نمیشود.

اوقات فراغت

تفریحات عمومی (بازی‌ها)

تفریحات عمومی در ده طالب‌آباد برای زنان و مردان و برای کودکان و بزرگسالان مختلف‌است. برای کودکان‌نه‌تنها اوقات فراغت بلکه‌اکثروقتشان به‌بازی‌میگذرد. بازی‌پسران ودختران‌بعضی‌مشترك وبرخی‌بکلی ازهم جدااست. طناب‌بازی، کوربازی‌اکردوکر، عروس‌بازی وعروسک‌بازی ازبازیهای منحصردختران وبازیهائی چون پنجره، داجوال، سنگ تق‌تقه، قایم باشک، گرگم‌بهوا، دوزبازی، ریگ‌بازی، یک‌قول‌دوقول، ریگ‌تودامن، ازبازیهای مشترك پسران ودختران‌است. بیشتر بازیها دربین کودکان وخردسالان مشاهده میشود ولی‌بازیهای چندی نیز مشاهده میشودکه جوانان ده‌بدان مبادرت میورزند مانندالک‌دولک، جفتک چارکش، ترنابازی کلاه بردونک وامثال آن.

درمورد بیان تفریحات عمومی قبل‌از هرچیز بازیهای ده مطرح است که بعضی ازآنها جنبهٔ محلی وبرخی بامختصر تفاوتی‌درنقاط دیگرهم مشاهده میشوند که بشرح یکایک هرکدام میپردازیم:

***



کودکان ده طالب‌آباد به‌سؤالات نگارنده درمورد بازیها جواب میگویند.

***

آفتاب‌مهتاب‌چه‌رنگه

بازی آفتاب مهتاب چه‌رنگه. تمرین و ورزشی‌است بین دونفر، دونفر تقریباً هم‌سن پشت به‌یکدیگر ایستاده بطوریکه کاملاً بیکدیگرمیچسبند، آنگاه یکی‌ازآنهادودست خودرا ازطرفین‌باز کرده ونفردیگر دستهای‌خودرا اززیر دست نفراول گذرانیده وقفل‌مینمایند.

دراین‌حالت یکی‌ازآنها خم‌شده وباخم‌شدن یکنفر، نفردیگر پایش اززمین بلند شده و بطور طاق‌باز درپشت‌نفر اول‌قرارمیگیرد ودراین‌حالت نفرخم‌شده میپرسد:

«آفتاب مهتاب چه‌رنگه» نفردیگرکه در رو قرارگرفته جواب میدهد:

«سرخ وسفید دورنگه».

سپس‌نوبت عوض‌میشود یعنی‌نفر رو درزیرقرارگرفته ونفرزیربطورطاقباز دررو قرارگرفته مجدداً سؤالهای فوق‌تکرار میشود وبهمین‌ترتیب دفعات متعدد بازی‌ادامه می‌یابد.

***

دوزبازی

دوزبازی بین‌دونفر انجام‌میگیرد، بدین‌ترتیب که هریک دوازده ریگ یا شیئی کوچک‌را برداشته‌بطوری که‌رنگ‌ریگ یاشیئی هربازی کن‌ازدیگری مشخص‌باشد وبآسانی‌تشخیص‌داده شود مثلا یکی‌پوست تخمه و دیگری تکه‌کاغذ را انتخاب مینماید.

روی زمین باخطوطی چهارگوش سه مربع درداخل هم ترسیم میکنند. هریک بنوبت

یک‌یک در نقاط تقاطع خط‌ها شیئی خودرا میگذارند، اگر بازی کن طوری ترتیب چیدن ریگهای خودرا داد که سه‌عدد آن دریک‌خط‌مستقیم قرار گرفت نامبرده برنده بازی‌است که‌ممکن‌است‌بازی سرشرطی‌باشد. مثلا اگر سه‌نقطه‌پشت‌سرهم ردیف شد ردیف کننده برنده بازی شناخته میشود.

***

ریگ بازی

ریگ‌بازی بین‌دونفر صورت میگیرد و معمولاً بازی کودکان وخردسالان است بدین‌ترتیب که دونفرهر کدام پنج‌عددریگ برداشته جمعاً ده عدد ریگ‌را باهم مخلوط نموده ویکنفر آنهارا درمشت گرفته آنها را در حدود پنج‌تا ده سانتیمترآهسته بهوا پرتاب‌نموده دست خودرا گردانده هنگام فرودآمدن ریگ‌هابا‌پشت دست ضربه‌ای به‌ریگ‌ها زده وآنهارا پخش‌مینماید.

هنگامیکه ریگها روی‌زمین پخش‌میشود بین‌هردوریگ فاصله‌ای ایجادمیگردد، آنگاه بطوری که ریگ‌ها تکان‌نخورند باانگشت خود خطی‌بین هردوریگ کشیده و یکی‌از دوریگ را بطرف ریگ دیگر باانگشت خود میلغزاند بطوریکه ریگ اولی بدومی بخورد، اگرخورد برندهٔ یک ریگ میگردد وهمین کاررا مجدداً ادامه میدهد و الا بازی‌را بدیگری واگزار مینماید ولی اگرهنگام‌خط‌کشی یکی‌ازریگها تکان‌خورد ویاهنگام زدن دو ریگ بهم یکی‌از ریگها به‌ریگ سومی‌خوردبازی کن‌سوخته‌ودیگری‌بازی‌را شروع میکند. بااین‌ترتیب‌تابازی پایان یابد هر کسی بیش‌ازپنج‌عدد ریگ خودرا برنده شود بتعداد بیشتر بردن، بدیگری پشت‌دستی‌میزند.

***

لی‌لی

بازی لی‌لی‌بیشتر دربین کودکان‌بعنوان‌مسابقه‌برگزار میشودبدین‌ترتیب که دویاچند نفر شرط بندی‌نموده که کدام‌یک بیشترمیتوانند لی‌لی کنند، بازی بدین‌ترتیب آغازمیشود که داوطلبان‌ازنقطهٔ مشخصی‌درطول‌مسافتی لی‌لی کنند(یعنی‌یک‌پا را بلندنموده وباپای‌دیگر بطورجست وخیز ویک‌پائی‌حرکت‌کنند واولین کسی که نتواند تعادل‌خودرا حفظ نماید وپای‌دیگرخود را روی‌زمین گذارد بازنده است وبرنده کسی‌است که بیش‌ازدیگران مسافت موردنظر را لی‌لی کند.

***

داوطلبان بازی دایره شکل دورهم می‌نشینند ویکنفر بنام اوسا ازبین خود انتخاب میکنند ، ابتدا اوسا انگشت سبابه دست راست خود را در مرکز دایره‌ای که نشسته‌اند گذارده سپس تمام بازی کنان هم انگشت سبابهٔ خودرا درکنار انگشت اوسا گذارده پس‌از قراردادن تمام انگشتان در کنار انگشت اوسا بازی آغاز میگردد .

اوسا[1] بدوش

***

«اوسا بدووو...ش»

اوسا این کلمه‌را گفته انگشت خودرا ازمرکز دایره تا نزدیک پای خودش میکشد و دیگران هم ازاو تقلید کرده همین کاررا میکنند .

سپس اوسا انگشت‌خودرا درجای اول گذارده ودیگران هم‌همین کاررا کرده واین‌جمله توسط اوسا گفته میشود .

«زن اوسا ندووو...ش»

ومجدداً اوسا دست خودرا میکشد ودیگران‌هم ازاوتقلید میکنند، سپس‌مجدداً انگشت خودرا درمرکزدایره گذارده بسرعت میگوید:

« کلاغ پر»

پس‌ازادای این کلمه اوسا بسرعت دست خودرا بلند کرده و چون کلاغ پردارد همه دست خودرا بلند میکنند واوسا مجدداً نام‌پرندهٔ دیگری‌را بزبان میاورد مانند :

« گنجشگ پر»

اوسا مرتباًنام‌پرندگان‌را برده‌دست‌خودرا بسرعت‌بلند میکند وهمه هم‌ازاو تقلیدمیکنند، اوسا پس‌ازاینکه بازی کنان‌را خام کرد وببازی سرعت‌داد ناگهان‌میگوید:

« دیگ پر»

وبسرعت دست خودرا بلند میکند ودیگران‌هم فراموش کرده‌که دیگ پرندارد دست خودرا بلند میکنند ویابعضی‌ها متوجه شده دست خودرا بلند نمیکنند .

هرکس که ندانسته دست خودرا بلند کرد دیگران به‌اوخندیده اورا گرفته و دروسط جمع‌خود میخوابانند ودسته‌جمعی بادست به‌پشت اوزده میگویند:

۱ـ کلمهٔ «اوسا» همان«استاد»یعنی‌باتجربه‌ترین فرد درهرکاری‌است ولی‌درقسمت‌بازیهای کتاب بصورت تلفظ محلی‌اش‌ضبط شده‌است زیرا بابکاربردن استاد، بازی درمحل‌شناخته نمیشود .

«تاپ تاپ خمیر» «شیشه پر پنیر» «دست کی بالا»

البته پس از گفتن «دست کی بالا» یکنفر دست خودرا بلند میکند بطوریکه فرد سوخته نمی‌بیند، آنگاه اگر اسم کسی‌را که دستش بالااست توانست بگوید اورا رهامیکنند و الا او را قدری قلقلک میدهند وپس ازقدری دست وپازدن والتماس کردن اورا رها کرده بسراغ سوختگان دیگرمیروند وپس ازاتمام سوختگان بازی مجدداً آغازمیگردد.

***

بازی پنجره

عده‌ای داوطلب بازی میشوند، بازی کنان ابتدا دونفررا ازبین خود انتخاب مینمایند. این دونفر روی‌زمین درمقابل هم نشسته پاهای خودرا درازکرده درمقابل هم قرارمیدهند بطوریکه پاهای‌طرفین ازهم هیچ فاصله‌ای ندارد وکف یک‌پا ازهرطرف بهم‌چسبیده‌است بطوریکه سطح کف پا عمود برسطح زمین قرار میگیرد. تمام‌یاران بایستی بایک جهش ازروی پای نشستگان بپرند، دفعهٔ دوم که بازیکنان میخواهند باردیگر بپرند یکنفر ازنشستگان پای‌دیگرخودراعمودی روی‌پای نفراول میگذارد وافرادبایستی ازروی آن‌هم بپرند، بهمین‌ترتیب پس‌از سه بار پرش کف پاها وسپس پنجه یکدست خود را ازهم بازکرده روی‌پاهاقرارمیدهندبهمین‌ترتیب چهارپنجه هم‌برروی چهارپا عمودی‌اضافه‌میشود وبازیکنان بایستی‌بپرند ودرواقع دونفر نشسته پنجره‌ای بادست و پای خود میسازند که بایستی بازیکنان درهرنوبت ازروی آن بپرند.

البته درحین‌پرش هریک ازپرندگان که پایش به‌دست یاپای دونفرنشسته خورد که بادست وپای خودپنجره‌ساخته‌اند، آن‌فرد سوخته وبازی ازنو تکرارمیشود وهمیشه‌بایستی‌ارتفاع پرش‌طوری باشد که تصادمی بین‌پاهای نفر پرنده ودست وپای دونفرنشسته ایجادنگردد.

***

گرگم بهوا

عده‌ای ازافراد خردسال داوطلب بازی میشوند، معمولاً دختران وپسران باتفاق مشغول بازی‌میشوند، درابتدا شخصی‌را بنام گرگ انتخاب نموده ودرآن محوطه بازی همه‌از اومیگریزند، گرگ بایستی‌مرتب عقب بازی‌کنان دویده وسعی‌او ازاین‌دویدن این‌است که دست خودرا ببدن‌هریک ازبازی کنان که‌امکان داشت بزند وبازی کنان باین‌طرف وآنطرف دویده تااین کارعملی‌نشود.

اگرگرگ دستش بهریک از بازی کنان خورد گرگ جزء بازیکنان شده و فرد جدید گرگ شناخته میشود ودرمحوطه این‌بازی محل‌هائی‌یافت میشود که‌کمی ازسطح عمومی‌زمین

بلندتراست که دراین بازی «هوا» نامیده میشود وبازی کنان قبل ازاینکه گرگ بآنها برسد بروی این برجستگی ها پناه میبرند وپس ازاین عمل دیگر گرگ از زدن آنها خودداری میکند وبازی کن دیگری را دنبال میکند و پس ازاینکه بازی کن بروی هوا رفت و گرگ از تعقیب او دست کشید بمجرد برگشتن گرگ بازی کن مزاحم اوشده واورا دست میاندازد وازهرطرف فریاد میزنند:

«گرگه زن شده ، ها بیا»

«مثل من شده ، ها بیا»

این شعر ازهرطرف خوانده میشود، ازهرطرف ادای گرگ را درمیآورند وباوحمله میکنند وسر وصدای زیادی براه میاندازند تااینکه گرگ یکنفررا بادست بزند و گرگ عوض شود ومجدداً بازی بهمین نحو ادامه می یابد.

***

گرگم وگله میزنم

عده‌ای از کودکان دختر وپسر داوطلب بازی میشوند و یکنفر را بعنوان گرگ ازبین خودانتخاب مینمایند، آنگاه یکنفر ازبین بازیکنان که ازدیگران زرنگتر وکاردان‌تر و بزرگ جثه‌تراست بسرداری بازی انتخاب میشود و جلوی همه میایستد ودیگران پشت سر اوصف کشیده وهرکدام پشت کت یا پیراهن نفرجلوئی خود را محکم بدست میگیرد، گرگ درجلوی سردار ایستاده وبااو گفتگورا آغازمیکند وبین گرگ وسردار چنین مکالمه آغاز میگردد.

گرگم وگله میزنم	چوپون دارم، نمیزارم
کـارد مـن تیزترِ	دنبهٔ من لذیذ‌تر
من میبرم خوب‌خوبش	من نمیدم پشکلش
خونه‌خاله ازاین‌ورِ	ازاین ورِ
ازاین ورِ	ازاین ورِ

گرگ اشاره بیک سمت سردار نموده میگوید خانه خاله ازاینطرف‌است، سردارمیگوید خیر ازاینطرف‌است وبادست طرف دیگررا نشان میدهد، آنگاه گرگ بصف بازی کنان ازهرطرف حمله مینماید و سردار درصدد جلوگیری از او برمیآید، گرگ بهرطرف که حمله کند بازی کنان ازآن محل میگریزند وسردار بهرطرف که برای جلوگیری گرگ تغییرجهت دهد تمام بازی کنان بدنبال او بدانسو تغییرجهت میدهند.

بازی بهمین ترتیب ادامه می‌یابد تا گرگ یکی یکی بازی کنان را گرفته ازصف جدا کرده



دربازی گرگم و گله میزنم، کلیهٔ بازیکنان صفی تشکیل داده وهر کدام پشت کت یا پیراهن نفرجلوئی خودرا گرفته وسردارآنها که جلوترازهمه قراردارد درمقابل گرگ به رجزخوانی میپردازد که قدرت نداری گوسفندان مرا دستگیر کنی گرگ هم نهایت تلاش خود را نموده یک‌یک گوسفندان را گرفته تابازی بپایان رسد.



کودکان ده طالب‌آباد تقاضای نگارنده را پذیرفته وبرای مشاهده وثبت به‌بازی پرداختند.

وآنهارا درمحلی جمع میکند ودرهرنوبت حمله اشعارفوق را میخواند وجواب میشنود تایاران پشت سردار تماماً بدست گرگ اسیرشوند وپس ازآن بازی ازنو آغازمیگردد .

***

قایم باشک

ببازی قایم باشک بیشتر کودکان علاقه میورزند، برای بازی عده‌ای داوطلب میشوند ودایره‌وار بدوریکدیگر می‌نشینند، یکنفر ازآنها که معمولاً ازلحاظ سن بزرگتراز دیگران است سه‌قطعه سنگ کوچک (ریگ) را که بزرگترین آنها بیش از دو سه گرم وزن ندارد بدست گرفته وبه‌بازی کنان نشان میدهد، این سنگها معمولاً ازلحاظ رنگ و حجم با یکدیگر اختلاف دارند و بازی کنان بسهولت میتوانند آنهارا از یکدیگر تشخیص دهند .

استاد بازی ابتدا سنگ بزرگتر از همه را نشان داده میگوید : این چی ، خود میگوید «**گاوك**» بعدآنرا درمشت خود پنهان نموده سنگ دوم را نشان داده میگوید: این چی، «**گوساله**» سپس آنراهم درمشت خود پنهان مینماید، دفعه سوم آخرین ریگ را بیرون آورده میگوید: این چی «**فی نگیلی**» آنرا هم نشان همه داده و پنهان مینماید ، سپس هرسه را درمشت خود بهم زده و تکان تکان داده بطوریکه دیگران متوجه نشوند یکی ازآن سه را درمشت بسته راست خود گرفته بافرادی که درکنار او نشسته‌اند روکرده مشت خود را درمقابل اولین فرد درکنار راست خود گرفته میگوید: «گاو ، گوساله یا فی نگیلی»

آن شخص یکی ازاین سه نام را بمیل خود وشانسی میگوید ، اوسا بدون بازکردن مشت خود، همین سؤال را ازنفر دوم ، سوم و. . . نموده سپس درحضور همه مشت خود را باز نموده، افرادی که راست گفته‌اند برده وازجمع آنها خارج شده وبازی برای بقیه افراد تکرارمیشود وتکرار تاآنجا طول میکشد که یکنفربازنده بماند .

آنگاه اوسا چشم نفر آخر بازنده را گرفته بطوریکه هیچ کجارا نمی‌بیند، هنگامیکه اوسا چشم نفر آخررا گرفته‌است خطاب بدیگران چنین میگوید:

«قایم باشک آسه برو آسه بیا، که گربه شاخت نزنه، سربه‌سوراخت نزنه قایم باش»

درمدتی که اوسا این کلمات را ادا میکند بازی کنان همگی بایستی درمحلی خود را مخفی نمایند، پس ازقایم شدن همه، اوسا که دید همه قایم شده‌اند چشم، چشم گذاررا بازکرده، نام افرادی که قایم شده‌اند یک‌یک ازچشم گذارسؤال نموده که فلانی درکجاست اوهم نام محلی درآن حدودرا میگوید مثلا میگوید فلانی در راه‌آب است، اوسا باصدای بلند آن شخص را صدازده

اگرراست گفته بود که میگوید راست گفتی اگردروغ گفته بود بایستی بآن فرد کولی بدهد، پس از اینکه شخص چشم گذار همه افراد را صدا زد و معلوم شد چندنفر بایستی ازوی کولی بگیرند، کولی گیرندگان یک‌یک جلوآمده درحضور اوساسوار چشم گذارشده چشم اورا باردیگرمی گیرند. اوسا انگشتان خودرا جلوی چشم اوگرفته میگوید قیچی یا سوزن (قیچی یعنی دوانگشت بصورت هفت، سوزن یعنی تنهایک‌انگشت).

فرد چشم گذار بایستی اجباراً بگوید قیچی ویاسوزن، اگرراست گفت سوارشونده پائین میآید اگردروغ گفت بازهم ازاوسؤال میشود بهمین ترتیب تاآخر، وچشم گذار به‌یک‌یک‌برندگان بایستی بترتیب فوق کولی دهد، پس ازپایان، دومرتبه بازی ازنو آغازمیگردد.

***

اتل متل توتوله

بازی اتل‌متل توتوله مخصوص اطفال است، برای انجام این بازی چند کودک نشسته پاهای خودرا درازنموده یکی ازآنها که گاه ممکن است مادرخانواده باشد در مقابل پاهای دراز شده کودکان نشسته این اشعار را باصدای آهسته میخواند.

اتل متل توتوله — گاو حسن چه جوره
نه شیرداره نه پستون (پستان) — شیرش وبردن هندستون (هندوستان)
یک زن کردی بستون
اسمشو بگذار عم‌قزی — دورکلاهش قرمزی
هاچین و واچین — یک پات و ورچین.

هنگام ادای این اشعار که باآهنگ خوانده میشود درازاء ادای هرسیلابی مادرخانواده یاهرفرد دیگری که سمت بازی‌دادن کودک را دارد کف دست خودرا خیلی‌آهسته بروی یکی‌از پاهائی که درکنارهم درازکشیده شده میزند وباادای آخرین کلمه شعرکه «ورچین» باشد دست روی پای هرکس‌خورد آن‌فرد پای خودرا جمع‌میکند واشعارفوق مجدداً ازآغاز خوانده میشودتا پاهای کلیهٔ بازی کنان یک‌یک برچیده شود.

***

بازیهای با سنگ

لَپّرلَپّر

دویاچندنفر ازکودکان داوطلب بازی شده وهرکدام از آنها تکه‌آجری برداشته که لپر مینامند، لپرها معمولاً از آجر سنگ انتخاب شده و سعی میکنند چرخی‌باشد، بازی‌کنان برای شروع بازی درنقطه‌ای می‌ایستند، توسط تریاخشک معین میکنند که اولین بار چه کسی‌بایستی‌بازی‌را شروع کند نفراول لپر خودرا درفاصلهٔ چهارپنج‌قدمی جلوی‌خود پرتاب میکند وبازی آغازمیگردد، نفردوم هدفش‌این‌است که لپرخودرا به‌لپر اول‌بزندوبهمین منظورلپرخودرا بسوی‌لپر نفراول‌پرتاب میکند که‌اگرلپرش به‌هدف اصابت کرد نفر اول نزد اوآمده از نقطه‌ای که ایستاده سوارنفر اول شده تامحل لپر خود کولی میگیرد، ولی‌اگر نخورد نفرسوم بهمین‌منظورسنگ خودرا پرتاب میکند اگر به‌لپراولی خورد نفر اول کولی‌داده ونفرسوم‌پس‌ازکولی گرفتن درصدد برمیاید که لپر نفردوم‌راهم زده ازاوهم کولی بگیرد ولی اگرنخورد نفربعدی بازی‌را آغازمیکند، بهمین‌صورت بازی‌ادامه می‌یابد.

یکنوع لپرلپرهم هست که درحال حرکت طولی بازی میکنند، دراین بازی لپرها حتماً گرد انتخاب میشوند وهنگامیکه یکنفر قصد زدن لپردیگری‌را دارد لپر خودرا طوری رها میکند که لپر روی‌زمین درحال‌چرخش جلومیرود وازلپر نفراول جلوتر میرود، اگر به‌لپر نفراول خورد فاصلهٔ بین‌محل‌ایستادن ولپرخودرا کولی‌میگیرد ولی‌اگرنخورد نفراول این‌تصمیم‌را بقصد کولی گرفتن اجرا مینماید وضمن‌بازی وکولی گرفتن، حرکت طولی بقصد رفتن به‌محلی‌را مینمایند.

* * *

یک دوک

بازی یک‌دوک یادوکی‌بدین‌ترتیب است که پاره‌آجری که باندازه وشکل تخم‌مرغ است در روی زمین میکارند و درفاصلهٔ چهارپنج قدمی‌آن خطی کشیده وبازی‌کنان که عدهٔ آنها به‌۴-۵ نفر میرسد هریک پاره‌آجری‌بنام لپر برداشته باتریاخشک ترتیب جلو وعقب‌بازی کردن خودرا میدهند.

نفراول بازی‌را آغازمیکند بدین‌ترتیب که لپرخودرا بقصد زدن‌به‌دوک پرتاب میکند. اگر بدوک‌خورد دوک ازجائی که کاشته شده حرکت میکند، مقدارحرکت دوک را باکف پا پی میکنند ومجدداً دوک‌را سرجای اولش میکارند ونفرهای بعدی بازی‌را آغازمیکنند، پس‌از بازی کردن همه بازی‌کنان، باردیگر نوبت بنفر اول‌میرسد، دراین‌دور نفراول لپر خودرا به‌یک‌یک لپرها زده دوباره لپرخودرا بدوک میزند البته بایستی این کار بدون سوختن انجام گیرد والا نفر بعدی بازی خودرا آغازمیکند.

هربار که بازی کننده‌ای لپر خود را بدوك بزند محل حرکت دوك با کف‌پا اندازه گیری میشود وپس از ۲ پی‌شدن یکدورهم بازیکن برنده لپرخودرا به همهٔ لپرها زده بازیش تمام میشود ودیگران بازی‌را ازنو آغازمیکنند و شمارش کردن حرکت دوك باردیگر ازیک شروع میشود و برده‌های قبلی ازبین‌میرود، بهمین ترتیب تا یکنفرباقی‌بماند که فرد بازنده‌است.

آنگاه درمحل های‌دوك لپرهای بازی کنان‌را چون دیواری درکنارهم‌چیده و فرد اول دوك را باشست پای برهنهٔ خود گرفته بسمت مقابل‌لپرها با قدرت هرچه بیشتر رها میکند وفرد بازنده‌هم درمقابل‌اوایستاده تاازدورشدن بیشتردوك جلوگیری کند. بازنده دوك رابرداشته‌بطرف لپرها پرتاب‌میکند اگردوك به‌یکی‌ازلپرها خورد ولپرازحالت‌ایستادگی‌افتاده فرد برنده دوم‌بجلو میآید وگرنه فرد برنده اول عقب‌عقب‌رفته وبازنده بطرف اومیدود و هرکجاکه به‌او رسید دست خودرا به‌برنده زده اوراکول‌نموده تامحل لپرها میآورد وسپس نفر برندهٔ بعدی بازی را بهمین‌ترتیب ادامه میدهد ، بهمین صورت کلیهٔ برندگان ترتیب بالا را اجرا نموده و بازی از نو آغاز میگردد.

***

پنج دوك

عده‌ای‌پسربچه که معمولا سن‌آنها ازه ۱سال تجاوز نمیکند داوطلب بازی میشوند (۳تا۵نفر) وهریک پنج قطعه سنگ باندازهٔ تخم‌مرغ بنام دوك باتکه آجری بنام‌لپر برمیدارند، محلی‌را انتخاب نموده ودوکهای خود را بشکل کله‌قند درآن‌محل رویهم‌می‌چینند، توسط تریاخشك ترتیب جلو وعقب‌بازی کردن‌بازی‌کنان داده میشود ، بدین‌ترتیب نفراول بازی‌را آغاز میکند بدین‌ترتیب که درچهارپنج قدمی دوك هادرمحل‌معین‌شده‌ایستاده ولپرخودرا بقصد متلاشی کردن دوکها پرتاب میکند، اگرلپرش بدوك ها برخورد نکرد نفر دوم و بهمین‌ترتیب تا آخرین‌نفر شروع ببازی میکنند ولی‌اگر لپری بدوك ها برخورد کرد دوك ها ازمحل‌اولیهٔ خود باطراف پاشیده‌میشوند. آنگاه‌هردوکی که‌ازمحل اولیهٔ خود پنج‌پی (فاصله‌ای باندازهٔ پنج‌برابرطول کف‌پا) براثربرخورد لپربدان تغییرمکان‌دهد متعلق به‌زننده خواهد بود وزننده پس‌ازبرداشت دوکهای‌فوق مجدداً لپرخودرا برداشته‌بدوکها میزند وتاهنگامی کاررا ادامه میدهد که دیگرنتواند دوکی‌را ببرد و یافاصلهٔ تغییر مکان دوك کمترازپنج‌پی باشد، آنگاه نفربعدی بازی‌را آغازمیکند، پس‌از پایان بازی جمیع بازی کنان بار دیگرنوبت بنفراول‌میرسد، بهمین‌ترتیب بازی تاپایان ادامه می‌یابد. درپایان هرکس‌میبایستی حداقل پنج‌دوك برده باشدواگرکسی کمترازآن برده بود بایستی‌دربرابرهردوکی یک‌عدداردنگ

ازبرنده‌اضافی دوك هابخورد یعنی‌بازنده‌ایستاده وبرنده بتعداد کسری های‌دوك های اوبه‌اواردنگ زده وبازی مجددا تکرارمیشود .

***

بازیهای باچوب

الك دولك

داوطلبان بازی یارگیری کرده وبدو دسته مساوی تقسیم میگردند ابتدا با شیریا خط ویاتریاخشک معین‌میکنند کدام دسته دربالا وکدام‌دسته در پائین بایستی‌بایستند . (منظور ازبالا محلی‌است که الك‌را میزنند ومنظور ازپائین محلی‌است که الك‌را میگیرند) . بازی کنان درمحل بالا نقطه‌ای را انتخاب نموده دویا چهارقطعه سنگ‌را بشکل‌اجاقی رویهم گذارده و چوب کوتاهی که حدود ۱ سانتیمتر طول دارد سر اجاق‌میگذارند که الك نام‌دارد وباچوبدستی که حدود یکمتر طول دارد وبنام دولك نامیده میشود بدست گرفته یکسرآنرابزیراجاق برده سر دیگرآنرادردست گرفته ناگاه‌باضربه‌ای توسط‌دولك الك‌را بهوا پرتاب کرده وبا دولك هرچه‌محکمتردرحالی که الك درهواست زیرآن‌زده میشود، اگردولك به‌الك نخورد زننده سوخته وکنار میرود ولی اگر دولك بالك خورد الك در طول بهواپرتاب‌میشود . بازی کنانی که‌درقسمت پائین ایستاده‌اند منتظرهمین‌الك هستند ومصمم‌اند الك‌را روی‌هوا بگیرند وبدین‌منظور همه چشم به‌الك دوخته ودستهای خودرا آماده گرفتن آن میکنند وبرخی کت خودرا وارونه پوشیده ودامن کت‌را چون‌سفره‌ای گسترده که الك درآن‌بیفتد اگرپائینی‌ها موفق‌شدند الك‌را روی‌هوا بگیرند میگویند «بُل» گرفته‌ایم وبالامیآیند وبالائی‌ها پائین‌میروند یعنی‌جای خودرا عوض‌میکنند واصولاً هنگام‌بازی‌این‌جمله تکرارمیشود:

«بُل بگیر بالا بیا»

ولی‌اگر نتوانستند بل‌بگیرند دولك‌را درکناراجاق بطوریکه یکسرآن متصل به‌اجاق است روی‌زمین گذارده، ازقسمت پائین الك به‌قصد خوردن به‌دولك رها میگردد اگرالك به دولك نخورد دوباره الك زده میشود ولی‌اگرخورد طرف سوخته وکنارمیرود و یاردیگر شروع بزدن الك مینماید .

بازدن هرالك یکی‌ازیاران سوخته زنده میشود واگر تمام یاران و یا هریار سوخته‌ای زنده شد اجازهٔ زدن مجدد الك‌را دارد اگرهمه‌یاران زنده شدند والك زدن بازهم ادامه یافت بازدن هرسه الك یکنفر بایستی ازپائین بالاآید ویکنفر ازبالا سوارآن شود وآنقدر ادامه می‌یابد

تابالائی‌ها بسوزند ویاپائینی‌ها بل بگیرند و دراینمورد هرالکی‌را میگویند الکاتی ، دولکاتی ، الک کول‌است . ازقوانین این بازی این است که دردوسه قدمی ازاجاق، سنگی‌را بنام نشانه گذارده و «مُرده» مینامند وشدت ضربهٔ الک بایستی بقدری باشد که الک ازاین‌مرده رد شده و الا زنندهٔ الک میسوزد و کنارمیرود . اگرزننده الک طوری به‌الک ضربه واردآورد که الک بالای‌سربازان خودشان بالارود ویاران خود بل بگیرند همهٔ یاران مرده یکباره زنده میشوند . اگر بادولک‌الک‌را بهوا اندازند وضربه‌ای باآن زده نشود یعنی چوب بقصد خوردن به‌الک حرکت نکند بار دیگر اجازهٔ ضربه‌زدن دارد وجزء سوختگان محسوب نمیگردد واین‌عمل‌را میتواند تا چندین‌بار تکرار کند . این نوع الک‌دولک به‌الک‌دولک سر سنگی‌مشهوراست درمقابل الک‌دولک سردستی که الک را بجای سر اجاق گذاردن بدست چپ گرفته با دست راست بدان ضربه میزنند و مخصوص خردسالان است .

***

الک دولک زوئی الک دولک‌زوئی نوع دیگری ازاین‌بازی‌است بدین‌ترتیب که دونفر اوسا هریک برای‌خود سه تاچهار یار گرفته توسط شیر یاخط و یا تریا خشک معین‌میکنند دولک‌والک ابتدا بدست کدام‌یاران باشد، پس‌ازاین‌انتخاب دولک والک‌را یکی‌ازیارانی که الک‌دولک دردست آنهااست بدست گرفته و رو به‌اوسای طرف دیگر کرده میگوید:

«گیلان، گیلان» درجوابش گفته میشود «گوجه گیلان»

دراین هنگام فردی که الک ودولک‌را دردست دارد، دولک را طوری در دست خود گرفته که حدود ۲سانتیمتر آن روبالااست والک‌را روی مشتش درکنار دولک قرارداده بایک تکان‌دست الک‌را بهواپرتاب کرده باسر . ۲سانتیمتری دولک ضربه های آهسته‌ای به‌الک میزنند ودیگران‌میشمارند وبقدری ضربه‌زدن‌ادامه می‌یابدتاالک بزمین بیفتد یعنی هربارکه الک‌بخواهد بزمین بیفتد بازدن ضربهٔ دیگرالک بهوا پرتاب میشود مثلاً اگرتوانست سه‌بار به‌الک ضربه‌بزند اجازه دارد درطول‌مسافتی‌سه‌الک چپ وسه‌الک راست بزند، (الک‌راست یعنی‌زدن الک‌بدلخواه دراینمورد الک‌را بدست چپ گرفته آزادنه رها میکنند وضربهٔ‌محکمی‌بادست راست بدان میزنند ولی‌برای زدن الک‌چپ،الک‌را بادست چپ‌بطورمعکوس‌درمقابل‌سینه گرفته بادست راست‌دولک را بسمت دست چپ بموازات سینه گرفته به الک میزنند و در اینمورد ضربه‌ای که به‌الک وارد میشود خیلی کم‌است) .

پس‌ازاتمام الک‌زدنهای نفراول ، نفردوم و نفرات بعدی شروع به الک‌زدن بترتیب فوق مینمایند، بهمین ترتیب تمام یاران یک‌دسته، الک میزنند ودرتمام‌مدت الک‌زدن یاران پائین مواظب بل گرفتن هستند، اگربل گرفتند جای‌بازی کنان‌عوض‌میشود ودرصورت بل نگرفتن بایستی مسافتی‌را که توسط الک‌زدن پیموده‌اند یاران پائینی‌بدون‌قطع‌نفس زو بکشند و نفر اولی که زو میکشد زو کشیدن‌را چنین‌آغازمیکند:

«الکم، دولکم، چرخ وفلکم، نون ونمکم، علی‌میگه زووو. . .»

این‌فرد آنقدر زو کشیده میدود تانفسش‌قطع گردد، آنگاه فرد دیگری از یاران آنها کار زو کشیدن‌را ادامه‌میدهد تابه‌محل‌شروع حرکت برسند، اگررسیدند جای بازیکنان‌عوض میشود ولی اگر مقداری ازمسافت ماند ، مسافت مانده را یاران پائینی بایستی‌بیاران بالائی کولی‌دهند تاجای‌آنهاعوض‌شده وبازی مجدداً آغازگردد.

***

الک دولک چرِ چری

الک دولک چرچری بین‌دونفر صورت میگیرد ، بدین‌ترتیب که یکنفر در حالیکه الک ودولکی‌دردست‌دارد ایستاده وشخص‌دیگر داوطلب‌بازی‌هم دریک‌قدمی درمقابل‌او میایستد، شخص الک بدست چند بار الک را به دولک زده تصمیم‌دارد الک‌را درفاصلهٔ دوسه قدمی خود پرتاب‌کند، شخص مقابل‌هم کوشش دارد جلوی پرتاب الک‌را گرفته تا الک درفاصلهٔ نزدیکتری نسبت بدولک بیفتد ، درهرصورت شخص الک دولک بدست باحیله وتزویر پس‌ازخام کردن طرف بالاخره الک‌را ازطرفی پرتاب میکند. پس‌ازپرتاب کردن به‌شخص‌مقابل‌میگوید، «میچری».

اگرفاصلهٔ بین‌الک ودولک ازجائی که شخص ایستاده کم بود طرف میگوید «میچرم» درنقطه‌ای که فرد اولی‌بادولک ایستاده ته‌دولک‌را بزمین گذارده بطورعمودی آنرا بادست‌خود نگهمیدارد، نفردوم از نقطه‌ای که الک افتاده خطی کشیده روی زمین میخوابد بطوریکه پنجهٔ پایش‌درجای خط کشیده‌الک قرارمیگیرد وسعی‌میکند بادست خود بطور خوابیده الک‌را بدولک بزند، اگرتوانست بدین‌ترتیب الک‌را بدولک بزند جای آنها عوض‌میشود وبازی بهمان‌ترتیب ادامه‌می‌یابدولی‌اگر فاصله زیاد بود طرف میگوید «نمیچرم» آنگاه‌نفراول دولک‌را بقصدخوردن به‌الک پرتاب میکند اگرنخورد جای آنها عوض‌میشود ولی‌اگر خورد با دولک بیک طرف الک که‌دارای سرتیزی‌است زده‌الک بهوابلند میشود وبادولک بزیرآن میزند‌واین‌زدن تاسه‌بارتکرار میشودکه به «یک‌چر، دوچر، وسه‌چر» شهرت دارد.

اگردراین سه‌چرزدن یعنی سه‌ضربه زدن به‌الک مسافتی‌طی شد نفراول یعنی نفرزننده کول نفر دوم شده فاصله تا مبدأ راکولی میگیرد ولی‌اگرسوخت و یا نتوانست بزند جای آنها عوض میشود.

***

بازیهای با توپ

چوب توپ (توپ چوب)

بازی چوب‌توپ‌ازبازیهای مشهوردهات‌است که از کودك وپیروجوان‌بدان علاقه داشته واکثراوقات‌فراغت خودرا بدین‌بازی میگذرانند، داوطلبان بازی که معمولاً عدهٔ آنها ازشش‌نفر متجاوز است بدودسته مساوی‌تقسیم میشوند، ابتداتوسط شیریاخط ویاتریاخشك معین‌میکنند کدام‌دسته‌بایستی بالا وکدام‌دسته بایستی‌پائین باشند، آنگاه محلی‌را برای انداختن‌توپ انتخاب مینمایند و یاران بالائی بایستی‌درآن‌محل بایستند، در ۳ تا ۴ قدمی‌نقطه‌ای‌رابنام «مره» انتخاب میکنند وبازی آغازمیگردد.

«ناگفته نماند که‌بازیکنان‌ازقبل یکنفررابنام «مردخدا» انتخاب‌نموده که جزءهیچ کدام ازدودسته نیست وکارش‌فقط توپ‌اندازی‌است»، بازی‌کنان دارای چوبی هستند بنام دولك و هردسته دارای اوسائی‌نیزهستند، هنگام‌شروع بازی یکنفرچوب‌را بدست گرفته ومردخدا توپ‌را بالا میاندازد وکسی که چوب بدست دارد ضربهٔ محکمی به‌توپ میزند، بمجرد ضربه زدن چوب را رهاکرده باسرعت هرچه‌تمام‌تر بطرف مره میدود، یاران‌پائین فوراً توپ‌راگرفته دست به‌دست داده ونزدیکترین‌فرد باتوپ دونده‌ای‌راکه بطرف مره میدود هدف قرار میدهد، اگرتوپ بهدف اصابت کرد یعنی به بدن دونده خورد جای بازی‌کنان عوض‌میشود ولی اگر توپ بهدف نخورد ودونده توانست خودرا بمره برساند بازگشته ومجدداً توپ میزند و زدنش بقدری ادامه می‌یابد تااینکه بمیرد یعنی‌نتواند باچوب ضربه‌ای بتوپ بزند وبسوزد، آنگاه نفردیگری ازبازی‌کنان جلومیآید، بازی‌بهمین‌نحو هرقدرکه خواسته باشند ادامه می‌یابد ولی‌شورانگیزترین‌لحظه این‌بازی‌هنگامی‌است که یکنفرتوپ‌را زده بطرف مره باسرعت‌میدود وتمام‌حاضرین‌فریادمیکشند، صداهای زودباش، بزن، بدو، بده بمن و امثال آن ازدهها صدائی‌است که دراین‌لحظه باصدای بلند بگوش‌میرسد.

***

بامبک (زی یک)

زی یک نوعی توپ بازی است بدین ترتیب که چندنفر شرط‌بندی میکنند که کدام یک بیشتر زی یک میزنند، برای این کار عده‌ای داوطلب و احیاناً تماشاچی ها در محل انتخابی ایستاده نقطهٔ تمیز ومسطح زمین را درنظر گرفته، نخستین فرد پیش آمده دوزانو روی زمین می‌نشیند و توپ کوچکی که قطرآن بیش از ده سانتیمتر نیست بدست گرفته آنرا بزمین میزند توپ براثر برخورد وتماس با زمین بالا میآید وبیش از ۲ تا ۳۰ سانتیمتر بالا نیامده که زی یک‌زن باضربه کف دست روی توپ میزند، بهمین ترتیب مرتب ازطرفی توپ باضربات کف دست بپائین میرود وبراثر برخورد بازمین بالا میآید و حاضرین هم تعداد آنرا شمارش میکنند تا هنگامیکه توپ ازدستش رها شود وزدن ضربه قطع گردد.

آنگاه توپ را نفردوم گرفته بهمین ترتیب شروع بکار میکند، هر کس که بیشتر زداوبرده است، دراین بازی هرضربه توپ را که توسط دست انجام گیرد یک زی یک مینامند وشهرت قهرمان کار ازآنجهت است که چندصد زی یک میزند.

***

چرخک (گردو)

چرخک یا گردو نوع دیگری ازتوپ بازی است بدین ترتیب که عده‌ای شرط بسته درمحل انتخابی ایستاده داوطلبان یک‌یک شروع ببازی میکنند.

اولین داوطلب توپ را بدست گرفته بطورایستاده آنرا محکم بزمین میزند، توپ براثربرخورد بازمین بالا میآید دراین فاصله که توپ بطرف زمین رفته و پس ازبرخورد بزمین دوباره بالا میآید شخص مشغول بازی چرخی بدور خود خورده مجدداً بادست ضربه‌ای بتوپ وارد میسازد وبازیکدوردیگر بدورخود میچرخد وناظران شمارش میکنند.

بدین ترتیب تاآنجا که داوطلب تمرین وورزیدگی داشته باشد کار را ادامه میدهد تاآنجا که دیگرسرش گیج رود ویابعللی نتواند بازی را ادامه دهد. آنگاه فرد داوطلب دوم جلو میاید ومشغول گردوزدن میگردد وحاضران تعداد دفعات آنرا شمارش میکنند، بازی بهمین نحو ادامه می‌یابد ودرپایان آنکه بیش ازهمه گردو زده‌است برنده وقهرمان بازی خواهد بود.

***

آسیاب بشین

داوطلبان این بازی عدهٔ زیادی هستند که دایره وار دست یکدیگر را گرفته بصف میایستند، یکنفر از آنها بعنوان اوسا خطاب بجمع آنها چنین میگوید:

آسیاب بشین	دسته‌جمعی میگویند	می‌شینم

پس از اینکه همگی نشستند اوسا خطاب بآنها میگویند:

جون خاله‌جون	دسته‌جمعی میگویند	پانمیشم
جون عمه‌جون	»	پانمیشم
جون چمدون	»	پامیشم

سپس دسته‌جمعی بلند میشوند واوسا خطاب بآنها چنین میگوید:

آسیاب قلیان بکش دسته‌جمعی قلیان میکشند یعنی تقلیدی ازصدای قلیان کشیدن را درمیآورند.

سپس اوسا میگوید آسیاب بخواب همگی گردن خودرا درحالت ایستاده کج میکنند.

» » آسیاب بچرخ همگی دست یکدیگررا گرفته ودور خود میگردند و باچرخیدن بازیکنان بازی درهم شده وپایان می‌پذیرد.

***

بازی حسن کمال

عده‌ای که داوطلب بازی میشوند دورهم گرد آمده یکی بنام اوسا مرتباً فریاد میزند، «حسن کمال» بازیکنان دسته‌جمعی اظهار میدارند «کشکولک‌ما» باردیگر اوسا فریاد میزند حسن کمال و بقیه هم دسته جمعی کشکولک‌ما را میگویند واین کلمات حدود ده باربین بازی کنان تکرارمیشود وبابلند شدن این صدا داوطلبان بازی هرکجا که باشند دوان‌دوان خودرا بمحل بازی میرسانند.

پس ازجمع شدن بازیکنان همه بصف وسرپاسی نشینند، اوساخود چهاردست وپا درمقابل صف آنها حرکت میکند وبهرفردی که میرسد ایستاده گوش خودرا درکنارپای اوقرارداده وآن فرد بایستی خیلی آرام وآهسته بپاخیزد، کسی که درحال برخاستن است بایستی طوری بپاخیزد که رگ‌پایش صدا نکند (رگ‌پایش نشکند)، اگر رگ‌پای او صدا نکرد اوسا بطرف نفر بعدی که نشسته میرود واو بایستی برخیزد. بهمین ترتیب بازی ادامه می‌یابد تایکنفر هنگام برخاستن رگ پایش بشکند وصدای آنرا اوسا تشخیص دهد آنگاه کمربندی آورده یکپای اورا می‌بندند یعنی پای اوراخم نموده ساق پا برانپا بسته میشود واوباآن حال لی‌لی کنان بوسط زمین میرود ولنگه کفشی باومیدهند، اوهنگامیکه لنگه کفش رابدست میگیرد همه بازی کنان از اومیگریزند واوهم لنگه‌کفش رابقصدزدن بیکی ازبازیکنان رهامیسازد، اگرلنگه کفش بکسی اصابت کردآن فرد راآورده پای ورا می‌بندند اولنگه کفش بدست میگیرد بازی بهمین نحو ادامه می‌یابد ولی اگرلنگه کفش بکسی

نخورد تمام بازی کنان دسته‌جمعی به‌سر اندازندهٔ کفش ریخته اورا کتک مفصلی میزنند ودوباره پایش را می بندند ولنگهٔ کفشی بدستش میدهند.

پای بازیکن ازآن‌جهت بسته میشود که نتواند دوان‌دوان خودرا بکسی برساند و کفش را به‌او بزند بلکه بانیروی هرچه بیشتر دست کفش را پرتاب کند.

این بازی ازشیرین ترین بازیهااست و کودکان ده طالب‌آباد خیلی بدان علاقمند هستند.

***

شلاق بازی

عده‌ای که معمولا تعدادآنها ازشش نفر کمترنیست داوطلب بازی میشوندو بدودستهٔ مساوی تقسیم میشوند، سپس دایرهٔ بزرگی بشعاع حدودسه متر کشیده وبا شیریاخط ویا تریاخشک معین میکنند کدام‌دسته داخل وکدام دسته خارج‌ازدیراه بایستی قرارگیرند. مثلا اگرتعداد بازی کنان شش‌نفربود سه‌نفرداخل دایره وسه نفرهم خارج دایره قرار میگیرند، آنگاه سه کمربند (بتعداد یاران یکدسته) آورده دوکمربند را درروی خط دایره کشیده شده بفاصله دوسه متری قرارمیدهند وکمربند سوم‌را اوسای بازی کنان خارج‌ازدایره بدست میگیرد.



صحنه‌ای از بازی شلاق‌بازی

اوسا درمقابل خط دایره قرارگرفته وکمربند را گردانیده محکم بروی کمربندی که در روی خط دایره‌است میزند وقصد اوازاین‌عمل این‌است که کمربند را با ضربات متمادی به‌بیرون خط دایره تغییرمکان‌دهدوپس‌از تغییرمکان‌دادن اوسای‌بیرون کمربند را برداشته بدست‌یکی‌از یاران خود میدهد و بسراغ کمربند دیگر میرود بهمین‌ترتیب هرچند کمربند که باشد از حط

بیرون آورده میشود وبهمین ترتیب بهریک ازیاران بیرون‌دایره یک کمربند داده میشود.

دراین‌بازی اگرهنگامی که‌اوسای‌دسته‌بیرونیها مشغول‌ضربه‌زدن به کمربنداست کمربند بجای بیرون‌آمدن بداخل‌دایره برود و اوساهم برای خارج‌نمودن کمربند بداخل دایره پابگذارد افراد‌داخل‌دایره اجازه دارند تاسرز داخل‌دایره جلوآیند وباپا ضربه‌ای به‌اوسا بزنند دراینصورت اوسا سوخته ویاران اوبایستی‌داخل دایره شوند و افراد داخل دایره بیرون آیند یعنی جای آنها عوض میشود.

اگر بیرونیها نسوختند و کمربندها را بدست آوردند آنگاه افراد خارج از دایره هریک کمربندی دردست دارد وافراد داخل‌دایره درمرکز دایره جمع‌شده روی آنها بسمت خارج‌دایره وپشت آنها دسته جمعی بهم چسبیده است وبهرکجای دایره که تغییر محل دهند بهمان‌ترتیب تغییرمحل‌میدهند، افراد بیرون ازهرطرف‌باکمربند بدانها حمله میکنند و کمربندها را بپائین‌تنه آنهامیزنندآنهاهم‌سعی میکنندشخص‌حمله کننده‌را باپابزنند اگرموفق‌شدندوباپا به‌حمله کنندگان زدند جای‌آنها عوض‌میشود و الا ازهرطرف موردحمله کمربند زنان واقع میشوند و اجباراً تحمل میکنند، اگر ساعتهاهم درونی‌ها نتوانند ضربه‌ای‌به‌بیرونی‌ها بزنند مرتب کمربند میخورند و دم برنمیآورند.

***

اینجابذارم‌گربه‌میبره

(اینجا بگذارم گربه میبرد): عده‌ای‌داوطلب بازی میشوند واین‌عده دست یکدیگررا گرفته چون خط زنجیری دایره شکل میایستند. پس‌از ایستادن یکنفر که خودرا زنی‌معرفی میکند میخواهد بحمام برود، دخترخودراصدا زده میگوید «ننه‌جان، من‌میخواهم بحمام‌بروم ومقداری شیرازگوسفندها دوشیده‌ام آنرایکجائی بگذارکه گربه نبرد» اینرا گفته ورهسپارحمام‌میگردد، دخترظرف شیررا برداشته (سنگی‌رابعنوان ظرف شیر انتخاب‌میکنند) ودرمقابل‌صف‌خط زنجیرحرکت میکند ومرتب سنگ‌را روی شانه وسر افراد گذارده باصدای بلند چنین‌میگوید.

«اینجابزارم، گربه میبره» تمام افراد دسته‌جمعی‌میگویند «دوش دوش».

اوسا ازفرد اولی گذشته، درمقابل‌نفر دیگری قرارگرفته بازسنگ‌را روی شانه او گذارده میگوید: «اینجابذارم گربه میبره»بازهم بازیکنان‌دسته‌جمعی‌میگویند «دوش‌دوش» بهمین‌ترتیب اوسا دورگشته وسنگ‌را روی شانه وسریک‌یک افراد قرارمیدهد تابالاخره‌بیک‌جا رسیده ومیگوید «اینجا بذارم گربه‌نمیبره» آنگاه سنگ‌رادرآن‌جا که سریاشانهٔ یکی‌ازبازیکنان‌است قرارداده ودرپی

بازی خود میرود و سرش گرم شده و یکی از بازیکنان که از قبل بعنوان گربه انتخاب شده از موقعیت استفاده میکند وظرف شیر را که همان سنگ باشددزدیده وفرارمیکند، پس از فرار، دختر



صحنه‌ای ازبازی اینجا بگذارم گربه میبرد

دراین بازی اوسا قطعه‌سنگ کوچکی بدست گرفته روی سر وشانه هریک از بازی کنان میگذارد ولی میترسد که‌مبادا گربه آنرابرد وباز جایش را تغییرمیدهدتااینکه جای‌مناسبی‌پیدا میکند وسنگ‌خودرا که نشانه کاسه شیراست درجای یافته‌شده گذارده ولی گربه محل آنرا یافته آنرا برداشته میگریزد.

متوجه شده باتفاق بازی کنان گربه را تعقیب نموده و ظرف شیر را از او میگیرند و بازی از نو تکرار میشود.

***

بازی لبو داغه لبو

عده‌ای که تعدادآنهابه‌بیست‌نفرهم میرسد داوطلب بازی‌میشوند،این‌عده دایره‌واربطورخط زنجیر دست یکدیگررا گرفته میایستند ویکنفررا هم‌ازبین خود بنام اوسا و یکنفررا هم بنام سگ انتخاب میکنند یکی از بازیکنان قطعه‌سنگی‌را بعنوان لبو روی سرخود میگذارد وازچندقدمی‌آنهابطرف صف خط زنجیری‌پیش‌آمده ومرتب داد میزند «لبو داغه‌لبو، داغ دارم لبو».

اوسا اورا صدا میزند، «لبوئی» لبوفروش نزد اوسا آمده وخط زنجیررا بازکرده‌لبوفروش را بداخل دایره خط زنجیر دعوت کرده قیمت لبورا از او جویا میشوند تا لبوهایش را بخرند، لبوفروش ابتدا مبلغ زیادی برای فروش‌لبوها پیشنهاد میکند ولی‌اوسا مرتب چانه‌میزند تااینکه قیمت یک‌من‌لبو به‌صفر میرسد یعنی‌دراصطلاح بازی کنان بیک‌ارزن‌میرسد. پس‌از رسیدن قیمت لبو باین مقدار او محل مناسبی‌را جستجومیکند که لبوها را زمین گذارده بفروشد.

شخصی که بعنوان سگ انتخاب شده دروسط دایره پای خود را جمع نموده وبه‌پشت خمیده ویاخوابیده است اوسا به‌لبوفروش پیشنهاد میکند که در آنجا بنشین و لبوی خودرا روی



منظره‌ای ازآغاز بازی لبو داغه‌لبو



دربازی لبو داغه لبو :

سگ پس‌از پارس کردن لبوهارا برداشته فرارمیکند وکودکان دسته‌جمعی بدنبالش‌میدوند تا اوراگرفته کتک زده ولبوهارا ازاو پس‌بگیرند.

آن‌محل‌بگذار، ولی‌لبوفروش‌میگوید سگ‌نباشد، اوسامیگوید خیر سگ نیست ولی‌لبوفروش بمجرد گذاشتن لبوهای خود درآن‌محل سگ لبوهایش‌را برداشته فرار میکند وبازی‌کنان دسته جمعی دست یکدیگررا رهانموده‌برای پس گرفتن لبوها بدنبال‌سگ میدوند وسگ فرار میکند تاسرانجام

سگ‌را گرفته پس از کتک مفصلی که به‌او میزنندلبوها را پس گرفته تحویل لبوفروش میدهند و بازی مجدداً آغاز میگردد.

***

عمو زنجیرباف

عده‌ای که معمولاً تعداد آنها ازده نفر بیشتر است داوطلب بازی میشوند ودست یکدیگررا گرفته خط زنجیری بطورمنحنی میایستند، پس ازایستادن یکی ازآنها که بعنوان اوسا انتخاب شده باصدای بلند میگوید:

«عموزنجیر باف»	تمام بازیگنان باتفاق میگویند	«بله»
«زنجیر مارا بافتی»	«	«بله»
«پشت کوه انداختی»	«	«بله»
«اینجا در داره»	«	«بله»
«بصدای چی»	« مثلاً «بصدای مرغ»	

آنگاه‌اوسا که نفراول خط زنجیراست بصدای مرغ «قدقدقدا» نموده وتمام بازی کنان دسته‌جمعی قدقد کنان درحالیکه دست یکدیگررا گرفته اندبدنبال اوسا اززیردست نفر اول ودوم طرف دیگر خط زنجیر که بشکل دروازه‌ای بالا برده‌اند عبورمیکنندوپس از عبور همهٔ بازیکنان باردیگرمطالب بالا تماماً تکرارمیشود وباردیگر عبورآنها اززیردست نفردوم آغازمیگردد، بهمین ترتیب، دفعات بعد، اززیردست نفرسوم، چهارم و... عبورنموده ودرهرنوبت روی یکنفر بجای اینکه بطرف داخل



کودکان دربازی عموزنجیرباف بطورخط زنجیردست بکدیگررا گرفته ودرحالی که صدای حیوان یاپرنده‌ای را درآورده درحال صف اززیردست افراد طرف دیگر صف بترتیب عبورمیکنند.

دایره متمایل باشد بطرف خارج متمایل میگردد ومطالب فوق آنقدر تکرار میشود که صورت تمام افراد بطرف خارج دایره واقع میشود آنگاه درحقیقت زنجیر بافته شده وبرای نشان دادن مقاومت زنجیر، طرفینی که دستشان بهم قلاب است یکدیگر را بسختی میکشند تادست یکی از بازی کنان



دربازی عمو زنجیرباف :

کودکان پس ازهربار با صدای حیوان یا پرنده‌ای را درآوردن از زیردست افراد طرف دیگر صف بترتیب عبورمیکنند ودرهربار عبورکردن صورت یکنفر ازسمت داخل دایره برعکس شده روی او بسمت خارج متمایل میگردد واین کار بقدری ادامه می‌یابد تاروی همه برگشته وبازی بپایان رسد.

رها گردد ودرواقع زنجیرپاره شود آنگاه بازی باتمام میرسد ودرصورت داوطلب بودن افراد بازی مجدداً آغاز میگردد.

***

دخترِ گریه میکنه

دراین بازی عده‌ای بدورهم نشسته ودست بدست هم میدهند ، یکی از آنها دروسط نشسته وشروع به گریه کردن دروغی مینماید ، آنهائی که بطور خط زنجیردورهم نشسته‌اند خطاب به کسی که دروسط نشسته چنین میگویند:

دخترِ اینجانشسته، گریه میکنه، زاری میکنه،

افتخار من، پرتقال من، یکیش بزن، از برای من.

کسی که دروسط نشسته و گریه میکنند ناگهان بلند شده یکی از بازی کنان را میزند وجای آنهاعوض میشود یعنی کسی که زده شده بوسط میرود و فرد وسطی بجای او درخط زنجیر می‌نشیند. طریقهٔ زدن باین نحو است که نفروسط تنهادست خودرا بهسینه یکی ازبازی کنان میزند.



منظره‌ای از بازی «دختره گریه میکنه»

***

ململی گو

عده‌ای داوطلب بازی‌میشوند که معمولاً تعدادآنها ازده نفر کمترنیست، بازی کنان ازبین‌خود دونفر اوسا انتخاب میکنند و هراوسا برای خودش یارگیری مینماید و بدو دسته مساوی تقسیم میشوند آنگاه دایرهٔ بزرگی بشعاع دوتاسه متر روی‌زمین کشیده‌توسط شیریاخط ویاتریاخشک معین‌میکنند کدام‌دسته‌بایستی روی خط دایره‌بایستند و کدام‌دسته بایستی‌سوارشوند.

بازی آغازمیگردد ویاران یک‌دسته روی‌خط ایستاده ویاران دستهٔ‌دیگر هریک کول یار مقابل‌خود که روی‌دایره ایستاده‌اند میشوند.

هنگامیکه همه‌سوارشدنداوسا ازکول یارخودپائین‌آمده به‌تنهائی‌درتمام دوردایره دویده یک‌نفس زورکشیده ومیگوید «ململی گوو. . .» تااینکه بجای‌اولش برسد و دومرتبه سوار شود، آنگاه یاردوم این کاررا دومرتبه شروع میکند واین کار آنقدرادامه می‌یابد تایکی‌ازیاران موفق به‌انجام‌عمل فوق‌نگردد آنگاه جای یاران عوض‌شده، بازی ازنو تکرارمیگردد.

***

داج وال

عده‌ای که معمولاً ازپنج‌نفر کمترنیستند داوطلب بازی‌میشوند بازی کنان دودایره درمقابل هم میکشند که هردایره حدود دومترشعاع دارد وفاصله این دودایره‌ازیکدیگر حدوده متراست، بین‌دودایره مذکوردایرهٔ‌بزرگتری میکشند که شعاع آن ازسه متر کمتر نیست، آنگاه بازیکنان دونفر ازبین خود انتخاب نموده،

هر کدام درمرکزدودایره طرفین میایستند وبقیه بازی کنان دردایره وسط قرارمیگیرند.

یکی از افرادی که تنهادردایره ایستاده توپی بدست میگیرد که قطرتوپ بیش از ۱۰ سانتیمتر نیست، آنگاه توسط این فرد افرادی که دردایره بزرگ قراردارند هدف گیری میشوند وتوپ بقصد خوردن باین افراد رهامیشود، اگرتوپ بهرفردی که دردایره وسط ایستاده بخورد آن فرد ازبازی خارج میشود، بهمین ترتیب تاتمام بازی کنانی که دروسط ایستاده‌اند یک‌یک براثراصابت توپ ازبازی خارج میشوند تایکنفر باقی بماند وآن‌فرد ، بازی است.

هربارکه یکی ازدونفرکه دردودایره کنار قراردارند توپ را رها کنند چه بکسی بخورد وچه نخورد نفردایرهٔ مقابل دویده توپ‌را برمیدارد یعنی آن‌دونفر بترتیب توپ میزنند.

اگرهنگام انداختن توپ ، بازی کنان وسط توانستند بُل بگیرند درازاء هر بلی یکی از یاران سوخته که ازبازی خارج‌شده مجدداً بداخل دایره آمده وببازی مجدد خود ادامه میدهد.

***

دستمال آبی (شیرك دوش)

عده‌ای داوطلب بازی‌شده وبدو دستهٔ مساوی تقسیم‌میگردند پس از آغاز بازی توسط شیریاخط ویا تریاخشک معین‌میشود کدام‌دسته بایستی قایم شوند، یک‌دسته ایستاده ودستهٔ دیگر دوان دوان درپیچ وخم کوچه‌ها پنهان میشوند زیرا این‌بازی درشب انجام میگیرد وبازی کنان درسیاهی شب پنهان میشوند.

دستهٔ دیگربدنبال دسته اول برای پیدا کردن آنها روان میشوند و مرتباً دسته جمعی این‌اشعار را میخوانند:

دستمال‌آبی بله　　پرازگلابی بله

دستمال شاه سوخته شده　　ازگلابتون دوخته شده

خواندن اشعارفوق پی‌درپی تکرارمیشود و درکوچه و پس کوچه‌ها روان میگردند. بمجرد نزدیک شدن این‌دسته به‌دسته‌ای که پنهان شده‌اند دسته دوم برای آگاهی یاران خود فریاد میکشند:

شیرك دوش‌ش‌ش‌ش....　　شیرك دووووش.

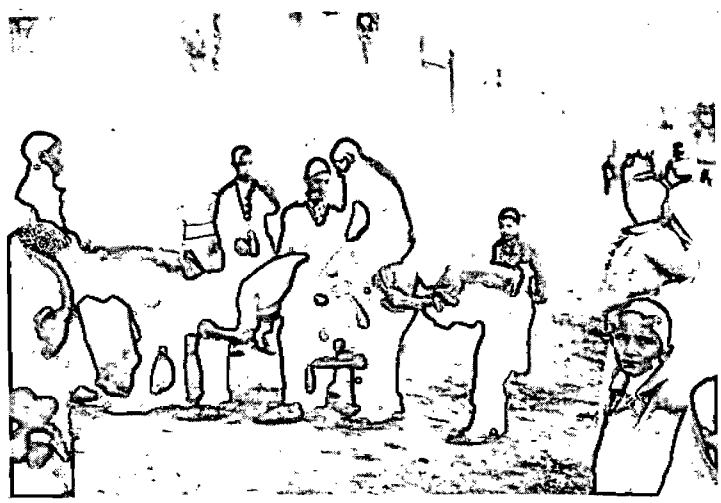
بمجرد شنیدن شیرك دوش افراد دستهٔ اول‌پابفرارگذارده وافراد دسته دوم که‌تاکنون پنهان شده بودند بسرعت بطرف فراریان میدوند و هریک از افراد دستهٔ دوم یکی ازافراد دستهٔ

اول‌را بگیرد سوار براوشده وتانقطهٔ شروع بازی سواری میخورد وبازی مجدداً ازنو آغازمیگردد ودردفعهٔ بعدی جای دسته‌ها عوض‌میشود.

***

بازی میخک

عده‌ای که تعداد آنها ازده نفر بیشتر است داوطلب بازی میشوند ، افراد بدودستهٔ پنج‌نفری تقسیم میشوند، ابتدا توسط شیریاخط معین میکنند که کدام‌دسته بایستی‌خم‌شوند وکدام‌دسته بایستی‌بپرند،دسته‌ای که‌بایستی خم‌شوند افرادشان درمقابل دیوارایستاده نفراول دست خودرا به‌سینه دیوارگذارده وخم میشود سپس‌نفر دوم، سوم و ... چون خط زنجیری متصل‌بنفراول خم‌میشوند.



منظره‌ای ازبازی میخک

بازی کنان‌دستهٔ‌مقابل خودرابرای‌پریدن وسوارشدن‌روی‌دسته خم‌شونده آماده‌میسازند، اوسای این‌دسته که معمولا ازدیگر بازی کنان زرنگتر و باجهش‌تر است ، هنگامیکه بازی آغاز میگردد دستهٔ‌اول همگی بدنبال‌هم خمیده وآماده سواری دادن هستند. زرنگترین فرددستهٔ پرنده که همان‌اوسای آنهااست بایستی بایک‌جهش‌به‌روی جلوترین‌فرد خم‌شده که نزدیک‌دیواراست بپرد وبهمین‌ترتیب یاران دیگربترتیب بایک جهش بروی دومین وسومین و... بپرند.

دراین هنگام‌نفرنخستین‌بایستی بدون‌تازه نمودن نفس‌ازیک‌تاهرقدرکه میتواندبشمرد، تاهنگامیکه اونفس‌دارد وبیشمرد یارانش سوار هستند وهنگامیکه نفسش‌قطع‌شد و یا خواست درشمارش نفس‌تازه کند بازی بپایان‌میرسد وسواران‌پائین‌میآیند وجای خودرا بادستهٔ خم‌شونده عوض‌میکنند.

***

عده‌ای داوطلب بازی‌میشوند وباپشک یکنفررا معین‌میکنند که خم شود

بازی عرقچینک (بگیرد)، محلی‌را بنام سره (نقطهٔ شروع پرش) انتخاب‌نموده، یکنفرخم میشود و درکنار اوچوبی گذارده عرقچینی بسرچوب میگذارند، یارانی که ازروی این‌فرد خم‌شده میپرند بایستی‌سعی کنند که دست ویاپایشان به‌چوب و عرقچین نخورد ، اگرخورد و عرقچین افتاد فرد پرنده سوخته و او بایستی خم شود وخم‌شونده قبلی آزاد میشود و درردیف پرندگان بازی قرارمیگیرد .

مقررات دیگربازی وکم وزیاد شدن فاصله‌ها جهت پرش مانند بازی جفتک چارکش عمل‌میشود .

***

عده‌ای داوطلب بازی شده بدودسته تقسیم‌میشوند، آنگاه توسط شیریاخط

کلاه بُردونک ویا تریاخشک معین میکنند کدام‌دسته بایستی درداخل خط وکدام‌دسته درخارج خط باشند، آنگاه دایرهٔ بزرگی‌بشعاع سه‌متر روی‌زمین رسم‌نموده وبازی‌کنانی که عده آنها از پنج نفرکمترنیست داخل دایره رفته وعده‌ای هم در اطراف دایره می‌ایستند، البته هردسته دارای اوسائی‌است .

کسانی که درداخل دایره هستند دورهم نشسته بطوریکه پشت آنها بطرف مرکز دایره و روی آنها بطرف خارج‌دایره است نشیمنگاه خودرا روی‌زمین میگذارند ودودست خود را



دربازی کلاه بردونک‌عده‌ای‌دایره‌وار درداخل‌دایره نشسته بالگد بیرونیهارا میزنند وبیرونیهاهم میکوشند دست خودرا روی سر نشستگان بزنند وبطرف مزه بگریزند ، هردسته موفق بانجام کار خود شد برنده بازی شناخته میشود .

بروی زمین ستون مینمایند تادرصورت حرکات پا سنگینی بدن را تحمل نمایند، آنگاه یاران خارجی ازاطراف به اینها حمله مینمایند تادست خودرا روی سر آنان بزنند (درصورت نداشتن کلاه) و یا اگر کلاه داشتند کلاه آنهارا برمی‌دارند درهرصورت بمجرد برداشتن کلاه ویادست زدن روی سر طرف پابفرارمیگذارند وتامره‌ای (نشان یاعلامت) که‌قراردادی‌است میدوند اگریاران خارج ازخط واول کسی که کلاه را برده‌است خودرا توانست به‌مره برساند برده‌اند ویاران داخل‌خط هم که بدنبال آنهاروانند تاآنهارا بگیرند بایستی فاصله بین دایره ومره را کولی دهند ولی اگر دروسط راه بازی کنان داخل خط توانستند بازیکنان خارج ازخط را بگیرند بازی از نو آغازشده ولی‌جای آنها عوض‌میشود. البته لازم بیادآوری‌است که هنگامیکه بازی کنان خارجی قصد بردن کلاه دارند داخلی‌ها که نشسته‌اند بالگدزدن ازخود دفاع میکند واگر لگدآنها بیکی‌از بازی کنان بیرون‌خط خورد آنهاسوخته وجای آنها عوض‌میشود.

کلاه بردونک بترتیب فوق درده طالب‌آباداجرا میشود ولی‌درنقاط دیگرشکل دیگری ازکلاه بردونک دیده میشود، بدین‌ترتیب که اوسا کلاهی بسر گذاشته در وسط دایره میایستد ویارانش بدور اوحلقه‌میزنند وبازی کنان خارجی هدفشان این‌است که کلاه را ازسر اوسابردارند اگرموفق شدند بشکل‌فوق تا مره فرارمیکنند ولی‌اگرهنگام حمله لگد خوردند جای آنها عوض میشود وبازی ازنو تکرار میشود.

***

سه پایه (حلوا چهارسو)

هشت تاده، دوازده‌نفر داوطلب‌بازی‌میشوند وبدودسته‌برابرتقسیم‌میگردند وهردسته یکنفررا بنام‌اوسا معرفی‌میکنند، دایره بزرگی بشعاع ٤-٣ متر باگچ و یا زغال روی زمین میکشند، آنگاه با شیر یاخط معین میکنند که کدام‌دسته بایستی‌درخط (دایره) وکدام دسته‌بایستی‌خارج‌ازخط باشند. افراد داخل‌خط، دایره‌وار دورهم ایستاده بطوریکه پشت آنها بطرف خارج وصورت آنها متوجهٔ مرکزدایره‌است ومعمولاً دست‌را به گردن یکدیگرانداخته ومیایستند، اوسای آنها طنابی‌دردست دارد ودراطراف آنها گردیده وازآنها حفاظت میکند تابازی کنان خارج‌از خط که کوشش میکنند ازخط گذشته وسوار داخل خطی‌ها شوند، موفق نشوند. بازی کنان خارج‌از خط مرتباً کوشش میکنند که ازخط گذشته سوار برافراد داخل خط شوند واگر اوسا غفلت کند وازبیرون سواریاران اوشوند تاپایان بازی سوارخواهند بود.

اوسا مرتب دور یاران‌خودش میگردد تاکسی‌سوارآنها نشود، اگر کسی‌تصمیم‌داشت

سوارشود وپای خودرا بداخل خط گذارد واوسا اورا باطناب زد آن‌دسته سوخته وجای دودسته عوض‌میشود، گاهی دراین‌بازی خود اوسارا هم‌سوارمیشوند وآنوقت بازی دیدنی و خنده‌آوراست ودیگر کسی نیست که از یاران دفاع کند و یاران بیرون‌خط از موقعیت استفاده کرده هرکدام



منظره‌ای از بازی سه‌پایه

یکنفررا سوارمیشوند ومدتها سواری‌میخورند ویا اوسا باوجوداینکه یکنفر سوار براوست باطناب به‌اینطرف وآنطرف میدودتادیگران‌را اجازه سوارشدن ندهد.

نام‌این‌بازی درده طالب‌آباد بنام سه‌پایه و درشهرری به حلوا چهارسو شهرت‌دارد.

***

عده‌ای‌داوطلب‌بازی میشوند که معمولاً تعدادشان‌از سه‌نفر کمتر نیست

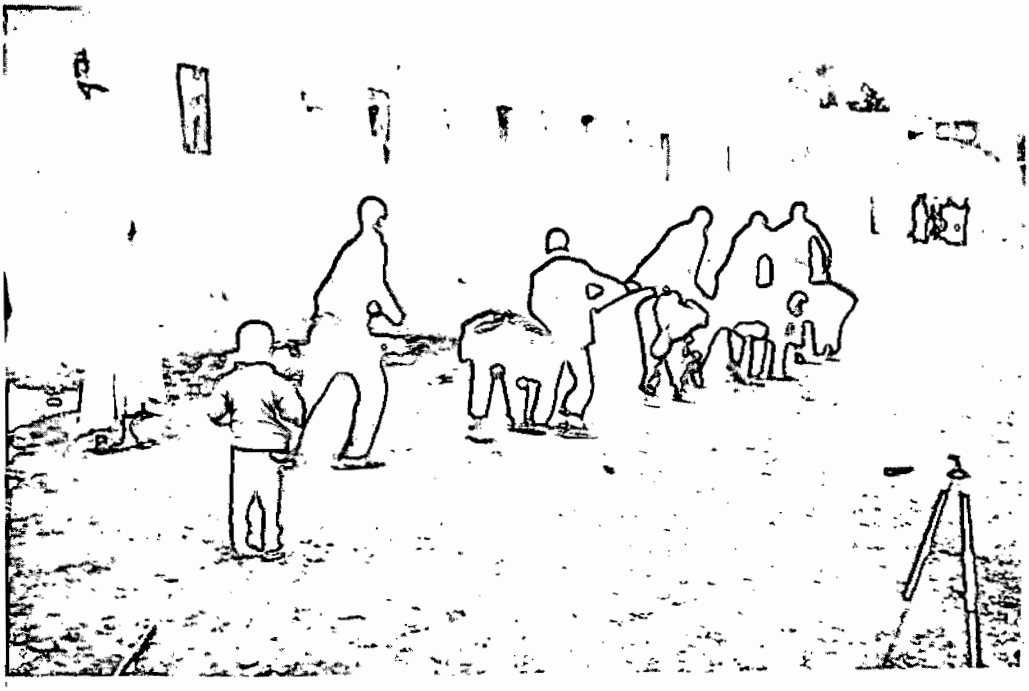
جفتک چارکش درآغاز توسط پشک انداختن معین میکنند چه کسی بایستی خم شود (دراصطلاح بازی کنان‌بگیرد)، آنگاه نقطه‌ای‌را قراردادی معین‌نموده‌ازآن نقطه یک گُم بجلو میروند.

(گُم‌عبارتست‌ازمقدارفاصله‌ای که‌دوکف‌پا عمودبرهم‌باشند بطوریکه کف‌پای‌راست‌را بطورطولی قرارداده وپای‌چپ‌را بطورعرضی‌برآن‌عمودنمایند).

آنگاه فردخم‌شونده دستهای خود را روی زانو گذارده طوری خم میشود که بالاتنه با پائین‌تنه‌اش یک‌زاویه ۹۰ درجه میسازد، داوطلبان بازی ازمحل‌قراردادی دورخیز کرده ودستها را وی پشت خم‌شونده گذارده ازروی آن میپرند، هنگامی که تمام بازی کنان پریدند خم‌شونده برخاسته یک گم دیگربجلومیرود، ولی‌هنگامیکه فاصله‌زیادمیشود بازی کنان دو دورخیزه‌میپرند

یعنی ابتدا بادورخیزخود به‌نزدیکترین‌محل خم‌شونده پریده وازآنجا مجدداً جستن زده دستها را روی خم‌شونده گذارده و میپرند . بدین‌ترتیب بازی ادامه می‌یابد وبقدری یک‌گم‌یک‌گم خم شونده جلومیرود که دیگر پریدن ازروی آن بسختی انجام میگیرد ، دراینصورت اولین کسی که نتوانست بپرد سوخته وبازی ازنو تکرارمیشود واوبایستی‌خم شود .

نوعی‌دیگراز بازی جفتک چارکش وجود دارد که دیگرگمی نیست بدین‌ترتیب که چندنفر داوطلب بازی میشوند وبردیف درفاصلهٔ سه‌چهار قدمی ازیکدیگرخم میشوند باین‌ترتیب



دربازی جفتک چارکش درحال حرکت نفراول بترتیب ازروی کلیهٔ خم‌شدگان گذشته خود درآخر همه خم میشود، سپس نفربعدی برخاسته ازروی خم‌شدگان میپرد .

که همه ازروی هم‌میپرند یعنی اگرچهارنفر داوطلب بازی‌باشند سه‌نفرخم شده ویکنفر ازروی‌نفر اول ودوم وسوم‌پریده خودبعنوان‌نفرچهارم‌خم میشود، آنگاه نفراول‌خم‌شونده برخاسته اوازروی نفردوم وسوم وچهارم پریده خود مجدداً خم میشود بهمین‌ترتیب هرچند نفرکه داوطلب بازی باشند ازروی دیگران پریده خود درکنارآخرین‌نفر خم میشوند وآنگاه نفر بعدی شروع بپریدن میکند، بهمین‌ترتیب بازی ادامه می‌یابد .

***

چس‌خورك

شش‌نفر داوطلب بازی میشوند وبدودسته سه‌نفری تقسیم میگردند این‌دو دسته توسط شیریاخط ویاتریا خشک معین‌میکنند کدام دسته بایستی اول بگیرند یعنی‌خم شوند وکدام‌دسته بپرند، دسته‌ای که بایستی خم شوند یکنفررا ازبین‌خود باپشک‌انتخاب‌مینمایند دونفرآنهاخم‌شده بطوریکه‌بالاتنه آنها با پائین‌تنه‌شان زاویهٔ قائمه‌ای میسازد واین دونفر سرشان در جهت عکس یکدیگر ازپشت بهم می‌چسبند یعنی درجهت عکس یکدیگرخم میشوند و دستهای خودرا ازوسط دو پای خود عبورداده از زیر دست یکدیگررا میگیرند.

نفرسوم درمقابل‌پای آنها زانو زده وسرخودرا ازمیان‌پای آنها عبورداده درمیان‌دستهای قلاب شده آن‌دوقرارمیدهد وپشت‌خودرابالامیاورد بطوریکه‌پشت نفرسوم باپشت‌دونفردیگرباکف عمومی‌زمین‌حالت دوپله‌را بوجود میاورد. سه‌نفردیگرکه‌دستهٔ دوم‌بازی کنان‌را تشکیل‌میدهند یکان‌یکان دویده به‌محض‌رسیدن به‌سه‌نفرخم‌شده سرخودرا روی‌پشت فرد سوم‌خم شونده گذارده ازروی آن‌دونفردیگر معلق‌میزنند، بهمین‌ترتیب بازی‌ادامه می‌یابد تااینکه یکی‌ازسه‌نفرمعلق‌زن بسوزد ودیگرنتواند معلق‌بزنند ویاازکنارخم‌شوندگان بیفتد یعنی‌معلق‌زدن کامل‌صورت نگیرد، آنگاه جای‌دسته‌ها عوض میشود وسه‌نفری که معلق زده‌اند بایستی‌خم‌شوند و فرد بازنده بایستی سرخودرا درمیان پای آن دونفر دیگر قرار دهد (دراصطلاح چس بخورد) و نوبت معلق‌زدن به خم‌شدگان قبلی‌میرسد.

***

چمال مال خدا (ململی‌شاه)

عده‌ای داوطلب بازی‌میشوند (معمولاً پنج‌شش‌نفر). هرکدام‌ازبازیکنان چاله کوچک ومدوری بشعاع ۵سانتیمتر برای خود میکنند، هرکس‌چاله خود ودیگران‌را بخوبی میشناسد. درمیان این‌چاله‌ها چاله تقریباً بزرگتری هم‌می‌کنند که چاله خدا ودربعضی‌نقاط چاله شاه نام دارد، دراین بازی یکنفر بنام‌مردخدا انتخاب شده، مرد خدادرفاصله چهارپنج‌قدمی ازچاله‌ها ایستاده، توپ‌را بطرف چاله‌هارهامیکند، توپ‌درهرچاله‌ای که رفت‌صاحبش‌جلوآمده وباردیگرهم‌توپ‌را انداخته درچاله هرکس دیگرکه رفت اوهم‌پیش آمده نفراول‌که توپ درچاله‌اش افتاده سوار نفردوم‌میشود.

فرددیگری‌توپ‌را بدست نفردوم‌داده اودرحالیکه یکنفر بر وی‌سواراست خمیده توپ را بطرف چاله‌ها رها میکند، توپ بطرف چاله‌ها می‌غلطد وبداخل‌چاله هرکس‌افتاد صاحب چاله سوار توپ‌انداز میشود، توپ‌انداز سعی‌میکند توپ را درچاله خود یادرچاله خدا بیندازد. اگر

درچاله خود انداخت سوار برسوار شونده خود میشود ولی اگر درخانهٔ خدا انداخت همه فرار میکنند واو توپرا برداشته عقب بازی کنان مینماید وتوپرا به افرادفرار کننده میزند وتوپ به پشت هر کس خورد اوسوخته واو بایستی خم شده کولی بدهد وبازی از نو آغازمیگردد.

***

چه‌رنگ چه‌رنگ

عده‌ای که معمولا ازپنج نفر کمترنیستند داوطلب بازی میشوند، یکنفربنام اوسا انتخاب شده روی‌زمین در کنار دیوار سرپا می‌نشیند و کمربندی بدست میگیرد که سر سگک‌دار کمربند بدست اوسا و سر دیگر آن‌آزاد است، وی اسمی درذهن خود انتخاب مینماید، پس‌از اعلام بازی، بازی کنان درطرفی ایستاده ویک‌یک جلوآمده سر آزاد کمربندرا گرفته چنین میگویند:

بازی کن	اوسا
چه‌رنگ چه‌رنگ	اسب چه‌رنگ
اسب کره دریائی	بده بدست کره دریائی

نفراولی بکنار رفته و بازی کن دیگری جلو آمده سر کمربند را میگیرد و مانند نفر اول چنین میگوید:

چه‌رنگ چه‌رنگ	اسب چه‌رنگ
اسب کره آتشی	بده بدست کره آتشی

بدین ترتیب یاران یکان یکان برای یک یاچندبار جلوآمده تااسمی[1] راکه اوسا گذارده بازگوید، بمحض گفتن کلمهٔ موردنظراوسا، اوسامیگوید «بتَبَر» (یعنی بزن) وکمربندرا رهامیکند، کسی که نام صحیح را گفته کمربندرا گرفته ودرحالی که همه بازیکنان فرارمیکنند اوآنهارا باسرعت تعقیب نموده وبهر کس برسد با کمربندمحکم اورا میزند، دراین مدت اوسامرتب فریادمیزند، جو، جو، جو، جو... تاهنگامیکه اوسا کلمهٔ «جو» را برزبان میراند همه فرارمیکنندولی هنگامیکه بازیکنان باندازهٔ کافی ازنزد اوسا دور شدند، اوسا تغییرگفتن داده فریاد میزند، گندم، گندم، گندم... بمجرد شنیدن کلمه «گندم» یاران‌فراری بازگشته وفردی که آنهارا تعقیب میکردمورد تعقیب قرار میدهنداو بایستی بسرعت خودرا به اوسارسانیده وبگوید «اوسا سلام حیدری» و الا اورا گرفته پس‌از زدن کتک مفصلی به‌او بازی دوباره آغازمیگردد.

***

۱- اسامی که دراین بازی بکار برده میشودعبارتنداز: کره هوائی، کره نیلی، کره صحرائی، کره‌آبی.

سنگ تق تقه

عده‌ای که داوطلب بازی میشوند معمولا ازهفت نفر کمتر نیستند که یکی ازآنها بعنوان اوسا انتخاب شده وبقیه بدودستهٔ سه نفری تقسیم میشوند ، استاد روی زمین نشسته ودرمقابل خود دوتکه سنگ قرار میدهد ، دودسته یاران بفاصلهٔ چندقدمی درطرفین استاد روبروی هم میایستند . ابتدا باتریاخشک[1] یاشیریاخط تعیین میکنند کدام دسته بایستی بازی را آغاز کند .

پس ازمعین شدن یکنفرازدسته‌ای که آغازبازی بدست آنهاصورت میگیرد نزداوسا آمده چشم میگذارد یعنی زانو زده سرخودرا درداس اوسا گذارده واوسا چشمان اورا محکم نگهمیدارد، آنگاه یکنفر ازدستهٔ مقابل آهسته وپاورچین پاورچین درجلوی اوسا آمده وسنگ روئین را برداشته دو الی سه بار بروی سنگ زیرین میزند وبعد سنگ را سرجای خود گذارده و آهسته دویده سرجای خود میایستد وباتفاق یاران خود باصدای بلند میگویند:

«کی بود کی بود ما نبودیم»

شخصی که چشم گذارده بایستی بگوید چه کسی آمده وسنگ را تق تق بهم زده است ، نامبرده موظف است نام یکنفر ازیاران مقابل خودرا بگوید ودراین هنگام اوسا سراورا بطرف یاران مقابل نگهمیدارد تامبادا بانگاه کردن بیاران خود باابهام واشاره جریان را باطلاع اوبرسانند .

شخص چشم گذار پس ازگفتن نام یکنفر ازیاران مقابل اگر راست گفت یاران خودش دویده سوار برکول یاران دستهٔ دیگرمیشوندودستهٔ کولی دهنده وظیفه دارند آنهارا تاسرجای اولشان کولی دهند ولی اگر دروغ گفت و نتوانست نام کسی را که سنگ را بهم زده بگوید یاران دستهٔ خودش بایستی کولی دهند یعنی قضیه عکس میگردد وبازی مجدداً تکرارمیشود وقتی دفعه بعد که بازی تکرارشد چشم گذار ازدستهٔ دیگرانتخاب میگردد وبازی بهمین ترتیب ادامه می‌یابد .

***

باقالی بچند من

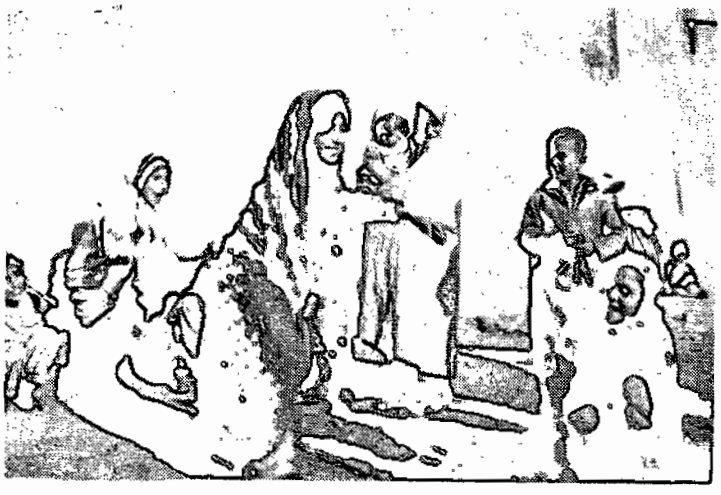
عده‌ای که معمولا از هشت نفر کمتر نیستند برای بازی داوطلب میشوند وبدودستهٔ مساوی تقسیم میگردند، هردسته یکنفر بنام اوسا انتخاب نموده ودو اوسا روی زمین درکنار دیوار درکنارهم می‌نشینند و دو دسته بفاصله

۱- درتعیین تریاخشک سنگی را برمیدارند که دو طرف آن خشک باشد، آب دهان را بریکطرف سنگ انداخته سنگ را درحال گردش بهوا پرتاب میکنندطرف بایستی لفظ تروياخشک را باصدای بلند بزبان آورد، گفتن این لفظ پس ازرسیدن سنگ بزمین اگرراست بود شروع بازی بدست دستهٔ راستگو و الا بدست دستهٔ مقابل انجام میگیرد .(ترطرف آب دهان انداخته سنگ وخشک طرف دیگرسنگ میباشد)

صحنه‌هائی از بازی سنگ تق‌تقه



اوسا درچشم اوسای‌دیگر را میگیرد، یکنفرآهسته‌آمده دو قطعه سنگ‌را بهم میزند.



آنگاه درچشم اوسا باز شده و او بایستی بگوید چه کسی سنگ زده و اورا نشان‌دهد.



اگر راست گفت یارانش کولی میگیرند و الا کولی‌میدهند

چندقدمی ازمحل نشیمن اوساها روبروی هم میایستند. دواوسا آهسته درگوش یکدیگر رقمی‌را با موافقت‌هم ذکرمیکنند مثلا آهسته درگوش هم میگویند ۲۰ من وشروع بازی‌را اعلام میدارند. یکی‌ازدسته‌ها شروع بازی‌را چنین‌آغازمیدارد:

(سخنان‌اوسا)	(سخنان‌فردی‌ازدسته)
مرد مرد من	لب لب تو
باقالی‌بچند من	به ۱۵ من
بالا	

دسته مقابل سخن‌را آغازمیکند:

مرد مرد من	لب لب تو
باقالی بچند من	به ۳۰ من
پائین	

دسته اول:

مرد مرد من	لب لب تو
باقالی بچند من	به ۲۵ من
کول کول‌تو	

درواقع ارقام‌ذکرشده بقدری بالا وپائین میرودتارقم قراردادی بیان گردد. هنگامیکه دسته‌ای رقم واقعی‌را ذکرکرد استادشان میگوید «کول کول‌تو» آن دسته دویده سوار برکول یاران دسته‌مقابل‌شده وتامحل‌اولیه‌شان که‌ایستاده بودند سواری‌میخورندمعمولا هنگام‌ایستادن، دسته‌ها طوری‌میایستند که یاران یکطرف درکنار اوسای طرف مقابل وبالعکس قرارمیگیرند زیرا اگر استادان درکناریاران خودباشند باانگشتان دست بطورتقلب بیاران خود میفهمانند که‌عدد چند را بایستی ذکرکنند.

***

گوش فی‌تی‌لک (گوش پیچونک)

گوش پیچونک‌ازتفریحات‌پایان‌بازی‌است. این‌بازی بدین‌نحو انجام‌میگیرد که شخصی‌چیزی‌را که مورد علاقه افراد یابازی‌کنان است مانند گردو، بادام، قاپ، پول و امثال آن را دردست‌گرفته وعده‌ای درمقابل او جمع میشوند ومنتظرند که چیزموردنظر از دست‌اندازه آن رها گردد، فردی که چنین‌چیزی‌را پرتاب میکند خودداوطلبانه بدین کار اقدام مینماید. وی‌شیئی‌را درده بیست‌قدمی

خود پرتاب مینماید وتمام داوطلبان برای برداشتن آن هجوم میبرند و هرفردی اول باربه شیئی انداخته شده رسید آنرا برداشته دیگران اورا درمیان گرفته و گوشش را بشدت پیچ میدهند و آنقدر شدت عمل بخرج میدهند تا برداارنده آنرا رها سازد، اگر رها کرد دیگری برداشته و گوش اورا میگیرند، بهمین ترتیب تامرانجام آنرا یکنفربرداشته باجنگ وگریز نزد اندازنده میآید ودستی به او میزند و دیگرآزاد است.

بعضی وقت ها اولین فرد شیئی را برداشته فرارمینماید ودیگران قدری وی راتعقیب نموده وچون نتیجه نمیگیرند دست برداشته اورا بحال خود باقی میگذارند.

(درده طالب آباد این بازی به «گوش فی تی لک» مشهوراست).

***

هر کاری کونک

عده‌ای داوطلب بازی میشوند که معمولا از سه نفربیشترند، این عده ازبین خود اوسائی انتخاب نموده وبصف میشوند، اوسا در جلو و بقیه بدنبالش حرکت میکنند بطوریکه تمام بازی کنان چون صفی بی اراده بهر سمتی که اوسا روان گردد، میروند وهر کاری که اوسا انجام دهد همگی ملزم به انجام آن هستند، مثلا اگر شخصی درحال رفتن باشد ونفر اول یعنی اوسا اگردستی بزیر کلاه شخص نامبرده بزند همه بایستی دستی بزیر کلاه اوبزنند ویااگر نفر اول شاخه‌ای از درختی بشکند همه مجبورند شاخه‌ای ازآن درخت بشکنند.

بهمین صورت پیش میروند وبهرطرف که اوسا روان گردد وهر کاری که اوسا بنمایدبقیه مجبورند ازاواطاعت کنند. معمولا کارهای این بازی بچالاکی واغلب سریع انجام میگیرد وبیشتر کارهای تخریبی وزیانی ازآنها سرمیزند.

***

بازی زوری

این بازی مخصوص کودکان است وبیشتر درروزهای سرد انجام میگیرد، بدین ترتیب که عده‌ای از کودکان درکنار دیوار ایستاده بطوریکه نفر اول درمحل تقاطع دودیوار یا دوسوك یا گوشه‌ای ازدیوار قرارمی گیرد آنگاه دیگران ازپهلو بدان چسبیده ودسته جمعی بطرف نفراول فشارمیآورند واین فشاررفته رفته بقدری شدید میشود که بالاخره یکنفر تاب نیاورده اجباراً از صف خارج میشود آنگاه این فرد درآخر صف ایستاده و مجدداً شروع به فشاردادن بدیگران مینمایدتافرد دیگری ازصف خارج شود.

این بازی باسروصدا وهلهله زیادی همراه است وبواسطهٔ فعالیت زیادی که انجام میگیرد بازی کنان گرم میشوند.

***



اینهم یکی از شیرین کاریهای کودکان ده طالب‌آباد
کودکان پس از پایان بازی اغلب بدان مبادرت میورزند.

***

بازیهای با قاپ

شاه وزیری

بازی شاه وزیری ازسرگرمی‌های دسته جمعی است بدین ترتیب که عده‌ای دورهم می‌نشینند وقاپی بدست میگیرند واولین نفر قاپ را می‌اندازد، سپس ازسمت راست قاپ‌اندازی شروع میگردد یعنی انداختن قاپ ازسمت راست برای هرنفریکبار دور میگردد، کسی که‌اولین بار درقاپ انداختن «**اسب**» بیاورد بعنوان«شاه» در بازی انتخاب میشودو کسی که‌درانداختن قاپ«**خر**» بیاورد بعنوان«وزیر» بازی‌انتخاب میشود.

اصل بازی ازاین پس آغازمیگرددزیرا تاشاه و وزیر انتخاب نشوند بازی‌شروع نمی گردد وبازی کنان آنقدر قاپ می‌اندازند تاشاه ووزیر انتخاب شوند.

شاه و وزیر پس ازانتخاب شدن ازدست‌زدن بقاپ‌معاف‌اند ومخصوصاً اگرشاه بقاپ‌دست بزند ازطرف‌دیگران‌ادب میشود یعنی‌چند ضربه نیم‌آهسته به‌پشت‌دست شاه زده میشود بدین‌ترتیب دستش‌را شستشو میدهند، شاه معمولاً دوزانو نشسته و ژست میگیرد ولی وزیر کمربندی بدست گرفته آماده اجرای فرامین شاه میگردد.

بازی کنان دیگر مرتب بنوبت قاپ میاندازند، اگر قاپ «**بوك**» آمد هیچ ولی اگر «**جیك**» مد ناگهان بسرعت وزیردست خودرا روی قاپ گذارده رو بشاه کرده چنین میگوید:

«قبله عالم بسلامت باشد، باردیگر دزدی دراین حوالی پیدا شده ومزاحم است، جان نثار :زدرا گرفته‌ام چه امر میفرمائید».

البته این حرفها با آب وتاب فراوان گفته میشود و دیگران هم هریك حرفی میزنند و کمك پاشی میکنند.

پادشاه درجواب وزیر، به‌دزد میگوید:

«بی‌ادب، نگفتم دزدی نکن، حال بایستی ترا تنبیه کرد تادیگر فکر دزدی از سرت بیرون رود».

سپس رو به‌وزیر کرده میگوید: وزیر.

ـ «بله قربان».

«برایش یك سبیل چخماقی بکش».

دزد شروع بالتماس کردن میکند که دیگراین کار را نمیکنم، ببخش، ولی وزیرازجای خود برخاسته‌سردزدراوسط دوپای‌خود محکم گرفته ودو شست دست خودرادروسط جای‌سبیلش قرارداده ودرطول خط سبیل باحرکت شست خود چنان فشار میآورد که واقعاً دردناك است.

ازاحکام دیگری که پادشاه دراین بازی دستورمیدهد ضربه های آتشی وپنبه‌ای است که ضربات آتشی یعنی محکم‌زدن با کمربند وضربات پنبه‌ای یعنی زدن آهسته با کمربند وحکم هائی ازاین قبیل که خارج از ادب نمیباشد.

اگروزیر موفق نشود دست خودرا روی قاپ گذارد ونفربعدی قاپ را بردارد دراینصورت دزد فرار کرده‌است ودیگرقابل تعقیب نیست.

هنگامیکه فرد دیگری ازبازیکنان دراثر انداختن قاپ، اسب ویا خر بیاورد پادشاهی ویا وزیری به‌نامبرده منتقل میشودوشاه یاوزیرقبلی چون یك فرد عادی مجدداً قاپ می‌اندازند و با تشریفاتی پرسروصدا شاه جدید ژست میگیرد ویا وزیرجدید کمربند وزارت را تحویل میگیرد.

***

سه قاپ

بزرگترین و شدیدترین شکل قمار در این نواحی بازی سه قاپ است، ترتیب بازی بدین نحو است که داوطلبان بازی دایره شکل روی زمین سرپامی نشینند ودراین جمع یکنفر بنام «تلکه گیر» وجوددارد که مسئولیت

قمار بعهدهٔ اواست ودرواقع ضامن اجرا شدن قوانین بازی است و اورا «کاسه کوزه‌دار» بازی هم مینامند.

اسباب قمار دراین بازی عبارتست از سه عدد قاپ گوسفند متعلق به تلکه گیر، دوتا از آنها جفت ودرشت ومربوط بیک گوسفند است که یکی از آنها قاپ پای چپ و دیگری قاپ پای راست گوسفند است وقاپ سومی که «سَرِه» یا «سری» نامیده میشود قاپی است که ازلحاظ وزن و اندازه تقریباً باآنها یکسان است.

بازی آغاز میگردد وسه قاپ را برحسب موافقت وتعارف یکنفر بدست میگیرد و از طرف راست قاپ ریز یک‌یک افراد بایستی مبلغی برای بازی بخوانند و برای هرکس که قاپ ریخته شد چه بازنده وچه برنده شود پس ازآن نوبت بنفر دست راستی او میرسد و پس ازیکدور خواندن یک‌یک افراد، سه قاپ بدست نفردست راستی ریزنده قاپ داده میشود.

طریقهٔ بردوباخت دراین بازی اینطوراست که، کسی که قاپ را بدست میگیرد، بطرفی که نوبت اواست میگوید «بخوان» طرف بازی کن میگوید «فلانقدر خوانده‌ام» سه قاپ ریخته میشود وپس از قرار گرفتن قاپها روی زمین بردوباخت چنین معین میشود:

یک اسب ودوجیک «نقش» ویا یک خر ودوبوك ویا یک اسب و یک جیک ویک بوك ویا یک خرویک جیک ویک بوك. ریزندهٔ قاپ برنده است وپول خوانده شده توسط تلکه گیر پس از کسر ۱۰٪ بنفع تلکه گیر به برنده داده میشود.

اگر دواسب ویک جیک ویادوخرویک بوك آمد دوبرابر پول خوانده شده پس از کسر ۱۰٪ بریزندهٔ قاپ داده میشود.

اگرسه اسب ویا سه خر آمد سه برابر پول خوانده شده پس از کسر ۱۰٪ بریزندهٔ قاپ داده میشود.

ولی اگریک خر ودوجیک ویا دوخر ویک جیک آمد ریزندهٔ قاپ بایستی درصورت اول معادل پول خوانده‌شده ودرصورت دوم دوبرابرپول خوانده شده‌را به‌خواننده پول بدهد که باز ۱۰٪ آن بنفع تلکه گیر کسرمیگردد ودرصورت دوم میگویند «دوبز» است، بازی بهمین ترتیب دورمیگردد.

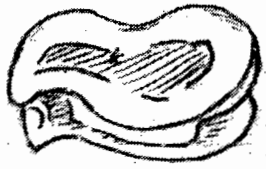
تلکه گیر درتمام مدت بازی شاهد اجرای قوانین بازی است واگرکسی از دادن پول سر باز زد ازتلکه گیر گرفته میشود ودراینصورت گاهی کار به‌زد وخورد کشیده میشود زیرا ۱۰٪ برد وباخت بعنوان تلکه باو داده میشود تاناظر اجرای درست بازی باشد.

گاهی افراد داوطلب که بایستی مبلغی بخوانند چند سکهٔ ویامقداری پول دردست گرفته

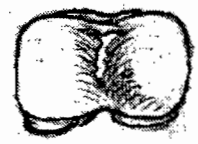
مشت بسته خودرا جلوآورده میگوید خوانده‌ام ویادوسر (دوبرابر) ویاچند سر (چندبرابر) خوانده‌ام، ریزندهٔ قاپ یاقبول‌میکند ویامیگوید فلان‌قدرآنرا. درصورت بردن‌میگیرد ولی‌درصورت‌باختن کسی که مبلغی‌خوانده وبرنده شده‌است بایستی‌برابر پولهائی که میگیرد خود پول داشته‌باشد ودراین مورد ازطرف تلکه گیر به‌اوتذکر داده میشود که چپ خودرا نشان‌بده یعنی سرمایه‌بازی خودرا نشان بده، دراینصورت هرقدرکه ازپول‌برده شده توسط او کمترداشته باشد بهمان نسبت کمتر به‌اوپول میدهند ودراین‌مورداست که نزاع شدیدی درمیگیرد.



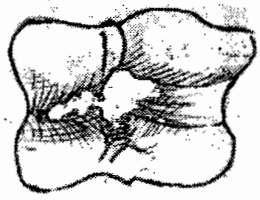
قاپ درحالت «خر»



قاپ درحالت «اسب»



قاپ درحالت «بوك»



قاپ درحالت «جیك»

گاهی‌دراین‌بازی چندنفر با هم میخوانند بدین‌ترتیب که‌نفری که بایستی قاپ بریزد بطرف میگوید «بخوان» او برحسب نوبت مبلغی میخواند ولی افرادی خارج‌ازنوبت میگویند، «بند کردی این‌مبلغ‌راهم من‌خوانده‌ام» دراینصورت ریزندهٔ قاپ بایستی‌موافقت کند،اگرموافقت نکرد که هیچ ولی‌اگرموافقت کرد طرف خارج‌ازنوبت میگوید «این‌را من‌خوانده‌ام، بند» ریزندهٔ قاپ میگوید بند (قبول‌دارم) ویابجای بند میگوید فلان‌مبلغ، پس‌ازآن قاپ را میریزد اگر برنده شد طبق‌یادآوری فوق ازدو یاسه‌نفر خواننده پول‌هارامیگیرد ولی‌اگر بازنده شد بایستی بدویاسه نفرخواننده مقداربا‌خته شده‌را طبق‌قوانین‌فوق بپردازد.

این‌بازی چون مشروب وسیگارعدهٔ زیادی ازبزرگسالان‌را آلوده مینماید بطوریکه‌ترك آن بندرت دیده میشود، بسیاری ازافراد وخانواده‌ها آنرا شکوم‌میدانند ودرطول سال فقط هنگام عیدنوروز بدان اشتغال‌میورزند ولی‌برخی تمام‌شب‌را بدون خوابیدن درپناه شمعی دربیغوله‌های خارج‌ازآبادی بدان مبادرت میورزند.

چهارقاپ مختصر تفاوتی بااین بازی دارد وبندرت بازی میشود .

***

قلعه‌شک (قلعه‌موشک) بازی قلعه شک نوع دیگری ازقماربازی است که دارای بردو باخت میباشد بدین ترتیب که عده‌ای داوطلب بازی میشوند وهر کدام ازآنها درنقطه‌ای که قبلاً موافقت کرده‌اند یک‌قاپ، زنجیری‌شکل در کنارهم قرار میدهند (دراصطلاح میکارند)، و این‌محل را «**قلعه**» مینامند . هر کدام از بازیکنان دارای قاپ درشتی هستند که اطراف آنرا سائیده وآنرا قاپ « هرقه» مینامند واین‌قاپ هرقه‌ها معمولا سربی هستند یعنی کونه قاپ‌را بادرفش یامیخ سوراخ کرده قدری سرب آب شده درآن سوراخ میریزند تاوزن آن سنگین شده تعادل‌آن طوری‌شود که زیاد اسب آید .

ترتیب بازی بدین نحواست که‌نفراول که‌قبلا تعیین گردیده و«پاقلعه» نامیده‌میشود، قاپ خودرا درپای قلعه‌میاندازد اگرقاپش اسب یاخرآمد قلعه‌راباتیرقاپ هدف‌قرارمیدهدومیزند، هرکدام ازقاپها که سه‌پی(سه‌برابرطول کف‌پا» تغییرمحل‌دادتوسط زننده برداشته میشود ولی‌اگرنتوانست نفردوم وبترتیب نفرسوم وچهارم تاآخرین‌نفر بازی‌را ادامه میدهند ، ازنفر اول به‌بعد که جای قاپش‌مشخص و پاقلعه‌است هرکدام ازبازیکنان بعدی محلی‌را بدلخواه خودانتخاب میکنند که ازقلعه زیاد دورنباشد قاپ خودرا میاندازند اگراسب یاخرآمد میتوانند باتیرقاپ قلعه‌را هدف‌قرار دهند وچندقاپی‌را ببرند ویاقاپ هرکدام ازبازیکنان که بآنها نزدیک باشد بکشند (ضربه‌ای‌بدان بزنند) واورا ازبازی خارج کنند وقاپهای‌برده شده توسط اوراپس بگیرند . بااین‌ترتیب آخرین‌نفری که باقی‌میماند تمام‌قاپها ازآن اوخواهد بود ویاکسی که بتواند تمام‌قاپهای قلعه‌را برده قاپها ازآن او شده وبازی مجدداً تکرارمیشود .

نوع دیگری ازاین‌بازی هست که «تیری» نامیده میشود یعنی‌هرکس توانست ضربه‌ای به‌قاپی که هرقه نفردیگر بازیکن‌است بزند یک‌قاپ‌ازاو دریافت میدارد ویاممکن‌است قراردادی بجای هرتیر مبلغی‌پول دریافت شود وپس‌ازتیرزدن بازی ازنو آغازمیگردد .

***

نوعی‌دیگر ازاین‌بازی وجوددارد که بنام «یک‌پی‌دوپی» مشهوراست یعنی‌یکی‌ازبازی‌کنان تیری‌به هرقه‌بازی کن‌دیگر زده براثر ضربهٔ‌قاپ هرچندپی که‌قاپ‌دیگر تغییرمحل‌دهددرقبال هرپی یک‌قاپ ویامبلغی ازطرف دریافت میگردد .

***

جیکل بوکل

بازی جیکل بوکل نوعی قاپ بازی است که بین دو تا پنج نفر انجام میگیرد ولی بیشتر این بازی بین دو نفر مشاهده میگردد بدین ترتیب که هر کدام مقداری قاپ گوسفند باخود همراه دارند.

دو نفر داوطلب بازی هریک قاپی بدست گرفته در کنار هم ایستاده درحالی که قدری خم میشوند قاپها را بزمین میاندازند تا پس از قرار گرفتن قاپها روی زمین بردو باخت بازی مشخص شود بدین ترتیب که :

قاپ ممکن است بچهار حالت روی زمین قرار گیرد: اسب، خر، جیک، بوک. هنگام بازی بین دو نفر اسب برنده جیک وخر برنده بوک است، درغیراینصورت اسب به بوک ، خر به جیک و بوک به جیک تیرمیزند تاقاپ ازحالت جیکی به بوکی وازبوکی به جیکی تغییرحالت دهد و برده شود وممکن است چندین بار حالت ضربه زدن باقاپ توسط قاپ دیگر تکرار شود تاسرانجام یکی از آنها برنده شوند.

دراین بازی اگریکی از قاپها اسب ودیگری خر آمد بازی ازنو تکرار میشود ولی اسب به خر وبوک به جیک تقدم دارد. دراین بازی اگرچند نفر باتفاق بازی کنند همه باهم قاپهای خودرا بزمین میاندازند. اسب برنده همه جیکها و خر برنده همه بوکها است در غیراینصورت کار به تیرزدن میکشد یعنی بایستی باضربه های متوالی باقاپ حالت قاپ را چون فوق تغییر دهند وچون تیرزدن بین دونفرصورت میگیرد بقیه موقتاً ازبازی کنارند ولی اگر هریک ازدوقاپ درحال بازی اسب ویاخر آمد، آنهائی که ازبازی موقتاً کنارند درصورت اسب آمدن قاپهای جیک ودرصورت خرآمدن قاپهای بوک بازی کنان ازآنان گرفته میشودولی اگرناگهان هردوقاپ مشغول بازی درحین ضربه زدن اسب ویاخر آمد میگویند « فر » وقاپ همه پس داده میشود وبازی ازنو آغازمیگردد.

***

شکولی

بازی شکولی ویا «شکولی بیا ورش دارم» نوعی دیگر ازبازی جیکل بوکل است بااین تفاوت که تیرزدن به قاپ یکدیگر دراین نوع بازی وجودندارد، بدین ترتیب که قاپها را بالاانداخته منحصراً اسب برنده جیک وخر برنده بوک است ودرصورت بردن ویانبردن بازی ازنو تکرارمیشود.

نام دیگر این بازی «اسب توسرش خر توسرش» میباشد که مفهوم آن این است که قاپ یکی از بازی کنان بایستی اسب ویاخر بیاید تاقاپ دیگری را ببرد.

***

قمارهای سبک

گردو بازی

دوتاچند نفر داوطلب بازی میشوند وهرکدام بفاصله‌های دو تاسه قدمی ازیکدیگر یک‌یادوگردو بنام «**جفت**» میکارند . بازی کنان توسط پشک یاشیریاخط ترتیب اول، دوم ویاچندم‌بودن بازی‌را میدهند .

کسی که‌اول‌بازی کند خودرا «**پیش**» وکسی که‌آخربازی کند خودرا «**قاق**» میداند . نفراول‌درنقطه قراردادی که بااولین‌جفت بیش‌از دوتاسه قدم فاصله‌ندارد سرپا نشسته وگردوئی سائیده‌وگرد بنام «**تیره**» دردست‌دارد، تیره‌را روی‌زمین گذارده‌بادوانگشت‌سبابه دودست‌ضربه‌ای به‌تیره زده آنرا بقصد خوردن به‌جفت‌ها رها میکند، تیره بهرجفتی خورد ازآن زننده خواهد بود وآنرا برمیدارد وچون‌ممکن‌است در یکبار رها کردن تیره به‌چند جفت و یا تیره‌های دیگر بخورد درآغاز میگوید :

« حلال از جفت وتیره »

زیرا اگرحلال‌نگوید وبدوجفت بخوردجفت دوم ازآن اونخواهد بودودیگربازی کنان اجازه نمیدهند که جفت برداشته شودازاینرو درابتدای هردور برای‌تحکیم کار،حلال‌ازجفت وتیره را میگویند. بازی کن اول تاآنجا بازی‌خودرا ادامه میدهد که دیگرنتواند جفت ویا تیره‌ای را بزند ودرصورت زدن‌چندین‌بار میتواند بازی‌را پیاپی‌ادامه‌دهد، آنگاه نفردوم، سوم و... بازی‌را آغازمیکنند تابارديگر نوبت بنفراول‌برسد منتهادردفعات بعد شروع بازی ازنقطه‌ای است که‌تیرهٔ آنها دردفعهٔ قبل ایستاده است، تیرهٔ هربازی کنی که به جفتی بخورد جفت ازآن اوخواهد بود ولی‌اگر تیره‌ای-به تیرهٔ دیگرخورد زننده یک گردو خواهد گرفت، اگرکسی یک یا چند جفت زده بود و تیره‌اش زده شد تمام جفت‌ها را باضافهٔ یک گردو که «**قلق**» نامیده میشود بایستی بپردازد وبازی تاآنوقت ادامه داردکه دیگر جفتی روی زمین دیده نشود و مجدداً بازی از نو آغاز گردد .

***

بازی «**هسته هلو بازی**» بهمین‌ترتیب صورت میگیرد منتها بجای گردو از هسته هلو و بجای تیره ازسنگ گردی استفاده میشود .

***

هسته خرما بازی

هسته خرما بازی بعنوان بردوباخت بین کودکان انجام میگیرد بدین ترتیب که هسته‌های خرما را کودکان جمع‌آوری نموده ودونفر که داوطلب بازی هستند درمقابل هم نشسته و هریک مشتی هسته خرما در دست گرفته و هرنفر، یک‌عدد هسته خرمای لیس (هستهٔ خرمای لیس یعنی هسته خرمائی که سمت شکاف‌دار آنرا بااندا ختن آب دهن روی قطعه‌سنگی آنقدر میسایند تاپوستهٔ خارجی آن سائیده شده و سادهٔ سخت شیشه‌ای رنگ داخلی آن نمایان گردد) بدست گرفته وباهم بزمین میاندازند اگرپشت صاف ومنحنی هسته خرما بالا بود فرد برندهٔ هسته خرمای دیگری است واگرشکاف هستهٔ خرما بالا بود طرف بازندهٔ یک‌عدد هستهٔ خرماست.

اگرهردو هسته‌خرما یکسان روی زمین افتاد هیچ یک ازبازیکنان بازنده وبرنده نیستند وبازی مجدداً تکرارمیشود.

***

مداد بازی

مدادبازی بیشترمخصوص کودکان شاگرد مدرسه‌است که هنگام فراغت از مدرسه باپشت یقه‌های سفید بدان مبادرت میورزند بازی بدین ترتیب است که هرکدام ازبازیکنان تعدادی مداد ریز۲ تا۶ سانتیمتررا دردست گرفته، نفراول مداد خودرا درچند قدمی‌میاندازد ونفردوم با مداد خود بقصد زدن بمداد اولی مداد خودرا پرتاپ میکند اگربدان خورد اوبرنده واگرنخورد نفراول مجدداً بازی را بقصد زدن بمداد اوتکرار مینماید.

بردوباخت درهرنوبت مدادی است حدود ۲ سانتیمتر واگر مدادی ازاین بزرگتر بود مثلاً ۶سانتیمتر بودپس‌ازسه بارضربه‌زدن برده میشود ودرین‌بازی هربارضربه‌زدن بمدادديگری را یک «چول» مینامند ودرآغازبازی‌قید میکنند که مثلاً این‌مداد سه‌چوله ویاچند چوله است.

***

طاق یا جفت

دویاچند نفرداوطلب‌بازی میشوند. یکنفرمقداری ریگ، هسته خرما ویا چیزهای خرددیگری درمشت گرفته‌دوکف دست خودرا چون دونیم کفه رویهم گذارده واشیاء را درمیان‌دست خود تکان‌تکان میدهد ویا دودست خودرا درپشت خود برده یک یادوعدد ازاشیائی که دردست‌دارددرمشت خود گرفته درحالیکه مشت خودرا درمقابل فرد داوطلب بازی گرفته ازاو سؤال میکنند «طاق‌یاجفت؟».

طرف داوطلب بازی بمیل خود یکی ازاین دو کلمه «طاق» یا «جفت» را اظهار میدارد، آنگاه مشت بازی کن بازشده اگر نفردوم راست گفته بود برده و الا بازنده است.

دربازی طاق یاجفت بیشتر بردوباخت مورد نظراست.

نوع دیگری ازاین بازی وجود دارد که «پر یا پوك» نامیده میشود باین ترتیب که اوسا مشت خودرا که قبلاً شیئی درآن گذارده یانگذارده درمقابل طرف بازی کن گرفته میگوید، پر یا پوك طرف بازی کن بمیل خود کلمه «پر» یا «پوك» را اظهار میدارد وپس ازاظهاروی دست اوسا باز شده اگرراست بود نفردوم برده وگرنه بازنده است. پریاپوك برای بردوباخت نیست وبیشتر برای تعیین شروع بازی است.

***

شیر یا خط

بازی شیریاخط معمولاً بین دونفرصورت میگیرد، اگرچه تعداد بازی کنان نیز زیاد باشد باز دونفردونفر بازی میکنند وبقیه بانتظار میایستند. برای شروع بازی یکنفرسکه‌ای بدست گرفته بنفردوم بازی کن میگوید، «بخوان» نفردوم مقداری میخواند مثلا میگوید یکریال خوانده‌ام، بروبالا. نفراول سکه‌ای راکه پول رایج معولی است روی انگشت سبابه خود گذارده باشست همان دست ضربه‌ای زیر آن میزند بطوریکه پول چرخش کنان بهوا پرتاب میشود دراین هنگام طرف بازی کن میگوید مثلا شیر.

اگرپول پس ازافتادن بزمین شیر بود نفر دوم بازی کن مقدار پولی راکه قبلا خوانده و پیش پیش داده است پس گرفته وهمان قدرهم اضافی دریافت میدارد وامتیازپول بالا انداختن به او منتقل میشود ولی اگر مشاهده شد که پول پس از بزمین افتادن خط بود نفردوم بازی کن پول خود را باخته‌است، دراینصورت امتیازپول بالا انداختن دردست نفراول باقیمانده ونفرسوم جلوسیآید و یادرصورت نبودن نفرسوم نفردوم پول مجدد پرداخته ودوباره میخواند.

***

وجبی

بازی وجبی بیشتربین خردسالان متداول است ونوعی مداد بازی است باین ترتیب که یکنفر مدادی را درفاصله چهارپنج متری از محل ایستادن خود پرتاب نموده سپس نفر دوم هم مداد خود را پرتاب مینماید اگر فاصله دومداد از یکدیگر یک وجب ویا کمتربود نفردوم مداد نفراول را برده و گرنه نفراول مداد خودرا بنزدیک مداد نفردوم انداخته وبرنده میگردد.

***

لیس‌پس‌لیس

بازی لیس‌پس‌لیس نوعی قماراست باین‌ترتیب که دویا چندنفر داوطلب بازی شده درآغازنوبت بازی‌آنهامشخص‌شده سپس نفراول یا اوسا دوسکه دردست گرفته سکه اول را که بایستی از دیگر سکه‌ها مشخص باشد بنام «لیس» به‌چهارپنج‌متری ازمحل ایستادن خود پرتاب مینماید.

نامبرده سکه دومی‌هم دردست دارد که آنراهم پرتاب میکند وسعی‌دارد طوری‌پرتاب نماید که‌فاصله‌دوسکه ازهم‌خیلی کم‌باشد، نفرات‌بعدی‌هم سکه‌های خودراپرتاب میکنند،فاصلهٔ سکه هرکدام‌ازلیس (اولین‌سکه) کمتربود بااندازه‌گیری‌مشخص‌شده وصاحب کمترین‌فاصله‌برنده بازی شناخته شده وهرکدام ازبازی‌کنان برحسب قرارداد بایستی چندریال به‌برنده بپردازند. هرکس که بتواند سکه خودرا بروی لیس بزند بدون چون وچرا و بدون‌اندازه‌گیری‌برنده‌است.

***

کبوتر بازی

درده طالب‌آباد هم چون‌نقاط دیگر کبوترباز‌انی نیزدیده میشوند. این‌افراد کبوترباز سوراخهائی دردیوار منزل‌خود ساخته و کبوترهارا درآنجا جای میدهند وآب ودانه مرتبی‌برای آنها آماده‌میسازند وگاه‌گاهی هم کبوترها را هوا کرده وخودایستاده ازپروازکبوترهالذت میبرندوکوچکترین‌حرکات آنهارا زیرنظردارند.

بعضی‌ازکبوترهانزد صاحبانشان بسیار گرانبهاهستند چنانکه بداشتن‌آنها فخر میکنند. گاهی‌دونفر کبوترباز که باهم حریف‌اند بایکدیگر مسابقه میدهند یعنی‌اگرکبوترهای یکدیگررا بگیرنددیگرپس‌نمیدهند وگاهی‌طبق‌قراردادی کبوترهای یکدیگرراپس‌میدهندوگاهی‌بایکدیگر برسر زیادتر پروازکردن کبوترهایشان شرطهائی‌می‌بندند.

کبوتربازان برای شناسائی کبوترهای خود اسامی خاصی که بارنگ آنها بستگی دارد روی کبوترها میگذارد واین‌اسامی عبارتنداز:

طوقی (کبوتری که‌رنگی‌غیراز رنگ‌اصلی‌بدنش چون طوق‌بدورگردنش‌مشخص‌است)، دم‌سیاه، سینه‌دم‌سیاه، ابلق، کله دار، کله زرد، زاغ، چتری، کاکلی وامثال آن که این دوتای آخری بارنگ آنها بستگی ندارد.

***

علاوه بربازیها که قسمت بزرگی ازتفریحات روستارا جهت کودکان وجوانان تشکیل میدهدتفریح مردان و زنان را جدا ازهم نیز مورد بررسی‌قرار میدهیم:

الف - سرگرمی مردان

آفتاب‌نشستن

مردان ده بیشتر درفصل زمستان که کار مزرعه کمتر ازفصول دیگراست ویا بمناسبت وجودباران وبرف بصحرانمیروند درپناه دیواراصلی قلعه درمقابل تابش آفتاب بیشتربگروههای چهارتا پنج نفری بدورهم جمع شده وازهردری سخن میگویند وساعتهای متوالی را بهمین ترتیب میگذارنند.



مردان ده طالب‌آباد هنگام بیکاری پای دیوار جلوی قلعه سینه کش آب نشسته وبگفتگومیپردازند.

***

زیرچادرجمع شدن

دربهار وتابستان بهنگام کار درصحرا دهقانان گاهی استراحت نیزدارند. این استراحتگاه درسر خرمن عبارتست ازچادری که درکنارخرمن برپامیکنند و یا آلونکی که درسرصیفی بدین منظور ساخته‌اند. دهقانان پس ازخسته‌شدن ازکار درزیرچادر ویاداخل آلونک جمع شده وسماور را نیزآتش نموده‌ازهردری بصحبت میپردازند زیرا درگرمترین روزها چای آنها رنگ نمیشود.

***

بمسجد رفتن

پیرمردان وافراد علاقمند به‌نماز گزاردن درمسجد، بخصوص هنگام عصر به‌مسجد رفته وپس ازبجا آوردن نماز بصحبت با یکدیگر پرداخته واین موضوع پس‌از کشیدن برق درمسجد پس از غروب آفتاب هم مشاهده میشود. هنگامیکه‌مراسم‌عزاداری‌مذهبی‌فرا میرسد عده کسانی که به‌مسجدمیروند بیش‌از روزهای دیگراست ومعمولا قبل وبعدازمراسم معمول صمیمانه دورهم جمع‌شده وبصحبت میپردازند واین صحبت‌ها دربین مردان و افراد مسن‌بیشتر مسائل مذهبی وبین جوانان بیشتر لطیفه گوئی وبیان ماجراهاو کارهاری خارق‌العاده گذشته‌است.

***

شب‌نشینی

شب‌نشینی رفتن ازکارهای متداول خانواده‌ها بخصوص مردان است ودر شبهای بلند زمستان این کار بیش‌ازپیش‌صورت می‌پذیرد، معمولاً هنگام شب‌نشینی افراد خانواده به‌اتفاق به‌شب‌نشینی‌میروند وبیشتر بمنزل‌افراد فامیل ویادوستان نزدیک وصمیمی خودمیروند ومعمولاً درازاء یکبار شب‌نشینی‌رفتن یکشب هم بایستی افراد آن‌خانواده‌را به‌شب نشینی دعوت کنند ودرصورت دعوت متقابل نکردن سخت نگران میشوند.

دراین‌شب‌نشینی‌ها زنان دریکطرف، کودکان درکنارهم ومردان خانواده نیزبایکدیگر بصحبت میپردازند یعنی‌هردسته برای‌خود جداگانه مشغول گفتگو میشوند وبیشتر این گفتگوها برای‌زنان تعریف وضع‌خانواده‌ها ودرمردان مربوط بدوران‌جوانی ودلاوریها وبی‌باکیها واتفاقات عجیب وغریب است‌که با آب وتاب فراوان درآن مورد بگفتگو میپردازند ولی کودکان بیشتر برای‌هم قصه میگویند وبازی میکنند.

ازضروریات اصلی‌این‌شب‌نشینی‌ها چای‌است ولی‌تخمهٔ هندوانه و تخمهٔ آفتاب‌گردان ودرشبهای‌زمستان لبو (چغندرپخته) به‌شب‌نشینی‌رنگی‌ولطفی‌مخصوص‌میدهد. مردان‌دراین‌نوع شب‌نشینی‌ها گاه‌کودکان خردسال خودرابایکدیگربکشتی گرفتن وامیدارند وخود باتشویق آنها صحنه‌های کشتی‌اطفال‌را نظاره‌کرده ولذت میبرند.

***

کتاب خواندن

کتاب‌خواندن‌ازتفریحات‌شبانه زمستانی‌دهقانان‌است. دهقانان‌باخوشحالی فراوانی درمنزلی‌که افرادش دوست نزدیک یکدیگرهستند دورهم جمع شده وبساط چای را برفرازکرسی میگسترانند و خود بدورکرسی جمع شده

یکنفر باسواد که بتواند کتاب بخواند دعوت نموده وبرای اوبیش از دیگران احترام قائل میشوند. هنگام خواندن کتاب سکوت مطلق درمحل حکمفرما است و حاضران باولع تمام بدهان خواننده چشم میدوزند، کتابهائی که دراین محافل خوانده میشود وبیشتر دربین دهقانان شهرت دارد بترتیب عبارتست از شاهنامه، رستم نامه، امیرارسلان ودرصورت پایان یافتن این کتابها، کتابهای دیگری همانند آنها مورد مطالعه واقع میشود که عبارتند از حسین کرد، شاهزاده شیرویه، مختارنامه، امیرحمزه وامثال آن.

اگر دهقانان فرد باسوادی را برای خواندن کتاب پیدا نکنند خود به قصه گوئی میپردازند ولی درحال حاضر اگرچه گروههای کتاب خوان درده دیده میشوند ولی اکثر بدوور رادیو جمع میشوند. درزمستان سال ۱۳٤۰ که مسئله اصلاحات ارضی درده مطرح بود کمتر خانواده‌ای مشاهده میشد که رادیو نداشته باشند وبه اخبار آن بیش از هرچیز گوش میدادند وآنقدر صبر میکردند تا ساعت ۹ شب فرارسیده به اخبار آن گوش فرا دهند تا از آخرین خبرهای اصلاحات ارضی با اطلاع گردند.

***

قهوه‌خانه رفتن

ده طالب آباد خود دارای قهوه‌خانه نیست، دهقانان بخصوص جوانان هنگام بیکاری بیشتر بادوچرخه عازم قهوه‌خانه قلعه نو همسایه شمالی این ده میگردند زیرا قلعه نو درسر جاده اسفالته قرار گرفته ودارای دوقهوه‌خانه نسبتاً بزرگ است، قهوه خانه های قلعه نوبواسطه واقع شدن درسرجاده وتوقف اغلب وسائل نقلیه وسواروپیاده شدن مسافران، مرکزپخش اخبار برای دهات این نواحی است چه آخرین خبرهائی که دروراسین، شهرری وتهران اتفاق میافتد وتعریف آن ازنظر دهقانان قابل ارزش باشد دراین محل پخش میگردد، تازه‌ترین خبرهای مربوط به تقسیم اراضی دراین محل تجزیه وتحلیل میگردد.

دهقانان علاقه زیادی برای قهوه‌خانه رفتن از خود نشان میدهند چه علاوه برشنیدن آخرین اخباری که درآن ذی‌نفع‌اند قهوه‌خانه محل رفع خستگی، دید وبازدید وحل وفصل امور دهقانی ومحل فروش محصول روستائی وبرآورد گاه احتیاجات روستائی ومحل پیداشدن شغل برای خوش‌نشینان وبیکاران است.

***

ب ـ سرگرمی‌های زنان

تفریح وسرگرمی زنان بمراتب ازمردان کمتراست، نوع تفریح آنها بشکل تفریح مردان

نیست مگر درمواردی که خانوادگی به‌زیارت ویا شب‌نشینی میروند. هنگامیکه مردان درخانه هستند زنان هم‌میبایستی درخانه حاضرباشند ولی تفریح وسرگرمی آنها هنگامی است که مردان درخانه حضور نداشته باشند.

***

مشاهده بقچه‌لباس

گاهگاهی زنان پس‌ازانجام کارهای معمولی خانه بقچه رخت خودرا باز کرده وبه‌مهمانان ودوستان نشان داده ودربارهٔ تاریخچه هریک ازقطعات آن توضیحاتی میدهندولذت‌فراوانی‌ازآن‌میبرند زیرااین کار ازسرگرمی‌های گاه‌گاه زنان درخانه‌است.

***

جمع‌شدن سرتنور

یکی‌دیگر ازتفریح وسرگرمی‌زنان جمع‌شدن سرتنوراست زیرا یکی‌دوروز یکبار تنوری که درنزدیکی‌منزل آنهااست آتش شده ودرآن نان میپزند و علاوه برچندنفری که‌رسماًسرتنور به‌پخت وپزنان‌اشتغال‌دارند زنان‌همسایه نیز درآن‌محل جمع‌شده بامختصر کمکی‌به‌صحبت واختلاط باهم‌میپردازند وبیشتر منظور آنهاوقت گذرانی وصحبت است‌تا کمک کردن به‌داوطلبان نان‌پزی.

***

رفتن‌بخانه‌همسایه

زنان هنگام‌صبح ویا عصر، البته هنگامی که شوهر و یا بزرگتر و یا مرد خانواده در منزل نیست وازمنزل خارج‌شده بمنزل همسایه‌های نزدیک و صمیمی خودمیروند ودراین‌منازل‌بیشتر به‌صحبت، کمک کردن‌در کارهای معمولی یکدیگر وخیاطی باتفاق میپردازند.

***

جمع‌شدن‌سرکوچه

بزرگترین تفریح و سرگرمی و وقت گذرانی زنان که در بیشتر ساعات روز مشاهده میشود جمع شدن سرکوچه و یا جلوی درمنزلی است که جمع‌شوندگان بیشتر خانه‌شان دراطراف همان‌محلی که جمع‌شده‌اند قراردارد، این تجمع بزرگترین‌محفل‌دوستی وانس‌برای زنان‌است وبیشترمسائل‌زنانه آنها دراین جمع حل‌و فصل‌میگردد وبمثابه‌قهوه‌خانه‌رفتن‌برای مردان‌است. زنان دراین‌محل‌ها روی‌زمین‌می‌نشینند و از هردری سخن‌میگویند وگاهی ساعتها ازشب میگذرد وهنوز این‌جلسات ادامه دارد.

***

مسجد رفتن

عده‌ای اززنان برای ادای فریضهٔ مذهبی بمسجد میروند ولی پس‌از اتمام این‌عمل درمسجد بدورهم جمع‌شده ازهردری سخن‌میرانند.

***

روضه‌رفتن

معمولا درده خانواده‌هائی هستند که‌ماهی‌یکبار درروزهای‌معینی درمنزل آنها یک‌یاچندآخوند روضه میخوانند ولی‌عده‌ای اززنان قبل‌ازشروع روضه وبعداز ختم‌آن‌درمحل‌باقیمانده. وبه‌صحبت‌وبیان‌مسائل‌روز پرداخته وازنظر خود آنرا تجزیه وتحلیل میکنند وآنقدرکه بمسائل‌پس‌ازپایان روضه توجه دارند شاید به‌اصل موضوع‌توجهی نداشته باشند و ۹۰٪ اینگونه صحبت‌ها عبارتست از وضع و چگونگی خانواده‌ها ویادآوریهائی دربارهٔ پوشاك وطریقه‌تهیه آن وراهی‌برای بهبودی موقعیت‌خود وخانواده‌خود که باراهنمائیهای خرافاتی و نذر ونیاز وجادو پایان می‌پذیرد.

***

مقابله رفتن

درروزهای ماه رمضان بیشترزنان درمنزلی‌جمع‌شده و یکنفراز زنان باسواد قرآن‌را باصدای بلند خوانده ودیگران‌که سواد خواندن ندارند گفته‌های اورا عیناً تقلید میکنند وترتیب این‌عمل طوری است‌که هرروز یک سوره ازقرآن‌را میخوانند ودرپایان‌ماه قرآن را ختم میکنند ولی‌قبل از شروع و بعداز ختم، زنان ازهر دری سخن‌میگویند ومسائل‌مختلف را ازدریچه‌دید خود موردمشاهده وحل‌وفصل‌قرارمیدهند.

***

آب‌آوردن

زنانی‌که برای آب‌آوردن به‌آب‌انبار عمومی‌ده میروند گاه اتفاق میافتد که ساعتی آب‌آوردن آنها بطول‌میانجامد زیرا درروزهای گرم‌تابستان درروی پله‌های خنک آب‌انبار جمع شده و بایکدیگر بصحبت میپردازند که البته تمام این‌صحبت‌ها واختلاطها برای زنان ازتفریحات روزانه محسوب میشوند.

***



دورنمائی ازجمع بازیکنان وکودکان ده طالب‌آباد.
هردسته برای خود مشغول انجام یکنوع بازی‌هستند.

***

چنین بود بازیها وسرگرمی‌های گروههای مختلفی که نگارنده در ده طالب‌آباد مشاهده نموده ومشخصات آنرا جمع‌آوری وبصورت فوق تقدیم‌داشت.

فصل هشتم

آداب و رسوم

خرافات و اعتقادات، جشن‌ها، اعیاد، عزاداری، عرف و عادت

***

خرافات و اعتقادات

الف ـ اعتقادات خرافی ب ـ اعتقادات مذهبی ج ـ اعتقادات پزشکی

***

الف ـ اعتقادات خرافی

اهالی ده طالب‌آباد دارای اعتقادات خرافی فراوانی نیز هستند که بصورتهای اعتقاد به‌موجودات فوق‌طبیعی» و«معتقدات پراکنده» دراین مجموعه‌جمع‌آوری شده‌است که ابتدا اعتقاد آنهارا بموجودات فوق‌طبیعی بیان‌نموده ،پس به‌معتقدات پراکندهٔ اهالی‌میپردازیم:

***

اعتقاد به موجودات فوق طبیعی

اعتقاد به موجودات فوق طبیعی که بصورت اعتقاد به «جن» ، «غول» ، «دیو» ، «پری» وامثال آن متظاهر میگردد عبارتست از :

***

جن :

به موجودیت جن عقیده دارند و آنرا مخلوقی میدانند که در زیرزمین زندگی میکنند ، معتقدند که جن دارای سُم است وواد راست که به آسانی ازمحل سکونتش که درعمق زمین است بروی زمین بیاید. معتقدند که هنگام شب خرابه ها وچاهها وسوراخ ها محل اجتماع جن هااست واگر کسی هنگام شب به این مکانها وارد شود بایستی «بسم الله الرحمن الرحیم» بگوید تاجن ها پراکنده شوند والا گربچهٔ آنها لگدشود جن هامزاحم لگدکننده شده وانسان غشی میشود وهم چنین معتقدند که اگردرشب آبجوش بزمین ریخته شود بایستی حتماً «بسم الله» گفت و الاآبجوش بروی جن ها ریخته آنهاسوخته وشخص غشی میشود ومعتقدند که اگرشخص چنین وضعی پیدا کرد بایستی برایش دعا گرفت . برای این منظورشیادانی هستند که معتقدین را فریب داده وبآنها دعامیدهند و باتشریفاتی بجن ها سفارش میکنند که دیگربه آنهاآزاری نرسانند . معتقدند که ممکن است جن ها درشب بصورت گربه سیاه نیزدرآیند ازاینرو گربهٔ سیاه رانبایستی هنگام شب اذیت نمود ودرصورت مشاهده چنین گربه ای بایستی «بسم الله» گفت که اگرجن باشد دورشود .

معتقدند که پوست پیاز جن ها پول باارزشی برای ماست و مثالهائی میزنند که اجداد آنها به مجالس جن ها راه یافته وبمناسبت خوبی وکمک کردن به جن ها قدری پوست پیاز ازطرف جن ها بآنها داده شده وهنگام صبح مشاهده شده که تمام پوست پیازها مبدل به سکه طلا یا نقره گردیده است .

***

غول :

افسانه ها وداستانها وسخن هائی ازغول شنیده میشود ، غول را موجودی بلند قامت و سرگردان دربیابانها میدانند وبیشتربجای استعمال لغت غول، «غول بیابانی» بکارمیبرند وآنراآنقدر بزرگ میدانند که میگویند لاک پشت شپش بدن غول ودم الاغ رابایک مو ازبدن غول برابرمیدانند .

***

پری :

پری‌را مظهرزیبائی وخوبی‌میدانند ودرافسانه‌ها برای یکدیگر بازگو میکنند که پریان دارای شهری مخصوص‌بخود هستند که به‌شهر پریان شهرت دارد وازدختر پادشاه پریان‌مطالبی یاد میکنند بطوریکه تمام‌مظاهر زیبائی وخوبی ونیکوسیرتی دراین‌دختر جمع‌شده‌است. زندگی آنهارا درباغهای فراخ ومحل‌های باصفائی‌میدانند که هرکس حسرت دیدن آن‌مکان‌را دارد.

***

دیو :

اعتقادی‌نیز به‌موجودیت دیو دارند وشکل ووضع‌آنرا بیشترازداستانهای شاهنامه‌الهام میگیرند، دیورا شبیه انسان‌میدانند ولی‌باشاخ وبدن‌لخت وصورت‌عجیب، معتقدند که‌دیو تنوره کشیده چون پرنده‌ای روی‌آسمان روان میگردد وآنرا مظهر جنگ وجادوگری میدانند.

***

معتقدات پراگنده

آبجوش و اجنه :

معتقدند که اگر هنگام شب آبجوش بزمین ریخته شود بایستی حتماً «بسم‌الله‌الرحمن الرحیم» بگویند تا اجنه که هنگام‌شب درسطح زمین پراکنده‌اند باشنیدن این‌نام‌دورشوند و الا آبجوش‌روی آنها ریخته شده میسوزند ودرصدد آزار آبجوش‌ریزنده برمیآیند ودرنتیجه‌آبجوش‌ریز غشی میگردد.

***

انار بهشت :

معتقدند که هردانه‌انار دربین‌دانه‌هایش یک حبه‌انارروجود دارد که آن‌حبه دانه‌بهشتی است واگرکسی کلیهٔ حبه‌های یک‌انار را بخورد آن‌یک حبه بهشتی‌راهم‌خواهد خورد وکسانی که علاقمند باشند تاحبه بهشتی‌انار را بخورند بایستی ازانار خود بهیچ کس‌ندهند.

***

باد :

معتقدند که اگرهنگام‌تابستان که هوا بسیارگرم‌است ومردم روی پشت‌بام یا درحیاط منزل‌خوابیده‌اند وبادهم نمیوزد، برای وزش‌باد وخنک شدن هوا بایستی‌مرتب بگویند:

«بادباد، محمد باد. بادباد، اصغرباد. بادباد، حسین‌باد. بادباد.... باد.»

(البته اسامی محمد ، اصغر ، حسین بدلخواه است ومیتوانند بجای آن هراسم دیگری را ذکر کنند)، وآنقدر این اسامی تکرارمیشود تاباد بوزد .

***

باران :

معتقدند که اگر باران زیاد ببارد درکاغذی چهل عدد قاف (ق) نوشته و زیر ناودان قرارد هند، باران بند میآید .

***

بختک :

معتقدند که اگردرخواب شیئی سنگینی را روی خود حس کردید، بختک است که بروی شما افتاده فوراً دست برده دماغش رابگیرید تامحل گنج هائی را که درزمین مدفون است نشان دهد . میگویند ساختمان دماغ بختک طوری است که بااندك فشار ازصورتش جدا میگردد وبرای رهائی ازاین پیش آمد میگوید دماغم را رها نما تاهرچیز که خواسته باشی بدهم وچون بختک از محل دفن تمام گنج ها بااطلاع است ازاومحل هر گنجی را بخواهید اوهم فوراً نشان خواهدداد .

***

باران و زائیدن گرگ :

معتقدند هنگامی که باران میبارد وهواهم آفتابی است علامت آن است که گرگی درحال زایمان است .

***

تخم مرغ شکستن :

معتقدند که اگربه شخصی چشم زخم وارد شد، بایستی برایش تخم مرغ شکست تابهبودی یابد . (شرح تخم مرغ شکستن درجای دیگر بتفصیل آمده است) .

***

جهنم :

معتقدند که اگر موی سر زنی را نامحرم به بیند روزقیامت آن زن را درداخل جهنم بطور معکوس باآن مو آویزان میکنند .

***

چشم‌درد :

معتقدند که اگرخون گوسفند قربانی‌شده‌را درچشمی که زیاد درد میکند بریزند بزودی بهبودی می‌یابد.

***

حاضر کردن افراد :

معتقدند که اگر درمحفلی یکنفر که قراربوده درآنجاحضور بهمرساند ونیامده برای‌حاضر کردن وآمدنش‌این‌شعر را میخوانند:

آلیسونُ وبلیسون (... نام‌فرد... مثلاً مشدسنُ «مشهدی‌حسن») برسون

اگرنشسته پاش کون (بلندش کن) اگر وایساده راش کن (براهش بینداز)

مرتباً این‌شعررا خوانده ومجدداً تکرارمیکنند وانتظارمیکشند که هم‌اکنون واردمیشود.

***

خواندن مرغ :

معتقدند که اگرمرغی چون‌خروس بخواند ممکن‌است نگهداری آن‌مرغ زیانهائی‌دربر داشته باشد، ازاینرو مرغ را گرفته چشمش را می‌بندند و بروی بام خانه برده بسمت کوچه رها میکنند، مرغ درکوچه چشم‌خودرا بازنموده اگرخانه صاحب خود را تشخیص دادکاری به‌آن ندارندوا گرنتوانست‌خانه را تشخیص‌دهد بایستی دیگر آنرابدان‌خانه‌راه نداده و به‌مستحقی‌سپرد.

***

تخم دو زرده :

معتقدند که اگر مرغی‌درخانه‌ای تخم‌دوزرده نماید نشانه‌آمدکار است واگرهمان‌مرغ پس‌از تخم‌دوزرده‌تخم کوچکی‌مانند تخم کبوتر بگذاردآنراتخم گوهری می‌نامند وآنرا روی‌ظرف برنج‌خام میگذارند تابرنج بابرکت شود.

***

سگ و ظرف :

معتقدند که هرظرفی‌را که سگی دهن‌زد بایستی‌هفت‌بار شست تا پاك شود.

***

لیسیدن گربه :

معتقدند که‌اگر گربه‌درکنارافرادخانواده‌نشسته‌دست‌وپای خودرا لیسد آن بدان‌معنی

است که برای آن خانواده میهمان میآید.

***

گربه سیاه :

معتقدند که درشب گربهٔ سیاه را نبایستی آزار کرد زیرا ازمابهتران (اجنه) بشکل گربه سیاه نمودار میشوند وباآزار کردن گربه سیاه ممکن است آزار کننده غشی شود.

***

ماه و سبزه و آب :

معتقدند که شب اول ماه هر کس که برای اولین بار چشمش بماه بیفتد بایستی بلافاصله به قرآن، سبزه ویا آب نگاه کند زیرا معتقدند که آب روشنائی میآورد وسبزه گشایش در کار.

***

دورانداختن سبزه :

معتقدند سبزه‌ای که خانواده‌ها قبل ازعیدمیاندازند بایستی درروز سیزدهم فروردین آنرا دور بیندازند وبادورانداختن آن رنج وملال وغم خانواده دور ریخته میشود.

***

پیدا شدن گمشده :

معتقدند که اگر شیئی درمنزل گم شد بایستی پارچه‌ای راگره زد تاآن شیئی پیدا شود.

***

مار صاحب‌خانه :

معتقدند که درهرخانه‌ای ماری‌است وآن‌مار صاحب خانه اصلی وواقعی است. ازاینرو نبایستی مارصاحب‌خانهٔ راکشت.

***

ستاره مار :

معتقدند که اگرماری‌را بقصد کشتن تکه‌تکه هم‌نمایند نمیمیرد مگرآنکه شب فرارسد ومار ستاره خودرا درآسمان دیده آنگاه میمیرد.

***

مار و عقرب :

معتقدند که هنگام‌شب بایستی‌اسم ماررا «دم‌دراز» واسم‌عقرب‌را «دم کج»نامید وگرنه

شنیده بسراغ انسان میآیند.

***

پوست مار وچشم درد :

معتقدند که هر کس هفت‌بند ازپوست مازی‌را که پوست انداخته پیدانموده بخورد تا هفت سال چشم‌درد نمیکند .

***

مارمولک وشمارش‌دندان :

معتقدند که اگر کسی‌چشمش به‌مارمولک افتاد بایستی دهان خودرا ببندد و الا اگر مارمولک دندانهای اورا ببیند دندانهایش‌را شمرده آن‌فرد خواهد مرد

***

ستاره و مرگ :

معتقدند که هر کس‌درروی آسمان دارای یک ستاره است ولی هنگامیکه آن فرد مرد ستاره‌اش در روی آسمان از جای خود حرکت نموده و در مسیر خود از نظر ناپدید میشود آنگاه مرگ صاحب‌ستاره فرا رسیده آن‌فردخواهد مرد.

***

ناخن‌گرفتن :

معتقدند که پس‌ازگرفتن‌ناخن‌دست وپا بایستی‌آنرا درپاشنه دراطاق یاپاشنهٔ‌درکوچه ویااصولاً درپاشنهٔ دری بریزند وهنگام‌ریختن بایستی بگویند :

غم برو شادی بیا　　محنت برو روزی بیا.

***

ناخن‌گرفتن :

معتقدند که اگر کسی منزل کسی برود و درآن منزل ناخن خودرا بگیرد ، غم خودرا درآن‌منزل ریخته‌است و هرخانواده اعضای خودرا منع میکند که این کاررا انجام‌ندهند.

***

همزاد :

معتقدند که هرانسانی‌دارای‌همزادی‌نیزهست، همزادش‌ازاجنه‌وازمابهتران‌نامیده میشود وهرگاه زنی وضع‌حمل‌نماید همزاد اوهم بهمین‌ترتیب وضع‌حمل مینماید.

***

آداب در خزینهٔ حمام :

هنگامی که یکنفردرداخل خزینه حمام مشغول شست وشوی بدن خود باشد اگر تازه‌واردی که بانفر داخل خزینه آشنا بوده ویادوست باشد بمجردواردشدن شخص دوم بخزینه بجای احوالپرسی چندین مشت آب خزینه را بالاآورده دومرتبه ریخته وباردیگرتکرارمیکند ، طرف هم عیناً همین کاررا انجام میدهد ودرحین انجام این عمل احوالپرسی نیزانجام میگیرد، معمولاً این کار سه بار توسط طرفین انجام میشود .

هنگام آمدن درسر بینه معمولا بیکدیگرمیگویند «عافیت باشد» ودرجواب سلامت باشید شنیده میشود ، هنگام خارج شدن از در حمام درنخستین برخورد «ساعت آب گرم» توسط آشنایان نزدیک بدانها گفته میشود ودرجواب «سلامت باشید» شنیده میشود .

***

ب ـ اعتقادات مذهبی

اصولاً اهالی روستاها اعتقادات فراوانی بمذهب دارند واین اعتقاد درتمام شؤون زندگی آنها مشاهده میشود، این اعتقادات عبارتنداز :

***

حضرت خضر :

معتقدند که هرکس چهل روز متوالی هر روزصبح قبل ازآنکه کسی ازآن محل عبورنماید جلوی خانه خودرا آب وجاروب نماید روز چهل ویکم صبح زود حضرت خضررادرصورتی غیرازصورت اصلی خود می‌بیند وبایستی ازاو مراد بطلبد وحضرت هم مرادش را میدهد، داستانی که دراین باره بین اهالی شایع است عیناً نقل میگردد:

«اون قدیما مردآبیاری بود که چهل روز پشت سر هم جلوی خانه خود را جاروب نمود تاحضرت خضررابه‌بیند، اتفاقاًصبح روز چهل ویکم درحالیکه بیل آبیاری بدوش آبیار بود وازمنزل بصحرا میرفت شخصی رادید وپیش خود حدس زد که اوبایستی حضرت خضرباشد، مرد آبیاربادلی پرازتشویش پیش رفته سلام نموده و گفت شما حضرت خضرهستید؟

ـ بلی چه کار دارید .

اگر شماحضرت خضر هستید ومعجزه میدهید باین بیل من بگوکه پارو بشود .

حضرت میگوید، بیل آبیار پارو شو!

آبیار روی خودرا برگردانده اثری ازحضرت خضرنمی‌بیند وآنگاه به‌بیل خود نگاه میکند می‌بیند پارو شده‌است آنگاه‌افسوس می‌خورد این چه کاری‌بود که‌من کردم زیرا ارزش پاروبمراتب کمترازبیل‌است خوب بود چیز بهتری خواهش‌میکردم .»

* * *

ملائکه مأمور :

معتقدند که هرانسانی دوملائکه مأموردارد که یکی روی شانه راست و دیگری روی شانهٔ چپ اونشسته‌اند واعمال‌اورا کنترل ویادداشت میکنند. آنکه روی شانهٔ راست است‌مأمور ثبت اعمال‌نیک وآنکه روی شانهٔ چپ است مأموراعمال زشت و ناپسند میباشد و مجموع همین دواعمال‌است که در روزقیامت در ترازوی عدل سنجیده شده و هرکدام بردیگری فزونی داشت سرنوشت شخص‌مشخص‌میگردد .

* * *

پاداش اعمال :

معتقدند که اگرانسان گناهکارباشد گناهانش بصورت سگ سیاهی درقبر با او هم‌بستر میشود واگر ثواب کار باشد ثواب‌هابصورت فرشته‌ای بااوهم‌بستر میشود وگردن فرشته گلوبندی است که تاباآن‌بخواهند بازی کنند پاره شده بزمین‌میریزد وتابخواهند مشترکاً آنهارا جمع‌آوری نمایند روزقیامت فرارسیده آنهارابرای‌پاداش‌اخروی‌صدامیزنند درصورتیکه گناهکارکه سگی‌همدم اواست تاپایان‌دنیا باسگ هم‌بستر وهمدم‌است .

* * *

مکان پس‌از مرگ :

معتقدند که هرکس‌پس‌ازمرگ جای مشخصی‌دارد و درهرکجا که او را دفن کنند ، پس‌ازدفن ملک‌نعش کش، نعش‌اورا بجائی که برای اومعین شده تغییرمکان میدهد .

* * *

خیرات :

ساکنین ده طالب‌آباد جمعاً به‌دنیای پس‌ازمرگ اعتقاد دارند وسخت بدان مؤمن‌اند، آرزوی آنها این‌است که فرد شایسته‌ای باشند وعبادتها وکارهای خیرآنها مورد قبول پروردگار واقع شود .

هنگامیکه کسی ازآنهافوت شد خانواده وبستگانش‌معتقدند که دستش ازاین‌دنیا کوتاه

شده‌است وبرای آمرزش او اقداماتی میکنند ازجمله این اقدامات یکی خیرات است که دربین اهالی رواج کامل دارد.

شب های جمعه وشب های موردتوجه چون شبهای قتل پیشوایان مذهبی، چهارشنبهٔ آخرسال، شبهای احیاء وامثال آن هرکس به‌نیت آمرزش یکی از بستگان خود مقداری خرما یا شکرپنیریادرفصل مربوط مقداری انجیر تازه ، انار ، گلابی میگیرندودرمسیرعمومی ایستاده هرکس که ازآن‌نقطه عبورکند خرما یاشکرپنیر ویا انجیررابنامبرده تعارف میکنند و رهگذر وظیفه خود میداند که یک‌دانه ازآن‌را برداشته وقبل‌ازخوردن آن «حمد و قل هوالهی» خوانده برای‌آمرزش اموات خیرکننده بفرستد سپس خوراکی‌را بدهان گذارد.

بعضی‌اوقات برای خیراتی‌حلوا انتخاب‌میکنند واین‌حلوا عبارتست‌از آرد وروغن وشکر که‌پس‌ازپختن‌رنگ‌زردی بهم‌زده‌دربشقابی‌میریزند وبه‌رهگذران تعارف‌نموده چنین‌اظهارمیدارند: «داخل فاتحه شوید» رهگذرکمی‌ازآنرا باانگشت برداشته ، پس‌از خواندن فاتحه میخورد ولی بیشترخیراتی‌ها‌را خرماتشکیل‌میدهد. برای‌خیرنمودن‌انار یا گلابی‌آنهارا چهارقاچ نموده درظرفی گذارده‌بعابرین تعارف‌میکنند که‌داخل‌فاتحه‌شویدوبترتیب‌فوق،عابرین هم‌داخل‌فاتحه‌میشوند ولی اکثریت خیرات باخرما وشکرپنیر است.

***

نذرها :

درده طالب آباد اهالی به نذرهای متعددی معتقدند وبسیاری از نذرهای خود را در امامزاده فیروزآباد انجام‌میدهند ، مثلاً عده‌ای‌درامامزاده فوق گردهم آمده پس‌از نوشیدن چای وکشیدن قلیان نذرخودراکه بیشتربصورت خوراکی‌است بین‌حاضران سهم‌میکنند.

***

نذر موها :

معتقدند کسی که اولادش نمیشود نذرمیکند که اگرخداوند فرزندی بمن‌عنایت فرماید موهایش‌را نذر امام‌رضا یا سیدالشهدا ویا حضرت‌عباس مینمایم ودرصورت بچه‌دار شدن هروقت که موهای سرطفل بلند شد باقیچی‌اطراف موهاراچیده نگهداری میکنند. تاهفت‌سال‌بدین‌ترتیب موهارا نگهداشته، درهفت سالگی‌سر طفل‌را تراشیده وکلیهٔ موهای هفت‌ساله‌را بآن‌ضمیمه کرده آنهارا وزن نموده وهم‌وزن موها نقره برای‌محل نذر میبرند.

***

نذر چشم :

معتقدند که اگر کسی بچه‌اش چشم درد کند نذرمیکند که اگرچشم بچه خوب شود یک جفت چشم نقره خریده نذرمیکنم واین نذر ممکن است درهراماءزاده، سقاخانه ویا اماکن مقدس دیگربرده شود ومعمولاً به‌درب محل موردنظر کوبیده میشود ، دست وپا وپنجه نقره وامثال‌آن بدین‌ترتیب نیز نذرمیشود .

***

نذر حیدری :

معتقدند که هرکس دارای پسری نباشد نذرمیکند که خدایا بمن پسری عطا فرما من آنرا حیدری‌میکنم، درصورت پسردار شدن یک گوش اوراهنگام کودکی‌سوراخ کرده وازآن گوشواره‌ای میآویزند، ازاینرو مردانی‌را می‌بینیم که یک گوش آنها سوراخ است اینگونه مردان درکودکی حیدری شده‌اند .

***

و انْ یکاد :

معتقدند که اگرسوره «وان‌یکادالذین کفرو...» را روی‌قطعهٔ فلزی حک‌نموده وباطفل همراه نمایند طفل‌ازچشم‌زخم‌خوردن مصون میماند روی همین‌اصل «و ان یکاد» هائی ازفلزات مختلف وبه‌اشکال‌مختلف برای کودکان تهیه نموده وهمراه آنها مینمایند .

***

انواع سفره‌های نذر

سفرهٔ مادر ابوالفضل :

دراین‌سفره هرنوع میوه یا خوراکی که تهیه‌اش‌برای صاحب سفره امکان دارد گذاشته میشود، این‌خوراکی‌ها عبارتنداز :

کاچی، پنیر، سبزی، آجیل‌مشکل گشا، خرما، پلو وامثال‌آن، از خصوصیات این سفره این‌است که هرکس‌میتواند یکنوع خوراکی نذر نموده ودرسفره قراردهد ، آنگاه ملا یاآخوندی آمده دعاهای مربوط را خوانده سپس‌حضار دستجمعی‌شروع بخوردن خوراکی‌ها میکنند، ممکن است این‌سفره هنگام‌ظهر، عصر یا شب انداخته شود .

***

سفره حضرت عباس :

درمورد نذر سفره حضرت‌عباس یادآور میشود که سفره را دروسط اطاق پهن میکنند ، سپس درداخل این‌سفره، قرآن، نان، پنیر، سبزی، کاچی، یک‌میوه دربسته مانند هندوانه، اناریا خربزه، شش‌عدد شمع، آجیل‌مشکل‌گشا وقائوت میگذارند.

اگراین‌سفره بمقیاس بزرگتری چیده شود درآن آش‌رشته، پلو، خورشت، شربت وامثال آن گذارده‌میشود، این‌سفره‌بایستی درروز انداخته شود، کاچی که دراین‌سفره گذارده میشود بایستی کم‌شیرینی‌باشد، صاحب سفره زنان‌نزدیک‌را دعوت‌نموده وقتی‌همه حاضرشدند هنگامی که سفره پهن‌است درکنارسفره دسته‌جمعی دورکعت نمازحاجت میخوانند. بعدازنماز یک‌روضه‌خوان زن باصدای بلند چنین‌میگوید:

ای ماه بنی‌هاشم خورشید لقاعباس مارو بتو آوردیم شمع‌شهدا عباس
ازمحنت دردوغم ما رو بتو آوردیم دست‌من‌محزون‌گیر ازبهر خدا عباس

این‌اشعارده مرتبه توسط گوینده آن‌تکرارمیشود وزنان‌دیگرهم‌آهسته آنرا زمزمه‌میکنند بطورکلی نبایستی‌اشعارکمتراز ٤بارگفته شودیعنی‌حداقل،سفره بایستی‌باحضور چهارنفر شروع شودکه باگفتن ده بارهرکدام ٤مرتبه گفتن کامل‌شود. معمولاً زن‌روضه‌خوان‌را ممکن‌است از دهات دیگر دعوت کنند واگرروضه‌خوان مرد هم‌دعوت شود نامبرده بایستی روضه‌حضرت عباس بخواند،سپس‌خوردن‌آغازمیگرددومعمولاً بافرادسهمی‌هم‌داده میشود که برای،نذدیکان‌خودببرند چون معتقدندکه مخصوصاً آجیل‌آن گره‌گشای کارها است.

***

سفره حضرت علی‌اصغر :

نذرسفره حضرت علی‌اصغر بدین‌ترتیب است‌که درعرض سه ماه بایستی هرماه یک سفره بیندازند. محتویات هرسفره عبارتست‌از:

یک‌من شیر، نیم من نان‌روغنی، شیر راگرم کرده‌نان روغنی‌را به‌بشقاب بشقاب‌تقسیم نموده ودرسفره می‌چینند، روضه‌خوانی آورده وتوسط وی روضه حضرت علی‌اصغر در آغاز شروع خوانده میشود ولی بعداً اگر خواسته باشند میتوانند بدنبال آن روضه‌های دیگری نیز بخوانند. دراین مراسم هرکس‌که به روضه بیاید یک بشقاب نان روغنی با یک استکان شیرگرم به او میدهند وپس‌ازصرف نان وشیرختم روضه اعلام میگردد.

***

سفره حضرت رقیه :

این سفره را بایستی روز جمعه بیندازند، طریقه انداختن این سفره بدین نحو است که یک نان سنگک و پنج سیر خرما گرفته وارد امامزاده‌ای شده سفره‌ای می‌اندازند، نان را تکه‌تکه نموده و درلای هرتکه نان چند خرمائی گذارده، روضه‌ای راجع بحضرت رقیه دراما مزاده میخوانند ودر پایان به شرکت کنندگان درروضه یک تکه نان که خرما بهمراه دارد داده میشود. معمولا در طرفین این سفره دوشمع نیز روشن میکنند.

***

سفره بی‌بی سه‌شنبه :

این سفره را بایستی دراطاق بسته‌ای بیندازند که مطلقاً جنس مذکررا بدان راهی نباشد وروی همین اصل زنان حامله را هم برای این سفره دعوت نمیکنند. برای این سفره درهمان محل بایستی آش رشته بپزند ودرهمان محل هم تمام آنرا بخورند و هیچ چیز آن هم بخارج ازآن مکان راه نیابد.

***

سفره حضرت زینب :

سفرهٔ حضرت زینب را نیزد رمسجد میاندازندوآن بدین ترتیب است که آش رشته رابایستی پخته ودرمسجد خیر کنند، ازمراسم این سفره این است که آسمان نبایستی آش رشته را به بیند وگرنه معجزه آن ازبین میرود.

***

آش پشت پا :

هنگامی که یکی ازبستگان یا اعضای خانوادهٔ بزیارت برود سه روز پس از رفتن برای زیارت رونده، آش پشت پا پخته میشود، آش پشت پا همان آش رشته است که پس ازپختن کاسه کاسه مجاناً برای همسایه ها فرستاده میشود، بستگان و افراد نزدیک شخص زیارت رونده بدورهم جمع شده باتفاق آش میخورند.

گاهی آش پشت پا برای افرادی که بمسافرت میروند نیز پخته میشود و بهمان ترتیب برای خانواده ها فرستاده میشود.

***

آش امام زین العابدین :

آش امام زین العابدین یکنوع آشی است که درآن لوبیا ونخود وادویه فراوانی یافت میشود

ویکی دیگر از انواع نذر ها است. برای تهیه این آش بایستی تمام مواد اولیه آنرا از همسایگان جمع آوری کنند ویا ظرفی را سر گذر در کوچه گذارده هر کس بمیل خود چیزی در آن بریزد مثلا کمی لوبیا، ماش، پول، نمک وپیاز وامثال آن. درآخر کسی که بانی پختن آش شده نذری های داخل ظرف را جمع آوری نموده وخود کم و کسر آنرا جبران میکند وآش را میپزد وچون نذر است پس از پختن برای همسایگان میفرستند وهمسایگان هم وظیفه دارند بگویند: «انشاءالله نذرش قبول شود».

این آش را بیشتر نذر بهبودی افراد مریض وبیمار مینمایند و چون امام چهارم شیعیان امام زین العابدین اکثر بیمار بوده است از این رو این آش بدین نام شهرت یافته است.

***

سمنو :

یکی دیگر از نذرها پختن سمنو است، سمنو برای نذرهای مختلفی پخته میشود مثلا ادای قرض، گشایش کار، بهبودی حال، بهبودی بیمار، زنده ماندن اطفال و امثال آن. هنگام پختن آن حدود عید نوروز است وطریقهٔ پختن آن بدین ترتیب است که گندم را سبزه انداخته پس از جوانه زدن سبزه آنرا کوبیده شیره اش را میگیرند، آرد وروغن را سرخ نموده بجای آب، آب سبزه گرفته شده را در آن ریخته مرتباً آنرا بهم میزنند ومعمولاً این بهم زدن از سر شب تا صبح طول میکشد وهر کس که نذری داشته باشد بایستی کمی آنرا هم بزند تا مرادش داده شود، مقداری بادام و گردوی باپوست نیز در آن میریزند وآنها هم پخته میشوند.

فردای آنروز سمنورا درظرفهای مختلف کشیده وبرای همسایگان میفرستند وهمسایگان هم وظیفه دارند درجای ظرف سمنو تخم سرغ ویا کمی قند گذارده ظرف را پس بفرستند واگر قند ویا تخم سرغ درمنزل نبود بایستی چند برگ سبز چیده در کاسه گذارده پس بفرستند، بادام ویا گردوی سمنورا هر کس درسهمیه سمنوی خود بیابد درجیب ویا کیسه خود نگهداشته معتقدند که برای جیب ویا کیسه برکت دارد.

***

شل زرد :

شل زرد نیز یکی دیگر از نذرها است وبیشتر آنرا نذر کودکان مینمایند تا سلامتی آنها درقبال پیش آمدها حفظ گردد.

طرز پختن آن بدینطریق است که برنج را خیس کرده تقریباً هم وزن آن شکر آب کرده اضافه نموده شروع به پختن آن مینمایند ودرحین پختن هل وزعفران نیز اضافه میکنند، بدین ترتیب

زعفران رنگ آنرا تغییر داده و کاملاً زرد مینماید، پس از پختن در ظرفهائی ریخته وروی آن با دارچین کوبیده کلمات «یا امام حسین»، «یا امام حسن»، «یا علی» وامثال آن مینویسند وپس از سرد شدن برای همسایه ها میفرستند.

شل زرد را بیشتر هنگام اربعین امام حسین وقتل امام حسن و فاصله بین این دو که بیش از هشت روز نیست میپزند، شل زرد مورد علاقه شدید کودکان است ودر کوچه راه میروند وچنین فریاد میزنند : اربعین شه دین شل زرد چقدر شیرین.

***

روزه و مراسم آن :

اهالی طالب آباد چون مسلمان هستند در این ماه بروزه گرفتن و روزه داری میپردازند، دختران از ۹ و پسران ازچهارده سالگی ببعد بتشویق افراد خانواده خود بیشتر روزه میگیرند، برخی از اعضای خانواده حتی یکروز قبل از آغاز ماه رمضان نیز روزه میگیرند واین یکروز روزه گرفتن را خود «پیشواز رفتن» مینامند یعنی قبلاً به پیشواز ماه رمضان وروزه گرفتن رفته اند وآنرا «کلوخ اندازان» نیز مینامند.

***

طریقهٔ روزه گرفتن بدین ترتیب است که هنگام سحر افراد داوطلب روزه گرفتن برخاسته وغذائی که بنام «سحری» نامیده میشود میخورند، البته نوع غذا ومقدار آن اگرچون غذای ظهر ویا شام نباشد کمتر از آنهم نیست.

پس از پایان غذا تا شروع اذان سحری خوردن آزاد است ولی با شنیدن صدای اذان دیگر هیچ چیز نباید از دستی خورده شود تا غروب فردای همانروز تا هنگامی که صدای اذان مغرب شنیده شود وآنگاه شخص روزه افطار مینماید.

موضوعی که دراینجا لازم بتذکر است اینکه هنگام سحر موذن ها با صدای بلند خود هنگام برخاستن، مقدمات غذا خوردن و آماده کردن آن را اعلام میدارند. برای بلند شدن افراد توسط موذن ها که عده آنها به دوسه نفر در ده میرسد این جملات مناجات میشود:

« یا مقلب القلوب والابصار »

« یا مقلب اللیل والنهار »

پس از ادای ابیات فوق زن خانواده برخاسته سماور را آتش کرده سحری را آماده میکند وافراد دیگر را ازخواب بیدار نموده تا به سحری خوردن بپردازند.

درگذشته اند کی پس ازسحری خوردن صدای: «آب است وتریاك» یعنی اگرآب میخواهید بخورید وتریاك خودرا هم بکشید. توسط مناجات کنندگان بگوش میرسید ولی اکنون بواسطه تحریم کشیدن تریاك این جمله گفته نمیشود.

پس ازآن مرتباً کلمهٔ «اَسَّبا» بگوش میرسید وگفتن این کلمه بمعنای آن است که دیگر خوراك خوردن خودرا بپایان رسانند، لحظه‌ای بعد صدای اذان گفتن برخاسته و باشنیدن صدای اذان خوردن وآشامیدن بطور کلی برای روزه‌داران ممنوع میشود و مجدداً میخوابند تاصبح شده بسراغ کارخود بروند ودرصورت خوردن وآشامیدن، روزهٔ آنها باطل میگردد.

***

اهالی یک ماه تمام روزه میگیرند وغروب قبل ازپایان ماه بسیاری ازافراد درفضای بازی ایستاده ودرصفحه آسمان هلال ماه‌را جستجومیکنند ودرصورت دیدن هلال ماه برای آنها مسلم میگردد که ماه بپایان رسیده وفردای آنروز دیگر کسی روزه نمیگیرد ولی درصورت ندیدن ماه بایستی ازنقاط دیگر که ماه‌را دیده‌اند باطلاع آنها برسانند تاروزه خودرا بخورند زیرا درصورت ندیدن ماه فردای آنروز روزه گرفته گوش بزنگ میمانند تاازشك وتردید بیرون آیند.

***

عید فطر :

اولین روز پس ازپایان ماه مبارك رمضان عیدفطر نامیده میشود وهرفرد بالغی وظیفه دارد که به‌نمازعید برود، نمازعید ازطرف امام جماعت محل برپا میشود وازصبح زود روزعید تااواسط روز چندبار تکرارمیشود.

دراین روزهر کس بایستی فطریه خودرا بپردازد و هرخانواده برای اعضای خود بطور سرانه مبلغی پول ویامقداری گندم ویاجو معین نموده به‌امام جماعت ویافقیری که خود ازوضع آن آگاهند میدهند، فقیرترین افراد نیزفطریه‌میپردازند وخودرا موظف بپرداختن میدانندبدین ترتیب که مقداری جو یا گندم‌را درظرفی ریخته هر کس دست خودرا روی آن زده ودرپایان جویا گندم‌را بفقرا میدهند ویاچند ریال پول را دردست تمام افراد خانواده دست گردان نموده بفرد مورد نظر میپردازند. ونیز معتقدند که هر کس شب عید ماه رمضان افطار خودرا در منزل دیگری بنماید فطریه‌اش بگردن آن صاحب خانه خواهد افتاد ازاینرو هر کس وظیفه دارد که دراین شب درمنزل خود افطار نماید.

***

زیارت رفتن :

اصولاً تنهاآرزوی روستانشینان شیعی مذهب این نواحی زیارت رفتن وبقول خودشان «به‌پابوس‌امام نائل‌شدن» است، مردان مدتها زحمت میکشند تابتوانند خود ویا باتفاق‌خانواده خود سفری به‌شهرهای مذهبی‌نمایند.

شهرهای‌مذهبی‌ایران‌برای‌شیعیان عبارتست‌از: حضرت عبدالعظیم، قم، مشهد. اهالی برای زیارت به‌حضرت‌عبدالعظیم میروند ولی‌چون بسیارنزدیک‌است برای‌آنها رنج‌سفر دربرندارد وچون زیارت‌کردن آن به‌آسانی میسراست برایشان این‌زیارت ارزش قم ومشهدرا ندارد.

درسالهای اخیر بواسطه سهولت درایاب و ذهاب زیارت حضرت معصومه درقم بسیار آسان شده‌است واین‌زیارت چون گذشته نمیتواند برای آنها آرزوئی باشد واغلب به‌قم رفته‌اند، ولی‌بزرگترین آرزوی‌آنها رفتن به‌مشهد وزیارت قبر امام‌هشتم‌شیعیان‌است که این‌زیارت برای‌آنها واقعاًهم آرزو است.

هنوز دهقانانی که پای پیاده بزیارت قم رفته‌اند حیات دارند و رفت وبرگشت زیارت خودرا باپای پیاده واتفاقات طول‌راه باآب وتاب فراوانی‌نقل‌میکنند.

رفتن به‌مشهد برای‌آنها باتشریفات‌خاصی‌صورت میگیرد که تحت عنوان «آداب ورسوم زیارت رفتن» یادآور میشود و پس ازانجام این زیارت‌کلمه «مشهدی» به‌اول نام‌کوچک آنها اضافه میشود که درقسمت نامیدن، کنیه، القاب شرح‌داده شده‌است.

کربلا رفتن‌برای اهالی‌نیزآرزوئی‌است که‌برای آنهابمراتب ازمشهدرفتن باارزش‌تراست واین‌زیارت برای‌آنهامخارج زیاد ورنج فراوانی‌را دربر دارد که پس‌ازبازگشت‌کلمه«کربلائی» به‌ابتدای نام‌کوچک‌آنها اضافه میشود که آنرا ، خفف‌نموده و «کل» تلفظ میکنند.

بزرگترین آرزوی یکنفرمسلمان مؤمن باصول‌مذهبی زیارت‌کعبه (خانه خدا) درمکه است ولی تاکنون هیچ یک ازدهقانان قادر بزیارت خانه‌کعبه نیستند، درحال حاضر بجز دونفر ارباب ده‌که حاجی‌هستند وخانه خدارا زیارت‌کرده‌اند دونفرحاجی دیگردرده ساکن‌میباشند که هردوصاحبان دوپقالی ده طالب‌آباد بوده وازاینرو شهرتی‌دارند.

علاوه براماکن مذهبی فوق دهقانان علاقه فراوانی بزیارت امامزاده داود دارندکه درکوههای شمالی‌تهران واقع‌است آنهم‌بهنگام تابستان وجزاماکن نامبرده جای معتبر دیگری برای‌زیارت دهقانان وجودندارد مگر امامزاده‌های دهات اطراف که فقط اهمیت محلی‌دارند.

***

آداب و رسوم زیارت رفتن :

گفتیم که زیارت رفتن ازآرزوهای قلبی شیعیان ساکن روستا است، افرادی که واجد شرایط زیارت‌رفتن باشند پس‌ازگرفتن تصمیم‌ازچند روز قبل جریان زیارت‌رفتن راباطلاع عموم‌مردم ده میرساند، افراد علاقمند بزیارت پس‌از شنیدن‌این‌خبر با افسوس میگویند «خوشا بسعادتش» «خوش بحالش».

چندروزی که بمسافرت رفتن مانده افراد مسافر دربین نزدیکان خود دارای محبوبیت بیشتری میگردند، درآخرین روز وآخرین‌شب تمام‌نزدیکان ودوستان درمنزل مسافران جمع‌شده وکسانی که‌قبلا بدان‌زیارت نائل‌شده‌اند خاطراتی ازآن‌زیارت نقل‌نموده ونشانی‌ها وآدرس‌هائی برای‌راهنمائی‌به‌شخص مسافر میدهند وغذارا نیز باتفاق صرف مینمایند.

سرانجام روز وساعت مسافرت آغازمیگردد، عده‌ای داوطلبانه بار وبنه مسافر را حمل میکنند، شخص‌مسافر ویامسافران لباسهای تمیزخودرا پوشیده وخویشتن را آراسته وسروصورت را گلاب زده وحرکت مینماید وعدهٔ زیادی ازافراد ده درمسیر حرکت بدنبالش روان میگردند. درطول‌مسیر درچندین‌نقطه برایش‌اسفند وگلاب آماده نموده واسفند دود میکنند بدین‌ترتیب که چهارپایه یاچیزدیگری‌را روی زمین گذارده‌ظرف اسفندرا که معمولاً منقل کوچکی‌است در روی آن قرارداده دروسط منقل‌آتش‌درست‌کرده هنگام‌عبور افراد مرتباً اسفند درآتش‌ریخته ازآن‌دود برمیخیزدوعابرین‌بایستی ازکنارآن گذشته که دوداسفند بسروروی آنهابخورد، افراد دراینحالت مرتباً صلوات میفرستند وبادهانهٔ تنگ‌گلاب‌پاش بسروروی عابرین گلاب ریخته میشود.

معمولاً هنگام‌عبوردرطول‌مسیرشخصی که‌صدای‌خوشی‌رادارااست وبنام «چاوشی‌خوان» شهرت‌دارد درجلوی‌جمعیت حرکت نموده وبخواندن‌اشعاری که به‌چاوشی‌معروف‌است‌میپردازد.

هنگام‌حرکت جمعیت مرتباً صلوات فرستاده میشود وهررهگذری که این‌منظره‌رابه‌بیند متوجه زیارت‌رفتن افرادی شده بجلومیآید وصورت‌زیارت‌رونده را می‌بوسد وبه‌اومیگوید «التماس دعا» اوهم درجواب میگوید «محتاجیم‌بدعا».

جمعیت‌زیارت‌روندگان‌راتاسوارشدن بماشین بدرقه‌نمودمسپس‌مراجعت‌مینمایند ومسافرت آغازمیگردد. ناگفته‌نماندکه بسیاری‌ازافراد نذرهای‌خودرابه‌مسافرین‌داده که نذرشان‌رادرمحل ادا نمایند مثلاً بعضی‌تکه پارچه ویانخی به‌زیارت‌رونده میدهند وبااصرار تمام‌یادآورمیشوند که نخ یاپارچه‌را درمحل‌ضریح بسته تامراد آنها برآورده شود ویادسته شمعی به‌زیارت‌رونده میدهند که شمع‌هارا درمحل روشن‌نماید.

هنگام بازگشت از زیارت هم توسط نامه قبلاً آشنایان وبستگان بااطلاع شده ودسته‌جمعی به‌پیشواز میروند پس‌از روبوسی واحوالپرسی باسلام وصلوات نامبرده‌را بطرف منزل‌میبرند و بازهم‌سرراه اسفند وگلاب فراوانی‌آماده‌مینمایند وتارسیدن بمنزل روبوسی مرتب‌ادامه می‌یابد.

درده طالب‌آباد اهالی‌درمحلی که جاده طالب‌آباد ازخط ورامین جدا میگردد همینکه مسافر ازماشین پیاده شد عده‌ای ازبستگان او اثاثیه‌اش‌را بکمکش حمل نموده وبار دیگر بساط اسفند وگلاب وروبوسی آغازمیگردد وتا در قلعه مرتب برعدهٔ پیشواز آمدگان افزوده میشود و اگرمسافر ازافراد مرفه‌الحال ده باشد گوسفندی جلوی‌او نیزمیکشند.

رسم براین‌است که مسافر پس‌ازرسیدن بمنزل تاسه‌روز بایستی‌درمنزل بنشیند، درتمام ساعات روز واوایل‌شب هرساعتی که افراد مایل‌باشند اجازه دارند بدیدن زوار بروند ووظیفهٔ‌خود میدانند که حتماً به‌این‌دیدار نائل‌شوند ومعمولاً این‌سه‌روز بستگان نزدیک شام و نهار مهمان مسافر خواهند بود ویکروز رسماًنیز ازعده‌ای برای شام یانهار دعوت بعمل‌میآید.

درتمام این‌مدت‌شخص‌مسافرجواب گوی سؤالات‌متعدد افرادی‌است که بدیدن‌اومیآیند ومرتباً از ارزانی، فراوانی، معجزه امام ومشاهدات عینی خود در اطراف زیارت صحبت میکند و وشنوندگان نیز مطالب‌را برای دیگران‌نقل مینمایند.

افراد بخصوص زنان وظیفه خود میدانند که برای زیارت روندگان هدیه‌ئی بعنوان چشم‌روشنی ببرند واین هدیه بیشتر عبارتست‌از قند (بیشتر بصورت کله)، ظروف‌چینی، بلورجات ظروف مسی، پارچه وامثال‌آن، درقبال این‌چشم‌روشنی چیزهائی که بعنوان سوقات ازمحل‌مورد زیارت خریده‌اندبین‌نزدیکان‌وافرادی که چشم‌روشنی آورده‌اند به‌نسبت ارزش‌چشم‌روشنی‌تقسیم میکنند واین‌موضوع که چقدر وچه چیزهائی بعنوان چشم‌روشنی برای زیارت کننده برده شده و چه‌چیز بجای آن داده شده مدتها صحبت مجالس زنهای ده است که با آب و تاب فراوان برای یکدیگر تعریف میکنند.

شخصی که اززیارت بازگشت پس‌از سه‌روز ازمنزل‌خارج‌شده بکارهای‌عادی وعمومی خود میپردازد واز آن روز ببعد کلمه مشهدی، کربلائی ویاحاجی‌را به‌اول اسم کوچکش اضافه مینمایند که درفصل مربوط یادآور شده‌است.

***

ج- اعتقادات پزشکی

سوختگی :

اگرپای کودکی‌بسوزد، بیل زنگ زده‌ای را پیدا کرده روی زنگ آنرا شسته ، پوست انارا باشیردختر (شیرزنی که دخترزائیده) روی زنگ‌بیل سائیده به‌محل سوختگی پای طفل یا محلی که شاش‌سوز شده باشد میمالند.

***

گریه کودك :

اگربچه‌ای‌زیاد گریه کند برایش دعا میگیرند ویاچندنفرچادرشبی‌را پهن کرده اطرافش را گرفته اززمین بالا نگهمیدارند، مادربچه ازبالا بچه‌را به‌وسط چادرشب‌پرتاب میکند تابچه‌آرام شود. اگربازهم کودك‌آرام‌نشد رگ دست بچه‌را (رگی که خود میشناسند) میبرند.

***

استفراغ :

اگربه‌بچه‌ای حالت استفراغ‌های متوالی‌دست دهد میگویند «تو‌ُل گرفته‌است» بچه‌را نزد تول گیر برده زن تول گیر فوتی‌دردماغ بچه کرده میگوید تول گرفته‌است وبشدت دردماغ طفل فوت کرده استخوان کوچکی‌ازدهان بچه بیرون میافتد یابادست بیرون میآورد.

(البته تول گیرها هم‌چون فالگیران ازشیادان ودروغگویان هستند واستخوان کوچکی را دردست خود پنهان کرده ازدهان بچه بیرون میآورند وحق‌زحمت دریافت میدارند).

***

دواها :

هسته غوره را جوشانده کوبانده آش‌آن‌را به‌بچه میدهند.

انار شیرین را باپوست‌درظرفی پرازآب‌بانبات جوشانده پس‌ازسفت شدن به‌بچه‌میدهند.

هسته آلبالورا کوبیده شیره کشی کرده شیره آنرا به‌بچه میدهند.

اگرکسی‌را زنبور بزند سرکه وخاك‌را مخلوط کرده روی آن میمالند.

اگردست کسی زخم‌شود پنیرك (نوعی‌علف) را جوشانده روی آن‌میگذارند.

علفی‌را میشناسند بنام‌علف سودا که بمحل سودا گرفته مالیده خوب میشود.

***

چشم درد :

برای رفع چشم درد قدری زاق (نوعی صمغ) رادرآتش آتش گردان انداخته پس ازجوش خوردن وسوختن باقند یا نبات وکمی تریاك سائیده برای صاف کردن از پارچهٔ ململ گذرانیده روی پلك چشم میاندازند.

برای بچه ها که بچشم درد مبتلا میشوند یك دانه گندم ، یکدانه ماش، یکدانه برنج ویکدانه جو را باکمی تریاك ونبات سائیده باپنبه درچشم بچه میکشند ویامیچکانند.

***

تب :

اگر کسی تب کرد خود مریض ازده بیرون رفته آنقدر میایستد تا یك سه پشته سوار را به بیند آنگاه پیش رفته ازیکی ازآنها میپرسد من چه بخورم که خوب شوم. هرچه بگوید بایستی بخورد تاتبش قطع شود، (زنی تعریف میکرد که یکبار من تب کردم ازده بیرون رفتم سه پشته سواری را دیدم پس ازسؤال گفت برو ترب سیاه بخور تاخوب شوی).

اگر کسی تب کرده باشد هنگامیکه چارکی (نام حیوانی است) وقّه دهد فوراً تب طرف را می بندند یعنی درحال وقه زدن گره ای زده میگویند «بستم نوبه فلان کس را که خوب شود).

***

حب خواب :

حب خواب که بیشتر حب کیف هم نامیده میشود حبی است که برای خواب رفتن کودکان درست میکنند، طرزساختن آن بدین نحواست که چهار یا پنج عدد مغزبادام را بایك نخود تریاك ویك حبه قند کوبیده ومخلوط میکنند وازآن قرص های کوچکی بشکل ماش ساخته شبها یکدانه به بچه داده تاکیف کند وبخوابد.

***

لرز :

اگر کسی لرز کرد اورا خواباننده پارچه ای را رویش میاندازند. غربالی را روی او گرفته آب را روی مریض غربال میکنند. باریختن آب روی مریض معتقدند که لرزش کم شده و مریض خوب میشود.

***

دندان درد :

اگر کسی درده‌طالب‌آباد دندان‌درد کند سلمانی‌ده جوالدوزی‌را درآتش داغ کرده وسط دندانش‌میگذارد ودندان‌خوب‌میشود(بواسطه سوخته‌شدن‌عصب) . دندان‌را با کلبتین Kalbotein میکشند .

اگرپای دندان‌آب‌بکشد کمی‌نشاسته درآن‌محل میریزند.

اگر دندان سیاه شود کمی پیه بزگرفته باتخم‌تاج‌ریزی‌مخلوط کرده پس‌ازمالش دادن وخوب مخلوط شدن آنهارا چون‌شمع بدورچوبی پیچیده، سینی‌ای‌در جلوی مریض گذارده مریض سرش‌رادرسینی گرفته باجارو وچوبی که ساخته‌اند پشت سر مریض‌میزنند، کرمهای بوته‌تاج‌ریزی داخل‌سینی ریخته میگویند دهانت تکانده شد وکرمها بیرون‌ریخت ودیگرخوب میشوی.

***

گوش درد :

اگرکودکی گوش‌درد کند، زنی‌انگشت خود را بخاك مالیده بگوش طفل فرو برده ، میگوید: «درد گوش، بگوش‌انگشت» این‌عمل‌را ده بار با ده انگشت دستان خود انجام داده، تا تمام پنجه‌ها خاکی‌شده وشعرهم‌ده بار خوانده شودآنگاه معتقدند که درد گوش تسکین‌می‌یابد.

اگر بچه‌زیاد گریه کند میگویند گوش درد کرده ، کودك‌را بحمام‌برده و درحمام پشت گوش‌بچه‌را تیغ میزنند، کمی‌خون که ازگوشش‌رفت معتقدند دیگرخوب میشود.

***

پستان درد :

اگرزنی پستان‌درد کند میگویند یازن بی‌وقتی‌اش کرده (جن‌زده شده) یالوله پستانش را سوگرفته‌است، برای‌بهبودی گلپر (نوعی‌داروی گیاهی)را درقدری آب حمام ریخته، آن آب‌را روی سربچه میریزند وموی سرزن را روی پستانش‌شانه میکنند.

***

رفع امراض دربیماری

عدهٔ زیاد وشاید اکثرخانواده‌های ده طالب‌آباد به‌خرافاتی معتقدند که بسیاری ازآنها ازبین‌رفته وفقط دربین پیرزنان‌دیده میشودوبرخی‌ازآنها هنوزهم‌رایج‌است وهنگام‌بیمارشدن کسی برای‌بهبودیش اعمالی‌انجام میگیرد که بیان آن‌خالی‌ازلطف نیست.

***

اگر کسی مریض شود سه کپه آتش درست کرده مریض بایستی سه دفعه ازروی آتش ها بپرد، کاسه آب وچاقوئی نیز درکنار آتش میگذارند. پس ازپریدن مریض آبی را که درکنار آتش قرارداده اند با چاقوئی که درکنار آنست به چهار قسمت بریده و دستمالی روی سر مریض انداخته آبهای بریده شده را روی سر مریض میریزند، درپایان خاکسترهای باقیمانده ازآتش را روی بند دست مریض میریزند تا بهبودی یابد ودراصطلاح میگویند آب وآتش مریض رد میشود.

***

دل درد :

اگر کسی دل درد کند ویاحالش بهم بخورد، مریض را روی زمین خوابانده یک چاقو، یک تکه نمک، مقداری قاتمه (نوعی نخ ضخیم که از موی بز میسازند) ویک تکه مس میراثی (مسی که به ارث رسیده باشد) دریک طرف مریض گذارده درطرف دیگرش آتش روشن میکنند، یکنفر ازروی آتش ومریض پریده دستهای خودرا بهم زده چاقو را برمیدارد و به چند متری پرتاب میکند بهمین ترتیب قاتمه، مس ونمک را پرتاب کرده درپایان خاکستر آتش ها را هم جاروب کرده بیرون میریزند معتقدند که پس ازآن بیمار بهبودی می یابد.

***

درد زائو :

هنگام زائیدن زائو اگر درد شدید باشد مامای ده (مشهدی ماه سلطان) چوبی دارد بنام «پنجه مریم» آنرا در کاسه آب انداخته درصورت باز شدن چوب میگویند حالا دیگر زائو آسان میزاید.

(پنجه مریم نوعی چوب است که آنرا ازاطراف مکه میآورند).

***

دود کردن اسفند :

هنگامی که پدران ومادران وبطورکلی افراد بالغ وعقل رس ده طالب آباد کوچکترین ناراحتی روحی ویااندك کسالتی درافراد خانواده بخصوص کودکان خود حس کنند معتقدند که آن فرد چشم زخم برداشته ونظرخورده است وبرای رفع این پیش آمد مقدار کمی ازدانه های سیاه رنگ اسفند که ازیکی دوگرم تجاوزنمیکند وهمیشه درکیسه های کوچکی درمنازل نگهداری میشود بیرون آورده به کف دست خود میریزند، آنگاه مشت خودرا بسته وآنرا بدور سر فرد موردنظر سه بار میگردانند وباصدای آهسته ای چنین میگویند :

اسفند واسفند دونه، اسفند سی وسه دونه ، اسفند خودش میدونه .

همسایه دست چپ، همسایه دست راست، چشم حسود بترکه .

یا چشم حسود چون‌دانه های اسفند بترکه .

آنگاه اسفندها رادرآتشی که نزدیک آنهااست میریزند،معمولاً درسماور ویادرمنقل میریزند واگر اینها آماده نبود قدری آتش درآتش گردان فراهم نموده درآن میریزند و چون دانه های خشک اسفند درآتش محترق‌شد دودی که‌ازآن برمیخیزد بادست‌بطرف فرد موردنظر میزنند ویااگرظرف چون آتش گردان کوچک‌باشد ظرف‌رادرحالی که ازآن‌دود اسفند برمیخیزد بدورسر فرد موردنظر میگردانند، البته این کاربیشتر بدست زنان بخصوص‌مادران انجام‌میگیرد .

هنگام‌عروسی اسفند دود کردن‌برای‌داماد وعروس‌انجام میگیرد، هنگامیکه‌نامبردگان ازحمام خارج‌میشوند درجلوی‌آنها منقل کوچکی که قبلاً گذاشته‌اند اسفند دودنموده ومشت‌مشت اسفندهارا دور سر داماد یاعروس گردانده درآتش‌میریزند واینکار تامقصد تکرار میشود ، برای کسانی که قصد زیارت‌رفتن دارند ویا اززیارت بازگشته‌اند هنگام رفتن و برگشتن همین عمل انجام میگیرد .

***

تخم‌مرغ شکستن :

هنگامی که فردی دچاراندکی کسالت‌روحی ویاجسمی گردد، اعضای بزرگ خانواده وهمسایه های نزدیک میگویند نظرخورده‌است ومعمولاً دوسه‌نفر ازنزدیکان مریض دربالای سر اونشسته وتخم‌مرغی‌را یکی‌اززنان که در تخم‌مرغ شکستن سابقه دارد بدست گرفته و دربالای سر مریض نشسته، نزدیکان‌حاضردراطاق شروع میکنندبه گفتن اسامی‌نزدیکان، همسایه هاوکسانی که قبل‌ازکسالت مریض آخرین‌ملاقات یاگفتگورا بااوبعمل آورده‌اند ویا اورا دیده‌اند، هراسمی که ذکرمیشود زن تخم‌مرغ‌شکن باقطعه‌زغالی که بدست دارد علامتی که بیشتر بشکل دایره کوچکی‌است روی‌پوست‌تخم‌مرغ میگذارد واسامی اطرافیان‌آنقدر تکرار میشود تاعلامت‌ها تمام پوست تخم‌مرغ را فراگیرد، آنگاه تخم‌مرغ را در دستمالی گذارده دورسر بیمار یا فرد مورد نظر گردانده سپس‌تخم‌مرغ را ازطول بین‌دوکف دست قرار داده ودرحال‌نشسته دودست را در وسط دو ران پای‌خود می‌نهند واسمهائی که قبلاً تذکرداده شده وروی‌تخم‌مرغ علامت گذاری شده توسط یکی‌از زنان که درکنار اونشسته تکرارمیشود وباتکرار هراسمی زن‌تخم‌مرغ شکن‌هم آن

اسم‌را یادآورشده باتمام‌نیرو فشاری به‌تخم‌مرغ میدهد وآنقدرنام‌ها تکرارمیشود وفشارهای‌متوالی به‌تخم‌مرغ آورده میشود تا تخم‌مرغ بشکند.

هنگامی که اسمی گفته شد وبلافاصله تخم‌مرغ شکست میگویند فلانی(صاحب‌آخرین اسم تکرارشده) اوراچشم‌زده ویانظر زده‌است‌وبلافاصله چند فحشی نثارصاحب اسم میکنند وگاه برسر این‌موضوع مشاجره شدیدی نیزدرگیر میشود ، سپس‌تخم‌مرغ شکسته را درآب روان جوی میاندازند ومعتقدند که پس‌از این‌عمل دیگربهبودی حاصل‌میشود.

***

جشن‌ها و اعیاد

الف ـ اعتقاد مربوط بزندگی فردی

ازدواج :

ازدواج درده طالب‌آباد ازآغاز تاپایان دارای مراحل ومراسمی‌است‌که بترتیب یکی پس‌ازدیگری انجام گرفته ودراینجا مورد بررسی‌قرار میگیرد.

***

درمورد ازدواج‌بایستی یادآور شدکه خانواده‌های پسر با دختردار ازخیلی قبل بفکر ازدواج فرزندانشان هستند مخصوصاً اگر فرزند دختر باشد مادر خانواده از همان اوان کودکی اشیائی برای جهیز دختر خود خریده و نگهداری میکند ، مادران بیشتر بفکر شوهر دادن دخترخود هستند ولی درمورد پسران چندان عجله‌ای بخرج نمیدهند چه‌پسر هنگام‌بزرگ شدن نان‌آور خانواده خواهد بود و جداشدنش از خانواده اصلی برای پدر و مادر دارای زیانهای اقتصادی است.

هنگامیکه تصمیم‌بازدواج پسریادختری گرفته شد قبلاً توسط زنان مسن‌خانواده که‌به «گیس‌سفیدان خانواده» شهرت دارند صحبت‌هائی‌دراین‌باره میکنند درصورت مثبت بودن نتیجه هنگامیکه موافقت طرفین‌اعلام گردید رسماً روزی‌را برای بله‌برون درنظرمیگیرند.

***

بله برون :

جلسه بله‌برون درواقع جلسه چانه‌زدن است زیرا افراد ذینفع خانواده دختر و پسر در

مجلسی که درمنزل خانواده دخترتشکیل میگردد جمع‌شده وهرکدام از طرفین شرایط مورد قبول خانواده خودرا برای دیگری بیان میکند وبرسر مسائل مادی چانه بسیارمیزنند زیرا هردسته ازنفع خانواده خود دفاع میکنند.

معمولاً رسم براین است که خرج عروسی را داماد بپردازد علاوه برآن مبلغی هم بعنوان شیربها (بهای شیری که برای بزرگ شدن دختر داده شده) بایستی نقداً بخانواده عروس داده شود ومبلغی هم بعنوان مهریه بایستی مهرعروس نمایند، بیشتر چانه زدنها برسراین مسئله است که خانوادهٔ پسرمبلغ کمتری برای شیربها پیشنهاد میکنند وازمبلغ مهریه پیشنهادی هم مرتباً پیشنهاد کسر کردن مینمایند ومایلند هرچه مختصرتر مسئله را پایان دهند ولی برعکس خانواده دختر سعی میکنند که مبلغ شیربها و مهریه زیادتر و جهیز کمتری بدهند و دراین موارد معمولاً خانواده‌های خود را برخ هم میکشند.

اگرسرانجام شرایط آنهامورد قبول طرفین قرارگرفت خانواده عروس بایستی موافقت خودرا اعلام نماید واین موافقت با گفتن «بله» موافقیم اعلام میگردد پس ازادای این جمله درمیان ابراز احساسات و کف‌زدن وخوشحالی طرفین جلسه پایان می‌پذیرد.

***

شیرینی خوران :

شیرینی‌خوران جلسهٔ است که درمنزل خانواده دخترتشکیل میگردد ، ترتیب این جلسه بدین نحواست که چندنفرازطرف خانواده پسروچندنفر ازطرف خانواده دختربرای شرکت دراین مراسم دعوت میشوند، بستگان پسرحلقه‌ای (معمولاً ازطلا) بامقداری شیرینی ویک کله‌قند گرفته دراین جلسه حضوربهم‌میرسانند وپس ازساعتی که ازآنها پذیرائی میشود درحضور جمع بستگان حلقه را بدست دختر نموده و باسروصدای زیاد واظهار شعف وخوشحالی نمودن شیرینی‌های آورده شده را بحاضرین تعارف مینمایندومعمولاً زنان مقداری ازاین شیرینی وقدری نقل را باخود ازمنزل خارج کرده بهرفردی ازافراد خانواده خود کمی ازآن رامیدهند، البته این جلسه خیلی زود پایان می‌پذیرد وازآن پس پسرودخترنامزد رسمی یکدیگر شناخته میشوند.

***

دردهات بواسطه کوچکی محیط معمولاً خانواده‌ها از احوال یکدیگر بااطلاعند ولی اگربعللی بخواهند دختررا به‌بستگان خودنشان دهند بانواع حیله متوسل میشوند مثلاً سرزده وارد خانه طرف میشوند و بهانه اینکه «مرغ ما گم شده اینجا نیامده؟» ویا «فلان‌چیز خود را

بما امانت دهید وارد خانه شده مشخصات دختر را مورد مطالعه قرارداده اظهارنظر میکنند.

***

پس ازشیرینی خوران ومراسم نامزدی گاهگاهی خانواده ها یکدیگررا بشام یانهاردعوت مینمایند ودرخور امکان ازیکدیگرپذیرائی میکنند، دراین نوع دعوت ها پسر ودخترخیلی باخجالت رفتارمیکنند، دختر روی خودرا سخت میپوشاند ولی پسرهم باشرم وحیا زیرچشمی بحرکات دختر چشم میدوزد. دراین جلسه معمولاً به پسر ودخترخوش نمیگذرد ولی افراد دوخانواده درمقابل هم هریک تعریف هائی میکنند تادراین تعریف ها برتری خانواده خودرا بطرف دیگر ثابت کنند.

***

عقد :

مجلس عقد معمولاً مدتی پس ازشیرینی خوران برپامیگردد، البته برای مخارج جشن عقد قرارقبلی گذارده میشود که این خرج را کدام یک ازطرفین وباچه شرایطی بایستی بپردازند.

گاه عقد وجشن عقد باهم وگاه بافاصله انجام میگیرد، منظور ازعقد تنها جاری نمودن صیغه عقداست که توسط شخص صلاحیت داری که دارای دفترعقدوازدواج نیزهست انجام می پذیرد، البته فرد مذکوررا خانواده داماد دبه دعوت میکنند، صیغه عقد درحضورجمعی ازدوخانواده جاری میگردد بدین ترتیب که دونفر معمم یکی بنمایندگی ازطرف عروس ودیگری بنمایندگی ازطرف داماد مطالبی را بزبان عربی بیان مینمایند، معمولاً یکی سخن گفته دیگری جواب میدهد.

ابتدا مطالب درحضورداماد بیان شده پس ازگرفتن موافقت شرایط عقد را برای عروس خانم بازگفته وجاری کننده صیغه عقد اظهارمیدارد خانم... موافقید.

دختر برای دفعه اول ودوم ازگفتن «بله» خودداری میکند.

ولی بار سوم مسائل توسط «آقا» تکرارشده ومجدداً اظهارمیدارد خانم... موافقید. این بار باصدای ظریفی جواب میشنود، «بله».

البته آقا معمولا درپشت پرده ویادراطاق دیگری می نشیند وداخل جمعیت زنان نمیشود، البته باگفتن کلمه «بله» عقد بسته میشود وطرفین دفترعقدازدواج را امضا ویا انگشت میزنند و دونفرشهود نیزجریان را کتباً درهمان دفترتأیید میکنند، ودرمیان پذیرائی وشادی وهلهله جشن پایان می پذیرد وازآن پس پسر، داماد ودختر، عروس خطاب میگردند.

گاهگاهی مشاهده میشود که دردهات دختر ۹ ساله وپسر ۱۴ ساله ازدواج میکنند وچون این سن برای ازدواج قانونی نیست راهی برای آن ساخته اند وآن اینکه طرفین را بعقد هم درمیآورند

ولی‌قباله وعقدنامه‌ای برای آنها نمی‌نویسند تاسن آنها به‌سن قانونی برسد ودراین‌موارد معمولاً دختران چون‌عقل‌رس‌نیستند برای بله گفتن مادرانشان آنها را تهدید یا تطمیع میکنند تامسئله انجام پذیرد.

***

آداب و رسوم عقدکنان

دعوت :

برای مجلس‌عقد معمولاً ازمردان دعوت رسمی‌بعمل‌میآید ویااینکه پدر یاخود داماد مردان‌را شخصاً دعوت مینمایند ولی برای دعوت زنان رسم براین‌است‌که یکی‌از زنان خانواده عروس‌قدری نقل‌دردستمالی ریخته وارد خانه‌های موردنظرشده بادادن چندنقل زنان‌را به‌جشن عقد دعوت میکنند.

***

خنچه عقد :

یکی‌از لوازم‌عقد خنچه پای‌عقد است، خنچه عقدکه ازچوب ساخته‌شده ابعادی حدود ۲ × ۱ متررا دارا است، این‌خنچه‌ها معمولاً لبه‌دار است، داخل‌آنرا با چوب جگن‌یانی باشکال هندسی‌تقسیم‌میکنند وداخل هریک ازاشکال‌فوق‌را با دانه‌های اسفند رنگین تزئین میکنند. نان سنگک بزرگی‌حدود دوسترپخته دروسط‌خنچه قرارمیدهند ودرروی آن‌بانوعی‌رنگ مینویسند:

«مبارك باد این‌عقد»

***

آئینه چراغ :

برای مراسم‌عقد خانواده داماد بایستی یک جفت چراغ و یک آئینه حتماً تهیه نماید وهنگام‌جاری شدن صیغه عقدآنرا بعروس ببخشد ودراصطلاح میگویند «یک دست آئینه چراغ پشت قباله انداخته‌است» البته آئینه‌چراغ نسبت بفراخورحال داماد فرق میکند زیرا ممکن‌است آئینه‌چراغ خیلی‌ساده باشد ویابجای چراغ، شمعدان‌تهیه‌نمایندولی‌تهیه‌اش‌حتمی وواجب‌است.

(به‌پایان همین‌فصل «سیاهه جهاز» مراجعه شود).

***

قرآن :

تهیه یک جلد قرآن‌نیز بعهده داماداست که بایستی آنرا درپارچه‌ای تمیزپیچیده ودر اطاق‌عقد درپای آئینه چراغ قرار دهد.

***

ازخانهٔ داماد معمولاً دوخنچه حرکت میدهند یکی‌خنچه پای‌عقد ودیگرخنچه‌ای که آئینه‌چراغ وقرآن درآن قراردارد. این‌دوخنچه‌را طبق کشان ازمنزل داماد تا خانه عروس حمل نموده وازدوطرف انعام دریافت میدارند.

***

اطاق عقد :

هنگامی که خنچه عقد وآئینه‌چراغ وارد منزل‌عروس‌میشودآنرا مستقیماً به‌اطاقی‌میبرند که بایستی‌صیغهٔ‌عقد درآن‌اطاق‌جاری گردد. مادرعروس هم بنوبهٔ خودچیزهائی‌آورده وباصطلاح سفرهٔ عقدرا می‌چیند.

***

سفره عقد ،

سفرهٔ عقد عبارتست از خنچه عقدی که نان سنگک درمیان آن قرار داده شده آئینه و شمعدان‌را درپائین آن‌قرارمیدهند، شمعدانها بایستی ازآغاز تاپایان عقد روشن باشد واگرشمعی درآن‌باشد میگویند عروس‌خانم‌بایستی بادوکفش‌خود شمع‌هارا خاموش‌نماید.

یک کاسه آب، نان وپنیر وسبزی، تخم‌مرغ، یک کاسه ماست، کره عسل، قدری برنج خام، قند، سبزی‌خوردن، ده پانزده عدد گردو، چند قالب صابون ازلوازمات سفرهٔ عقداست.

***

لباس عقد :

لباس‌عقدرا معمولاً ازپارچه‌های طوری سفید انتخاب میکنند و تهیهٔ آن بعهدهٔ داماد است که هنگام شیرینی‌خوران تهیه‌آن قید میگردد و معمولاً داماد علاوه برتهیهٔ لباس عقد که لباس عروسی‌هم هست یکی‌دودست لباس معمولی که تمام احتیاجات پوشاکی دختر را شامل میشود تهیه مینماید.

***

شرایط دخول به‌اطاق عقد :

افرادی میتوانند به‌اطاق‌عقد وارد شوند که دارای شرایط ذیل نباشد :

زنانی که‌صاحب بچه نشده‌باشند . زنانی که‌آبستن نمیشوند . زنی که‌دوشوهر کرده‌باشد . زنانی که شوهرنکرده‌اند . زنانی که حبو داشته باشند . اینگونه زنان‌را به‌اطاق عقد راه نمیدهند وزنانی که دارای این‌شرایط نباشند میتوانند وارداطاق عقد گردند .

***

جاری شدن صیغهٔ عقد :

هنگامیکه صیغه عقد و مطالب مربوط بدان درشرف انجام است دوسه نفر دستمالی را بالای سرعروس‌میگیرند، یکنفر زن‌خوشبخت دوقطعه قندرا بدست گرفته‌روی سر عروس میسایند بطوریکه گرده‌های آن‌روی دستمالی که روی سرعروس نگهداشته‌اند بریزد ، آنگاه ازآن گرده‌ها شربت یاچای شیرین‌ساخته وآن شربت‌را عروس‌داماد بایستی‌بنوشند .

درهمان موقع یکنفر بانخ‌سبز پارچه سفیدی‌را میدوزد، زنی که درکنار اونشسته از او میپرسد چه‌میدوزی ، در جواب میگوید «مهر و محبت» دیگری میگوید «بدوز که مبارك باشد» واین‌جملات چندبار تکرارمیشود .

***

وضع عروس‌هنگام ادای صیغهٔ عقد :

پارچه یابقچه‌ای دراطاق رو به‌قبله پهن‌نموده عروس‌روی آن می‌نشیند جلوی عروس آئینه‌ای گذارده میشود ودرکنارآن یك کاسه آب بابرگ سبزی درداخل آن قرار میدهند ، یك بشقاب پنیرسبزی، شیرینی، میوه وامثال‌آن درجلوی عروس‌قرار داده میشود، سینی که در داخل آن قدری اسفند ریخته شده نیز در جلوی عروس میگذارند و چراغ همراه آئینه چراغ را نیز روشن میکنند .

عروس درحالیکه روی‌بقچه‌ای نشسته قرآن‌پای‌آئینه چراغ رابدست گرفته‌آنرا ورق‌میزند وبخط‌های آن‌نگاه میکند، وضع‌عروس بهمین‌حال‌باقی‌میماندتاجریان پایان یابد، البته‌تمام‌وسائل جلوی‌عروس‌را دراین‌زمان یکنفرزن خوشبخت‌بایستی‌بچیند وترتیب آنرابدهد، البته پس‌ازاینکه جریان عقد بپایان‌رسید عروس‌عقد شده‌را ازجایش‌بلند نموده دختر دیگررا بجای او می‌نشانند و معتقدند که بختش‌بازمیشود .

***

پایان عقد :

هنگامیکه صیغه عقد درحال‌جاری شدن‌است لحظه حساسی‌است چه‌ازطرفی کسی‌را به اطاق‌عقد راه نمیدهندوازطرفی‌همه چیز درمقابل‌عروس چیده شده وروی سرعروس‌نیز قندمیسایند وعروس‌هم‌درتمام مدت‌قرآن‌رابدست گرفته‌سرخودرا بزیر انداخته وچشم‌خودرا برآن‌دوخته‌است .

دراین‌لحظه تمام‌زنها چادربسر دارند، خطبهٔ‌عقد خوانده میشود وعروس‌بله میگوید، پس‌ازبله گفتن، مادرشوهر به‌عروس‌خود زیرلفظی‌میدهد معمولاً پس‌ازآن بعروس رونما نیزداده میگردد، پس‌ازبیرون‌رفتن معمم داماد وارداطاق عقد شده قدری‌نقل که گاهی بایک ریالی نقره همراه است بسرآنها ریخته میشود، پس‌از قدری رقصیدن‌افراد مختلف وشادی عروس وداماد را تنهامیگذارند وآنهاباتفاق یکدیگر نان وپنیرسبزی‌وماست سرعقدرا میخورند .

***

فاصله بین عقد وعروسی :

ممکن‌است بلافاصله پس‌ازعقد عروسی‌هم انجام گیرد یعنی عقد وعروسی دریک شب باشد ویاممکن‌است مدتی‌بین آندو فاصله باشد، درصورت فاصله داشتن طرفین گاه‌گاه یکدیگر را دعوت میکنند وساعتها باهم بسخن میپردازند ولی این صحبت‌ها معمولاً دور از انظار دیگران انجام‌میگیرد تااینکه جشن‌عروسی برگزارشود .

***

جشن عروسی :

دوخانواده عروس وداماد باتوافق‌هم روزجشن‌عروسی‌را معین میکنند ، معمولاً برای تعیین این‌روز ازتقویم استفاده مینمایند وروزی‌را انتخاب میکنند که درتقویم از نیکو بودن آن یادشده‌است، دوخانواده ازیکی‌دوروز قبل خودرا برای پذیرائی‌مهمانان آماده میکنند، باردیگر مهمانان خودرا توسط کارت دعوت ویاشفاهاً وزنان‌را توسط نقل‌دعوت مینمایند، نقل وشیرینی‌و شربت ازلوازم اصلی‌جشن‌عروسی ونسبت بفصل، میوه‌ای که درمجلس‌چیده میشودفرق‌میکند .

اطاقهای منزلی که برای این کار درنظرگرفته میشود فرش‌میگردد، خانه‌ای که‌جشن درآن‌برپامیگرددممکن‌است‌منزل‌عروس،داماد ویامنزل‌دیگری باشد، بمرور مهمانان واردمیشوند وآنهاسعی کرده‌اند که‌بهترین‌لباس‌خودرابپوشند وخودراتمیز کنند، عصرهمان‌روز عروس وداماد هریک باچندنفر از دوستان نزدیک خود بحمام میروند و سر وصورت را آرایش میکنند، بمجرد

ورود مهمان تازه‌وارد اورا تعارف نموده مهمان روی فرش می‌نشیند و بلافاصله برایش چای یا شربت میآورند، البته درجلوی آنها شیرینی، میوه وسیگار قبلاً چیده شده‌است.

* * *

جاهل جمع کنی :

چندروزی بعروسی‌مانده هرشب دامادرا یکی‌از دوستان جوانش دعوت نموده و دربارهٔ روزعروسی مطالبی‌بنامبرده میآموزند، دوروز بعروسی‌مانده‌را «روزجاهل جمع کنی مینامند» وتمام جوانان ده بایستی درمحلی که برای این کار انتخاب شده جمع شوند و خوشحالی و بزن‌بکوب محلی ورقص های خودمانی شروع میشود.

* * *

حنابختک :

شب بعدازجاهل‌جمع کنی‌شب‌حنابختک (حنابندان) نام‌دارد، دراین‌شب ازطرف‌خانه داماد سینی پرازحناآماده کرده اطراف‌آنراچون حجلهٔ کوچکی‌تزیین‌نموده ودرداخل‌آن‌شمع‌روشن نموده ومقداری میوهٔ فصل‌را درآن‌میگذارند بخانهٔ عروس میفرستند وتمام افرادرا خبرمیکنند که فرداصبح داماد حمام‌میرود.

فردای آنروزداماد باتفاق‌دوستان جوان‌خود بحمام میرود وازساعتی قبل حمام‌را برای داماد ودوستانش‌خلوت وتمیز کرده آماده پذیرائی ازآنها هستند، درحمام‌توجه مخصوص متوجه داماد است وفقط دامادرا حمامی‌میشوید ودیگران خودشان یکدیگررا میشویند پول‌حمامی‌بعهدهٔ داماد ونهارهم دسته‌جمعی‌درمنزل‌داماد مهمان هستند.

پس‌ازداماد‌عروس باتفاق دختران‌دوست‌ونزدیکش‌بحمام‌میروند وپس‌ازشستشوآنها‌هم بدون‌پرداختن پولی‌ازحمام‌خارج میشوند.

هنگام‌عصر وشب همانروزجای مشخص‌برای داماد درست‌کرده، دامادرا روی تشکی که بدین‌منظور تهیه نموده‌اند می‌نشانند وبزن وبکوب و بذله‌گوئی و رقص‌های خودمانی آغاز میگردد ولی درغار غربی دراین‌هنگام پس‌ازاینکه دوستان وآشنایان داماد جمع‌شدند حمامی‌ده که از داماد و عروس پذیرائی شایانی درحمام نموده است لنگی بکمر بسته پشت سر داماد می‌ایستد، داماد دست‌راست خودرا ازروی شانه درپشت برده وحمامی‌دست دامادرا بدست خود گرفته‌قدری‌حنا کف دست‌داماد‌میگذارد هرکس هنگام‌رفتن وظیفه دارد پولی‌روی حنا ها درکف

دست داماد بگذارد حمامی هم بلافاصله آنهارا برداشته درلنگ خود میریزد.

***

ساقدوش شدن :

چندروزی که بعروسی مانده جوانان ده برای ساقدوش‌شدن ازیکدیگر سبقت میجویند و هرکس برای ساقدوش‌شدن وخریدن ساقدوشی مبلغی پیشنهاد مینماید ، جوانان داوطلب سعی میکنند باافزودن مبلغی افتخار ساقدوش‌شدن نصیب آنها گردد یعنی هرکس بیشتر پول درمیان گذاشت او ساقدوش میشود.

معمولاً دونفر ساقدوش برای داماد انتخاب میشوند که درطرفین داماد می‌نشینند ومبلغ پیشنهادی‌را آجیل وشیرینی‌خریده درجلوی خودشان گذارده باتفاق بشکستن تخمه‌ها و خوردن شیرینی مشغول‌میشوند.

ساقدوش‌ها تاپایان جشن باداماد بسرمیبرند وفردای آنروزنیز باداماد بگردش‌میروند.

***

درده‌طالب‌آباد سازودهل،چوبی‌رقصیدن،دستمال‌بازی ورقص باترکه کمترمتداول‌است ولی‌درغارغربی‌این‌سراسم‌فراوان رسم‌است‌وعروسی بدون وجودآنها لطفی‌نداردولی‌درده طالب‌آباد بیشتر مطرب میآورند.

***

مطرب :

بهترین وسرگرم کننده‌ترین‌عروسی‌آنست که مطرب‌داشته‌باشد ، برای دعوت مطرب بده بخیابان سیروس تهران‌رفته دسته‌ای‌رادعوت مینمایند، مطرب‌ها یکی‌دوصندوق لباس های‌خودرا بده فرستاده وخود هم بده میآیند، البته یکی دوزن پیشقراول قدری رقصیده و قسمت جالب آن هنگامی شروع میشود که نمایش‌آغاز میگردد، این‌نمایش‌بیشتر به«سیا حاجاقا» (سیاه وحاجی‌آقا) شهرت‌دارد بدین‌ترتیب که شخصی‌خودرا کاملاً سیاه نموده بالباس‌قرمز وارد صحنه میشود وبا شخصی که دارای ریش‌فراوان وبصورت حاجی خودرا آراسته‌است نمایش‌آغاز میگردد، بین‌آندو مطالبی رد وبدل میشود که حضارسخت شیفته شده وباخنده‌های فراوان توأم‌است وبدین‌ترتیب تاپایان شب نمایش ادامه می‌یابد.

***

سر گذاردن (عرقچین گذاردن)

هنگامی که مطرب به‌عروسی واردمیشود قراردادی بین‌طرفین بسته میشود مبنی براینکه چقدرپول بایستی بمطرب‌ها داده‌شود، اگر کلیه پول‌قرارگذارده شده پرداخت شد که هیچ وگرنه کسری مبلغ پیشنهادی‌را توسط سر گذاردن‌جمع‌آوری میکنند باین‌ترتیب که درنیمه های‌نمایش زنی که خودرا کاملاً آراسته درمجلس برقص‌ادامه میدهد ، ابتدا درجلوی ارباب سپس جلوی داماد وساقدوش ها، بعداً جلوی پدر ومادر و شخصیت‌های برجسته ده و درآخر جلوی یک‌یک افراد سر میگذارد بدین‌ترتیب که درجلوی فرد مورد نظر ایستاده با رقص بطور طاقباز خم شده سرخودرا روی‌پا یاجلوی‌فردمورد نظرقرارداده وآنقدرعشوه گری مینماید تااسکناسی بدهان‌اوبگذارند آنگاه رقاصه برخاسته‌اسکناس‌را درکلاهی که فرد دیگری‌درکنار اونگهداشته انداخته ومجدداً بکارخود ادامه میدهد.

گاه ممکن‌است که‌فقط درجلوی‌چندنفرشخصیت معروف سر گذارده شود البته پس‌ازپول جمع کردن کم وکسری آن‌توسط خانواده داماد تأمین‌میگردد.

***

پیشواز رفتن داماد :

درپایان شب عروسی افراد خانواده داماد بمنزل عروس آمده تاعروس خودرا ببرند، پس‌ازشام خوردن افراد وبستگان عروس‌آماده رفتن بخانه داماد میگردند، اگرراه نزدیک باشد پیاده وگرنه عروس‌سوار براسب ویا الاغ گردیده روانه‌میشوند، هنگام‌حرکت ، عروس‌را با تور نازك ویا چادر نازك سفید رنگی تمام سر و رویش را بسختی میپوشانند و شخصی که آئینه‌ای را به‌پشت گرفته درجلوی عروس‌حرکت میکند، دونفرازدوستان صمیمی‌عروس زیر بازوهای اورا گرفته حرکت میکنند وبرتب اسفند دود میکنند زیرا معتقدند که بدین‌ترتیب عروس روشنائی به‌خانه داماد میبرد واگر عروس‌سوار برچهارپا باشد شخص‌دیگری سوار برچهارپا شده آئینه‌ای به‌پشت گرفته درجلوی عروس‌حرکت میکند.

داماد هم‌بنابه‌وظیفه خود به‌پیشوازعروس‌میآیدوگاهگاهی‌برسراینکه‌داماد بایستی‌جلوتر بیاید یاعروس‌بین خانواده های‌طرفین‌نزاع لفظی‌درمیگیرد زیرا که جلوتررفتن‌را درشأن خانوادگی خود نمیدانند.

هنگامیکه‌داماد بنزدیکی‌عروس میرسد ازچند قدمی‌نارنجی بطرف عروس‌پرتاب‌میکند. وقتیکه عروس وارد خانه داماد میشود قبلاً داماد باتفاق دونفر ساقدوش خود روی بام رفته

وباخود مقداری جو و گندم بام برده هنگام عبور عروس برای دخول بخانهٔ داماد ورفتن باطاق حجله، جو و گندم هارا مشت مشت به‌سر عروس ومدعوین میپاشند وهنگامی که دراطاق درکنار هم می‌ایستند نقل فراوانی ازطرف بستگان نزدیک به‌سر آنها ریخته میشود که گاهی باسکه های پول نیز همراه است.

***

پاتختی :

فردای شب عروسی به پاتختی مشهوراست چه دامادرا ساقدوشهایش بگردش میبرند و دوستان عروس درمنزلش بدیدن اومیآیند وتاظهرآنروز مجلس جشن برپااست واگرمطربی دعوت داشته باشد تاظهر به‌دادن نمایش اشتغال میورزند.

***

بردن عروس و بستن در قلعه :

درده طالب‌آباد هنگامی که عروسی صورت گیرد وبخواهند عروسی‌را که اهل ده باشد بنقاط دیگر ببرند یعنی داماد ساکن طالب‌آباد نباشد، هنگام بردن عروس دروازه بان در قلعه را می‌بندد واجازه نمیدهد کسی‌از در خارج‌شود تااینکه کسان داماد پیش‌آمده مبلغی بناسبرده داده وخواهش کنند که در را بازنماید البته خود دروازه‌بان اسفند فراوانی درمنقل ریخته برای عروس وداماد اسفند دود میکند وورود داماد و کسانش‌را بده خوش‌آمد میگوید ولی هنگام رفتن درچند قدمی نرسیده به‌در ، در را بسته وازرفتنشان جلوگیری مینماید.

***

پس‌ازآغاز زندگی‌زناشوئی درگذشته نزدیک درده طالب‌آباد رسم‌چنین بود که‌عروس بایستی حداقل تایکسال‌جواب‌شوهر وخانواده خودرا ندهد تااینکه مقداری پول‌ویااشیاءدیگری به‌او بدهند تادست کم پس‌از سه‌ماه اورا بحرف آورند.

***

زایمان ومراسم آن :

هنگامیکه علائم‌وضع حمل در زنی‌ظاهر شود بستگان زن‌یکنفررا بدنبال ماما میفرستند و او را میآورند.

ماما اول کاری که میکند سینی‌بزرگی (مجمعه) را وسط اطاق گذارده قدری خاك‌رس الک‌کرده دروسط آن میریزند، دوعدد خشت چون‌اجاقی درطرفین سینی قرارداده زن موردنظررا

درحالیکه یکی دونفرسنگینی بدن اورا با گرفتن زیربازوانش تحمل نموده اورا روی خشت می‌نشانند ودرحالیکه عده‌ای زن دراطاق جمع‌اند ماما دست بکارشده عمل زایمان انجام‌میشود.

(دراینحال زن‌زائو بقدری فریاد میزند ودرد میکشد که سر خشت نشستن دربین مردم ضرب‌المثلی‌شده‌است وکارهای سخت وطاقت فرسارا بدان تشبیه میکنند).

پس‌از وضع‌حمل ومراسم‌پزشکی‌آن‌رخت بچه‌ای‌را که ازقبل‌آماده کرده‌اند برای کودك آورده واورا درقنداق می‌پیچند واگرزایمان مربوط بشکم‌اول باشد یعنی‌اولین‌باری باشد که زنی درزندگیش زائیده‌است‌مادرزن‌وظیفه‌دارد که‌لباس، کهنه‌بچه،قنداق، ننو (گهواره) واخیرکمدانرا تهیه نماید وباتشریفاتی بمنزل دخترش که وضع‌حملش‌فرا رسیده‌است‌بفرستد که در اصطلاح آنرا «سیسمونی» می‌نامند.

حاضرین‌دراطاق زائو تاشب ششم زایمان که شب خیرباشد میتوانند آزادانه نزد زائو آمدوشد نمایند ولی‌زنانی که درحال زایمان‌دراطاق حاضرنبوده‌اند نمیتوانند نزد زائو بروند مگر اینکه هنگامیکه‌بچه‌راازپیش‌زائو ببرند تاآنهابتوانند داخل‌شوندوپس‌ازداخل‌شدن‌ونشستن‌آنگاه بچه‌را باطاق بیاورند.

ازهنگام‌زایمان‌تاشب‌خیروشب دهم زایمان‌بیشترکسانی که‌بدیدن‌بچه میروند بایستی مقداری پول یا وان‌یکاد و یا هدیه‌ای که باوضع مادی آنها بستگی داشته باشد به‌بچه بدهند بدین‌ترتیب که بچه‌را دربغل گرفته وهدیه خودرا روی قنداق‌طفل میگذارند ویادرلای‌قنداقش جای میدهند که این هدیه به«سرنافی» مشهوراست.

شب ششم‌اطاقی‌را که زائو درآن جای‌دارد بازغال یاگچی دورادور آن را سه دورخط میکشند ودرحال خط‌کشیدن سؤال میشود:

چه میکنی　　جواب: خط میکشم

برای کی　　برای مریم‌بابچه‌اش (مریم اسم‌زائو است)

بکش که مبارك باشد.

البته میگویند این‌خطرا برای داخل‌نشدن آل میکشند ومعتقدند که اگر زائو را تنهاگذارند آل آمده جگر زائورا میخورد وبرای‌اینکار آل‌ازپشت‌بام مرواریدهائی آویزان‌نموده وآنرا جلوی‌چشم زائو میبرد تازائو سرخود را بالاکند چشمش به‌آل افتاده از بد قیافه‌ای او ترسیده وغش‌می‌کند دراین‌حال آل‌آمده جگر زائورا بیرون آورده برای خوردن باخود میبرد، روی‌همین اصل معتقدند که زائورا نبایستی‌تنهاگذاشت.

شب ششم زایمان برای زائو اسفندزیادی دود کرده وباسوخته های اسفند دورهردومچ دست زائورا باخطی سیاه کرده وخالی از سوخته اسفند در پیشانی زائو میگذارند تا ازآل گرفتگی مصون بماند.

***

البته درتمام طول مدت همه روزه ماما به زائوی خود سرمیزند، همه روزه باعزت واحترام باوی رفتار میشود وحالات زائورا برای او بازگومیکنند.

مشهدی ماه سلطان که مامای ده طالب آباد است بیست تومان برای مامائی خود درهر زایمان دریافت میدارد علاوه برآن یک کله قند، مقداری حنا وصابون برسم پیشکش به ماما میدهند و گاهی مقداری از سرنافی هم به ماما تعلق میگیرد ولی درحال حاضر دیگر نیمی از زائوها را برای زایمان به بیمارستان فیروزآبادی در شهرری میبرند.

***

حمام زایمان :

ازروز دهم زایمان ببعد دیگر نزد زائورفتن آزاد خواهد بود زیرا روز دهم زائو بحمام میرود، این حمام رفتن به «حمام زایمان» شهرت دارد، دراین روز که آنرا «حمام ده» نیزمینامند چند نفر همراه زائو بحمام میروند ودرحمام بازنسبت بوضع مادی زائو ازاوپذیرائی گرمی میشود، سرحمام ازطرف خانواده زائوقائوت وشربت برده شده وتمام حاضرین راشربت میدهند، دراین روز ازطرف بستگان زائو مومیائی را درروغن داغ داخل کرده درحمام زائورا باندازه کافی باآن روغن مالش میدهند وعلاوه برآن دست و پای او را چند دقیقه مالش داده و لگن آب گرمی را برای لحظه ای روی پشتش قرار میدهند.

بابیرون آمدن زائو از حمام اگر وضع مالیش خوب باشد گوسفندی درجلویش کشته، برایش درطول راه مرتب اسفند دود میکنند ودرمنزل زائوافراد نزدیک خانواده را به نهاردعوت میکنندوبرای دلاک وحمامی نیزغذامیفرستندوازآن پس زائوچون یکنفر عادی بکارهای خودمیپردازد.

***

زائورا معمولاً تاشب ششم ولادت تنهانمیگذارند ولی اگر زائورا بحمام ببرند ولنگ خیس زائورا چلانده آب آنرا برای بچه ببرند ویا دربیرون حمام آب لنگ خیس را روی سربچه بچلانند وقدری آب را روی سر بچه بریزند دیگرتنها ماندن درکودک اثری نخواهد داشت.

***

چله افتادن :

معتقدند اگر دوزائوباهم بزایند اگریکی‌ازآنها برای حمام‌ده برود درحالی که او در حمام باشد زائوی دوم‌وارد حمام‌شود آنکه قبلاً درحمام‌بوده دیگرآبستن نمیشود تااینکه‌هنگام زایمان زن دیگری‌دراطاق‌زایمان‌حاضر شود تاآبستن‌شودزیراآنکه واردمیشودچله‌خودرا بدیگری میریزد(میگویندچله‌زائو بفردی که‌آبستن نمیشود افتاده ووی‌آبستن میشودوچله‌اش بریده‌میگردد) .

اگر بخواهند چله سرشان نیفتد بایستی دو زائو روبروی هم ایستاده و هرکدام از پستان خود برسینه دیگری شیر بدوشند .

***

چله بری :

اگر به‌زنی‌چله‌افتادوآبستن‌نشد برای‌بریدن‌چله خود و آبستن شدن‌بایستی هنگامی که زائوئی درحمام‌است به‌حمام رفته، درحمام‌بنشیند، بچه زائوی اول را روی سر زنی که چله به‌او افتاده وآبستن‌نمیشود نگهداشته آب چهل کلید روی سر بچه ریخته وآب ازبدن بچه عبورکرده روی سر زنی که نشسته بریزد ازآن‌پس چله‌زن بریده شده وآبستن‌میشود .

***

اگرزنی زائید وبچه‌اش قبل‌از چله مرد بایستی سه‌بار ازروی جنازه بچه‌اش بپرد تاآبستن شود ولی‌اگر این‌عمل‌را انجام‌نداد باید بقبرستان رفته و از روی هفت قبر بپرد و آنوقت چله‌اش بریده‌شده آبستن میشود، اگر این کارهارا انجام‌نداد بایستی‌مقداری تره (نوعی سبزی خوراکی) برداشته درمرده شوی‌خانه‌رفته روی سنگ مرده‌شوی‌خانه سنگی را روی آنها زده وآنها راخورد نموده وبگوید بریدم که‌چله‌ام بریده شود .

***

اگرچله گربه‌ای‌به‌زائوئی افتادودیگر آبستن نشد بایستی هنگام زایمان گربه‌ای منتظر بوده جفت گربه‌را گرفته روی سرزن نگهداشته آب‌بریزند تاآب ازروی‌جفت گربه عبورنموده روی سر زنی که آبستن‌نمیشود بریزد وآبستن‌شود .

اگر چله موشی بزنی‌افتاد وزن آبستن نشد بایستی موشی‌را گرفته و دردهان آن ادرار کنند تاچله بریده شود .

***

البته لازم بیادآوری است که زائوها چله‌بری را تقصیر سامای خود میدانند.

***

نظر قربانی :

معمولاً ازهمان روزهای اول به‌قنداق بچه مهره‌های رنگارنگ چندی بنام‌نظر قربانی آویزان میکنند تاطفل‌از چشم‌زخم افراد ونظرخوردن مصون باشد وعلت رنگارنگ بودن مهره‌ها را دراین‌میدانند که‌افراد بهررنگ ودارای‌هرلباسی که باشند نظرشان درکودك مؤثر واقع نگردد. معتقدند مهره‌های نظرقربانی بایستی‌هفت‌عدد باشد وهرکدام ازاین‌مهره‌ها بایستی دارای‌رنگ بخصوصی باشد و اسم بخصوصی نیز دارد و برای امر مخصوصی نیز بکار میرود . این مهره‌ها عبارتنداز :

۱- مهره فهمه ۲- مهره آل ۳- مهره زردی

٤- مهره خفه ٥- مهره پیچ ٦- مهره آب حیات

۷- مهره نیلی

قبلاً یادآورشد که هرمهره بایستی‌دارای رنگ بخصوصی‌باشد وهرکدام ازبرای‌منظور خاصی‌همراه کودك میگردد، اینک منظوری که ازهر مهره دارند یادآورمیشود:

مهره فهمه : مهمترین‌مهره‌ها است و اهمیتش بیش‌از مهره‌های دیگراست وآنرا برای این‌همراه بچه میکنند که طفل‌حملهٔ نشود وحالش بهم‌نخورد، اهمیت این‌مهره بقدری است که هنگام ولادت طفل‌قسمتی ازمهره فهمه‌را سائیده به‌بچه میمالند.

مهره آل : این‌مهره‌را ازبرای آن همراه بچه میکنند که مادرش آل‌زدگی پیدا نکند و شب ششم‌ولادت حالش‌بهم نخورد.

مهره زردی‌را بخاطرآن همراه طفل‌میکنند که‌کودك زردی نیاورد.

مهره خفه‌را بخاطرآن همراه طفل‌میکنند که خفگی به‌کودك دست ندهد وازخفه‌شدن مصون بماند.

مهره پیچ: این‌مهره را برای‌پیچ نخوردن طفل همراهش‌میکنند.

مهره آب‌حیاط : معتقدند که اگر این‌مهره همراه طفل‌باشد طفل‌زنده میماند.

مهره نیلی: این‌مهره برای آن همراه طفل میگردد که رنگ صورت و بدن طفل رنگ معمولی‌باشد ورنگش‌برنگ زنده‌ای برنگردد.

***

علاوه‌براین مهره‌ها، آهن‌ربا نیز همراه بچه میکنند ومعتقدند که برای تنهائی بچه خوب است، معتقدند که اگرهفت مهره فوق وآهن‌ربا همراه طفل باشد طفل را هرکجا که ببرند مانعی ندارد ونظرنمیخورد،معتقدند که اگر الماس وطلا نزد زائو وبچه‌اش باشد خوب است و الاحالش بهم میخورد و معتقدند که اگر نزد زائو و بچه‌اش الماس و طلا نباشد ومهمان ویا تازه‌واردی که به‌اطاق زائو وارد میشود والماس ویاطلا همراه داشته باشد و زائو وبچه‌اش نداشته باشند حالشان بهم‌میخورد .

***

آل و آل زدگی :

درده طالب‌آباد اهالی‌معتقدند که اصولاً زائورا تاقبل ازحمام‌رفتنش نبایستی‌تنها گذارد واگر تنها گذارده شود آل بسراغ زائومیاید، طریقه آمدن آل باین‌ترتیب‌است که ابتدا آل روی پشت‌بام آمده ومهره‌هائی‌را به‌نخ بسته جلو در اطاق زائوئی که تنها نشسته آویزان میکند زائو درصدد برمیآید که مهره‌های زیبا را چه‌کسی آویزان نموده است و بمجرد بالا کردن سر و طرف پشت‌بام‌را نگاه کردن‌چشمش به قیافه‌بدترکیب آل‌افتاده فوراً ازترس غش کرده وبیهوش‌میشود آنگاه آل‌پائین آمده و جگر زن زائورا بیرون آورده برای خوردن باخود میبرد و زائو بدین‌ترتیب کشته میشود .

معتقدند که درچنین‌مواردی زائو بایستی‌قیچی‌تیزی‌نزدخود داشته باشد وبمجرددیدن مهره‌ها بدون بالا کردن سرخود باقیچی‌بند مهره‌ها را ببرد زیرا با پاره شدن بند و ریختن مهره‌ها آل ازغصه جابجا میمیرد .

برای‌جلوگیری ازآل‌زدگی‌معمولا زائورا تنها نمیگذارند ومهره‌هائی‌نیز همراه طفل‌میکنند تا ازآل‌زدگی مصون باشند . برخی‌معتقدند که چندنسل قبل‌مردان خانواده‌آنها آل‌را دیده وقصد کشتن‌اورا داشته‌اند آل برای نجات خودش با آنها قرارمیگذارد که دیگر بسراغ خانوادهٔ آنها نیاید وزائوهای آنها آل‌زدگی پیدا نکنند .

درده طالب‌آباد عده‌ای‌هستند که میگویند ما «عُدوم» داریم یعنی‌پدربزرگ ما آل‌را دیده‌است که سبدی بدست داشته وجگرزائویی درآن قرارداشته که آل‌برای خوردن میبرده ، وی جلوی آل‌را گرفته وبه‌او میگوید زائواز خانواده ماست جگررا برسرجایش بگذار وآل‌ازترس این کاررا میکند و دوعدد موی سرکه شیره‌ای‌رنگ آل‌را گروگرفته وآل‌قول میدهد که‌تاهفت‌پشت این‌خانواده کاری به‌زائوهایش نداشته باشد آنگاه آل‌را بحال‌خود رها میکند .

***

ختنه سوران :

ختنه سوران درده طالب‌آباد تاقبل ازهفت سالگی انجام میگیرد، مراسم‌آن بدین ترتیب است که پس ازتصمیم گرفتن دلاك ده که دندانساز ده نیزمیبوده‌دعوت مینمایند، وی بمنزل‌آمده جائی‌برای کودك انداخته یک غربال خاکستر ویک نی‌میآورند نی و تیغ دلاکی ازابزار کاردلاك است، پس ازبریدن یک غربال خاکستر نرم‌را روی‌محل بریده شده میریزند ودستور داده میشود که طفل دوسه روزی آب نخورد.

معمولاً بواسطه جلوگیری ازترس‌طفل هنگام‌بریدن به‌او میگویند: «گنجشگ‌را آن‌بالا ببین» ویابه‌نوعی‌حواس طفل‌را منحرف میکنند. پس‌از بریدن عده‌ای که دعوت شده‌اند هریک مقدارپولی به‌طفل‌میدهند ومقداری شیرینی وپول به‌دلاك داده میشود. قدری‌هستهٔ هلو سوزانده وپس‌ازآن مرتب روی‌محل‌بریدگی میمالند تاحدود ۲ روز طفل بجای شلوارلنگی بخودمی‌بندد ولی درحال‌حاضر نیمی‌از ختنه کنان طفل خودرا به‌بیمارستان میبرند.

***

گوش سوراخ کردن :

گوش‌سوراخ کردن مخصوص دختران وهنگامی که کودك نوزاداست انجام می‌پذیرد وآن‌را بدین‌علت انجام‌میدهند که دخترهنگام بزرگ شدن بتواند گوشوارهٔ درگوش خودنماید.

ترتیب سوراخ نمودن بدین‌شکل‌است که مادریایک‌زن مسن نزدیک به‌طفل‌سوزنی‌را نخ کرده قسمت زیرین لاله گوش‌را قدری مالش‌داده‌آنگاه سوزن‌را ازآن‌عبور میدهند ونخ سوزن‌را کشیده دوسرنخ‌را درحالیکه درگوش‌باقی‌میماند بهم گره میزنند تا بعدها که جای سوزن خوب شد سوراخ کوچکی‌جهت عبوردستهٔ گوشواره ومحکم‌شدنش درلاله گوش باقی‌بماند.

***

ب ـ اعتقاد مربوط بزندگی جمعی

عید نوروز :

عیدنوروز بزرگترین عید ملی‌ایرانیان‌است که‌بزرگترین جشنها وپذیرائی‌ها‌را برای عموم دربردارد که‌ازکم وکیف آن همه‌آگاهند ولی‌دراین‌مورد نگارنده تنها به‌بیان‌برگزاری مراسم‌این عید درده طالب‌آباد میپردازد.

***

ازحدود یک‌ماه به‌عید مانده زمزمه فرارسیدن‌عید همه‌جا شنیده میشود ومقدمات گرفتن جشن بدون‌استثنا درتمام‌منازل دیده میشود، اطاق‌ها و منازل پس‌ازگذشت یکسال مجدداً تمیز میگردد، در ودیوار اطاق‌های ده را با دوغ‌آب گچ سفید میکنند ، سنگ وهیزم وسوخت اضافی واثاثیه‌غیرضروری‌را درجائی‌قرارمیدهند که‌حتی‌المقدور سر راه مهمانان وتازه واردین‌واقع‌نگردد .

رئیس‌خانواده وظیفه خود میداند که برای افراد خانواده بخصوص کودکان لباس‌نو تهیه کند واگر قرار باشد سالی یکبار برای فردی کفش و لباس خریده شود حتماً دراین هنگام خریده میشود واگرخرید لباس امکان نداشته باشد لباس‌را بایستی‌حتماً شسته وتمیز کرده آنگاه به‌تن نمایند .

تهیه شیرینی ازلوازم اصلی‌خانواده‌ها دراین هنگام‌است، تاچندی قبل کلیهٔ خانواده‌ها خود برای مصرف‌عید شیرینی‌خانگی‌تهیه میکردندولی‌اکنون‌نیمی‌ازشیرینی‌را خریده ونیم‌دیگررا خود تهیه میکنند .

کودکان برای فرارسیدن عید روزشماری میکنند، دیگر چندم ماه یا برج بودن مطرح نیست بلکه چند روز به‌عید ماندن مطرح است ، سرانجام مراسم عید از آخرین چهارشنبه سال آغاز میگردد .

***

چهارشنبه سوری :

چهارشنبه آخرسال را «چهارشنبه سوری» مینامند و شب چهارشنبه سوری که غروب سه‌شنبه باشد مراسم پریدن ازروی آتش‌آغازمیگردد، بعدازظهر روزسه‌شنبه درچند نقطه ده خار وخاشاك فراوانی جمع‌نموده ونزدیک غروب آفتاب خاروخاشاك‌ها را بصورت توده‌های کوچکی بفاصله‌های دوتاسه‌متری ازیکدیگرقرارداده بطوریکه معمولاً بیش‌از سه توده ساخته میشود که دراصطلاح‌محل هرتوده‌را «کپه» مینامند، هنگامیکه تقریباً هواتاریک میشود بوته وخاشاك‌ها را آتش‌زده وافراد بخصوص زنان‌ازروی کپه‌های آن میپرند بطوریکه پرش‌را ازیکطرف آغازنموده پشت‌سرهم یکی‌پس‌ازدیگری‌ازروی کلیه کپه‌ها میپرندوکارخودرامجدداً تکرارمیکنند ودرهرکجا که این بساط برپاشده عده زیادی دراین‌مراسم شرکت میجویند .

هنگام پرش‌ازروی این کپه‌های آتش‌زنان خطاب به‌آتش‌چنین‌میگویند:

زردی من از تو　　سرخی‌تو ازمن

***

درهربارپرش این بیت‌را تکرارمینمایند وپرش خودرا بقدری ادامه‌میدهند تا خاروخاشاك ها خاکسترشده وخاموش گردد.

***

شب‌جمعه آخرسال خیرات فراوانی برای آمرزش روح مردگان‌نیز بعمل‌میآید.

روزهای بیست وهشتم وبیست ونهم اسفندماه و همچنین روز اول فروردین هنگام شام خانواده‌ها تاآنجا که برایشان‌مقدوراست سعی‌میکنند برنج‌داشته باشند وپلو بپزند.

روز بیست وهشتم‌اسفندرا «شب عرفه» و روزبیست ونهم‌اسفندرا «شب عید» مینامند ولی‌مجازاً اسفندماه را نیزشب عید میگویند.

***

درمسجد همه بانتظار سال‌تحویل می‌نشینند وبا اعلام «سال‌تحویل‌شد» همه صلوات میفرستند وهرکس بسوی خانه خود مراجعت میکند وازآن‌پس افرادی که درنقاط مختلف بهم میرسند میگویند «تبریك عرض‌میکنم» افراد هم‌جنس وتقریباً همسال که بیکدیگر برسند پس‌از گفتن‌جمله فوق روی یکدیگررا میبوسند، دوستان و آشنایان برای دید وبازدید بمنزل یکدیگر میروند ومعمولاً کوچکتران وظیفه خود میدانند که بمنزل بزرگترها بروند و درمنزل با تعارفات زیاد از آنها پذیرائی میشود و معمولاً به‌خردسالان‌عیدی میدهند که ممکن است پول ویا چیز دیگری باشد.

کسانی که‌برای عیددیدنی بمنزل‌آشنایان واقوام خود میروند انتظاردارند که آنهاهم متقابلاً چنین‌عملی‌را انجام‌دهند ودرصورت انجام‌ندادن سخت گله میکنند واین گله تاسال دیگر ادامه می‌یابد.

مردان‌ده‌درروزاول‌عید لباس‌تمیزخودراپوشیده دسته‌جمعی بمنزل‌ارباب میروند وپس‌از آن بمنزل کدخداوآبیاران وبعداًبخانه ریش‌سفیدان‌ده‌میروند وبیشتردرهمان‌روزاول‌تمام‌عیددیدنی خودرا پایان میدهند.

در بعضی دهات دهقانان صبح روز عید درمحلی جمع شده و یکی ازآنها لنگی برداشته به‌یک‌یک خانه‌ها میروند و شیرینی‌های موجود را برداشته در لنگ ریخته درآخر شیرینی‌های جمع‌شده‌را بین‌خود تقسیم‌میکنند.

کودکان درروز عید معمولاً بیش‌از روزهای دیگرپول دارند چه اقوام و بستگانشان بآنها عیدی میدهند، درده طالب‌آباد رسم‌براین‌است که درروز عید تمام کودکان بمدرسه‌میروند

وارباب بزرگ ده به کلیه آنهاعیدی میدهد ودرهیچ روزی مدرسه تااین حد شلوغ نمیگردد زیرا هریک ۵۰ یا ۱۰۰ ریال عیدی دریافت میدارند. بعضی از افراد دراین روز بقمار میپردازند و آنرا شکوم میدانند، دردهات دیگراین قمار علنی صورت میگیرد ولی در ده طالب آباد قمار محرمانه انجام میگیرد زیرا اربابان ده بسختی بااین عمل مخالفت میورزند.

درروزعید زنان بخصوص درودیوار منزل را تزئین میکنند وبهترین اسبابهای خودرا در طاقچه های خانه می چینند وبی مناسب نیست اتفاقی که در یکی ازاعیاددر دهی رخ داده است دراینجا یادآور شود.

«چندسال قبل دریکی ازدهات اطراف، خانواده دهقانی بواسطه نداشتن اثاثیه ناچارمقداری تاپاله های بیضی شکل را دربقچه هائی پیچیده در طاقچه اطاق خودمیگذارد تابعنوان بقچه رخت طاقچه هارا پر کرده باشد. هنگامی که مهمانان برای عیددیدنی بدین منزل میآیند درغیاب صاحب خانه ضمن صحبت به آنهمه رخت مشکوك میگردند که چطور خانواده دهقانی این همه بقچه رخت در طاقچه های خود چیده است هنگامیکه محرمانه ببررسی یکی ازآنها میپردازند قضیه فاش شده و بسرعت درتمام ده شایع میگردد».

***

آداب و رسوم نوروز

هفت سین :

اغلب خانه ها درروز عید سفرهٔ هفت‌سین می چینند وآن عبارتست از هفت‌نوع خوراکی مختلف که ابتدای آنها باحروف «سین» شروع میگردد وآنهاعبارتنداز :

سماق ، سمنو ، سنجد ، سبزی ، سبزه ، سیر ، سرکه .

***

شیربرنج :

درروزعیدشیرگرفته وپختن آنرابرای شیربرنج طوری ترتیب میدهند که هنگام سال تحویل سر اجاق باشد چون معتقدند بایستی هنگام سال نو شیربرنج بمنزله مایعی درمنزل باشد.

***

ماست و پنیر :

هنگام سال تحویل بایستی ماست وپنیر ویامایه پنیر درمنزل باشد چون مایع سال نومحسوب میشود.

***

آش رشته :

معتقدند که روزاول‌سال بایستی آش رشته پخت چه رشته باعث ازدیاد طول عمرمیگردد .

***

شیرین پلو :

معتقدند که شب سال نو بایستی شیرین پلو بخورند چون اگر کام آنها شیرین باشد تاسال دیگر کام آنها شیرین خواهد بود .

***

کوکو :

هنگام سال تحویل نبایستی کوکو درمنزل باشد چه معتقدند که اگر کوکو درمنزل باشد تاسال دیگر بایستی مرتب بگویند کو--کو .

***

کوکو ماهی :

برخی معتقدند که قدری پلو باقدری ماهی ومقداری کوکوی روزعید را بایستی درجائی مخفی کرد که هیچ کس آنرا برندارد دوسه روزبعدازعیدآنرا برمیدارند ومعتقدند که درایام عید بودن پلو کوکو ماهی درمنزل خوب است .

***

چراغ :

معتقدند که هنگام سال تحویل بایستی چراغ نفتی خودرا روشن کنند وچراغ بایستی تاشب بسوزد . برخی عقیده دارند که بایستی آنقدر بسوزد تا نفت آن تمام شود .

***

معتقدند که هنگام سال تحویل نارنج، یک کاسه آب که یک ماهی داخل آن باشد، سبزه، هفت سین وامثال آن بایستی دراطاق باشد .

آب رابرای روشنائی میگذارند . سبزی را برای آمد کارمیاندازند ومعمولاً چندروز به عید مانده دربشقابی قدری گندم ویاعدس یاامثال آن را ریخته آب میدهند تاسبزشود واین سبزه راهنگام عید دراطاق عمومی گذارده وتاروز سیزدهم عید آنرا نگهمیدارند صبح روز سیزدهم آنرا از منزل بیرون می‌اندازند ومعتقدند که باانداختن سبزی به بیرون از خانه، نحسی ازخانه بیرون میرود .

***

هنگام سال‌تحویل تخم‌مرغی‌را روی آئینه میگذارند ومعتقدند هرگاه تخم‌مرغ تکان خورد سال‌تحویل میشود .

***

قاشق زنی :

در شب چهارشنبه سوری عید نوروز مراسم قاشق‌زنی در ده طالب آباد برگزار میشود بدین‌ترتیب که بعضی از افراد بخصوص زنان چادر بسر کرده (اگرچه پسران خردسال هم برای این‌منظورچادر بسر میکنند) روی خودرا سخت گرفته بطوریکه شناخته نشوند، این افراد با خود بادیه وقاشقی آورده به در منازل‌مختلف‌نشسته‌روی‌خودرا محکم گرفته وقاشقی‌را که بدست‌دارند پی‌درپی ومحکم به‌بادیه میکوبند تااینکه صاحب‌خانه چیزی دربادیه گذارده به قاشق‌زنی آنها خاتمه دهد .

سابقاً قاشق‌زنی‌فراوان‌تر از امروز دیده میشد و امروزه اگرچه هنوز هم این کار انجام می‌پذیرد ولی کمی‌جنبهٔ شوخی‌بخود گرفته‌است چه کودکان‌چادربسر کرده وبقاشق‌زنی‌میپردازند وآنچه‌را که ازاین‌راه جمع کنند برای‌خود برمیدارند درصورتیکه هرچه‌ازاین‌راه بدست آیدبایستی چیزی پخته نذرنمایند .

گاهی‌قاشق‌زنان ازیک‌طرف قاشق‌زده وبرای اینکه شناخته نشوند گوشه چادر خودرا پهن‌نموده تاآنچه که میخواهند بدانها بدهند درگوشهٔ‌چادر آنها گذارده شود و واقعه جالبی که دراین‌باره درچند سال قبل در ده طالب‌آباد اتفاق افتاده‌است بدین‌ترتیب بود که :

شبی که قاشق‌زنی گوشه چادرخودرا برای گرفتن چیزی درکنار درحیاطی‌پهن کرده‌بود چند کودک شیطان‌ده مشترکاًپیت حلبی‌خالی‌وبزرگی‌را بگوشهٔ‌چادرقاشق‌زن‌می‌بندندودرگوشه‌ای پنهان میشوند وبمجردحرکت‌زن‌پیت‌روی زمین کشیده شد وکودکان بمسخره کردن میپردازند .

***

فال گوشی :

فال‌گوشی‌هم نیز همزمان با قاشق‌زنی صورت میگیرد ولی بمراتب کمتراز قاشق‌زنی ، بدین‌ترتیب که افرادی مخصوصاً زنان روی خودرا سخت‌گرفته به‌در منازل‌رفته گوش میایستند وسخنان افراد خانواده‌را بدقت گوش میدهند، اگرموضوع‌سخنان جالب‌بود آنرا بفال‌نیک گرفته و الا نیت خودرا بفال بد تعبیر میکنند مثلا اگرکسی مریضی درخانه داشته باشد به‌نیت اینکه آیا مریض خوب میشود یانه بفال‌گوشی میرود اگرمثلاً صحبتی که گوش میدهند راجع بزیارت عروسی وامثال آن باشد معتقدند که مریض‌آنها خوب میشود واگردرخانواده نزاع واوقات‌تلخی

وسخنان ناشایسته باشد برای سرنوشت مریض خود سخت اندوهناك میشوند.

***

سیزده بدر :

چنانچه مرسوم است پس ازآغاز سال نو تا روز دوازدهم فروردین افراد خانواده‌ها به‌دیدو بازدید یکدیگر میپردازند ومعمولاً بایستی دراین مدت کلیه عید دیدنی‌ها پایان پذیرد. صبح روزسیزدهم فروردین هرخانوادهسبزه‌ای را که چند روزی‌قبل ازعید درمنازل انداخته‌اند ازخانه‌خود بیرون میاندازند ومعتقدند که بابیرون انداختن این‌سبزه نحسی‌خانواده را بدورانداخته‌اند.

صبح روز سیزده بدر هرخانواده وسائل لازم‌را برداشته برای بدرکردن سیزده بخارج از منزل‌خودمیروند ومعمولاً درزیر درختان اطراف قلعه‌بساط چای ونهارخودرا میگسترانند وهنگام عصر بخانه مراجعت میکنند.

دراین‌روز افراد وقت خودرا بشادمانی وگفتن لطیفه و امثال آن میگذرانند و معمولاً بیش‌از روزهای دیگر برای خوراك وغذای خود تهیه می‌بینند.

دختران‌دراین روز برای گشوده شدن‌بخت خودوآمدن شوهربسراغ آنها سبزه گره میزنند بدین‌ترتیب که برگهای چند ساق گندم ویاجورا بدون آنکه از زمین کنده شود دردست گرفته و سرسبزه‌هارا بهم گره میزنند وهنگام گره زدن چنین میگویند :

سیزده بدر　　سال دیگر

خانه شوهر　　بچه بغل.

***

عید عمر (عمرکشان) :

ازلحاظ مذهبی‌شیعیان عداوت دیرینه‌ای باعمردارند ومدعی‌هستند که عمرلگدی به‌در منزل حضرت علی‌زده که درنتیجه درشکسته به‌پهلوی‌فاطمه دخترپیغمبر که زن‌حضرت‌علی بوده خورده است روی‌همین‌اصل هنگام مرگ عمرخوشحالی میکنند وهمه‌ساله درروز دهم ربیع‌الاول که روز مرگ عمر است تاچهل‌روز بعد درمنازل خود «عید عمر» میگیرند.

روز عید عمر درده طالب‌آباد هم‌برگزار میشود دراین روز زنان خانه‌ای که قصد دارند عید عمررادرآن‌خانه‌برگزارکنند عده‌ای دیگر اززنان همسایه‌را گردخودجمع کرده وگاه آخوندی را نیز دعوت میکنند وبرخلاف همیشه این‌بار بجای گریه وزاری، آخوند شعرهای رکیك وسست قافیه‌ای درباره عمرمی‌خواند وزنان دست میزنند.

دراین جشن ازحاضرین باچای پذیرائی میشود وبجای شیرینی ذرت بوداده وبجای شوکلات قطعات بریده شده ترب را درکاغذ پیچیده و بهم تعارف میکنند ، علاوه براین تخمه هندوانه و تخمه آفتاب گردان وتخمه طالبی فراوانی شکسته میشود که ضمن شکستن مرتباً میخندند وخوشحالی میکنند وحرفهای زشتی دربارهٔ عمرمیزنند .

قبل ازشروع جشن صاحب جشن اسکلتی از کاغذ وپارچه بشکل عجیب وغریبی ساخته برای سرآن چشم وابرو نقش مینمایدو گونه های آنرا قرمز کرده کلاهی منگوله دار برسرش میگذارند، تسبیحی ازپشکل گوسفند ساخته ودردستش داده ومعمولاً ترقه هائی برپیکرآن میاویزند وپس از ختم روضه، عمررادرمیان هلهله ودست زدن باریختن قدری نفت روی آن آتش میزنند ودرحالی که کاغذها وپارچه ها میسوزد زنان وکودکان بدورش جمع شده مرتباً آب دهان خودرا بدان انداخته وتکه های نیم سوخته آنرا لگدمال میکنند وفحش هائی نثار مینمایند .

بطوریکه تعریف میکنند درگذشته این جشن تشریفات مفصل تری داشته است واسروزه نسبت به گذشته برگزاری این قبیل جشن ها بسیارتقلیل یافته ودرحال ازبین رفتن است .

***

عید قربان :

عیدقربان دردهم ماه ذی الحجه برگزارمیشود معمولاً درده طالب آباد سراسمی برپانمیشود وشاید بسیاری ازافراد که کاری با ماه وتاریخ ندارند روزعیدرا هم ندانند ولی گاهگاهی مشاهده میشود که در روز این عید ارباب یایکی از دوحاجی های ده که هردو ازبقالان ده هستند قربانی میکشند .

ازبین دهقانان بندرت کسانی یافت میشوند که گوسفندی را قربانی کنند ولی ممکن است چند خانوار مشترکاً گوسفندی را خریده قربانی نمایندویاممکن است بجای گوسفند، خروسی راقربانی نمایند زیرا معتقدند در روز قیامت سوار حیوان قربانی شده گشته و از پل صلات میگذرند و چون حیوان کور نمیتواند از پل عبور نماید روی همین اصل عقیده دارند که قربانی آنها حتماً بایستی چشم دار باشد .

هنگامیکه گوسفندی را قربانی کنند پوست آنرا کنده وگوشتش را قطعه قطعه نموده بهر خانواده ای حدود ۳ تا ۴ سیر گوشت مجاناً میدهند که آنرا «گوشت نذری» مینامند وشاید درچنین حالتی دهقانی که گوشت نذری ومجانی را مشاهده میکند بداند که روزعید قربان است .

حیوانی که برای کشتن دراین روز انتخاب میگردد بایستی حتماً یکساله باشد . بعضی

خانواده‌ها خون حیوان قربانی شده را در شیشه‌ای نگهداری نموده و بچشم کسانی که سخت چشم درد میکنند میریزند و معتقدند که بهبودی حاصل میشود، چشم گوسفند قربانی را نیز نمیخورند.

***

ولادت حضرت حجت :

ولادت حضرت حجت که در نیمهٔ ماه شعبان اتفاق میافتد در ده طالب آباد مختصر چراغانی درجلوی دو دکان آن میشود.

***

غیر از اعیاد فوق که شرح آنها گذشت اعیاد مذهبی دیگری را در ده طالب آباد جشن نمیگیرند و اصولاً این اعیاد را نمیشناسند زیرا در زندگی آنها مؤثر نیست، در روز عید مولود که ولادت حضرت علی است فقط سادات جشنی برپا میکنند و در این روز بایستی بدیدن سیدها بروند و از مهمانان در منازل سیدها پذیرائی میشود، ولی در مورد ولادت سایر پیشوایان مذهبی چون تولد حضرت امام حسین، پیغمبر، فاطمه زهرا و امثال آنها هیچگونه مراسمی برپا نمیشود.

***

خرج دادن :

خرج دادن یعنی غذا دادن، شام یا نهار دادن بمناسبتی که بیشتر در ایام عزاداری داده میشود. در ده طالب آباد در دهه اول ماه محرم دو شب خرج میدهند و در این دو شب تمام اهالی ده را شام میدهند.

کلیهٔ مخارج این شام بعهدهٔ مالک و هر شب حدود ۵۰ من برنج و ۱۵۰ عدد کدو و ۱۵۰ عدد بادنجان و حدود ۵ من سیب زمینی توسط آشپزان حرفه‌ای پخته و آماده میگردد. طریقهٔ توزیع غذا بدین ترتیب است که غذاها در آشپزخانهٔ بزرگ اربابی قبلاً حاضر شده ساعت ۷٫۵ بعدازظهر کشیدن غذا حاضر میگردد، چند نفری از مردان ده آمادهٔ پخش غذا در ده میگردند دیس بزرگ، دیس کوچک و بادیه در سه نقطه آشپزخانه آماده و چیده میشود در هر نقطه چند نفری مشغول کارند و مسئولی نیز بر آنها نظارت میکند، بادیه مخصوص خورشت قیمه، دیس کوچک مخصوص خورشت بادنجان و کدو و دیس بزرگ مخصوص برنج که تمام آنها باضافهٔ دیگ‌ها و مجمعه‌ها از ظروف وقفی ده طالب آباد است.

هر مردی مجمعه‌ای در دست گرفته ابتدا خورشت بادنجان و کدو در مجمعه نهاده بعد قطعه‌ای نان و در آخر بشقاب بزرگی برنج در مجمعه نهاده میشود.

ارباب ده صورت اسامی کلیه خانواده‌ها وساکنین را که قبلاً تهیه نموده در دست گرفته هنگامیکه سینی آماده شد ارباب میگوید برای فلان خانواده ببر واسم برنده‌را درجلوی نام خانواده یادداشت میکند، بدین ترتیب به بیش از ۹ خانوار غذا میدهند، به رهگذران، دروگران و کلیه کسانی که درده باشند نیز غذا داده میشود وارباب دراین شب بستگان خود را نیز بشام دعوت میکنند. نگارنده نیز دوسال متوالی جهت مشاهدات عینی دراین دعوت حاضر گردید.

***

عزاداری

باشروع ماه محرم مسجد ده طالب آباد سیاهپوش میگردد (دراصطلاح محلی بسته میشود)، روی ستونها وجرزهای مسجد کتیبه هائی میآویزند که جنس آنها کرباس و یامتقال بازمینهٔ سفید حاشیه‌دار واشعاری ازمحتشم کاشانی باخط نستعلیق سیاه درشت روی آنها نقش گردیده است و اکثراً شعرواحدی روی پرده‌ها دیده میشود که مطلع آن چنین است :

باز این چه شورش است که درخلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

در فاصله بین کتیبه ها باپارچه های سیاه پوشانده میشود، ایوان و اطاق بزرگ مسجد باین ترتیب پوشانده میشود وقالیچه های چندی بدیوار اطاق دیگر نیز نصب میگردد. اطاق بزرگ مسجد توسط پارچهٔ سیاهی بدوقسمت تقسیم میشود قسمتی مخصوص زنان وقسمتی مخصوص مردان که منبر سیاه‌پوش شده درقسمت مردان جای دارد.

ازحدود ساعت چهاربعدازظهر روضه خوانی آغازمیگردد. چهار پنج روضه خوان حرفه‌ای به‌منبر میروند وپس ازآن واعظ به‌منبر رفته‌وعظ خودرا آغازمیکند. دهقانان بواسطه سرکاربودن دراین‌ساعت کمتر بمسجد میآیند وعدهٔ زنان به‌دوتاسه برابرمردان میرسد مدت وعظ کردن واعظ نیم تا یکساعت بیشترطول نمیکشد ومطالبی که توسط واعظ برای دهقانان اظهارمیشود نسبت بسطح سواد واطلاعات وفرهنگ عمومی آنهاقابل فهم نیست، دهقانان ساکت نشسته فقط گوش میدهند،

درپایان واعظ گریزی به‌صحرای کربلا زده حضار بیاد شهدای کربلا گریان شده و روضه باسلام مذهبی پایان می‌یابد.

درآغاز هرفردی که به‌مجلس وارد شود کفش هارا ازپا درآورده درکناریکدیگربترتیب روی‌زمین می‌نشینند، اگرعصر باشد برایشان‌چای شیرین واگرشب‌باشد چای قندپهلو میاورند، پس‌ازپایان وعظ هم یکباردیگر به‌حضار چای داده میشود وروضه پایان می‌پذیرد.

***

سینه زنی :

سینه‌زنی در ده طالب‌آباد فقط درده روزه اول ماه محرم انجام میگیرد بدین‌ترتیب که چندروزی قبل‌ازشروع سینه‌زنی وروضه‌خوانی که معمولاً باهم ونوأم صورت میگیرد، ارباب ده جلسه‌ای ازافرادبانفوذ ده تشکیل داده وپس‌ازمشورت‌های‌لازم دراین‌باره بهرکس برحسب‌ذوق وعلاقه‌ای که دارد کاری محول‌میگردد ودرروز معینی‌شروع به‌بستن‌مسجد میکنند.

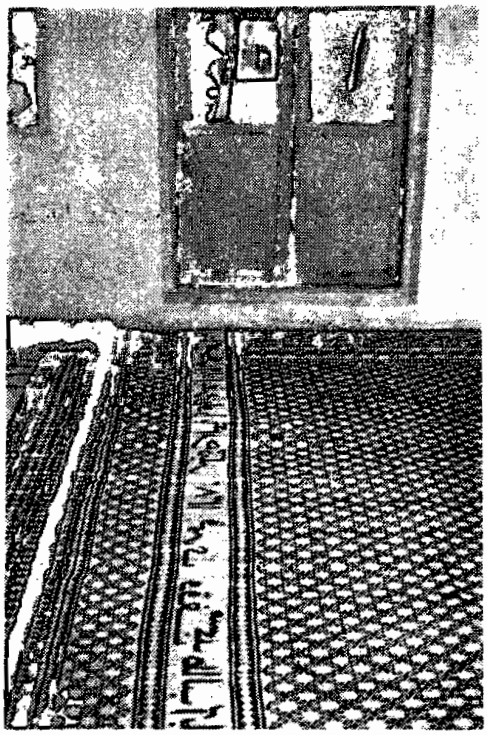
بستن‌مسجدیعنی‌اینکه‌محل‌را فرش‌میکنند ودرودیوار راپرده میکوبند، برای پرده کوبی درودیوار پرده‌های سیاه رنگی که‌اشعار فراوانی از دیوان محتشم با خط نستعلیق سفید ودرشت برروی‌آن نوشته‌شده بدیوارهای‌ایوان واطاق‌مسجد کوبیده میشود، علاوه براین‌پرده‌هاپرچم های مثلثی‌شکل که اطراف آن کلمات مذهبی‌نوشته شده ووسط‌آن منقوش‌است درگوشه‌وکناردیوارها نصب میگردد.

کف اطاقهای مسجد بازیلو فرش میشود ولی چند قطعه فرش‌بامانت ازمنازل‌داوطلبان برای مدت عزاداری بمسجد آورده میشود که بیشتر بدیوارها کوبیده میگردد.

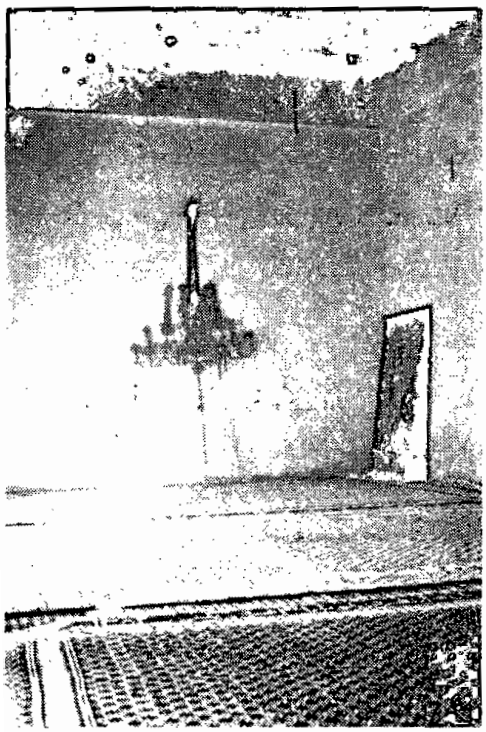
مخارج‌سینه‌زنی‌بعهده ارباب است که‌خودمبلغی‌ازمجموع درآمده‌را بدین کاراختصاص میدهد، بعدازده‌روزی که‌توسط ارباب‌روضه‌خوانی‌شد اگرد هقانان مایل‌باشند خودبطورسرانه‌پول جمع‌آوری نموده یکی‌دوشب اضافی روضه‌خوانی‌میکنند.

درده طالب‌آباد درشب تاسوعا و شب قبل‌ازآن خرج داده میشود وبرای خانوارهای ساکن‌ده شام داده میشود ویکنفرمأمور شده شام‌را به‌درمنزل یک‌یک افراد میرساند.

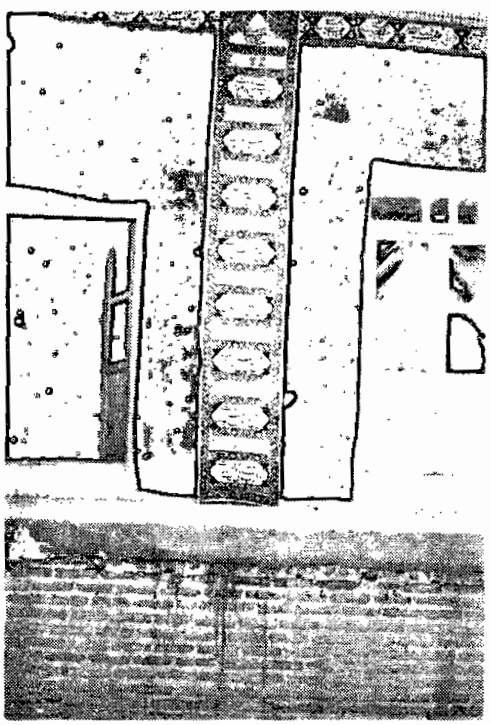
هرشب حدود ۶۰ من برنج ، ۵۰۰ دانه بادنجان ، ۱۰ من سبزی و برای دوشب پنج گوسفند کشته‌میشود وبرای‌پختن‌آن آشپزمخصوصی میاورند وبرای‌پختن هریک‌من‌برنج ۵۰ ریال اجرت میدهند. دیگهای بزرگ وظروف مخصوص که عبارت از بادیه و مجمعه‌است مخصوص این‌کار درده وقف شده‌است و دراین‌دوشب ظرفهارا از انبار منزل اربابی بیرون آورده بانظارت



زیلوئی که مخصوص مسجد طالب‌آباد خریداری شده‌است.



علامتی که هنگام دسته راه‌انداختن درجلوی دسته سینه‌زن حرکت‌میدهند.



سیاه‌پوش نمودن مسجد طالب‌آباد بدین‌ترتیب است که کتیبه‌ای‌را دروسط قرار داده وپارچه‌های سیاهی باطرافش میکوبند.

دقیق ارباب به کلیه خانواده‌های ساکن ده ومهمانان وساکنین موقتی برحسب تعداد افراد خانواده آنها شام فرستاده میشود وبرای کنترل بیشتر ارباب ده صورت دقیقی ازساکنین دراین ماه تهیه کرده وخود شخصاً نظارت میکند و هرکس که شام خانوادهٔ را بمنزلش ببرد جلوی نام آن خانواده یادداشت میکند که توسط فلان کس.

درمحرم سال ۱۳۸۲ قمری بهنگام خرج دادن، نگارنده درده حضورداشت وبرای ۹۰ خانواده شام ارسال شد که اسامی آنهارا بنگارنده تحویل دادند.

سینه زنی درشب ها انجام میگیرد چه روزها افراد سرکار هستند، سینه زنی زمانی آغاز میشود که باندازه کافی دهقانان درتالار مسجد جمع شوند، بمحض ورود هردهقان، خدمت کنان که ازقبل بساط چای را گسترده‌اند یک‌چای برای تازه وارد میآورند هنگامیکه عده بحدنصاب رسید سینه زنی شروع میشود.

معمولاً درهرسینه زنی یکنفر سردمدار یامیان‌دار وجوددارد که بواسطه علاقه وپشتکاری که به اشعارمذهبی داردوبه آهنگ خواندن اشعارآشنائی دارد هنگام شروع سینه زنی همه چشم به دهان اودوخته وازحرکات اوپیروی میکنند وبدین ترتیب سینه زنی آغازمیگردد.

***

مراسم سینه‌زنی :

درماههای محرم، صفر ورمضان معمولاً در نقاط مختلف سینه زنی مشاهده میشود ولی جوش وخروش سینه‌زنی وعزاداری درنیمهٔ اول‌ماه محرم دیده میشود. سینه‌زنی معمولاً بدوصورت بی‌حرکت وباحرکت انجام‌میگیرد، سینه‌زنی بی‌حرکت بدینصورت انجام می‌پذیرد که درمحلی افراد بدورهم جمع‌شده وباچای ازافراد تازه‌وارد پذیرائی نموده هنگامیکه جمعیت باندازه کافی جمع‌شد درحال‌نشسته میان‌دار سینه‌زنی‌را چنین‌آغاز میکند.

بیا به‌خاتم انبیا صلوات ختم کن (صلوات ختم کردن‌دسته‌جمعی‌افراد)

لال وبی‌ایمان‌ازدنیا نروی صلوات‌بلندترختم کن » »

قبر امام‌سوم‌را دربغل بگیری صلوات جلی‌تر ختم کن » »

(البته نوع شعارها فراوان ومختلف است ولی‌شعارنخستین همیشه تقریباً ثابت‌است).

***

عده‌ای که بایستی دراین‌جمع نوحه‌خوانی کنند مشخص و درکنارحاضرین نشسته‌اند و وبرحسب سابقه وپیش کسوتی اول ویا آخر خواندن آنها قبلاً معین‌است.

پس ازسه بار صلوات ختم کردن نخستین فردی که نسبت بدیگران تازه کارتر است ازجا برخاسته درمحل خود ایستاده پس ازپایان پذیرفتن آخرین صلوات، مرثیه خواندن خودرا آغاز میکنند که شامل سه قسمت است.

۱- سلام ۲- مصیبت ۳- نوحه

سلام عبارتست از یک رباعی که در پایان آن بواسطه یادآور شدن نام محمد پیغمبر اسلام (ص) تمام حضار دسته جمعی صلوات، ختم میکنند مثلاً یکی ازآن رباعی ها چنین است.

آدینه ببازار شدم وقت صلات سید پسری دیدم چون حب نبات
سربرقدمش نهادم وخوش میخواند بر طاق دو ابروی محمد صلوات

یکباره تمام حاضرین دسته جمعی صلواتی ختم نموده سپس نوحه خوان مصیبت خواندن خودرا آغاز میکند واگر نوحه خوان قصد داشته باشد راجع بهرکدام ازپیشوایان مذهبی وبستگان آنها نوحه‌ای بخواند بایستی مصیبت هم مربوط بهمان موضوع ویادربارهٔ همان فرد باشد وبیشتر آنهارا ازدیوان اشعارشاعران مرثیه‌ساز ونوحه‌سرا انتخاب مینمایند ودیوان خزائن الاشعار بین آنها بیش ازهمه شهرت دارد. پس ازخواندن مصیبت ویادآوری مسائلی که منجر بگریه حضار میگردد نوحه آغاز میشود.

نوحه عبارتست از اشعاری باآهنگ‌های مختلف که درهر چند خط خواندن آهنگ آن عوض میشود، البته درتمام این مدت میان‌دار مواظب است تاصدای خواننده‌را باآهنگ سینه‌زدن یکنواخت نماید وهنگام رسیدن به «دم» بااشاره میان‌دار همگی باآواز بلند آنرا تکرار میکنند و پس ازخاتمه نوحه، نوحه خوان قبلی نشسته ونوحه‌خوان دیگری پس ازسه بار صلوات فرستادن بلند شده نوحه خوانی را آغاز مینماید.

بدین ترتیب نوحه‌خوانها یکی پس ازدیگری نوحه خوانی خودرا شروع میکند و درپایان بادعا کردن وآمین جواب گفتن و سلام مذهبی دادن وگفتن کلمه «الفاتحه» به تجمع خود پایان میدهند، عده‌ای مجلس را ترک نموده و عده‌ای نشسته بصحبت میپردازند و مجدداً برایشان چای آورده میشود.

***

مصیبت ونوحه خواندن بطریق فوق درصورتی اجرا میگردد که سینه‌زنان همگی درمحلی نشسته ویاثابت ایستاده باشند ولی اگربخواهند حرکت کنندطریقه سینه زنی فرق میکندبدین ترتیب که نوحه‌خوان ابتدا مصرعی ازبیتی را خوانده وچندبار تکرار میکند و سینه‌زنان به‌آهنگ آن ،

سینه میزنند و درهربار که مصرع نوحه‌خوان بپایان رسید سینه‌زنان مصرع اول را دسته جمعی شروع به گفتن مینمایند. مثلاً :

مصرع نوحه خوان	جواب دسته جمعی
تازه جوانم علی	تازه جوانم علی
روح روانم علی	«
آرام جانم علی	«
شیرین زبانم علی	«
سرو روانم علی	« و . . .

***

البته اشعارفوق درحال‌عادی‌ودرحال‌حرکت خوانده میشود، گاهی با کف دست آهسته بروی سرخود میزنند ولی‌همین که به‌نقطه مهمی‌رسیدند (مانند جلوی تکیه ، امامزاده ، سقاخانه جلوی دودسته و. . .) سینه‌زدن‌را آغازمیکنند بدین‌ترتیب:

گفت ولیلا «سینه» چقدرناله «سینه» من پیرو «سینه» کنم «سینه»

نوجوان اکبرمن « بی‌تو « چه‌تدبیرو « کنم «

پس ازآن نوحه‌خوان افرادرا بحال‌خوگذاشته‌آنها هم‌مرتباً هرچه‌محکم‌تر دودستی‌بسینهٔ خودمیزنندومیگویند «حسین» .ممکن است‌دراین‌حالت میانداربا‌صدای‌بلندتربگوید «یاابوالفضل» وتمام‌سینه‌زنان دسته‌جمعی میگویند یاابوالفضل وهرچه محکم‌تربسینهٔ خودمیزنند وشور وهیجان مذهبی آغازمیگردد وافراد، دیگربدون نظم وقاعده مرتباً بسینه خود میزنند و فریاد یاابوالفضل و یاحسین بلند میگردد تااینکه نوحه‌خوان بالای چهارپایه رفته آنهارا بسکوت دعوت‌نموده‌بیتی ازمرثیه تازه‌ای خوانده ویا مرثیه قبلی‌را تکرارکند و یکباره بااشاره دست علامت داده وخوداز چهارپایه پائین‌میآید ویکنفر بدنبال اوچهارپایه‌را برداشته حرکت میکند. نوحه خوان درحالی که میخواهد چهارپایه‌را ترك کند دوباره میگوید:

تازه جوانم‌علی	تازه جوانم‌علی
آرام‌جانم علی	« . . . .

وحرکت دسته سینه‌زن آغازمیگردد.

سینه‌زنان اغلب بابدن لخت بدون‌پیراهن به‌سینه‌زنی میپردازند ویااینکه‌پیراهن‌سیاهی

که سطح سینه آن دایره شکل بازاست پوشیده به‌سینه‌زنی میپردازند ، ازخصوصیات این پیراهن سیاه این‌است که کلیه سینه‌زنان یک شکل‌شده واگرهم هواسرد باشد بدن‌آنهارا در مقابل سرما حفظ میکند.

***

نوحه‌خوانی‌درده طالب‌آباد در دهه اول‌ماه‌محرم آغازمیگردد، بعضی‌شب‌ها دسته‌جمعی ازقلعه بیرون آمده تامحل‌قبرستانی رفته قدری سینه‌زده مجدداً برمیگردند وگاهی‌درشبهای‌تاسوعا وعاشورا دسته‌های سینه‌زنی ازقلعه نو به طالب‌آباد میآیند وازآنها پذیرائی میشود و ارباب ده یکصد تومان به‌نوحه‌خوانهای آنهاانعام‌میدهد.

***

اصطلاحات مربوط به‌سینه‌زنی

دم	موضوعی‌را دسته جمعی‌خواندن	میان‌دار	آهنگ‌دان نوحه‌خوانان
زیردم	دمی‌مخالف دم‌نوحه‌خوان	کمک‌میان‌دار	کمک « «
راسته خوانی	خواندن نوحه‌های‌معمولی	پاطوق (تکیه)	محل‌سینه‌زنی
زمینه	خواندن نوحه‌هائی‌باآهنگ مختلف	زیروبارو‌خوانی	نوعی‌نوحه‌خوانی
سلام	رباعی شروع‌سینه‌زنی‌جهت صلوات فرستادن	سکته	جورنیامدن آهنگ
		ریز زدن	ریز وتند سینه‌زدن
مصیبت	اشعاری‌که افرادرا بگریه میاندازد	سنگین‌زدن	سنگین‌وکند سینه‌زدن
نوحه	اشعاری‌که‌باخواندن‌آن سینه میزنند	جواب‌دادن	باصدای بلند ورسا اشعار را خواندن

***

عروسک شب قتل :

درده طالب‌آباد رسم‌براینست‌که زنان برای زنده ماندن‌کودکان شیری خود درشب قتل‌امام‌حسین (عاشورا) عروسک‌هائی باندازهٔ یک بچه شیری ساخته بدین‌ترتیب‌که حدود ۳ تا ۵ متر پارچه خریده عروسکی‌ساخته باتشریفاتی درروز عاشورا به پاعلم وراسین میبرند ودرآنجا میخوابانند تاکودکان آنها زنده و سالم باقی بمانند واین‌کار همه‌ساله ادامه دارد . (درمحرم سال ۱۳۸۲ قمری پنج‌عروسک بترتیب فوق ساخته و به پاعلم برده شد).

***

عزاداری درماه رمضان :

درشب نوزدهم ماه رمضان بمناسبت ضربت‌خوردن حضرت امیرالمؤمنین امام‌اول‌شیعیان مراسم عزاداری درمسجد ده طالب‌آباد برگزارمیشود، بیشتر زنان ومردان ده درمحل‌جمع‌میشوند بطوریکه تعدادابن‌عده بعدازافطار به‌بیش‌از . ۲ نفرمیرسد، امام‌جماعت مسجد پس‌از برگزاری نمازمعمولی چندرکعت نمازقضا نیزخوانده سپس مراسم‌دعا شروع میگردد ویکی‌دونفر از اهالی خواندن دعارا آغازمیکنند .

پس‌ازبرگزاری‌مراسم‌دعا، نوحه‌خوانی‌آغازمیگردد وسینه‌زنی شروع میشودپس‌ازساعتی سینه‌زنی‌مراسم «قرآن سرگیری» آغازمیگردد که ساعتهاادامه‌می‌یابد وپس‌ازانجام‌این‌مراسم‌حدود ساعت ۲ ۱ شب عزاداری پایان می‌پذیرد .

***

مرگ ومراسم آن :

هنگامی‌که فردی در بستر بیماری حالش رو بوخامت میگذارد و رفته رفته بمرحله‌ای میرسد که اطرافیان ازاوقطع‌امید کردند دربستر اونشسته شیون‌را آغاز میکنند وگاهی‌قدری خاك تربت (تربت سیدالشهدا) را درآب حل کرده بحلق مریض‌میریزند تاشفا یابد بامرحوم‌شدن‌مریض افرادی‌را بدنبال بستگان ودوستان وآشنایان فرستاده‌که فلانی حالش‌بد است تشریف بیاورید ، دعوت شدگان خود مسئله را فهمیده شیوه کنان بسرعت خود را بمنزل‌متوفی میرسانند . نخست یکی‌ازنزدیکان چشمان‌متوفی‌را بسته ورویش‌راپوشانده وکسی‌راهم بدنبال‌خرید خلعت‌میفرستند (خلعت عبارتست‌ازکفن، کرباس، پنبه، سدر وکافور) .

مردان‌جمع‌شده تابوت‌ده‌را که درغسالخانه[1] ده قراردارد‌آورده‌مرده‌رابه‌غسالخانه میبرند (معتقدندکه هرکس هفت قدم این‌جماعت‌را همراهی کند گناهانش بخشوده‌میشود) . و درآنجا آب گرم کرده وپس‌ازبیرون آوردن لباس‌بدن میت را شستشو میدهند (مرده شوی لباس مرده را برای‌خود برمیدارد)، سپس‌مرده‌راکفن نموده وقبری‌برایش کنده اورا درقبر میگذارند وبلای ده بالای سرش‌آمده اوراعبدالله خطاب نموده ودوازده امام اورا یادآورمیشود .

سپس‌سنگ لحد را چیده روی‌آنرا باخاك وگل میپوشانند (معتقدندکه تااین‌وقت مرده ازمردن‌خوداطلاعی‌ندارد‌وچون‌بستگان‌آهنگ رفتن میکنند‌اوهم‌میخواهدبرخیزد وبهمراه جمعیت

---

۱ – غسالخانه‌ده طالب‌آباددرکنارضلع شرقی‌ده کنارجوی‌آب در ضلع جنوبی‌قبرستان‌واقع‌شده‌است .
(به‌صفحه ۴۲ نیز مراجعه شود) .

روان گرددولی دراین موقع سرش به‌سنگ‌لحد خورده‌شیری که ازپستان مادرخورده ازدماغش بیرون میآید وفریاد میزند، دراین هنگام اطرافیان هنوزبیش‌از هفت قدم ازاو دور نشده‌اند که بعضی‌از علاقمندان به‌متوفی‌دوباره مراجعت میکنند) نزدیکان بمنزل‌مرحوم رفته عده‌ای ازآنها نهار را در آنجا مهمان هستند ودراین‌مجلس همه ازذکرخیر مرحوم بیاناتی‌ایرادمیکنند.

پس‌ازآن خانواده متوفی‌عزادارند لباس‌سیاه بتن‌میکنندوختم‌میگذارند، ممکن‌است‌ختم درمسجد یادرمنزل باشد، ختم زنانه ومردانه هریک درمحل‌جداگانه‌ای انجام‌میگیرد، معمولاً درمجلس ختم‌سفره‌ای دروسط اطاق پهن نموده دوگلدان بزرگ و یک قدح دروسط آن گذارده سی‌جزء قرآن‌را که درسی‌جلد تجلید شده ودرجعبه‌ای قراردارد درآن سفره قرارمیدهند.

یکنفررا بعنوان قاری دعوت میکنند وناسبرده وظیفه دارد باصدای خوش قرآن بخواند وهرتازه‌واردی که داخل‌شود فوراً چای یاقهوه برایش‌میآورند واگرسواد داشته باشد جزوه‌ای از قرآن هم‌برای مطالعه بدست اومیدهند، قاری که باصدای بلند قرآن‌میخواند هرچند دقیقه یکبار حضار را به‌فرستادن صلوات‌دعوت مینماید ودرپایان یک‌آخوند روضه خوانده ختم‌راپس‌ازقدری موعظه جمع‌میکنند (ممکن‌است مجلس‌ختم بدون‌قاری وسی‌جزء نیزبرگزارشود). درمجلس‌زنانه شیون وگریه وزاری بسیارزیاد است وهرتازه‌واردی که از در وارد میشودبرگریه وزاری وشیون بستگان مرحوم افزوده میشود.

زنان نزدیک به‌متوفی که جزء خانواده بزرگ آنها هستند همه لباس‌سیاه ببر میکنند ونزدیکان وبستگان سرد ریش خود را نمیتراشند تااینکه پس‌از چند روز عده‌ای جمع شده شبی مردان‌عزادارراد‌عوت‌نموده وسلمانی‌راهم‌دعوت‌میکنند وباخواهش وتمنا سروصورت آنهاراصلاح نموده‌وبااینکارآنهاراازعزادرمیآورند. درشب هفتم‌فوت‌مجلس یادبودی‌ترتیب‌میدهند، پس‌ازجمع شدن‌درمنزل‌وگریه‌وزاری کردن بسر قبرمیروند، بستگان نزدیک هریک بفراخورحال‌خودمقداری خرما، شیرینی، شکرپنیر وامثال‌آن خریده وخیرمیکنند وبه‌مستحقان‌میدهند. اگرخواسته‌باشندقبر را پابگیرند یعنی‌روی قبررا سنگ‌فرش کنند عقیده دارند که بایستی‌بعدازشب هفت صورت گیرد.

شب چهلم وشب سال وفات باردیگرمجلس‌یادبودی برپامیکنند، زنان وابسته‌بمرحوم مدتها عزادار ولباس‌سیاه‌بتن‌میکنندتا پس‌ازچندین‌ماه ازعزا درآیند ودراین‌مدت که افرادخانواده ازعزا درنیامده‌اند عروسی‌رفتن وعروسی کردن بکلی‌برای آنهاممنوع است و اگر درمجلسی خنده ونشاطی‌ازآنها سربزند ازطرف‌همگان مورد سرزنش‌قرارمیگیرند، خانواده متوفی درعیدنوروزآنسال بجای هرگونه شیرینی‌فقط قدری قائوت میگذارند که عزاداری آنها محفوظ بماند.

***

عرف وعادت

عرف وعادت درده طالب‌آباد خود قوانین پایداری را بوجودآورده‌است که کلیه ساکنین بسختی بدان احترام میگذارند وخود را مقید به پیروی از آن میدانند و درکلیهٔ مسائل زندگی وروزمره آنها مشاهده میشود که عبارتنداز :

***

خبرگی وعرف محل :

اصولاً دردهات افرادی وجوددارند که بواسطه واردبودن بمسائل محلی نظریهٔ آنها صائب ودرواقع کارشناس محل بشمارمیروند ونظریهٔ آنها دراموزراعی بهرصورت که باشد برای ساکنین قابل‌قبول وقابل اجراء است.

درمواردی که دوطرف ذینفع یعنی یکی محصول را میگیرد ودیگری واگذارمیکند هریک ازطرفین برای ارزیابی محصول، بدلخواه خود خبره‌ای را معین میکنند، دونفرخبره پس از انتخاب، بدون دخالت دیگران وارد مزرعه شده درهرقسمت آن گردش نموده وراجع به ارزش محصول بادرنظر گرفتن نفع موکل خود اظهارنظرمیکنند. پس از توافق طرفین، بهاء ارزیابی شده را بواحد هزارتومان تسبیح میاندازند یعنی هرکدام تسبیحی دردست گرفته ومانند چرکه هردانه تسبیح را درازاء یکهزار تومان میاندازند ونتیجه را درپایان اعلام نموده طرفین موظف به‌قبول آن هستند.

البته درخبرگی این سؤال پیش میآید که ممکن است خبرگان ازموقعیت خودسوءاستفاده نموده وقضیه رابنفع یکی ازطرفین پایان دهند ویایکی ازطرفین تطمیع شده حق دیگری را ضایع نماید دراینصورت طرفین ویایکی ازآنها میتواند این ارزیابی را غیرقابل قبول دانسته و تقاضای ارزیابی مجددرا بنمایند ویایک یادوطرف خبره‌های خودرا عوض کنند ودیگری را برای خبرگی دعوت نمایند.

دراینجا یک عرف محلی باین موضوع فیصله میدهد وآن اینکه اگرارزان قیمت شده باشد نرخ روز ودسترنج وحق ریشه‌ای که درنظرگرفته میشود مشخص است ولی اگربیش ازاندازه واقعی ارزیابی شده باشد (دراصطلاح محلی «تندد یده باشند») عرف محل این اجازه را به واگذارشونده میدهد که به‌خبره بگوید. ۱٪ آنرا کسرنموده زراعت را برای خودبردارد وخبره برای گریز ازاین موضوع سعی میکند که منصفانه قیمت نماید وموقعیت محلی خودرا حفظ نماید.

***

اسناد محلی :

دربین ساکنین ده طالب‌آباد هنگام قراردادها ومعاملات معمولی هیچگونه سند رسمی رد وبدل نمیشود وقول یکدیگررا قبول دارند، اگرمعامله خیلی کلان باشد بین طرفین درکاغذ ساده معمولی قراردادی نوشته میشود وطرفین پای آنرا امضاءمیکنند که برای هرکدام چون سند معتبری باارزش است.

***

سیاهه جهاز :

هنگامی که جهیزعروسی را صورت برداری میکنند پس از پایان صورت برداری درحضور عدهٔ چندنفری ازبزرگتران ده که ارباب، کدخدا وامام جماعت حتماً حاضر هستند طرفین وبزرگتران پای صورت جهیزرا امضا وگواهی نموده وچون سند معتبری پس ازسالها گذشت زمان برای طرفین قابل اعتبار است.

اکنون برای بهتر مشخص شدن صورت جهیزیه‌ای که یکی از آبیاران ده طالب‌آباد برای دخترخود تهیه وهمراهش بخانه شوهر که خوش نشینی «سلمانی» ازده فیروزآباد بوده فرستاده است عیناً نقل میگردد :

صورت جهیزیه دوشیزه اکبری (دختر آبیارعباس طالب‌آبادی) مورخ ۱۳۳۹ر۲ر۲۹

شماره	صورت جهیز	قیمت
۱	قالیچه یک جفت	۳۰۰۰ ریال
۲	دیگ یک عدد	۳۰۰ »
۳	مجمعه یک عدد	۲۰۰ »
٤	بادیه دوعدد	٦۰ »
٥	رختخواب یک دست	۱٦۰۰ »
٦	کمد یک عدد	۱٥۰۰ »
۷	پرده کرکر باسیله یک جفت	٤۰۰ »
۸	چوب لباسی	۲٥۰ »
۹	پارچ مسی یک عدد	۲٥۰ »
۱۰	آفتابه مسی یک عدد	۲٦۰ »
۱۱	لگن حمام دوعدد	۳۰۰ »

شماره	صورت جهیز	قیمت
۱۲	اسباب حمام	۸۵۰ ریال
۱۳	چمدان یک عدد	۱۲۰ »
۱٤	سماور و اسبابش	۸۰۰ »
۱۵	چادرمشکی یک عدد	٤۵۰ »
۱٦	چادر نماز یک عدد	۳۰۰ »
۱۷	چادرچیت یک عدد	۲۰۰
۱۸	چادر کدری یک عدد	۲۵۰ »
۱۹	پیراهن یک عدد	۲۰۰ »
۲۰	پیراهن یک عدد	۳۵۰ »
۲۱	پیراهن یک عدد	۱۵۰ »
۲۲	پیراهن یک عدد	۱۵۰ »
۲۳	بلوز یک عدد	۱۵۰ »
۲٤	زیرپوش سه عدد	۲۵۰ »
۲۵	بلوز یک عدد	۱۲۰ »
۲٦	جوراب سه عدد	۱۵۰ »
۲۷	لوازم جوراب سه عدد	۵۰ »
۲۸	پیژاما یک عدد	۷۰ »
۲۹	دامن یک عدد	۲۵۰ »
۳۰	روسری یک عدد	٤۰ »
۳۱	اساس توالت	۲۵۰
۳۲	سفره یک عدد	٦۰ »
۳۳	بشقاب شش‌عدد	۱۲۰ »
۳٤	بشقاب شش عدد	۱۲۰ »
۳۵	کاسه ماست‌خوری شش‌عدد	۸۰ »
۳٦	کاسه آبگوشت‌خوری	۸۰ »
۳۷	تنگ دوعدد	۳۰ »

شماره	صورت جهیز	قیمت	
۳۸	شربت خوری ۶ عدد	۶۰	ریال
۳۹	کارد وچنگال هفت عدد	۸۰	»
۴۰	سبزی خوری	۴۰	»
۴۱	قاشق یک دست	۷۰	»
۴۲	ملاقه یک عدد	۳۰	»
۴۳	کفگیر بره یک عدد	۳۰	»
۴۴	نمکدان یک جفت	۲۰	»
۴۵	زیرسیگاری یک عدد	۲۰	»
۴۶	تنگ آبخوری یک عدد	۱۵	»
۴۷	دیس چینی یک عدد	۱۸۰	»
۴۸	آبکش مسی	۲۰۰	»
۴۹	کفش دوجفت	۴۰۰	»
۵۰	بقچه دوعدد	۱۰۰	»
۵۱	حوله دستی یک عدد	۳۰	»
۵۲	چوب‌رختی کوچک یک عدد	۲۵	»
۵۳	اسباب خیاطی	۱۰۰	»
۵۴	بقچه خیاطی	۱۰۰	»
۵۵	کیف قند یک عدد	۵۰	»
۵۶	جای اسفندی	۲۰	»
۵۷	جانماز یک عدد	۱۰۰	»
۵۸	گوشواره	۵۰۰	»
۵۹	ماهوت پاک‌کن وشانه وصابون	۱۲۰	»
۶۰	شیرخوزی سه عدد	۶۰	»
۶۱	آجیل‌خوری سه عدد	۶۰	»
۶۲	آئینه چراغ	۸۰۰	»
	جمع قیمت ۶۲ فقره	۱۶۹۷۰	ریال

***

بدین ترتیب آنچه مربوط به‌آداب و رسوم زندگی فردی و جمعی، اعتقادات و خرافات وجشن ها واعیاد وسوگواریها در ده طالب‌آباد بود جمع‌آوری گردید زیرا بسیاری ازاین آداب و رسوم درحال حاضر ازبین رفته است و تنها پیره زنان ازاین‌مراسم آگاهند. مطالب مربوط توسط پرسش ازآنان جمع‌آوری گردید وباحتمال قوی‌جوانان امروزی ده‌نیزازآن بی‌اطلاع میباشند ، باشد که‌مورد قبول اهل تحقیق واقع گردد.

فصل نهم

ظواهر زندگی

خوراك ، پوشاك ، وسائل منزل ، حرکات و ژست‌ها ، آرایش .

***

خوراك

« وضع تغذیه وشکل مصرف »

قبل از اینکه وضع تغذیه افراد ده طالب‌آباد را مورد بررسی قرار دهیم لازم بیادآوری است که اهالی درسه نوبت غذا میخورند ، غذای صبح بشکل صبحانه است که نان خالی باچای شیرین صرف میشود ولی ظهر وشب غذای کامل‌تری را تهیه میکنند .

ترتیب غذاخوردن بدین‌شکل است که تکه پارچه‌ای بنام سفره را روی زمین اطاق پهن نموده افراد خانواده بدور آن می‌نشینند ، معمولاً نقطه مقابل در اطاق که بالای اطاق نامیده میشود جای رئیس خانواده وفرزندان در پائین سفره می‌نشینند .

تمام خوراکی‌ها هرچه باشد درسفره چیده میشود و معمولاً همگی از یک ظرف غذا میخورند مگر درمواردی که خوراك کودکان را از ظرف اصلی جدا نمایند.

سماور درکنار سفره میجوشدتابعدازغذا نوبت‌چای‌خوردن گردد، تقسیم غذا بیشتربدست همسر رئیس خانواده است وهنگامیکه غذاخوردن آغازمیگردد همگی جمله «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» را گفته ومعتقدند تاپایان جمع‌شدن سفره و اتمام غذا نبایستی حرف زد چه اگرکسی حرف زد مجدداً بایستی « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » را بگوید والا شیطان با او هم‌غذا میشود و غذاها زود تمام گردیده وغذا خورنده سیرنمیشود.

***

در ده طالب‌آباد همه ساله حدود ۲۰۰ خروار گندم بمصرف نان اهالی میرسد چه ۶۰ خانوار از ۸۸خانوار ساکن‌ده هرماه ۲۰من گندم از انبار اربابی مساعده دریافت میدارند بنابراین هرماه ارباب ده ۱۰ خروارگندم به‌دهقانان مساعده‌میدهدکه بااین حساب گندم‌مصرفی به ۱۸۰ خروار در سال میرسد طبق‌محاسبه‌ارباب‌ده بادرنظرگرفتن مصرف گندم ۲۸خانواردیگر مصرف‌سالیانه گندم‌ده‌مذکورحدود ۲۰۰ خروار میباشد چه کلیه گندمها ازانبار اربابی‌خارج‌میشود بااین حساب‌مصرف‌نان یک خانواده درسال بطورمتوسط ۲۸۹من برابر ۸۶۷ کیلوگرم‌میگردد، بنابراین مصرف‌نان روزانه هرخانواده حدود ۲٫۵ کیلوگرم در روز میباشد.

ولی ازنظر مصرف فردی هرفرد در ده‌طالب‌آباد درسال ۱۸۷٫۵ کیلوگرم برابربا ۶۲٫۵ من نان مصرف مینماید یعنی مصرف روزانه هر فرد از ۴۰۰ نفر جمعیت ده طالب‌آباد حدود ۵۰۰ گرم خواهد بود، بنابراین حدود $\frac{1}{5}$ کلیه گندمهای تولیدی ده در خود محل بمصرف میرسد. ولی بیشتر مشاهده میشودکه روزانه ۲۰عدد نان سنگک از ده فیروزآباد بدین ده‌آورده از قرار دانه‌ای چهار ریال (یک کیلو ۸۰ ریال) بفروش میرسانند که در جمع بمصرف روزانه فوق بایستی اضافه گردد تاحدود نان مصرفی ده معین گردد.

***

از نظر مواد گوشتی ده‌طالب‌آباددارای‌یک‌قصابی است که یک‌روز درمیان‌یک گوسفند را برای فروش گوشت‌آن میکشد، اگر وزن متوسط یک‌گوسفندرا پس از تمیزکردن ۳۰ کیلو بحساب آوریم روزانه ۱۰ کیلوگوشت‌دراین‌ده بفروش میرسد ولی بایستی یادآورشدکه‌علاوه‌بر طالب‌آباد گوشت کلیه اهالی شمس‌آبادو عده‌ای‌از اهالی قمی‌آباد توسط این‌قصابی تأمین‌میشود

یعنی اهالی قمی‌آباد خود برای خرید گوشت به این ده میآیند ولی قصاب گوشت مصرفی شمس‌آباد را خود برده در آن ده بفروش میرساند.

ده شمس‌آباد دارای ۴۵ خانوار وحدود ۲۰۰ نفر جمعیت میباشد واگر روزانه ۵ خانوار هم از ده قمی‌آباد برای خرید گوشت مراجعه نمایند و حدود ۹۰ خانوارهم که در ده طالب‌آباد ساکن‌اند در هرروز ۱۵ کیلوگوشت به ۱۴۰ خانوار فروخته میشود ، یعنی ۱۴۰ خانوار مذکور روزانه ۲۰۰ سیر یا پنج من گوشت مصرف مینمایند ، بااین حساب خوراك روزانه گوشت افراد یک خانواده از ۱۵۰ سیر هم کمتر است که اگر این گوشت را به نسبت جمعیت سرانه‌ای که آنرا مصرف‌مینمایندبحساب آوریم مصرف گوشت یک‌فرد ساکن دهات مذکور در روز به ۵ مثقال هم نمیرسد که حدود ۲۵ گرم باشد.

***

مصرف روزانه اجناس

قبلاً یادآورشد که ده طالب‌آباد دارای دو دکان بقالی است وهمین دو دکان است که تقریباً کلیه اجناس مورد احتیاج افراد ساکن ده را در اختیارخانوارهاقرار میدهند، نگارنده بامراجعه باین دودکان وگرفتن آماری از مصرف‌اجناس هفتگی یاماهانه‌مقدار اجناس کثیرالمصرف را تهیه ودر ذیل‌متذکر میشود:

***

جدول پرمصرف‌ترین اجناس ده طالب‌آباد

نام جنس	مصرف سالیانه ده	مصرف سالیانه خانوار	مصرف روزانه ده	حدود مصرف روزانه خانوار
نان	۷۶۶۵۰ کیلوگرم	۸۷۱ کیلوگرم	۲۱۰ کیلوگرم	۲۴۰۰ گرم
گوشت	۳۶۵۰ »	۴۱ »	۱۰ »	۱۱۴ »
قند	۲۴۶۴ »	۲۸۰ »	۶٫۷۵ »	۷۷ »
شکر	۴۸۶ »	۶ »	۱٫۳۳ »	۱۵ »
چای	۱۱۰ »	۱٫۲۵۰ »	۰٫۳ »	۳٫۵ »
برنج	۱۴۶۰ »	۱۷ »	۴ »	۴۵ »
روغن	۲۶۱ »	۳ »	۰٫۷ »	۸ »
نخودولوبیا	۱۳۳۶ »	۱۵ »	۳٫۶۶ »	۴۰ »
ب‌نبات‌ترش	۳۶۵ »	۴۱٫۵ »	۱ »	۱۱٫۴ »
آب‌نبات	۳۶۵ »	۴۱٫۵ »	۱ »	۱۱٫۴ »
لپه‌باقلا	۷۳۰ »	۸٫۵ »	۲ »	۲۳ »
سیگار[2]	۱۳۳۲۰۰ دانه	۱۵۱۴ دانه	۳۶۵ دانه	۴ دانه
کبریت	۱۰۹۵۰ قوطی	۱۲۵ قوطی	۳۰ قوطی	۰٫۳ قوطی
نفت	۱۲۴۱۰ لیتر	۱۴۱ لیتر	۳۴ لیتر	۰٫۴ لیتر
صابون	۳۶۵۰ قالب	۴۲ قالب	۱۰ قالب	۰٫۱ قالب
پودرصابون[3]	۳۶۵ بسته کوچک	۴ بسته کوچک	۱ بسته کوچک	$\frac{1}{88}$ بسته کوچک
نوشابه غیرالکلی نیز در روزهای تابستان هرروز ۱۲ شیشه در ده مصرف میشده است				

مصرف گندم ده طبق برآوردی که دراین باره بعمل آمد در هرماه بین ۲۳ تا ۲۵ خروار میباشد که بطور متوسط ۲۵۰ تا ۳۰۰ خروار را در سال شامل میشود.

۱– خرید روغن در ده کمتر مشاهده میشود چه مصرف آن کم و گاهی بجای روغن ازدنبه نیز استفاده میکنند.

۲– سیگارهای مصرف شده از نوع اشنو است که بیشتر در بسته‌های ده عددی بفروش میرسد.

۳– میزان مصرف اجناس فوق در تاریخ ۱۴٫۴٫۱۳۴۲ از ده طالب برآورد گردید ولی در تاریخ ۲۸٫۸٫۱۳۴۴ نگارنده درصدد برآمد که مصرف چوبک ده را معین کند تا ضمیمه مصرف صابون متذکر گردد ولی مشاهده گردید که چوبک در ده بمصرف نمیرسد ومصرف پودر صابون هفت برابر افزایش یافته است چه هر هفته یک کارتن ۵۰ عددی بسته کوچک پودر صابون (تاید) بمصرف فروش میرسید.

بااین ترتیب ملاحظه میشود که بزرگترین رقم مصرف غذائی افراد دراین ده نان است چه روزانه حدود ۲۱۰ کیلوگرم نان دراین ده مصرف میشود وبطور سرانه هرفرد روزانه بیش از نیم کیلو نان میخورد ، پس ازآن بزرگترین رقم مصرفی برای خوراك گوشت وقند وشکر است . مصرف روزانه قندوشکرو آب نبات روزانه حدود ۱۰ کیلوگرم است وبطور سرانه هرفرد حدود ۲۵ گرم آنرا مصرف مینماید ، هرچند که مقدار مصرفی قندو شکر وآب نبات هریك جداگانه یادآور شده است ولی بایستی در نظر داشت که تمام آنها بمصرف خوردن چای میرسد زیرا بسیاری افراد بمنظور صرفه‌جوئی، چای « قندپهلوی » خود را بجای قند با آب‌نبات میخورند چون بایك حبه آب‌نبات میتوان چندچای خورد .

بسیاری از افراد ده هنگام کشیدن سیگار آنرا نصف نموده ونصف سیگار را میکشند و بااین ترتیب اگر هرفردی هردو روز یك پاکت سیگار بکشد حدود $\frac{1}{5}$ افراد این ده سیگاری هستند . مصرف برنج روزانه ده ٤ کیلوگرم ونخود ولوبیا به ٤ کیلوگرم هم نمیرسد . مصرف روزانه روغن برای اهالی تنها ۷۰۰ گرم است وبطور سرانه این مصرف به ۲ گرم در روزهم نمیرسد یعنی مصرف روزانه روغن اهالی کمی بیش از دوبرابر مصرف چای خشك است . مصرف روزانه نفت خانوارها بسیار کم است زیرا به‌نسبت خانوار ، مصرف نفت روزانه به ٤ ر. لیتر در روز نمیرسد چه تنها نفت‌را برای مصرف روشنائی چراغ مورد استفاده قرارمیدهند .

***

آبگوشت:

بهترین ومتداول‌ترین خوراك اهالی طالب‌آباد آبگوشت است که غذای عمومی ومعمولی اهالی راتشکیل میدهد، طریقه ساختن آن بدین ترتیب است که مقداری گوشت گوسفند چربی‌دار که مقدارآن بین یک‌تا ۲ر۵ سیراست گرفته آنرا باآب‌شستشو میدهند بعددرظرفی میاندازند که قبلاً حدود نیم‌لیترآب درآن ریخته وآنرا روی آتش اجاق گذارده ودو تامه‌سیر نخود ولوبیا هم بدان اضافه میکنند ، هنگامیکه آب این ظرف گرم‌شده ویاجوش آمد گوشت در داخل ظرف انداخته میشود و در ظرف گذارده میگردد ومدت سه تاچهارساعت آب درآن جوشیده تا گوشت پخته‌شود، گاه گاهی آنرا سرزده درصورت تمام‌شدن آب آن مجدداً بدان آب اضافه‌میکنند .

البته برای خوشمزه‌شدن ادویه ، سیب زمینی، گاهی ترەجعفری ، بادنجان یا گوجه‌فرنگی بدان اضافه میکنند .

هنگامیکه آبگوشت آماده شد دنبه های آنرا در ظرفی ریخته میکوبند و آب آنرا که بواسطه جوشیدن در گوشت چرب شده در ظرفی ریخته درآن نان ترید میکنند و سپس گوشت ونخودولوبیاو محتویات دیگر آنرا کوبیده بانان میخورند ولی این نکته لازم بتذکر است که معمولاً بواسطه ازدیاد نفرات خانواده و کم بودآبگوشت مقداری آبجوش هم بدان اضافه مینمایند تازیادشود.

گاهی ممکن است بجای نخودولوبیا، لپه، لوبیای تنها ویا به نخودولوبیای آن گندم اضافه کنند، خوردن آبگوشت و گوشت بایستی دریک وعده انجام پذیرد ولی بیشتر آنرا در دو وعده میخورند وخوردن آن هم در بسیاری از خانواده ها بادست انجام میگیرد.

ظرفی که برای درست کردن آبگوشت بکار میرود به «دیزی dizi» شهرت داردومعتقدند که دیزی گلی آبگوشت را خوشمزه میکند.

برای پختن آبگوشت که گاهی نام دیزی هم بدان مینهند آتش فراهم نموده وتا گلوگاه دیزی را درآتش فروبرده وآنرا بحال خود میگذارند ویااینکه در تنورهائی که تازه نان پزی آن پایان یافته قرار میدهند ویا اینکه در زمستان آنرا توسط چنگکی که به طاق کرسی کوبیده اند دروسط کرسی آویزان کرده تابوسیله حرارت کرسی پخته شود.

***

اشکنه:

اشکنه ازآسان ترین و ارزان ترین غذاهای خانواده ها در ده طالب آباداست که بخصوص در زمستان بیش از هرزمان دیگر به تهیه آن مبادرت میورزند. اساس تهیه آن عبارتست از قدری پیاز خوردشده که در روغن سرخ میکنند وسپس آب فراوان بدان اضافه مینمایند. برحسب اینکه چه چیز به اشکنه اضافه کنند نام آن مشخص میشودمثلاً اشکنه شنبلیله، اشکنه اسفناج، اشکنه کشک، که معمولاً قدری چاشنی هم بدان اضافه میکنند.

***

آش:

آش از غذاهای روزهای سرد و زمستان است وانواع فراوان دارد، آش هائی که بیشتر درده طالب آباد پخته میشود عبارتند از:

آش رشته که کشک یاسرکه بدان اضافه میکنند ، آش ماش ، آش عماج ، آش شوربا (برای مریض) وآش زین العابدین و آش بلغور است .

***

دَمبُختَک :

دمبختک عالی‌ترین غذای معمولی اهالی است که خیلی دیربدیر به‌پختن آن مبادرت میورزند ونوعی که در آن باقالا ریخته میشود از تمام انواع آن رایج‌تر است ، دهقانان قدری گندم را پخته وکوبیده و پوست کنده بنام«بَلغور»برای زمستان خود ذخیره‌میکنند که باهرنج برای پختن مخلوط میکنند و درصورت داشتن بجای روغن«قورمه Ghormeh» درآن‌میریزند .



برای کوبیدن ونرم کردن موادموردنیاز از هاون استفاده‌میکنند .

***

آبدوغ :

آبدوغ از غذاهای فراوان تابستان اهالی ده‌طالب‌آباد است چه‌هم ارزان است وهم خنک ، برای تهیه آن آب فراوان به‌ماست اضافه میکنند سپس نان‌را ریزریز کرده درآن‌ریخته

با پیازیا سبزی میخورند معمولاً هنگام ساختن آبدوغ نعناع خشکه و خیارپوست کنده‌وخورد شده‌را بدان‌اضافه مینمایند گاهی کشمش ومغز گردو نیز بدان میافزایند .

***

پلو :

پلوخورشت با کوکو وماهی ویایکی از انواع پلوبسیار بندرت دیده میشود که شاید به‌عید هرسال‌محدود باشد وهنگامی که تهیه شود پلو دارند کودکانشان بسیار ذوق میکنند ، در روزهای آخر سال که پختن پلو حتمی است افراد خانواده‌ها بخصوص زنان و کودکان به بیابان رفته درمیان مزارع بدنبال علفهائی میگردند که به‌سبزی بیابانی شهرت دارد که عبارتند از «شنگه» « قازیاقی» که‌پس از پاك نمودن و تمیزکردن بجای سبزی‌پلودرپلومیریزند یا اینکه باغذا میخورند .

***

حاضری (غذای حاضری)

ماست ، پنیر ، حلوا ارده ، نیم شکر هم گاهی غذای آنها را تشکیل میدهد که بانان میخورند و به « قاتق » شهرت دارند ، هنگام زمستان ممکن است بهمراه غذای آنها بادنجان‌ترشی ویاپیازترشی نیز همراه باشد ولی‌در تابستان خیار،سبزی ، شهری ویاخربزه‌وامثال آن که درخود ده بعمل‌میآید درسرسفره‌ها دیده میشود .

***

قورمه:

قورمه عبارتست‌ازگوشت ذخیره برای مصرف زمستانی ،باین‌ترتیب که‌اگرخانواده‌ای دارای گوسفندی باشد ومیل‌داشته‌باشد که گوشت آنرا درزمستان مورد استفاده قراردهد گوسفند راکشته وگوشت‌آنرا قطعه‌قطعه نموده پس ازسرخ کردن درشکمبه‌ای میریزند وچربی‌های بدن گوسفندراهم‌جداگانه‌آب‌نموده روغن‌آنرا گرفته قسمتی‌را روی‌قرمه وقسمتی‌را جداگانه‌نگهمیدارند ودر زمستان هربار تکه‌ای ازآنرا مورد استفاده قرارمیدهند .

***

گورماست:

گورماست‌عبارتست ازمقداری شیر که‌چوپانان هنگام‌ظهر ازگوسفندان دوشیده‌درظرفی

ریخته وبرای گرم نمودن آن آتش برپا نموده چند قطعه ریگ بیابان را درآتش داغ نموده درشیر میاندازند وبدینوسیله شیررا داغ مینمایند، سپس قدری ماست درآن حل کرده آنرا بهم زده درآن نان ریخته میخورند، گوراست بیشتر غذای چوپانان است ودربیابان مورداستفاده است.

***

ماست و پنیر :

ماست وپنیر نیز بدست زن خانواده‌های گوسفنددار تهیه میشود بدین ترتیب که شیررا جوشانیده پس اززدن مایع ماست یاپنیر وچند ساعتی بحال خود ماندن عمل تخمیر درآن انجام شده و ماست یاپنیر لازم بدست میآید که بیشتر دارای مصرف داخلی است.

***

سرشیر :

خانواده‌های دام‌دار هنگام شب که شیر گوسفند یا گاوخودرا میدوشند، شیرهارا درظرف پهن وکم‌عمقی ریخته روی آن سبدی میگذارند، هنگام صبح سبدرا برداشته و رویه شیر راکه بشکل پوسته‌ای بضخامت حدود یکی‌تادومیلیمتر بسته‌است (دراصطلاح محلی «قیماق») آنها را گرفته ودرظرف جداگانه‌ای میریزند وبنام سرشیر مورداستفاده قرارمیدهند که آنهم بیشتر مصرف داخلی دارد.

***

ماك و آغز :

(به‌صفحهٔ ۳۹ درقسمت دامپروری مراجعه شود).

***

شیرینی پزی :

اهالی ده طالب‌آبادوظیفه خود میدانند که هنگام عید نوروزبهرترتیبی که شده شیرینی تهیه کنند وبطور یقین قسمت اعظم خانواده‌ها درطول سال فقط هنگام عید شیرینی بمنزل آنها راه می‌یابد، درگذشته نزدیک هنگام عید کلیهٔ شیرینی‌ها توسط زن خانواده تهیه میگردیدولی اکنون تقریباً نیمی ازآنرا خریده ونیم دیگررا خودمیسازند. شیرینی‌هائی که توسط افراد ساخته میشود عبارتنداز:

یُخه　　توتک　　گوش‌فیل　　خاتون پنجره

***

یخه :

یخه یا نان‌یخه‌ای متداول‌ترین شیرینی‌هنگام عیداست طرز پختن و تهیه آن بدینقرار است که آرد بسیار نرم وخوبی‌را باندازه نیازتهیه کرده وآنقدرکه برایشان امکان‌دارد آنرا نرم‌و الک میکنند، سپس‌باشکر وروغن آمیخته خمیرمیکنند و بعد به چونه‌های خیلی کوچک باندازهٔ تخم‌مرغ تقسیم میکنند. دراصطلاح محلی «چونه میگیرند» آنگاه این چونه‌ها را یک یک روی تخته پایه‌داری گذارده باورزنه (چوبی‌بضخامت حدود ۱ر۵ سانتیمتر وبه‌درازای حدود یک متر) آنرا پهن‌مینمایند ومرتباً آرد روی آن می‌پاشند که‌هنگام پهن کردن‌ورزنه به‌خمیر نچسبد وبقدری آنرا پهن‌میکنند که چون برگ کاغذی نازك میگردد ودرواقع دایره‌ای است که قطرآن به ۷۰ تا ۸۰ سانتیمتر میرسد. سپس‌آنرا روی ساج (قطعه‌آهنی مدوروپهن بشکل‌سینی که از پشت محدب آن استفاده میشود) که درزیرآن آتش قرارمیدهند، آنرا برشته کرده وپس‌ازبرشته شدن آنراچون صفحه کاغذی تانموده ودرلابلای آن‌شکر وادویه می‌پاشند، بطوریکه پس‌از تاکردن، عرض‌آن بحدود ۳ سانتیمتر میرسد وسپس‌آنرا به‌قطعات متوازی‌الاضلاع شکل میبرند وپس‌از خنک شدن مورداستفاده قرارمیگیرد.

***

توتک :

درده طالب‌آباد دونوع نان‌توتکی‌وجوددارد، یکی به‌قرص‌نانهای کوچک گفته‌میشود که معمولا زنان‌روستائی‌برای کودکان خود میپزند ودیگری نان کوچکی است که بجای‌نان‌شیرینی مورداستفاده قرار میگیرد. برای تهیه آن آرد گندم‌را خوب الک‌نموده باروغن و شکر وشیر خمیر نموده سپس به‌قطات کوچک مانند گردو چونه گرفته پس‌ازپختن مورداستفاده قرارمیدهند. این نوع توتک که روی‌آن باقالب‌مخصوصش‌علامتی هم گذارده میشود فقط هنگام‌عیدتهیه میگردد.

***

گوش فیل :

گوش‌فیل نوع دیگری‌ازشیرینی‌است که هنگام‌عید درده‌طالب‌آباد پخته‌میشود، این‌شیرینی بی‌شباهت‌بگوش‌فیل نیست ازاینرو نام‌آن‌نام بی‌مسمائی هم‌نیست، طرزساختن وپختن‌آن‌بدین‌ترتیب است که آرد گندم‌را پس‌ازخوب الک کردن باروغن وشکر وشیر و آب خمیر میکنند و چانه‌های کوچک آنرا که ازگردو بمراتب کوچکتر است پهن‌نموده آنگاه بادست یکطرف آنرا گرفته جمع میکنند، البته پس‌از برشته شدن، هنگامیکه هنوز نان آن نرم است مقداری شکر وادویه

روی آن می‌پاشند وپس‌از خنک شدن مورد استفاده قرار میگیرد .

***

خاتون پنجره :

خاتون‌پنجره نیز ازشیرینی‌هائی‌است که هنگام‌عید توسط اهالی درمنازل‌پخته میشود، طرزساختن آن بدین‌ترتیب است که مقداری آرد گندم‌نرم تهیه نموده سپس مقداری تخم‌مرغ را درظرفی‌شکسته وآنراخوب بهم‌میزنند تازرده وسفیده آن مخلوط گردد، آنگاه کمی آرد بدان اضافه میکنند، ودرظرفی‌دیگر روغن‌ریخته آنرا روی‌آتش گذارده قالب‌هائی که مخصوص این کاراست درظرف مایع فروبرده درنتیجه‌دیواره‌های قالب به‌محلول آغشته میگردد آنگاه دسته‌قالب‌را گرفته آنرا درظرف محتوی روغن‌داغ فروبرده صدای برشته شدن از آن برخاسته محلول‌از دیواره قالب جدا گشته ودرروغن پخته میشود وبفاصله کوتاهی آنرابیرون آورده قدری خاك قند نرم روی آن می‌پاشند وپس‌ازخنک شدن مورداستفاده قرارمیگیرد .

نام این شیرینی ازآن‌جهت خاتون پنجره است که بیشتر پنجره‌ای شکل و قالبهای آن مشبک ونتیجتاً پنجره‌ای است .

***

گندم شاهدانه :

گندم‌شاهدانه بیشترهنگام‌عید مورد استفاده است . بخصوص برای سرگرمی کودکان تهیه میگردد، برای تهیه آن گندم‌را بوداده وشاهدانه‌راهم جداگانه بو میدهند و باهم مخلوط میکنند وگاهی کمی‌نقل هم درآن داخل مینمایند ودرظرفهائی ریخته مورداستفاده قرارمیدهند . گاه گندم آنرا چندروزی درشیر می‌خوابانند وبدین‌ترتیب گندم آن سست شده خوشمزه میگردد .

***

قائوت :

خانواده‌هائی که هنگام‌عید عزادارباشندبجای هرگونه شیرینی فقط قائوت میگذارند، طرزتهیه آن بدینگونه‌است که‌نخودچی‌را بخوبی‌پاك نموده پوست آنرا گرفته نرم میکوبند وباشکر مخلوط کرده مورد استفاده قرارمیدهند .

***

چای :

چای‌از رایج‌ترین آشامیدنی‌های ده طالب‌آباد است وبعداز آب‌خوردن هیچ‌آشامیدنی

دیگررا باندازه چای نمی‌نوشند. درتمام منازل بدون استثنا سماور، قوری و استکان و نعلبکی و چای‌دان یافت میشود.

سماوربیشترخانه هابرنجی‌است(آلیاژ برنج) که‌بازغال روشن‌میشود. سماورهای‌نفت سوز درده بسیارکم‌است وهنوزاکثریت باسماورهای زغالی‌است. درمنازل سماورحلبی‌نیزیافت‌میشود که گاهی‌مورداستفاده قرارمیگیرد. چای دراستکان نوشیده میشود آنهم بسیار غلیظ، برای چای خوردن فنجان‌بکارنمیرود. برای روشن‌شدن سماورهای زغالی اگرآتش چوب آماده داشته باشند درآن‌میریزند و الا دوقطعه‌زغال‌راکه آتش‌داشته باشد درآتش گردان گذارده‌مقداری زغال‌روی آن‌ریخته باچرخاندن آتش گردان‌زغال گرفته وروشن شده درسماور ریخته میشود. (آتش گردان ظرف کوچکی‌است نیم کروی که ازسیم ساخته شده، دسته‌ای دارد درحدود یک متر، درمحل نیم کروی آن زغال ریخته دسته آنرا گرفته بسرعت به‌دور سر یا دست خود میگردانند تا زغالها بگیرد).

گاهی برای روشن کردن سماورمقداری زغال روی‌زمین گذارده کمی‌نفت روی‌آن‌ریخته آنراروشن‌میکنند. پس‌ازگرفتن زغالها آنرا درداخل آتش‌دان‌سماور میریزند. پس‌ازجوش‌آمدن آب سماور و دم‌نمودن چای آن مرتباً چای‌نوشیده میشود. بطورمعمول روزی سه بار سماور آتش میشود وچای مینوشند، صبح، ظهر، شب، بعدازغذا وپیش‌از غذا یعنی سماورخود جزئی ازسفره غذا است وهمگی‌بدور آن حلقه میزنند. در تمام منازل بدون استثنا این سه نوبت چای بایستی نوشیده‌شود وتنهاپذیرائی رسمی‌خانواده هاباچای صورت میگیرد. دهقانان درروزهای گرم تابستان درسر خرمن تنها وسیلهٔ تفریحشان هنگام استراحت، صحبت نمودن وچای‌نوشیدن است و بقدری بدان‌عادت کرده‌اند که درتابش‌ظهرآفتاب تابستان هم توسط چای‌ازیکدیگرپذیرائی‌میکنند وبرای‌هر تازه‌واردی فوراً سماور حلبی‌خودرا آتش‌میکنند وباریختن‌چای‌های متوالی به‌پذیرائی‌خود شدت میدهند. آنان همچنین‌سردرد خودرا بانوشیدن‌چای‌بهبودی‌می‌بخشند وبسیاری‌ازمعتادین درصورت ننوشیدن چای بموقع دچارسردرد میگردند.

***

دخانیات

درده طالب‌آباد هم چون تمام نقاط دیگر استعمال دخانیات فراوان دیده میشود ولی اگربخواهیم اهمیت انواع آنرا درجه بندی کنیم بترتیب عبارت خواهندبود از:

۱- سیگار ۲- چپق ۳- قلیان

۱ـ سیگار :

سیگارمورد مصرف عموم سیگاریهای این ده اشنو است که مصرف روزانه آن بطورمتوسط به ۳۶ دانه (۳۶ پاکت) میرسد. سیگارکش ترین افراد ازروزی یک پاکت بیشترسیگارنمیکشد وبرخی ازآنها برای صرفه‌جوئی هربار سیگاررا نصف نموده وتنها نیمی ازآنرا میکشند، زنان مطلقاً سیگارنمیکشند واصولاً جوانان هم ازحدود ۲۰سالگی ببعد سیگاری میشوند بااین حساب حدود ۸۰ نفرمرد دراین ده وجوددارند که اکثرآسیگارمیکشند تاآنجا که میتوان اظهارداشت حدود ۷۰٪مردان بالغ سیگاری هستند بعضی ازافراد هنگام کشیدن سیگار ازچوب سیگار استفاده میکنند وهنوزافرادی مشاهده میشوند که قوطی سیگارهای قدیمی درجیب خود دارند وابزار سیگارکشی خودرا درآن می‌نهند ودربین آنها کسانی مشاهده میشوند که بسبک قدیم کاغذ سیگار وتوتون دراین قوطی‌ها دارند وخود قدری توتون درکاغذ سیگار ریخته وسیگاری ساخته وبکشیدن آن مشغول میشوند.

***

۲ـ چپق :

کشیدن چپق دردهطالب آباد نیزمشاهده میشود منتهی به نسبت گذشته بمراتب ازعلاقمندان بدان کاسته شده‌است ودرحال حاضر بیش ازسه نفر چپقی دراین ده دیده نمیشود که ازکامل مردان ده میباشند، علاقمندان همیشه کیسه‌ای بنام «کیسه‌توتون» همراه‌دارند که درآن توتون چپق میریزند وچپق وکبریت نیزهمراه دارند وهنگام استراحت چاق نموده ومیکشند، درگذشته کیسه توتون ازجمله چیزهائی بود که حتماً درجهیزعروس مشاهده میشد ولی اکنون این رسم منسوخ شده‌است.

***

۳ـ قلیان :

کشیدن قلیان بیشتر مخصوص کامل زنان و پیرزنان ده طالب‌آباد میباشد. عده افراد قلیان کش ده نیزمعدوداست. خانواده‌ها افرادقلیان کش رامیشناسند وبرایشان قلیان چاق میکنند. پس ازقدری کشیدن مجدداً آنرا تازه میکنند، درمجالس روضه خوانی و عزاداری بیش ازهرزمان دیگرقلیان کشیده میشود چون برخلاف سیگار وچپق که افراد بدان معتادند قلیان را تفننی میکشند آنهم درمجالس جمعی وبین زنان طرفداران فراوانی دارد.

تریاکی درحال حاضر درده طالب‌آباد مطلقاً دیده نمیشود زیرا گرانی تریاك بقدری است که دهقانان قدرت خرید آنرا ندارند وآنهائی هم که تریاکی بوده‌اند بهرزحمتی بوده آنرا ترك نموده‌اند.

***

پوشاك

پوشاك وپوشش ساكنين ده طالب‌آبادرا دردوقسمت جدا ازهم‌مورد بررسی‌قرارمیدهیم واین‌دوقسمت عبارتنداز : پوشش‌مردان وپوشش زنان.

***

پوشش‌مردان :

پوشش‌مردان دراین‌ده‌را میتوان بطورکلی‌بسه‌دسته تقسیم نمودکه عبارتنداز پوشش پیرمردان، جوانان‌وکودکان. لباس پیرمردان عبارتست‌از قبا،شال، کلاه‌نمدی وشلوارسیاه‌رنگ وپیراهن بدون‌یقه. لباس‌جوانان‌عبارتست‌ازکت‌وشلوار، پیراهن بیشتر یقه‌دار، اکثراً بدون کلاه، بیشتر بازیرپیراهنی وزیرشلواری رنگین راه‌راه، ارسی یا گیوه سینجونی دوره شده.



وضع پوشش‌مردان دراین‌تصویر مشاهده میگردد

لباس مردان بصورت لباسهای شهری‌است منتهی لباسهای کهنه شهریان را دهقانان خریده و مورد استفاده قرار میدهند[1].

۱– سه‌نفر ردیف جلو ازچپ براست آقای عبدالله فلاح مالک، نگارنده و مباشر ده طالب‌آباد و بقیه‌ازدهقانان ده میباشند.

لباس کودکان کت وشلوار بایقه سفید مخصوص شاگردان مدرسه، بدون زیرپیراهنی، پیراهن اغلب بدون یقه، بدون کلاه، کفش ارسی، گیوه سینجونی یاتخت لاستیکی ویا گالش.

اینک هریک ازاجزاء لباس مردان را مورد بررسی قرارمیدهیم:

***

کت :

پیرمردانی که وضع قدیمی خود راحفظ کرده‌اند کت نمیپوشند بلکه قبا بتن میکنند، قبا کت بلندی است باجیب های شکاف دار، یقه این قبا مثلثی شکل و تا پائین شکاف دارد که توسط دکمه هائی بسته میشود، درروزهای سرد درروی این قبا شالی بسته میشود که بدن را گرم نگاهمیدارد ولی در روزهای گرم ازاین شال خبری نیست، گاهی بجای شال درروی قبا تنها کمربندی بسته میشود وآن بیشتر بدان علت است که شکلی به قبا بدهند.

مردانی که هنوز بسن پیری نرسیده‌اند وکامل مرد خوانده میشوند کت میپوشند ولی بواسطه نیمدار ودست دوم وسوم خریدن، کت بر اندام آنها برازنده نیست و اغلب قسمت های مختلف آن یا کوتاه است ویا گشاد وبلندزیرابهاء خریداری شده توسط دهقانان حدود ده بارارزان تر ازبهاء تمام شده سفارشی آن است واغلب بواسطه کارکردن سالیان متمادی وصله فراوانی برنگ های مختلف دراطراف آن دیده میشود.



وضع لباس یک دهقان طالب‌آبادی

تقریباً هیچ کس درده نیست که لباسهای خود را برای دوختن بطور سفارشی بخیاط بدهد واگر دهقانی تصمیم بگیرد که برای خودلباس نو تهیه کند آنرا دوخته میخرد زیرابهای آن $\frac{1}{3}$ تا $\frac{1}{4}$ ارزان تراز لباس سفارشی است.

کت کودکان بیشتر توسط مادرانشان دوخته میشود، بیشتر پس از اینکه کت دیگر قابل استفاده برای پدرخانواده نیست مادرآنرا دستکاری نموده وازآن کتی کودکانه میسازد ولی کودکانی هم مشاهده میشوند که کت وشلوار آنها دوخته خریداری شده است واین عمل بیشتر

هنگام عید صورت میگیرد. بیشتر در روی یقه کت کودکان پارچه سفید رنگی دوخته شده‌است که مشخص کننده محصل بودن آنهاست.

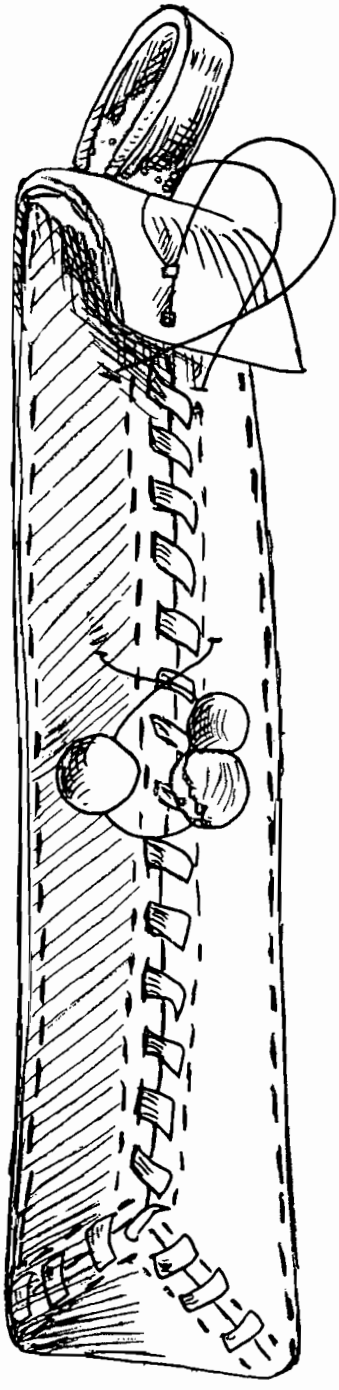
***

پیراهن :

پیراهن دهقانان بیشتر از پارچه‌های چرك تاب (پارچه‌های تیره رنگ) انتخاب میشود تا کثیف شدن آن دیرتر جلب توجه نماید و بیشتر بواسطه ارزانی از پارچهٔ ارمك و کرباس تهیه میگردد که ارمك را به کرباس ترجیح میدهند، پیراهن های مورد استفاده آستین بلند، مچ دار، بیشتر بدون یقه، باشکافی تا روی سینه که با سه دکمه بازوبسته میشود.

پیراهن های بی یقه مخصوص بزرگسالان است ولی جوانان ده بیشتر پیراهن یقه‌دار ورنگی‌ساده میپوشند، دوخت پیراهن بازن خانواده‌است وبلندی آن طوری انتخاب میشود تا اگر کت پوشیدند عمداً حدود ۵ سانتیمتر اززیر کت بیرون آید وجلب توجه نماید. گاهی درطرفین این پیراهن ها دوجیب بزرگ مشاهده میشود که دهانه‌آن‌شکافی‌است درجهت طول پیراهن. کراوات بهیچوجه در ده راه نیافته‌است زیرا پیراهن های یقه‌دارجوانان بیشتر یقه‌اش بازاست وبازبودن یقه را نوعی‌فخر وزورمندی میدانند، اغلب پیراهن کار وخواب آنها یکی‌است و اکثربیش ازیک یادوپیراهن ندارند وحدوددوماه یکبار پیراهن خود را میشویند. پیراهن چهارپاداران داری رنگ‌تیره است واززیرآن همیشه یک «**جوالدوزدان**» آویخته شده‌است.

جوالدوزدان ازجمله اشیائی است که چهارپاداران همیشه همراه دارند و درآن چند عدد جوالدوز برای دوختن پالان وپاجوالها وجود دارد که اکثراز کمربند چهارپاداران آویخته شده است (به‌صفحهٔ ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷ نیز مراجعه شود).



جوالدوزدان

***

لباس پشته‌کشی :

پشته‌کشی دارای لباس مخصوصی است زیرا بابستن سربند دیگر کلشن وارد بدن آنها نشده وبابستن توبره پشته‌کشی پشته‌ها آسان میگردد .



دهقان طالب‌آبادی درلباس پشته‌کشی



توبره پشته‌کشی‌را برزگران چون کوله حمالان به‌پشت خود بسته وپشته میکشند

***

شال :

بستن شال مخصوص پیرمردان وکسانی است که سنت قدیمی‌را درلباس پوشیدن حفظ کرده‌اند، خودشال‌قطعه‌پارچه طویلی‌است حدود ۳متر وبه‌پهنای حدود نیم‌متر بارنگ‌یکنواخت ساده سبز ، سیاه ، قهوه‌ای سیر ، خاکستری وامثال آن ، که چون کمربندی درروی قبا بدورکمر می‌بندند، افرادی که شال‌می‌بندند گاهی از پر شال‌خود چون جیبی‌استفاده میکنند و بیشتر چپق ویا کیسه‌توتونشان‌را در پر شال‌خود جای میدهند .

نوع دیگری ازشال‌دراین‌ده دیده میشود که «شال گردن» نام‌دارد که طویل‌وبافته‌شدهٔ دستی وبیشترسفیدرنگ‌است .

***

کلاه :

درده طالب‌آباد کمتر دهقانی مشاهده میشود که کلاه بسر داشته باشد ، کلاه‌هائی که دهقانان بسرمیگذارند بیشتر نمدی است وساده وبدون لبه . گاه بجای کلاه نمدی کلاه ماشین‌باف نخی‌سیاه رنگ بسرمیگذارند که بسیارارزان قیمت‌است . کودکان اغلب کلاه بسرندارند .

***

جوراب :

جورابهائی که مردان ده طالب‌آباد بپامیکنند بردونوع است یکی‌جوراب پشمی برنگ سیاه یاسفید که ازپشم‌های محلی ودرمحل بافته میشود و بیشتر دارای ساق کوتاهی‌است نوع عالی‌اینگونه‌جورابها، جوراب‌خراسانی‌نام‌دارد که‌ازخراسان‌سوقاتی‌میآورند که نخ رنگهای‌مختلفی بانقش‌ونگار فراوان دربافتن آن بکاررفته‌است . نوع دیگر جوراب ساده نخی که پس‌از پاره شدن کف آن آنرا رکابی میکنند بدین‌ترتیب که جوراب دارای ساق میباشد ولی‌بجای کف رکابی به‌ساقه جوراب متصل‌است که درزیر کف‌پا قرارمیگیرد وبیشترمورداستفاده کودکان‌میباشد .

البته جورابهای فوق‌درفصل‌سرما مورداستفاده‌است ودرفصول‌دیگر اصولاً جورابی‌بپای دهقانان دیده نمیشود .

***

کفش :

کفشی که در ده طالب‌آباد بیش‌از انواع دیگر مورداستفاده قرارمیگیرد به«سینجونی» شهرت دارد، سینجونی‌نوعی گیوه‌است که‌رویه وکف آنرا درنقاط دیگربادست بافته وبواسطه‌رویه وتخت محکم آن مورد استقبال دهقانان قرار گرفته است وگاهی نام «جوراب تخت» هم برآن اطلاق میکنند .

دهقانان واصولاً مردان ساکن‌ده این‌نوع کفش‌را میپوشند ولی‌چون کلش وتیغ های زمینهای‌مزروعی ودروشده ممکن‌است رویه‌آنرا پاره نمایدپینه‌دوزده آنرا دوره‌میکند یعنی‌به‌پهنای حدود پنج‌سانتیمتر اطراف آنرا چرم‌میگیرد تااز پاره شدن رویه آن‌جلوگیری شود .

درتابستان وبیشتردرزمستان‌هم این‌نوع کفش‌مورد استفاده دهقانان‌است ، پاشنهٔ آنرا میخ‌میکوبند ویانعل‌میزنند وبعضی‌ازآنها معتقدند که اگردرروزهای اولیه خرید، کف‌آنرا یونجه بمالند ویا آنرا پاکرده دریونجه راه بروند کف آن محکم‌شده زیادتر کارمیکند، هریک‌ازدهقانان سالی‌یک جفت سینجونی‌میخرند وممکن‌است بعضی‌ازآنها دوتا سه‌سال ازاین کفش‌استفاده کنند .

نوع دیگری ازاین کفش بنام «شهری» خوانده میشود که از سینجونی ارزان‌تر است و کم‌دوام‌تر که برخی بجای سینجونی ازآن استفاده میکنند.

مردان علاوه‌برگیوه که همان سینجونی یاشهری‌باشد اغلب یک جفت ارسی‌هم دارند منتهی ازنوع چرمی‌آن. کودکان بیشتر ارسی، گالش و گیوه تخت لاستیکی بپا میکنند و کفش بعضی‌ازآنها دارای سه‌سال عمراست وبرخی‌ازآنها حتی‌بندهم ندارند.

***

دستکش :

دستکش های‌مورداستفاده‌دهقانان بیشترسفیدرنگ‌ودرمحل‌بافته میشود، گاهی‌دستکش‌هائی که درمحل‌بافته میشود بجای پنج‌انگشت دارای دوجا انگشتی‌است که یکی‌جای شست و دیگری جای چهارانگشت دیگربطورمشترك است.

***

پالتو :

درروزهای سرد بتن‌دهقانان‌پالتونیزدیده میشود ولی نه‌برتن‌همگی‌آنها زیرا عده زیادی ازآنها دارای پالتو نیستند. پالتوهای مورداستفاده نیمدار وکارکرده است و وصله‌های فراوانی برپیکره آن دیده میشود.

***

جلیقه :

جلیقه‌نیزبرتن‌عده‌ای‌ازدهقانان‌دیده میشود ولی‌اکثررنگ جلیقه بارنگ کت‌آنها یکسان نیست وتنهاچندنفری‌هستندکه رنگ جلیقه همرنگ کت وشلوار آنهااست.

***

پیراهن‌کش (بافتنی) :

پیراهن کش‌دربین‌دهقانان فراوان دیده میشود وتقریباً همه آنها دارای پیراهن کش هستند، پیراهنهای‌کش آنها باپشم‌محلی بافته میشود، رنگ‌آنها سیاه یاسفید انتخاب میشودکه بدست خانواده بافته میشود ولی پیراهن کش‌های ماشینی هم فراوان دیده میشود منتهی نوع نخی‌آن بارنگهای گوناگون.

***

زیر پیراهنی :

پوشیدن زیرپیراهنی‌دربین‌عده‌ای ازدهقانان دیده میشود ولی‌هنوزاکثریت‌آنها پیراهن

را بدون زیرپیراهنی میپوشند، پیرمردان اصولاً زیرپیراهنی بتن نمیکنند، کودکان نیز دارای زیرپیراهنی نیستند، تازه آنهائی هم که استفاده میکنند نوع نخی آنرا بتن دارند.

* * *

شلوار :

هنوز برای نیمی از دهقانان شلوار و زیرشلواری یکی است یعنی تنها یک شلوار بنام «تنبان» بپا دارند که پارچه آن ضخیم و از نوع سیاه رنگ آن انتخاب میشود دارای راه راههای سفید رنگ بسیار نازك بطور عمودی در زمینه آن کشیده شده و از دور تشخیص داده نمیشود، این نوع شلوارها ساده و بدون جیب و با بندی بنام «بند تنبان» بکمرشان محکم میگردد.

زیرشلواریهائی که در ده متداول است از پارچه هائی است با خطوط درشت و پهن برنگهای مختلف، پیرمردان قبا پوش زیرشلواری بپا نمیکنند، کودکان اغلب در خارج از منزل با زیرشلواری بکار میپردازند ولی هنگام مدرسه رفتن یا شلوار سیاه رنگ بپا میکنند و یا شلواری روی آن میپوشند، شورت بجای زیرشلواری برای مردان هنوز در این ده راه نیافته است. بند تنبانی که بجای کمربند و کش، تنبان را محکم میکند حدود یکمتر طول و حدود ۳ تا ٤ سانتیمتر پهنا دارد، رنگش سفید و آنرا چون طناب لوله کرده و از سوراخ برگردان بالای تنبان که روی کمر قرار میگیرد عبور میدهند، در جلوی برگردان آن سوراخی دارد که دوسر بند پس از عبور بدور کمر از آن بیرون آمده بهم گره زده شده و محکم میگردد. دوسر بند تنبان حدود ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر از سوراخ برگردان بیرون است، پیرمردان بند تنبان خود را روی شلوار انداخته و بند تنبان با رنگ سفید خود در روی شلوار سیاه بخوبی مشخص است و برخی در سر بند تنبان خود دو منگوله هم میآویزند ولی جدیدتری ها بند تنبان خود را از شلوار بیرون نمیاندازند.

پیرمردان تعریف میکنند که بند تنبان پدران آنها بلندتر بوده و هنگامی که نمازی از آنها فوت میشده در ازاء هر رکعت نماز یک گره به بند تنبان خود میزدند و هنگامی که قضای هر رکعت نماز را بجا میآوردند یک گره از بند تنبان را باز میکردند تا تمام نمازهای فوت شده قضایش خوانده شود.

در حال حاضر استفاده بند تنبان در شلوارهای کار سیاه رنگ روستائی دیده میشود ولی اگر دهقانی دارای شلوار نظام و کت و یا شلوار باشد کمربند را مورد استفاده قرار میدهد هرچند که ممکن است زیرشلواریش هنوز دارای بند تنبان باشد.

* * *

پوشش زنان :

پوشش زنان ده طالب‌آباد را نیز میتوان بسه‌دسته جدا ازهم تقسیم‌نمود واین سه دسته عبارتنداز: پوشش پیرزنان وزنان متدین، پوشش دختران وزنان‌جوان وپوشش دختران خردسال.

پیرزنان وزنان متدین سراپای خودرا سخت میپوشانند، چارقد بسرمیکنند وهمیشه‌شلوار بپا دارند وچادربسر میکنند وروی‌خودرا سخت میگیرند، دختران وزنان جوان بدون چارقد، درده وهنگام کار شلواربپادارند ولی‌هنگام شهررفتن جوراب بپانموده وشورت میپوشند، چادربسردارند ولی زیادهم رونمیگیرند، اما دختران خردسال که بندرت چادر بسردارند، لباس‌آنها مندرس و تکه‌کهنه‌های دیگران‌را برای آنها لباس دوخته‌اند ولی‌بطورکلی لباس آنها دارای مشخصات ذیل است :

زنان‌ده طالب‌آباد همگی‌چادر بسرمیکنندوهیچ زنی بدون‌چادر دیده نمیشوداین‌چادرها بنام « **چادرنماز** » یا « **چادرچیت** » شهرت دارد که‌ازانواع مختلف‌آن انتخاب میشودولی‌بهنگام مهمانی رفتن یکنوع چادر دیگر بنام «چادرسیاه» بسرمیکنند که به «چادرمشکی» نیزشهرت‌دارد دختران خردسال دراوان کودکی سربرهنه ولی‌ازسن ۶-۵ سالگی‌ببعد رفته‌رفته چادربسر میکنند.



وضع پوشش زنان ده طالب‌آباد
عکس فوق مباشر ده را درمیان خانواده‌اش نشان میدهد.

پیراهن‌آنها بلند بطوریکه بلندی‌آن از زانویشان هم میگذرد، پیراهن ها بیشترآستین‌دار وساده‌است، آستین پیراهن ها بلند وبدون مچ است، پیراهن اغلب هفته‌ها بتن آنها باقی میماند. دامن کمتر به‌تن زنان دیده میشود ولی‌اغلب بلوز بتن‌میکنند، گاهی‌زنان کت سردان‌رابتن‌میکنند

ولی زنان دهقان دارای هیچ نوع کت ودامنی نیستند، زنان همگی شلوار بپامیکنند، شلوارها بیشتر سیاه رنگ ولی شورت هم در میان آنها رواج دارد که هنگام رفتن بشهر آنرا میپوشند وبیشتر باجوراب همراه است. زنان بیشترچارقد بسرمیکنند، (چارقد پارچه مثلثی شکل است بیشتر برنگ سفید ونازك بمراتب ازروسری بلندتر که درزیرچانه گره میخورد).

زنان درده جوراب بپا نمی کنند زیرا شلوارتاروی پای آنهارا میپوشاند ولی گاه که شورت بپا میکنند جوراب نیز میپوشند کفش زنان بیشتر گالش است که آنرا ارزان وراحت میدانند، دختران خردسال هم بیشتر گالش، بُت وتخت لاستیکی بپامیکنند ولی زنان هنگام مهمانی رفتن از کفش های چرمی پاشنه دار استفاده میکنند که به نوك کلاغی مشهور است و بیشتر درخانه نعلین بپادارند.

بافتنی نیز برتن زنان دیده میشود منتهی ازنوع نخی آن ولی بارنگهای گوناگون که ازآن میان رنگ قرمزرا بردیگررنگها ترجیح میدهند.

***

اطو واطوکشی دراین ده رواج ندارد، لباسهای آنها ازآغاز تاپایان اطونمیشود، چروکهای متعددی به لباسها دیده میشود، شلوار سیاه رنگ مردان و پیراهن ارمك آنها براثر عرق نمودن رگه های سفیدی را بخود میگیرد، هنگامی که یقه کتی کثیف گردد آنرا خیس نموده با کیسه حمام چرکهارا تمیزمیکنند و گاه بجای صابون لباسهای خودرا باچوبك درگذشته وباپودرصابون درزمان حال شستشو میدهند.

زنان پیرشلوارسیاه وزنان جوان شلوارچیت بپا میکنند و بلندی شلوارها طوری است که تاقوزك پارا میپوشاند.

***

وسائل خانه

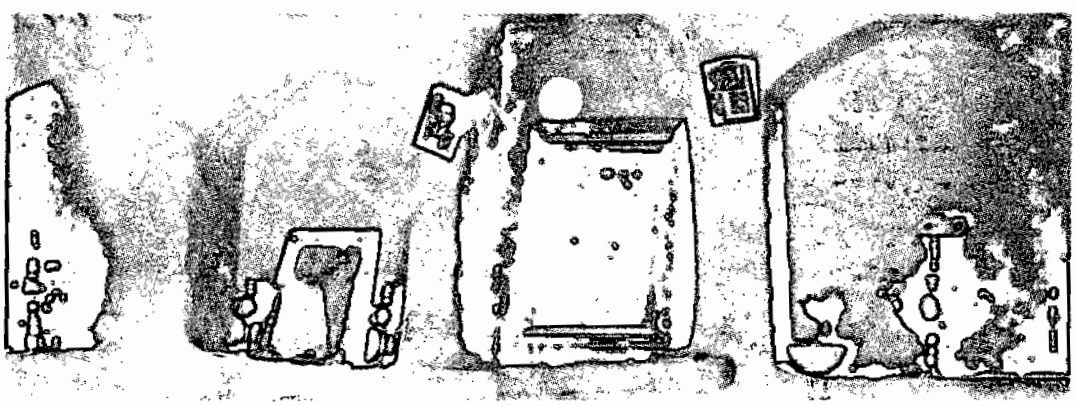
درمورد وضع ساختمانی وشکل وریخت خانه ها درفصل مربوط مطالبی یادآورشد ولی درمورد وسائل ولوازم خانه بایستی یادآورشد که غذای خودرا بیشتربا پهن میپزند آتش کرسی آنهاباتاپاله است، غذای آنها درظروف مسی و گلی پخته میشود، نانشان درتنورهائی که ساخته وپرداخته خود آنهااست تهیه میگردد و جزکت مردانه وگاهی هم لباس دوخته کلیه لباسشان بدست خودشان تهیه میگردد.

برای بهتر آگاه شدن ازلوازم ووسائل منزل روستائی آنچه دریک خانواده دهقانی وجوددارد ذیلاً ریزآن یادآور میشود :

مشهدی اسدالله، باغبان طالب آباد ۳۲سال دارد، درسال ۱۳۳۲ شمسی ازدواج نموده است، مادرش اهل فیروزآباد وپدرش ازاهالی طالب آباد میباشد، دارای چهارفرزند که دونفرشان دختر ودونفرشان پسراست وجمعاً خانواده آنهادارای شش نفرعضواست، یک پسر ویک دخترش بمدرسه میروند ودونفردیگرشان کودک اند، بزرگترین فرزند ۷ ساله وکوچکترین آنها ٤ساله وطفل پنجم خودرا پس ازیکماه ازدست داده است.

ناسبرده ۷۰۰-۸۰۰ تومان به بقال ده مقروض است، ماهانه ۲۵ من گندم و ۳۰ تومان پول ازارباب ده مساعده میگیرد وپولهارا یکجا به بقال ده میدهد تاماه دیگر بتواند ۵۰ تومان جنس نسیه بیاورد، درماه یکی دوبارماست میخورندآنراهم بایستی بخرندچون دارای شیرو گوسفند نیستند چهاریاپنج روز یکباره ۲سیر گوشت خریده آنرا آبگوشت درست کرده وباتفاق خانواده دردونوبت میخورند غذای روزانه گاهی گوشت، گاهی سیب زمینی وگاهی هم نان چای شیرین ویانان خالی است روزانه ۵سیرقند و ٤مثقال چای دراین خانواده مصرف میشود . گندمی که مساعده میگیرد تقریباً کفاف آنهارامیدهد وهره ۱۰۰-۱۰۵ روزیکبار نان پخته ونگهداری میکنند. مقدارمحصول باغش که درسال زراعی ۱۳٤۰-٤۱ به اوسهم رسیده است پنج خروار گندم وسه خروار جوبوده است سه خروار ازپنج خروار گندم را مساعده گرفته بوده که از آن کسر شده و دوخروار بقیه را یکجا بابت بدهی به بقال ده داده است چون بهاره وپنبه آنهاخوب نشده جورا برای خرج بهاره یکجا پرداخته است.

وی سالیانه سه چهار بار بتهران وچهارپنج بارهم برای زیارت بشهرری میرود.



مشهدی اسدالله باغبان ده طالب آباد اطاق نشیمن وپذیرائی خودرا بدینگونه تزئین نموده است گرانترین اشیاء اطاق همان است که درعکس مشاهده میشود.

وسائل واشیاء خانه این‌شخص عبارت‌بوداز :

۱- قالیچه[1]	۳ عدد	۲۳- سماور کوچک	۱ عدد
۲- گلیم	۱ «	۲۴- بادیه روحی	۱ «
۳- آئینه	۲ «	۲۵- سینی روحی	۱ «
۴- چراغ گردسوز	۲ «	۲۶- طشتک برنجی	۱ «
۵- سماور نفت سوز	۱ «	۲۷- چراغ فانوسی	۱ «
۶- سماور زغالی	۱ «	۲۸- چراغ فتیله‌ای	۱ «
۷- قندان	۱ «	۲۹- بادیه مسی	۱ «
۸- لاله	۱ «	۳۰- طشت	۱ «
۹- چمدان	۱ «	۳۱- مجمعه	۱ «
۱۰- بشقاب	۴ «	۳۲- کتری	۱ «
۱۱- سینی مسی	۱ «	۳۳- هلک	۱ «
۱۲- چوب رختی	۱ «	۳۴- جوال‌نیمه گندم	۲ «
۱۳- پرده	۲ «	۳۵- زنبیل	۱ «
۱۴- قاب عکس	۲ «	۳۶- شیشه بزرگ	۲ «
۱۵- قالی	۱ «	۳۷- شیشهٔ کوچک	۲ «
۱۶- کرسی	۱ «	۳۸- قوطی	۵ «
۱۷- صندوق	۱ «	۳۹- پیت حلبی	۴ «
۱۸- صندوق بارگیری صیفی	۱ «	۴۰- پیت حلبی‌جای نفت	۱ «
۱۹- صندوق نان	۱ «	۴۱- بیل	۱ «
۲۰- متکا	۳ «	۴۲- کدو	۱۰ «
۲۱- لحاف	۲ «	۴۳- جارو	۲ «
۲۲- تشک	۲ «	۴۴- گونی‌خالی[2]	۷ «

***

۱- هنگام نو بودن هرکدام‌را بمبلغ یکصدتومان خریده بوده است.

۲- با گونی‌های خالی کف پسینه فرش شده بود.

وسائل خواب :

اهالی ده طالب‌آباد درشب‌های گرم تابستان در حیاط منازل خود میخوابند، بواسطه پشه‌فراوانی که‌دراین‌ده وجوددارد تقریباًتمام خانواده‌ها دارای‌پشه‌بند هستند چون‌بدون‌پشه بند خوابیدن درحیاط امکان ندارد.

متکا وبالش‌های‌آنها بیشتربا پنبه یا کهنه‌و گاهی کاه‌پرشده‌است، تشک‌خواب‌آنها پنبه‌ای ولحاف دوش ولحاف کرسی درتمام‌منازل دیده میشود. تابستانها شب را باچادری میتوان‌بسربرد ولی‌بتدریج که هواسرد میشود دراطاق خوابیده رفته‌رفته که هوا سردتر شد کرسی‌میگذارند.

برای گذاردن کرسی‌دروسط اطاق‌چاله‌ای کنده که عمق‌آن از. ۲ سانتیمترتجاوزنمیکند، آتش‌فراوانی فراهم نموده درآن چاله میریزند از گرمای آن استفاده‌کرده علاوه برنشستن بدور کرسی وخوابیدن غذای خودرا درآن آتش‌میپزند.

خاکه وزغال برای گرم کردن کرسی تقریباً مصرف نمیکنند زیرا از تاپاله بجای گلوله زغال وازدودی بجای خاکه استفاده میکنند چون قسمتی ازتاپاله‌را شکسته در وسط آتش‌های کرسی گذارده که پس‌ازگرفتن ساعتهابکرسی گرمی‌میدهد.

***

روشنائی :

ده طالب‌آباد ازغروب‌آفتاب‌ببعد درتاریکی‌مطلقی‌فرومیرود، ازآن‌پس هیچگونه‌روشنائی درآن‌نواحی دیده نمیشود، تنهانوری که ممکن‌است مشاهده شودیاچراغ ماشین هائی‌است که از جاده وراهمن‌میگذرند ویامردانی که بخواهند شبانه بسرآب بروند وباخود فانوسی حمل کنند ویا توسط مهتاب روشن گردد.

درداخل‌قلعه هم‌تاریکی برقراراست‌ولی‌ازداخل اطاق منازل‌روشنائی خفیفی‌دیده‌میشود که خانواده‌ها در پناه آن مشغولند، منشاء این روشنائی‌ها چراغهای نفتی است که درگذشته فتیله‌ای واکنون بیشترفتیله‌ای گردسوز است این‌نوع چراغ ها بالوله لامپا برای روشنائی اطاق‌نشیمن و چراغ کوچک فتیله‌ای بدون لوله برای احتیاجات خارج ازاطاق بکار میرود که بنام «چراغ موشی» شهرت دارد.

گاهی که کبریت‌دردسترس‌نباشد برای روشن کردن چراغ ازقطعه زغال یاچوب‌درحال سوختن استفاده میکنند، بدین‌ترتیب که آنرا برداشته قسمت روشنش را روی فتیله گذارده آنقدر فوت میکنند تافتیله روشن‌شود.

اکثریت قریب باتفاق خانه‌ها دارای چراغ طوری (چراغ زنبوری) هستند و هنگام مهمانی‌ها ازآن استفاده میکنند.

درآذرماه ۱۳٤۱ کوچه‌های ده طالب آباد برق کشیده شد زیرا موتوری بقدرت ۷٫۵ کیلووات برای بالا کشیدن زه‌آب ده بمبلغ ۶۰۰۰ تومان توسط ارباب‌ده خریداری‌شد ولی‌بواسطه استفاده زیادنشدن از موتور آنرا بداخل قلعه‌منتقل وازنیروی برق آن برای روشنائی‌استفاده‌شد. درحال‌حاضر تنها ۶۰ لامپ توسط این‌موتور روشن‌میشود که مدرسه وحمام و مسجد و مرغدانی و منزل‌اربابی ده‌را شبها برق میدهد ولی‌خانه‌ها دارای برق نیستند، بطورکلی برای کشیدن این برق بجز بهاء موتور برای تیر و سیم و لامپ و امثال آن ۷۵۰۰ تومان خرج شده‌است که توسط ارباب ده پرداخت شده ودرنظراست یاموتوردیگری خریداری شود ویا ازده فیروزآباد برق گرفته منازل‌را برق دهند.

***

تهیه سوخت :

سوخت مصرفی کلیه خانواده‌های ده طالب‌آباد کاه دود، تاپاله، بوته‌ها وشاخه‌های خشک‌شده وکلش‌است، بوته‌وشاخه وکلش‌را ازبیابان جمع‌آوری میکنند وازانباشتن آنهاروی‌هم وآتش‌زدن وقدری کاه نشخوار بدان اضافه‌نمودن کاه دود درست‌میشود که دروسط آن غذا پخته ودرپایان هم‌آنرا برای کرسی مورداستفاده قرارمیدهند. تاپاله ازمشهورترین سوخت‌های ده‌است وتقریباً تمام‌اهالی برای سوخت زمستانی‌خود به‌تهیه آن میپردازند.

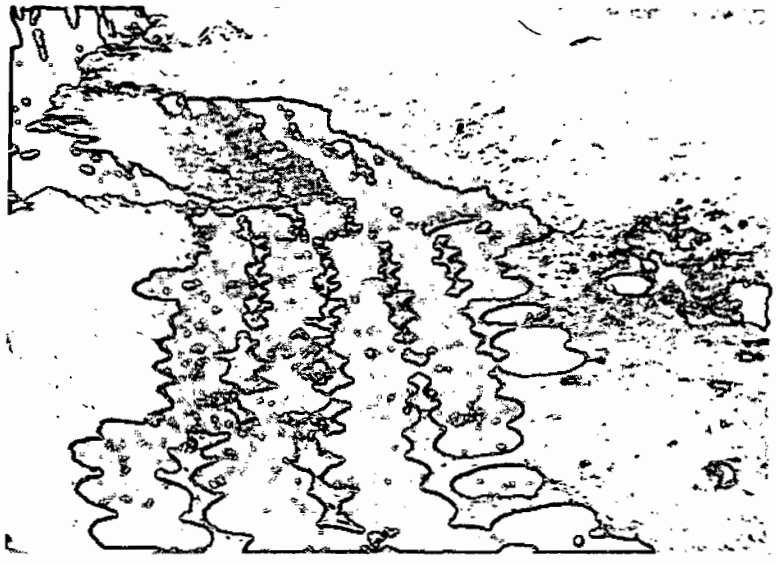
طریقه تهیه آن بدین‌ترتیب است که هرکس پشکل‌های آغل خود را همه روزه جمع نموده درجائی‌انباشته ووقتی که پشکل‌باندازهٔ کافی جمع‌شد آنهارا باآب مخلوط نموده و بهم‌زده خمیره‌ای از آن ساخته و آنهارا به‌قرص‌های دایره‌ای (پوکاله) و بیضی شکل (تاپاله) درآورده بدیوارهای آغل وطویله وپشت‌بام محل‌مسکونی خود چسبانیده تاخشک شود و پس‌از خشک شدن آنهارا برای سوخت ذخیره مینماید.

درگذشته حدود ۳ سال‌قبل‌ارباب ده طالب آباد که احشام‌فراوانی در ده داشت کلیه پشکل‌های‌احشام‌راانباشته وسالی‌یکروزازکلیه‌مردان ده‌بدین‌منظور بیگاری میگرفت‌بدین‌ترتیب که‌تمام مردان ازصبح تاعصر به‌ساختن خمیره و تاپاله بستن‌اشتغال میورزیدند ونهارهم‌مهمان ارباب بودند.

درحال حاضر تهیه تاپاله ویا هرنوع سوخت دیگر بیشتر بعهده زنان دهاست و کسانی که آغل مشترك دارند طبق قراردادی هرچند روز یکنفر پشکل هارا جاروب نموده و کسانی که آغل و یا محلی ندارند به صحرا رفته ودرصحرا سوخت جمع آوری مینمایند .



هنگامی که پنبه چینی بپایان رسید بوته های پنبه آنقدر درزمین میماند تا خشک شود، آنگاه هرکس که باین چوبهای خشک احتیاج داشته باشد هرقدرکه خواسته باشد جمع آوری نموده برای سوزاندن مورد استفاده قرارمیدهد. عکس فوق حمل یکبار ازاین چوبهارا بده نشان میدهد .



در ده طالب آباد فضولات دام هارابصورت خمیره ای درآورده وتاپاله هائی بشکل بیضی میسازند که پس ازخشک شدن مورد استفاده سوختی قرار میگیرد . تاپاله بخصوص در فصل زمستان مورد نیاز سوختی دهقانان است .

* * *

حرکات و ژست‌ها

ژستهائی که بیشتر ساکنین ده طالب آباد بخود میگیرند در سنین مختلف بین زنان ومردان یکسان نیست وهرکدام درجای خود قابل مطالعهٔ جداگانه‌ای است.

کودکان تاهنگام ورود بمدرسه برایشان کمتر مسئله ژست‌مطرح است، بسیارساده رفتار میکنند وجزکیف وکتاب خودچیزدیگری دردست آنها مشاهده‌نمیشودولی اگربمدرسه نروند تنها چوبی بدست‌میگیرندواین بیشترهنگام تعطیل تابستان دیده‌میشوددراین فصل کودکان گیوه‌های خود را ورکشیده وباشلوارسیاه‌رنگ وپیراهن جیب‌دار وچوبی که دردست میگیرند وگاهی دستمالی هم درپشت گردن خود می‌بندند ژست‌نهائی‌را بخود میگیرند.

ژست جوانان بدین‌ترتیب است که پیراهن خودرا عمداً حدود ۵ سانتیمتر ازکت خود بلندتر میگیرندتاهنگام راه رفتن اززیرکتشان نمودارباشد، هنگام کارکردن که کت خودرابیرون میآورند انتهای سمت‌راست پیراهن خودرا بالابرده درلیفه شلوار خود بالا میزنند بدین‌ترتیب که درانتهای سمت‌راست پیراهن‌آنها، پیراهن مثلثی‌شکل بالا میاید واین‌حالت از ژست‌های معمولی آنهااست.

ژست یک جوان درصورتی کامل است که کفش سینجونی بپا کرده، شلوار راه راه سیاه‌رنگ‌پوشیده وپیراهنش هنگام پوشیدن کت‌اززیرکت بیرون‌آیدوچوب‌دستی یابیل ویادوچرخه‌ای بدست داشته‌باشد نهایت فخررا هنگام راه رفتن مینماید درصورتیکه تازه دورسر خودرا زده باشد این ژست کامل میشود.

جوانان به گذاشتن زلف بسیارعلاقمندند چه آنرا «جاهلی» بمفهوم زورمندی میدانند و معمولاً نوع «ورزشی» آنرا دوست دارند واین طریقه‌را مخصوصاً بسلمانی سفارش میکنند و آن بدینطریق‌است که‌موهای‌دورسر بخصوص‌اطراف گوش‌راخیلی کوتاه نموده موهای‌جلوی سررابالا میزنند وموهای‌وسط رانسبت‌باطراف کوتاه‌ترمیکنند، دراینصورت‌باصطلاح جاهل‌شده‌اند وسرشان‌را نیزجاهلی‌زده‌اند. مردان بابغل کردن ویاهمراه آوردن کودکان خودنوعی‌غرور درآنها احساس میشود، وضع آنها بسیارساده واغلب درگروههای چندنفری‌ازجوانی‌وطرزآرایش وضع‌سر وصورت خود یاد میکنندودرمقام مقایسه انتظارقضاوت دارند.

پیرمردان اغلب باپوشیدن‌قبا وپیراهن های‌بدون یقه وتراشیدن سر وگذاردن‌نیمه‌ریش

وگذاردن کلاه نمدینی بسر ژست معمولی را بخود میگیرند واین ژست درصورتی کامل میشود که درگوشه‌ای نشسته وباچندنفر ازهمکاران خود مشغول صحبت شده و کیسه توتون ویافوطی سیگار خودرا ازجیب بیرون آورده چپقی چاق نموده ویاسیگاری آتش زده وبه پک زدن بدان بپردازند.

***

دختران کم سال هم چون پسران بهیچ تظاهری پای بند نیستند وآنقدر که بخوراکی توجه دارند بهیچ چیز دیگر توجه ندارند گاه مشاهده میشود که تکه نانی دربغل گرفته بدان دندان میزنند وراه میروند ویادرگوشه‌ای درمیان خاك میخزند، دختران رفته رفته بآراستن خود توجه میکنند و آنطور که برایشان مقدوراست خودرا میآرایند، گاه دختران عقل رسی مشاهده میشوند که درگوشه‌ای جمع شده وبه شانه کردن و آراستن سر وروی یکدیگر میپردازند، معمولاً لباسهارا رنگی و گلدار انتخاب میکنند ورنگ قرمزرا بیش ازرنگهای دیگردوست میدارند، ژستهای ظاهری زنان باچادری که بسردارند گرفته میشود، هنگامی که درچادرند روی خودرا محکم میگیرند ووقتیکه بمردی برسند برای محکم تر گرفتن روی خود چادررا باز کرده روی سرشان جلوترمیآورند وبااین حرکت تمام لباس ووضع زیرچادرشان نشان داده میشود.

کمی که دختران بزرگتر شدند هنگام صحبت با دوستان و آشنایان خود سعی میکنند چیزهای تازه و جدید خود را بدانها نشان داده و گاهی برخ آنها بکشند و دراین باره اغلب غلو هم میورزند.

زنان خیلی مایلند اشیاء خودرا درمعرض تماشای دیگران قراردهند وبرای صحبت شدن ازشیئی موردنظر ونشان دادن وفخر کردن بانواع کارهادست میزنند واغراق آمیزترین این موضوع هنگامی است که قصددارند جهیزدختر ویا یکی ازبستگان خودراتعریف ویا صورت برداری کنند زیرا هنگامیکه جمع ارقام ذکرمیشود آنها باژست مخصوصی آنرا ادا میکنند.

***

تاچندی قبل جوانان کمتراز ۲۰سال بستن «گل کمر» (نوعی کمربند) را ازعلائم پهلوانی وجوانی وزورمندی میدانستند وهنگام بستن آن دکمه های کت را بازمیکردند وبا ژست مخصوصی هنگام راه رفتن درنشان دادنش تظاهر مینمودند ولی حالیه تقریباً از مد افتاده و بیشتر تسبیحی بدست میگیرند و مرتباً با دانه های آن بازی میکنند ولی اگر درسالهای اخیر، جوانی بتواند یک ساعت مچی برای خود دست وپا کند وکت وشلواری بتن داشته باشد و پیراهنش یقه باز

ویقه‌دار، زلفها ورزشی وسینجونی یا ارسی بپا داشته باشد و تسبیحی هم بدست بگیرد کاملترین ژست را درعالم خود دارا است.

***

آرایش

هرچند که آرایش مخصوص زنان است ولی علاوه برزنان روستا مردان دهقان هم تاحدی بآرایش خود میپردازند، این آرایش ها عبارتنداز:

جوانان کمتر کلاه بسرمیگذارند ولی مردان وپیرمردان بیشتر کلاه بسردارند که ازنوع نمدی و نخی سیاه رنگ ماشینی انتخاب میشود کسانی که کلاه بسر دارند اکثر سرخودرا میتراشند وته ریشی هم میگذارند ولی بعضی باداشتن موهای بلند کلاه بسرمیگذارند بطوریکه موها در زیر کلاه بطرزخوابیده‌ای قرارمیگیرندوهنگامیکه کلاه را ازسر بردارندزلف ها بطرزآشفته‌ای نمودارمیگردند.

برخی ازدهقانان که سر وصورت خودرامیتراشندو کلاه بسرمینهند گویا براثر کلاه بسر گذاردن درسالیان درازکلاه جزء اعضای بدن آنهاشده‌است چه هنگام برداشتن کلاه صورت سوخته وسیاه آنها باقسمتهای سفیدرنگ زیر کلاه که رنگ اولیه خودرا حفظ کرده است کاملاً متضاد وممکن است در شناسائی شخص اشتباهی رخ دهد.

بیشترجوانان دارای زلف هستند، زلف ها معمولاً بردوگونه‌اند یکی وضع عادی زلف که اطراف آنرا کوتاه میکنند ازسمت چپ وسط موها فرق بازنموده و یا بطرف پشت سر شانه میکنند ومعمولاً باپارافین ویاروغن بادام موهاراچرب میکنند تاخوب شانه شده وخوب بایستند.

نوع دیگر، آرایش مو نوع ورزشی آن است که تنهاموهای بالای پیشانی را بالازده و اطراف گوش وفرق سررا کوتاه میکنند واینگونه آرایش مو به «جاهلی» هم شهرت دارد و علاقمندان بدین نوع زلف ها معمولاً کلاه بسرنمیگذارند.

نوعی آرایش مو دراین نواحی وجود داشته که اکنون دیگراز مد افتاده وپیروی ندارد وآن عبارت بوده‌است از:

درگذشته کسانی که کلاه بسرنمیگذاردند موهای سر خودرا از پیشانی تا پشت گردن

به‌پهنای حدود ٤ سانتیمتر مستقیم وباتیغ ازته تراشیده و موهای طرفین را بلند نگاه میداشتند و بطرفین شانه میزدند،نوع دیگری آرایش مو وجود داشته وآن این بوده که، کلاه‌نمدی بسرمیگذاردند ولی موهارا طوری تربیت میکردند که ازاطراف کلاه بیرون‌آمده وبطرف بالا چین میخورد وموهاچون لبه‌ای اطراف کلاه را فرامیگرفت.

درگذشته گاهی بجای کلاه عرقچین بسر میگذاردند وعرقچین هارا بانوان خانه‌دار بانخ قرقره برنگهای سیاه یاسفید بادست می‌بافتند ولی درزمان حال دیگر این نوع عرقچین ها مشاهده نمیشود . مردان سی‌سال ببالا درجوانی بیشتر پیرومدهای‌فوق‌بوده‌اند که اکنون دیگرطرفدارانی ندارد وآنها هم لنگ لنگان مدهای شهری را می‌پیرند .

***

مردان صورت خودرا هره تا ۱۲ روزیکباراصلاح مینمایند ولی سرخودرا هردویا سه‌ماه یکباراصلاح مینمایند، برای‌تراشیدن ریش ویاسوی سر سلمانی ده‌فرد موردنظررا روی‌تخته سنگ ویاسکوئی‌نشانیده لنگی‌ازگردن فرد آویخته بکارمیپردازد، معمولاً سلمانی‌های ده علاوه‌بر کیفی که اشیاء سلمانی‌شان درآن‌جای دارد آئینه‌ای همراه دارند که نتیجه کار را درآن بمشتری خود نشان میدهند. دهقانان صورت خودرا باگذاردن سبیل آرایش میدهند ونوع پرمو و ضخیم آنرا می‌پسندند.

سر پسران‌خردسال‌را با فکل آرایش‌میدهند وآن‌عبارتست ازحدود ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر مربع مو درجلوی پیشانی که آنرا نتراشیده وبلند نگهداشته وموهای بقیه سر را ازبیخ میتراشند.

***

خال‌کوبی :

دربین‌مردان ده طالب‌آباد افرادی هستند که هنگام کودکی خال‌کوبی‌را نشانه‌دلیری و پهلوانی دانسته وروی‌پوست قسمتهائی‌ازبدن‌خودخال‌کوبیده‌اند، خال‌کوبی بیشتر پشت‌دست، بازو، سینه وگاهی‌هم درپشت انجام‌میگیرد، رنگ‌خال‌ها سبزرنگ ونقش ونگار آن عبارتست‌از گل وبوته، اسم افراد موردعلاقه، اشعار ونقش‌شاهان ودلیران افسانه‌ای وباستانی‌است.

طرزکوبیدنش باین‌ترتیب‌است که مقداری دوده چراغ را باآب تره مخلوط نموده مایع تقریباً سیاه‌رنگی‌تشکیل‌شده بشکل‌مرکب که توسط آن نقش ونگار موردنظررا روی پوست بدن نقاشی‌نموده بلافاصله روی آن‌را سوزن میزنند یعنی بانوک‌سوزن پوست‌را شکافته مایع‌را زیرپوست جای‌میدهند که‌پس‌از کمی‌متورم‌شدن‌موقتی‌برای‌همیشه جای‌آن‌سبزمیماند، درحال‌حاضرخال‌کوبی

طرفداران کمتری دارد ولی در گذشته زنان هم خال میکوبیدند و هم اکنون هم پیرزنانی دیده میشوند که نقوشی زیر گلو و روی دست وتک خال هائی روی صورت خود دارند.

***

آرایش زنان :

زنان بیش از هرچیز به آرایش سر وصورت خود علاقمندند، زنان سر خود را ساده شانه میکنند و برای میزان نگهداشتن موها ازپنس و شانه های کوچک استفاده میکنند ، بیشتر زنان فرهای دستی کوچکی دارند که آنرا روی چراغ ویا آتش گرم کرده موهارا در وسط آن قرار داده فر میزنند، البته فر زدن سر برای مهمانیها وعروسیها وامثال آن صورت میگیردو گاهی هم بهشهر رفته فر شش ماهه میزنند.

در گذشته سورمه دان و وسمه دان نزد هرزنی وجودداشت ولی اکنون تقریباً قدیمی شده وبجای سرمه ووسمه ازمداد مخصوص آن استفاده میکنند ، صورت خود را با سرخاب و سفیداب رنگ آمیزی مینمایند، لاك ناخن و بلند نگاهداشتن ناخن هنوز در ده راه نیافته است ولی زیرابرو برداشتن وجود دارد.

زنان ده برای اصلاح صورت خود «بند» می اندازند و بعضی ازآنها دراین کار مهارت دارند وبه «بنداندار» شهرت دارند که درعروسیها ازوجودشان استفاده میشود. موهای پای خودرا بابند میکنندچون طریقه ساختن بند بسیار آسان و کم خرج است وازدوتکه نخ قرقره بهم تابیده تشکیل میشود که درحرکت دادن آن روی موها و کندن آنها، خود مهارت دارند. گل سینه، گوشواره، سینه بند ، سینه ریز، النگو و انگشتر از تزئینات عمومی و پرروا ج زنان است ، برای «توسینه ای» که همان سینه ریز است بیشتر لیره بکارمیبرند، نسبت بوضع مادی خودنوعی ازانواع النگورا انتخاب میکنند منتها تعدادفراوانی برای دست راست.

چارقد سر کردن متعلق به پیرزنها است، درداخل قلعه زنان چادرچیت و کدری بسرمیکنند، جوراب شیشه ای ونازك اخیراً بده راه یافته است.

شلوار چیت و کدری را زنان بطورعموم بپامیکنند ولی شورت هنوز آنطور که بایستی رسوخ نیافته است وزنان در مورد آرایششان آنقدر که به سر و صورت خود توجه دارند به لباس خویش توجهی ندارند ویا کمتر دقت میکنند.

گیس که زمانی خود زینت بخش زنان بوده است اکنون فقط بیشتر دربین زنان مسن دیده

میشود وزنان جوان تقریباً بدون گیس اند. درگذشته نزدیکی زنان گیس های خودرا بافته درپشت خودریخته آرایش پشت خودرا باآن تکمیل مینمودند وزنان مسن تعریف میکنند که درجوانی گیس فراوان وبلندی داشته اند که برای تنظیم ومنظم ایستادن گیسوان وسط آنهارا درپشت از کیسه ای عبور میداده اند.

پیر زنان و کامل زنان ده طالب آباد در سالهای جوانی چارقدهائی برای خود تهیه میکردند که اطراف آنرا پولک زده ویا نشاسته آنرا آهار زده بهسر میکردند.

***

چنین بود «ظواهر زندگی» ساکنین ده طالب آباد که نگارنده جمع آوری نموده بصورت فوق تقدیم داشت.

پیوست‌ها [1]

۱- پیوست فصل ششم: تعاون و همکاری، معاملات، صنایع دستی، واحد وزن.
۲- پیوست فصل هفتم: بهداشت، زبان و لهجه، نام، کنیه، القاب، افسانه‌ها.

***

پیوست فصل ششم [2]

تعاون و همکاری

همکاری دربسیاری ازمواردبین دهقانان ده طالب‌آباد دیده میشود ودربرخی‌مواردابن همکاری بشکل‌قانون وعرف محل درآمده‌است مثلاً درمورد عزاداری بدون‌اینکه کسی دستوری بدهد افراد داوطلبانه بیکدیگر کمک میکنند و این کمک البته بدون هیچ منظور مادی صورت میگیرد. هنگام بستن‌مسجد جهت روضه‌خوانی وعزاداری همکاری عجیبی بین‌مردم دیده‌میشود زیرا علاوه برکمک کردن ساعت‌های متوالی احتیاجات سبک را نیز شخصاً و یامشترکاً تهیه

۱- مطالب مربوط به‌پیوستهای فوق زمانی تهیه گردید که فصول‌مربوطه چاپ شده و تلفیق آن امکان‌پذیرنبود، بنابراین‌مطالب‌بدست‌آمده بصورت پیوست‌های فوق ضمیمه گردید.

۲- این‌قسمت که ازتعاون وهمکاری، معاملات، صنایع‌دستی وواحدوزن تشکیل‌شده‌است ضمیمهٔ فصل‌ششم میباشد که‌بضمیمه فصل پنجم کشاورزی‌واقتصاد ده طالب‌آبادرا دراین مجموعه تشکیل‌میدهد.

سینمایند وبهنگام خرج دادن حدود ده نفر ساعتی مجمعه های غذارا بسر گرفته درتمام ده پخش میکنند. درمورد فوت اشخاص وظیفهٔ خود میدانند دسته جمعی درمنزل متوفی حاضرشده وباآبروداری هرچه بیشتر جنازه را حرکت دهند ودرمراسم فاتحه آن شرکت جویند.

یکی از عرف های محلی کمک بیکدیگر در نان پزی است زیرا بدون کمک همسایگان نان پزی امکان ندارد، هرچند که نان پزهای «مزدی پز» درده وجود دارندولی اغلب نان پزی بشکل همکاری صورت می پذیرد بدین ترتیب که اگر پنج من خمیر را نان بپزندودونفر برای پختن بصاحب نانها کمک کنند چندروز بعد هم صاحب نان ها بایستی برای پختن نان به کمک همسایه های خود بشتابد واین امر بین آنها چیزی عادی وعمومی است.

تعاون در مورد شیر گوسفند گاهی مشاهده میشود بدین ترتیب که خانواده هائی که دارای یکی یادو رأس گوسفند هستند ودریک روز به شیر زیادتری احتیاج دارند شیرهمسایگان را قرض گرفته وچندروزمتوالی شیرخودرا متقابلاً بآنها میدهند. درگذشته درمورد سوخت گوسفندهای اربابی زنی که نان پز ارباب بود هردویاسه روز یکبار که سوخت های اربابی را جارو وجمع آوری میکرد یکروزآنرا برای خودش برمیداشت. درگذشته ارباب ده که سوخت هایش بحد کافی جمع میشد یکروزنهاری تهیه دیده تمام مردان ده را به تاپاله بستن دعوت نموده وازصبح تانزدیکی های غروب همه مردان برای ارباب تاپاله می بستند ونهاررا هم مهمان ارباب بودند. هنگام کوبیدن خرمن که دونفر رعیت برای پاسداری سرخرمن میمانند وشبهانیز درآنجا میخوابند، هرکس سر خرمن بیاید کارهای آنهارا صمیمانه انجام میدهد.

بهنگام دروکردن محصول که دسته ای ازدروگران بدینکار اشتغال دارند خانواده رعایا مشترکاً احتیاجات غذائی آنهارا که عرف محل مقدارش رامعین میدارد تهیه کرده وبنوبت به بیابان رفته ودراختیارشان میگذارند.

***

معاملات

اصولاً درده طالب آباد معاملات بدون قید وشرط وخالی ازهرگونه تعهد انجام می یابد معمولاً معاملات شفاهی وباقبول ورضایت طرفین سرگرفته و طرفین بدان وفادار میمانند. برای انجام قطعی معامله طرفین دست صمیمانه ای بهم میدهند، سپس دست خود را بوسیده به پیشانی میزنندو کمترمشاهده میشود که سندی بین آنها ردوبدل شودتازه اگرسندی هم رد وبدل شود سندی است عادی که یکنفرباسواد نوشته وطرفین زیرآنرا انگشت میزنندویا امضا میکنندوآن درصورتی است که

معامله دارای اهمیت زیادی بیش از حد معمول باشد چند نفری هم بعنوان شهود حاضر شده پای کاغذ را صحه میگذارند.

گاهی برای بهتر انجام شدن معامله و اینکه معامله حتماً انجام گیرد یکی از طرفین ریش گرو میگذارد و در واقع ریش گرو گذاردن هنگامی است که یکی از طرفین قصد انجام ندادن معامله را داشته و یا طرف معامله غیر قابل اعتماد باشد، در اینگونه موارد یکنفر واسطه شده و در واقع ضامن میشود و وجه ضمان را ریش خود قرار میدهد و معامله انجام میگیرد. در مواقع ضروری رعیت ها هر قدر پول که خواسته باشند مستقیم و یا توسط مباشر از ارباب دریافت میدارند و مبلغ خواسته شده بدون هیچگونه تشریفاتی به آنها پرداخت میشود و ارباب فقط در دفترش یادداشت میکند. کاسب محل به تمام اهالی ده نسیه میدهد و تنها در چوب درازی که به «چوب خط» مشهور است علامتی گذارده و یا اخیراً مهرهائی سکه مانند از حلبی که فقط نزد کاسب ده اعتبار دارد بعنوان واحد پول ۵ ریالی، ۱۰ ریالی و ۵ ریالی بجای پول بین افراد و دکاندار ده دادوستد میشود.

کاسبان دوره گرد اجناس خود را نیز نسیه میدهند و در دفتر خویش در ازاء هر یک تومان یک خط میکشند، صابونی محل علاوه بر خط هائی که در دفتر خود میکشد بالای در منازل بامداد سیاه خطوطی میکشد که نشانه بدهی صاحب خانه است پس از وصول روی آن خطی کشیده باطل میشود. بین ارباب ده و بارفروشان و کارخانه ها نیز قراردادهائی بسته میشود که این قراردادها تقریباً رسمی است چه شرایط رسمی قرارداد در اسناد چاپی بین آنها رد و بدل میگردد که اعتبار قانونی دارند. رسید پول و جنس بین آنها گاهگاهی مشاهده میشود و آن اینکه اگر طرف ناشناس باشد در مقابل تحویل جنس رسیدی از نامبرده دریافت میدارند.

***

صنایع دستی

آنچه در ده طالب آباد بعنوان صنایع دستی مشاهده میشود بافت پیراهن کش، دستکش و جوراب است که برای بافتن آنها پشم سفید یا سیاه یکنواخت گوسفند را شسته و پس از خشک شدن با دوک های چوبی میریسند و نخهای آنرا با میل های فلزی بمصرف بافتن میرسانند. این کار بیشتر بدست زنان انجام میگیرد و مورد مصرف داخلی خانواده ها واقع میشود و دارای جنبه فروشی نیست.

از این که بگذریم در جنب ده طالب آباد یک کوره کول پزی وجود دارد که در آن کول های دایرهٔ و بیضی شکل در قالبهائی تهیه و بصورت سفال پخته برای جلوگیری از ریزش دیواره قنات های زیرزمینی بکار میرود و هر دانه آن ۲۵ ریال بمشتریان فروخته میشود.

درسالهای اخیرنخ های رنگارنگ درده راه یافته و زنان و دختران کمتر به‌دوك ریسی اشتغال‌میورزند ونخهای آماده را گرفته بافتنی‌میبافند.

***

ازصنایع دستی دیگری که‌بین کودکان‌رواج داشته‌وباپیداشدن توپهای‌پلاستیکی،ماهوتی، نایلونی‌وبادی‌ازبین رفته‌است« گُلچه‌زنی» میباشد. برای گلچه‌زنی ازپیچیدن کش‌در زیر ونخ روی آن توپی‌بقطر ۵ تا۶ سانتیمتر ساخته بعد روی‌آن چندرشته نخ متقاطع‌چون‌مدارات ونصف‌النهارات پیچیده نخ های رنگی را ازمحل تقاطع عبور داده وتوپ را تزئین میکردند وچنین توپی را توپ « گلچه زده» مینامیدند.

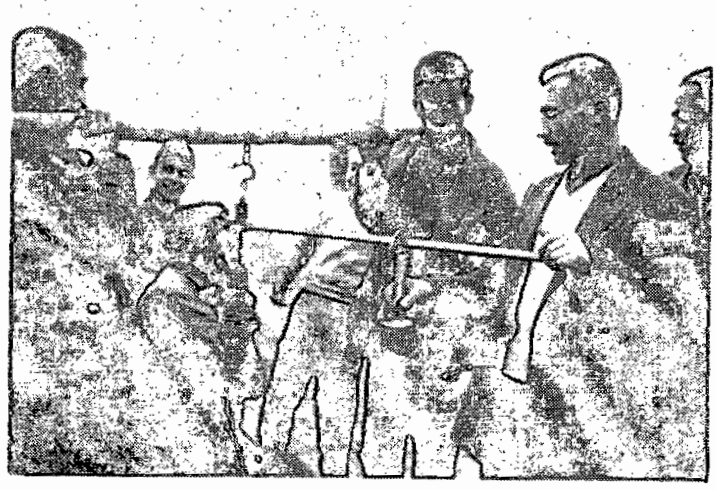
***

واحد وزن

واحد وزنی که‌درده طالب‌آباد بکاربرده‌میشود قبلا درفصل‌ششم‌صفحه۲۸۳ بیان گردید ولی‌مطالب زیر مکمل‌نوشته های صفحه مذکور میباشد.

کیلوگرم واجزاء آن درده متداول‌است ولی درکنار سنگ کیلو در دودکان بقالی ده تکه های سنگ و آهن باشکال مختلف درکنار ترازو نیز دیده میشود که وزن آنها را هرقدرکه بگویند بایستی‌قبول کردزیرا هیچ وجه شناختی‌ندارند.

ترازوی دکانها ترازوی مشهوربه‌سرغی‌است با کپه های برنجین ولی‌ترازوهائی‌بابندبلند که ترازوهای قدیمی‌است دردکان‌هانیز دیده میشود.



درده طالب‌آباد اگرکسی وزن خودرا خواسته باشد بداند باین‌صورت قپانش‌میکنند.

دوره گردانی که بده میآیند دارای سنگ مشخصی نیستند ویک تکه آجر ویاقطعه آهنی را برای وزن کردن بکار میبرند که مقدارش رافقط خودشان میدانند، ترازوی آنها برای وزن کردن اشیاء زیاد دارای کپه های بزرگ حلبی است که بندهای آنرا طنابهائی تشکیل میدهند و برای وزن کردن اشیاء کم ترازوهای کوچک با کپه های برنجی و بندهای بلند زنجیری بکار میبرند . برای وزن کردن اجناس زیاد که درگونی و جوال میباشد قپان بکار میبرند و علاوه برآن باسکول نیزبکار برده میشود که مخصوص انبار اربابی است .

* * *

پیوست فصل هفتم[1]

بهداشت

درده طالب آباد محلی برای بهداری یادرمانگاه وامثال آن وجود ندارد ولی درده قلعه نو که درسه کیلومتری شمال آن واقع شده است درمانگاهی وجوددارد که دارای یک پزشکیار است که ازشهرری بدانجا فرستاده شده ودرمحل به دکتر مشهورشده است .

نامبرده سرپائی طبابت نموده وگاه بدهات اطراف هم برای طبابت ودیدن مریض دعوت میشود وپولی ازاین بابت دریافت میدارد ازجمله درهفته یکبارهم بده طالب آباد میآید . هرچند که وی ازکارکنان دولتی اداره بهداری شهرری است ولی درقبال کارهای خود چشم بپاداشی نیز دارد ومعمولاً نتیجه ای هم عایدش میگردد .

اگر درده طالب آباد کسی مریض شود به بیمارستان فیروزآبادی مراجعه میکند و این درصورتی است که بیمار دارای مرضی سخت باشد ولی برای امراضی سبک ومقدماتی دکترهای محلی طبابت هائی نیز میکنند که اساس آن برطبابت های قدیمی استواراست که بااستفاده ازگیاهان وریشه ها وگلها معجونی ساخته ومورداستفاده قرارمیدهند . برخی دراین باره به خرافاتی دست میزنند که درصورت نتیجه گرفتن برای امراض بعدی در روحیه آنها سخت مؤثر واقع میشود و ازاین راه اقداماتی نیز مینمایند که درقسمت مربوط به عقاید پزشکی یادآور شده است .

* * *

۱ـ فصل هفتم که به «تاسیسات اجتماعی» اختصاص دارد بهداشت را جداگانه و «زبان ولهجه» «نام، کنیه ، القاب» و «افسانه ها» را به پیوست فرهنگ شامل میگردد .

خانوادها ازبهداشت عمومی تقریباً بی اطلاع اند، اندك بهداشتی که درده مراعات میشود بکوشش دهیارانی است که دردهات زحمات فراوان را برای آشناساختن مردم بزندگی بهتر متحمل میشوند، درجنب اطاق مسکونی کلیه خانوادهها آغل های سرباز وسرپوشیده دیده میشود که دامهای خودرا درآن نگهداری میکنند وفضولات خشك شده آنهارا درجنب اطاق مسکونی وگاه درگوشه اطاق مسکونی خود جای میدهند. ظروف خودرا پس ازخوردن غذا با گل های کنارجوی ویاقدری خاك گل مالی میکنند، آنگاه درآب روان ویا راکد جوی، آب میکشند وگرمیدهند.

کودکان دهقانان اگرچه لباس تمیزی بتن ندارند ولی بهمراه لباس ناتمیزشان صورت ودست وپای آنهاهم روزها نشسته میماند ویااگر شسته گردد تنها خیس شده بدون پاك کردن چرك مجدداً خشك میگردد. آب بینی وقی چشم درچهره بسیاری ازکودکان مشاهده میشود. بسیاری ازکودکان پای برهنه درخارج از منازل خود حرکت میکنند وباپای برهنه درمیان سنگ وریگ وخاروخاشاك میدوند. چهره بیشترآنها آفتاب سوختگی دارد چه تابش شدید آفتاب بربدن واندام آنها اثرگذارده وچهره آنهارا سوزانیده است واین چهره سوختگی بین اکثر افراد مشاهده میشود.

***

زبان و لهجه

زبان ساکنین ده طالب آباد فارسی است منتها باتلفظ ولحن عامیانه، درهنگام صحبت کردن اصطلاحات ولغاتی که برای یکنفرتهرانی نامأنوس باشد شنیده نمیشود مگربعضی از اصطلاحات ولغات که مربوط به شغل وکارآنها است که استعمال آن فقط جنبه روستائی دارد مانند :

پرند　　کیل　　خوره　　هوُله　　سرچر

کشار　　سُم چل　　گاوآمده و...

هنگامیکه دهقانان درباره مسائل کشت و زرع وکارهای روستائی با یکدیگر صحبت میکنندلغات واصطلاحاتی بکارمیبرند که برای تازه وارد شهری نامفهوم است مانند لغات فوق یا جملات زیر :

«گندمهای پشت قلعه هرا کشی، اونارو سرچرمیدیم، سفارش کنین سم چل نشِ» یعنی (گندمهائی که پشت قلعه زود کاشته شده وبایستی به گوسفند داران اجاره دهیم که گوسفندها سرگندم هارا بخورند یا بچرند و سفارش کنید هنگامیکه زمین گل است گوسفندها آنرا لگد نکنند که سم آنها زمین را سخت کند تا گندم ها قادرباشند مجدداً سبزشوند».

ویا «کزل هارا هوله کنین» یعنی خورده وسانده‌های گندم راپهن کرده وگاو یاترا کتوررا ازروی آن آنقدرعبورد هید که مجدداً کوبیده شود).

ویا «آبُ بزارین روزمین های کاله وکشار بزنین» یعنی (آب‌راروی زمین های کاشته نشده باز کنید واگر درنقاطی اززمین بواسطه پستی‌وبلندی‌آب عبورنکرد بازدن بیل‌مجرائی برای‌عبور آب باز کنید).

ویا «پیازاتو قلاب» یعنی (پیازها تازه سبزشده). ویا «دوشاخ ووردار خورده‌هارا بالا بزن» یعنی «جام‌دوشاخه‌را برداشته قسمت‌های کوبیده خرمن را کنار بزن).

***

هنگام ادای بیشتر اسم‌ها شبیهی برای آن‌تلفظ میکنند بدین‌ترتیب که حرف اول اسم موردنظررا حذف نموده وبجای آن «م» بکارمیبرند مانند: پول ، مول. سوخت ، موخت. چاقو ، ماقو. وامثال آن.

درجمع هائی که به«ها»ختم‌میشود«ه»را تلفظ نمیکنندمانند: پیازها، پیازا. درخت‌ها، درختا. الاغ ها ، الاغا.

اسم‌هائی که به «الف و نون» ختم میشوند بجای «الف نون» «واو نون» تلفظ میکنند مانند: نان ، نون. جان ، جون. قپان ، قپون و ...

بهمین‌ترتیب اسم‌شهرهائی که به«الف‌نون» ختم‌میشوند درتلفظ «واونون» بکارمیبرند مانند: تهران ، تهرون. اصفهان ، اصفاهون. خراسان ، خراسون و...

هنگامیکه کلمه **مشهدی** و یا **کربلائی** به‌اسم کوچک افراد اضافه میکنندآنرابطور کامل تلفظ نمیکنند مانند:

مشهدی کریم	مش کریم	کربلائی کریم	کل کریم
مشهدی رضا	مش رضا	کربلائی رضا	کل رضا
مشهدی تقی	مش تقی	کربلائی تقی	کل تقی و...

علاوه براختصارات فوق حرف اول اسم‌هم حذف میگردد مانند:

مشهدی حسین	مشدسین	کربلائی‌حسین	کل بسین
مشهدی حسن	مشدسن	کربلائی‌حسن	کل بسن
مشهدی علی	مشدلی	کربلائی‌علی	کل بلی

درتلفظ بسیاری ازاسماء حروفی اضافه ویاحروفی راحذف ویاحرفی راتعویض میکنندمانند:

زمین	زیمین	خروس	خوروس	چوب	چوق
ابصار	اوسال	گاو	گاب	جوال	جوآل

درتلفظ افعال حرف بعضی ازضمائررا تغییر میدهند مثلا درفعل دانستن درکلیه ضمائر بجای الف، واو بکارمیبرند وحرف دال سوم‌شخص‌مفرد وجمع‌را تلفظ نمیکنند مانند:

مفرد		جمع	
میدانم	میدونم	میدانیم	میدونیم
میدانی	میدونی	میدانید	میدونید
میداند	میدونِ	میدانند	میدونن

درفعل «کردن» بجای «اُ» «او» بکارمیبرند مانند :

مفرد		جمع	
میکنم	میکونم	میکنیم	میکونیم
میکنی	میکونی	میکنید	میکونید
میکند	میکون	میکنند	میکونن

درفعل رفتن «و» را حذف میکنند مانند :

مفرد		جمع	
موروم	میرم	میرویم	میریم
میروی	میری	میروید	میرید
میرود	میرِ	میروند	میرن

اصولاً درتلفظ سوم‌شخص مفرد وسوم‌شخص‌جمع «د» را تلفظ نمیکنند و درسوم شخص مفرد پس‌ازحذف «د» کسره‌ای بحرف ماقبل‌آن اضافه مینمایند مانند :

میخورد	میخورِ	میخورند	میخورن
میزند	میزنِ	میزنند	میزنن
میریزد	میریزِ	میریزند	میریزن
میشکند	میشکنِ	میشکند	میشکنن

***

البته مطالب فوق کم‌وبیش درنقاط دیگر ایران‌هم مشاهده میشود ولی چون مطالب مربوط به‌زبان ولهجه ده مذکورمیباشد دراینجا لازم‌بیادآوری گردیده‌است.

***

نام، کنیه، القاب

نام‌افراد درده‌طالب‌آباد مانندتمام‌دهات‌این‌نواحی همان‌اسمهای‌متداول‌عربی‌است، اهالی بیشترعلاقمند هستند اسامی‌را از اسم پیشوایان مذهبی اقتباس نمایند و این اسامی نام کوچک اهالی‌را تشکیل‌میدهند. درسرشماری که نگارنده دراین ده بعمل‌آورد ۵۰٪ این‌اسامی درمورد مردان عبارت بودنداز:

۱۰٪ حسین	۷٪ حسن	۵٪ عباس	۵٪ محمد
۴٪ علی	۴٪ محمود	۴٪ رضا	۳٪ احمد
۳٪ ابراهیم	۳٪ اکبر	۲٪ اصغر	

جمع ۵۰٪

البته ۵۰٪ بقیه اسمها ازهمین‌قبیل بودند که ذکرآنها باعث تطویل کلام‌میگردد.

***

افرادرا بانام کوچکشان صدا میزنند واصولاً افرادرا بااین نام میشناسند و دراین‌مورد گرچه نام‌مشابه وجود داشته باشد بانام کوچک پدرشان مشخص‌میگردند.

دربسیاری موارد هنگام مخاطب قرار دادن، یک «یاء» بآخر اسم کوچک‌افراد اضافه میکنند مانند «اصغری» «عباسی» «تقیِ» وامثال‌آن ولی درمورد دختران اسم‌ها بیشتر خلاصه میشود مانند «فاطیِ» بجای‌فاطمه، «خجولی» بجای‌خدیجه، «کبیِ» بجای کبرا، و«صغیِ» بجای صغرا.

زنان‌ومردان‌افرادرامختلف میشناسندزیراهنگام‌شناسائی درمقابل یک‌مرد، فردبانام‌پدرش معرفی‌میگردد، مثلاً اکبرپسر آیبارعلی ویااصغر پسرمحمد باغبان ویاخدیجه دختراوساحمومی. معرفی‌فوق درصورتی‌بود که مردی‌بخواهد کسی‌را بحضور مرد دیگری معرفی کند ولی اگر زنی بخواهد فردی را بزن دیگر معرفی‌نماید بانام مادرش معرفی مینماید مثلاً این پسر خدیجه ننه فاطمه است ویااین‌دختر خاله گوهراست واین‌درصورتی‌است که نام مادرآنها موردشناسائی‌طرف باشد ولی اگر این شناسائی امکان نداشت آنگاه نام شوهر زن هم برده میشود مثلاً این «بچه فاطمه‌خانم زن دروازه‌بان قلعه» است.

افراد ازنام خانوادگی‌خود اطلاع دارند ولی هیچگاه با این‌اسم نامیده نمیشوند ، نام خانوادگی آنها بیشتر اسم پدر بزرگ ویا پدر آنها است که یائی بآخر آن اضافه نموده‌اند مانند ابراهیمی، اکبری، کربلائی حسینی و... شغل افراد معمولاً معرف خوبی است برای شناسائی آنها ومانندنام‌خانوادگی برای‌فرد شهرت‌دارد مثلاً آبیار اسماعیل، محمد شیرکش،علی گاودار، اسدالله باغبان وحسین سبزیکار.

بسیاری ازجوانان دارای کنیه‌ای هستند که ازکودکی‌همسالان وهمبازی‌ها روی‌آنها گذارده‌اندوفرد باآن‌نام‌مشهورمیشود، مثل‌اسدالله‌غولی، حسین پابرهنه، تقی‌فری، مهدی هفت‌رنگ، وامثال آن .

افراد تاحدود بیست سالگی‌تنها بانام کوچک ونام‌پدرشان نامیده میشوند ولی‌ازآن‌ببعد اگر بزیارت مشهد، کربلا ویامکه بروند بترتیب مشهدی، کربلائی و حاجی خطاب میگردند و بمجردی‌که اززیارت بازگشتند دیگرهمه‌جا کنیه فوق باول اسم کوچکشان اضافه میشود مانند «مشدکبر» مشهدی‌اکبر، «مشدلی» مشهدی‌علی‌درصورت مشهدرفتن واگر کربلابروند «کلبلی» کربلائی‌علی، «کلبسین» کربلائی‌حسین، واگربمکه‌بروند به‌حاج‌حسین وحاج‌حسن‌شهرت‌می‌یابند. بعضی‌ها که هم‌بمکه و هم بکربلا بروند آنها را «حاج کلبسین» (حاجی کربلائی حسین) و یا «حاج کلبلی»، (حاج کربلائی‌علی) مینامند. این‌طریقه هنوزهم متداول‌است واین‌روش نامیدن درمورد زنان،دیگر منسوخ‌شده‌است زیرا هنوززنانی درده هستند که بمناسبت زیارت رفتن آنهارا باکنیه صدا میزنند مانند : مش‌ماه سلطان (مشهدی‌ماه سلطان)، مش‌خدیجه (مشهدی‌خدیجه) کل گوهر (کربلائی گوهر)، کل‌بلقیس (کربلائی‌بلقیس).

اگر فردی سید باشد در اول‌نام کوچکش کلمه «سید» اضافه میشود مانند سید علی ، سیدمحمد واگر زن باشد زن‌آقا ودخترآقا نامیده میشوند که اولی‌زن‌یکنفرسید ودومی‌فرزندیکنفر سیداست ولی‌اگرکسی سید باشد و زیارت هم برود دوکنیه باهم گفته نمیشود و اگرگفته شود نگارنده نشنیده‌است. اگردختری‌ازدواج کند بستگان‌داماداورا برای‌همیشه‌عروس خطاب‌میکنند مثلا عروس خاله ، عروس دائی، عروس‌عمو، برای کسانی که خاله، دائی ویاعمویشان دارای عروس شده است. عموقزی ، دائی‌قزی ، خاله قزی بجای دخترعمو ، دختر دائی ، دختر خال بکارمیرود، البته نه‌درتمام‌خانواده‌ها.

جوانان پیرمردان‌را بیشتر عمو ودائی‌خطاب میکنند، البته نه‌اینکه عمو ودائی واقعی آنها باشند بلکه این‌نمونه احترامی‌است که نسبت به‌بزرگسالان قائل‌میشوند. زنان مسن را نیز

عمه وخاله خطاب میکنند البته بیشتربرسم احترام نه‌اینکه عمه وخاله واقعی‌باشند، زنان‌مسن‌را «باجی» نیزمیگویند واسم دیگری به‌اول‌آن میافزایند مانند «شاه‌باجی» «گل‌باجی» «مُل باجی» (ملاباجی) که بدنبال همه آنها خانم نیز اضافه میشود. بعضی‌از زنان‌را بنام پسر ویا دخترشان مینامند مانند «ننه‌جعفر» ، «ننه‌فاطمه» ، «ننه‌جواد» دختر ویاپسری که مادرش بدان نام نامیده میشود معمولاً فرزند اول مادراست.

کودکان معمولاً کلمهٔ جان‌را برای خانواده خود بکارمیبرند مانند: خاله‌جان، عمو جان، دائی‌جان‌وامثال‌آن. اطفال‌به‌مادر پدرخود بجای مادربزرگ «ننه‌آقا» (ننه‌آقا) وبه‌مادرمادر خود «ننجون» (ننه‌جان)، و «بی‌بی‌جان» وبه‌پدرمادرخود «باباجون» نیزمیگویند.

نام‌زنان پس‌ازازدواج بیشتر توسط زنان نزدیک داماد عوض‌میشود وازآن‌پس‌زن‌را با اسم‌جدیدش صدا میزنند البته این‌نام درخانواده داماد متداول‌میگردد واین تغییرنام بیشتر سر عقد انجام میگیرد و نام جدید اغلب نام زیباتری است که انتخاب میگردد. بااین‌ترتیب گاه مشاهده میشود که زنی دارای سه‌اسم است‌یکی‌اسمی که درشناسنامه اومنعکس‌است، دوم‌اسمی که هنگام‌عقد ازطرف زنهای‌بستگان داماد برای او انتخاب میشود و سوم نامی که شوهر باآن زنش‌را صدامیکند ودراینمورد بیشتر اسم فرزند اول‌روی‌زن گذارده میشود. مثلاً آوازی‌میشنویم که مردی باصدای بلند ومردانه خود صدا میزند ماشاالله‌ماشاالله، کسی که دراین هنگام‌حضور داشته‌باشدفکرمیکندمرد خانواده پسرخودراصدا میزند ناگاه ازاطاق دیگرصدای زنی‌را میشنویم که جواب شوهرش‌را داده وشوهر فرمانی‌صادرمیکند.

***

افسانه‌ها[1]

افسانه‌هائی که درده طالب آباد وجود دارد ونگارنده توانست آنهارا جمع آوری‌نماید ذیلاً متذکر میشود:

قصه خاله پیرزن

قصه، قصه — نان وپنیر وپسته.
یکی‌بود یکی‌نبود غیرازخدا هیچکس‌نبود
زیرگنبد کبود یک پیرزن نشسته بود

۱— این‌افسانه‌ها بخواهش نگارنده توسط دانش‌آموزان کلاس‌چهارم‌دبستان طالب‌آباد بصورت انشاء تهیه وتوسط معلم مربوط دراختیار اینجانب قرارگرفت.

یک خاله پیرزن بود سر به‌بیابان نهادورفت ورفت ورفت تابیک چوپانی رسید. چوپان به‌پیرزن گفت: خاله پیرزن، دانبولی‌بزن، کجا میری.

گفت میروم درهمدان، نون گندم بخورم، منت بابام نکشم.

چوپان گفت : زن من میشی

گفت اگر بخواهی مرا بزنی باچه میزنی

گفت باچوب بلند گوگل چرانیم (گاوچرانی)

گفت خورد وخمیر، خورد وخمیر.

پیرزن رفت، رفت تابه‌یک شیررسید. شیر گفت خاله پیرزن کجا میروی

گفت میروم درهمدان، نون گندم بخورم، منت بابام نکشم

گفت زن من میشی

گفت اگربخواهی مرا بزنی باچه میزنی

گفت با دم نرم وناز کم

گفت خورد وخمیر، خورد وخمیر.

پیرزن رفت، ورفت تا به‌یک حسنک رسید.

حسنک گفت خاله پیرزن کجا میری

گفت میروم درهمدان، نون گندم بخورم، منت بابام نکشم

گفت زن من میشوی

گفت بله‌بله‌بله. حسنک خاله پیرزن را به‌خانه برد.

خاله پیرزن رفت رخت بشوید افتاد تو دیگ آب، چوپانی ازآنجامیگذشت

خاله پیرزن گفت اگربخانهٔ ماميروی به‌حسنک بگو:

خاله پیررن راه افتاده توجای سم گاو افتاده

وقتی که چوپان به‌آنجا رفت جریان‌را به‌حسنک گفت، حسنک توبره‌ای به‌پشت بسته به پیش خاله پیرزن رفت و با توبره به آب زده خاله پیرزن را توی توبره گذاشته ازآب بیرون آورده بخانه برد، حسنک رفت‌تا برایش آش‌بپزد خواست سبزی‌توی‌آش‌بریزد افتاد توی دیگ، چنددقیقه گذشت خاله پیرزن دید که حسنک نیامد به‌آنجا رفته دید که حسنک دردیگ افتاده ومرده است.

***

قصه پیرزن ، قلقلی‌زن

درزمانهای گذشته خاله‌پیرزنی بود که میخواست بمنزل دخترش برود، دربین راه شغالی اورا دید وسلام کردو گفت کجامیروی، گفت میروم بخانه دخترم، شغال به‌او گفت هنگام بازگشت بایستی یک خروس برای من بیاوری، پیرزن قبول کرده رفت‌رفت تابه‌یک گرگ رسید.

گرگ به‌اوسلام کرده ، گفت کجا میروی . گفت بخانه دخترم میروم .

گرگ به‌او گفت برای من باید یک میش بیاوری . پیرزن قبول کرده رفت‌رفت تابه‌یک شیر رسید . شیر وقتی پیرزن‌را دید باوسلام کرده گفت کجا میروی . پیرزن گفت‌بخانه‌دخترم‌میروم شیر گفت درباز گشت بایستی یک گوساله برای من بیاوری .

پیرزن قبول کرده رفت ورفت تابخانه دخترش رسید . چند شب در آنجا مانده بدخترش گفت شیرو گرگ وشغال هریک ازمن چیزی خواسته‌اند، وگرنه سرراه مرا گرفته‌نمیتوانم بخانه‌ام بروم،دخترش گفت من تورادریک کدو میگذارم‌وازبالای کوه قل‌میدهم . پس‌پیرزن‌رادر کدوئی گذارده اورا قل‌داد . شیردید که کدوئی‌قل‌میخورد پیش‌آمده گفت ازاین‌راه میآمدی‌خاله‌پیرزنی را ندیدی، گفت نه، یک قلی‌بده . شیراورا قل‌داده رفت ورفت تابه گرگ رسید، گرگ هم‌ازاو جویای خاله پیرزن شده گفت ندیدم، یک قلی‌بده ، رفت ورفت تا به‌شغال رسید ، بهمان‌ترتیب شغال‌هم اوراقلی‌داد ولی بهرطرف که کدو قل میخورد شغال هم پشت‌او روان‌شد وتانزدیکی‌های منزل که‌خاله‌پیرزن‌ازکدو بیرون‌آمدشغال رفت‌شیرو گرگ‌راخبر کرده‌دسته‌جمعی پیرزن‌راخوردند .

***

شتر لاغری

درروزگار گذشته‌مردساربانی‌بود که گله‌ای‌شترداشت، یکی‌ازشترها بیش‌از شترهای‌دیگر نزدصاحبش‌ارزش‌داشت‌واین‌شتر ازهمه چاق‌تر وزرنگ‌تروبارکش‌تر بود ولی‌با گذشت‌چندصباحی این‌شتر چاق وزرنگ‌لاغراندام گشت، صاحبش که‌دیگردید نمیتوان ازاین‌شتر استفاده نمودشتررا ازمنزل بیرون کرده دربیابان رها ساخت شتر لاغراندام و بی‌سرپرست پس‌از مدتی سرگردانی در بیابان ناگاه گرگی بسراغ او آمد .

گرگ قصد خوردن شتررا نمود وباو گفت میخواهم ترابخورم .

شتر گفت، تومیخواهی‌مرا بخوری؟ گرگ گفت آری .

- من که لاغرهستم، پس‌مرا به‌ییلاق ببر تاچاق شوم ، آنگاه مرا بخور ، زیرا اکنون

استخوانی بیش نیستم وازخوردن من سیر نمیشوی. گرگ قبول کرده شتر را به ییلاق برد تا فربه شود. دربین راه روباهی را دید، روباه پرسید که آقا گرگ کجا میروی گفت میروم شتررا چاق کرده بخورم گفت اگرخوردی صحیح است.

شتر به ییلاق برده شد وپس ازچندی فربه گشت. گرگ گفت اکنون دیگرآماده خوردن شده‌ای بگوبه بینم چگونه بایستی ترا بخورم، شتر گفت سرا بجای اولم ببر وبخور، گرگ قبول کرده باتفاق روانه جای اولیه شدند، درراه روباه را دیدند، گرگ به روباه گفت دیدی شتررا چاق کردم وحالا اورا میخورم، روباه گفت هروقت خوردی صحیح است.

شتربجای اولش رسید، گرگ گفت چگونه ترا بخورم، شتر گفت عقب برو و خیز کن و سینه مرا بکن وبخور، گرگ عقب رفت وباپریدن به سینه شتر، شتراورا بزمین انداخته خرس مال نموده اورا کشت آنگاه برخاسته بدرخانهٔ صاحب اولیه خود رفت صاحبش دید که شترلاغر فربه گشته وآمده است صاحبش باردیگرآنرا دزردیف شترهای خوب خود بشمارآورد وشتربه ارزش اولیه اش بازگشت.

***

خارکن وفرزندانش

در روزگار کهن خارکنی بود که سه دختر ویک پسرداشت، روزی خارکن برای خارکنی باتفاق پسرش بصحرا رفته بود وسه دختر ازمادرشان اجازه گرفتند که منزل عم خود بروند، سه دختر هنگام رفتن به رودخانه‌ای برخوردند که عبورآنها ازآب امکان نداشت، چوپانی درآن حوالی مشغول چرانیدن گوسفندانش بود بچوپان گفتند «سارا ازاین رودخانه رد کن» چوپان درجواب گفت که هرکدام که یک بوسه بمن بدهید شمارا رد میکنم دختراول ودوم پذیرفته وبادادن بوسهٔ ازآب گذشتند ولی دخترسوم قبول ننموده بتوصیه خواهرانش بدست چوپان کشته شد تارازشان فاش نشود، هنگامیکه چوپان دخترسوم را کشت وخونش بزمین ریخت یک نی سبزشد وکم کم رشد کرد پس چوپان نی را برید وبرای خود نی لبکی ساخت.

هنگامیکه دختران بخانهٔ عم خود رسیدند، عم جویای دخترسومی شده گفتند خود نیامد، مدتی درآنجا ماندند تااینکه پدر ومادر وبرادر برای آنها دلتنگ شدند، پس برادر بخانهٔ عم میرود ودربین راه چوپانی را می بیند که نی میزند ودرنی این کلمات گفته میشود.

بزن ای چوپان چه خوب نی میزنی زیرا خواهرهای روسپی من به چوپان بوسه دادند وچون من ندادم سرا بکشتن دادند.

برادر نی‌را ازچوپان صد تومان میخرد وچون نی میزند مجدداً کلمات فوق‌را میشنود، پسر نی‌را نزد خواهران خود برده وشروع به‌نی‌زدن میکند وجریان‌را نی بازگو میکند، دختران فهمیدند که خواهرشان‌است که‌ازنی‌سخن‌میگوید نی‌راسوزانده خاکسترش‌را درپای بوته هندوانهٔ ریخته پس‌ازچندی هندوانه سبز وبزرگ شده پسر وقتی‌میخواست هندوانه رابا چاقو ببرد صدائی میشنود که برادرجان باچاقومرا مبر، پسر گفت پس‌چکارکنم گفت مرابلندکن بزمین‌بزن، برادر هندوانه‌را بلندکرده بزمین زد پس هندوانه شکسته وخواهرشان ازهندوانه بیرون‌آمد و به‌پیش خانواده خود بازگشت.

***

پیرزن و یک غربال‌خانه

درروزگاران گذشته خاله پیرزنی‌بود که وسعت اطاقش بیش‌از یک‌غربال‌نبود، روزی‌از روزها باد به‌سختی‌میوزید، هنگامیکه پیرزن دربسترخودخفته بود صدای‌دررا شنید که کسی دررا میکوبد، شمعدان خودرا روشن‌نموده دررا بازکرد، گنجشکی‌را دید که گفت: ای خاله پیرزن امشب هواخیلی‌سرد است من‌برای خواب جائی‌ندارم مرا راه بده، خاله‌پیرزن دلش سوخته باو گفت برو روی درخت بخواب بشرطی که صبح زود بروی. گنجشک‌هم قبول کرده رفت وخوابید پیرزن‌هم خوابید ولی‌هنوزچشمش گرم نشده بود که دید مجدداً درمیزنند و دوباره دررا بازکرده مرغی‌را دید که ازسرما لرزکرده تاچشمش به‌پیرزن افتاد گفت خاله‌پیرزن امشب هوا بسیارسرد است مرا جائی‌بده که فردا صبح میروم، خاله‌پیرزن دلش‌بحال او سوخته گفت توهم برو وگوشه دیواربخواب وخود برای خواب به‌بستر رفت وبازمجدداً دید که درمیزنند واین‌دفعه سگی‌رادید که اوهم‌خواهش‌میکرد بحیاط وارد شود، پیرزن اورا هم راه داده گفت برو وسط حیاط بخواب بشرطی که صبح زود بیرون روی واوهم قبول کرد وخود برای خواب رفت ولی برای بار چهارم صدای دررا شنید وهنگامیکه دررا بازکرد این‌بار الاغی‌را دید که باالتماس میگوید من امشب جا ندارم مرا یک‌امشب جا بده وقتی که صبح شد میروم. پیرزن اورا هم درگوشه طویله خود جای داد وقتی‌صبح شد خاله پیرزن برخاسته گفت:

گنجشک برو بیرون، گنجشک درجوابش گفت:

منکه جیک وجیک میکنم برات تخم کوچیک میکنم برات

من برم بیرون! پیرزن گفت نه تو بمان.

پیرزن بسراغ مرغ رفته گفت بروبیرون، مرغ درجوابش گفت:

من که قدوقدوقد میکنم برات　　تخم بزرگ میکنم برات

من برم بیرون !　　پیرزن گفت نه‌توهم بمان .

پیرزن به‌سگ گفت صبح شده برو بیرون، سگ درجوابش گفت :

منکه واق و واق‌و واق‌میکنم برات　　دزد را بی‌دماغ میکنم برات

من برم بیرون !　　پیرزن گفت نه‌توهم بمان .

پیرزن بسراغ الاغ رفته گفت صبح شده برو بیرون، الاغ درجوابش گفت:

منکه عروعروعر میکنم برات　　پشکل تر میکنم برات

من برم بیرون !　　پیرزن گفت نه توهم‌بمان

بااین‌ترتیب همه‌ماندند و خاله پیرزن‌را کشتند ومنزل اورا برای‌آشیانه خودتصاحب کردند .

***

بزبز قندی

یکی‌بود یکی‌نبود، غیرازخدا هیچکس نبود ، یک بزبز قندی بود که سه بچه داشت بنامهای، شنگول، منگول وحبه‌انگور، یکروزکه بزبز قندی برای انجام کاری ازمنزل‌بیرون‌رفت گرگی که درکمین‌بود بدرمنزلشان آمده، در زد . بچه‌هابه‌پشت درآمدند و گفتند «کیه» گرگ درجوابشان گفت ، من مادرتون هستم در را بازکنین ، بچه‌ها از شکاف در نگاه کرده دیدند مادرشان نیست زیرا مادرشان سیاه رنگ بوده ، درجواب گفتند مادرما سیاه‌رنگ بوده و تو مادر مانیستی، گرگ رفت بزسیاهی‌را ازگله دزدید وپوست آنرا کند وبخودپیچید ومجدداً آمده درزد و گفت :

ننه‌شنگول،ننه منگول،ننه‌حبه‌انگور درراباز کنین، آنگاه بچه‌هاازروزنه‌درنگاه کردند و گفتند مادر ماپایش‌سفید بوده‌است وتومادرما نیستی . این‌بار گرگ به‌آسیاب رفته پای‌خودرادر آرد فروبرده وسفید نمود آنگاه بازگشت ودرزد وگفت:

ننه شنگول، ننه منگول،ننه حبه‌انگور، درررا بازکنین،شنگول‌آمد ودررا بازکرد گرگ داخل‌شده شنگول ومنگول‌را خورد ولی‌حبه‌انگور رفت وزیرکاسه قایم‌شد .

هنگامی‌که بزبزقندی بخانه بازگشت دیدکه نه‌شنگول درمنزل هست و نه‌منگول ،

بز ایستاده بود وباطراف‌نگاه میکرد که دید حبه‌انگور اززیر کاسه بیرون‌آمدبز ازاوسؤال نمود که شنگول ومنگول کجایند گفت گرگ‌آنهارا‌خورد. بزبزقندی‌عصبانی‌شده روی بام گرگ‌رفته‌شروع به‌تاپ‌تاپ نمودن کرد.

گرگ گفت کیه کیه، تاپ تاپ میکنه، اش‌مارا پرخاك میکنه

گفت منم‌منم بزبزقندی ورمیجهم بالای‌بلندی شاخم بزمین دمم بلندی

کی خورده شنگول‌من کی‌خورده منگول من کی‌میاد بجنگ من

گفت من‌خوردم شنگول‌تو من‌خوردم منگول‌تو من‌میام بجنگ تو

صبح شد، بزبز قندی نزد استاد آهنگر رفته قدری شیر به‌او داده شاخهای خود را تیز کرد ولی گرگ که چیزی به‌آهنگرنداده بود دندانهایش‌را بجای تیزکردن کشید.

جنگ درمیدان بین‌آن‌دو درگرفت وبزبزقندی دراولین‌حمله شاخ‌خودرا به‌شکم گرگ فرو برده شکمش‌را دریده وشنگول ومنگول فرزندان خودرا بیرون آورده روانه منزل‌شدند.

***

کره دریائی

مردی پس‌از مرگ زنش زن دیگری گرفت، این مرداز زن اولش‌پسری داشت واین پسر کره اسبی‌داشت که به کره دریائی‌مشهوربود وپسربا‌ین کره بسیارعلاقمند بود، زن‌پدردرنظر داشت کره‌را ازپسر گرفته کشته وخونش‌را بیاشامد چون کره هم به‌پسر بسیار علاقه داشت، زن برای‌این منظورچاره‌ای بخاطرش رسیدوآن‌اینکه‌مقنی‌بی‌آورده‌چاهی بکندوداخل چاه‌را‌پرازخورده‌شیشه وخنجر ونیزه نماید وپسررا به‌بهانه‌ای درچاه اندازد وکره‌را سربریده خونش‌را بیاشامد.

پسرهنگامی که‌ازدبستان‌بخانه بازگشت کره‌خودرا دید که گریان‌است وخوراکی‌های خودرا نخورده‌است، علت‌را ازاوپرسید. کره توطئه قتل خود وصاحبش‌را بیان داشت که چاهی درمنزل‌امروزکنده شده ودرنظراست تورا درآن بیندازند وسپس مرا بکشند، پسرآهی کشیده گفت این‌زن حیله گر توطئه قتل‌مرا نموده‌است اکنون‌من‌چه‌بایستی‌بکنم، کره جواب داد هنگامی که دراطاق رفتی ازروی قالیچه عبورنکن وازروی‌آن بپر ومرتب به‌پرش‌خود ادامه بده اگرزن‌پدرت سؤال کردچراچنین‌میکنی بگو درس‌امروز ماپرش‌بوده وتمرین‌میکنم، پسرچنین کرد، هنگامی که زن‌پدر او را دید گفت پسرجان چرا روی قالی گران‌قیمت نمینشینی گفت درسم را تمرین‌میکنم، زن‌پدر گفت بایستی‌نقشه دیگری بچینم چون‌این‌نقشه بمرحله‌اجرا درنیامد.

فردای آنروز که پسر از مدرسه بازگشت مجدداً یکسره بسراغ کره رفت و دید کره میگرید گفت چرا گریه میکنی گفت بازتوطئه دیگری برای قتل تو چیده‌اند وآن اینکه امروز زن پدرت ببازار رفته و کوزه تازه‌ای خریده آنرا آب کرده ودرسایه گذارده ودرآن زهر ریخته که توبخوری وبمیری سپس مرا بکشند، پسر از کره پرسید چه کنم گفت ازآن کوزه آب مخور، پسر رفت واز کوزه‌های دیگر آب خورد وهنگامی که زن پدر دید گفت الهی من برای تو بمیرم که آب گرم میخوری ودوید کوزه آب خنک را آورد وبه پسر تعارف کرد وقتی دید پسر از خوردن آب خنک سرباز میزند فهمید که این اطلاعات را کره دریائی به پسر داده است نقشه دیگری را بمرحله اجرا گذاشت.

***

این باره زن مقداری نان ورزنه پخته درسفره‌ای بکمرش بست و مقداری هم زردچوبه گرفته بدن وصورت خودرا چون مریض های بستری زرد نمود وپیش معلم پسر هم رفت و باو گفت که من صد تومان پول بشما میدهم که فردا پسر را از مدرسه تعطیل نکنی وتاشب درمدرسه نگاهش بداری، معلم پولها را گرفته گفت مانعی ندارد. سپس نزد دکتری که باوی آشنائی داشت رفته گفت اگرمرا پیش شما آوردند بگوکه فقط باخوردن خون کره دریائی این مرض خوب میشود وباوهم یکصد تومان پول داد فردا نانهارا بکمربسته رنگ خودرا بازردچوبه زرد کرد و دررختخواب خوابیده شروع به ناله کردن نمود، همسایگان جمع شدند واوهم دربسترخود مرتب غلطیده نانهای ورزنه شکسته شده مردم فکر میکردند استخوانهای او خورد میشود فوراً رفته شوهر او را ببالینش آوردند، شوهرش فوراً او را بدکتر برده و دکتر گفت تنها راه علاج این زن خوردن خون کره دریائی است وگرنه میمیرد وشوهر تصمیم گرفت کره دریائی را کشته خونش را به خورد زنش بدهد تا بهبودی یابد.

ولی کره دریائی روزقبل جریان ماجرارا گریه کنان به پسر گفته بود پسر گفت من چکنم؟ گفت فردا مرا میکشند ومعلم اجازه نمیدهد توبخانه بیائی، توجیب های خود را پرازخاکستر و نمک ونخودچی وکشمش کن، هنگامیکه مرا ازطویله بیرون آوردند من شیهه بلندی میکشم شما اجازه بگیرکه بیائی، هنگامی که دست و پای مرا بستند شیهه دوم را میکشم ووقتی که شیهه سوم را کشیدم دیگرمیخواهند مرا بکشند اگردفعه دوم وسوم معلم اجازه ندادتوخاکسترهارا درچشم معلم بریز ونخودچی وکشمش هارا نزد کودکان تقسیم نموده وخودرا بمن برسان.

فردای آنروز هنگامیکه پسر در مکتب نشسته بود نعرهٔ اول کره بگوشش رسید وازمعلم خود

تقاضای اجازه نمود وتقاضایش رد شد پس‌از اندکی‌شیهه دوم بگوشش رسید و باز تقاضایش رد شد، پسرهم دست درجیب خود کرده خاکستر نمک‌ها را درچشم آخوند ریخته بمجردی که آخوند چشم خودرا گرفت نخودچی‌وکشمش‌هارا نزدکودکان‌ریخته پابفرارگذاشت. هنگامیکه بمنزل‌رسیدکره را آماده‌کشته شدن دید وشیهه سوم کشیده شد.

پسر فریاد زد اورا نکشید حرفی‌دارم اجازه بدهید یکباردیگر اورا سوارشده بااو وداع کنم چون‌کره را بازکردند اوسوارشده پسر وکره بآسمانها پروازکرده ورفتند.

تقویم کشاورزی

قبل از اینکه به بیان تقویم کشاورزی ده مورد نظر بپردازیم، لازم است تاوضع تقویم و درجهٔ آشنائی ومعتقدات اهالی را دراین باره مورد بررسی قرارمیدهیم.

***

تقویم

اهالی ده طالب‌آباد کمتر به‌تقویم آشنا هستند ، زنان بطورکلی به‌ماههای سال قمری آشنا میباشند وتاریخ وروز وماه‌قمری‌را بخوبی‌میدانندو کارها واحتیاجات خودرا بااین‌ماه تنظیم میکنند. مردان نیزآشنائی بدینگونه ماهها دارند ولی سروکارآنها بیشتر باماههای شمسی‌است ولی نه‌با نام فروردین، اردیبهشت، خرداد و ... بلکه بجای آن نام دوازده‌گانه منطقه البروج را بکار میبرند که اسامی‌آن بترتیب فصول‌عبارتست‌از :

حمل ، ثور ، جوزا	بهار
سرطان ، اسد ، سنبله	تابستان
میزان ، عقرب ، قوس	پائیز
جدی ، دلو ، حوت	زمستان

البته دربین‌این‌ماهها بااسامی حوت، حمل، سنبله ، میزان وقوس بیش‌از ماههای دیگر آشنائی دارند چه حوت‌را شب‌عید، حمل‌را عید، سنبله‌را پایان ومیزان‌را آغازسال زراعی وقوس‌رافصل سرما میدانند وگرمای قلب‌الاسد تابستان‌هم بین‌آنها خیلی‌شهرت دارد.

دوماه گرم تابستان‌را چله بزرگ وچله کوچک میدانند ، مدت چله بزرگ ٤٠ روز و چله کوچک ٢٠ روز است که رویهم ماههای سرداد و شهریور یا اسد وسنبله را شامل میشود ، همچنین برای زمستان نیز چله بزرگ وچله کوچک بکارمیبرند، چله بزرگ زمستان ازاول دی

(جدی) شروع شده به‌دهم بهمن (دلو) ختم شده سپس چله کوچک آغاز میگردد که تا پایان بهمن بطول‌میانجامد ومعتقدند که درپایان چله کوچک زمین نفس میکشد وهوا گرم میشود.

دهقانان معمولاً ازسرمای چله کوچک ترس زیادی دارند چه‌میگویند که چله کوچک گفته «افسوس که پشت من بگرما است وگرنه کودك را ازسرما درگهواره خشك میکردم».

ساعتی که برای نشان دادن وقت دراین‌ده بکار میرود درگذشته بیشتر و امروزه کمتر ایرانی کوك است چه آن‌را طوری ترتیب میدهند که ساعت ۱۲ غروب میشود، ساعتهائی‌را که ساعت۲ ۱ظهر را نشان میدهد فرنگی کوك مینامند، البته بهمانگونه که غروب ساعتهای فرنگی کوك متغییراست ظهرساعتهای ایرانی کوك هم متغیراست وبیشتر ظهررا ازروی ارتفاع خورشید میفهمند وگاهی چوبی را مستقیم بزمین فرو برده هنگامی که سایه آن بحداقل طول خود رسید میفهمند که ظهر شده‌است، ساعت ۱۲ صبح را «دسته» مینامند مثلاً دو ساعت ازدسته گذشته ویا ساعت سردسته است.

***

علاوه برمطالب فوق دارای اعتقادات دیگری‌راجع به‌تقویم نیز هستند واین‌اعتقادات عبارت‌از این‌است که:

معتقدند زمین روی شاخ گاوی‌قراردارد که همه ساله هنگام‌تحویل سال (لحظه‌ای که زمین درکره سماوی درمدارگردش خود درمنطقةالبروج ازمقابل‌برج حوت گذشته وارد برج‌حمل میگردد) زمین را ازروی یک‌شاخ گاوبرداشته روی‌شاخ دیگرش‌میگذارند واین‌لحظه‌جابجا شدن‌را لحظه‌سال تحویل‌میدانند و معتقدنددراین‌لحظه افراددارای‌هرحالتی که باشند تاسال‌دیگر دارای چنین‌حالتی خواهند بود.

معتقدند که هرسال‌روی حیوانی چون اسب، سار، میمون، موش و امثال آن تحویل میشودزیرا دراین‌مورد ازتقویمی‌استفاده میکنند که‌علاوه برمشخص‌نمودن‌اینکه سال درروی چه حیوانی‌تحویل‌میشودبد وخوب انجام کارها را دربیشتر روزهای سال متذکرشده‌است (مثلاً دراین روزخوب‌است ناخن گرفتن ویا امورکشاورزی ویا عقد ونکاح ویا ....

برای انجام کارهای‌عقد، عروسی، ختنه‌وامثال‌آن‌بدین‌تقویم‌ها مراجعه‌میکنند ودرصورت خوب بودن ساعت جهت انجام کار بدان مبادرت میورزند.

***

فروردین:

اگرچه فروردین‌ماه برای عموم‌مردم آغاز بهار وگشایش کارها و باتمام رسیدن فصل سرما است ولی برای روستائیان این‌منطقه اسفندماه چون فروردین قابل‌ارزش‌است چه آغاز کلیهٔ

کارها دراسفندماه شروع میشود زیرا معتقدند اول حوت آغاز کار و فعالیت و پشت بر گذاردن فصل سرما است.

دراین هنگام اگر زمین پنبه قبل ازعید بسته نشده و آماده نگردیده باشد حداکثر تا بیست روز بعدازعید به بستن آن مبادرت میورزند، معمولاً تخمه زنی پنبه از بیستم عید آغاز میگردد ولی برحسب اینکه زمین پنبه چه وضعی داشته باشد تخمه زنی آن زودتر و یا دیرتر ازتاریخ فوق آغازمیگردد ولی بطور کلی سراسر فروردین ماه تخمه زنی پنبه میتواند ادامه داشته باشد و پس از تخمه زنی اولین آب را بدان میگیرند یعنی اولین آب پنبه درفروردین ماه گرفته میشود.

زراعت گندم که قبلاً کاشته شده درفروردین ماه دیگر ازسرچرادادن آن خودداری میشود زیرا اگر گندم هراکش وپرپشت باشد دراسفندماه وحتی قبل ازآن سرچر داده میشود ولی اگر در فروردین ماه گندم راسرچر بدهند گندم کور کرده وخراب شده دیگر گندم خوبی نخواهدشد، مواظبت ازگندم بدقت ادامه می یابد، مرتب آبیاری شده وبرای جلوگیری از ورود سن وخنثی کردن اثرات آن، ۲۰ روزبعدازعیدسم پاشی گندم آغازمیگردد واین سم پاشی میتواند تاقبل ازخشک شدن بوته های گندم یعنی ۹۰ـ۸۰ روزبعدازعید ادامه داشته باشد بدین معنی که اگر گندمی را سم نزده باشند وگندم را هم سن نزده باشد تاخردادماه محل برای سمپاشی باقی است.

جو نیز وضعی شبیه گندم را دارا است بااین تفاوت که برداشت جو نسبت به گندم هراکش تر است.

معمولاً محل صیفی را قبل ازعید برای کشت آماده میکنند ولی ممکن است زمین صیفی را درفروردین ماه هم آماده کنند بدین ترتیب که درفروردین ماه شخمی بزمین زده اگرزمین کلوخه بود پس ازآن یک دیسک بزمین میزنند ولی اگر کلوخه نبود زمین را شخم دوم میزنند، سپس زمین را رنگ ریزی میکنند یعنی با کلدر طرح کیل وپشته صیفی راریخته آنگاه به درآوردن جویها وکیل ها وپشته ها میپردازند ولی اکنون در ده طالب آباد دیگر با کلدر رنگ ریزی نمیشود و رنگ را با «نهردرآر» درمیآورند یعنی باتراکتور جوی درآورده وکیل و پشته میسازند، سپس کود لازم را درآن ریخته ومحل جوی ها را صاف نموده تخمه زنی آغازمیگردد. تخمه زنی صیفی معمولاً ۲۰ تا ۲۵ روز بعدازعید آغاز میگردد سپس شخم آب را که آب اول باشد بدان میگیرند وپس ازچندروز تخمه ها نیش زده وسبزمیشوند واگرخواسته باشند کدو، آفتاب گردان، خیار، لوبیا وامثال آن دراطراف صیفی بکارند بهمراه تخمه صیفی تخمه زنی آنها نیز آغاز میگردد.

چغندردرفروردین ماه کاشته میشود بدین ترتیب که اول شخم زده سپس بذرچغندر را پاشیده

آنگاه زمین دیسک زده میشود و بدنبال آن آبیاری میگردد و در حقیقت کشت چغندر در تمام فروردین‌ماه میتواند ادامه داشته باشد.

چین‌اول یونجه درنیمه دوم فروردین‌ماه بدست میآید وآن‌درصورتی‌است که‌هوامساعد باشد وگرنه درنیمهٔ اول‌اردیبهشت‌ماه قابل‌بهره‌برداری است،اگریونجه غوره باشد یعنی‌سال اول کشت‌آن‌باشد آغازبهره‌برداری ازآن‌درآخرفروردین‌ماه‌صورت‌میگیرد، اگردرده‌یونجه‌بیش‌ازمصرف دامهای ده باشد معمولاً به‌اجاره داده میشود ودرصورت اجاره‌دادن درفروردین‌ماه گله گاوهای شیرده بهمراه گاوچرانان واستادکاران گاوداران‌اجاره کننده یونجه بده آمده ومدت شش‌ماه درده مقیم‌میگردند.

***

اردیبهشت :

دراردیبهشت‌ماه دنبالهٔ تخمه‌زنی پنبه وآبیاری آن ادامه می‌یابد و معمولاً تابیستم و حداکثر تاپایان‌ماه تخمه‌زنی پنبه ادامه دارد وسپس‌آبیاری میشود.

ازنیمه تابیستم اردیبهشت‌ماه سمپاشی صیفی آغاز میگردد وهر۱۲ روز به۱۲روزکه موقع آب گیری‌است صیفی سمپاشی میشود تانزدیک دست‌آمدن‌آن فرارسد دیگر سم‌زده نمیشود.

دراین‌هنگام میتوان گندم‌راسمپاشی کرد واین سمپاشی‌میتواند درتمام‌ماه ادامه داشته باشد وحتی دنباله‌آن به‌خردادماه نیز کشیده میشود.

اردیبهشت‌ماه‌هنگام«**جودرو**» است‌چه‌درنیمهٔ‌اردیبهشت‌ماه‌دیگربه‌جوآب گرفته‌نمیشود، درنیمهٔ‌دوم‌اردیبهشت‌فصل‌دروی جوآغازمیشود ویکی‌دوروزپس‌ازآن بخرمن کردن‌جومیپردازند وخوشه‌چینی وجمع‌آوری‌خوشه هنگام‌برداشتن پشته‌آغازمیگردد، ورود غربال‌بندان بده درهمین زمان صورت میگیرد وبیش‌ازسه‌چهارروز درده باقی‌نمیمانند ودراین‌مدت‌غربال وکَم (نوعی‌ابزار کار) وامثال آن بدست آنها تعمیر ویاتهیه میشود، اگرهوا سرد باشد و یونجه هم غوره باشد برداشت چین‌اول آن دراوایل این برج انجام میگیرد. کشت چغندر نیز در اردیبهشت‌ماه ادامه می‌یابد . اگر خواسته باشند ماش بکارند در اواخر این ماه کشتش درجای جو آغاز میگردد یعنی‌پس‌از برداشت جو بدون‌آنکه جایش‌را شخم‌بزنند ماش‌درآن پاشیده وآبیاری میکنند.

***

خرداد :

خردادماه آغازفصل‌درو است ودراین‌هنگام است‌که دروگران بده‌آمده وحدود ۳۰ تا ۴۰ روز درده باقی‌مانده‌وبکار اشتغال‌میورزند، عمله‌های وجین نیز دراین‌فصل‌بده میآیند وتاپایان

وجین پنبه (حدود یکماه) درده باقی‌میمانند، گروه ناخوانده کولی وامثال آن در خرداد ماه نیز بده وارد شده پس‌ازیک اقامت چندروزه نامعین‌مجدداً بدنبال خوشه‌دانه کوچ میکنند ، دیگر به‌جو وگندم آب گرفته نمیشود ومرگ‌آب یاآخرین آب‌را بدان میگیرند ؛ اگرهراکش باشد تااوایل خرداد واگر ورکش‌باشد تانیمهٔ خرداد آبیاری میشود . وجین‌اول پنبه دراواسط خردادماه آغاز شده وسپس‌سمپاشی آن شروع میگردد .

دراوایل‌خرداد هنوزکشت ماش‌امکان‌پذیراست چه بلافاصله پس‌ازبرداشت جو بذر ماش درکلش آن ریخته شده آبیاری میشود .

***

تیر :

دروی‌گندم اگرآغاز نشده باشد درتیرماه شروع‌میشود ، فعالیت خانواده دهقانان چه ازجهت جمع‌آوری خوشه وچه‌ازجهت فراهم کردن‌سورسات دروگران‌دراین هنگام شروع میگردد، تیرماه نیزفصل پشته کشی‌است، درنیمهٔ اول‌تیرماه عمله‌های وجین‌هنوز درده بکار اشتغال‌دارند وگروه ناخوانده نیز خود میآیند وپس‌ازچندی میروند، نجار و آهنگر سالیانه کار فعالیت خود را آغازمیکنند وسلمانی وحمامی انتظارگرفتن‌سهمیه خودرا دارند.

تیرماه فصل برداشتن دسته‌پشته،خرمن کردن، وخرمن کوبی وپاتی کردن وپاك کردن وشمش‌نمودن گندم‌وجو است ، فصل‌فراوانی وارزانی گندم وجووکاه میباشد ودراین‌فصل دلالان خریدارگندم‌جهت خرید گندم‌بده میآیند، فصل‌دست‌آمدن وبرداشت‌محصول‌صیفی گرمک وطالبی وفراوانی‌آن‌ورسیدگی‌بیشتر به‌صیفی‌خربزه، فصل‌سرخرمن‌خوابیدن‌وپاسداری ازآن وآبیاری ووجین مجدد پنبه . فصل کوچین گرفتن وآغازگشایش درکار روستائیان .

***

مرداد:

دراین‌فصل گروه ناخوانده بمرورازده خارج‌میشوند ولی‌هنوزسلمانی و حمامی ونجار و آهنگر برای گرفتن کوچین وسهمیه‌خود فعالیت‌میکنندوافراد دیگری که کوچین بآنها تعلق‌میگیرد سخت درتکاپوی‌کوچین گیری هستند، برداشت محصول‌صیفی گرمک وطالبی‌هنوز ادامه دارد و دراواخر این‌برج صیفی‌لاشی شده وجای آنرا گوسفندمیزنندچه‌درصورت خوب بودن‌محصول صیفی دراواخر ودرصورت‌خوب نشدن وخوابیدن بوته‌ها دراوایل‌برج بارگیری‌صیفی اتمام‌می‌پذیرد .

اتمام برداشت خرمن وبردن گندم وجوی شمش به‌انبار اربابی، جمع‌آوری کزل خرمن وهوله کردن آن، کلش‌روبی ته خرمن توسط حمامی ویا خوش‌نشینان ده، ورود دلالان گندم‌خر برای خرید گندم بدهات، رسیدگی به‌حساب وکتاب دهقانان ازبابت زراعت، شخم‌زدن‌زمین‌های جای گندم وجو ویاصیفی که محصولش‌برداشت شده‌باشد. ادامه آبیاری پنبه ورسیدگی به‌صیفی خربزه وتحت مراقبت قراردادن آن.

***

شهریور:

دراین‌فصل زمین‌هائی که بکشت صیفی (طالبی و گرمک) اختصاص داشته‌تراکتور زده میشود وبازدن دیسک و جمع‌آوری کلش‌های جای گندم شخم پایان پذیرفته‌کشت مجدد گندم‌درنیمه دوم‌شهریورآغازمیشود وآب‌گیری‌پنبه‌نیز بپایان‌میرسد. درنیمه‌دوم شهریوربرداشت محصول‌خربزه شروع میشود، اگرپیازکشت شده باشد محصولش‌برداشت میشود، اتمام کوچین گیری‌حمامی‌وسلمانی وآغازکارنجارها چون‌بایستی‌مرتب سرصیفی حاضرشده صندوقهارا میخکوبی نماید، بهترین‌فصل گشایش‌درکار روستائیان وباصطلاح‌فصل «بره‌کشی» روستائیان.

آغازکشت یونجه - چون یونجه دردونوبت (شهریور و اسفندماه) کشت میگردد، در اواخرشهریورکار روستائیان کم‌شده واغلب بیکارهستند وفصلی‌است که‌بایستی مجدداً دهقانان را برای یکسال‌دیگربکار دعوت کنند وگرنه دیگر رعیت شناخته نمیشوند و جزء خوش‌نشینان محسوب میگردند. فصلی‌است که برعیت‌ها رتبه میدهند یعنی هرفردی میتواند بمقام‌برزگری و دم‌آبیاری ویا آبیاری برگزیده شود.

***

مهر:

مهرماه آغاز سال‌زراعی روستائی‌است و سال جدید بااولین آبی که زارعین به محصول میگیرند آغاز میشود، بهره‌برداری از محصول پنبه در مهر شروع میشود چه در اواسط مهرماه چین‌اول پنبه آغازشده وتاپایان برج پنبه‌چینی ادامه می‌یابد، کشت گندم هراکش شروع شده ودرصورت کاشته شدن پیاز،محصولش‌برداشت میگردد، برداشت محصول خربزه ادامه یافته ودر اواخر مهر آخرین برداشتش باتمام‌رسیده سپس‌بوته‌های آن‌چرانیده شده وجایش‌شخم‌زده‌میشود، اگرزمینی‌را شخم نزده باشند شخم‌زنی‌آن آغاز میگردد، آبیاری گندم وجوی هراکش شروع شده

و بمواظبت ازآن میپردازند ودرصورت اجاره‌دادن یونجه های ده به گاوداران، دیگر مدت اجاره بپایان رسیده گاوداران وشاگردان گاوداران وگاوهای آنها از ده خارج میشوند.

پشک کردن زمین ها جهت تقسیم بین بنه‌ها در اوایل مهرماه انجام می‌پذیرد و این درصورتی‌است که گندم و جوی بنه‌ها کشت نشده باشد چه قبل‌ازکشت و آبیاری بایستی زمین گندم وجو باپشک مشخص گردد ، انتخاب اعضای بنه درمهرماه صورت می‌پذیرد چه با آغاز سال زراعی‌اعضای بنه میتوانند جابجا شوند.

***

آبان :

آبان‌ماه آغاز بهره‌برداری ازچین‌دوم پنبه‌است، کشت گندم وجو هنوز ادامه دارد ولی گندم‌وجوئی که دراین هنگام کشت‌میگردد دیگرورکش‌خواهدبود، دراواخر آبان‌ته‌مانده‌چین‌دوم پنبه جمع‌آوری شده ورفته‌رفته چوبهای خشک‌پنبه‌راجهت مصرف سوخت بده میآورند، زمین های شخم‌زده شده‌را صاف مینمایند و به‌آبیاری گندم وجوی هراکش‌میپردازند و توجه بیشتری بدان مبذول‌میدارند.

برداشت چغندر دراواخر آبان آغازشده ورفته‌رفته ازحجم کار روستائیان کاسته میگردد وخودرا جهت جمع‌آوری کود وکودکشی آماده مینمایند.

***

آذر:

آذرماه آغازفصل‌زمستان روستائی‌است چه درتقویم کشاورزی این نواحی آذرماه آغاز فصل زمستان میباشد همانطورکه اسفندماه آغازفصل‌بهار نیزمیباشد. کشت گندم وجوی‌ورکش هنوز میتواند ادامه داشته باشد ولی اگر دیرتر از آذرماه کاشته شود «ورکشیده» میشود یعنی درمقابل‌سرما تاب نیاورده نابود میشود ، ممکن است قوزه پنبه‌ای بمناسبت رسیده نشدن درچین اول ودوم چیده نشده باشد دراینصورت قوزه‌های مانده‌را جمع‌آوری‌نموده وچوب های خشک‌آنرا جهت مصرف سوختی بده میآورند.

زمینهائی که بایستی بکشت پنبه اختصاص یابد کود داده میشود ، آبیاری گندم وجو ادامه یافته و بمرور از ارزش آب کاسته میشود چه باسرد شدن هوا محصول احتیاج کمتری به‌آب دارد.

***

دی :

گندم هائی که قبلاً بطور هراکش کاشته شده در دیماه سرچر داده میشود البته هرزراعتی سرچر داده نمیشود چون گندم ها کورنموده ازمیزان برداشتش بمراتب کاسته میگردد، کوددادن بزراعت دراین موقع آغاز میگردد و کود کشی وجمع آوری کود ادامه می یابد وآن درصورتی است که هوا جهت کار مساعد باشد زیرا کار دراین فصل کاملاً بوضع هوا بستگی دارد چون بمناسبت کم بودن کار انتظار مساعد بودن هوارا میکشند تادرمزارع مورد نظر بکاراشتغال ورزند وگرنه بیکار میمانند.

دردیماه یخ آب بزمین هائی که خواسته باشند شخم برنند گرفته میشود تاآب در زمین یخ زده وحشراتی که درقشر روئین زمین زندگی میکنند یخ زده ونابود شوند وبرای این منظورآب مفصلی بزمین های موردنظر گرفته میشود چون بمناسبت سرد بودن هوا آب دارای ارزش چندانی نیست واغلب هرز میگردد.

***

بهمن :

شخم زدن زمین پنبه دراواسط بهمن ماه آغاز میگردد وبستن زمین پنبه هم دراین هنگام انجام می پذیرد یعنی دراواخربهمن ماه کیل وپشته زدن جهت پنبه کاری شروع میشود، درصورت مساعد بودن هوا کود کشی وجمع آوری کود تاپایان بهمن ادامه می یابد، آبیاری جو و گندم و رسیدگی و مواظبت آنها، تمیز کردن مجراهای آب، درخت کاری و هرس کردن و پیوند زدن درختان نیز دراین هنگام انجام میگیرد، اگرخواسته باشند جو دوپر بکارند فصل کشتش بهمن ماه است چون بیشتر دهاتی که دارای آب رودخانه هستند آنرا کشت مینمایند، دراین فصل نیز آب کم ارزش است زیرا بمناسبت سردی هوا زراعت احتیاج زیادی بهآب نداشته و درنتیجه آب را روی گندم وجو هرزمیکنند تاسیراب شوند وممکن است چندین شبانه روز آب بحال خود درزمین ها رها گردد.

دراواخر بهمن ماه کارها بمرور آغاز شده وشخم زنی شروع میشود زیرا زمین ها بایستی جهت کشت زراعت بهاره آماده گردد، سرچر دادن گندم و جوی هراکش در بهمن ماه نیز مشاهده میشود.

***

اسفند :

اسفندماه آغاز فصل بهار برای روستاهای این نواحی است چه بمناسبت گرمی و مساعد بودن هوا کلیهٔ کارهای روستائی که در زمستان متوقف میگردد آغاز میشود، درصورتیکه جای محصول صیفی وپنبه شخم نخورده باشد شخم زنی آن دراین هنگام شروع میشود زمین های شخم زده شده را جهت کشت صیفی صاف مینمایند چون برای کشت صیفی بایستی زمین آنرا قبل از عید آماده نمایند وتخمه زنی آن درنیمهٔ اسفند بایستی انجام پذیرفته وآبیاری گردد، پیاز و یونجه دراین فصل کشت میگردد ، بستن زمین بنبه و صاف گیری و گوشه گیری زمین ها جهت کشت دراین موقع انجام میگیرد .

درخت کاری، هرس وپیوند درختان دراوایل اسفند نیزانجام می‌پذیرد وآبیاری گندم وجو نیزادامه دارد وازدیاد کار روستائیان فرا میرسد، گندم وجو دراین فصل نیزسرچر داده میشود البته گندم وجوئی که دارای شرایط لازم ازقبیل پرپشت بودن ، قوه دار بودن زمین و هراکشی بودن باشد .

فهرست لغات واصطلاحات کشاورزی[1]

موضوع	صفحه
آ	
آب پاکردن	۲۷۸
آب پائین‌کردن	۲۷۸
آب خوردکردن	۲۷۸
آب دست دادن	۲۷۸
آب دم بیلی	۲۶۹
آب ته دوان‌کردن	۲۷۸
آب رو آب	۲۶۹، ۲۷۹
آب ریز	۲۷۹
آب سوار شدن	۲۷۹
آب هرزکردن	۲۷۹
آبیار	۵۴، ۵۵، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۰۴، ۳۳۶، ۳۳۷
آبیار سلام	۱۵، ۱۶
آخوره	۲۹۹
آفتاب‌گردان	۲۸۹
آلونک	۱۳۸، ۴۲
آلونکی	۲۶۲
آیش	۱۰، ۱۶۵، ۱۶۶
الف	
اره کارد	۱۴۴، ۳۰۲، ۳۱۱
اسباب یراق	۳۰۲
اسبرك	۱۵۵، ۳۰۳، ۳۰۴
ب	
بارآب	۲۷۹
بارکوب	۳۰۹
بازو	۱۶۴، ۱۷۱، ۲۳۸، ۳۰۲
بیار نشستن	۱۷۰
بجن	۲۶۹، ۲۷۹، ۲۸۱
بذر	۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۰۴، ۳۳۶، ۳۳۷
آبیار سلام	۱۵، ۱۶
آخوره	۲۹۹
آفتاب‌گردان	۲۸۹
آلونک	۱۳۸، ۴۲
آلونکی	۲۶۲
آیش	۱۰، ۱۶۵، ۱۶۶
الف	
اره کارد	۱۴۴، ۳۰۲، ۳۱۱
اسباب یراق	۳۰۲
اسبرك	۱۵۵، ۳۰۳، ۳۰۴
ب	
بارآب	۲۷۹
بارکوب	۳۰۹
بازو	۱۶۴، ۱۷۱، ۲۳۸، ۳۰۲
بیار نشستن	۱۷۰
بجن	۲۶۹، ۲۷۹، ۲۸۱

۱ – فهرست لغات واصطلاحاتی که در این‌مجموعه جمع‌آوری‌گردیده درواقع لغات واصطلاحات محلی‌است زیرا دراین فهرست لغاتی‌وجود دارد که‌درشهرمعانی‌دیگری ازآن‌استنباط‌میشودولی همین‌لغات‌درده دارای‌معانی دیگری است که بصورت وسیعی درنواحی روستانشین این‌منطقه بکار برده‌میشود وچون این‌لغات‌واصطلاحات بعضی مطلقاًمربوط‌به‌امور کشاورزی و برخی متعلق بروستا وزندگی روستائی است ازاینرو بدودسته «**لغات و اصطلاحات کشاورزی**» و «**لغات واصطلاحات روستائی**» تقسیم شده‌که هریک جداگانه متذکرگردیده است .

موضوع	صفحه
برگ	۳۰۳، ۳۰۸، ۳۰۹
برزگر	۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۳۸، ۲۲۵، ۳۸۸، ۴۷۰
بسته شدن (زمین)	۵۰۸
بند	۲۶۲، ۲۷۹
بنه	۸۵، ۸۶، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۵، ۵۱۲
بوته‌بری	۱۶۹، ۱۷۰
بوجاری	۱۱۹، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶
بهاره‌کاری	۱۲۱، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۵۷، ۲۷۴
بیل آبیاری	۳۰۳، ۳۰۴
بیل اسبرکی	۳۰۴
بیل پهن	۳۰۴
بیل سمنانی	۳۰۴
بیل کاشی	۳۰۴
بیه	۲۷۹

پ

موضوع	صفحه
پا	۲۶۳
پابیل کردن	۳۰۳
پاتی	۱۶۳، ۲۲۵، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۵
پاتی کردن	۱۱۷، ۵۱۰
پاتی گری	۱۱۹
پاداش کاری	۲۸۴، ۲۸۵
پارو	۲۳۹، ۲۹۷، ۳۰۵
پاروئک	۳۱۶
پته	۲۶۲
پر	۲۹۹
پرند	۱۶۴، ۲۶۳، ۲۷۹، ۴۹۲
پشته	۱۶۹، ۲۴۷، ۲۶۲، ۳۱۴، ۵۰۹، ۵۱۳
پشته کشی	۸۷، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۵۴، ۲۲۵، ۲۸۸، ۲۹۹، ۴۷۰، ۵۱۰
پشکه	۱۳۸، ۲۳۵، ۲۵۳
پشک کردن	۲۴۷، ۵۱۲
پی‌آبی	۱۱۹
پیاز کبابی	۱۷۱
پیش‌آسانه	۳۰۹
پیش‌آور	۲۶۳
پنج کوت	۲۰۴
پی‌باری	۱۱۶، ۱۲۲
پیچک	۱۵

ت

موضوع	صفحه
تخته ماله	۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۳۱۵
تخمه زنی	۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۴
تره‌بار	۱۶۹
تلخک	۱۵، ۱۶
تند دیدن	۴۴۹
توبره پشتی	۳۰۵

موضوع	صفحه
ته‌چر	۲۸٤
ته‌کوت	۲۰٦
ته‌گاوخوان	۲٦۳
تیر (طالبی)	۱۷۰
تیغ شتری	۱۵
ج	
جاروخرمنی	۳۰۵، ۲۹۷
جام	٤۹۳، ۳۰۷، ۳۰٦، ۲۸۸، ۲۳۹، ۱۵۵
جام پاتی	۳۰۷، ۳۰٦، ۲۹۷، ۲۸۹، ۱۵۵
جام کلشی	۳۱٤، ۳۰۷، ۲۸۷، ۱۵۵
جوال	۳۰۷
جوالدوز	۱٤٦
جوالدوزدان	٤٦۹، ۱٤۷، ۱٤٦، ۱٤۵
جره (بیل)	۳۱٤، ۳۰۳
جره (خربزه)	۱۷۰
جودرو	۵۰۹
جوت	۳۰۷، ۳۰۳، ۳۰۲، ۲٦۰، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۵۷، ۳۰۹، ۳۰۸
جوکه	۲٦۳
جمع کشی	۳۷٦، ۲۹۹، ۲۰۵، ۲۰٤، ۱۱۹
چ	
چال طاق	۱۵
چتری‌شدن	۱۷۰
چشمه(تور)	۳۱۲
چهار بیله	۲٦۷
چهارشاخ	۳۰۹، ۳۰۷، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۳۹
چهارکوت	۲۸٤، ۲۲۵، ۲۱۳
چی‌لی ککک	۱۱۸
ح	
حقابه	۲۸۰، ۲۷۰، ۲٦۹، ۱۱۹
حلقه زره	۳۱٤، ۳۰۹، ۱٤٤

موضوع	صفحه
خ	
خاك‌آب	۲۸۰، ۲۵۸، ۲۵۷
خصیل	۱٦۹
خوابیدن (بوته)	۱۷۰
خورده	٤۹۳، ۲۹۹، ۲۹۱
خورده کنار کردن	۲۹۹
خورده گردان	۲۹۹
خوره	۱، ۲۵۳، ۲٤، ۲٤۰، ۲۳۷، ۱۲۳، ۱۱۹، ۱۰۷، ٤۹۲، ۲۸۸، ۲۷۹، ۲۷٤، ۲٦۹، ۲٦۸، ۲۵۵
خوش‌نشین	۱۱۹۰، ۱۱۰۰، ۱۰۹۰، ۸۸۰، ۸۷۰، ۸٦۰، ۸۳۰، ۵۵، ۱۵۰۰، ۱٤۹، ۱٤۲، ۱٤۱، ۱۳٦، ۱۲۳، ۱۲۱، ۵۱۱، ۲۸۷، ۱٦۱
خوشه چین	۱٦۰، ۱۵۹، ۱۵٤، ۱۵۳، ۱۵۰، ۸٦، ۸۲، ۵۰۹، ۳۱۸
خیش	۳۰۲، ۲۵۷
د	
داس	۳۱۱
داغ‌آب	۲۸۰، ۲٦۹
دان‌آب	۲۸۰
در قلاب بودن	٤۹۳
درك	۲٦۲، ۱۷۱
دروگر	۱۲۷، ۱۲٦، ۱۲۵، ۱۲٤، ۱۱۷، ۹۸، ۷٦، ۵۱۰، ۵۰۹، ۲۹۵، ۲۹٤، ۲۸۵، ۲٦٦، ۲۲۵، ۱۳۸
دره	۲۷۰
دم‌آبیار	۱۱٦، ۱۰۹، ۸۹، ۸۷، ۸٦، ۸۵، ۵۳، ۵۱، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰٤، ۲۰۱، ۱۱۹، ۱۱۷، ۲۸۰، ۲۷۷، ۲۳۸
دست پیش‌آور	۲۸۰
دستگیره	۳۱۰، ۲۸۷، ۲۳۹، ۱۵۵
دستقاله	۳۱۱، ۱۳۵
دستنبو	۱٦۹

موضوع	صفحه
دسته پشته	۲۳۹،۲۸۷،۲۹۹،۳۰۱،۳۰۵،۵۱۰
دشتبان	۱۵۱،۲۰۴،۲۰۵،۲۳۱،۳۳۶
دمباب	۲۸۰
دم روباهی	۱۵،۱۶
دوبیله	۲۶۷
دوپر	۵۱۳
دوشاخ	۳۱۴،۴۹۳
دوکوت	۲۵۶
دوهول	۲۹۹
دیرك	۲۵۷،۲۶۰ ،۳۰۲،۳۰۳،۳۰۸
دیم‌کار	۱۲۵

ر

راسته‌کردن	۲۷۹
رشوه‌دادن	۲۶۲
رنگ	۵۰۸
رنگ‌ریزی	۲۲۵،۵۰۸
روآمدن	۷
روانه	۳۰۹
رونکی	۱۴۶،۱۴۷

ز

زخم‌آب	۱۶۹،۱۷۰
زمین‌کاله	۲۶۲
زمین‌نگیر	۲۶۲
زه‌آب	۲۷۲
زه‌کش	۱۶۵،۱۶۷

س

سانسوری	۱۷۰
سبزیکار	۱۴،۸۴،۸۵،۸۷،۸۹،۱۰۹،۱۲۱، ۱۲۲،۱۲۳،۱۳۸،۲۲۴،۲۵۶،۲۷۴
سرباری	۱۷۰
سرکردن	۱۵۰،۱۵۳،۲۴۰،۳۱۰

موضوع	صفحه
سایبانه‌کار	۱۴۴،۱۵۱،۱۵۶
سربند	۱۲۰
سربنه	۸۶ ،۱۶۶،۲۷۵
سرچر	۱۶۷،۱۷۱،۲۰۳،۲۸۴،۲۹۹،۴۹۲ ،۵۰۸، ۵۱۳،۵۱۴
سرخه	۲۶۲
سرگاوخوان	۲۶۳
سم‌چل	۲۶۲،۲۸۳،۴۹۲
سیاه‌خاك	۲۶۲
سیریم	۳۰۷
سیم‌چوب	۲۹۲،۳۰۲
سنگ	۱۲۳،۲۳۷،۲۶۸،۲۷۱،۲۷۲،۲۸۰
سه‌بیله	۲۶۷
سوتی	۱۵
سورسات	۲۲۵،۲۹۵،۵۱۰
سه‌کوت	۱۲۱،۲۰۹ ،۲۱۰،۲۱۲،۲۱۳،۲۹۵
سینه خاك	۱۶۹،۱۷۰

ش

شانه	۲۶۰،۳۱۱
شاه‌جوی	۲۸۰
شخم‌آب	۲۸۰
شفره	۱۴۴،۲۳۹،۳۱۱
شقه	۲۶۲
شکرآب	۱۶۹،۱۷۰،۲۸۰
شمش	۱۴۵،۱۵۹،۲۹۷،۳۰۱،۵۱۱
شمش‌ببر	۱۶۸
شمش‌کردن	۲۹۶
شمش نمودن	۵۱۰
شمشیرك	۳۰۲
شور (گیاه)	۱۵
شور (زمین)	۲۶۲
شورگرفتن	۲۸۵
شوره خاك	۲۶۲

موضوع	صفحه
شهری	۱۶۹
ص	
صاحب نسق	۲۳۶،۲۳۷،۲۵۳
صابونی	۱۶۹
صیفی کار	۱۲۲،۱۲۳
ط	
طاق	۲۶۹،۲۷۰،۲۷۴،۲۸۰
طالبی هشت خط	۱۷۰
طناب خور	۷
طناب قییش	۱۱۸،۱۲۰،۲۳۹،۲۸۷،۲۸۸،۳۱۲
طور	۳۱۲
ع	
علف جر	۲۱۳،۲۸۳،۲۸۴
عقربه	۳۰۹
غ	
غربال بند	۱۳۲،۵۰۹
غوره	۱۷۲،۵۰۹
ق	
قداره	۲۳۹،۳۱۳
قراول زدن	۱۶۹،۱۷۰
قمی کار	۷۶،۱۲۳،۲۲۳
قوزه	۱۷۰،۵۱۲
ك	
کاس آب	۲۸۰
کاس جوی	۲۶۹
کالک	۱۶۹،۱۷۰
کاله	۴۹۳
کزل	۲۹۰،۲۹۶،۲۹۹،۳۰۰،۴۹۳،۵۱۱
کشار	۱۶۴،۴۹۲،۴۹۳
کشار زدن	۲۶۳،۲۸۰

موضوع	صفحه
کلدر	۱۱۹،۱۶۴،۱۶۹،۲۳۹،۲۵۷،۲۵۸ ۲۵۹،۳۱۳،۳۱۴،۵۰۸
کلدر کشی	۲۳۹
کلش	۱۴۹،۱۵۳،۱۵۴،۲۸۷،۲۸۸،۲۹۹،۳۰۱، ۵۱۰،۵۱۱
کلش کن	۲۳۹،۳۱۴
کلوخ کوب	۳۱۵
کم وتخته	۲۸۱
کناره کار	۸۴،۸۵،۸۷،۸۹،۱۰۹،۱۱۶،۱۲۰،۱۲۱، ۱۲۲،۱۷۳
کناره کاری	۱۶۵،۱۹۴،۱۹۵،۲۱۳،۲۱۶،۲۴۱،۲۷۴،
کند	۲۵۸
کوجین	۱۳۰،۱۳۱،۱۴۴،۱۴۹،۵۱۰
کوچین گیر	۱۵۱،۱۵۶،۱۵۹،۱۶۱،۵۱۰،۵۱۱
کور کردن	۵۰۸،۵۱۳
کول	۴۲،۴۳،۱۶۷،۲۷۲،۲۷۳،۲۷۵
کیل	۱۶،۲۶۲،۲۶۳،۴۹۲،۵۰۳
کیل وپشته	۱۶۴،۱۶۹،۱۷۱،۲۵۷،۲۷۹،۵۰۸
گ	
گاو آمدن	۲۶۲
گاوران	۲۸۷،۲۹۱،۳۱۵
گاوبند	۱۰۹،۱۱۱،۱۱۲،۱۱۴،۱۳۷، ۱۴۱،۲۳۷، ۲۳۹،۲۶۵،۲۶۶
گاوکش	۲۹۲،۲۹۳،۳۰۸،۳۰۹
گاویاری	۱۱۹،۲۵۷،۲۵۸،۲۶۳
گرده	۳۰۹
گل	۲۶۲،۲۸۱
گل آب	۲۸۰،۲۸۱
گندم ببر	۳۰۰،۳۰۱
گندم شمش	۱۳۸،۲۰۴،۲۳۹،۲۹۷،۲۹۹
گنگ	۲۸۱
گوشه بندی	۱۱۹
گوشه گیری	۵۱۴

موضوع	صفحه
ل	
لات	۲۸۱
لات مالاندن	۲۸۱
لاشی	۵۱۰
لایی	۲۵۷
لت	۱۶۹
لت‌آب	۱۶۹،۱۷۰،۲۸۱
لت گذاردن (درلت‌گذاردن)	۱۷۰
م	
مادر چاه	۷
ماسونک	۱۵ ،۱۶
ماله	۲۵۸،۳۱۵
مرز	۱۰،۱۰۱،۱۱۷،۱۶۴،۱۷۰،۲۳۸،۲۳۹، ۲۴۰،۲۴۷،۲۵۷،۲۵۹،۲۶۰،۲۶۱،۳۱۳، ۳۱۵،۳۱۶
مرزکشی	۵ ۱۱۹،۲۵۸،۳۱۴،۱۳۵،۳۱۶
مرگ‌آب	۲۸۱،۵۱۰
مشته	۳۰۳،۳۱۴
میان‌خوره	۲۸۱
میل	۳۰۹
میلک	۳۰۷
ن	
نرک	۱۶۹
نرند	۲۶۳
نسق	۲۳۳،۲۳۴،۲۳۶،۲۳۷

موضوع	صفحه
نسق بندی	۲۳۳،۲۳۴،۲۳۵
نسق‌دادن	۱۱۷
نشازدن	۱۵
نصفه‌کار	۸۵،۱۲۲،۲۵۴
نصفه‌کاری	۲۱۰،۲۲۴،۲۵۴،۲۵۵،۲۵۶،۲۵۷
نهردرآر	۵۰۸
نیاره	۲۶۹،۲۸۱
نیش‌زدن	۵۰۸
و	
ورکش	۱۶۷،۲۹۹،۵۱۰،۵۱۲
ه	
هتک	۳۱۲
هراکش	۱۶۷،۲۸۳،۲۹۹،۵۱۰،۵۱۱،۵۱۲، ۵۱۳،۵۱۴
هرزآب	۲۸۱
هرزبان	۲۸۱
هوله	۲۹۰،۲۹۶،۴۹۲
هوله‌کردن	۲۹۹،۳۰۰،۵۱۱
هولوکه	۳۰۳
ی	
یخ‌آب	۲۸۱،۵۱۳
یراق	۱۵۵،۲۳۹،۲۵۷،۳۰۲،۳۰۳،۳۰۸
یک‌کوت	۲۵۶
یال‌ول‌کردن	۲۶۳

فهرست لغات و اصطلاحات روستائی

موضوع	صفحه
آ	
آجلون	۷۱
آغز	۳۱۹،۴۶۲
آغل	۵۱،۵۳،۵۶،۵۷،۶۶،۶۷،۷۲،۷۳،۷۴
الف	
اسب	۳۷۵،۳۷۶،۳۷۷،۳۷۸،۳۷۹،۳۸۰
ب	
بادخوشو	۱۴
بامبک	۳۵۴
بند	۳۷۸
بوقه	۳۲۱،۳۲۲
بوک	۳۷۶،۳۷۷،۳۷۸،۳۸۰
پ	
پاشیر	۶۵
پاطوق	۴۴۶
پاقلمه	۳۷۹
پسینه	۵۵،۵۶،۵۷
پوکاله	۴۷۹
پیش	۳۸۱
پیش‌خوان	۶۳،۶۴
پنج‌دوک	۳۴۹
ت	
تاپاله	۵۷،۷۵،۴۷۹، ۴۸۰،۴۸۸
تخته ورزنه	۱۵۸
ترنا	۳۳۹

موضوع	صفحه
تلکه‌گیر	۳۷۶،۳۷۷
تنگ	۱۴۷
تون	۶۳
تون‌تاب	۶۳
تیره	۳۸۱
تی‌لی سه	۳۲۲
ج	
جفت	۳۸۱
جوراب‌تخت	۴۷۱
جهنم	۶۳
جیک	۳۷۶،۳۷۷،۳۷۸،۳۸۰
جیکل‌بوکل	۳۸۰
چ	
چرچری	۳۵۲
چرخک	۳۵۴
چس‌خورک	۳۶۹
چهارپادار	۱۴۵ ،۱۶۴،۴۶۹
چهارپاشنه	۱۴۷
چهارقاپ	۳۷۹
چوپ توپ	۳۵۳
چول	۳۸۲
چینه	۴۲،۵۱
ح	
حلوا چهارسو	۳۶۶
خ	
خاتون پنجره	۴۶۲،۴۶۴

موضوع	صفحه
خر	۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰
خرفشنگ	۱۴۷
خلبر	
د	
دوبز	۳۷۷
دوغ آبه	۵۵
دم	۴۴۶
دوك	۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰
ر	
راسته خوانی	۴۴۶
رونکی	۱۴۶، ۱۴۷
ریزدن	۴۴۶
ز	
زوئی	۳۵۱
زمینه	۴۴۶
زیردم	۴۴۶
زیر وبارو خوانی	۴۴۶
زیکه	۳۵۴
س	
سربینه	۶۱، ۱۴۹
سرکش	۱۴۷
سلف خر	۱۱۱
سنگ تقتقه	۳۳۹، ۳۷۱
سنگین زدن	۴۴۶
سه قاپ	۳۷۶، ۳۷۷
سیخونك	۱۴۶
سینجونی	۱۴۶، ۱۴۷، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۸۱
ش	
شکولی	۳۸۰
شیرك دوش	۳۶۳

موضوع	صفحه
ع	
عرقچین	۴۸۴
عرقچینك	۳۶۵
ق	
قاتمه	۱۴۶
قاق	۳۸۱
قسر	۳۲۲
قشو	۱۴۷
قلعه	۳۷۹
قلعه‌شك (قلعه موشك)	۳۷۹
قلق	۳۸۱
قورمه	۴۶۱
قیماق	۴۶۲
ك	
کاسه کوزه‌دار	۴۷۷
کاه نشخوار	۴۷۹
کج بیل	۱۵۸
کلاه بردونك	۳۶۵، ۳۶۶
کمَ	۲۹۰، ۲۹۷، ۳۱۲، ۵۰۹
کمُ	۱۴۷
کول	۴۲، ۴۳، ۱۶۷، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵
گ	
گردو	۳۵۴
گردوزدن	۳۵۴
گلچه‌زدن	۴۹۰
گل کمر	۴۸۲
گورماست	۱۴۸

موضوع	صفحه
گوش پیچونک	۳۷۳
گوش فی‌تی‌لک	۳۷۳،٤۷٤
گوش‌فیل	٤٦۲،٤٦۳
ل	
لپرلپر	۳٤۸
لوکه	۱٤۷
ایس پس‌لیس	۳۸٤
م	
ماك	۳۱۹،٤٦۲
مگس‌پران	۱٤۷
مملی‌شاه	۳٦۹
مملی‌گو	۳٦۲
میخک	۳٦٤
ن	
نقش	۳۷۷
و	
ورزنه	۱۵۸
ه	
هرقه	۳۷۹
ی	
یخه	٤٦۲،٤٦۳
یرقه	۱٤۷
یك دوك	۳٤۸

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
دیباچه	یک
مقدمه	چهار
پیشگفتار مؤلف	نه
فصل اول	
جغرافیا و تاریخ	
مشخصات جغرافیائی	۱
شناسائی اجمالی	۳
ناهمواری	٤
کوهها	٤
رودها	٥
چهره زمین	٦
منظره کلی	٦
تشکیلات آبر فتی	۷
مشخصات خاك	۹
آب وهوا	۱۱
باران	۱۲
یخبندان	۱۳
باد	۱٤
نباتات	۱٥
جانوران اماکن مسکونی	۱٦
پستانداران	۱۷
حیوانات آب‌زی	۱۷
پرندگان	۱۸
حشرات	۱۹
پیدایش نام	۲۰

موضوع	صفحه
تاریخ شهر ری	۲۱
آب شهر	۲٤
محصولات	۲٥
ورامین	۲۷
تاریخ طالب آباد	۲۹
تپه طالب آباد	۳۰
منابع تاریخ	٤۰
فصل دوم	
شکل سکونت	
شکل سکونت	٤۱
اماکن بیرونی	٤۲
آلونک	٤۲
باغ	٤۲
گاراژ	٤۲
غسالخانه	٤۲
کوره کول	٤۲
مرغدانی	٤۳
دبستان	٤۳
اماکن درونی	٤٦
توصیف قلعهٔ طالب آباد	٤٦
وضع خانه‌ها	٤۸
مستراح	٥۱
چاه آب	٥۱

موضوع	صفحه
اطاق مسکونی	۵۵
پسینه	۵۶
کاه انبار	۵۶
منزل اربابی	۵۷
مسجد	۵۹
حمام	۶۱
دکه بقالی	۶۳
آب انبار	۶۴
تنور	۶۵
آغل	۶۶
انبار	۶۸
گاودانی	۶۹
آشیانه پرندگان	۷۱
آجلون	۷۱
لانه کبوتر	۷۱
لانه لکلک	۷۲

فصل سوم

ساختمان جمعیت

ساختمان جمعیت	۷۵
شماره جمعیت	۷۵
توزیع جنسی وسنی	۷۹
جمعیت فعال وغیرفعال	۸۲
توزیع شغلی	۸۳
دهقان	۸۴
دهقان رعیت	۸۵
دهقان کناره‌کار	۸۵
دهقان سبزیکار	۸۵
خوش‌نشین	۸۶
حرکات جمعیت	۹۰

موضوع	صفحه
ازدواج	۹۰
طلاق	۹۲
تعداد ازدواج	۹۴
محل تولد وازدواج	۹۵
مهاجرت	۹۶
مهاجرت دائمی	۹۷
مهاجرت موقتی	۹۸
مهاجرت فصلی	۹۸
ولادت	۹۸
محل تولد رئوسای‌خانوار	۱۰۰
محل تولد همسران رئوسای خانوار	۱۰۱
مرگ ومیر	۱۰۳
افزایش جمعیت	۱۰۵

فصل چهارم

گروهها و قشرها

ترکیب جامعه :	۱۰۹
ارباب	۱۱۰
ارباب ده طالب‌آباد	۱۱۱
گاوبند	۱۱۲
کدخدا	۱۱۴
مباشر	۱۱۵
رعیت	۱۱۵
آبیار	۱۱۶
دم‌آبیار	۱۱۷
برزگر	۱۱۹
کناره‌کار	۱۲۰
باغبان	۱۲۱
سبزیکار	۱۲۲
قمی‌کار	۱۳۳
گروه دعوتی	۱۲۴
دروگر	۱۲۴

موضوع	صفحه
عمله و جین	۱۲۷
گروه ناخوانده	۱۲۹
قشر بی‌زیان	۱۳۲
غربال بند	۱۳۲
قشربازیان	۱۳۳
روابط بین‌گروههاو قشرها	۱۳۶
روابط ارباب ورعیت	۱۳۶
روابط کدخدا و ده‌نشینان	۱۳۷
روابط همکاران‌باهم	۱۳۷
روابط سالخوردگان و جوانان	۱۳۹
روابط‌با دهات اطراف	۱۴۰
خوش‌نشین	۱۴۱
آخوند	۱۴۳
آهنگر	۱۴۴
بقال	۱۴۴
تراکتوردار	۱۴۵
چهارپادار	۱۴۵
چوپان	۱۴۸
حمامی	۱۴۸
خانه‌دار	۱۵۰
دروازه‌بان	۱۵۰
دشتبان	۱۵۱
سلمانی	۱۵۱
شیرکش	۱۵۲
قصاب	۱۵۲
کارگر روز مزد	۱۵۳
کفش‌دوز	۱۵۴
گاوچران	۱۵۴
معلم	۱۵۵
نجار	۱۵۵
نوکر ارباب	۱۵۶
نان‌پز	۱۵۶
خوشه چین	۱۵۹
کوچین‌گیر	۱۵۹

فصل پنجم
کشاورزی

موضوع	صفحه
کشاورزی	۱۶۳
کشاورزی کهنه و قدیمی	۱۶۳
کشاورزی جدید	۱۶۴
پراکندگی زمین‌ها	۱۶۵
زمینهای زیرکشت	۱۶۵
زمینهای زیر آیش	۱۶۶
زمینهای کویری	۱۶۶
زمینهای متفرقه	۱۶۷
کشت نباتات	۱۶۷
گندم	۱۶۷
جو	۱۶۸
صیفی	۱۶۹
اصطلاحات صیفی‌کاران	۱۷۰
پنبه	۱۷۰
چغندر	۱۷۱
پیاز	۱۷۱
یونجه	۱۷۲
پراکندگی کشت	۱۷۲
سطح زیرکشت بنه‌ها	۱۷۳
سطح زیرکشت سالهای ۴۱-۱۳۳۸	۱۷۶
نقشه‌های کشاورزی	۱۷۸
برداشت محصول	۱۸۶
میزان برداشت گندم وجو	۱۸۶

موضوع	صفحه
میزان برداشت زراعت بهاره	۱۸۸
برداشت محصول متفرقه	۱۸۹
وضع زراعت بهاره	۱۹۲
زمینهای مزروعی خارج ازبنه‌ها	۱۹۴
ارزش نهائی کلیه محصولات	۱۹۵
وضع زیر کشت و برداشت محصولات -	
در سال ۳۹-۱۳۳۸	۱۹۶
« ۴۰-۱۳۳۹	۱۹۶
« ۴۱-۱۳۴۰	۱۹۷
« ۴۲-۱۳۴۱	۱۹۷
« ۴۳-۱۳۴۲	۱۹۸
« ۴۳-۱۳۳۸	۱۹۸
« ۴۴-۱۳۴۳	۲۰۰
مقایسه برداشت	۲۰۱
طرز تقسیم محصول	۲۰۴
طرز تقسیم زراعت (گندم جو)	۲۰۴
تقسیم محصول بطریق قدیم	۲۰۴
تقسیم محصول بطریق جدید	۲۰۸
طرز تقسیم محصول بهاره	۲۱۰
خلاصه تقسیم محصول	۲۱۳
درآمد وحقوق دهقانان	۲۱۳
واحدهای زیرکشت	۲۱۷
برداشت محصول واحدهای زیرکشت	۲۱۸
برداشت محصول خارج از بنه‌ها	۲۱۹
ارزش فراورده‌های روستائی بنه‌ها	۲۲۰
ارزش فراورده‌های خارج از بنه‌ها	۲۲۱
جمع ارزش فراورده‌ها	۲۲۲
ارزش فراورده‌های سهم دهقانان	۲۲۳
ارزش فراورده‌های سهم دهقانان خارج بنه‌ها	۲۲۳
بنه قمی	۲۲۳
باغ بالا	۲۲۴
باغ پائین	۲۲۴
سبزیکاری	۲۲۴
مخارج بنه‌های ده‌طالب‌آباد در سال ۴۱-۱۳۴۰	۲۲۵

موضوع	صفحه
درآمد سالیانه وروزانه دهقانان	۲۲۸
مقایسه دستمزها	۲۲۹
درآمد ومخارج	۲۳۰
مخارج	۲۳۱
وضع فروش فرآورده‌های کشاورزی	۲۳۲
فصل ششم	
کشاورزی (بقیه)	
نسق	۲۳۳
صاحب‌نسق	۲۳۶
بنه	۲۳۷
راهنمای پراکندگی زمینهای مزروعی بنه‌ها	۲۴۲
پشک کردن	۲۴۷
مالکیت	۲۴۸
اصلاحات ارضی در ده طالب‌آباد	۲۵۲
میزان اجاره ده	۲۵۳
اجاره‌داری	۲۵۴
نصفه کاری	۲۵۵
شخم	۲۵۷
اصطلاحات زمین	۲۶۲
اصطلاحات زمین‌بندی	۲۶۲
اصطلاحات گاویاری	۲۶۳
تراکتور	۲۶۴
تراکتوردر گاوبندی	۲۶۵
آبیاری	۲۶۸
آبیاری ده طالب‌آباد	۲۷۱
قنات شور	۲۷۱
قنات شیرین	۲۷۲
آبیاری دیم	۲۷۸
اصطلاحات آبیاری	۲۷۸
واحدکشت	۲۸۲
واحدوزن	۲۸۳
علف چر	۲۸۳

موضوع	صفحه
پاداش کاری	۲۸٤
مبارزه با آفات نباتی	۲۸۵
کود شیمیائی	۲۸٦
خرمن	۲۸٦
مخارج سر خرمن	۲۹۵
ابزارهای کشاورزی	۳۰۲
دامپروری	۳۱۷
الاغ	۳۱۷
گوسفند	۳۱۷
گاوداری	۳۲۰
اسب	۳۲٤

فصل هفتم

تأسیسات اجتماعی

فرهنگ	۳۲۵
تعلیم وتربیت	۳۲۵
مطالعه کتاب روزنامه و مجله	۳۲۹
فعالیت‌های فرهنگی	۳۳۰
شنیدن رادیو	۳۳۰
رفت وآمد به شهر	۳۳۱
مذهب	۳۳۲
مذهب وسازمان مذهبی	۳۳۲
تأثیر مذهب در زندگی مردم	۳۳٤
سازمانهای اجتماعی	۳۳۵
قدرت وسازمانهای قدرتی	۳۳٦
ژاندارم	۳۳۷
دهیار	۳۳۸
شورای ده	۳۳۸
اوقات فراغت	
تفریحات عمومی (بازی‌ها)	۳۳۹

موضوع	صفحه
آفتاب مهتاب چه رنگه	۳٤۰
دوزبازی	۳٤۰
ریگ‌بازی	۳٤۱
لی‌لی	۳٤۱
اوسابدوش	۳٤۲
بازی پنجره	۳٤۳
گرگم بهوا	۳٤۳
گرگم و گله میزنم	۳٤٤
قایم‌باشک	۳٤٦
اتل متل توتوله	۳٤۷
بازیهای باسنگ	۳٤۸
لپرلپر	۳۳۸
یک دوک	۳٤۸
پنج‌دوک	۳٤۹
بازیهای با چوب	۳۵۰
الک‌دولک	۳۵۰
الک دولک زوئی	۳۵۱
الک دولک چرچری	۳۵۲
بازیهای با توپ	۳۵۳
چوب توپ	۳۵۳
بامبک (زی‌یک)	۳۵٤
چرخک (گردو)	۳۵٤
بازی حسن کمال	۳۵۵
شلاق بازی	۳۵٦
اینجا بذارم گربه میبره	۳۵۷
بازی لبو داغه لبو	۳۵۸
عمو زنجیرباف	۳٦۰
دختره گریه میکنه	۳٦۱
ململی‌گو	۳٦۲
داج‌وال	۳٦۲

موضوع	صفحه
دستمال‌آبی	۳۶۳
بازی میخک	۳۶۴
بازی عرقچینک	۳۶۵
کلاه بردونک	۲۶۵
سه پایه (حلواچهارسو)	۳۶۶
جفتک چارکش	۳۶۷
چس‌خورک	۳۶۹
چال مال خدا (ململی‌شاه)	۳۶۹
چه‌رنگ چه رنگ	۳۷۰
سنگ تق تقه	۳۷۱
باقالی بچندمن	۳۷۱
گوش فی‌تی‌لک (گوش‌پیچونک)	۳۷۳
هرکاری‌کونک	۳۷۴
بازی زوری	۳۷۴
بازیهای با قاپ	۳۷۵
شاه وزیری	۳۷۵
سه قاپ	۳۷۶
قلعه‌شک (قلعه‌موشک)	۳۷۹
جیکل بوکل	۳۸۰
شکولی	۳۸۰
قمارهای سبک	۳۸۱
گردوبازی	۳۸۱
هسته‌خرمابازی	۳۸۲
مدادبازی	۳۸۲
طاق یا جفت	۳۸۲
شیریاخط	۳۸۳
وجبی	۳۸۳
لیس پس‌لیس	۳۸۴
کبوتر بازی	۳۸۴
سرگرمی‌های مردان	۳۸۵
آفتاب نشستن	۳۸۵
زیر چادر جمع شدن	۳۸۵
بمسجد رفتن	۳۸۶
شب نشینی	۳۸۶
کتاب خواندن	۳۸۶
قهوه‌خانه رفتن	۳۸۷
سرگرمی‌های زنان	۳۷۸
مشاهده بقچه لباس	۳۸۸
جمع شدن سر تنور	۳۸۸
رفتن بخانه همسایه	۳۸۸
جمع شدن سرکوچه	۳۸۸
مسجد رفتن	۳۸۸
روضه‌رفتن	۳۸۹
مقابله رفتن	۳۸۹
آب‌آوردن	۳۸۹

فصل هشتم

آداب و رسوم

موضوع	صفحه
خرافات و اعتقادات	۳۹۱
اعتقادات خرافی	۳۹۱
اعتقاد به موجودات فوق طبیعی	۳۹۲
جن	۳۹۲
غول	۳۹۲
پری	۳۹۳
دیو	۳۹۳
معتقدات پراکنده	۳۹۳
آبجوش واجنه	۳۹۳
انار بهشت	۳۹۳
باد	۳۹۳
باران	۳۹۴
بختک	۳۹۴
باران وزائیدن‌گرگ	۳۹۴

موضوع	صفحه
تخم مرغ شکستن	۳۹٤
جهنم	۳۹٤
چشم‌درد	۳۹۵
حاضر کردن افراد	۳۹۵
خواندن مرغ	۳۹۵
تخم دوزرده	۳۹۵
سگ وظرف	۳۹۵
لیسیدن گربه	۳۹۵
گربه سیاه	۳۹٦
ماه وسبزه وآب	۳۹٦
دورانداختن سبزه	۳۹٦
پیداشدن گمشده	۳۹٦
مار صاحب‌خانه	۳۹٦
ستاره مار	۳۹٦
مار وعقرب	۳۹٦
پوست مار وچشم درد	۳۹۷
مارمولک وشمارش دندان	۳۹۷
ستاره‌ومرگ	۳۹۷
ناخن گرفتن	۳۹۷
همزاد	۳۹۷
آداب در خزینه حمام	۳۹۸
اعتقادات مذهبی	۳۹۸
حضرت خضر	۳۹۸
ملائکه مأمور	۳۹۹
پاداش اعمال	۳۹۹
مکان پس‌ازمرگ	۳۹۹
خیرات	۳۹۹
نذرها	٤۰۰
نذرموها	٤۰۰
نذر چشم	٤۰۱
نذر حیدری	٤۰۱

موضوع	صفحه
وانیکاد	٤۰۱
انواع سفره‌های نذر	٤۰۱
سفره مادر ابوالفضل	٤۰۱
« حضرت عباس	٤۰۲
« حضرت‌علی‌اصغر	٤۰۲
« حضرت رقیه	٤۰۳
« بی‌بی سه‌شنبه	٤۰۳
« حضرت زینب	٤۰۳
آش پشت‌پا	٤۰۳
آش امام زین‌العابدین	٤۰۳
سمنو	٤۰٤
شل‌زرد	٤۰٤
روزه ومراسم‌آن	٤۰۵
عیدفطر	٤۰٦
زیارت رفتن	٤۰۷
آداب ورسوم زیارت رفتن	٤۰۸
اعتقادات پزشکی	٤۱۰
سوختگی	٤۱۰
گریه کودک	٤۱۰
استفراغ	٤۱۰
دواها	٤۱۰
چشم‌درد	٤۱۱
تب	٤۱۱
حب خواب	٤۱۱
نرز	٤۱۱
دندان‌درد	٤۱۲
گوش درد	٤۱۲
پستان‌درد	٤۱۲
رفع امراض در بیماری	٤۱۲
دل‌درد	٤۱۳
درد زائو	٤۱۳
دودکردن اسفند	٤۱۳

موضوع	صفحه
تخم مرغ شکستن	٤١٤
جشن‌ها واعیاد	٤١٥
اعتقاد مربوط بزندگی فردی	٤١٥
ازدواج	٤١٥
بله‌برون	٤١٥
شیرینی‌خوران	٤١٦
عقد	٤١٧
آداب ورسوم عقدکنان	٤١٨
دعوت	٤١٨
خنچه عقد	٤١٨
آئینه چراغ	٤١٨
قرآن	٤١٩
اطاق عقد	٤١٩
سفره عقد	٤١٩
لباس عقد	٤١٩
شرایط دخول به اطاق عقد	٤٢٠
جاری شدن صیغه عقد	٤٢٠
وضع عروس هنگام ادای صیغه عقد	٤٢٠
پایان عقد	٤٢١
فاصله بین عقد وعروسی	٤٢١
جشن عروسی	٤٢١
جاهل جمع کنی	٤٢٢
حنا بختک	٤٢٢
ساقدوش شدن	٤٢٣
مطرب	٤٢٣
سرگذاردن (عرقچین گذاردن)	٤٢٤
پیشواز رفتن داماد	٤٢٤
پاتختی	٤٢٥
بردن عروس و بستن در قلعه	٤٢٥
زایمان ومراسم آن	٤٢٥
حمام زایمان	٤٢٧
چله افتادن	٤٢٨

موضوع	صفحه
چله‌بری	٤٢٨
نظر قربانی	٤٢٩
آل وآل‌زدگی	٤٣٠
ختنه سوران	٤٣١
گوش سوراخ کردن	٤٣١
اعتقاد مربوط بزندگی جمعی	٤٣١
عید نوروز	٤٣١
چهارشنبه سوری	٤٣٢
آداب و رسوم نوروز	٤٣٤
هفت‌سین	٤٣٤
شیر برنج	٤٣٤
ماست وپنیر	٤٣٤
آش رشته	٤٣٥
شیرین پلو	٤٣٥
کوکو	٤٣٥
کوکوماهی	٤٣٥
چراغ	٤٣٥
قاشق زنی	٤٣٥
فال‌گوشی	٤٣٦
سیزده بدر	٤٣٧
عیدعمر	٤٣٧
عید قربان	٤٣٨
ولادت حضرت حجت	٤٣٩
خرج‌دادن	٤٣٩
عزاداری	٤٤٠
سینه زنی	٤٤١
مراسم سینه‌زنی	٤٤٣
عروسک شب‌قتل	٤٤٦
عزاداری در ماه رمضان	٤٤٧
مرگ ومراسم آن	٤٤٧
عرف وعادت	٤٤٩

موضوع	صفحه
خبرگی وعرف محل	٤٤٩
اسناد محلی	٤٥٠
سیاهه جهیز	٤٥٠
فصل نهم	
ظواهرزندگی	
ظواهر زندگی	٤٥٤
خوراك	٤٥٤
وضع تغذیه وشکل مصرف	٤٥٤
مصرف روزانه اجناس	٤٥٦
آبگوشت	٤٥٨
اشکنه	٤٥٩
آش	٤٥٩
دمبختك	٤٦٠
آبدوغ	٤٦١
پلو	٤٦١
حاضری (غذای حاضری)	٤٦١
قورمه	٤٦١
گورماست	٤٦١
ماست و پنیر	٤٦١
سرشیر	٤٦٢
ماك وآغز	٤٦٢
شیرینی‌پزی	٤٦٢
یخه	٤٦٣
توتك	٤٦٣
گوش‌فیل	٤٦٣
خاتون پنجره	٤٦٤
گندم شاهدانه	٤٦٤
قائوت	٤٦٤
چای	٤٦٤
دخانیات	٤٦٥
سیگار	٤٦٦
چپق	٤٦٦

موضوع	صفحه
قلیان	٤٦٦
پوشاك	٤٦٧
پوشش مردان	٤٦٧
کت	٤٦٨
پیراهن	٤٦٩
لباس‌پشته‌کشی	٤٧٠
شال	٤٧٠
کلاه	٤٧١
جوراب	٤٧١
کفش	٤٧١
دستکش	٤٧٢
پالتو	٤٧٢
جلیقه	٤٧٢
پیراهن‌کش (بافتنی)	٤٧٢
زیرپیراهنی	٤٧٢
شلوار	٤٧٣
پوشش‌زنان	٤٧٤
وسائل خانه	٤٧٥
وسائل خواب	٤٧٨
روشنائی	٤٧٨
تهیه‌سوخت	٤٧٩
حرکات و ژست‌ها	٤٨١
آرایش	٤٨٣
خال‌کوبی	٤٨٤
آرایش زنان	٤٨٥
پیوست‌ها	
پیوست فصل ششم	٤٨٧
تعاون وهمکاری	٤٨٧
معاملات	٤٨٨
صنایع دستی	٤٨٩
واحد وزن	٤٩٠
پیوست فصل هفتم	٤٩١

انتشارات مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی

۱ ـ کشورهای توسعه‌نیافته
Y . Lacoste . ترجمهٔ دکتر هوشنگ نهاوندی — ۱۳۴۰ — ۸۰ ریال

۲ ـ روش مردم شناسی
P . Bessaignet . ترجمهٔ دکتر علیمحمد کاردان — ۱۳۴۰ — ۴۰ ریال

۳ ـ مقدمه بر علم جمعیت
A . Sauvy . ترجمهٔ دکتر جمشید بهنام — ۱۳۴۰ — ۹۰ ریال

۴ ـ طرح روان‌شناسی طبقات اجتماعی
M . Halbwachs . ترجمهٔ دکتر علیمحمد کاردان — ۱۳۴۰ — ۱۱۰ ریال

۵ ـ روش مردم شناسی (بزبان فرانسوی)
Méthode de l'anthropologie
P . Bessaignet — ۱۳۴۰ — ۴۵ ریال

۶ ـ فشندك به ضمیمه جغرافیای طالقان (دفترهای مونوگرافی ۱)
هوشنگ پور کریم ـ محمدحسن صنیع‌الدوله — مهر ماه ۱۳۴۱ — ۷۵ ریال

۷ ـ جمعیت شناسی . جلد اول، دموگرافی عمومی
دکتر جمشید بهنام — مهرماه ۱۳۴۱ — ۱۰۰ ریال

۸ ـ انسان گرسنه (ژئو پلیتیک گرسنگی)
J . DE Castro . ترجمهٔ منیر جزنی (مهران) — مهر ماه ۱۳۴۱ — ۲۳۵ ریال

۹ ـ یوش (دفترهای مونوگرافی ۲)
میروس طاهباز — خرداد ماه ۱۳۴۲ — ۷۵ ریال

۱۰ ـ جغرافیای اصفهان (دفترهای مونوگرافی ۳)
میرزا حسین خان . بکوشش دکتر منوچهر ستوده — مرداد ماه ۱۳۴۲ — ۷۰ ریال

۱۱ ـ جزیره خارك در دورهٔ استیلای نفت (دفترهای مونوگرافی ٤)
خسرو خسروی — شهریور ماه ۱۳۴۲ — ۸۰ ریال

۱۲ ـ روشهای مقدماتی آماری
دکتر عباسقلی خواجه نوری ، مهندس عزت‌الله راستکار،
نصرت‌الله مرداری ، مهندس ابوالقاسم قندهاریان ،
مهندس علی سانی — آبان ماه ۱۳۴۲ — ۲۰۰ ریال

۱۳ ـ تاریخ اجتماعی ایران در دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ
سعید نفیسی — دی ماه ۱۳۴۲ — ۱۴۰ ریال

۱۴ ـ اصول حکومت آتن
ارسطو. ترجمهٔ باستانی پاریزی — اسفند ماه ۱۳۴۲ — ۱۵۰ ریال

۱۵ ـ ایلخچی (دفترهای مونوگرافی ۵)
غلامحسین ساعدی — اسفند ماه ۱۳۴۲ — ۱۰۰ ریال

۱۶ ـ تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان
سعید نفیسی — اسفندماه ۱۳۴۲ — ۱۴۰ ریال

۱۷ ـ قواعد روش جامعه‌شناسی
E . Durkheim . ترجمهٔ دکتر علیمحمد کاردان — خرداد ماه ۱۳۴۳ — ۱۲۰ ریال

۱۸ ـ ایل باصری (دفترهای مونوگرافی ٦)
F.Barth. ترجمهٔ دکتر کاظم ودیعی — شهریور ماه ۱۳۴۳ — ۱۰۰ ریال

۱۹ ـ روشهای تحلیلی جمعیت شناسی

دکتر امانی — شهریورماه ۱۳۴۳ — ۷۰ ریال

۲۰ ـ اقتصاد جهان فردا

دکتر هوشنگ نهاوندی — شهریور ماه ۱۳۴۳ — ۹۰ ریال

۲۱ ـ بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران

شهریور ماه ۱۳۴۳ — ۲۵۰ ریال

۲۲ ـ اصول برنامه ریزی رشد اقتصادی

ترجمهٔ دکترامیرحسین جهانبگلو — آذرماه ۱۳۴۳ — ۶۰ ریال

۲۳ ـ روش مردم شناسی بسنیه

P. Bessaignet .ترجمه دکترعلیمحمدکاردان — چاپ دوم — دیماه۱۳۴۳ — ۴۰ ریال

۲۴ ـ کشورهای توسعه‌نیافته

ایولوکوت، ترجمه دکترهوشنگ نهاوندی — فروردین۱۳۴۳ — ۸۰ ریال

۲۵ـ نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یك دوره قانونگذاری

«مطالعه‌ای از نظر جامعه‌شناسی سیاسی»

خانم شجیعی. تحقیقی شمارهٔ ۲ — خردادماه ۱۳۴۴ — ۲۷۰ ریال

۲۶ ـ روشهای تحقیق در علوم اجتماعی (جلد اول)

ترجمهٔ دکتر خسرو مهندسی — خرداد ماه ۱۳۴۴ — ۲۱۰ ریال

۲۷ ـ اصول علوم سیاسی (جلد اول)

دکتر رضا علومی — امرداد ماه ۱۳۴۴ — ۱۵۰ ریال

۲۸ ـ واقعیات حاصل از ارقام

ترجمه مهندس قندهاریان — تیر ماه ۱۳۴۴ — ۳۲۰ ریال

۲۹ـ روش بررسی وشناخت کلی ایلات عشایر

نوشته : دکتریرویز ورجاوند — شهریورماه ۱۳۴۴ — ۱۱۰ ریال

۳۰ـ خیاو یامشکین‌شهر

نوشته : غلامحسین ساعدی — آبانماه ۱۳۴۴ — ۱۰۰ ریال

۳۱ ـ بیرق ایران (تألیف ۱۷)

تألیف حمید نیرنوری — آبانماه ۱۳۴۴ — ۸۰ ریال

۳۲ ـ نشر اندیشه‌ها وروش‌های نو در روستا

نوشته : مهندس عطاءالله معتدل — دیماه ۱۳۴۴ — ۷۵ ریال

۳۳ـ روشهای توسعه اقتصادی

بقلم جان‌کنت‌گالبرایت ، ترجمهٔ دکترهوشنگ نهاوندی — اسفندماه ۱۳۴۴ — ۳۵ ریال

۳۴ـ کشاورزی ومناسبات ارضی درایران عهد مغول (ج۱)

ترجمه کریم کشاورز — اسفندماه ۱۳۴۴ — ۱۳۵ ریال

۳۵ـ کشاورزی ومناسبات ارضی درایران عهد مغول (ج ۲)

ترجمه کریم کشاورز — اسفندماه ۱۳۴۴ — ۱۵۰ ریال

۳۶ـ اهل هوا

نوشته دکترغلامحسین ساعدی — اردیبهشت ۱۳۴۵ — ۷۰ ریال

۳۷- مسائل روان‌شناسی جمعی وروان‌شناسی اجتماعی

ترجمه دکترعلیمحمد کاردان — فروردین ماه ۱۳٤٥ — ۸۰ ریال

۳۸- طالب‌آباد

تألیف جواد صفی نژاد — اردیبهشت ۱۳٤٥ — ۲۷۰ ریال

۳۹- مسائل کشورهای آسیائی و آفریقائی .

تألیف مجید رهنما — مردادماه ۱۳٤٥ — ۱۲۰ ریال

٤۰- بزهکاری نوجوانان

ترجمه : دکتر ابراهیم رشیدپور — شهریورماه ۱۳٤٥ — ٥۰ ریال

٤۱- جمعیت‌شناسی عمومی جلد اول (چاپ دوم)

تألیف دکترجمشید بهنام — آذرماه ۱۳٤٥ — ۱۰۰ ریال

٤۲- تاریخ اجتماعی کاشان

تألیف حسن نراقی — مهرماه ۱۳٤٥ — ۱۲۰ ریال

٤۳- برنامه ریزی درپنج کشور اروپای غربی، شرقی

ترجمهٔ ابوالفضل قاضی — خردادماه ۱۳٤٦ — ۱۰۰ ریال

٤٤- جمعیت‌شناسی عمومی (جلد دوم)

تألیف دکتر جمشید بهنام — خردادماه ۱۳٤٦ — ۸۰ ریال

٤٥- بامدی طایفه‌ای ازبختیاری

زیر نظر: دکترپرویز ورجاوند(تحقیقی ٤) — شهریورماه ۱۳٤٦ — ۱۲۰ ریال

٤٦- طرح روانشناسی طبقات اجتماعی (چاپ دوم)

ترجمهٔ دکتر علیمحمد کاردان — امردادماه۱۳٤٦ — ۱۱۰ ریال

٤۷- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سدهٔ هیجدهم (ج ۱)

ترجمه: کریم کشاورز — امردادماه ۱۳٤٦ — ۱۲۰ ریال

٤۸- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سدهٔ هیجدهم (ج ۲)

ترجمه: کریم کشاورز — آذرماه ۱۳٤٦ — ۱٥۰ ریال

٤۹- جامعه شناسی طبقات اجتماعی در آمریکا

از : احمد اشرف — آذرماه ۱۳٤٦ — ۱٤۰ ریال

٥۰- وضع وشرایط روح علمی

ترجمه : دکترعلیمحمد کاردان — اسفند ماه ۱۳٤٦ — ۷٥ ریال

٥۱- روشهای تحقیق درعلوم اجتماعی (جلد اول) چاپ دوم

ترجمه : دکتر خسرو مهندسی — اسفندماه ۱۳٤٦ — ۲۲۰ ریال

٥۲- انسان گرسنه (چاپ دوم)

ترجمه : منیرجزنی (مهران) — اسفندماه ۱۳٤٦ — ۲۳٥ ریال

٥۳- سینما و نوجوانان «آموزش فیلم»

ترجمهٔ : دکترابراهیم رشیدپور — اسفندماه ۱۳٤٦ — ۱۰۰ریال

٥٤- نظری به جغرافیای جمعیت

ترجمه و تألیف : دکترمهدی امانی — فروردین ماه ۱۳٤۷ — ۹۰ریال

٥٥- دنیای سال دوهزار

ترجمهٔ شریف لنکرانی — خرداد ماه ۱۳٤۷ — ۱۰۰ریال

۵۶- چند مقاله در بارهٔ دورنگری
ترجمهٔ : امیرحسین جهانبگلو — تیر ماه ۱۳۴۷ — ۷۰ ریال

۵۷- جهان سوم و پدیده کم رشدی
ترجمه : منیرجزنی — تیر ماه ۱۳۴۷ — ۱۲۰ ریال

۵۸- تحول دانشگاه‌ها در اروپا و آمریکا
ترجمه : ناصر موفقیان — بهمن ماه ۱۳۴۷ — ۶۰ ریال

۵۹- بوروکراسی در اجتماع نو
ترجمه : محمد علی طوسی — مهره ماه ۱۳۴۷ — ۵۰ ریال

۶۰- اصول برنامه‌گزاری رشد اقتصادی
ترجمه : امیرحسین جهانگلو — آذر ماه ۱۳۴۷ — ۶۰ ریال

۶۱ - منابع آمارهای جمعیتی در ایران
دکتر مهدی امانی — آذر ماه ۱۳۴۷ — ۳۰ ریال

۶۲ - فهرست مقالات مربوط به علوم اجتماعی (جلد اول)
بهمن ۱۳۴۷ — ۹۰ ریال

۶۳ - ارتباط جمعی و رشد ملی
ترجمه و تألیف : ابراهیم رشید پور — خرداد ماه ۱۳۴۸ — ۱۵۰ ریال

۶۴ - جامعه شناسی کشورهای صنعتی
ترجمه : رضا علومی — مرداد ماه ۱۳۴۸ — ۱۲۰ ریال

۶۵ - اکولوژی انسانی و بهداشت
ترجمه : دکتر سیاوش آگاه — مرداد ماه ۱۳۴۸ — ۱۴۰ ریال

۶۶ - از خشت تا خشت
نوشته : محمود کتیرائی — مرداد ماه ۱۳۴۸ — ۱۴۰ ریال

۶۷ - جمعیت شناسی عمومی
تألیف دکتر جمشید بهنام — بهمن ماه ۱۳۴۸ — ۱۸۰ ریال

۶۸- روشهای تحلیلی جمعیت شناسی
تألیف : دکتر مهدی امانی — بهمن ماه ۱۳۴۸ — ۱۰۰ ریال

۶۹ - مردم شناسی (جلد اول)
ترجمهٔ : ثریا شیبانی — فروردین ۱۳۴۹ — ۸۰ ریال

۷۰ - جهان سوم در کشورهای پیشرفته
ترجمهٔ : درهٔ مهاجرانی (میرحیدر) — خرداد ۱۳۴۹ — ۶۰ ریال

۷۱ - بحران دنیای متجدد
ترجمهٔ : ضیاءالدین دهشیری — خرداد ۱۳۴۹ — ۷۰ ریال

۷۲ - تخصص و نیروی انسانی
باهتمام : عبدالعلی فرمانفرمائیان — مهرماه ۱۳۴۹ — ۷۰ ریال

۷۳- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سدهٔ هیجدهم (جلداول چاپ دوم)
ترجمهٔ : کریم کشاورز — بهمن ماه ۱۳۴۹ — ۱۲۰ ریال

۷۴ - تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سدهٔ هیجدهم (جلد دوم چاپ دوم)
ترجمهٔ : کریم کشاورز — آذر ماه ۱۳۴۹ — ۱۵۰ ریال

۷۵ - فهرست مقالات مربوط به علوم اجتماعی (جلد دوم)
شهریور ماه ۱۳۵۰ — ۲۰۰ ریال

۷۶ - آبیاری در ترکستان
ترجمهٔ : کریم کشاورز — آذر ماه ۱۳۵۰ — ۱۴۰ ریال

۷۷- مسائل کشورهای آسیائی و آفریقائی
از مجید رهنما — بهمن‌ماه ۱۳۵۰ — ۱۴۰ ریال

۷۸- فهرست تحقیقات کودکان
از باقر ساروخانی ـ علی پورطائی — دیماه ۱۳۵۱ — ۵۰ ریال

۷۹- دولت نادرشاه افشار
م- ر. آرونوا. ک. ز. اشرفیان: ترجمه حمید مؤمنی — خردادماه ۱۳۵۲ — — —

۸۰- مکانیسم‌های از رشد ماندگی
ژ. م. آلبرتنی ، ترجمه ، الف بنی‌صدر — مهرماه ۱۳۵۲ — ۲۰۰ ریال

۸۱- درآمدی به جامعه شناسی حقوقی
ژرژگورویچ ، ترجمه حسن حبیبی — اسفندماه ۱۳۵۲ — ۱۷۰ ریال

۸۲- مطالعه درباره طبقات اجتماعی
ژرژگورویچ ، ترجمه باقر پرهام — اسفندماه ۱۳۵۲ — ۱۳۰ ریال

۸۳- وزارت وزیران در ایران
جلد نخست ـ اززهراشجیعی — فروردینماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی — ۰۰ دریال